

مجموعه
میراث ایران و اسلام

الفصول الفخرية

تأليف
جمال الدين احمد بن عنبه

به اهتمام

سيد جلال الدين محمد ثارمي

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

الفصول الفخرية في اصول البرية یکی از کتب بسیار معتبر و پرفایده
فن انساب است که به پارسی نگاشته شده.

بخش بزرگ این کتاب مربوط به انساب خاندان پیامبر است با توجه
به اینکه در این موضوع از روزگاران پیشین کتابی به فارسی بجا نمانده،
اهمیت این کتاب روشن می گردد؛ و از آنجا که مؤلف مورخی امین است
کتاب او اعتباری خاص می یابد.

مؤلف در چند بخش نخستین این کتاب به اختصار تمام از خاندانها و
قبایل زیر نیز مطالبی بیان نموده است:

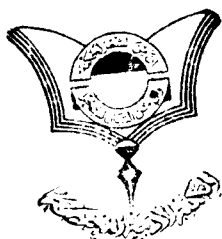
مغول (چنگیز و فرزندان او)، تیمور گورکان، سامانیان، غوریان،
سلجوقیان، ملوک یونان، ملوک فرس، اشکانیان، ساسانیان، اکراد و برخی از
قبایل عرب.

القصص الخيرية

كتاب في فضائل الخيرية

٢٨٠/٢ ن

٦/١٢

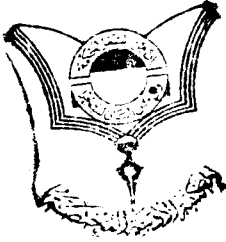


الفصول الفخریه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.
يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.
(نور: ۲۶۸، ۲۶۹)

به نام خدای مهربان بخشاینده و خدای فراخ کار است و دانای.
بدهد حکمت آن را که خواهد، و آن را که دهد حکمت، بدرستی که
داده شد نیکی بسیار، و نه پند گیرد مگر خداوندان خردها.
(از: ترجمه تفسیر طبری)

مجموعه
میراث ایران و اسلام



الفصول الفخریه

تألیف
جمال الدین احمد بن عتبّه

به اهتمام
سید جلال الدین محدث أرموی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

وابسته به

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پنج هزار نسخه از این کتاب در سال ۱۳۶۳ در چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شد.

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ اسلامی، که با کتاب خدا و منت رسول اکرم (ص) و آداب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پایه‌ریزی شده است، مقدس‌ترین و استوارترین فرهنگ جهانی است. این فرهنگ، که پس از چهارده قرن همچنان زنده و پویاست، بهترین عناصر و مسایه‌های فرهنگهای باستانی از جمله فرهنگ ایرانی را جذب کرده، تعالی بخشیده و دربنای خلل‌ناپذیر وحدت تمدن اسلامی به کار برده است.

آثار این فرهنگ درخشان در فراخنای جهان همه جا به چشم می‌خورد و تالو آنها در موارد بیشماری خیره‌کننده است. از جمله این ذخائر گرانبها کتب و رسائل هستند که در معتبرترین گنجینه‌های دنیای شرق و جهان غرب خفته‌اند و در لابلای اوراق آنها حاصل تجارب ظاهری و باطنی هزاران رهرو طریق علم و ایمان بازتاب یافته است.

بجرات می‌توان گفت که آثار مکتوب فارسی و عربی به‌طور عمده و در اساس، مبلغ و مروج اندیشه‌های اسلامی‌اند. از این رو برای بیرون کشیدن این آثار پرارزش از زیر گرد غلیظ نسیان هرچه کوشش شود اندک است. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بر این اساس و نیاز، مجموعه میراث ایران و اسلام را به یاری خداوند بیان نهاده است.

هدف این است که به اندیشه‌های اصیل فرهنگ اسلامی جان تازه بخشیم، ارزش آنها را در پر تو معنویت انقلاب اسلامی بازشناسیم و با ارائه سهم پرافتخاری که این افکار در فرهنگ جهانی داشته‌اند، اعتماد به نفس روشنفکران مسلمان را تقویت کنیم.

این مجموعه، آثار قلما را در رشته‌های گوناگون معقول و منقول در بر می‌گیرد و در آن، نخست به نشر اثبات کتب و مصنفات معتبری توجه می‌شود که چشم اندازهای تازه در جهان اندیشه و ذوق گشوده و کلید دروازه‌های روضات معنوی نوی را به دست داده‌اند. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی امیدوار است به حول و قوه الهی و با پامردی و قدم صدق ارباب علم و معرفت، در این راه خجسته، خدمات ارزنده‌ای تقدیم دارد. ان شاء الله.

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اما بعد

تقریباً بیست و چند سال پیش از این نخستین بار نسخهٔ مخطوطی از کتاب حاضر بفضل الهی نصیب گردید که قبلاً جزء کتابخانهٔ خاتم‌المحدثین حاجی میرزا حسین نوری - قدس سره - و پس از وی جزء کتابخانهٔ صهرو داماد وی حاجی شیخ فضل الله نوری شهید - طاب ثراه - بوده است چون نسخه را مورد ملاحظه و دقت قرار دادم آن را بسیار پرمغز و با معنی یافتم هرچه مطالعه زیادتر میشد اهمیت کتاب زیادتر جلوه میکرد تا آنکه در اثنای کتاب بتصریح مؤلف (ره) بنام و نسب خود برخورددم ، پس اهمیت و عظمت کتاب بجهت عظمت مؤلفش بیشتر از پیشتر نظرم را جلب کرد و نظر باعتبار مؤلف و مؤلف در موارد مقتضی مانند مقدمهٔ دیوان سید فضل الله راوندی (ص کا - ۲۱) و تعلیقات دیوان قوامی (ص ۲۱۶ - ۲۱۵) از آن کتاب نقل کرده و اندکی نیز در پیرامون آن بحث کرده‌ام ، لیکن رشاقت معانی و وثاقت مبانی کتاب و کثرت اشتمال آن بر مطالب مفیده مرا پیوسته بر آن میداشت که وسیلهٔ طبع و نشر آن را هرچه زودتر فراهم کرده و در دسترس علاقه مندان فضل و دانش بگذارم تا از آن مائدهٔ نعمت برخوردار شوند و از آن خرمن فضل و دانش بهره بردارند و دو امر ذیل این آرزو را در ضمیر من قوی‌تر میگردانید :

۱ - مختصر و مفید بودن آن بطوریکه حقاً میتوان گفت کتابی است قلیل اللفظ کثیر المعنی ؛ صغیر الحجم غزیر الفحوی ، و مطالب مورد بحث آن نیز در حدّ خود جالب توجه و حائز اهمیت است .

۲ - آنکه کتاب بزبان فارسی تألیف شده است زیرا کتاب نسب معتبری بفارسی که مؤلف آن مانند مؤلف این کتاب اعنی نسابه شهیر جمال الدین احمد بن عنبه در علم نسب تبهر و مهارت داشته باشد در دسترس نداریم .

در مقابل این دو امر دو امر دیگر جلو این قصد را می گرفت :

۱ - منحصر بفرد بودن نسخه با کثرت اشتمال آن بر اعلام اشخاص و اماکن بطوریکه بالغ بچند هزار می باشد و بعضی از آنها نیز نه تنها مأنوس باذهان نیست بلکه در کتب لغت نیز از قبیل قاموس و تاج العروس و همچنین در کتب خاصه اعلام مانند تهذیب الاسماء نووی و همچنین در کتب رجال و تراجم احوال و مظان دیگر ضبط و ذکر نشده ، تا وجه صحیح آن را بزودی بدست آورد پس احتیاج بوجود نسخه دیگر از کتاب بسیار مبرم بود .

۲ - چون موضوع بحث در قسمت اول کتاب ؛ تاریخ عمومی است ممکن است مانند نوع تواریخ قدیم شرقی گاهی مطلبی پیش آید و سخنی نقل شود که با موازین کنونی منطبق نشود و با مسلمات عصر حاضر موافق نباشد از این روی اشمئزاز خاطری برای خواننده پدید آید یا این پیش آمد موجب شود که مقام شامخ برخی از بزرگان در نظری تا حدّی بگاهد و این خود امری قابل توجه است و شاید از این روی بوده که بعضی از اعظام مورّخین ما بذکر معجزات در تاریخ خود نمی پردازد و بیان آنها را بتألیف کتابی دیگر محول مینماید و حدیث شریف « کلموا الناس علی قدر عقولهم » نیز تا حدّی این امر را تأکید میکند .

مدتی این امور بصورت مقتضی و مانع باهم تنازع داشتند و در دل آمد و شد میکردند تا اینکه از حسن اتفاق نسخه دیگری از این کتاب نصیب دانشمند فقید دکتر مهدی بیانی « رئیس وقت کتابخانه سلطنتی و استاد دانشگاه تهران » گردید

بمحض اینکه آن مرحوم از عزم نگارنده بر چاپ آن باخبر شد نه تنها نسخه را در اختیار نگارنده گذاشت بلکه علاقه خود را از آن منقطع کرده و نسخه را بنگارنده اهدا فرمود پس چون بانضمام این نسخه بنسخه اولی موضوع انحصار منتفی شد عزم بر طبع آن بمقام جزم رسید زیرا نظر باطلاعات وسیع پهناوری در موضوع انساب دودمان پیغمبر و ائمه اثناعشر که این کتاب در دسترس خوانندگان میگذارد و این خود فایده بسیار مهمی است احتمال اینکه شاید مطلبی در آن پیدا شود که با ذوق برخی از ابناء این عصر موافق و سازگار نباشد یا در واقع سست و بی اساس باشد بی مورد است، چون تصمیم بر طبع و نشر کتاب گرفتم و فرصت تصحیح و مقابله آن را نداشتم و تأخیر آن را نیز روا نمی دانستم از بیم آنکه مبادا مانعی پیش آید و فرصت فوت شود و خدا نکرده این نسخه در معرض فنا و زوال قرار گیرد از این جهت تصحیح آن را بر عهده آقای سید کاظم موسوی میامی دام توفیق که صلاحیت آن را از هر جهت داشتند گذاشتم و از استاد اجل آقای جلال الدین همائی دامت ایام افاضاته نیز درخواست کردم که مقدمه درخور و مناسبی در پیرامون معرفی مؤلف و مؤلف برای آن مرقوم فرمایند ایشان نیز نظر بلطف خاصی بنگارنده دارند این خواهش را پذیرفتند امید آنکه این خدمت ایشان در پیشگاه عظمت حضرت احدیت جلّت اسماؤه و عمت نعماؤه مقبول افتد بحق محمد و آله.

چیزی که ذکر آن را در اینجا لازم میدانم آنستکه نسخه فارسی دیگری از آثار همین مؤلف هست که آن را بنام «التحفة الجلالیة فی انساب الطالبیة» موسوم ساخته و دو نسخه نیز از آن کتاب در کتابخانه نگارنده هست و در نظر داشتیم که آن را نیز چاپ کرده و با این کتاب در یک مجلد قرار دهیم زیرا که هر دو فارسی و تألیف یک مؤلف میباشد فقط فرقی که هست این است که آن مخصوص بانساب سادات است و این کتاب یعنی الفصول الفخریة بغیر انساب سادات نیز پرداخته است لیکن آن عمل بجهت فراهم نبودن سایر وسائل میسر نشد امید آنکه آن نیز بیاری خدا طبع و نشر شود و چون خوض در ذکر خصائص آن بطول میانجامد باین اشاره اجمالی اکتفا شد.

ناگفته نماند که آقای موسوی در تصحیح کتاب زحمت بسیار کشیده و رنج فراوان برده است شکرالله تعالی سبیه لیکن چون کتاب دارای اعلام زیاد است و هریک از دو نسخه موجود نیز دارای سقم و سقط و تحریف و تصحیف بود و وظیفه حفظ امانت نیز مانع از تصرف بصرف گمان و حدس و تخمین بود از این روی گاهگاهی غلط و اشتباه در مطالب کتاب و مخصوصاً در اعلام آن بنظر میرسد امید است که ارباب فضل در مقابل زحمات طاقت فرسایی که وی تحمل نموده و در برابر تصحیحاتی که انجام داده اند از این مقدار سهو و اشتباه گذشت فرموده و بقلم اصلاح در صورت توجه بغلط بمقام رفع نقیصه برآمده و بتصحیح آن پردازند و الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله .

اینک مقدمه ای را که آقای موسوی - دام توفیق - نوشته اند در این مورد میگذارم تا خوانندگان را نسبت باین امر مستحضر سازد .

مقدمه آقای موسوی *

بسمه تعالی

از کتاب حاضر فقط دو نسخه در دست بود و از آنها بنام الف و ب یاد میکنیم: نسخه الف بقطع جیبی و نسبتاً دقیق نوشته شده است و بعداً بوسیله فردی که اطلاعات و معلومات مختصری از انساب داشته دستکاری گردیده است، و همین دستکاریها موجب اشکالات فراوانی شد که از جمله آنهاست تحریف نام کتاب به الفصول الغریبه.

نسخه ب بقطع وزیری و با چند خط مختلف برشته تحریر درآمده که بعضی از آنها خالی از مزایای هنری نیست ولی بعض دیگر بزحمت خوانده میشود و حتی نویسنده در نقطه گذاری هم صرفه جوئی کرده است و احياناً بر اثر قلت اطلاع بعضی از کلمات و اعلام مسخ شده و بصورت های شگفت آوری درآمده است علاوه بر این در استنساخ دقت کافی نشده است و کلمه ای یا جمله ای یا سطرى از قلم افتاده است بدیهی است هیچ یک از این نواقص سبب نمیشود که از این نسخه چشم پپوشیم بلکه لازم بیاد آوری است که مشکلات زیادی بوسیله آن حل شده است.

با توجه بخصوصیات دو نسخه، نسخه الف را اصل و مبنای کار قرار دادیم و آنچه از نسخه ب افتاده بود بین دو گروه [] گذاشته شد.

هرچه از دشواری تصحیح این کتاب بگوئیم کم گفته ایم، کسانی که با تصحیح کتاب سروکار دارند میدانند بررسی کتابی مهجور و منزوی که نسابان و کسانی که شرح حال صاحب عمدة الطالب را نوشته اند از آن اطلاعی نداشته اند و در مجموعه های

* شهید سید کاظم موسوی از روحانیون متعهد و مبارز در صحنه انقلاب اسلامی ایران بود که در فاجعه حزب جمهوری اسلامی (هفت تیرماه ۱۳۶۰) همراه با هفتاد و اندی از یاران امام به شهادت رسید. رحمت الله تعالی علیه.

کتاب نامی از آن برده نشده و نسخه آن منحصر به دو نسخه مشروحه است ، تا چه حد خسته کننده و پر زحمت میباشد و فقط رعایت حقوق عظیمه ای که استاد محترم جناب آقای دکتر محدث بر اینجانب دارند تقبل تصحیح چنین کتابی را بر ابرام میسور نمود ، و لطف حق تعالی و نظر معصومین پاک کمک فرمود که این کار بزرگ بانجام رسد .

برای تصحیح کتاب و ضبط اعلام آن کتابهای زیر مورد استفاده قرار گرفت :

ارشاد مفید	روضة الصفا
اشتقاق ابن درید	سيرة النبوة ابن هشام
الاصابة ابن حجر	شرح مجانی الادب
الاعلام زر کلی	عمدة الطالب
بحار الانوار علامه مجلسی	عهدین (تورا و انجیل)
بستان السیاحه	قاموس کتاب مقدس
البيان والتبيين جاحظ	مجانى الادب
تاریخ ایران سر پرسی سایکس	مجمع الامثال میدانی
تاریخ جهان آرا	مراصد الاطلاع
تاریخ طبری	مروج الذهب مسعودی
تاریخ مختصر فروغی	معجم قبائل العرب
تاریخ مغول	معجم ما استعجم بکری
تاریخ یعقوبی	مفتاح كنوز السنه
تفسیر عیاشی	ناسخ التواریخ
دائرة المعارف بستانی	

۱۳۴۵/۱۲/۱۱

برابر

۲۲ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۸۶

سید کاظم موسوی

ناگفته نماند نسخه‌ای را که آقای موسوی آنرا به « الف » معرفی کرده نسخه‌ایست که نوشتیم آن متعلق بمحدث نوری (ره) بوده است از این روی قویاً میتوان حدس زد که دستکاری در آن بوسیله خود آن بزرگوار بعمل آمده است والله العالم بحقیقه الحال. اینک مقدمه را بپایان رسانیده و پنج صفحه از دو نسخه مذکوره را عکس برداری کرده و بعنوان معرفی آنها ضمیمه مقدمه میکنیم تا خوانندگان بصیرت بیشتری بوضعیت اصل کتاب بدست آورند و سپس بنقل مقدمه استاد همائی دام بقاؤه میپردازیم . والسلام علی من اتبع الهدی .

شانزدهم ذی القعدة الحرام من شهر سنة ۱۳۸۷

برابر

۲۶ بهمن ۱۳۴۶ شمسی هجری

میرجلال الدین حسینی ارموی

محدث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله الذي خلق الإنسان من سلاله من طين واصطفاه
 خلافة من بين جميع للعالمين وجعله مورد الفرائد
 اللطاف ومصدراً للحجاب الاوصاف والصلوة على
 اشرف النعم وافضل العرب والجم شيدنا الى العلم محمد
 النابت من مغرس الغار في الشرف القدموس المصطفى
 من خير اليبوت كما اخض نخير النفوس وعلى آله المرفعين
 من ذوجه نبوة المرفعين الى دروه الشرف بمحمد نبوته
 وعلى آله المعروفين بشرف القول من مرتب العناية المعرو
 بشرف القول من مهيب الرعاية ما انتب فرع الاصل
 واصف نيب الفضل او وصل في كمال ما انتب
 الباب روشن وواضح است كما اشرف صفاتنا
 وانفس ملاين بفتاني بحلي زبور علوم وتخلي ازجمل

مكتبة
 دار
 الفقه
 والعلوم
 الإسلامية
 طهران

آخر ما وعدنا من هذا الكتاب

والمدة العزيز الوهاب والصلوة

على سيدنا محمد النبي

وعلى خلائه من آل

والاصحاب

بلغ مقابلة وتفتيحاً وتوضيحاً وتبييناً
وما يصلح له في التبيين والتوضيح وبسط البيان
ما شذ عن سبيل البيان فالفهم عندكم المبرر
سبل والعفو عن ذلك في كثير من الأدب الفضلاء
سبل وإن شاء الله تعالى في كل الأعراف لها من كفاء
الافاضل عرفاء كما هي شمسنا الكرام لا سيما في بلاد
اليام من خطا وسبل وهو قدس وتعالى العاصم
الخطا في المقال في بيان الحال ومنها الحال والحال
الكل المعال والفصل في كل المعال وكل المعال
وكل المعال وكل المعال وكل المعال وكل المعال

تفویض
فصل

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من سلالة من طين واصطفنا مظلومة من جميع عالم الارض
العالمين وجعله مورخ الغرائب والاطراف ومصدر الجبابرة والوصاف والصلوة على اشرف
الانبياء وافضل العرب والجم سيدنا ابي القاسم محمد بن عبد الله بن مريم الصارخ الشوق
القدوس المصطفى من جبر البؤس كما اخفى بجزر الرموس وعلى اله المنقرعين من مروه
نبوة المنقرعين الى خزوة الشرف بمحمد نبوة وعلى اله المعرقين نثر القبط من جرب
الضاية المعرقين بنشر القبول من محجب الرغاية ما انقبت فرغ الى صلبه انصف سب
بفضل او وصل استألف برار باب ابواب روشن وواضح است که اشرف صفات
انسانی و انفس ملائک نفسانی تجلی بزهر علوم و تجلی از جهل مذموم و علم تاریخ
و اسباب و لطایف نکت و آداب از مهمات معارف و حلاله و عوارف چه تفحص انواع عالم
و تعرف احوال بنی آدم و شناختن آنجه میان آدمیان از مناسبات و آنچه واقع شد
از غرائب و عجایب موجب وقوف بر امور خلق و معرفت حکمت حق و ازین جهت حضرت
رسالت علیه الصلوات و احوال الخیالات فرمودست تعلوا انصابکم بقولوا اوصامکم
و همیشه اکابر عرب و سره او ان ایشان این علم را ورزیده اند و بتوفیق در معرفت آن مناظرقت
و معامات نمودند چنانچه ذاه ملوک ایشان با معترفند ان خود گفت در اثبات
و تبیین که کرد و علمهم انساب و الخیالات و فصل علم الملوک عبد المطلب ابن هاشم نسابه
بود و همچنان پسرش ابو طالب و عقیل بن ابی طالب و ازین جهت برادرش امیر المومنین علی
با او فرمود و در بعض اوقات نظر الی امرأة قد ولدتها الفحل من العرب لا یوسفها العوانک
من سلیم و علی الذوام کابر سادات و افاضل ایشان به علم نسب اشتغال نمودند و تحقیق
انساب و رجزه ساختن و اوطم ملوک و ذراعت تمام دهران داشتند و علمای
آن فن را به تقریب و تعظیم مخصوص کردند و بحال سر خود علی بقایق الامام مزین
بود اسادان وقت که رونق علم اعلی المراتب یافته بود و سلطان فضل محض و حرف
اتباع جنود و سموں و مشرق و مغرب او موفق و در این روزگار اوطان
فضل خالی گشتند و سلطان او برکنده شدند و چنان شد که دعوی بر بهان و

در نیل و ایشانرا بنو مرقد میخوانند از ایشان السید العلم صفی الدین محمد بن الحسن
بن محمد بن ابی الرضا و پدرش شیخ مامد الدین حسن و نسل دارند و از ایشان بنو الحسن
ابو العاصم محمد بن ابی الحسن علی بن علی بن ابی العاصم محمد بن الحسن بن علی بن
سیمون بن الحسن بن مرقد بنیه دارند در نیل و طبری باشند و نسل محمد القوی بن علی بن
شیخ میراند از ایشان علی الصریح از نسل او محمد طحطه المسلم الطار انبات نسب خلفای هر
کرد و از ایشان الشیخ ابو الحسن علی بن ابی العاصم محمد بن علی بن محمد بن محمد طحطه بن
در عصر او با هر منتهی و سخن او بعد از او و حجه مامد و مشایخ بزرگ درین فن یافتند و
کرد کتاب المحدث و کتاب الثانی و شیخ و از بصره موصول متصل شد و در آنجا او را فرزند
بود و پدرش ابو العاصم بنیر نشایه بود و محمد حعفر بن یاسم ابن ابی الحسن طحطه که در آن
خود روایت کرد و از ایشان الحسن بن محمد القوی نسل او را بنی القوی میخوانند تا
امروز و از ایشان ابو الیبرکات مسلم و او را مامون میخوانند ابن الحسن بن علی بن محمد
الحسن بن محمد القوی نسل او را بنی مامون میخوانند از ایشان ابو العاصم بنی نسل احمد
العاصم بنی سرکانت المسلم بن الفضل بن المسلم مامون و از ایشان بنت حسن و مامری
بودند و اکنون در سواد طبری باشند و ایشان فرزندان حسن ابی منصور محمد بن الحسن
بن المسلم مامون المذكور و از ایشان بنو هج علی بن حسن بن ابی طالب محمد بن القوی
مذكور بنیه دارند و در کوفه و بیاری بودند و از ایشان بنو المصور ح علی بن محمد بن علی
هج المذكور و از ایشان عبد الله بن محمد القوی از نسل او بیت البین در کوفه بودند و از ایشان
الشریف الفاضل الشایه ابو علی عمر بن علی بن الحسن بن عبد الله که او را موضع میگویند و او
از ایشان الشریف الفاضل الشایه ابو علی عمر بن علی بن الحسن بن عبد الله بن محمد بن علی بن
و از مشایخ پدرش ابی العاصم بن و از ایشان الحسن بن محمد القوی از نسل او یاسم
بن یحیی بن الحسن المذكور شیخ عمری گفت که او را و برادرانش را محمد
و عبد الله و سلیمان بنیه در مصر و شام میباشند و هذا آخر
ما وعدنا ما سانه فی هذا الکتاب و الحمد لله العزیز
المعز و الصلوة علی سیدنا الاحق
محمد النبی و علی خلائه من الازل
والا محاسب

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله
الطاهرين سلام الله عليهم اجمعين .

کتاب حاضر موسوم به الفصول الفخریة فی اصول البریة^۱ یکی از مؤلفات بسیار معتبر و پرفایده^۲ فن^۳ انساب است بفارسی از سید عالم فقیه ادیب مورخ نسابه^۴ بزرگ قرن ۸-۹ هجری معروف به ابن عنبه یعنی جمال الدین احمد بن علی بن حسین بن علی بن مهتاب بن عنبه^۵ حسنی داودی صاحب کتاب مشهور عمدة الطالب فی نسب آل ابی طالب که از مفاخر عهد دولت امیر تیمور گورکان متوفی ۸۰۷ و پسرش شاهرخ متوفی ۸۵۰ هجری قمری بوده و علی المعروف در هفدهم ماه صفر از سنه ۸۲۸^۶ در بلده کرمان بر حمت ایزدی پیوست و این کتاب را در ایام سلطنت شاهرخ ۸۰۷ تا ۸۵۰^۷ برای یکی از اعیان فضلی سادات صدور و نقباء بزرگ آن عهد بنام فخر الدین حسن حسینی تألیف کرد که او را با عناوین والقباب شامخ نقابت و وزارت و حکومت ستوده است^۸ و نسب نامه^۹ او را بعداً از روی محتویات همین کتاب ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی . مزایای کتاب و خصوصیات اصل نسخه و چگونگی تصحیح آن را خود حضرت سید عالم فاضل جلیل آقای دکتر میرجلال الدین محدث ارموی دامت افاضاته العالیة که متن کتاب بهمت ایشان تصحیح و طبع شده و تعلیقات حواشی

۱ - متن کتاب طبع حاضر ص ۴ . ۲ - صاحب کشف الظنون فقط همان

ماه صفر آن سال را نوشته است بدون تعیین شماره روز . ۳ - ص ۱۶ نسخه حاضر .

۴ - ص ۳-۴ کتاب حاضر .

نیز از رشحات خامه و طراز افادات و افاضات معظم له زینت و توشیح یافته است جداگانه خواهند نوشت آنچه حسب الامر بر عهده این حقیر محوّل شده ترجمه حال مختصری است از مؤلف کتاب که اینک بعرض خوانندگان میرسانم و مأخذ عمده بنده در این شرح حال نوشته ای خود مؤلف است در کتاب حاضر و کتاب شریف عمدة الطالب که از مأخذ بسیار مهم معتبر کثیر الفایده انسب علویان و سادات آل ابی طالب است، و من الله التوفیق و علیه التکلان.

مؤلف کتاب حاضر با صاحب عمدة الطالب یکی است

اما این که مؤلف کتاب حاضر همان سیّد جمال الدین احمد بن علی بن غنیه صاحب عمدة الطالب باشد دلایل قاطع و نیز امارات و قراین که مؤید صحت آن دعوی باشد بسیار است.

۱ - بزرگترین دلیل مسلم قاطع این دعوی تصریح خود مؤلف است در صفحه ۱۱۷ (نسخه حاضر) بدین قرار که در فصل اعقاب عبدالله محض ابن حسن مثنی یعنی حسن فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام در ذیل فرزندان و بازماندگان محمد ابن یحیی بن عبدالله که او را محمد وارد یعنی آن محمد که از حجاز بعراق وارد شده و اینجا خاندانی بزرگ از سادات حسنی تشکیل داده بود مؤلف کتاب از خود نام میبرد باین عبارت: «از فرزندان ایشانست مؤلف این مختصر احمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا بن غنیه بن علی بن معد^۱ بن غنیه بن محمد الوارد احسن الله احواله». باقی سلسله نسب او را تا حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام از روی مسطورات خود او عن قرب ذکر خواهیم کرد.

۲ - از جمله قراین و امارات قوی بر تأیید صحت انتساب کتاب حاضر بصاحب عمدة الطالب این است که در هر دو کتاب (عمدة الطالب: ص ۶ طبع بمبئی، و کتاب حاضر: ص ۷۶) جد مادری خود را یکی از مشایخ علمای قبیله بنی اسد

۱ - در یکی از نسخ خطی عمدة الطالب «سعد» بجای «معد» نوشته شده است.

بنام و عنوان الشَّيْخ الفاضل العلامة^۱ فخرالدین ابوجعفر محمدبن الشَّيْخ العلامة زین الدِّین حسین بن اسماعیل بن ابراهیم محمدبن حدید اسدی^۲ معرفی می کند، که مادر وی دختر علم الدِّین اسماعیل بن نجیب الدِّین محمدبن جعفر بن نمای ربعی بوده است^۳.

۳ - نیز از مؤیدات صحّت مدّعی ما این است که مؤلف رحمه الله تعالی سید تاج الدِّین محمدبن معیة نقیب حسنی دیاجی را در هر دو کتاب (عمدة الطالب : ص ۱۴۹ و کتاب حاضر : ص ۱۲۷) ؛ و همچنان سید مجد الدِّین محمدبن علم الدِّین علی نقیب را در هر دو کتاب (عمده ص ۲۴۳ و کتاب حاضر ۱۵۸) از مشایخ خود نوشته است در باره معرفتی مشایخ مؤلف و فَنونی را که وی پیش ایشان تحصیل کرده است در فصول بعد مفصلتر گفتگو خواهیم کرد.

میر فخر الدِّین حسن حسینی که کتاب حاضر برای او تألیف شده است در آغاز کار نوشتن این مقدمه که از نسخه کتاب حاضر فقط ۹۶ صفحه طبع شده در اختیار حقیر قرار گرفته بود در باره معرفتی و ذکر نسب نامه فخر الدِّین حسن حسینی که کتاب برای او و بنام او تألیف و در دیباجه اش (ص ۳ - ۴) شرحی مبسوط در تعریف و تمجید وی نوشته شده است و جوه مختلف و احتمالات گوناگون بخاطر حقیر می آمد که البته هیچ کدام از حدّ حدّس و گمان خارج نمی شد و مفید قطع و اطمینان نبود از این قبیل که شاید این شخص میر فخر الدِّین حسن بن

۱ - در یکی از نسخ خطی عمدة الطالب « النسابة » بجای « العلامة » و در نسخه

دیگر هر دو را با هم « العلامة النسابة » نوشته است . ۲ - در عمدة الطالب با

حذف سه واسطه نوشته است « وجدی لاسی المولی الشَّيْخ العلامة فخرالدین ابوجعفر محمدبن

الحسین بن حدید الاسدی : ص ۶ طبع بمبئی » . ۳ - قسمت اخیر را که مادر او

دختر « علم الدین اسماعیل » بود در عمدة الطالب متعرض نشده است و این امر موجب

خدشه ای در اصل استدلال نیست کما لا یخفی علی من له درة فی المباحث العلمیة .

علاءالدین مرتضی بن فخرالدین حسن حسینی باشد از سلسله سادات نقباء و رؤساء ملوک ری که از اعقاب علی کیاکی بن عبدالله بن علی بن ابراهیم بن اسماعیل متقذی بودند و نسب ایشان منتهی میشود به حسین اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام^۱ و گاهی با احتمال بعید بخاطر می آمد که شاید این شخص امیر فخرالدین بن شمس الدین محمد باشد عموی عالم فاضل و معلّم میرغیاث الدین محمد بن امیر یوسف از رؤسای هرات که نسب او نیز به حسین اصغر بن حضرت سجّاد علیه السلام می پیوسته و در کتاب حبیب السیر^۲ ضمن ترجمه^۳ حال «میرغیاث الدین محمد» از وی نام رفته است .

از این گونه شکوک و احتمالات زیاد بود که مدتی از اوقات این حقیر را بخود مشغول داشت اما از هیچ کدامش آرامش قلب و برد یقین بحاصل نمی آمد و همچنان باز در صدد تحقیق و پی جویی بودم تا اینکه خوشبختانه قسمت طبع شده کتاب حاضر تا صفحه^۴ ۱۹۲ بدستم رسید و مشکل ما را بکلی رفع کرد ، یعنی با پیدا شدن آب دیگر جای تیمّم نبود ، در جزو آخرین قسمت ملاحظه شد که خود مؤلف رحمه الله تعالی در فصل اعقاب علی اصغر ابن امام زین العابدین علیه السلام مجدداً از همان فخرالدین حسن حسینی که کتاب را برای او تألیف کرده است با ستایش و تبجیل و تعظیم فراوان نام برده و نسب او را تا چند پشت خیلی مفصّلتر از آنچه در دیباچه نوشته بود ذکر کرده است ، بالجمله از روی نوشته ای خود مؤلف در فصل سبط ششم (ص ۱۸۷ بعد) معلوم شد که « فخرالدین حسن » مورد بحث یکی از اعظام سادات حسینی افضسی و اکابر نقباء و اعیان رجال معاصر مؤلف در ایّام سلطنت « میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکان ۸۰۷ - ۸۵۰ ق » بوده که رشته نسبش بابیست واسطه بحضرت سجّاد علیه السلام می رسیده است بدین قرار :

میر فخرالدین حسن بن شمس الدین محمد بن شرف الدین حسین بن علی بن

۱ - برای نام و نسب این سلسله رجوع شود به عمدة الطالب : ص ۲۸۲ .

۲ - ج ۴ ، ص : ۵۸۱ طبع خیام .

ابی الفضل محمد بن علی بن ابی المعالی محمد بن ابی القاسم^۱ بن طاهر بن علی بن حسین داعی ابن ابی علی حسن^۲ بن ابی القاسم جعفر بنی ابن ابی محمد حسن اعرج^۳ ابن ابی عبدالله حسین^۴ بن علی بن عمر^۵ بن حسن افطس^۶ بن علی اصغر ابن امام زین العابدین علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

نوشته مؤلف درباره نسب و نژاد فخرالدین حسن حسینی

اما گفتار مؤلف در باره فخرالدین حسن که مایه شناسائی نسب نامه او شد مربوط است بصفحه ۱۹۱-۱۹۲ در ذکر اعقاب ابو الفضل محمد بن علی بن ابی المعالی محمد که در عمود نسب جد سوم یا پشت پنجم « فخرالدین حسن » می شود باین عبارت :

و از نسل او [یعنی ابو الفضل محمد] شرف الدین محمد بن الحسن بن علی بن ابی الفضل مذکور، و برادران او و برادرزادگان او و از ایشان : السید شرف الدین

۱ - از سادات متقیم کاشان بوده است : نسخه حاضر ص ۱۹۱ . ۲ - از

سادات متقیم « آبه » بوده و آنجا اعقاب داشته است : ص ۱۹۱ . ۳ - کان ینزل

رستاق قم [ص ۱۹۱ نسخه حاضر] . ۴ - صاحب عمدة الطالب نوشته است که

این « ابو عبدالله حسین » ساکن بلدة قم بود « و ابو عبدالله الحسین یقم : ص ۳۱۰ » اما

کتاب منتقلة الطالبية که اقدم واضح مآخذ درباره این قبیل مطالب است او را از سادات

متقیم اصفهان می نویسد ، و یک نفر دیگر را بهمین نام « ابو عبدالله حسین » که فرزند

عبدالله اصغر ابن عباس بن عبدالله بن حسن افطس است می گوید بقم بلدة قم بود والله اعلم

بالصواب . ۵ - عمر بن حسن افطس در واقعه فح که از حوادث سنه ۱۶۹ هجری

است حضور داشت (عمدة الطالب ص ۳۱۰ و نسخه حاضر ص ۱۹۰) .

۶ - حسن افطس را « ریح آل ابی طالب » می گفته اند ، در واقعه قیام محمد نفس

زکیه ابن عبدالله محض این حسن مثنی حامل رایت بود درباره اخلاق و رفتارش سخنهاست

اما در خصوص نسب میادتش حرفی نیست رجوع شود بکتاب حاضر (ص ۱۸۷ و عمدة الطالب

ص ۳۰۵) .

حسین بن علی بن ابی الفضل مذکور. جدّ المولی السیّد الاجل صاحب القرآن الاعظم مستخدم وزراء العالم آصف العهد والزمان ذوالهمم العلیّه و النفس القدسیّه فخر - العتره والدین الحسن ابن السیّد شمس الدّین محمد ابن السیّد شرف الدّین حسین مذکور که بی تکلف آنکه همت او مقصور است بنشر فضایل و تربیت افاضل و عمارت بقاع جهت علما و اشراف ، و ایقاف اوقاف نفیس بر آن مثل مدرسه و خانقاه و دار - السیاده در بلده سبزوار ، و دار الحدیث در مشهد الا امام ابی الحسن علی الرضا علیه السلام و همت او در این ابواب علی الدوام اقتضا می کند و در این وقت ملاذ و مربّی فضلاء و سادات است و این مختصر بالقاب شریف او موشح گشته و خاصّ بنام او نوشته خلد الله تعالی ظلال جلاله و زین الوجود بدوام مجده و اقباله بمحمد النبی وآله .

داستان سید تاج الدین نقیب و خواجه رشید الدین فضل الله همدانی وزیر

گفته شد که « سید فخر الدین حسن » منظور مؤلف از سادات حسینی افسسی بوده و از جمله سادات بزرگ این سلسله است سید تاج الدین ابوالفضل محمد بن مجد الدّین حسین بن علی بن زید داعی که در زمان سلطان محمد اول جاتیو خربنده^۱ یا خدابنده ۷۰۳-۷۱۶ نقیب النقباء کلّ ممالک عراق و خراسان و ری و فارس بود و در قلمرو دولت اولجايتو قدرت و نفوذ کلتی داشت بهمین سبب و نیز بعلل و اسباب دیگر که گویا عمده اش تعصبات نژادی و مذهبی بوده است مورد بغض و کینه شدید خواجه رشید الدّین فضل الله همدانی وزیر معروف واقع شد و قصد او کرد عاقبت هم بحيله و سعایت و اسباب چینی او خود « سید تاج الدین » را با دو پسرش شمس الدّین حسین و شرف الدّین علی در کنار شطّ بغداد با وضع فظیع بکشتند ، چنانکه بعضی از اجلاف عوام و متعصّبان حنابلّه بغداد جسد سیّد را پاره پاره کردند و گوشت او را بخوردند

۱ - احتمال قوی می رود که « خربنده » اینجاد راصل بضم خاء نقطه دار یعنی خوربنده باشد

از کلمه « خور » با واو معدوله که در رسم الخط قدیم گاهی بدون واو بصورت خر نوشته میشده است نظیر [خورشید - خورشید] و از این قبیل است کلمه « خرداد » و « خراسان » که از ترکیبات « خور » است و آن را بدون واو معدوله نوشته اند .

و هر موی اورا بیک دینار بیکدیگر فروختند و این واقعه بنوشته^۱ عمده الطالب در ماه ذی القعدة و بضبط دقیقتر که صاحب تاریخ و صاف^۲ گفته است در روز دوشنبه غره^۳ ذی الحجة از سنه ۷۱۱ هجری اتفاق افتاد .

اعتراض مؤلف این کتاب بر صاحب تاریخ و صاف

صاحب تاریخ و صاف گویا از راه خوش آمدگویی و عیب پوشی از عمل ننگین خواجه رشیدالدین که مخدوم و مربی ولی نعمت او بوده است از جاده^۴ انصاف و حقیقت گویی که شأن و وظیفه^۵ مورخ بی غرض است خارج شده و شرح آن حادثه را که از وقایع عبرت انگیز تاریخ است طوری نوشته و سید تاج الدین را چندان نکوهیده و بر وی گناه شمرده که مستوجب چنان عقوبتش و انمود ساخته و در ضمن بیان مظالم و مثالب نفی سیادت هم از وی کرده است^۶ مؤلف فاضل ما رحمة الله علیه در همان فصل که گفت و گو از نسب نامه^۷ سادات حسینی افضسی است واقعه^۸ سید تاج الدین نقیب و خواجه رشیدالدین فضل الله را چنانکه شایسته و در خور مورخ محقق است خالی از شبهه^۹ غرض و تعصب بسیار مفصل تر و پرفایده تر از کتاب و صاف می نویسد و صاحب و صاف را در نفی نسب سیادت سید تاج الدین تخطئه میکند باین عبارت : « و شرف الدین^{۱۰} و صاف صاحب تاریخ نیز او را نفی کرد و حکایتی چند باطل در تاریخ خود نوشت و راست آنکه این سید تاج الدین صحیح النسب است و آنچه در باب او از طعن و نفی نوشتند غیر واقع است (ص ۱۸۹) » ، انصاف را آن همه اهتمام و عنایت که از صاحب و صاف در نکوهش و بدگویی حتی نفی سیادت و طعن در نسب سید تاج الدین دیده می شود پیداست که بی سببی نیست ، و این خود بظن^{۱۱}

۱ - و صاف الحضرة اديب عبدالله بن فضل الله شیرازی منشی و مورخ معروف قرن

۷-۸ زمان غازان خان و سلطان اولجایتو . ۲ - تاریخ و صاف : ص ۳۸ طبع

۳ - بمبئی . ۳ - اگر نسخه حاضر صحیح باشد بزرگترین مأخذ یا تنها موضعی است

که اديب عبدالله و صاف الحضرة را بالقب « شرف الدین » می بینم و معروف در باره او لقب شهاب الدین است والله اعلم بالصواب .

قوی همانست که میخواست از مخدوم ولی نعمت خود خواجه رشیدالدین فضل الله حمایت و جانب داری کرده و عمل قبیح او را توجیه صحیح کرده باشد و لا اقل از شدت قبح آن در تاریخ بکاهد ولیکن حق اینست که اگر بر فرض سید تاج الدین یا فرزندان او از حیث اخلاق و بد رفتاری بامر دمان مستوجب طعن و ملامتی هم بوده اند نباید این امر را با طعن و قدح در نسب سیادت ایشان مخلوط کرد؛ چه بسا که در سادات صحیح النسب حتی امام زادگان قلیل الواسطه از قبیل خود حسن افطس که نوه حضرت سجاد علیه السلام بود و همچنین پسر وی حسین بن حسن افطس، و نیز محمد ارقط که نواده دیگر حضرت سجاد است از طریق عبدالله باهر، و محمد بن اسماعیل ابن امام جعفر صادق علیه السلام و امثال ایشان اشخاصی بوده اند که اخلاق ناپسند بایشان نسبت داده و مخصوصاً گفته اند که: رفتارشان با ائمه علیهم السلام خوش آیند نبوده است^۱ و با این حال در صحت نسب ایشان تردید نیست و از شأن مورخ و عالم نسابه دور است که برای خوش آمد کسی در مذمت رقبا و خصوم وی

۱ - درباره حسن افطس معروفست که با حضرت صادق علیه السلام خوش رفتاری نداشت؛ ابونصر بخاری در کتاب سرائساب می نویسد: وکان بینہ و بین الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام کلام و وحشة؛ طعن علیه لذلك لالشیء فی نسبه (نسخه خطی مجلس شورای ملی ایران)، برای باقی اقوال در باره حسن افطس رجوع شود به عمدة الطالب: ص ۳۰۵، و کتاب حاضر: ص ۱۸۸، و در باره سوء اعمال حسین بن حسن افطس رجوع شود بکتاب حاضر: ص ۱۹۲، و عمدة الطالب ص ۳۱۱، و کامل این الاثر: حوادث سنه ۲۰۰ هجری، اما در باره محمد ارقط ابن عبدالله باهر ابن حضرت سجاد علیه السلام هم ابونصر بخاری میگوید «من یطعن فی الارقط فلا یطعن من حیث النسب والعقب و انما یطعنون بشیء جرى بینہ و بین الصادق جعفر بن محمد یقال: انه بصق فی وجه الصادق فدعا علیه فصار ارقط الوجه به نمش کریه المنظر، عمدة الطالب ص ۲۲۵، اما محمد بن اسماعیل ابن امام جعفر الصادق علیه السلام گویند که: کاتب سر و منشی مخصوص عمویش حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و مورد احسان و نوازش آن حضرت بود و هم او نزد «هارون الرشید» از عمش معایت کرد تا آن حضرت بحبس و هلاک افتاد: عمدة الطالب: ص ۲۰۸.

چندان مبالغه کند که موجب تخلیط تاریخ و انساب شده باشد .

سید تاج الدین و تشیع سلطان محمد اولجایتو

توضیحاً سید تاج الدین نقیب مورد بحث همان کسی است که واقعه مهم تاریخی و مذهبی زمان سلطان محمد اولجایتو [۷۰۳-۷۱۶] را بوجود آورد ، بدین قرار که موجب تقرّب علامه حلی (آیه الله شیخ جمال الدین حسن بن مطهر متوفی ۷۲۶ قمری) در دربار اولجایتو گردید و اسباب ترتیب داد تا وی در حضور پادشاه با مشایخ اهل سنت بحث و مناظره کرد و بر ایشان فایق آمد ، و همین عمل موجب گردید که سلطان اولجایتو از مذهب تسنن بتشیع گرایید و این امر متعقب حوادث و واقعاتی گردید که شرحش در تواریخ ثبت شده و از مواضع دلکش تاریخ سیاسی و مذهبی آن روزگار است بطوری که مؤلف کتاب حاضر [ص : ۱۸۹] مینویسد سبب عداوت عوام اهل سنت بغداد با سید تاج الدین همین واقعه علامه حلی و نقل سلطان اولجایتو بمذهب تشیع بوده است اما سبب عداوت خواجه رشید الدین با وی علاوه بر رقابت و حسادت جاه و منزلت واقعه مشهد ذی الکفل را گفته اند که زیارتگاه یهودیان بود و جهودان بر آن مستولی بودند سید تاج الدین ایشان را از آنجا منع کرده و جنبه مسلمانی محض بآنجا داده بود ^۱ .

شرح واقعه سید تاج الدین در کتاب عمدة الطالب

علاوه میکنیم که مؤلف - رحمه الله - شرح آن واقعه را در کتاب عمدة الطالب مفصل تر از کتاب حاضر نوشته و در طعن بر خواجه رشید الدین فقط بیک لطیفه کوتاه ادبی برگذار کرده است که باعتقاد من بصد چندان مقالتهی که صاحب و صاف در شرح آن حادثه نوشته است می ارزد : « فقتلوهم (یعنی السید تاج الدین و ولدیه) و قدّم قتل ابنی السید تاج قبله عتوّاً و تمرّداً موافقةً لامر الرشید و ان لم یکن رشیداً ،

(عمدة الطالب : ص ۳۰۹) « لطیفهٔ ادبی جملهٔ » وان لم یکن رشیداً « بر سبیل تلمیح اشاره است بآیت کریمهٔ قرآن مجید در سورهٔ هود : وما امر فرعون برشید (از آیهٔ ۹۷) .

حق‌گویی مؤلف و ارزش نوشته‌های او در کتب تاریخ و انساب

از دلایل حق‌گویی و انصاف مؤلف اینست که در بارهٔ سید تاج‌الدین هم از ذکر این خطیئه خود داری نمی‌کند که « پسرش سید شمس‌الدین حسین متولی نقابت عراق بود و خوی ستمکاری و خودسری و استبداد رأی او باعث خصومت و حقد و کینهٔ سادات عراق با ایشان شد و همین امر دست‌آویز خواجه رشیدالدین گردید گروهی از سادات را استمالت کرد و ایشان را برانگیخت تا اعمال سید و پسران او را نزد سلطان اولجایتو بزشتی باز نمودند ^۱ .

آری همین روش تحقیق و امانت در ضبط تاریخ است که ارزش و قدر و قیمت نوشته‌های صاحب این کتاب را معلوم میکند و نوع او را از طایفهٔ وضاعان و مورخان متملق « یحرقون الکلم عن مواضعه » ممتاز می‌سازد، راقم سطور به‌مین منظور شرح واقعهٔ « سید تاج‌الدین » را عمداً بتفصیلی که بیش از حوصلهٔ گنجایش و درخور تناسب این مقدمه بود نوشت تا نموداری از درجهٔ تحقیق و ثبوت و امانت و مقیاسی برای تقویم نوشته‌های مؤلف این کتاب مابین مورخان و علمای نسابهٔ قرن ۸ - ۹ هجری باشد رحمة الله علیه رحمة واسعة .

نسب نامهٔ مؤلف کتاب

مؤلف کتاب از سادات جلیل حسنی است از اعقاب حسن مثنی که معاصر

۱ - « وکان السید شمس‌الدین حسین بن السید تاج‌الدین هوالمتولی لنقابة العراق وکان فيه ظلم و تغلب فأحقد سادات العراق بأفعاله فتوصل الرشید الطیب و استمال جماعة من السادات ووقعوا [وقع : خ] فی خاطر السلطان من السید تاج‌الدین و اولاده حکایات ردیة ؛ عمدة الطالب : ص ۳۰۸ .

حضرت سجاد علیه السلام و متولّی اوقاف و صدقات علوی بود وفات او را بسال ۹۷ هجری زمان حکومت سلیمان بن عبدالملک اموی نوشته اند^۱.

نسب پدری مؤلف از طریق عبدالله محض ابن حسن مثنی متوفی حدود ۱۴۵ قمری بایست و دو واسطه بسر سلسله نسب علویان یعنی حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میرسد بدین قرار :

« جمال الدین ابوالمعالی احمد بن علی بن حسین بن علی بن مهتّاب بن عنبه اصغرا بن معد^۲ [سعد] بن علی عنبه اکبر ابن یحیی بن عبدالله بن محمد بن یحیی بن محمد بن الرومیة ابن امیر داود بن موسی الثانی [مقتول سنة ۲۵۶ ق] ابن عبدالله الشیخ الصالح ابن موسی الجون^۳ ابن عبدالله محض ابن حسن ابن امام حسن بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام » .

جدّ امّی او شیخ عالم نسباً به فخر الدین ابو جعفر محمد بن زین الدین حسین بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن حدید اسدی است^۴ که واقعه حریق مشهد مقدّس غروی یعنی نجف اشرف را در سنه ۷۵۳ قمری و سوختن قرآنی که در کتابخانه آنجا در سه مجلد بخطّ امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده است از وی و استاد

۱ - حواشی عمدة المطالب چاپ بمبئی : ص ۷۸ . ۲ - در کتاب حاضر :

ص ۱۱۷ (معد) ، و در عمدة الطالب نسخه خطی که نسخه چاپی این حقیر با آن مقابله شده است : ص ۱۰۸ « سعد » . ۳ - موسی الجون تا زمان هارون الرشید عباسی

۱۷۰-۱۹۳ حیات داشت ، گویند که چون سیاه چهره بود مادرش « هند » او را از کودکی « جون » میخواند و همین کلمه لقب معروف او گردید . ۴ - در کتاب حاضر : ص ۷۶

و عمدة الطالب : ص ۶ با حذف چند واسطه مابین « حسین بن حدید » ، در اوایل مقدمه گفته شد که همین توافق که در اسم جد مادری مؤلف وجود دارد یکی از قرائن است که مؤلف کتاب حاضر با صاحب عمدة الطالب یکی است .

بزرگش سید تاج الدین ابن معیه نقل میکند^۱ توضیحاً اکثر سادات حسنی و شجعان و گردنفران ابن سلسله از اعقاب عبدالله شیخ صالح پسر موسی الجوناند و آن شعبه که از نسل موسی دوم مقتول ۲۵۶ باشند « سادات موسوی » نامیده میشوند و این اصطلاح غیر از اصطلاح معروف موسوی است در مورد اعقاب حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام .

سادات حسنی حسینی

آن سلسله از سادات علوی را که پیوند انتسابشان از طرف پدر بسط اکبر حضرت امام حسن بن علی علیه السلام و از طرف مادر بسط اصغر حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام یا برعکس یعنی از نژاد پدری بحضرت امام حسین و از جهت مادری بحضرت امام حسن پیوندد در اصطلاح علمای نسابه سادات حسنی حسینی گفته می‌شوند جز اینکه در نسب نامه‌های رسمی جنبه پدری ملحوظ است و بهمین جهت سادات حسنی را از حسینی جدا میکنند نخستین کسی که باین افتخار نایل آمد که جامع مابین هردو نسب حسنی و حسینی شد همان عبدالله محض ابن حسن مثنی است که رشته انتساب مؤلف کتاب حاضر بوی متصل میشود عبدالله محض از طرف پدر سید حسنی و از طرف مادر حسینی بود دو برادرش یکی ابراهیم غمر که نسب سادات

۱ - در باره خصوصیات آن نسخه گفته بودند که در آخرش امضاء کرده بود « کتب علی بن ابی طالب » و شیوه خط کوفی آن حضرت این است که حرف یاء را شبیه واو مینوشتند خود صاحب عمده الطالب علاوه میکند که من خود در مشهد عبیدالله بن علی قرآنی در یک جلد بخط حضرت علی علیه السلام دیده بودم با همان خصوصیت رسم الخط که حرف یاء را شبیه واو نوشته و در آخرش امضاء کرده بود « بسم الله الرحمن الرحيم کتبه علی بن ابی طالب » و بعداً شنیدم که این نسخه نیز بسرنوشت نسخه کتبخانه مشهد غروی افتاد یعنی حریقی آنجا روی داد و آن نسخه هم پاک بسوخت .

راقم سطور گوید که : در بعضی شیوه‌های خط کوفی قدیم حرف یاء مشبه با واو نوشته میشده است و این اسراختصاص بخط حضرت علی علیه السلام ندارد .

طباطبائی بنواده اش ابراهیم طباطبا ابن اسماعیل دیباج ابن ابراهیم غمر منتهی میشود و دیگر حسن مثلث یعنی حسن بن حسن ابن امام حسن علیه السلام نیز از آن افتخار برخوردار بودند، چرا که پدرشان حسن مثنی دختر عموی خود حضرت حسین بن علی علیه السلام را که فاطمه نام داشت بزنی گرفت و از وی همان سه پسر را آورد که جامع هردو فضیلت حسنی و حسینی بودند و چون عبدالله محض فرزند بزرگتر بود در کتب انساب باین مزیت معرفی شده است که: «هو اوّل من جمع بین ولادة الحسن و الحسین من الحسنيّة»^۱ یعنی وی از جمله سادات حسنی اولین کسی بود که جامع هردو نسب حسنی و حسینی بود.

چون جنبه جامعیت دو نسب در اعقاب عبدالله محض نیز جاری و مستمر است و رشته انتساب ابن عنبه مؤلف کتاب بدو متصل میشود وی نیز طبعاً از آن مزیت نصیب خواهد داشت چیزی که هست در طبقه بندی علمای نسابه چنانکه گفتیم معمولاً همان نسب و نژاد پدری ملحوظ است و بدین سبب است که او را همه جا بعنوان «سید حسنی» معرفی نموده اند عبدالله محض بجای پدرش متولّی صدقات و اوقاف علوی بود و در هفتاد و پنج سالگی در حبس منصور عباسی دوانقی مخفوقاً درگذشت، و سال وفاتش ظاهراً سنه ۱۴۵ قمری است که واقعه قیام و قتل پسرانش ابراهیم قتیل باخمیری و محمد نفس زکیّه و زجر و شکنجه و وفات جمعی از سادات حسنی در حبس منصور اتفاق افتاد.

کیفیت وفات وی و داستان او با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و پیشگویی صادقانه آن حضرت در باره نامه ای که از ابو مسلم خراسانی بایشان و بعض دیگر از مشایخ بنی هاشم رسیده بود و نیز چگونگی قیام و کشته شدن ابراهیم و محمد پسران عبدالله محض در کتب تاریخ و انساب از جمله کامل ابن اثیر و عمده - الطالب و مقاتل الطالبيين مسطور است.

عبدالله محض چنانکه گفتیم نخستین سید حسنی بود که از طرف مادر شرف انتساب حسینی را نیز داشت امّا از سادات حسینی اوّلین کس که جامع مابین هر دو نسب حسنی و حسینی بود حضرت امام، محمد باقر علیه السلام است که از طرف پدر «حسینی» و از طرف مادر «حسنی» بودند برای اینکه مادرشان فاطمه دختر حضرت امام حسن علیه السلام بوده است.

مسافرتهاى مؤلف

مؤلف کتاب [ابن عنبه] هم بقصد سیاحت و انتجاع و هم برای زیارت و درك محضر مشایخ اهل علم مخصوصاً طبقه علمای نسابه سفر بسیار کرد که در اثناء مؤلفات خود بدانها اشاره کرده است چون راقم سطور در این مورد قصد استقصاء وقت و فرصت آن را ندارد بذکر دو سه فقره از سفرهای مهم تاریخی او اکتفاء میکند.

۱- در یکی از سفرها که سال ۷۹۶ یا ۷۷۶ هجری بوده است^۱ با سید شرف الدین عبدالرحمن ابن سید نظام الدین عبدالحمید حسینی عیدلتی همسفر شده بود^۲.

سفر مؤلف به سمرقند در زمان امیر تیمور گورکان

۲- در ایام دولت امیر تیمور گورکان [۷۷۱-۸۰۷] به سمرقند سفر کرد و در آنجا سید علم الدین عبدالله بن سید مجد الدین محمد بن علم الدین علی نقیب را که از اعیان

۱- تردید ما از جهت اختلاف نسخ عمدة الطالب است که در بعضی «سافرت معه سنة ست و تسعين و سبعائة» و در بعض دیگر «ست و سبعين و سبعائة» نوشته اند.

۲- عمدة الطالب ص ۳۱۸ طبع بمبئی.

فضلاى سادات حسینی از اعقاب حسین ذی الدّمعه^۱ امین زیدابن امام زین العابدین علیه السلام و از استاد زادگان وی بوده است^۲ و نیز یکی از فرزندان عالم بزرگ نسابه شرف الدّین ابوالفضل محمدبن تقی الدّین ابی عبدالله الحسین بن عبدالحمید را در سمرقند ملاقات کرده است^۳.

سرگذشت مؤلف با سادات گلستانه اصفهان

۳- مؤلف مکرّر بیلاذ عراق سفر کرد و از جمله قبل از سنه ۷۷۹ قمری در اصفهان بوده و از سادات جلیل گلستانه که هم اکنون اعقاب آنها در اصفهان باقی است سید شرف الدّین حیدربن محمدبن حیدربن اسماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شرفشاه گلستانه را که وفاتش بضمبط خود مؤلف در ماه ربیع الاول سنه ۷۷۹ قمری است ملاقات کرده^۴ و بایک تن دیگر هم از افاضل آن سلسله بنام سید مجدالدّین عبّادبن یحیی بن سید مجدالدّین عبّادبن یحیی بن مجدالدّین عبّادبن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شرفشاه گلستانه که وفاتش بعد از سال ۷۹۰ یا ۷۹۶ قمری است^۵ دوستی صمیم حمیم بهم رسانیده است.

توضیحاً سید مجدالدّین عبّاد اوّل در زمان سلطان محمد اول لجایتو خدا بنده

۱- بسبب کثرت بکاء اورا ذی الدّمعه و ذی العبرة لقب داده بودند از تربیت شدگان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود وفات اورا عمده الطالب در سال ۱۳۵ و بقول ۱۴۰ هجری نوشته است اما از «مقاتل الطالبیین» و بعض دیگر از اسناد تاریخی این طور استنباط می شود که حسین ذی الدّمعه تا سنه ۱۴۵ که سال قیام محمد نفس زکیه و ابراهیم قتیل باخمی پسران «عبدالله محض» است حیات داشت و بعد از آن واقعه ستواری گردید.

۲- توضیحاً سید مجدالدین محمدبن علم الدین علی نقیب یکی از مشایخ تحصیلی مؤلف است چنانکه بعد از این در متن خواهیم گفت انشاءالله تعالی. ۳- عمده الطالب

ص ۲۴۳ و ۲۴۷. ۴- عمده الطالب ص ۵۹. ۵- تردید از جهت

اختلاف نسخ چاپی و خطی کتاب «عمده الطالب» است.

۷۰۳-۷۱۶ متولّی منصب قضای اصفهان بود و مادر سیّد مجدالدین عبّاد دوم که دوست صاحب کتاب است زینب خاتون نام داشت دختر صدرالدین محمد بن محمد ترکه^۱ اصفهانی که از افاضل عرفا و حکما و ادبای اصفهان در قرن هشتم هجری است^۱.

سفر مؤلف بهرات

مؤلف بسال ۷۷۶ قمری در هرات بوده و قبر عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار را آنجا دیده که زیارتگاه بوده است^۲.

تحصیلات و مشایخ مؤلف

بطوری که از تصریح خود مؤلف، و بدلائل آثار موجود او مستفاد میشود وی مردی عالم فاضل متبّع محقق بوده و از علوم و معارف متداول زمان خود شامل فنون عربی و ادبی و فقه و حدیث و کلام و فن حساب بحدّ کافی بهره داشته اما عمده تخصص و مهارت و تبرز او در فن تاریخ و انساب است که در این رشته بسرحدّ کمال تحقیق و اجتهاد رسیده بود و در عهد خود استاد نسابه^۳ مسلم مشارالبنان

۱ - در حواشی خطی یکی از نسخ عمده الطالب که در تملک این حقیر است درباره این صدرالدین محمد ترکه نوشته است: « هذا هو مصنف کتاب التمهید فی الحکمة الالهیة و المفاحص و غیرهما » اما آنچه ما اطلاع داریم کتاب تمهید القواعد و مفاحص هردو از مؤلفات صائِن الدین علی ترکه اصفهانی است نه صدرالدین محمد ترکه و الله اعلم .
توضیحاً علاوه میکنیم که سلسله گلستانه از سادات حسنی اند که نسب آنها به زید ابن امام حسن مجتبی علیه السلام می پیوندد [وفات « زید » را در سنه ۱۲۰ هجری نوشته اند] و رشته نسب شرفشاه گلستانه تا « زید ابن امام حسن علیه السلام » بدین قرار است .
شرفشاه گلستانه ابن عباد بن ابوالفتوح محمد بن ابوالفضل حسین [مادرش دختر صاحب بن عباد وزیر معروف دیالمه بود] ابن ابوالحسین علی اطروش [رئیس همدان و داماد صاحب بن عباد] ابن حسین بن حسن بصری ابن قاسم بن محمد بطحانی ابن ابومحمد قاسم بن حسن بن زید ابن امام حسن مجتبی علیه السلام .
۲ - عمده الطالب ص ۲۲ .

بشمار میرفت ، و مؤلفات وی نیز که بهردو زبان فارسی و عربی با نثر شیوای بلیغ موجز انشاء شده تا آنجا که اطلاع داریم همه مربوط بهمین موضوع تاریخ و انساب است .

از جمله مشایخ وی یکی سید مجدالدین محمد بن علم الدین علی نقیب ابن ناصر بن محمد بن معمر ابن عز الشرف اُبی علی عمر حسینی است از اعقاب ابو عبدالله حسین ذی الدّعه (۱) ابن زید شهید سلام الله علیه که در کتاب حاضر از وی بعنوان شیخ ما سید مجدالدین محمد بن النقیب علم الدین علی (... تا آخر) نام میرد و میگوید : « بعلم نحو مشهور بود ص ۱۵۸ » و در کتاب عمدة الطالب هم او را بعنوان : « الشیخ السعید (السید : خ) الفاضل الکامل » ذکر میکند و میگوید که مقداری از کتاب کافیّه ابن حاجب را با شرحی که رکن الدین محمد جرجانی استاد « سید مجدالدین » بر آن کتاب نوشته بود پیش وی خوانده است (ص ۲۴۳) .

پس معلوم میشود که مؤلف عالم نسبیه ما قسمتی از مقدمات نحو و صرف عربی را نزد سید مجدالدین تحصیل کرده بود .

۱ - او را ذوالدعّة و ذوالهجرة هردو میگویند (کتاب حاضر ص ۱۵۲ و عمدة الطالب ص ۲۳۲) **اقول** : و انما لقب بذلك لكثرة بكاؤه ؛ قتل ابوه و هوصغير ؛ فنشأ فی حجر جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و اخذ منه علماً كثيراً و صار من اصحابه ، قال صاحب العمدة : عمی آخر عمره و مات سنة خمس و ثلاثين و مائة ، و قيل : سنة اربعين و مائة ، قال ابونصر البخاری (یعنی صاحب کتاب سرالانساب) و هو الصحيح ، **اقول** : و يظهر من مقاتل - الطالبین ان الحسین ذا الدعّة كان حياً الى سنة خمس و اربعين و مائة حيث قال : انه شهد حرب محمد النفس الزكية و ابراهيم قتل باخمري ابني عبدالله المحض ثم توارى فان الواقعة هذه كانت فی سنة ۱۴۵ علی ما اجمع علیه المورخون و علماء الانساب والله العالم بالصواب (ج - ۵) .

ابن معیه

سید تاج الدین محمد نقیب حسنی دیباجی

بزرگترین استاد مؤلف که عمده تحصیلات وی در فنون متنوع علمی و ادبی مخصوصاً آنچه مربوط بفن تاریخ و انساب است نزد وی انجام گرفته بود و در واقع هر چه داشت از وی داشت سید عالم فقیه ادیب شاعر حاسب نسابه سید تاج الدین ابو عبدالله محمد نقیب حسنی دیباجی حلی است معروف به ابن معیه (۱) که رشته نسبش به اسماعیل دیباج ابن ابراهیم غمرا بن حسن مثنی ابن حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می پیوست و بدین سبب آن خاندان را از سادات حسنی « دیباجی » می گفتند .

وفاتش هشتم ربیع الآخر سنه ۷۷۶ هجری قمری در حله اتفاق افتاد و جنازه

۱ - معیه بضم میم و فتح عین و تشدید یاء و وزن « سیه » نام معیه انصاریه است دختر محمد بن حارثه بن معاویه بن اسحاق که مادر « ابوالقاسم علی بن حسن بن حسن بن اسماعیل دیباج » بود و او را بنام مادرش ابن معیه گفته اند و چون نسب سید تاج الدین و اسلافش بهمان « ابوالقاسم علی بن معیه » میرسد همه را بنی معیه گفته اند ممکن است این لقب از « زکی الدین سوم » که پشت چهارم پیش از سید تاج الدین است بیشتر شهرت گرفته باشد و بدین سبب در کتاب حاضر مینویسد « و نسل النقیب زکی الدین ابومنصور الحسن ابن النقیب زکی الدین محمد بن النقیب زکی الدین ابومنصور الحسن را بنو معیه می خوانند (ص ۱۲۷) » .

امادر عمده الطالب هر سه نسل زکی الدین را بنو معیه مینویسد و میگوید: « النقیب ابی منصور الحسن الزکی الثالث ابن النقیب ابی طالب محمد الزکی الثاني ابن ابی منصور الحسن الزکی الاول یعرفون بنی معیه (ص ۱۴۴) » بنابراین محتمل است که در کتاب حاضر هم مراد همه خاندان باشد از اعقاب و اسلاف نه خصوص نسل اعقاب؛ والله العالم بالصواب .

او را بنجف اشرف نقل کردند (۱) .

سلسله نسبش تا اسماعیل دیباج بدین قرار است :

سید تاج الدین ابو عبدالله محمد بن جلال الدین ابی جعفر قاسم بن فخر الدین حسین بن جلال الدین قاسم بن زکی الدین ابی منصور حسن نقیب ابن زکی الدین محمد بن زکی الدین ظهیر الدوله ابی منصور حسن بن احمد بن محسن بن ابی عبدالله حسین قصری ابن ابی الطیب محمد (۲) بن ابی عبدالله حسین بن ابی القاسم علی بن ابی عبدالله حسین خطیب (خطیب کوفه بود) ابن ابی القاسم علی بن حسن بن حسن تج (۳) بن اسماعیل دیباج .

سید تاج الدین محمد از خاندان جلیل بنی معیه است که چندین نسل بتوالی همه رؤسا و نقبای عراق عرب بودند و نقابت و جلالت و تمول و جاه عظیم داشتند (۴) و بعلاوه ریاست ارباب فتوت یعنی جماعتی که در فارسی جوانمردان و بتازی فتیان گفته میشوند و پوشاندن لباس مخصوص و حل و عقد امور اجتماعی

۱ - سفینه البحار والکنی واللقاب هردو از مرحوم حاج شیخ عباس قمی بنقل از مجموعه شهید اول که خود از شاگردان مجاز ابن معیه بود .

۲ - آنچه در نسب نامه نوشته ایم مأخوذ است از عمدة الطالب و کتاب حاضر، و در سفینه البحار نمیدانم از چه مأخذ دو پشت علاوه کرده و نوشته است « احمد بن المحسن بن الحسین بن محمد بن الحسین القصری بن ابوالطیب محمد: ج ۲ » و ظاهراً صحیح همانست که ما نوشتیم .

۳ - این کلمه را در نسخ عمدة الطالب و سیر الانساب بخاری بصور مختلف « تج - نج - فج - نخ » نوشته اند .

۴ - اقتباس از نوشته خود مؤلف در کتاب حاضر ؛ ص ۱۲۷، و در عمدة الطالب نیز تقریباً عین همین تعبیر را در باره خاندان بنی معیه دارد چنانکه گوئی یکی ترجمه دیگری است « یعرفون بنی معیه ذوی جلالة و ریاسة و نقابة و تقدم (ص ۱۴۴) » و از این قبیل توافق در عبارات که یکی در حکم ترجمه دیگری باشد در این دو کتاب فراوان است و این اسر را هم میتوان یکی از مؤیدات و قراین آن اسر مرد که مؤلف هردو کتاب یکی است چنانکه در اوایل مقدمه گذشت .

و مسلکی آن طایفه از زمان ناصر خلیفه عباسی [احمد الناصر لدين الله [۵۷۵-۶۲۲] که مؤسس و بانی تشکیل آن جمعیت در قلمرو خلافت عباسی بوده است بهمان خاندان بنی معیه اختصاص داشت .

سید تاج الدین نیز اگرچه در ابتدا چندتن معارض در آن خاندان داشت که بزرگترشان فخر الدین ابن معیه و نصیر الدین نقیب بودند ولیکن بعد از مرگ ایشان دیگر منازعی برای او باقی نماند و ریاست فتیان عراق بدون مزاحم و معارض تا آخر عمر در قبضه کفایت او بود در فرقه اهل تصوف نیز سمت شیخی و پیشوائی داشت و پوشاندن خرقه تصوف نیز در قلمرو عراق بدون معارض بوی مخصوص بود .

وی در اکثر علوم و فنون متداول قرن هشتم هجری از فقه و حدیث و شعر و ادب و تاریخ و رجال و فن حساب و عروض احاطه ؛ و در جمیع این فنون تألیفات داشت ، مخصوصاً در فن تاریخ و انساب بزرگترین عالم مسلم زمان خود محسوب میشد و چندین کتاب مختصر و مفصل در این رشته تألیف کرده بود که اسامی عمده آنها در عمدة الطالب مذکورست .

کتاب حاضر در باره وی مینویسد :

« علم نسب بدو منتهی شد و در علوم دیگر مثل فقه و لغت و حساب و تاریخ و غیر آن سرآمد بود (ص ۱۲۷) » و در عمدة الطالب مینویسد : « الیه انتهى علم النسب فی زمانه (ص ۱۴۹) » و نیز میگوید : مقام استادی و پیشوایی وی در فن انساب بدانجا رسید که در قلمرو عراق احدی از علمای نسابه نبود مگر اینکه شاگردان و مستفیدان وی بودند « فَأَمَّا النَّسَبُ فَإِنَّهُ لَمْ يَمُتْ حَتَّى أَجْمَعَ نَسَابَ الْعِرَاقِ عَلَى تِلْمِذَتِهِ وَالِاسْتِفَادَةِ مِنْهُ » .

شهید اول و تاج الدین ابن معیه

شهید اول (شیخ ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی دمشقی عاملی متولد

سنه ۷۳۴ و مقتول پنجشنبه نهم جمادی الاولی سال ۷۸۶ قمری) که بزرگترین فقیه شیعه امامیه بعد از علامه حلی متوفی ۷۲۶ و پسرش فخرالمحققین متوفی ۷۷۱ بوده و داستان شهادتش از قضایای عبرت انگیز تاریخ است، در فن انساب شاگرد « تاج الدین ابن معینه » بود و از وی اجازات داشت، در اجازه ها که خود او بشاگردانش داده از استادش سید تاج الدین با احترام و تعظیم و تکریم هرچه تمامتر نام برده است از جمله در یکی از اجازاتش با این عناوین از وی نام میبرد :

« السید العالم السعید النسابة اعجوبة الزمان فی جمیع الفضائل والمآثر تاج الدین ابی عبدالله محمد بن معینه الحسنی طاب ثراه (۱) » .

پسران شهید اول ابوطالب محمد و ابوالقاسم علی و دختر وی ست المشایخ نیز در سنه ۷۷۶ که سال آخر عمر « تاج الدین ابن معینه » است از وی صاحب اجازه شدند (۲) و صورت آن اجازه را بخط خود ابن معینه شهید ثانی دیده و در اجازات خود ذکر کرده است .

مشایخ ابن معینه

خود « سید تاج الدین ابن معینه » هم در انواع علوم مشایخ بزرگ دیده و اجازات و اساتید عالی تحصیل کرده بود ؛ از آنجمله یکی پدرش ابوجعفر قاسم بن حسین است که قسمتی از تحصیلات خود را نزد وی انجام داد ، از محضر علامه حلی و فخرالمحققین فرزند علامه ، و سید رضی الدین آوی ، و سید علی بن عبدالکریم بن طاوس ، و قاضی تاج الدین ابوعلی محمد بن محفوظ ، و سید علم الدین مرتضی بن سید جلال الدین عبدالحمید و امثال ایشان که بالغ بر سی تن از مشایخ علمای قرن هشتم هجری بوده اند هم استفاده کرده بود و از ایشان اجازات عالی داشت .

۱ - اجازات بحار الانوار مجلسی : ج ۲۶ ، وامل الاصل ، و سفینه البحار .

۲ - امل الاصل و سفینه البحار : ج ۲ ، والکنی والالقب مرحوم حاج شیخ عباس قمی .

و از جمله خصایص او این است که اسناد عالی بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام داشت (۱) .

تحصیلات مؤلف پیش سید تاج الدین ابن معیه

مؤلف فاضل نسابه ما رضوان الله علیه ایام شیخوخت ابن معیه را که دوره کمال پختگی و سختگی و متانت و غزارت علمی او بود درک کرد و مدتی حدود دوازده سال پیوسته شبانروز ملازم خدمت استاد بود، و در علوم و فنون متنوع از فقه و حدیث و تاریخ و انساب و فن حساب و شعر و ادب (۲) با عشق و علاقه هرچه تمامتر نزد او تحصیل میکرد و از ذخایر سرشار گفته ها و نوشته های وی سرمایه علم و ادب می اندوخت .

یکی از دختران استاد را هم بزنی داشت که در جوانی فوت شد و از وی فرزندی نماند، از آن پس با اجازت استاد شبها نیز در خانه او بیتوته میکرد و در هر هفته چند شب هیچ نمی خفت (۳) و از شام تا بام همچنان بخواندن کتب و فرا-

۱ - الکنی و الالقب حاج شیخ عباس قمی رحمه الله .

۲ - اقول : و من محاسن شعر شیخه السید تاج الدین طاب ثراه قوله لما وقف علی بعض انساب العلویین و رأی قبح افعالهم فکتب علیه :

یعز علی اسلافکم یا بنی العلی	اذا نال من اعراضکم شتم شاتم
بنوا لکم مجد الحیوة فما لکم	أساتم الی تلك العظام الرماثم
اری الف بان لایقوم لهادم	فکیف بیان خلفه الف هادم

نقله صاحب اسل لامل من خط الشیخ حسن ابن الشهید الثانی رحمهم الله تعالی (ج - ه) .

۳ - این تعبیر مطابق نسخه عمده الطالب است (ص ۱۴۹ طبع بمبئی) که مینویسد : « فکنت الازمه لیالی من الاسبوع أقرأ فیها ما یمنعنی فیه النوم » و در نسخه خطی : « ما لا یمنعنی فیه من النوم » است و بنابراین نسخه باید گفت : « شبها نیز تا وقت خواب بخواندن کتب در خدمت استاد اشتغال داشت » .

گرفتن علوم در خدمت استاد اشتغال داشت و هر چه یافت از برکت صحبت و خدمت همان استاد بود.

سند مشایخ قدیم

قراءت و سماع و اجازه روایت

میدانیم که علمای قدیم از محضر مشایخ خود دو قسم استفاده علمی و ادبی میکردند :

یکی آن بود که کتبی را از مؤلفات خود استاد یا مؤلفان دیگر مستقیماً پیش استاد بطریق قرائت یا سماع چنانکه مصطلح علمای فن درایت و روایت است میخواندند و از وی اجازت درس و روایت میگرفتند و این خود عالی‌ترین طرق علم-آموزی و تحمّل فقه و حدیث و تاریخ و انساب و دیگر علوم و آداب در خدمت مشایخ بود.

قسم دیگر چنان بود که کتبی را از مؤلفات مشایخ قدیم که سند روایت استاد بدانها می‌پیوست در اجازاتی که بشاگردان خود میداد ذکر میکرد و رخصت روایت بایشان میداد.

مؤلف فاضل ما از محضر سید تاج‌الدین ابن معینه هردو نوع استفاده را کرده بود.

سند روایت مؤلف از صاحب مجدی

از نوع دوم که آنرا اجازه روایت گویند کتب عالم نسابه معروف قرن پنجم هجری ابوالحسن علی بن محمد عمری است صاحب چهار تألیف گرانبها در علم - نسب باسامی «مجدی و شافی و مبسوط و مشجر» که در عهد خود بزرگترین استاد مسلم فن انساب بوده و نوشته‌های او حجت علمای نسابه بعد قرار گرفته است.

چون نسب وی به عمر اطرف فرزند مولانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام

می پیوست اورا ابوالحسن عمری میگفتند و بهمین نام در کتب انساب معروف است (۱) در آغاز حال ساکن بصره بود و در سال ۴۲۳ هجری منتقل به موصل گردید و آنجا زن گرفت و اولاد و اعقاب از وی بماند .

کتاب مجدی را که معروفترین تألیفات اوست بسال ۴۴۳ در مصر برای نقیب النقباء مجدالدوله ابوالحسن احمد بن فخرالدوله ابویعلی حمزة بن حسن بن عباس بن حسن بن حسین بن ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن اسماعیل ابن امام جعفر صادق علیه السلام که خاندان بزرگی از قضاة و نقباء دمشق و مصر بودند نوشت و باین مناسبت بعضی معتقد شدند که نام اصلی آن کتاب (مجدی) بفتح میم و سکون جیم است منسوب بهمان مجدالدوله ابوالحسن؛ اما مشهور مجدی بضم میم است اسم فاعل از باب افعال مأخوذ از «جدوی» یعنی کتابی نافع و سودمند که خواننده را از دیگر کتب این فن بی نیاز میکند؛ گویند: «مایجدی عنک هذا ای ما یغنی؛ (صحاح اللغة)» .

۱ - اقول: ونسب صاحب المجدی علی ما فی کتاب منتقلة الطالبیة النسخة المخطوطة التي تشرفت بمطاعتها هكذا: «ابوالحسن علی بن محمد النسابة ابن علی بن ابی طالب محمد بن ابی عبدالله بن محمد بن ابی عبدالله بن محمد ملقطة بن احمد بن علی بن محمد بن یحیی الصوفی ابن عبدالله بن محمد بن عمر الاطرف وهو النسابة؛ له کتاب المجدی فی انساب الطالبیین» انتهى کلامه .

ولعل النسخة مغلوطة

و الصواب علی ما یظهر من کتاب المجدی نفسه ومن عمدة الطالب و سائر المآخذ المعتمدة هكذا «السید ابوالحسن علی بن ابی الغنائم محمد النسابة ابن ابی الحسن علی بن ابی الطیب محمد بن ابی عبدالله محمد ملقطة ابن ابی الحسن احمد الاصغر الضریر ابن ابی القاسم علی الضریر ابن ابی علی محمد الصوفی ابن ابی الحسن یحیی الصالح ابن ابی محمد عبدالله بن ابی عمر محمد بن عمر الاطرف ابن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (ج - ه)» .

یکی از مشایخ صاحب مجدی شیخ الشرف عبیدلی متوفی ۴۳۵ قمری است که در مسطورات بعد او را معرفی خواهیم کرد .

باری سند روایت مؤلف فاضل ما رحمه الله از کتاب مجدی و دیگر تألیفات ابوالحسن عمری اجازتی است که در این باره از استادش «سید تاج الدین ابن معیه» داشت، و سند روایت خود ابن معیه بخود صاحب مجدی می پیوست باین طریق که وی از استادش شیخ نسابه سید علم الدین مرتضی ابن سید جلال الدین عبدالحمید بن شمس الدین فخار بن معد موسوی، و او از پدر، از جدش «سید جلال الدین»، از ابن کلثون عباسی نسابه، از جعفر بن هاشم بن ابی الحسن عمری، از جدش ابوالحسن عمری مؤلف مجدی روایت میگرداند (۱).

اولین کتاب فنّ انساب که مؤلف دیده و خوانده بود

اولین کتاب فنّ انساب که مؤلف دیده و آنرا خوانده مقدمه مختصری بوده است از مؤلفات همان شیخ الشرف عبیدلی از مشایخ علمای نسابه قرن ۴-۵ هجری که چون رشته نسبش به عبیدالله اعرج ابن حسین اصغر ابن امام زین العابدین علیه السلام می پیوست او را سید حسینی عبیدلی میگویند (۲) قرب یکصد سال عمر کرد که همه اعضای او صحیح و سالم بوده و حدود صد کتاب مختصر و مطول در فنّ انساب تألیف داشت، وفاتش در سنه چهارصد و سی و پنج هجری واقع شد.

ابوالحسن عمری صاحب مجدی از تلامذ برگزیده وی بود و از او اجازه روایت داشت سلسله نسبش تا عبیدالله اعرج بطوری که در منتقلة الطالبیه و عمدة الطالب ذکر شده باین قرار است :

۱ - عمدة الطالب : ص ۳۳۶ .

۲ - عبیدالله اعرج تا زمان ابومسلم خراسانی حیات داشت و داستانهای وی در تواریخ مسطور است .

« شیخ الشرف سید ابوالحسن محمد بن ابوجعفر محمد بن ابوالحسن علی بن حسن بن ابوالحسن علی بن ابراهیم بن علی صالح ابن عبیدالله اعرج » .

کتبی که مؤلف پیش ابن معیّه خوانده است

اما نوع دوم از تحصیلات مؤلف یعنی کتبی که پیش استادش « سید تاج الدین ابن معیّه » خوانده و علی الرّسم استاد رخصت درس و روایت بوی داده بود آن قسمت که مربوط بفن تاریخ و انساب از مؤلفات خود ابن معیّه باشد بدین قرار است :

۱ - الجذوة الزینیه - از مؤلفات مختصر ابن معیّه در انساب .

آنگاه که مؤلف فاضل نسابه^۱ ما رحمه الله تعالی شروع بتحصیل فن^۲ انساب در خدمت ابن معیّه کرد نخستین کتابی که پیش او خواند همین « الجذوة الزینیه » بود و تا آن زمان هیچ کتابی در این فن غیر از همان مقدمه^۳ مختصر شیخ الشرف عبیدلتی را نخوانده بود .

۲ - سبک الذهب فی شبک النسب - نیز یکی از مؤلفات مختصر ابن معیّه است در فن^۴ نسب که تمام آنرا مؤلف فاضل ما پیش همان استاد بخواند .

۳ - الثمرة الطاهرة من الشجرة الطاهرة - در نسب آل ابی طالب در چهار مجلد بصورت مشجر^۵، تمام این کتاب را هم پیش خود « ابن معیّه » بخواند .

۴ - الفلک المشحون فی انساب القبائل والبطون (۱) - کتابی مفصل و مبسوط بوده است که حدود یک ربع آن از زیر دست مؤلفش (ابن معیّه) درآمده بود و اکثر آنرا هم مؤلف ما در خدمت وی خواند .

۵ - نهاية الطالب فی نسب آل ابی طالب - در دوازده مجلد ضخیم^۶؛ بیشتر این کتاب را هم مؤلف ما پیش خود مؤلفش (ابن معیّه) خوانده است .

۱ - ظاهراً اسم این کتاب مأخوذ است از آیت کریمه قرآن مجید : « وآية لهم انا

حملنا ذريتهم في الفلک المشحون ؛ سورة يس » .

دیگر مؤلفات ابن معیّه

تاج الدین ابن معیّه را علاوه بر پنج کتاب مزبور که همه در علم نسب است مؤلفات مختصر و مفصل دیگر هم در تاریخ و انساب و هم در فقه و حدیث و عروض و حساب بوده است که همه را علی الرّسم فی امثاله اجازه روایت بمؤلف فاضل ما داده بود ، از آن جمله کتب ذیل را در عمدة الطالب نام میبرد که اسامی آنرا دنباله شماره های قبل ذکر میکنیم .

۶ - کتاب رجال - در دو مجلد ضخیم .
۷ - اخبار الامم - در تاریخ که بیست و یک مجلد آن هر مجلدی ۴۰۰ ورق از کار درآمد بود و تمام دوره آن تا صد مجلد که باز هر مجلدی چهار صد ورقه باشد تخمین میشد .

۸ - تذیل الاعقاب در انساب .

۹ - کشف الالتباس فی نسب بنی العباس .

۱۰ - رسالة الابتهاج در فن حساب .

۱۱ - منهاج العمال فی ضبط الاعمال .

تألیفات ابن عنبه

(مؤلف کتاب حاضر)

از مؤلفات سید جمال الدین احمد بن عنبه که مؤلف کتاب حاضر است آنچه اطلاع داریم بدین قرار است :

۱ - الفصول الفخریة فی اصول البریة (کتاب حاضر) .

۲ - عمدة الطالب فی نسب آل ابی طالب - تألیف حدود ۸۱۲ هجری که بسبب

کثرت شهرت مستغنی از تعریف است ، گویند : که ابن عنبه دو کتاب باین نام داشته است یکی مفصل و مبسوط بنام عمدة الطالب الکبری ، و یکی موجز و مختصر باسم

عمدة الطالب الصغری، و آنچه در دست ماست و مکرر بطبع رسیده همین عمدة الطالب صغری است .

۳ - بحر الانساب در نسب بنی هاشم مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل، گویند که نسخه‌ی از این کتاب دارای ۲۷۶ صفحه در کتابخانه خدیویه مصر موجود است که در آخرش خط سید مرتضی زبیدی صاحب کتاب تاج العروس است (۱) .

۴ - تاریخ کبیر که ظاهراً حوادث و وقایع تاریخی را سال بسال تا سنه ۷۰۰ هجری در آن نوشته بوده است، اطلاع ما از این کتاب مرهون منت افادات خود اوست در کتاب حاضر که بعد از ذکر ملوک روم گوید :

« و در تاریخ کبیر که نوشتیم ایشان را یاد کردیم تا سنه سبعمائه هجری (ص ۲۲) » از نسخه این کتاب اطلاعی در دست ما نیست و اگر اشارت خود او نبود اصلاً از چنان تألیفی آگاهی نداشتیم، چه در مآخذی که از ترجمه حال و مؤلفات صاحب عمدة الطالب ذکر کرده‌ام هیچ کجا متعرض آن کتاب نشده‌اند، و اقم سطور علاوه می‌کند که مؤلفات صاحب عمدة الطالب و استادش « سید تاج الدین ابن معینه » بویژه آنچه مربوط بقرن تاریخ و انساب بوده ضالّه منسوده طلاب این فنون است و از شنیدن نام پاره‌یی از آنها نظیر همین تاریخ کبیر صاحب عمدة الطالب و تاریخ اخبار الامم ابن معینه که بیست و یک مجلد آن از کار درآمده بود و زمینه بسط و تفصیل مطالبش تا صد مجلد میکشید و کتاب نهاية الطالب فی نسب آل اُبی طالب که دوازده مجلد بزرگ بوده است بقول معروف آب بدهن شنونده طالب می‌آید و آرزو می‌کند که ای کاش نسخه کامل و صحیح از آن کتب همچنانکه در دست مشایخ قدیم بوده است بدسترس او بود و از مواید فوایدش متمتع و شیرین کام میگشت افسوس که معلوم نیست آن گنجینه‌های گرانبها کجا خاک خورده شده و بکلی از بین رفته یا در گوشه‌یی مجهول و گمنام و ضایع و معطل مانده است .

آرزومندیم و از درگاه پروردگار قادر کریم منّان خواستاریم که مانند کتاب حاضر که در وجود و عدم نسخه‌اش مردّد بودیم و اکنون بحمدالله از پرده استتار بیرون آمده و بدسترس طالبان افتاده است زیارت و مطالعه آن آثار را نیز روزی ما کند ، واته علی ذلک تقدیر .

مقدمه خود را باینجا ختم میکنم و قطعه را که در ماده تاریخ طبع کتاب حاضر ساختم در صفحه جداگانه مینویسم حامداً لله و مصلياً علی النبی محمد وآله الطیبین الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین .

تیر ماه ۱۳۴۴ شمسی و ماه صفر ۱۳۸۵ قمری هجری

جلال الدین همایی

قطعه

ماده تاریخ طبع کتاب « الفصول الفخریة فی اصول البریة »
باهتمام حضرت فاضل مقدم جناب آقای میر جلال الدین محدث ارموی دامت برکاته العالیة
ساخته طبع ابن حقیر (جلال الدین همایی ؛ سنا) .

جَبَدَا از فصول فخریة	کز نسب نامه ها فصول برفت
مِثْقَبِ خامه مؤلف آن	گوهر لفظ و درّ معنی سفت
زیر هر سطر این کتاب شریف	گنجی از نکته های نغز نهفت
چون سنا از محدث فاضل	مژده طبع این کتاب شفت
چون گلستان ز فیض باد بهار	نازه گشت و دلش چو غنچه شکفت
همه در لذت مطالعه اش	دوش تا گاه بامداد نخفت

وز پی سال طبع او تاریخ

« اثری باقی از محدث » گفت

واستادش «سیدناج الدین ابن معین» بویژه آنچه مربوط بنقش تاسیخ
 و انساب بوده ضالّه غشوده طلب این فن است، و از سفید نام
 باره ی از آنها نظیر همین تاریخ کبیر صلب عمده الملب، و تاریخ اجناد
 الامم ابن معین که بسبت و یک مجلد آن از کار آورده بود و زمینه بسط
 و تفصیل مطالبش تا حد مجتهد می کشید، و کتاب نهایة الطالب فی نسب آل ابی
طالب که ۱۲ مجلد بزرگ بوده است، بقول معروف آب به دهن شتر نه طالب
 می آید و آرزو می کند که ای کاش فسخی کامل و صمیم از آن کتب همچنان که
 درست مشایخ قدیم بوده است بدسترس او بود و از هوایده فرایده شتمش و
 شیرین کام می گشت، افسوس که سمد نیست آن گنجینه های گرانها که
 خاک خورده بود بختی از بین رفته یا در گوشه ی بگرد و گننام و ضایع
 و معطل مانده است!

آرزو مندیم و از درگاه پروردگار قادر کریم شان خواستاریم که مانند کتاب
 حاضر که در وجود و عدم نسخه اش مرده بودیم و اکنون بجهان از سر ده نشمار
 بیرون آمده و بدسترس طالبان افتاده است، زیارت و ملاقات آن آثار را
 نیز روزی ماکند، و الله مع ذلک قدير

مقدمه خود را باینجا ختم می کنم و قطعی را که در ماده تاریخ طبع کتاب حاضر
 سخدام در صفحه جدالانه می نویسم، حامداً لله و مصلياً علی النبی
 محمد وآله الطیبین الطاهیرین سلام الله علیهم اجمعین

تیرماه ۱۳۴۴ شمسی و ماه مهر ۱۳۸۵ قمری هجری
 (جلال الدین هُمایی)

قطعه

ماده تاریخ طبع کتاب «الفضل الفخریة فی اصول البریة» ، به تمام
حضرت فاضل شادام حباب آقا میرجلال الدین محدث ارموی
راست برکاته العالیة ، ساخته طبع ابن حقیر (جلال الدین طائی)
سینا

حبذا از فضول فخریة	کز نسب نامه ها فضول برت
میشب خامه مؤلف آن	گوهر لفظ و در معنی صفت
مربهر سطر این کتاب شریف	گنجی از نکته های تعریف
چون سنا از محدث فاضل	مژده طبع این کتاب شریف
چون گلستان ز فیض باد بهار	تازه گشت و دلش جو غنچه شکفت
همه در لذت مطالعاتش	دوش تا گام امداد نصحت

وز بی سال طبع او تاریخ

«اثری باقی از محدث» گفت

۱۳۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الإنسان من سُلالةٍ من طين ، و اصطفاه لخِلافته من بين جميع العالمين ، وجعله مَوْرداً^۱ لغرائب الألفاف ، ومَصْدِراً^۲ لعجائب الأوصاف .
والصلاة على أشرف النّسم ، وأفضل العرب والعجم ، سيدنا أبي القاسم محمد ﷺ
النّابت من مغترس الفخار في الشرف القدّ موسى المصطفى من خير البيوت كما اختص^۳
بخير النفوس^۴ ، وعلى آله المتفرّعين من دَوْحَةِ نبوّته ، المتفرّعين إلى ذُرّوة
الشرف بمنحة بُنوّته . وعلى أصحابه المغترّفين من مشرب العناية ، المعترّفين بنشر
القبول من مهبط الرعاية . ما انتسب فرع^۵ إلى أصل واتصف نسب^۶ بفصل أو وصل .

و بعد

بر أبواب الباب روشن و واضح است که اشرف صفات انسانی و انفس
ملا بس نفسانی تحلی بزبور علوم و تخلی از جهل مذموم است ، و علم تاریخ و
انساب و لطائف نکت و آداب ، از مهمّات معارف و جلائل عوارف است ، چه
تفحص اوضاع عالم و تعرّف احوال بنی آدم و شناختن آنچه میان آدمیان است از مناسب
و آنچه واقع شده است از غرائب و عجائب ، موجب وقوف بر امور خلق و معرفت
حکمت حقّ است ، و از این جهت حضرت رسالت علیه [افضل] الصلوات و اکمل
التحيات فرمودست^۷ : « تعلموا انسابکم تصلوا ارحامکم » و همیشه اکابر عرب

۲۰۱ - مورد راه وارد شدن بآبگاه ، و مصدر راه خارج شدن از آن است ، و لطف

این دو جمله پوشیده نیست . ۳ - بمعنی قدیم است . ۴ - نفس در اینجا بمعنی

روح است . و در نسخه ب « بخیر الرموس » است . ۵ - باد قبول مقابل باد دهور

میوزد . ۶ - در مستند احمد ج ۲ ص ۳۷۴ نقل شده و در آن چنین است : « تعلموا من

انسابکم ما تصلون به ارحامکم » مفتاح کنوز السنّة ماده (رحم) مراجعه شود .

و سرداران ایشان این علم را ورزیده‌اند و بتعمق در معرفت آن مفاخرت و مباحثات نموده‌اند. چنانچه [بعضی] زهاد^۱ ملوک ایشان با معلم فرزندان خود گفت در اثناء وصیتی که [او را] کرد: «وعلمهم النسب و الخبر فإنه أفضل علم الملوك». و عبدالمطلب بن هاشم نسابه بود و همچنان پسرش ابوطالب و عقیل بن ابی طالب، و از این جهت برادرش امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه با او فرمود در بعض اوقات^۲: «انظر إلى امرأة قد ولدتها الفحول من العرب لأتزوجها» [فتلد لي غلاماً فارساً] و رسول الله (ص) روز حنین فرمود: «أنا ابنُ» العواتک^۳ من سلیم^۴ و علی الدوام اکابر سادات و افاضل ایشان بعلم نسب اشتغال نمودند^۵ و تحقیق انساب و رد خود ساختند^۶، و أعظم ملوک و وزرا رغبت تمام در آن داشتند، و علماء آن فن را بتقریب و تعظیم مخصوص کردند، و مجالس ایشان علی تعاقب الايام مزین^۷ بود. اما در آن وقت، که رونق علم اعلی المراتب یافته بود، و سلطان فضل محفوظ باتباع و جنود، و شمس او مشرق و ریاض او مونیق [بود].

و درین روزگار اوطان فضل خالی گشتند، و قُطان^۸ او پراکنده شدند، و چنان شد که دعوی بی برهان و انتحالی بی امتحان. لاجرم خواطر مبتلی شد بملال، و افکار ممتحن بکلال، و إرادت علم از قلوب برداشته و تحصیل او از عیوب شمرده [گشت]، و نزدیک آن شد که خبرش چون خبرش^۹ مفقود شود،

۱ - نسخه ب «دناه» و شاید صحیح «دهات» باشد. ۲ - و عقیل برای

آنحضرت ام البنین کلایه را انتخاب نمود. عمدة الطالب ص ۳۰۷. ۳ - عواتک

جمع «عاتکه» و در لغت بمعنی کمان کهنه است که از نهایت قدست سرخ شود، و از اسماء مخصوص زنان است. این روایت را جوهری در صحاح ماده (عتک) آورده و گفته است: پیغمبر اکرم نه جده بنام «عاتکه» داشته که سه تن آنان از طائفه سلیم بوده‌اند.

۴ و ۵ - الف - تصحیح بعدی - : مینموده‌اند، ساخته‌اند. ۶ - ب : و مجالس خود

علی تعاقب الايام مزین بوده. ۷ - جمع «قطن» بمعنی ساکن خانه و شهر.

۸ - الف - تصحیح بعدی «آن» و اگرچه همین صحیح است ولی «او» که در نسخه

ب است با زمان تألیف کتاب اوفی است. ۹ - ب : «خبرش» و آن نیز صحیح است.

و اثر او بعینش لاحق گردد .

لولا آنکه حق سبحانه منّتی بر آن نمود [و عنایتی بر آن افزود] بسروری که تدارکِ باقیِ نفسش فرمود ، و تلافیِ نفس او که بتراقی رسیده بود [کرد] ، و سَوْق فضائل را نفاق داد ، و مجالس آنرا اتّساق بخشید ، و ما هو الاّ ماجدٌ اَمَرَ الْاَیّام فَاثْمَرَتْ ، وَحَجَّتْ إِلَى كَعْبَتِهِ الْاَمَالَ وَاعْتَمَرَتْ ، وَطَوَّقَتْ مَوَاهِبُهُ الْاَعْنَاق ، وَاغْضَتْ مَهَابَتُهُ الْجَفُونَ وَ الْاَحْدَاق . استولی من العلم علی عیونه ، و فاز من الفضل بأبکاره و عُونه ' ، و وقف عنایته علی ما تحلی به المسامع ، و صرف کفایته الی ما تنّی علیه الْأَصَابِعُ ، حتّی فاز من المناقب الباهرة بأَسْنَاهَا ، وَحَازَ مِنَ الْمَرَاتِبِ الْفَاخِرَةِ أَقْصَى مَدَاهَا ، فَأَمْسَى ثَرَاهُ لِرَأْسِ الثَّرِيَا اَكْلِيْلًا ، وَ أَضْحَى طَرَفُ الشَّمْسِ عَنْ إِدْرَاكِ مَجْدِهِ حَاسِرًا كَلِيْلًا ، أَعْنَى حَضْرَةِ الْمَوْلَى الْمَخْدُومِ الْأَعْظَمِ ، سُلْطَانِ الْوَرَى فِي الْعَرَبِ وَ الْعَجَم . صَاحِبِ الْقِرَانِ الْمَذْكُورِ ، كَفِيْلَ مَصَالِحِ الْجُمْهُورِ . مُرْتَضَى الْعَتَرَةِ النَّبَوِيَّةِ فِي جَمِيعِ الْمَمَالِكِ شَرْقًا وَ غَرْبًا ، مَجْتَبَى الْأُسْرَةِ الْعُلَوِيَّةِ فِي سَائِرِ الْأَقْطَارِ وَ الْمَسَالِكِ بَعْدًا وَ قَرَبًا . مَرْصَعُ تَاجِ مَقَرِّقِ الْإِيَالَةِ بِفَرَاثِدِ دُرِّهِ ، مُوشِحَ صَدْرِ دَسْتِ الْوِزَارَةِ ٢ بِقَلَائِدِ فَخْرِهِ . نَازِمٌ دُرَّرَ الْمَوَاهِبِ فِي سُلُوكِ الرَّغَائِبِ ، وَمُقَلَّدٌ جَيِّدِ الْوُجُودِ بَوِشَاحِ الْمَنَاقِبِ . مَجْدَدٌ رَسُومِ الْفَضْلِ بَعْدَ انْطِمَاسِهَا وَ مَحْيِيٌ دُرُوسِ الْعِلْمِ غَيْبٌ ٣ اِنْدَارِسَهَا . ذَوَالشَّيْمِ الْمَلِكِيَّةِ ، وَ الْهَيْمَمِ الْفَلَكِيَّةِ . آصَفُ الْعَهْدِ وَ الزَّمَانِ ، نَاشِرُ الْوَلِيَّةِ الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ . الْغَنِيُّ عَنِ الْإِطْنَابِ فِي الصِّفَاتِ ، بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ كِمَالِ الذَّاتِ . وَ مَا أَحْسَنَ قَوْلَ الْقَائِلِ وَ أَصْدَقُ ! بَلْ مَا أَجْدَرُهُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ أَوْفَقُ ! :

و ما الحکمیٰ إلّا زینةٌ مستعارةٌ تُتَمِّمُ مِنْ نَقْصِ إِذَا الْحَسَنِ قَصْرًا

فأما إذا كان الجمالُ موفرًا کحسَنک، لم یحتجْ إلی أن یزورًا

ذُخْرُ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ ، فَخْرُ الْمُلُوكِ وَ الْعَتَرَةِ وَ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ ابُو الْمَنَاقِبِ

۱ - جمع « عوان » بفتح عین بمعنی میانه سن از هر چیز . ۲ - الف : الوزراء

۳ - مسند وزارت . ۴ - جمع « رغیبه » بخشش و انعام بزرگ . ۵ - بمعنی

بعد و دنباله .

الحسن الحسینیّ اَعلى الله تعالی کلمته ، و بسط فی الخافِقین ^١ مَعْدَلَتَه ، و خلّد
ظِلّالَ عواطفه علی وجه الأرض ، و اَبَد کمال عوارفه ^٢ اِلیّ یوم النُّشور و العرض ،
و اَمَدَه بِالْاَلطاف الِإلهیّة ، و اَیّده بالعنایات الرِّبانیّة ، و مدّ سواغ [النِّعماء عابه
صافیة ، و اَدام تتابع الآلاء لَدیه صافیة ^٣ . و خواستم که خود را در آن حضرت عالی]
مذکور سازم ، و تحفه‌ای در آن مجلس رفیع عرضه دارم ، پس مختصری تحریر
کردم [مشتمل] بر ابتداء منشأ آدمیان ، و آنچه طوایف اهل مِلّ و نِحَل درین باب
گفتند ، و سیاق انساب اُمم و قبایل عرب و شُعوب عجم ، و ذکر مشاهیر انبیا و اولیا و
ملوک و خلفا و سلاطین و وزرا و علما و اماثل ، علی الخصوص ضبط قواعد انساب
علویان و نَسَق بیوتات و اکابر ایشان بر سبیل اختصار مثبت گردانیدم ، و جمله‌ای
از منتشرات فوائد در سِلک کِلک ^٤ کشیدم ، و مانند دولت و اقبال بر مَنْصَه
اُبّهت و جلال عرض کردم ، و نفایس دُرّ مکنون نزد دریای عُمان ^٥ آوردم ، و
آنها الفصول الغریّة فی اصول البریّة نام . نهادم اگر منظور نظر قبول افتد ، و انوار
عنایت بدو متّصل گردد اقصی غایات اِلمانی یابد ، و اَعلى رایات [التّهانی ^٦
بردارد . و من الله المعونة و التوفیق إِنَّه بِاعانة مَنْ تَوَكَّلَ علیه حقیقٌ ، و هو حسبنا
و نعم] الوکیل .

و این کتاب بر مقدّمه و سه فصل مرتّب گردانیدم .

١ - مشرق و مغرب . ٢ - جمع « عارفه » کار نیک . ٣ - کامل و تام .

و در نسخه هردو موضع « صافیة » است . ٤ - ب : سِلک کِلک کلامی .

٥ - بضم عین و تخفیف میم ، سرزمینی در ساحل خلیج عمان که منتهی بغلیج فارس میشود

٦ - مصدر باب تفاعل از ماده (ه ن ء) .

اما مقدمه

(در بیان منشأ نسل) *

هرکه معترف شد بحدوث عالم قائلست با آنکه نوع انسانی منشأی و مبدأی دارد ، و بغیر از اهل کتب ثلاثه اُعنی مسلمانان و ترسایان و جهودان و آنها که دعوی کتابی و پیغامبری میکنند اُعنی صابیه و معجوس ، بدین قائل نیست ، و لکن اهل کتب ثلاثه و صابیه متفق‌اند بر آنکه مبدء نوع انسانی آدم علیه‌السلام است ، و حق تعالی او را از خاك آفرید و در بهشت ساکن گردانید ، و حوّا را از یک پهلوی او خلق کرد ^۱ ، و اوّل فرزندی که ایشانرا پیدا شد قابیل بود ، و دختری که با او زاییده شد ، و بعد از آن هابیل [بود] و دختری که با او زاییده شد ، و بعد از آنکه قابیل هابیل را بکشت شیث علیه‌السلام زاییده شد با دختری که با او بود ، و بعضی گفته‌اند که شیث تنها زاییده شد و حق تعالی حوری از بهشت از برای او بزمین فرستاد که او را زن کرد ^۲ ، و در بعضی روایات [چنین است] که آدم علیه‌السلام

۱ - این موضوع در سفر پیدایش تورات اصحاح دوم آیات ۲۱-۲۳ بصراحت بیان شده ولی در قرآن مجید اشاره‌ای بکیفیت خلقت حوا نیست ، و روایات در این باره مختلف است ، و در بسیاری از آنها آثار اسرائیلی دیده میشود ، و موافق ذوق سلیم روایتی است در تفسیر آیه اول سورة نساء در تفسیر عیاشی (ج ۱ : ۲۱۶) که عمرو بن ابی المقدام از حضرت باقر علیه‌السلام کیفیت خلقت حوا را می‌پرسد حضرت فرمود : مردم چه میگویند؟ عرض کرد : میگویند از یکی از اضلاع آدم خلق شده ، فرمود : دروغ میگویند ، خدا عاجز نبوده که او را از غیر ضلع بیافریند ، بلکه او از زیادی گل آدم خلق شد .

۲ - درباره کیفیت ابتدای نسل سخن بسیار است و روایات مختلف ، و روایتی است از حضرت سجاد علیه‌السلام در احتجاج طبرسی و از حضرت رضا علیه‌السلام در قرب‌الاسناد که حضرت آدم نخستین مرتبه دختر یک بطن را به پسر بطن دیگر داد و بعد از آن تشریع حرمت شد .

را بیست پسر بود و بیست دختر، و در بعضی روایات صد و بیست پسر و صد و بیست دختر، و از شیث^۱ علیه السلام آنوش پیدا شد، و از آنوش قینان^۲، و از قینان مهلائیل^۳ و از مهلائیل الیاذر^۴، و از الیاذر أحنوخ^۵، و او^۶ ادریس پیغمبر علیه السلام است، و از و متوشلخ^۷ پیدا شد، و از متوشلخ لمک^۸ و از لمک نوح علیه السلام، و طوفان در ایام او بود که هر که بر روی زمین بود هلاک شد مگر اهل سفینه، و بیشتر ایشان که هلاک یافتند نسل قابیل بودند.

و نسل آدم علیه السلام منحصر بود در فرزندان قابیل و شیث علیه السلام. و زعم مجوس آنکه اول نوع انسانی کیومرث^۹ است و او را گیشاه میخوانند و میگویند: که سی سال در زمین بود تنها، و چون وفات یافت نطفه^{۱۰} او روان شد پس دو درخت ریاس از آن پیدا شد، و از آن دو ریاس مردی و زنی خدای تعالی آفرید و نام ایشان مشی و مشانه^{۱۱}، و مشی و مشانه فرزندی چند زاییدند از جمله^{۱۲} ایشان سیامک [و از سیامک] فراول^{۱۳} پیدا شد و از فراول پانزده فرزند پیدا شدند از جمله^{۱۴} ایشان او شهنج^{۱۵}. و بعضی [نقل کردند از بعض] کتب زردشت که بعد از کیومرث «ریّ البطل» پادشاه روی زمین بود و بعد از او «ویل الحریص» علی ایامه^{۱۶} اود الملک [و بعد از او فراهان پادشاه شد] و بعد از او شهنج پادشاه شد.

-
- ۱ - بکسرشین، مأخوذ از تورات عربی. ۲ - ضبط از تورات، و در «سیره» بروایت ابن هشام «قینن» و بروایت قتاده «قاین» است. ۳ - تورات: مهلائیل، سیره بروایت ابن هشام: مهلیل. ۴ - ب: الیاز، و صحیح آن «یرد» یا «یارد» است که در مراجع ذکر شده، و فقط مسعودی او را «لود» نوشته است. ۵ - الف: و ازو. ۶ - ضبط از سیره، و در مروج الذهب باهمال خاء، و در تورات متوشالغ - بتخفیف تاء - است. ۷ - تورات: لامک. ۸ - بعضی از علمای لغت گفته اند آخر آن تاء دو نقطه است زیرا در فارسی تاء سه نقطه نیست. و نیز «کیومرث» بمعنی پادشاه زمین (کی، مرز) آمده است. ۹ - شابه و منشابه، یا: شانه و مشانه. ۱۰ - مروج الذهب (۱: ۲۲۲). ۱۱ - ضبط از نسخه الف. مروج الذهب: فراول. ۱۲ - معرب هوشنگ. ۱۳ - تصحیح احتمالی است، و در هر دو نسخه «علی اقامه» است، اگرچه نسخه الف نقطه ندارد.

اما در نسب اوشهنج چنانچه اولاً^۱ تقریر کردیم خلاف ندارند ، و بعد ازین انشاء الله نسق ملوک فرس یاد کنیم ، از اوشهنج تا آخر ملوک ایشان ، و غلط مجوس در آنچه یاد کردند بیان نمایم .

و در تواریخ ختا آنکه اول کسی که از ایشان پادشاهی کرد پنکو^۱ ، پس ننخواسکی^۲ ، و او را ده سر بود ، و تن او همچون تن مار^۳ بود ، و ایشان در قدیم بر هیئت وحوش بودند ، و ثمار درختها میخوردند و در تابستان بالای تلها و درختها می نشستند ، و در زمستان در مغاره ها پناه می گرفتند ، و زن از نفس مرد آبتن میشد ، و اول آنکه گوشت میخوردند آتش بر سنگی می تافتند تا گرم میشد و بعد از آن بر گوشت می نهادند تا بریان میشد . و تاریخ قدیم یاد میکنند و پادشاهان بسیار می شمارند .

(تمة)

نوح علیه السلام را چهار پسر بود یکی از ایشان کنعان که در طوفان غرق شد^۴ ، و بعضی گفتند نام او « شالوما » بود ، و عرب میگویند که نام او « یام » است^۵ ، و سام و حام و یافث ، و هر آدمی که بر روی زمین است امروز از این سه پسر اند . و بعضی روایت کردند که خضر علیه السلام از اهل سفینه بود . و بعضی گفتند : جُرْهُم نیز از ایشانند ، اما قوله تعالی^۶ « وجعلنا ذرّیّته هم الباقین » مکذّب قول اینهاست . و در بعضی روایات آنکه نوح علیه السلام را بعد از طوفان پسری دیگر پیدا شد نام او « یوناطل » و این یوناطل را چهار پسر بوده : دمشق ، و ارغار ، و نعاس ، و دکامل^۷ . و اعقاب ایشان در چین و ماچین میباشند والله اعلم .

۱- نسخه ب و بعضی مراجع « نیکو » و این پادشا را قبل از هبوط آدم (ع) میدانستند .

۲- ب : تنخواسکی . و در بعضی مراجع : تنخوانکشی . ۳- ب : ماه .

۴- در تورات کنعان را یکی از فرزندان حام دانسته است . • مروج الذهب

(ج ۱ : ۴۱) . ۶- سورۀ صافات ، آیه ۷۷ ۷- ب : دمشق و ارغاء و نفاس

و دکامل .

فصل اول^۱

(در ذکر فرزندان حام بن نوح)

و از این جهت او را تقدیم کردیم که نسل او هر چند بسیارند اما مضبوط الانساب نیستند و آنچه مذکورند از ایشان اندکند، و بعد از او ذکر یافت و نسل او خواهیم کرد، و سام را بعد از هردو یاد کنیم بر سبیل «الحلواء تؤخر» و در انساب بنی سام انساب علویان نیز در آخر بیاوریم چه هر چه یاد میکنیم همچو مقدمه و تمهید ذکر ایشان است، و آنچه مقصود بالذات است آنست، و قِبط و سِند و هِند و زَنْج و حَبَشه و سایر اصناف سیاهان از فرزندان حام اند.

و از نسل او مصر بن قُوط بن حام^۲ پادشاه بود، و او مدینه مصر را عمارت کرد، و قِبط از فرزندان قُوط بن حام^۳ اند، و از ایشان هاجر مادر اسمعیل بن ابراهیم علیهما السلام است^۴، و نام او بزبان قِبط «هوعور» بود. و از قُوط^۵ بر قول صحیح فراعنه مصر [اند]، و بعضی گفتند در نسب فرعون یوسف علیه السلام: برجوبن طروس بن بتولتوس بن داروس بن ازمین بن مصراییم بن حام بن نوح^۶، و فرعون

-
- ۱ - ب: قسم اول. ۲ - اولاد حام بنا بنوشتۀ تورات: کوش، مصرایم، فوط و کنعان هستند. و در «قاموس کتاب مقدس» صفحه ۳۰۸ گفته است «اما کوش پدر قبایلی بود که در بابل و بلاد جنوب عرب و سودان سکونت ورزیدند، و مصرایم جد مصریان، و فوط جد افریقائیان، و کنعان جد کنعانیان بود» دائرة المعارف هستانی (ج ۶: ۶۵۹) نیز مراجعه شود. و مسعودی در مروج الذهب (ج ۱: ۳۵۷) نوشته است که «بصر بن حام» بمصر آمد و آن سرزمین بنام فرزند او «مصر بن بصر» است.
- ۳ - مسعودی آنان را از اولاد «قبط بن مصر بن بصر بن حام» دانسته است، بترتیبی که گفتیم.
- ۴ - قاموس کتاب مقدس ص ۶۱۵. ۵ - الف: قبط.
- ۶ - ترتیب اسامی از «ب» است و با الف اختلاف دارد.

موسی علیه السلام بوسوس بن برجو ، و در بعضی روایات آنکه آن برجو بعینه زنده ماند تا زمان موسی علیه السلام ، و بعضی گفتند که برادر زاده اوست ، و بعضی گفتند پسر عمش ، و روایات مصر میگویند که او « ظلما » [است] .

و بعضی از روایات میگویند که فراعنه مصر از « عمالقه »^۱ اند و نام فرعون یوسف^۲ « الریان » و نام فرعون موسی « الولید » و روایات در باب ایشان بسیار است . و صحیح آنکه ایشان از قبط اند ، چه مُلُک مصر همیشه در قِبط بود از عهد « اطرکرکس » تا زمان اسکندر یونانی ، پس منقطع شد ، پس بایشان عاید گشت تا اسلام ظاهر شد . و مَلِک ایشان در آن وقت « المقوقس القبطی » بود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مکاتبت او کرد و او « ماریه » بهدیه پیش رسول الله (ص) فرستاد . و صحیح آنکه فرعون که موسی علیه السلام با او مُرْسَل شد غیر آن که در زمان او زاییده شد ، چه نصّ تورات^۳ [دالست] بر آن که آن فرعون وفات یافت و موسی علیه السلام در مدین بود .

و از فرزندان حام بنوقوط بن حام ، و از فرزندان مصرایم بن حام : سروسیم^۴ و کَسَلُوحیم است و نسل ایشانرا فِلِیشْتانیان میخوانند ، و در فلسطین بودند ، و از ایشان « جالوت » که خدای عزّوجلّ نام او را در قرآن آورد^۵ و نام او گیلوت^۶ و بعضی گفتند که او از بربر است .

و از فرزندان^۷ کُوش بن حام ، کَنَعان پدر نمرود [است] که پادشاه بابل بود ، و اول پادشاهی که در عالم پیدا شد او بود بر قول غیر فرس . و در نسب او

۱- طائفه ای بوده اند نیرومند که ریشه آنان معلوم نیست ، و در وادی سینا بوده اند .

قاموس کتاب مقدس ص ۶۱۹ . ۲- مروج الذهب (ج ۱ : ۳۵۸) .

۳- سفر خروج ، اصحاح ۲ : ۲۳ . ۴- الف : بروسم . تورات : قتروسیم .

۵- سورة بقره ، آیه ۲۴۹ . ۶- و در تورات « جلیات » و قصه جنگ او با داود (ع)

در کتاب اول سموئل اصحاح ۱۷ مذکور است . دائرة المعارف بستانی (ج ۶ : ۵۰۴)

و قاموس کتاب مقدس ص ۲۸۹ نیز دیده شود . ۷- از تورات ، سفر پیدایش ،

اصحاح ۱۰ آیه ۸ و مروج الذهب (ج ۲ : ۱۱۸) فهمیده میشود که نمرود فرزند کوش

است بلا واسطه .

خلاف است . و محمد بن حبیب میگوید^۱ که نمرودان شش اند : اول ایشان پسر کنعان بن حام بن نوح . پس نمرود بن کوش بن کنعان بن حام . پس نمرود بن ماش بن سام^۲ بن نوح . پس نمرود بن سنجاریب ، و بعضی گفتند : نمرود بن کوش بن سنجاریب بن نمرود بن کوش بن کنعان بن حام . پس نمرود بن سروغ^۳ بن ارغو^۴ بن فالغ^۵ بن عابر^۶ بن شالخ^۷ بن ارفخشذ^۸ بن سام . پس نمرود^۹ بن کنعان بن المصاص^{۱۰} بن یقظان بن عابر .

و فرزندان کنعان در فلسطین و اردن و میان مصر و شام بودند ، پس بنو اسرائیل با ایشان جنگها کردند تا مستأصل شدند ، مگر اندک بقیه که در شهرها متفرق شدند .

و بعضی گفتند که بربر^{۱۱} از بقایای کنعانیان اند ، و بعضی گفتند : از بقایای فلسطانیان اند ، و بعضی گفتند : از بقایای عمالیق اند .

و از حبشه أصحابه نجاشی که مسلمان شد بردست جعفر بن ابی طالب ، و پیغامبر علیه الصلوة والسلام خبر داد از وفات اودر آن روز که وفات یافت ، و نماز بر وی گزارد با اصحاب خود در مدینه . و « نجاشی » لقب هر که پادشاه حبشه بود . و از حبشه آن قوم که بر ملک یمن تغلب کردند و اول ایشان ارباط^{۱۲} و از بزرگ -

۱- کتاب « المحبر » دیده شود . ۲- ماشی فرزند ارم - یا - آرام بن سام است .

تورات و مروج الذهب (ج ۱ : ۴۲) . ۳- اسرغ و ساروغ و سروج نیز گفته شده

۴- ارعو و رعو و راعو نیز آمده است . ۵- فالخ و فالج نیز گفته اند .

۶- غابر و عیبر هم وارد شده . ۷- تورات : شالخ . ۸- طبری و معارف

ابن قتیبه : ارفخشذ . ۹- الف ، ب : سام بن نمرود . ۱۰- چنین نامی در

فرزندان یقظان در تورات نیست . ۱۱- مقدمة ابن خلدون و دائرة المعارف بستانی

(ج ۵ : ۲۷۶) مراجعه شود . ۱۲- مروج الذهب (ج ۲ : ۷۸) : ارباط . وقصه

استیلای ایشان را بر یمن چنین نوشته که : چون ذی نواس بر مسیحیان سخت گرفت و واقعه

« اخدود » را ترتیب داد نجاشی پادشاه حبشه ارباط را برای سرکوبی او فرستاد و او یمن

را بگرفت و بیست سال در آنجا بود و بدست ابرهه که یکی از سرداران سپاه بود کشته

شد ، ابرهه پس از قتل ارباط انقیاد خود را بنجاشی اعلام داشت و از طرف نجاشی در

یمن حکومت نمود ، و در سال چهارم سلطنت انوشیروان بمکه لشکر کشید .

زادگان حبشه بود ، و ابرهه الأشرم او را بکشت و بعد از او پادشاهی یمن کرد ، و اوست آنکه قصد کعبه^۱ حرام کرد و فیل را آورد تا کعبه را خراب کند . و بعد از او پسرش « یکسوم » پادشاه شد ، پس برادرش مسروق بن ابرهه ، و وهرز^۲ فارسی او را بکشت^۳ در آن وقت که سیف بن ذی یزن^۴ لشکر فرس آورد و استخلاص یمن از حبشه کرد .

۱ - ضبط از مروج الذهب . ۲ - مسعودی مینویسد : مسروق نسبت باهل یمن ظلم و ستم روا میداشت تا جایی که بستوه آمدند و سیف بن ذی یزن بدربار قیصر رفت و کمک خواست تا دفع شر مسروق نماید قیصر مساعدت نکرد بناچار بایران آمد ، کسری باو وعده کمک داد ولی در همین اثناء سیف از دنیا برفت ، و پس از او معد یکرب فرزندش درخواست پدر را تجدید کرد ، کسری دستور داد زندانیان تحت فرماندهی وهرز سپهبد دیلم بهمراهی معد یکرب به یمن بروند ، آنها رفته مسروق را بکشتند و معد یکرب به سلطنت رسید و یمن در حمایت ایران درآمد . ولی ابن خلدون نوشته است که خود سیف بیاری وهرز بر یمن مسلط شد .

فصل دوم^۱

*(در ذکر فرزندان یافت بن نوح) *

و او پدر : ترك ، و چین ، و یأجوج ، و مأجوج ، و صَقَالِبَه ، و خَرَزْ و یونان و غیر آنست^۲ ، و از فرزندان او افراسیاب بن [تورك بن] ترك بن جُومَر^۳ بن یافت ، و نام او در اَبِستاق^۴ که کتاب مجوسی است « فرنك بن فیش » و بعضی گفتند « فیشنگ بن اینب بن رایشمس بن تورك بن شنتسف [بن اورشسف] بن طوح بن فریدون ، این افراسیاب بلاد فرس را خراب کرد و بسیار از آنجا انباشت و بسی از شهرها نیست کرد .

و بعضی میگویند که « ذوالقرنین » هِرْمِیس بن رومی بن لیطی بن یونان بن تاریخ بن یافت^۵ .

و بعضی روایت کردند که « روم » از نسل یافت اند ، و محققان علم نسب بر اینست .

و در نسب مُغول اختلاف است بعضی گفتند که : ایشان از ترك اند ، و بعضی گفتند از بنی قنطورا بن عابر بن شالغ ، و بعضی گفتند از نسل یفشان^۶ بن ابراهیم الخلیل علیه السلام ، و قنطورا^۷ نام مادر یفشان است . و بعضی گفته اند که اصل مغول از دو برادر که در « ارکنه قون » ساکن بودند ، و از قبایل ایشان تاتار ، و قنقرات ،

۱ - الف : قسم دوم . ۲ - بیشتر اینان را در ناسخ التواریخ و روضة الصفا

از فرزندان بلا واسطه یافت نوشته اند ولی در تواریخ مورد اعتماد وارد نشده ، و بطور نمونه در تاریخ یعقوبی (ج ۱ : ۱۵ - ۱۶) ترك و خزر را فرزندان ماش بن یافت نوشته است . ۳ - ضبط از تورات . گذشت که ترك از اولاد ماش بن یافت است نه جومر .

۴ - منظور « اوستا » است . ۵ - ب : نقاشان . یعقوبی (ج ۱ : ۲۸) یقشن .

۷ - یعقوبی : قطوره .

و اولقوت ، و برلاس ، و کلکوب ، و قُتاب ، و اُرْلاَث ، و جلاير ، و سولدوس و غير ايشان .

[و آنجه^۱ خان و اوجد^۲ اعلای ايشان است] اما نمی دانند که میان او و نوح عليه السلام چند پدر است . و از ايشان ديون بايان ، و او از مغول اصلی که از « ارکته قون » درآمد و دو پسر داشت یکی « بلکونوتی » و یکی « بکونوتی »^۳ و مادر هردو « آلان قوا » و چون دويون پايان وفات یافت آلان قوا سه پسر ديگر بزاييد : بوذنجر^۴ و بوقُن قیقی و يوسون سالجی^۵ و اين « آلان قوا » بعد از دويون پايان شوهری نکرد و متوجه حق تعالی شد و بعبادت اشتغال نمود ، بعد از آن آبستن شد و چون حال او ازو پرسيدند گفت : « مردی سرخ رنگ نورانی نزد من می آيد میان خواب و بيداری ، و ما را بشارت داد که از نسل من جمعی باشند که پادشاهی روی زمین کنند » و در بعضی روايات^۶ آنکه او^۷ دید که گرگی باو رسيد پس آبستن شد و « يوسون سالجی » را زاييده است ، پس بعد از یکسال دید که خرسی بدو رسیده است پس آبستن شد و « بوقون قیقی » را زاييد ، و بعد از آن نور آفتاب دید پس آبستن شد و « بوذنجر » را زاييد ، و اضداد او در باب او زبان گشودند و طعن کردند و برهان ازو طلبيدند بر صحت قول او ، پس آن شخص نورانی که باو رسيد گوهری باو داد که هرگاه در عين^۸ آفتاب می انداخت می ايستاد میان آسمان و زمین ، و از عفت او و طریقه^۹ پسندیده^{۱۰} او چیزی چند ظاهر شد که استدلال کردند بر طهارت و صدق او .

و [از نسل او فرزندی شد که] نام او سلطان « چنگيز خان » که قهر سلاطین

۱ - الف : ابولحه . تصحيح از روضة الصفا . ۲ - در یکی از مراجع :

یلگدی و بکجدی . ۳ - هردو نسخه مغشوش است ، از مراجع اصلاح شد و مشهور

« بوذنجر » بزای است . ۴ - یکی از مراجع : بوسقین سالجی . ۵ - اين

روایت خرافي است که باقتضای زمان تألیف یا جامعیت آن نوشته شده و هر که بانظر دقیق در این کتاب و کتاب عمدة الطالب بنگرد برائت فکر مؤلف را از اینگونه قضایا تصدیق

خواهد کرد . ۶ - ب : در غير .

کرد و بنیاد پادشاهی و خاقانی نهاد، در عصر خود «تموجین» بود و او پسر میسوکی^۱ بن بُرتان بهادر بن^۲ قَبیل خان بن تومنه خان بن بای سیکفور^۳ بن بایدو خان^۴ بن دو توم منین بن بوقا^۵ بن بوذنجربن آلان قوا. و ولادت او در ماه ذی القعدة سال پانصد و چهل و نه هجری بود و وفات او در ماه رمضان سال ششصد و بیست و چهار بود، و عمر وی هفتاد و پنج سال، و مدت پادشاهی او بیست و پنج سال است.

و او را چهار پسر بودند: تولی خان و اوکتای خان^۶ و جغتای خان و جوجی خان.

از فرزندان تولی خان «هولاگو» بن تولی که متوجه مملکت ایران شد از قَبیل عمّ خود^۷ اوکتای خان، و او بغداد را گرفت و خلیفه آنجا المستعصم بالله العباسی را بکشت، و بعد از هولاگو پسرش «اباقا خان» پادشاه شد، پس برادرش «احمد» بن هولاگو، پس «ارغون» بن اباقاخان، پس برادرش «گیخاتو» بن اباقاخان، پس «بایدو» بن طرغای بن هولاگوخان، و پادشاهی [بر او استمرار نیافت و او را بکشتند، و بعد از او «غازان محمود» پسر ارغون پادشاه] شد پس برادرش «خدا بنده محمد اولجایتو» پس پسرش «ابوسعید» پس «ارباگون» و او از نسل بایدو^۸، پس «موسی خان» بن علی^۹ بن بایدو بن طرغای بن هولاگو

۱ - یسوکا بهادر صحیح است. ۲ - در تاریخ جهان آرا و بعضی مراجع

برتان بهادر را فرزند قویله بن قبل خان دانسته است. ۳ - تاریخ جهان آرا: بایسنقر

۴ - جهان آرا: قیدو خان. و در یکی از مراجع: قایدو. ۵ - الف: دویومین،

ب: دومین. ب: یرقان. ۶ - از همه کوچکتر و بر همه امیر بود. فروغی.

۷ - این مطلب را در جائی نیافتم بلکه مطابق تواریخ از طرف برادر خود متکوکا آن

عازم شد. ۸ - روضة الصفاء ارباکاون از نسل اربقی بوکا، بن تولی خان بود.

۹ - در طبقات الاسلام چنین است (تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس ج ۲: ۱۵۲)

ولی در روضة الصفا «موسی خان بن بایدو» است.

خان^۱ پس ملکش ایران مضطرب شد و هرکه قوت داشت بر مملکتی متغلب شد ، و اول این اضطراب بعد از وفات سلطان ابوسعید بود .

و هولاکو را برادری چند بودند از ایشان « مُونکاکاآن » پادشاهی کرد و « قوبیلای » نیز پادشاهی کرد ، و از نسل قوبیلای « تیمور قاآن » بن حبْنکَم^۲ [بن قوبیلای پادشاه بود ، و بعد از وخیشنک بن یرمه بلا^۳ بن حبْنکَم] پادشاهی کرد ، و با یابنوقان بن حبْنکَم نیز پادشاه بود .

و از نسل او کتای خان ، کُوبُوک خان بن اُوکتای [بعد از پدر خود پادشاه شد ، و از برادران او « فدان اغول » و « قاشی » پسران او کتای] هردو پادشاهی کردند ، و بعد از قاشی پسرش « قیدو » پادشاه شد ، و بعد از و پسرش « جبار » و از نسل جغتای خان « قرا هولاکو » [بن موآتوکان بن جغتای بعد از جد خود پادشاه شد ، پس پسرش « مبارکشاه » بن قرا هولاکو] و « بیون توا » پسر موآتوکان پادشاهی نیز کردند ، و پسرش « براق » و « دوا » پسر براق هردو پادشاه بودند .

و اگرچه جوجی خان بن چنگیز خان در حیات پدر خود وفات یافت اما هردو پسر او « باتو » بن جوجی و « آورده » بن جوجی پادشاهی کردند ، و بعد آورده « لاقچی » بن باتو پادشاهی کرد ، پس « برکه »^۴ پسر جوجی ، پس « مونک کاتمور »

۱ - و بطور خلاصه سلاطین چنگیزی که در ایران سلطنت کرده اند و مدت سلطنت

آنها باین شرح است :

۱ - هلاکو	۶۵۱ - ۶۶۳	۶ - بایدو خان	۶۹۴ - ۶۹۴
۲ - اباکان	۶۶۳ - ۶۸۰	۷ - غازان خان	۶۹۴ - ۷۰۳
۳ - نیکودار احمد	۶۸۰ - ۶۸۳	۸ - خدا بنده	۷۰۳ - ۷۱۶
۴ - ارغون خان	۶۸۳ - ۶۹۰	۹ - سلطان ابوسعید	۷۱۶ - ۷۳۶
۵ - گیخاتو	۶۹۰ - ۶۹۴	۱۰ - ۱۱ - ارپاخان و موسی خان	
۲ - روضة الصفا : جیم - کیم .		۳ - هردو نسخه بدون نقطه است و صحیح	
آنرا نیافتم .	۴ - ب : برك .		

بن توقان بن باتو پادشاهی کرد، پس پسرش «تود»^۱ بن منککا، پس «الغوی» و برادرش «ظفر یلجه» پسران مونککاتمور بن تموقان، و «کومجک»^۲ و «توله بوقا» پسران داربو بن توقان او را خلع کردند از پادشاهی، و مدت پنج سال ایشان پادشاهی کردند بشرکت، پس «توقنای» بن مونککاتمور مددی بر ایشان خواست و پادشاهی از ایشان بگرفت. و از ایشان «اوزبک» بن ظفر یلجه بن مونککاتمور نیز پادشاهی کرد.

و از قبیله «بورلاس»^۳ السلطان ابوالمظفر تیمور مظهر العجایب در ماوراء - النهر ظهور کرد، و آن دیار را بتمامها مسخر فرمود. و بلاد ترکستان و ماوراء النهر را بگذشت، و ممالک ایران زمین را بأسرها فتح کرد، و در بلاد هند تا دهلی بگذشت و مسخر کرد، و در باقی آنسال بلاد جزیره و دیار بکر و موصل و بلاد شام و روم همه در قبضه تسخیر آورد، و پادشاهی بقوت و شوکت و تمول و کثرت عساکر و تدبیر و هیبت و رعب مثل او کسی ندید و نشنید، با تواضع و لین جانب و استفسار احوال خاص و عام، و سهوله الحجاب، علی الخصوص بنسبت بامساکنین و ضعفا، و اعتقاد در باب اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و تعظیم ایشان و توقیر علماء و افاضل، و اکنون آن ممالک در تصرف پسر نامدار او السلطان الأعظم معین الدین «شاهرخ» است که اطناب قیاب دولتش باوتاد خلود مؤبد باد.^۴

و از قبیله جلایر «جوجی ترمه» و «حاور فای» دوامیر معتبر بودند در زمان چنگیزخان، و جوجی ترمه را پنج پسر بوده، از ایشان «ایلکان نویان» در

۱ - ب: تور. ۲ - هردو نسخه بدون نقطه است. ۳ - حاجی بورلاس

عموی تیمور است. سایکس (ج ۲: ۱۸۳). ۴ - ب: نیز و از النهر بگذشت.

۵ - اسامی سلاطین تیموریه در ایران:

۱ - امیر تیمور ۷۷۱ - ۸۰۷ ۵ - سلطان ابوسعید ۸۶۳ - ۸۷۲

۲ - میرزا شاهرخ ۸۰۷ - ۸۵۰ ۶ - سلطان حسین میرزا ۸۷۲ - ۹۱۱

۳ - الغ بیگ ۸۵۱ - ۸۵۳ ۷ - بدیع الزمان میرزا ۹۱۱ - ۹۲۰

۴ - بابر ۸۵۴ - ۸۶۱

خدمت سلطان هولاکو خان بود وقتی که متوجه ایران زمین شد ، و امیر بزرگ بود و او را ده پسر بودند از ایشان « شبکتون نویان » و « آقبوقا » از نسل آقبوقا امیر « شیخ حسن » بن الامیر حسین بن آقبوقا ، و پسرش سلطان « اویس »^۱ و فرزندان او .

و از قبیله سولودوس : الامیر « سیورغان شیره » امیر بزرگ بود ، و پسرش « سودون نویان » از امرآء معتبر بود و دست راست لشکر چنگیز خان بود ، و از نسل او الامیر « سوغانیجاق » و برادرش « بودان » پسران سودون نویان . و از نسل الامیر بودان بن سودون نویان : الامیر « چوپان » بن ملک بن بودان مذکور و فرزندان^۲ او ، و مادر امیر چوپان دختر سلطان ارغون بود .

و از ترك ملوك غزنوی^۳ اند ، و اصل ایشان از غلامان سامانیّه بودند و اوّل کسی که از ایشان انتعاش یافت ناصرالدین « سبکتکین » و غلام آل سامان بود اما اسم سلطنت نداشت ، و اول سلاطین ایشان پسرش یمن الدوله ابوالقاسم « محمود » بن سبکتکین است که مستولی شد بر خراسان و سیجستان و بلاد زابلستان و غزنوی^۴ ، و ببلاد هند غزوات بسیار کرد و بسیار از آن بلاد فتح نمود ، و در سنه چهارصد و بیست از هجرت وفات یافت ، و پسرش « مسعود » بن [محمود سلطان شد ، پس « محمد » بن محمود ، پس ابوالفتح « مؤدود » بن مسعود ، پس « مسعود » بن] مودود^۵ ، پس « علی » بن مسعود ، پس « عبدالرشید » بن السلطان محمود^۶ ،

۱ - امرای جلایر از ۷۳۶ تا ۸۱۴ حکومت داشتند و سه تن از ایلخانان دست

نشاندۀ آنها بودند : محمد ، طغا تیمور و جهان تیمور (جمعاً ۷۵۲ - ۷۳۶) .

۲ - نوۀ امیر چوپان « شیخ حسن چوپانی » و فرزند او « ملک اشرف » یکچند سه نفر از ایلخانان ضعیف مغول را آلت دست قرار دادند و آن سه : شاهزاده خانم « ساتی بگ » و « سلیمان » و « نوشیروان » بودند که جمعاً از ۷۳۹ تا ۷۴۵ حکمرانی کردند . سایکس (ج ۲ : ۱۷۸) .
 ۳ و ۴ - الف - تصحیح بعدی - غزنین . و غزنه و غزنوی و غزنین

تمام صحیح است . - در مراجع نامی از « مسعود بن مودود » نیافتم .

۶ - عبدالرشید فرزند مسعود است .

پس ابوالمظفر « ابراهیم » بن مسعود بن محمود ، پس « مسعود » بن ابراهیم پس « ارسلان شاه » بن مسعود ، پس « بهرام شاه » بن مسعود^۱ و آخر ایشان او بود^۲ ، چه علاء الدین « حسین » بن الحسن که اول ملوک « غُور » [بود] بر وی خروج کرد و مملکت ایشانرا بگرفت ، و بعد از او برادر زاده اش غیاث الدین ابوالفتح « محمد » بن سام بن الحسن سلطان شد ، و بعد از او برادرش شهاب الدین ابوالمظفر ، و چون هندیان یا ملاحده اورا بکشتند غلام او شمس الدین ایلتمش^۳ در دهلی سلطان شد و سلاطین آنجا تا غایت از موالی ایشانند . و غوریان معلوم نمیشود که از فرس اند یا از هیاطله ، و هیاطله که در قدیم ملوک غور بودند معلوم نمیشود که از نسل یافت اند یا از نسل سام اند . والله سبحانه اعلم .

و از ترك قبیله ای که ایشانرا « غُز » میخوانند^۴ ، و از ایشان سلاطین سلجوقی نسل سلجوق بن هری بن طفشور و بعضی گفتند سلجوق بن لقمان^۵ و اول ایشان

۱ - کلیله و دمنه بهرامشاهی بنام او است . و نظامی « مخزن الاسرار » را باشاره وی سروده است . ۲ - پس از بهرامشاه دوتن دیگر از غزنویان بسطنت رسیدند : یکی فرزند او « خسرو شاه » و دیگری فرزند خسرو « خسرو ملک » و او بود که بدست غوریان کشته شد . و فهرست جامع سلاطین غزنوی بدین قرار است :

۱ - سبکتکین	۳۶۶ - ۳۸۷	۹ - عبدالرشید	۴۴۱ - ۴۴۲
۲ - اسماعیل	۳۸۷ - ۳۸۷	۱۰ - فرخزاد	۴۴۴ - ۴۵۱
۳ - محمود	۳۸۷ - ۴۲۱	۱۱ - ابراهیم	۴۵۱ - ۴۹۲
۴ - محمد	۴۲۱ - ۴۲۱	۱۲ - مسعود	۴۹۲ - ۵۰۸
۵ - مسعود	۴۲۱ - ۴۳۲	۱۳ - ارسلان شاه	۵۰۹ - ۵۱۲
۶ - محمد (ایضاً)	۴۳۲ - ۴۳۳	۱۴ - بهرام شاه	۵۱۲ - ۵۴۸
۷ - مودود	۴۳۲ - ۴۴۱	۱۵ - خسرو شاه	۵۴۸ - ۵۵۵
۸ - علی	۴۴۱ - ۴۴۱	۱۶ - خسرو ملک	۵۵۵ - ۵۸۳

۳ - هردو نسخه مضطرب بود ، از روضة الصفا اصلاح شد . ۴ - اگرچه سلاجقه شعبه ای از « غز » هستند ولی باین نام معروف نشدند ، و ترکان « غز » در زمان سنجر ظهور یافتند . ۵ - روضة الصفا : سلجوق بن دقاق . تاریخ سایکس (ج ۲ : ۴۳) : نفاق .

رکن‌الدین ابوطالب طغرل بک «محمد» بن میکائیل بن سلجوق [پس عز‌الدین ابوشجاع آلب ارسلان «محمد» بن جفر بیگ بن میکائیل] پس معز‌الدین ابوالفتح «ملکشاه» بن آلب ارسلان، و بغایت سلطان معتبر بود و ممالک بسیار در حکم خود آورد، چنانچه گویند که وزیر او نظام‌الملک «الحسن» بن اسحق در وقت مراجعت از سمرقند و اسیر کردن خان، اجرت ملاحان جیحون بر عمال انطاکیه حواله کرد، پس رکن‌الدین ابوالمظفر «برکیارق»^۱ بن ملکشاه، پس غیاث‌الدین «محمد» بن ملکشاه، پس معز‌الدین ابوالحارث «سنجّر» بن ملکشاه، پس مغیث‌الدین ابوهاشم «محمود» بن محمد، پس^۲ رکن‌الدین ابوطالب «طغرل» بن محمد، پس غیاث‌الدین ابوالفتح «مسعود» بن محمد، پس مغیث‌الدین ابوالفتح «ملکشاه» بن محمود بن محمد، پس غیاث‌الدین ابوشجاع «محمد» بن محمود، پس معز‌الدین ابوالحارث «سلیمان‌شاه» بن محمد، پس مغیث‌الدین «ارسلان» بن طغرل، پس رکن‌الدین ابوطالب «طغرل» بن ارسلان که آخر ایشانست^۳. اما مملکت روم بر ایشان باقی ماند در تصرف نسل سلطان علاء‌الدین «قلیچ ارسلان» بن مسعود بن قلیچ ارسلان [بن سلیمان]^۴.

۱ - الف : کیارق ، ب : کنارق . ۲ - هردو نسخه : بن رکن‌الدین .

۳ - جدول اسامی و مدت حکمرانی سلجوقیان :

۱ - طغرل بن میکائیل	۴۳۲-۴۵۵	۸ - طغرل بن محمد	۵۲۶-۵۲۹
۲ - الب ارسلان بن جفر	۴۵۵-۴۶۵	۹ - مسعود بن محمد	۵۲۹-۵۴۷
۳ - ملکشاه بن الب ارسلان	۴۶۵-۴۸۵	۱۰ - ملکشاه بن محمود	۵۴۷-۵۵۵
۴ - برکیارق بن ملکشاه	۴۸۵-۴۹۸	۱۱ - محمد بن محمود	۵۴۸-۵۵۴
۵ - محمد بن ملکشاه	۴۹۸-۵۱۱	۱۲ - محمد بن ملکشاه	۵۵۰-۵۵۶
۶ - سنجّر بن ملکشاه	۵۱۱-۵۵۲	۱۳ - ارسلان بن طغرل	۵۵۶-۵۷۱
۷ - محمود بن محمد	۵۱۱-۵۲۵	۱۴ - طغرل بن ارسلان	۵۷۱-۵۹۰

۴ - فقط در نسخه ب است .

و از ایشان جمعی سلطنت کرمان داشتند اول ایشان السلطان «قاورد»^۱ و سلطنت کرمان از ایشان به «قراختائیان» افتاد و اوّل ایشان «بُراق حاجب» بود و در نسل او بماند تا «شاه جهان» پسر سلطان جلال الدین سیورغتمش، و شاه جهان بعد از وفات سلطان «غازان» یاغی شد، پس ملک «ناصرالدین» غوری بکرمان فرستادند^۲، و شاه جهان را بگرفت و باردو فرستاد، و شفاعت در باب او کرد تا از او عفو کردند، و مملکت کرمان بدست ملک ناصرالدین غوری بماند، و او پسر خود را ملک قطب الدین «نیکروز» را در آنجا بازداشت، و در آنجا بماند تا سلطان «أبوسعید» وفات یافت و امیر مبارزالدین «محمد» بن المظفر قصد او کرد و کرمان ازو بگرفت، و این مبارزالدین دختر «شاه جهان» زن کرده بود و او مادر فرزندانش سلطان جلال الدین «شاه شجاع» و قطب الدین «شاه محمود» و عمادالدین «سلطان احمد» بود و شاه شجاع و شاه محمود متفق شدند و پدر را بگرفتند و کور کردند، و اسم سلطنت بر شاه شجاع نهادند و فارس و کرمان در تصرف خود گرفت و اصفهان را بشاه محمود مسلم کرد، و بعد از وفات شاه محمود اصفهان نیز بدست شاه شجاع افتاد و بعد ازو پسرش «زین العابدین» قایم مقام او شد تا شاه «منصور» بن المظفر بن محمد بن المظفر او را بگرفت و کور کرد و مملکت فارس بدست آورد، و برادرش «شاه یحیی» بن المظفر حاکم یزد بود از عهد جدش محمد بن المظفر، و کرمان بعد از شاه شجاع بدست

۱ - وی برادر بزرگ الب ارسلان سلجوقی است. و قاوردیه ۹ نفر بودند و از ۴۳۳ تا ۵۸۳ در کرمان حکومت داشتند. ۲ - ناصرالدین را الجایتو خدا بنده فرستاد و شاه جهان را عزل نمود. و در نسخه «ب» چنین اصلاح کرده‌اند: «..... یاغی شد، پس سلطان ابوسعید ملک ناصرالدین غوری را بکرمان فرستاد. الخ» و این اشتباه است؛ و زیاد کردن «سلطان ابوسعید» از اینجا ناشی شده که چند سطر بعد اسم او خواهد آمد، مصحح پنداشته که عزل شاه جهان در زمان ابوسعید بود. با آنکه پدرش الجایتو «شاه جهان» را معزول ساخت چنانکه گفتیم. و قراختائیان هشت نفر بودند و از ۶۱۹ تا ۷۰۶ در کرمان حکومت داشتند.

سلطان « احمد » بن محمد بن المظفر افتاد تا كشته شد^۱ و ممالك ایشان در حوزة تصرف نوآب صاحب قران امير تيمور افتاد . والله الباقي .

و از موالی سلجوقيان « آل زنگی » اُمراء شام و ديار بكر بودند تا « صلاح الدين » بن اُتوب از ایشان بگرفت^۲ .
و از موالی ایشان نیز اُتابكان فارس^۳ .

در ذكر ملوك يونان

و از يونان ملوك « مقدونيّه » كه از ایشان « فيلقوس »^۴ پدر اسکندر كه او را نیز ذوالقرنین ميخوانند ، و بعض نسا بان او را باسحق بن ابراهيم عليهما السلام ملحق كردند^۵ ، و بعد از او سيزده ملك از يونان حكّام روم بودند^۶ ، و بعد از آن ملك متقل بروم شد و ایشانرا بلکه همه روم در قدیم بلغت ایشان « بنوصوفر »^۷ ميگفتند و مدّعی بني اسرائيل آنكه « صوفر » پسر نفرين عيص بن اسحق بن ابراهيم عليهما السلام است ، وليكن روم و يونان بدین معترف نمیشوند و ميگویند كه ما از نسل يافثيم ، و اوّل ملوك روم « نوليوس »^۸ پس « اُغسنتُس » قيصر ، و او اوّل

۱ - مظفريان هشت نفر بودند و دوران استقرار حكومت آنان ۷۱۳-۷۹۰ است .

سايكس . ۲ - اُتابكان شام و موصل و ديار بكر دوازده نفر و ابتدای حكومت

آنان ۱۲۰۵ است و ۱۰۵۳ سال دوام داشت . روضة الصفا . ۳ - معروف بسلغريان ،

نه نفر بودند ۵۴۳ - ۶۶۲ و شيخ سعدی منسوب به « سعد بن زنگی » پنجمين آنها است ،

و از حمايت او و پسرش « ابوبكر » برخوردار بود . ۴ - يعقوبی (۱ : ۱۴۳)

او را « فيلفوس » نوشته ، و مسعودی (۱ : ۲۸۷) بنقل از بطليموس « فيلبس » ذكر

كرده ، و همين اقرب بنام اصلی او (فيليب) است . ۵ - مسعودی ذكر كرده است

۶ - هفت نفر را يعقوبی و تمام را مسعودی نام برده اند و آخرين آنها قبطره (كلثوپاترا)

است . ۷ - مسعودی و يعقوبی : بنوالاصفر . و در اشعار عرب هم چنين وارد

شده است . عدی بن زهد گفته است :

وهو الاصفر الكرام ملوك ال روم لم يبق منهم مذکور

۸ - يعقوبی (۱ : ۱۴۶) : جاليوس . مسعودی (۱ : ۳۰۸) : غالوس ، تولىس .

کسی است از ایشان که او را قیصر میگفتند، و در زمان او عیسی بن مریم علیه السلام مولود شد^۱، و او « قَبْصَارِیَه »^۲ را عمارت کرد. و از ایشان « دَقْیَانُوس »^۳ که اصحاب کهف ازو بگریختند و او نصاری را بکشت، و از ایشان « قُسْطَنْطِین »^۴ اول که قسطنطنیه را عمارت کرد، و از رومیّه که تخت مُلُک ایشان [بود] باو منتقل شد^۵، و در دین نصرانیّه داخل شد. و از ایشان « هِرَقْل » که در ایام او رسول الله ﷺ وفات یافت و مسلمانان باو جنگها کردند. و از ایشان « یعقور » که در ایام هرون الرشید بود. و ملوک روم بسیارند و در کتب تواریخ مسطورند و در تاریخ کبیر که نوشتیم ایشانرا یاد کردیم تا سنهٔ سبعمائه هجری، و درین مختصر بدین مقدار اکتفا نمودیم.

و از یونان « بَطْلَمِیوس » صاحب مجسطی و « اِقلیدُس » و « سُقراط » و « بُقراط » و « جالینوس » و « افلاطون » و « ارسطاطالیس » که معلم اسکندر بوده است [و حکمت یونانی که اکنون بدست مردم است و ابونصر فارابی و ابوعلی بن سینا تقویت آن کردند مذهب اوست] و حکمت « اشراقی » منسوب است بافلاطون. و حکماء ایشان بسیارند.



-
- ۱ - مسعودی نوشته است که آنحضرت در سال ۴۲ سلطنت او که ۳۶۹ سال پس از مرگ اسکندر بود متولد شد. ۲ - از شهرهای مرزی شام است. معجم ما استعجم بکری (۳: ۱۱۰۶) و معمولا با « سین » نوشته میشود. ۳ - مسعودی: دقیوس یعقوبی: دقیوس. ۴ - منظور این است که قسطنطین از « رومیّه » که پایتخت اصلی بود بواسطه تقسیم روم بشرقی و غربی شهر جدید منتقل شد و قسطنطنیه پایتخت دولت روم شرقی (بیزنطیه) گردید. و قسطنطین اولین پادشاه متنصره روم است.

فصل سوم^۱

*(در ذکر نسل سام بن نوح علیه السلام) *

و او پدر سایر انبیاء بعد نوح است، و پدر عرب و عمالقه و فرس و روم در بعض اقوال، چنانچه تقریر کردیم و نسل او از سه پسر اند: ارفخشذ، و لاود^۲، و لارم. و درین فصل ده فصل است.

[عرب عاربه]

فصل اول: در نسل « لارم » و عرب عاربه^۳ و ایشان هفت قبیله بودند: عاد و ثمود و طَسَم و جَدِیس و صُحار^۴ و وَّبار و جاسم^۵. و بعضی گفتند که: ایشان برادران بودند، و این قول بغایت ضعیف است. و بعضی گفتند: عاد بن عَوْص^۶ بن لارم، و ثمود و جدیس فرزندان غائر^۷ بن لارم، و طَسَم و جاسم فرزندان لاود بن سام اند، و برادران طَسَم و جاسم، عَمَلِیق و اُمَیم^۸ اند، و در بعضی اقوال آنکه اینها فرزندان یلمع^۹ بن غائر بن اسلخا بن لاود. و بعضی گفتند که « جاسم » ابن عمان بن سباین یفشان بن ابراهیم علیه السلام است، و « وبار » ابن اُمَیم^{۱۰} بن لاود. و از عاد هود پیغامبر علیه السلام، و از ثمود صالح صاحب الناقة علیه السلام است.

- ۱ - ب: قسم سوم. ۲ - سیره (۷ : ۱) و مسعودی (۲ : ۱۴۲) : لاوذ بذال معجمه.
- ۳ - منظور از عرب عاربه طوائفی از عرب خالص هستند که اثری از آنان باقی نمانده و « بائده » خوانده میشوند.
- ۴ - نام این قبیله را در عرب بائده نیافتیم. معجم قبائل العرب ۶۲۳ مراجعه شود.
- ۵ - جاسم طائفه ای از عمالقه هستند.
- ۶ - ب: عوض. و ضبط از سیره است.
- ۷ - مسعودی (۲ : ۱۲۲)
- ۸ - الف - تصحیح و سیره (۷ : ۱) : عابر، و در نسخه ای از سیره عائر است.
- ۹ - ب: یلمع.
- ۱۰ - الف - تصحیح بعدی - : اهیم، ب: اسم.

واصمعی میگوید که قبایل عرب عاریه نه اند : طَسَم و جدیس و عمالیق و ضَخَم^۱ و صعم و عمین و جرهم و ثمود و قحطان بن غایر^۲ . و بعضی چند قبیله دیگر در عاریه می‌شمارند .

و در بعضی روایات آنکه اِرمان که اردشیر ایشانرا مستأصل کرد از نسل ماش بن اِرم بن سام اند . و بعضی گفتند که : ایشان از بقیه^۳ ثمودند ، و در بعض روایات آنکه از نسل « عمالیق » اند ، و چون در یمن نزول کردند بسیار شدند و عظیم الشان ، و پادشاه ایشان « علوان » بن عید بن عویج و بعضی گفتند عریج ، و نام او نبت بن عملیق ، و در ایام « جم » بود و خواهر جم زن او بود پس ضحاک را بزاید . و صحیح آنکه ضحاک بر تقدیر آنکه از عرب بود چنانچه در کتاب زردشت است معلوم نیست از کدام قوم است چنانچه در نسب فرس خواهد آمد . و بنو اسرائیل بر آنند که عمالیق ابن الیفار^۴ بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم اند .

[ملوک فرس]

فصل دوم : زعم فرس آنکه ملک همیشه در ایشان بود از عهد کیومرث که زعم ایشان آنکه او اول بشرست . و ایشان طوفانرا نمی‌شناسند بلی میگویند که در ایام « جم » حدتی^۵ از آب بود در عراق و شام و حوالی آنجا و شامل همه^۶ زمین نبود و اعتبار سالهای عالم چنانچه هشام کلبی میگوید اقتضا میکند که « اوشهنج » بعد از نوح بدویست سال بوده ، و فرس میگویند که او پسر فراول بن سیامک^۷ بن مشی بن کیومرث است ، و چون مُسلمه^۸ فرس^۹ این تفاوت در تواریخ خود دیدند و میخواستند که مزج روایات فارسی و اخبار اسلامی کنند بعضی از ایشان گفتند که « کیومرث » عبارت از آدم است و « مشی » شیث است ، و « سیامک^{۱۰} » اَنوش ، و تنزیل اَسماء کردند تا بگفتند که « افریدون » نوح است . و جمعی دیگر دیدند که

۱ - هردو نسخه « صعم » است و عید ضغم یا عبد بن ضغم از عرب عاریه شمرده

شده . مسعودی (۲ : ۱۴۳) و معجم قبائل العرب ۷۲۵ . ۲ - ب : عابر .

۳ - در سلاطین روم « نفرین عیص » گذشت ، و در نسخه ای از مروج الذهب « یفز »

است . ۴ - ب : « حدتی » و هردو صحیح است . ۵ - یعنی ایرانیان مسلمان .

این قول بغایت رکیک و نامعقول است و دیدند بعد از تامل که آن مدت که توقیت [کردند میان]^۱ کیومرث و زمان هجرت نبوی مقارن تاریخ طوفان است پس معترف شدند که کیومرث بعد از طوفان بود، و آنگاه تمحل نسب ایشان^۲ کردند. بعضی گفتند که: کیومرث بن اُمیثم بن لاودبن لرم بن سام بن نوح. و بعضی گفتند که: او کومر^۳ بن یافث است، و گفتند که او از زمین «بابل» بطرف مشرق برفت و در «دُنباوند»^۴ ساکن شد و نسل او در آن دیار [منتشر شد، و پیش از ایشان آن دیار خالی بود بعد از طوفان، پس اهل آن دیار] فرزندان اویند.

و بعضی گفتند که «منوچهر» از نسل نیمرو دبن کنعان، و گفتند: منوچهر بن امرح بن نیمرو دبن کنعان بن جم الملک بن وینجهان^۵ بن ارفخشذ بن سام بن نوح است، و بعضی گفتند منوچهر پسر «یهودا»^۶ بن یعقوب است، و بعضی گفتند پسر زاده اوست، و خلاف درین باب بسیار است.

و ما چنان دیدیم که نسب فرس را الحاق کنیم بسام بن نوح چه منافات میان ایشان و ترک مشهورست و غالب آنکه از نسل «حام» نیستند، و فی الجمله ایشان بسام نزدیک ترند.

و ملوک ایشان چنانچه در تواریخ ایشان [مذکورست] چهار طبقه اند:

(طبقه اول): آنها که بعد از طوفان پادشاهی بایشان رسید و بزعم فرس اوّل ابتداء خلق ایشانند و ایشانرا «بیشدادیه» میخوانند، و اوّل ایشان «اوشهنج» است. و فرس میگویند که همه زمین در تصرف او بود، و اوست - چنانچه زعم ایشانست - که عمارت بابل کرد پس شوش در اهواز پس شوستر و مدینه ری کهنه، و استخراج آهن کرد و آلات ازو ساخت، و ذبح گاو و گوسفند و وحوش کرد و گوشت آنرا بخورد.

۱ - از نسخه ب. ۲ - الف: نسب او. ۳ - ظاهر آ همان «جومر»

است. ۴ - دُنباوند و دهاوند و دماوند نام آبادی است که کوه معروف بتان منسوب

است. مراد الاطلاع. ۵ - مسعودی (۱: ۲۲۲): نو بجهان. ۶ - ب: پهلوان.

وبعد از «طهمورث» بن ویکهان بن اینکهد بن [انکهد بن] اوشهنج واوست که عمارت شاپور فارس و آمل طبرستان و اصفهان کهنه کرد . و در زمان او «یوذاسف» ظاهر شد بدین صابیه ، و او اتخاذ جوارح از بهر شکار کرد ، و استرها بازدید کرد .

و بعد از او برادرش «جمشید» بن ویکهان و او ابریشم و پنبه و اسلحه و شمشیرها بازدید کرد ، و فیله‌ها مسخر گردانید ، و فرس نیز میگویند که جنگ با شیاطین کرد و ایشانرا مسخر گردانید در استخراج معادن و آینه و غیر آن ، و بعضی ایشان گفتند که او سلیمان بن داودست ، و میان عصر جم [و عصر سلیمان ازمنه] بسیار است . و بعضی گفتند که او بابل را عمارت کرد و همه میگویند [که عمارت اصطخر و همدان و طوس و طبرستان کرد و پُلّی بر دجله بنا کرد ، و اسکندر یونانی آنرا بشکست .

و چون او عمارت «اصطخر» کرد و بعضی از جهال گفتند که آن سلیمان است ، میان عوام شهرت گرفت که «اصطخر» عمارت سلیمانست و سلیمان در فارس بود ، و این عمارت که هنوز باقیست مسجد سلیمان میخوانند ، و نزد محققان تاریخ این معنی از جمله اغلاط مشهوره است .

و ضحاک که خواهرزاده او بود او را قصد کرد و هلاک نمود و بعد از او ضحاک «بیوراسب» پادشاه شد . و رُوات فرس مُطبق اند بر آنکه او از عرب بود و در «آبِستاق»^۲ کتاب زَرْدُشت : بیوراسب بن اوردسف بن زینکاه بن ویر- فشنک بن تاج بن فراول بن سیامک بن مشی بن کیومرث . و «تاج» پیش ایشان جد عرب است و گفتند که پدرش «اوردسف» ملّیک عرب بود ، و رُوات عرب گهی او را از عاد می‌شمارند ، و گهی از عمالیک ، و گهی حِمیر ، و گهی از اَزْد . و بعضی گفتند : الضحاک بن معد بن عدنان .

و این روایات همه مختلف است چه عهد ضحاک قدیم تر از آباء این قبایل

است ، بلی اگر از عرب بود از بعض عرب عاربه باشد که بواسطه تطاول زمان اثری از ایشان نماند .

و اصل تسمیت او به ضحاک « ده آک » یعنی ده آفت ، از بهر آنکه ده نوع از فساد در ایام خود ظاهر نمود و شریر بود ، و ساحر و قتال ، و دوسلعه بر دو دوش او مانند دو مار بود ، و او ایهام مردم میکرد که دو مار است و هر روز دو آدمی را میکشت و مغز سرهای ایشان بر آن می مالید .

و در آخر ملک او « کابی » آهنگر خروج بر او کرد و پوستی که زیر خود می انداخت بر سر چوبی نهاد و جمعی بر وی گرد درآمدند تا ضحاک را مقهور کردند ، و بعد از آن آن پوست را تعظیم کردند ، و مرصع بجواهر ثمینه گردانیدند و علمی ساختند و او را « درفش کابیان »^۲ نام نهادند و پیش ایشان بود تا « یوم القادسیه » که اهل اسلام ایشانرا بشکستند و آن علم را غنیمت کردند پس مقدار دو هزار هزار « قحه »^۳ قیمت جواهر و طلی که بر آن علم بود .

و بعد از ضحاک ، افریدون بن اثفیان^۴ پادشاه شد و او از نسل « جم » است و میان ایشان دوازده پدر ، و بعضی گفتند یازده ، و بعضی ده ، و بعضی نه ، هریکی از ایشان نام او « اثفیان » است و تمیز میان ایشان بصفات میکنند . و افریدون ، اوّل کسی است که او را « کی » گفتند و او را « کی افریدون » میخواندند ، و در ایام او انواع حکمت مستحکم شد ، و ممالک را بر سه پسر خود سلم و طوح^۵ و ایرج بخش کرد پس سلم و توح « ایرج » را بکشتند ، و فریدون بگریخت بایک دختری که او را بود ، نام او کوزک است ، و او را در شیب زمینی پنهان کرد ، پس دختری بزایید نام او فرکوزک ، و فرکوزک دختری بزایید نام زشک ، و زشک دختری بزایید نام او فرازشک ، و فرازشک دختری بزایید نام او نبک ، و نبک دختری بزایید نام [او شریک ، و شریک دختری بزایید نام] او ایریک ، و ایریک دختری

۱ - منظور « کاوه » است . ۲ - درفش کاویانی . ۳ - غیر مقر و

نا مفهوم است . ۴ - مسعودی : اثقابان . ۵ - در فارسی « تور » معروف

بزایید نام او ویزك ، و پدر اینها چنانچه گفتند فرشته بود نام او « نیزوسح » پیش ایشان می آمد و در گریبانهای ایشان باد میدمید آبستن میشدند .

و بعضی : گفتند پدر ایشان افریدون است ، و این جای بحث است چه مذهب و دین فرس پیش از زردشت « صابیه » بود و در دین صابیه نکاح دختر روا نیست ، اما هذیانات تواریخ فرس حدّ ندارد ، و ما آنچه روایت کردند مینویسیم والله اعلم .

و بعضی گفتند که این دختران در زمان « ایرج » پیدا شدند و افریدون با « ویزك » بگریخت گفتند و از « نیزوسح » ویزك آبستن شد پس پسری و دختری « منشخُرناح » و « منشخورك » را بزایید و « منشخورك »^۱ چنانچه گفتند مباشرت خود کرد پس منوچهر را بزایید و فریدون هنوز زنده بوده است ، پس پادشاهی باو داد بعد از آن که بزرگ شده بود ، پس منوچهر ثار پدر خود بخواست ، و سلم و توح را بکشت .

و اوّل کسی که خندقها راست کرد او بود ، و کمان و تیر او پیدا کرد ، و فرات و دجله و جیحون او حفر کرد ، و بعضی گفتند که معلوم نیست این نهرها کی استخراج کرد و ظاهر اینست ، و منوچهر^۲ جنگ با افراسیاب کرد و استخلاص ملک ایران از او نمود .

و بر قول فرس ، نسب ترك و فرس هردو با فریدون راجع میشود ، و بطلان آن واضح است .

و چون منوچهر وفات یافت « افراسیاب » باز تغلب بر ایران زمین کرد و در « بابل » و « مهرجانندو » مقیم شد تا « زو » بن طهماسب و « کرشاسف » هردو متفق شدند و افراسیاب را مقهور کردند . بعضی گفتند : هردو شریک همدیگر بودند در پادشاهی ، و بعضی گفتند [پادشاه] « زو » بود و کرشاسف معاون او بود ، و آنچه در « آبستاق » آنکه کرشاسف از فرزندان « طوح » بود بس برین تقدیر

۱ - اصلاح شده در الف ، و اصل هردو نسخه « منشخورناح » بوده است .

۲ - الف - اصلاح بعدی - : و ظاهر این است که منوچهر . الخ .

« رستم داستان » ترکی بُوَد ، چه او از نسل گرشاسف است بی خلاف . و « زو » بن طهماسب از نسل منوچهر ، بشش پدر باو میرسد ، پس برین تقدیر پادشاهی اوبعد از منوچهر بزمان دراز است . و بی تکلف آنکه تواریخ ملوک فرس پیش از « آل ساسان » بغایت مضطرب است ، و آنچه مورخان ایشان نوشتند مشحون بخرافات و هذیانات است .

(طبقه دوم): کیانیّه . بعد از « زو » فترتی بود که نظام پادشاهی فرس در آن مدت منقطع شد تا آنکه « کیقباد » بن رع بن نود کابن مایشو^۱ بن نوذر بن منوچهر پادشاهی کرد ، و او اوّل کیانیّه بود که طبقه دوم ملوک فرس است ، و مقام او در سرحد ترک بود از برای محافظت مملکت .

و بعد از او « کیکاووس » بن کی انقوه^۲ بن کیقباد پادشاه شد ، و فرس میگویند که شیاطین مطیع او شدند و از بهر او کارها میکردند ، و بیمن^۳ رفت پس پادشاه آنجا او را اسیرکرد تا « رستم » او را خلاصی داد . و کیکاوس « کشمیر » راعمارت کرد ، و بفرمود تا طوس بن نوذران « طیفسون » مداین را عمارت کرد ، و بعضی گفتند که طیفسون عمارت^۴ « جم » است . و سیاوش بن کیکاوس مدینه « قندهار » عمارت کرد .

و بعد از کیکاوس « کیخسرو » بن سیاوش بن کیکاوس پادشاه شد ، و مادر وی دختر افراسیابست و مقام او در بلخ بود ، و فرس میگویند که او پیغامبر بود و او افراسیاب را بکشت ، و بعضی گفتند که افراسیاب که کیخسرو او را بکشت غیر از افراسیاب است که منوچهر با او جنگ کرد . و چون کیخسرو افراسیاب را را بکشت ملوک را بگذاشت و سیاحت در زمین کرد چنانچه کسی نمیداند که کجا رفت .

و پیشتر از آن اشارت به « لهراسب » کرد و او کی لهراسب بن کیوجی بن

۱ - مسعودی (۱ : ۲۲۶) : ماسر ، باسیر . و اختلاف در ضبط این اسامی بسیار

است . ۲ - ب : اتقوه . ۳ - معروف در تواریخ فرس این استکه بهمازندان

رفت . ۴ - الف - اصلاح بعدی - : و بعضی گفتند : نه طیفسون بلکه عمارت الخ .

کیمنوسی بن کی یاسین بن کی انفوه بن کیقباد بن کیکاوس است. و بعضی میگویند که لهراسب « بلخ » را عمارت کرد، و بزعم فرس او « بُخْتَنْصَر » جهودان را بکشت و اسیر کرد.

و چون لهراسب پیر شد پادشاهی را به پسر خود « گشتاسف » سپرد، و « زردشت » در ایام گشتاسف ظاهر شد بدین مجوس، پس گشتاسف ازو قبول کرد، و دین ملوک فرس پیش ازو دین صابیه بود، و جنگها با طوایف امم کرد، و دعوت بدین زردشت میکرد، و تعظیم آن دین مینمود، و آن کتاب که زردشت آورد در دوازده هزار پوست گاو بنوشت بطلا و در قلعه « اصطخر » بنهاد، و در ایام او « هرزاسف »^۱ پادشاه ترك به بلخ درآمد و خراب کرد و لهراسب را بکشت و آتشخانه ها بکند و هرابذه^۲ دانشمندان مجوس را بکشت و درفش کابیان را ببرد و « هُمای » و « باذافره » دختران گشتاسف را اسیر کرد و متوجه گشتاسف شد، و او در آن وقت در سجستان بود پس او بگریخت و در قلعه « تمندر » در ولایت قاشان متحصن شد، و در آن وقت اسفندیار بن گشتاسف مجوس بود در حبس پدر خود، پس او را بدر آورد و استمالت کرد و او را وعده پادشاهی کرد، پس اسفندیار متوجه بلاد ترك شد و جنگها کرد و استخلاص درفش کابیان نمود و هرزاسف را بکشت و خواهران خود را خلاصی داد، و ببلاد چین رسید، و از آنجا به هندوستان رفت و آتشکده ها در آن دیار عمارت کرد، پس متوجه مغرب شد و مصر را فتح کرد پس باردیگراز طرف دربند بلاد ترك برفت و جنگهای بسیار کرد، و چون پدر باز آمد و وعده ای که او را کرده بود طلب کرد پدر بر او تعلل نمود برستم بن دستان، و گفت^۳ که او یاغی است، پس اسفندیار متوجه سجستان شد، و میان او و رستم گفت و گوی بسیار رفت و عاقبت جنگ کردند و اسفندیار کشته شد.

پس پدرش گشتاسف پادشاهی را به « بهمن » بن اسفندیار داد و مدینه « فسا »

۱ - روضة الصفا : ارجاسب . ۲ - جمع هیربد . ۳ - در اصلاح نسخه

الف واو « وگفت » را انداخته اند .

از عمارت گشتاسف است ، و زعم مجوس آنکه « پشوتن » بن گشتاسف هنوز زنده است و ظاهر خواهد شد. و بهمن در بلخ مقیم بود و او اول کسی است که بیمارستان را پیدا کرد.

و او را پسری بود « ساسان » نام و این ساسان طمع کرد که بعد از پدر پادشاه شود پس چون « همای » دختر بهمن بزرگ شد او را مخصوص خود کرد و مباشرت کرد پس آبتن شد ، و بهمن وفات یافت و همای آبتن بود ، و پادشاهی را باو رجوع گردانید و وصیت کرد که اگر پسری آورد و بسی سال رسد پادشاهی را باو سپارد ، و چون چنین کرد ساسان در قهر رفت و ترك دنیا بکرد ، و بکوههای فارس برفت و گوسفندی چند پیدا کرد و چوپانی میکرد ، و سلطنت بر همای مقرر شد ، و در بلخ میبود ، و بعد از آن بفارس آمد . و بعضی عمارت اصطخرکه « هزارستون » میخوانند باو نسبت میکنند و تواریخ دلالت میکند بر آنکه این عمارت پیش از همای بود ، و عوام این عمارت را به سلیمان علیه السلام منسوب میکنند چنانچه رفته است .^۲

و چون همای « دارا » را بزاید و به سی سال رسید پادشاهی را باو سپرد پس دارا در بابل نزول کرد و « دارابگرد »^۳ عمارت اوست .

و بعد از او « دارا » بن دارا پادشاه شد تا اسکندر یونانی او را بکشت .
(طبقه سیوم) : شغانیه^۴ چون اسکندر یونانی متغلب شد بر بلاد دارا ، قتل و اسیر بسیار کرد و قلعه ها و شهرها خراب کرد و کتاب زردشت را بسوخت و سایر کتب مجوس . و دانشمندان ایشانرا بکشت و میخواست که اکابر اهل فارس را بکشد و مشورت با ارسطاطالیس کرد پس او را نهی کرد و فرمود که مملکت بر جمعی از ایشان بخش کند تا بهمدیگر مشغول شوند از طلب ملک بانفراد ، پس نود مَلِک ترتیب کرد در هر شهری ملکی ، و اینها را « ملوک الطوائف » میخوانند ، و مَلِک « مداین » مقدم بود برایشان ، و ملوک آنجا را شغانیه میخوانند ، و تواریخ فرس دلالت

۱ - الف : لشیوتن ، ب : شوین . ۲ - گذشت در صفحه ۲۶ .

۳ - نام شهری . ۴ - اشکانیان .

میکند بر آنکه ملک ایشان متصلست بملک اسکندر، و اعتبار تواریخ اقتضا میکند که از تغلب اسکندر بر فارس تا پادشاهی اشک که اول اشکانیه بود دویست و چهل و شش سالست، و رؤات یونان میگویند که نایب اسکندر بر مداین و بابل یکی از روم بود و جمعی از ایشان حکومت آنجا کردند بعد از اسکندر، تا آنکه اشک ظهور یافت و بر ملک تغلب کرد.^۱

و بعضی گفتند اول کسی که از اشکانیه تملک کرد «اشکان» بن اشک بن اشکان بود، و آنچه ظاهر میشود از تواریخ آنکه اول کسی که از اشکانیه پادشاهی کرد اشک بن اشنه بن ادران بن اشغان بن اشی الجبار بن سیاوش بن کیکاوس^۲ بود، و او بعد دویست و چهل سال از هلاک اسکندر قیام نمود، و مدت ملک اشکانیان دویست و شصت و شش سال بود تا اردشیر ایشانرا قهر کرد.^۳

و در این طبقه^۴ اشغانیان و ترتیب ایشان خلاف بسیار است بعضی گفتند که اول کسی که از ایشان پادشاه شد اشک، پس پسرش سابور، پس پسرش جودرز^۵، پس ویح^۶ بن بلاس بن سابور، پس جودرز بن ویح، پس هرمزان بن بلاس بن فیروز، و بعضی گفتند هرمزان بن ویح، پس الفیروزان^۷ و بعضی گفتند الاردوان بن هرمزان، پس [خسرو بن فیروزان، پس بلاس بن فیروزان، و بعضی گفتند بلاس بن [خسرو، پس الاردوان بن بلاس بن الفیروزان و اواخر ایشانست.

-
- ۱ - اسکندر ایران را در ۳۳۱ سال پیش از میلاد فتح کرد و در ۳۳۳ وفات یافت و پس از مرگ او ایران جزء نصیب «سلوکوس» شد، و احفاد او تا هشتاد سال بدون مزاحمت اشکانیان حکومت کردند، و سرکشی و نافرمانی آنان در ۲۰۶ قبل از میلاد شروع شد و استحکام دولت آنان در زمان اشک ششم موسوم به مهرداد اول حاصل گردید و او ۱۷۰ سال قبل از میلاد جلوس کرد. ۲ - مسعودی (۱: ۲۳۵): اشک بن اشک بن اردوان بن اشغان بن آس الجبار بن ... ۳ - اشکانیان ۲۸ نفر بودند و از ۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۶ بعد از میلاد (۴۸۲ سال) حکومت کردند. تاریخ فروغی ۶۰-۶۲ و مسعودی مدت حکومت آنها را ۱۷۰ سال ذکر کرده است. ۴ - هردو نسخه «جودرین». و جودرز معرب «گودرز» است. ۵ - مسعودی: نیزر. ۶ - هردو نسخه مخدوش است.

و ابوجعفر طبری میگوید که اوّل ایشان اشک بود ، پس اشک بن اشک
 پس سابور بن اشک ، پس جودرز بن سابور ، پس بیجن ، پس جودرز بن بیجن پس
 نرسه بن جودرز پس هرمز بن بلاس بن اسکان پس اردوان بن اشکان پس خسرو بن
 اسکان پس بهافرید اشکانی پس بلاس اشکانی پس اردوان بن بلاس . و بعضی غیر ازین
 گفتند . و بعضی گفتند اردوان از « نبط »^۱ بود ، و بعضی گفتند که ملوک طوایف که
 در عراق^۲ بودند همه از نبط اند . و فرس میگویند که اردوان آخر شغانیه عمارت
 « اردبیل » کرد .

(طبقه چهارم) از ملوک فرس « ساسانیّه » اند . و اوّل ایشان اردشیر بن
 بابک بن ساسان بن بابک^۳ مهرمس [بن ساسان]^۴ بن بهمن بن اسفندیار ، و بعضی
 گفتند اردشیر بن بابک ابن ساسان [بن مہافرید بن ماه]^۵ بن بهمن بن اسفندیار است .
 و اردشیر از اصطخر عزیمت کرد و ممالک فارس را در تملک آورد و « اردوان »
 اُشغانی را بکشت . و بعد از او « سابور » بن اردشیر پادشاه شد ، و در طیسفون
 مدائن نزول کرد ، و بعد از او ملوک بنی ساسان در آنجا مقام کردند تا آخر ملک
 ایشان ، پس هُرْمُز [البطل بن سابور پادشاه شد] . پس بهرام بن هرمز . پس [بهرام بن]^۶
 بهرام بن هرمز . پس بهرام بن بهرام بن بهرام . پس نرسی بن بهرام بن هرمز . پس
 هرمز بن نرسی . پس سابور ذوالاکتاف بن هرمز ، و این سابور در شکم مادر بود
 چون پدرش وفات یافت پس تاج بر شکم مادر او نهادند . پس اردشیر بن هرمز . پس
 سابور بن سابور بن هرمز . پس بهرام کرمانشاه بن سابور . پس یزدجرد الاثیم بن بهرام
 بن سابور . پس بهرام جور بن یزدجرد الاثیم . پس یزدجرد بن بهرام جور . [پس

۱ - نبطیان اولاد « نبط » هستند که بقول هشام کلبی برادر « فارس » جدعجم است

و فرزندان « یاسور بن سام بن نوح » میباشند . مروج الذهب (۱ : ۲۳۷) .

۲ - مسعودی (۱ : ۲۳۴) : و کانونا بارض العراق مما یلی قصر ابن هبیره و سقی انفرات
 والجامعین وسورا و احمد آباد والنرس الی جنباء وتل فحار و الطفوف وسائر ذلك الصقع .

۳ - مسعودی : بابک بن مهرمس . ۴ و ۵ - از نسخه ب فقط . و در مروج الذهب
 نیاوندین دارا است . ۶ - در نسخه ها نیست .

هرمز بن یزدجرد^۱ [پس فیروز بن یزدجرد بن بهرام . [پس بلاش بن فیروز^۲ . پس قباد بن فیروز ، و او را خلع کردند و برادر او « جاماسب » را در ملک نشانند پس قباد را باز در ملک نشانند . پس انوشیروان بن قباد . پس هرمز بن انوشیروان . پس ابروین بن هرمز . پس شیرویه ، و نام او قباد بن ابروین بود . پس اردشیر بن شیرویه . پس شهر بَرّاز ، و نام او فرخان^۳ بن بهرام بن ساسان بود ، و او از نسل پشتون بن گشتاسف است ، پس پوران دختر ابروین او را قصد کرد تا بکشند . پس کسری بن قباد بن هرمز بن انوشیروان در ترکستان بود و چون او را طلبیدند و متوجه شد امیر خراسان او را بکشت . پس پوران بنت کسری ابروین . پس جُشنَسده^۴ و نامش فیروز از نسل سابور بن یزدجرد الاثیم . پس خسرو بن قباد بن هرمز . پس فیروز از نسل اردشیر . پس آذر می دخت بنت ابروین . پس کسری بن مهر جُشنَس^۵ از نسل اردشیر پس خسرو فرخزاد ، و بعضی گفتند نام او هرمز بن کسری ابروین . پس یزدجرد بن شهریار بن ابروین ، و بعد از او ملک فرس منقطع گشته است .

و مورخان یونان سیاق ملوک فرس بر ترتیبی دیگر کردند و ایشان میگویند که پیش از فرس ملک بابل از آن « سیرانیان » بود و اول ایشان نِمرو د بود و بعد از انقضاء ملک ایشان ملک ابوریامان^۶ در موصل پیدا شد و مدتی مدید پادشاهان بودند ، و بعد از آن ملک فرس در بابل پیدا شد .

فصل سیوم - در اکراد

در ایشان خلاف بسیار است بعضی گفتند که ایشان از نسل کرد بن مرد بن یافث اند^۷ و در بعضی روایات آنکه ایشان از بقیه^۸ آن قوم که ضحاک ایشانرا میکشت و

۲۰۱ - در نسخه ها نیست . ۳ - هردو نسخه مخدوش بود از روضه الصفا

اصلاح شد . و مسعودی او را « شهریار » نوشته و بهر حال او از سامانیه نیست بلکه

یکی از سران لشکر بود . ۴ - نسخه ها و ماخذ هر کدام چیزی نوشته اند ، عبارت

طبری ثبت شد . ۵ - یعقوبی ذکر کرده ، و شبه آن در نسخه « ب » است ،

و در نسخه الف « مهر جنین » شده است . ۶ - مسعودی (۱ : ۲۱۳) : ائوریان .

۷ - مسعودی (۲ : ۱۲۲) کرد بن مرد بن صبعصعة بن هوازن .

مغزهای سرهای ایشانرا بر آنچه بر دوشهای خود بود می مالید ، و بعضی گفتند که چوپانان بودند از آن بعض ملوک . و اقوال در باب ایشان بسیار است ، و علماء فرس میگویند که فرس در قدیم الدهر دو طایفه بودند طایفه ای در شهرها توطن میکردند و طایفه ای در صحرا بسر میبردند و چون اینها چهار پا داشتند ایشانرا کُرد خواندند ، و « کرد » در لغت ایشان چوپان است و أظهر اقوال اینست .

و اکراد قبایل بسیارند و آنها در کوههای « ماسبدان »^۱ و حوالی آنجا میباشند بیشتر ایشان در اسلام این نام بر خود نهادند و ایشان چوپانان خلیفه منصور عباسی و خلفاء دیگر بعد از او بودند ، و کردان خالص آنند که در فارس و اصفهان ، و بعضی از آنها که در جبال ماسبدانند .

و از اشراف اکراد قبیله ای که ایشان را « زواویه »^۲ میخوانند و از ایشان : ملک صلاح الدین « یوسف » بن ایوب بن سادی^۳ مستولی شد بر بلاد مصر و شام و خلفاء مصر را مستأصل کرد ، و خطبه بنام خلیفه عباسی خواند ، و او را هفده فرزند بود از پسر و دختر ، و برادران و برادر زادگان داشته است که بدولت او تملک کردند ، و ملک ایشان ببلاد یمن رسید و مدتی در حکم ایشان بود .

و أول من ملکها منهم : شمس الدوله ابن ایوب ، ثم شرف الاسلام طغتكین أخو صلاح الدین ، و استولی علی بلاد صلاح الدین بعد وفاته اخوه الملك العادل ابوبکر ، و أولاد صلاح الدین ولده الاکبر الأفضل نورالدین « علی » و العزیز « عثمان » و الظاهر « غازی » و من أولاد العادل الملك الكامل ابوالمعالی « محمد » و الملك المعظم « عیسی » و الاشراف أبی الفتح « موسی » و شهاب الدین « الغازی » و الحافظ « ارسلان شاه » و او را نوزده پسر بود و « یونس »^۴ بن الكامل تملک مکه کرد و او حاکم یمن نیز بود و لقبش الملك المسعود ، و الملك الجواد یونس بن مودود بن العادل ، و الملك الناصر « داود » بن المعظم ، و الملك الصالح نجم الدین

۱ - در شمال عراق فعلی واقع شده است . ۲ - دائرة المعارف بستانی

(۸۰۴:۴) روایه . ۳ - بستانی : شاذی . ۴ - هر دو نسخه « یوسف » ولی

در سطر بعد بطور صحیح « یونس » ذکر شده .

« ایتوب » بن الکامل و غیر ایشان .

و از عم زادگان الملک الناصر صلاح الدین نیز جمعی تملک کردند و اینها هر یکی برطرفی از بلاد الملک الناصر صلاح الدین بن ایوب حکومت نمودند .^۱
و بعد از ایشان الملک المعز آیبک الترکمانی الصلاحی^۲ تملک مصر کرد .
اما بعضی از بلاد شام بدست فرزندان صلاح الدین بن ایتوب بود ، و از ایشان الملک بن العزیز بن الظاهر بن صلاح الدین صاحب حلب بود و بلاد الشام ، و چون سلطان هولاکو بشام رسید الملک الناصر صلاح الدین « یوسف » بن الصالح ایتوب ، و برادرش الظاهر « علی » را بکشت .^۳

و ماک آیبک الترکمانی بعد الملک الصالح ایتوب تملک مصر کرده بود و قهر « تورانشاه » بن الصالح والاشرف « موسی » بن یوسف بن الافشین بن الکامل که بشرکت تملک مصر کرده بودند کرد . و بعد از آیبک پسرش نورالدین « علی » الملک المنصور حاکم مصر شد ، و بعد از او الملک المظفر سیف الدین قدوز ، و او مملوک آیبک الصالحی بود . و درین وقت حلب و دمشق بدست الملک الناصر صلاح الدین یوسف بن العزیز محمد بن الظاهر غازی بن صلاح الدین بود ، و سلطان هولاکو او را بکشت ، و بعد از قدوز الملک الظاهر رکن الدین بیبرس البندقداری بر مصر تملک کرد و بعد از آن دیار الشام نیز بگرفت . و بعد از او پسرش الملک السعید محمد ملک مصر و الشام شد و بعد از او برادرش سلاش الملک العادل و بعد از او سیف الدین قلاوون الصالحی الملک المنصور ، و بعد از او پسرش الملک الاشرف خلیل و بعد از او برادرش الملک الناصر محمد بن قلاوون ، و سلطنت مصر و شام در فرزندان او بماند تا ملک برقوق از ایشان بگرفت .

۱ - حکومت ابویان در مصر ۸۱ سال بود و بدست مماليك ترك در ۶۴۸ منقرض

شد ، و تفصیل حال ایشان در تاریخ مغول دیده شود . ۲ - مماليك که گارد محافظ صلاح الدین بودند دودسته شدند یکدسته که اردوگاه آنها ساحل شرقی رود نیل بود بنام مماليك بحری خوانده شدند و دسته دیگر خود را منسوب بصالح الدین کرده به مماليك صلاحی معرف گشتند .

و از اکراد ملوک شبانکاره و آل مروان و ملوک دیار بکرنند و از اکراد شیخ جاکیر و شیخ عدی و شیخ ابوالوفا و غیر ایشان اند . و از اکراد آل ابی الشوک و ملوک الجبل اند . و از قبایل اکراد قبیلهٔ مززکان ، از ایشان الامیر حسونه و پسرش بدر و هلال بن بدر ملوک بودند در عصر آل بویه .

و از فرس الإمام ابوحنیفه « النعمان » بن ثابت اقدم ائمهٔ اربعه از نسل قباد بن قیس رُوز بود ، و گفتند که او النعمان بن [ثابت بن] المرزبان بن شاد بخت بن هرمز بن شاه مرد بن کنار کی بن قباد ، و بعضی غیر ازین گفتند .

و از فرس ملوک آل اللیث که اول ایشان « یعقوب » بن الصفار بود . پس برادرش « عمرو » بن اللیث ، و از فرزندان عمرو نیز بعضی ملک داشتند اما بعضی ملک پدر ایشان ، و آل اللیث خامل الذکر بودند پدر ایشان اللیث بن حاتم صفار بود ، و از بهر این معلوم نمیشود که از کدام قوم اند از فرس .

و از فرس ملوک آل سامان اند و در روایتی است که ایشان از نسل بهرام چوین بن بهرام حسیس بن سوحرا بن کارین ، و بعضی میگویند بهرام حسیس بن کورک بن اثفنان بن کردار بن دیرکان بن حم بن جیرین تسار بن حواد بن ویجهان بن فرین فروال بن سهم بن بهرام بن ساسف بن کورن بن حوزاد بن سعروشت بن جر جین بن میلاد بن مروزان بن مهران بن قادار بن کشواد بن ساسدت بن شداد بن اخشین بن فروذن و یرم بن ارس شفا بیر بن منوچهر . و هلال صابی میگوید که : بهرام حسیس بن منوزاد بن خسرو بن نرسی بن بهرام بن اردشیر بن سابور بن یزدجرد الاثیم . و جد ایشان سامان بن حتمار بن طمعاب بن بوسرد بن بهرام چوین مذکور .

و اول ایشان که باستقلال ملک ماوراءالنهر داشتند : اسمعیل بن احمد بن نوح بن اسد بن سامان مذکور . پس احمد بن اسمعیل . [پس نصر بن احمد بن اسمعیل] پس نوح بن نصر بن احمد . پس عبدالملک بن نوح . پس منصور بن عبدالملک . پس نوح بن منصور . پس منصور بن نوح . پس عبدالملک بن نوح . پس اسمعیل بن

نوح بود.^۱

و از اتباع سامانیّه ابوعلی محمد بن الیاس بن الیسع الصغدی که پادشاهی کرمان کرد.

و از نسل بهرام جور بن یزدجرد: سنباد بن بهرام جور، و اوجد ملوک آل بویه [است، و پدر ایشان بویه بن فنا خسرو بن تمام بن کوهی بن شیرزیل بن شیرکده بن شیرزیل بن شیرانشاه بن شیرویه بن [سنباد شاه بن شیرویه بن شیرزیل بن] سنباد مذکور.

و اوّل کسی که از آل بویه پادشاهی کرد عماد الدوله ابوالحسن «علی» بن بویه و برادران او رکن الدوله «الحسن» و معز الدوله «احمد» بود، و عماد الدوله فرزند نداشت، و از فرزندان معز الدوله چهار کس پادشاهی کردند، و از نسل رکن الدوله سه پسر پادشاهی کردند: عضد الدوله «فنا خسرو» و مؤید الدوله «بویه» و فخر الدوله «علی» و از نسل عضد الدوله پانزده نفر پادشاهی کردند، و از نسل فخر الدوله سه نفر پادشاهی کردند.^۲

(تتمه)

چون دولت فرس منقضی شد بیشتر خاندانهای ایشان انساب خود را فراموش کردند، و بعضی نسب خود را محفوظ داشتند همچو «برامکه» که ایشان از اکابر خاندانهای اهل بلخ اند و خانه «نوبهار» را خدمت میکردند و «برمک» جد ایشان پیش هشام بن عبدالملک آمد و حکایتی طریف با او دارد، و پسرش «خالد» از ارکان دولت عباسیان بود، و «یحیی» بن خالد وزیر هرون رشید بود، و پسرانش فضل و جعفر در دولت او اختیار تمام داشتند.

و از خاندانهای فرس آل الجراح، از ایشان: محمد بن داود بن الجراح وزیر

۱ - آل سامان از ۲۷۹ تا ۲۸۹ حکومت داشتند. ۲ - معروف بابو علی

محتاج بزرگترین سردار سامانیه. ۳ - از آل بویه هفده نفر از ۳۲۲ تا ۴۴۸ حکومت داشتند و بتشیع معروفند.

« عبدالله بن المعتز » شده بود ، و ابوالحسن علی بن عیسی بن الجراح از اکابر وزراء عبّاسیان بود ، و برادرش عبدالرحمن نیز وزیر بود .
و از خاندانهای فرس آل نوبخت و آل میکال و آل رستم که در اصفهان بودند .

فصل چهارم

أَرْفَخْشَدُ بْنُ سَامَ « شالَح » را بزایید ، و در تورات یونانی ^۱ آنکه ارفخشذ « قینان » را بزایید و قینان « شالَح » را بزایید ، و از بهر آن مورخان و نسابان نام ویرا انداختند که کافر ساحر بود ، و شالَح « عابر » را بزایید ، و عابر را بر قول بیشتر نسابان سه پسر بود . ^۲ فالَغ و قَحْطَان و یقطن . و از یَقْطَن « جُرْهُم » پیدا شد و نسل او قبیله معتبر بودند و در مکه نزول کردند تا وقت آنکه هلاک شدند . و اگر کسی از ایشان مانده باشد در قبایل دیگر داخل شده است .
و نسل قَحْطَان بن عابر به سَبَأَ بن یَعْرُبَ بن قَحْطَان رسیده است .

و نسل « سَبَأَ » از سه پسراند : کَهْلَان و حِمِیَر و أَشْعَر ^۳ .
از نسل اشعر قبیله اشعریان اند ، و از ایشان ابوموسی عبدالله بن قیس الأشعری أحد الحکمین روز صِفِّین ^۴ ، اهل عراق او را اختیار کردند که از طرف ایشان باشد ، و هر چند که امیر المؤمنین علی علیه السلام منع کرد نشیندند و او غَدَر کرد و عمرو بن العاص او را منحرف ساخت ^۵ چنانچه مشهور است . و پسر او

- ۱ - ولی در تورات متداول شالَح را فرزند ارفخشذ (ارفخشذ) دانسته است .
- ۲ - تورات : « دوپسر : فالَج و یقطن » و تأیید میکند آنرا قول مسعودی (۲ : ۷۱) :
وقد ثبت ان قحطان هو یقطن وانما عرب فقیل له قحطان . ۳ - هردو نسخه « یسحب » بجای مهمله . ۴ - در اینکه اشعر فرزند سبأ باشد اختلاف است . سیره (۱ : ۸)
مراجعة شود . ۵ - الف - اصلاح بعدی - : احد الحکمین ، بزور صغیر و کبیر اهل عراق الخ . ۶ - اصلاح بعدی الف است ، و اصل هردو نسخه « او را اباحت » .

« بوبزده » و « بلال » بن ابی بُرده قاضی بود ، و حکومت بصره نیز کرد در ایّام هشام بن عبدالملک . و از نسل او : الشیخ ابوالحسن علی بن بشر اشعری که مذهب « اشاعره » باو منسوبست .

و نام حمیر بن سبا عَرَنَجَج^۱ است و بعضی گفتند که اول ملوک یمن او بود ، و بعضی گفتند اوّل ایشان یعرب بن قَحْطَان ، و بعضی گفتند اول ایشان سَبَّان یسجُب بن یعرب ، و بعضی گفتند : اوّل ایشان عمیکرب^۲ بن سَبَّأ و گفتند که شهر ردّمان و ذمار و مشرف و جَند و نَجْران را او عمارت کرد . و بعد ازو مهلیل بن عمیکرب^۳ مَلِک یمن بود و بعد ازو جُناده^۴ بن غالب بن زید بن کهلان بن سَبَّأ .

و بعد ازو « رائش » حَمِیرِی ، و نام او در قول بیشتر روّات : الحارث بن قیس^۵ بن صیفی بن سَبَّان کعب بن زید بن سهل بن عمرو بن قیس بن معاویه بن جُشَم بن عبد شمس بن وائل بن الغوث^۶ بن قَطَن بن عَرِیب^۷ بن زُهر بن اَیْمَن بن الهمیسع^۸ بن حَمِیر بن سَبَّأ . و اول کسی که او را « تُبَّع » خواندند او بود^۹ و میگویند که غزو هند کرد ، و شَمَر بن العطف را بترکستان فرستاد تا آن دیار را مسخر کرد و شهر « سَمَرَقَنْد » را خراب کرد ، و پیشتر ازو نام سمرقند شهر « صُغْد » بود (و عهده^{۱۰} مثل این اخبار بر راویست) و برادر خود را « اَفْرِیقُس »^{۱۱}

۱ - هردو نسخه مخدوش است ، از اشتقاق این درید ص ۲۳ اصلاح شد .

۲ و ۳ - الف : عمیکر ، ب : عسکرب ، مسعودی (۲ : ۷۴) : عمرو ، عسکر . و آنچه

ثبت شد از یعقوبی (۱ : ۱۹۵) است . ۴ - مسعودی : جبار ، یعقوبی : حناده .

۵ - مسعودی : افریقس ، یعقوبی : افریقیس . و در ترتیب اسامی و کم و زیاد آنها اختلاف

است . ۶ - ب : العرین . ۷ - الف : غریب . ۸ - هردو نسخه

« الیسع » و آنچه ثبت شد موافق ماخذ است و دو صفحه بعد صحیح نوشته شده .

۹ - کذا فی مجانی الادب ، و یعقوبی تبع اول را « زید بن نیکف » نوشته ، و او را بعد از

« هدهاد » دانسته است که خواهد آمد . ۱۰ - ضبط این اسم و اسماء آتیه از اشتقاق

ص ۲۳ و مجانی الادب (۳ : ۲۹۶) است .

بمغرب فرستاد تا غارت کرد و « افریقیه » عمارت اوست .

و بعد از رایش^۱ پسرش ذوالمنار « ابرهه » ملک یمن شد ، و از بهر آن او را « ذوالمنار » گفتند که غزاتهای دور میکرد و در راهها مناری چند راست میکرد تا وقت مراجعت راه بشناسد .

و بعد از ذوالاذعار « عمرو » و بعضی گفتند « العبد »^۲ و از بهر آن او را « ذوالاذعار » می گفتند که او غزو مغرب کرد و از اینجا قومی ببرده آورد که بغایت زشت صورت بودند چنانچه مردم از ایشان میترسیدند . و « ترس » بلغت عرب « دُعر » است و بعضی گفتند که از بهر آن آن نام براو نهاده اند که بغایت مهیب بود .

و بعد از « افریقُس » بن ابرهه پادشاه یمن شد ، و بعضی گفتند که او افریقس بن قیس بن صیفی^۳ است که در عهد رایش غزاء مغرب کرد .

و بعد از « زید » بن عمرو ذی الاذعار ملک یمن شد ، و از اکابر ملوک تبابعه بود .

و بعد از « الهدهد ذوسرح »^۴ بن شرَحِیل بن ذی الاذعار .

و بعد از « بَلَقِیس » و در نسب او خلاف بسیار است ، و بسیار از رُوات میگویند که او دختر هَدَ هَدَ است ، و میگویند که مادرش دختر ملک الجن^۵ بود ، و مثل این از قبیل خرافات است . و او قصر غُمدان و سلحین و مینون را عمارت کرد . و سدّ « عِرَم » هم او عمارت کرد ، و بعضی گفتند که « لقمان » بن عاد سد را عمارت کرد و بلقیس بعد از مدتی مدید مرمت و عمارتش کرد .

و بعد از « یاسر بنعم »^۶ ملک یمن شد ، و نام او الحارث بن عمرو بن یعفر بن ذی الاذعار گفتند و او غزاة مغرب کرد تا بوادی الرمل رسید .

۱ - الف - اصلاح بعدی - : و بعد از برادرش . ۲ - مسعودی و یعقوبی .

۳ - مراد از « ذوسرح » را ندانستم و در جایی ندیدم بهدهاد ضمیمه شده باشد .

۴ - یعقوبی نیز چنین گفته ولی مسعودی « ناشر النعم » نوشته است .

و بعد ازو « شَمَر مُرْعِش »^۱ ملک یمن شد و او را ریشه بود و او را کیکاوس ملک فرس غزات کرد پس او ظفر بر کیکاوس یافت ، و او را اسیر کرد و هفت سال در چاهی محبوس کرد تا رستم متوجه یمن شد و او را خلاص داد ، و بعضی گفتند که آن ملکی که کیکاوس قصد او کرد « ذوالأذعار » بود ، و گفتند : شَمَر مُرْعِش مذکور غزات مشرق کرد تا به چین رسید ، و او سمرقند را خراب کرد ، و فرس و صغد متفق اند بر آنکه هرگز عربی غزو بلاد ایشان نکرد پیش از اسلام ، و میگویند سمرقند منسوب است به « شمران » بن کیخسرو بن گشتاسف بن سلم بن دوشیر بن منوچهر ، و اصل این نام « شمرکت » و معنی « کت » در لغت صغد « شهر » است^۲ .

و بعد ازو « قیس » بن صیفی ملک یمن شد .

و بعد ازو ذوالقرنین « الصَّعْب » بن همال بن ابرهه ذی المنار^۳ . و بعد ازو « ذوحسان »^۴ و نزد بسیار از رؤات پسر مالک بن سَدَد^۵ بن زُرعه (و این زُرعه حِمِیر الاصغر است) بن سَبَا .

و بعد ازو در قول بعضی « أبو مالک » بن شمر و بعضی گفتند « تُبَّع الأقرن » بن شمر ، و بعضی گفتند تُبَّع الأقرن بن ابی مالک بن شمر . و بعد از آن « کلیکرب » بن تُبَّع الأقرن . و بعد ازو برادرش مَلِکِیْکَرِب^۶ .

و بعد ازو « فرع نهب » بن ذی تنوخ بن مالک بن الغوث بن قَطَن بن عَرِیْب

۱ - مسعودی و یعقوبی : شمر بن افریقس ، ضبط ، شمر از مصحح تاریخ یعقوبی

است . ۲ - و در اینباره وجه دیگری گفته اند و آن اینکه وقتی شمر مرعش شهر « صغد » را خراب کرد عجم گفتند : « شمر کند » یعنی شهر را از بیخ و بن بر کند و این نام بر آن شهر ماند . کامل این اثیر . ۳ - هر دو نسخه « بن ذی المنار » ولی گذشت که ذی المنار لقب ابرهه است . ۴ - شرح مجانی الادب ص ۵۰۱ : ذوحیشان . ۵ - الف : شدد .

و ضبط از اشتقاق است . ۶ - در کتابی نیاقتم که « ملکیکرب » بعنوان برادر « کلایکرب » نوشته شده باشد ، بلکه بعضی این و بعضی آن را نوشته اند .

بن زهیر بن ایمن بن الهَمَیسَع بن حَمِیر .

و بعد ازو « مرثد تنوف » .

و بعد ازو « یارم شعب » از خاندان ذی مناح و سه روز بیش تملک نکرد .

و بعد ازو « حُجر » ذُو معافر .

و بعد ازو تُبَع « أسعد » بن ملکِ کرب بن زید بن عمرو ذی الأذعار، و نَسَبان یمن میگویند : ملکِ کرب بن زید بن شمر مُرْعِش . و بیشتر مفسران و روات بر آنند که تُبَع که در قرآن مجید مذکور است ^۱ این اسعد است .

و بعد ازو پسرش « حَسَن » ذومُعاہِر ^۲ .

و بعد ازو برادرش « عمرو » موثبان .

و بعد ازو عبد کلال بن مُثَوَّب ^۳ بن ذی حُرث بن الحارث بن مالک بن غیدان بن حُجر بن ذی رُعَین ^۴ الاکبر .

و بعد ازو أبو کَرَب « تُبَع » بن حَسَن بن تُبَع اسعد ، و او آخر تَبَایِعِه است .

و بعد ازو « مَرثَد » ^۵ بن عبد کلال بن مَثوب بن ذی حُرث ، از آل « ذی رُعَین » .

و بعد ازو حَسَن بن عمرو تُبَع بن اسعد تبَع ، و بعد از آن « الخنیعه » ^۶ تنوف دوشناتر ^۷ تغلب بر ملک کرد و او از صقاوَل بود ، و از خاندان ملک نبود و او را « دوشناتر میگویند از بهر آنکه انگشتها زاید داشت .

و او را دُونُواس « زُرْعَة » بن شَرَحیل بن حَسَن بکشت و پادشاهی کرد و ترسایان عرب را بکشت ، و او صاحب « اُخْدود » که در قرآن مجید مذکور است ،

۱- و قوم تبَع . سورة ق، ۱۴ . ۲- ب : ذومقاهر و ضبط معاہر از اشتقاق است .

۳- شرح مجانی الادب : عبد کلال بن موثبان . ۴- الف : زعین ، ب : ذی عین

و ضبط از اشتقاق است . و کذا ضبط « غیدان » . ۵- هردو نسخه و شرح مجانی

« مرتد » و آنچه ثبت شده از مسعودی و یعقوبی است . ۶- یعقوبی : لخیعه .

۷- الف : شنابر . سیره ابن هشام - (۱ : ۲۹) : بنوف .

پس بعضی ترسایان شکایت او کرد پیش ملک روم، پس او را حواله کرد بر نجاشی ملک حبشه از بهر آنکه بیمن نزدیکست پس نجاشی لشکری بیمن فرستاد و «أرباط» نامی را سردار آن لشکر ساخت و چون بیمن رسیدند ذونواس با حِمِیر ملاقات با ایشان کرد پس حِمِیر بگریخت و ذونواس خود را در دریا انداخت و هلاک شد و ملک یمن بدست حبشه افتاد (و در انساب بنی حام ملوک [یمن از] حبشه یاد کردیم) و ملک آنجا بدست ایشان بود تا سیف بن ذی یزن . و نام ذی یزن : نعمان بن قیس است ^۱.

این سیف بن ذی یزن را مدد کسری انوشیروان کرد و مسروق بن أبرهه را بکشت و حبشه را مقهور کرد، و پادشاهی یمن پانزده سال کرد، تا جمعی از حبشه که ایشانرا بخدمت خود باز داشت فرصتی یافتند و او را بکشتند.

پس اهل یمن متفق شدند بر «وَهْرَز» فارسی که سردار لشکر فرس بود که سیف ایشانرا بمدد خود آورده بود، و او را پادشاه خود ساختند.

و بعد از او پسرش نوشجان، پس فیسحان ^۲ پس خرزاد پس انوشجان ^۳ [پس مرزبان] پس خر خسرو بن المرزبان [پس باذان بن ساسان . و بعضی ترتیب ایشان بر غیر این تَسَقُّ کردند، و باذان مسلمان شد] پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او را بر ملک یمن بگذاشت و نام او مهر خرزاد بن دادنهان بن نرسی بن جاماسب بن قَیْرُوز الملک.

و از حِمِیر : شَرَعَب بن قیس بن معاویه بن جُشَم بن عبد شمس که نیزه های شرعی باو منسوبست و از حِمِیر : آل ذی الکلاع، و از ایشان ذوالکلاع «السَّمِیْفَع» بن ناکور ^۴ بن عمرو روز صَفِین کشته شد با معاویه . و از ایشان کعب بن مائع که او را «کعب الأحبار» میخوانند . و از حِمِیر نیز آل ذی اَصْبَح و نام او الحارث بن مالک بن زید بن الغوث و تازیانه های «اَصْبَحی» بدو منسوبست . و از نسل او اَبْرَهَة بن الصَّبَّاح مَلِک تِهَامه . و از ایشان مالک بن اَنَس بن [ابی]

۱ - الف : ابن سیف ، ب بدون نقطه . ۲ - مسعودی (۲ : ۸۷) : سبجان

۳ - مسعودی : ابن سبجان . ۴ - هردو نسخه «ماکور» .

عمر احد الأئمة الأربعة . و از حِمِیر : اسمعيل بن محمد بن بكتار كه او را « سید حِمِیری » میخوانند ، و در مدح اهل البيت اشعار بسیار دارد .
و از ایشان آل بادیس ' ملوك أندكس .

و از قبایل حِمِیر قُضاعه و نام او عمرو بن مالک ، و نَسَّابان نیز میگویند که قُضاعه پسر مَعَد بن عدنان^۲ و قبیله قُضاعه قبیله ای عظیم است ، از ایشان : کَلَب بن وَبَرَة بن ثَغَلِب بن حُلوان بن عِمْران بن الحاف بن قُضاعه . و نسل او قبیله معتبرست . از ایشان بنو عُدْرَة بن زید التلات^۳ بن رُفیدَة بن ثور بن کَلَب ، و این قوم أعني بني عُدْرَة بعشق مشهوراند ، از ایشان عُرُوة بن حِزام صاحب « عَقراء » و جمیل صاحب « بُشینه » و غیر ایشان . و از کَلَب : دَحِیة بن خلیفه صاحب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آنکه جبرئیل علیه السلام بصورت او فرو می آمد . و از بنی وَبَرَة بن ثَغَلِب بن حُلوان : مالک بن فهم مَلِک « تَنُوخ » و برادرش عمرو . و از قُضاعه « سَلِیح » و نام او عمرو بن حُلوان بن عِمْران^۴ از نسل « ضَجاعمه » که ملوک شام بودند^۵ از ایشان دناد بن هَبُوله^۶ که غارت کرد بر حُجر کِنْدی^۷ و زن او را ببرد . از « سَلِیح » الضَّیْرَن بن جِیْهله^۸ که پادشاه « حَضْر » بود و سابور بن اردشیر او را بکشت . و از قُضاعه : بَهْرَاء بن عمرو بن الحاف بن قُضاعه ، از نسل او مِقْداد بن عمرو صاحب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و او را مِقْداد بن الأسود میخوانند از بهر آنکه الأسود بن عبد یَغُوث او را پسر خود خواند .

۱ - کذا ، ولم اتحققه . ۲ - سیره (۱۰ : ۱) و یعقوبی (۲۰۲ : ۱)

مراجعه شود . ۳ - هردو نسخه « اللاب » . ۴ - ظاهر اشتقاق این است که

« سَلِیح » فرزند عمران است . ۵ - پیش از غسانیان . اشتقاق . ۶ - اشتقاق :

ذیاد ، بذال . ۷ - پدر امری القیس شاعر . ۸ - الف : الصزن ، ب : الصبرن

تصحیح از معجم ما استعجم بکری (۲ : ۴۵۴) .

فصل پنجم - کهلان بن سبا

نسل او بسیارند از ایشان : الأزْد و مَذْحِج ، و از « أزد » ثعلبة الهلول ابن مازن بن الأزْد از نسل او عمرو و مُزَيْقِيا ، ابن عامر ماء السماء ، ابن حارثة الغطريف ، ابن امرئ القيس البیطريق ، بن ثعلبة الهلول . و این عمرو و مُزَيْقِيا ملک بود در « مَأْرِب » و در آیام او قصهٔ « سِل العِرم » واقع شد و سبباً از مَأْرِب متفرق شدند .

و از نسل او : جَفْنَه و ثعلبة العنقاء^۱ و حارثه و عمران .

از نسل جَفْنَه آل جَفْنَه ملوک شام ، اوّل ایشان : « جَفْنَه » بن عمرو مُزَيْقِيا . پس « عمرو » بن جَفْنَه . پس « ثعلبة » بن عمرو بن جَفْنَه . و بعضی گفتند اوّل ایشان عمرو بن جَفْنَه ، پس ثعلبة بن عمرو . و بعضی گفتند : ثعلبة بن عمرو بن محالد بن ثعلبة بن عمرو بن جَفْنَه . پس^۲ « الحارث » بن ثعلبة بن عمرو بن جَفْنَه . پس « الأرقم » بن ثعلبة جدّ الحارث بن ثعلبه ، چون وفات یافت پسرش جبّله بن الحارث کوچک بود ، پس أرقم ملک شد تا جبّله بزرگ شد و ملک باو بازگشت . پس « الحارث » بن جبّله و او پسر ماریه^۳ ذات القرطین بود . پس « المُنذر » بن الحارث . پس « النُّعمان » بن الحارث . پس « المنذر » بن الحارث . پس « جبّله » بن الحارث بن ماریه . پس « الأیْهَم » بن الحارث بن ماریه . پس « عمرو » بن الحارث ابن ماریه . پس « النُّعمان » بن المُنذر . پس « جَفْنَه » الأصغر بن النُّعمان بن المنذر . پس « النُّعمان » الأصغر بن المنذر بن الحارث بن ماریه . پس « النُّعمان » بن عمرو بن المُنذر بن الحارث بن ماریه . پس « جبّله » بن النُّعمان بن عمرو . پس « النُّعمان » بن الأیْهَم بن الحارث بن ماریه . پس « الحارث » بن الأیْهَم بن الحارث . پس « النُّعمان » بن الحارث بن الأیْهَم . پس « المُنذر » بن النُّعمان بن الحارث .

۱ - هردو نسخه مغشوش است و اصلاح از اشتقاق ص ۳۵ . و این لقب بواسطه

بلندی کردن او بود . ۲ - هردو نسخه « بن » . ۳ - الف : ماریه ، ب

بدون نقطه .

پس « حُجر » بن النُّعمان بن الحارث . پس « الحارث » بن حُجر بن النُّعمان . پس « جبَلَه » بن الحارث بن حُجر . پس « أبو شمر » بن الحارث بن حُجر . پس الحارث بن اَبی شَمیر ، و الحارث الأعرج عبارت ازو ، و بعضی گفتند که از بنی جَفْنَه نبود بلکه از بنی عمرو بن مازن بن الأزْد . پس « النُّعمان » بن الحارث بن اَبی شَمیر . پس « الایْهَم » بن جبَلَه بن الحارث . پس « المُنْدِر » بن جبَلَه بن الحارث [پس « شَرَحِیل »] بن جبَلَه بن الحارث . پس « عمرو » بن جبَلَه بن الحارث . پس « جبَلَه » بن الحارث . پس « جبَلَه » بن الایْهَم بن جبَلَه بن الحارث بن ماریه ، و او آخر ملوک ایشانست در ایّام عمر بن الخطّاب بمَدینه آمد و مسلمان شد ، پس مرتدّ شد و بروم رفت ، و قصّه او مشهور است . و در بعض این نَسَقّ خلافت .

فصل ششم

از نسل ثعلبه العنقاء: الأوس و الخزرج ابنا حارثة بن ثعلبة العنقاء، و مادرِ هردو « قَیْلَه » بنت کاهل بن سعد ، و نسل هردو انصار النبی صلی الله علیه وآله وسلم .
از بطون الأوس بنو عمرو بن عَوْف بن مالک بن الأوس . از ایشان زید بن عاصِم بن ثابت حمی الدَّیر^۱ ، و از نسل او الأحوص الشاعر^۲ . و از ایشان حَنْظَلَه بن اَبی عامر غَسِیل الملائکه .
و از بطون الأوس « بنو عبد الأشهل » بن جُشَم بن الحارث بن الخزرج بن عمرو بن مالک بن الأوس . از ایشان سعد بن مُعاذ و اُسَید بن حُضَیر بن سِمَاک .
و از بطون الأوس « بنو حَجُور »^۳ بن جُشَم بن الحارث . از ایشان ابو الهیثم مالک بن التَّیْهَان .

و از بطون الأوس « بنو خَطَمَه » عبد الله بن جُشَم بن مالک بن الأوس . از ایشان خُزَیمَه بن ثابت ذوالشَّهادتین . و از بنی جُشَم بن حارثه بن الحارث بن مالک:

۱ - ب: حمی الدیر . و معنی « دیر » زنبور عسل است ، و سبب این بود که قریش وقتی خواستند باو آسیب رسانند انبوهی از زنبوران او را احاطه کرده مانع شدند .

۲ - نام او عبد الله بن محمد بن عبد الله بن عاصم است .
۳ - چنین نامی در بطون اوس نیافتیم، بلکه حجور بن عظیمی از همدان است (اشتقاق). و شاید صحیح « زعورا » باشد.

عَرَابَةُ بن اُوس ، آنکه شَمَاح شاعر مدح او بگفت^۱ و پدرش اُوس از اکابر منافقان بود .

و از قبایل الخَزْرَج بنوالتَّجَّاربن ثعلبه بن عمرو بن الخَزْرَج . از ایشان « بنو غَنَم » بن مالک^۲ بن النَّجَّار . از ایشان ابو ایوب^۳ خالد بن زید که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در خانه او فرود آمد چون از مکه بمدینه رسید ، وثابت بن النُّعْمان ، وزید بن ثابت ، و ابواُمّامه اُسْعَد بن زُرّاره ، وزید بن ثابت^۴ کاتب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم . و از « بنی جَدِیلَه » بن عمرو بن مالک بن النَّجَّار : اَبی کعب . و از « بنی مُعاویَه » بن عمرو بن مالک بن النَّجَّار : حَسّان بن ثابت شاعر النَّبِی صلی الله علیه و آله وسلم ، و ابوطلحه زید بن سَهْل : و از « بنی غَنَم » بن عَدِی بن النَّجَّار : سَلَمی بنت عمر و بن زید بن لَیید بن خِدّاش^۵ بن عامر بن غَنَم بن عَدِی بن النَّجَّار مادر عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف . و از « بنی الحارث » بن الخَزْرَج : عبدالله بن رَوَاحه ، وسعد بن الرَّیّیع ، وثابت بن قَیس بن شَمَّاس خطیب النَّبِی صلی الله علیه و آله وسلم ، و بشیر بن سعد^۶ اوّل کسی از انصار که بیعت با بَی بکر کرد ، و پسرش النُّعْمان بن بشیر ، وزید بن اَرْقَم ، و عمر بن الإِطْنابَة الشاعر ، و ابو الدَّرْداء عُوَیْمِر^۷ بن زید . و از « بنی خِدْرَة » بن عوف بن الحارث بن الخَزْرَج : ابو مسعود عَقْبَة بن عمرو ، که او را بدری میخوانند اما اهل بدر نبود بلکه در آنجا نزول میکرد ، بلی عَقَبِی^۸ بود . و از « بنی ساعد » بن کعب بن الخَزْرَج : سعد بن عُبّاده که انصار خواستند که بیعت با او کنند بعد از پیغامبر صلی الله -

۱ - و از ابیات او است (اصابه ۲ : ۴۶۶) :

اذا ما رایة رفعت لمجد تلقاها عرابة بالهمین

۲ - ب : بنوعم بن مالک . ۳ - هردو نسخه : بنوایوب . ۴ - بن الضحاک

الاشعری الخزرجی . ۵ - الف بدون نقطه ، ب : اسد بن خدّاس . تصحیح از

اشتقاق ص ۳۶-۳۷ . ۶ - بن ثعلبه بن جلاس بن زید بن مالک الاغر . اشتقاق ص

۴۵۸ . ۷ - ب : عوعز ، الف بعد از اصلاح : غوثر . ۸ - یعنی در

عقبه حضور داشته است . و در اصابه (۲ : ۴۸۳) او را از بنی خداوه که بطن دِهْکری

از خَزْرَج است شمرده .

علیه وآله وسلم و سردار خَزْرَج بود ، و ابود جانه سِمَاك بن اُوس بن خَرَّشَه^۱ و از « بنی غنم » بن عوف بن الخزرج : عُبَادَة بن الصَّامِت . و از « بنی سالم » بن غَنَم بن عَوْف بن عمرو بن عَوْف بن الخَزْرَج : عبدالله بن اُبی بن سلول سردار منافقان . و از « بنی سلیمه » بن سعد بن علی بن اسد بن شاده بن [تزیید]^۲ : جُشَم بن الخَزْرَج ، از ایشان : جابر بن عبدالله ، و عُقْبَة بن عامر ، و أَبوقَتَادَة النُّعْمَان بن رَبِیع ، و کعب بن مالک الشاعر^۳ .

نسل خزاعه : و از نسل حارثه بن عمرو مُزَیْقِیَاء : ربیعَة بن حارثه و اورا « لُحَیَّ » میخوانند ، و پسرش عمرو بن لُحَیَّ آنکه دین ابراهیم علیه السلام را تغییر کرد ، و اصنام از آنجا که پنهان کرده بودند بدر آورد و میان عرب پخش کرد ، و قوم خود را به بَهِسَل منسوب کرد ولات و عَزْزَی ، چنان در روایت آمده . اُمّا « لات » عبارت از سنگی بزرگ که در طایف بود ، و عَزْزَی درختی در وادی نخله ، و آن قابلیت آن ندارد که در زمین پنهان کنند .

و لقب ربیعہ^۴ خزاعه است ، و بعض نسابان میگویند که خزاعه پسر قَمْعَة بن الیاس بن مُضَر بن نِزَار [بن مَعَد] بن عَدْنَان است و در حدیث نبوی چنین آمده است^۵ . و از خزاعه : حَلِیل بن حُبْشِیَّه^۶ بن سلول بن کعب بن عمرو بن لُحَیَّ ، که قُصَیَّ بن کِلَاب دختر او را بخواست . و از ایشان : اُمّ مَعْبَد عاتکه بن خُلَیف^۷ که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در آن وقت که از مکه بمدینه هجرت فرمود براو نزول کرد . و از خزاعه : عِمْرَان بن حُصَیْن صحابی^۸ ، و أَبُو جُمُعَه^۹ جد

۱ - هردو نسخه جرشه . ۲ - از معجم قبائل العرب ص ۳۷ ه العاق شد ، و در آن

« بن علی بن راشد بن سارده » است . ۳ - از سه نفری است که از تبوک تغلف کردند .

۴ - گذشت که لقب ربیعہ « لُحَی » است ، و « خزاعه » لقب عمرو بن ربیعہ است .

۵ - حضرت باکشم بن جون فرمود : « عمرو بن لُحَی بن قمعَة بن خندف (زوجه الیاس) را دیدم که امعایش را با تیش میکشیدند » سیره (۱ : ۷۶) . ۶ - ب : خلیل . هردو

نسخه : حبشه . و اصلاح از اشتقاق ص ۳۷ . ۷ - هردو نسخه حلیف . ضبط از

اشتقاق ص ۴۷۴ . ۸ - نام او اشیم است . اشتقاق ص ۴۷۳ .

کُثَیْر بن عبد الرحمن الشاعر صاحب «عَزَّه» و از ایشان: طلحة الطلحات طلحة بن عبد الله از أجواد عرب بود و قبر او در سجستان است. و از ایشان: عمرو بن الحَمِق صحابی بود.

و از قبایل خُزاعه «بنوالمُصْطَلِق» و از ایشان جُوَیْرِیَه بنت الحارث زوج النبی صلی الله علیه و آله و سلم. و از بنی حارثة بن عمرو مُزَیْقِیَا «بنو اسلم» بن اقصی بن حارثه، از ایشان: بُرَیْدَة بن الحُصَیْب صحابی، و سلمه بن الأكوع صحابی و از «بنی حارثة» بن مالک بن اقصی بن حارثه: سُلَیْمَان بن کُثَیْر از نقباء بنی العباس بود، و ابو مسلم او را بکشت.

فصل هفتم

و از بنی عِمْران بن عمرو مُزَیْقِیَاء: العَتِیک بن الأزد^۱ بن عِمْران مذکور از ایشان: المهلب بن ابی صُفْره، و او را ده پسر بود و نسل ایشان تا غایت موجودند از ایشان: أبو محمد الحسن بن محمد المهلبی وزیر معز الدولة بن بُویْه، و او از نسل قَبِیْصَة بن المهلب. و از نسل مُدْرِك بن المهلب بنو مُدْرِك تَبِیک چیان^۲ معتبر بودند در حِلّه و غیر ایشان.

و بنو نصر^۳ بن الأزد چند قبیله اند، از ایشان «بنو دَوْس» بن عُدْثَان، از ایشان ابوهریره صحابی، و جَدِیْمَة^۴ بن مالک بن فَهْم بن غَنْم بن دَوْس که او را «أبرش» میخوانند و مَلِک مشهور بود در عراق. و «بنو عکک»^۵ بن عُدْثَان، از ایشان: «بنو قَرَن»^۶ از ایشان اُوَیْس القَرَنی سَیِّد التابعین و با امیر المؤمنین علی علیه السلام

۱ - الف: زوجه. و زوج فصیح است. ۲ - اسد هم گفته شده است.

۳ - از الف ثبت شد، و مراد از آن واضح نگردید. ب: شلعان معشر. ۴ - ملقب بشنوه است.

۵ - الف: عدنان. ۶ - الف: خذیمه، ب غیر منقوط.

و قصه او با «زباء» مشهور است. ۷ - در کتب اویس را از طائفة قرن بن

ردمان که بطنی از قبیله مراد است شمرده اند، و اما آن که بطنی از ازد است بسکون راه است.

در صِفَتین شهید شد ، و بعضی میگویند عکّ بن عدنان بن اُدّ^۱ ، والله اعلم .
و از بنی نصر بن الازد قبیله^۲ « ثُمّاله » از ایشان المبرّد النّحوی ابوالعبّاس
محمّد بن یزید . و « بنو لَهَب »^۳ که بقیافت مشهورند ، و « بنو راسب » از ایشان
عبدالله بن وَهَب ذوالثّفنات رئیس خوارج بود و روز نهروان امیر المؤمنین علی
اورا بکشت .

و از بنی عمرو بن الغوث برادر الازد بن الغوث قبیله^۴ « بَجِیلَه » از ایشان :
جریر بن عبدالله صحابی^۵ . و از قبایل بَجِیلَه « بنو قَزّاره » و ایشان : شِقّ بن صَعْب
کاهن مشهور^۶ و از نسل او : خالد بن عبدالله القسریّ امیر عراقین در ایّام هِشام بن
عبدالملک بود ، و نسب او مدخولست .

و از بنی عمرو بن الغوث « خَشْعَم بن اَنمار » قبیله ای عظیم است ، از ایشان :
اَسْماء بنت عُمَیْس زن جعفر بن ابی طالب بود ، و بعد از او زن ابی بکر بن ابی قُحافه
شد ، و بعد از او زن امیر المؤمنین علی علیه السلام شد و از همه فرزندان دارد .

فصل هشتم

از کهلان بن سبّا : مالک بن زید بن اوسلّه^۱ بن ربیعّه بن الخیار بن مالک
بن زید بن کهلان ، از ایشان هَمْدان و اَلْهان .
از بنی اَلْهان آل ذی ظَلیم ، از ایشان حَوْشَب بن زید^۲ کشته شد در
صِفَتین با معاویه بن ابی سفیان .

-
- ۱ - و بنا برین از عدنانیه خواهد بود نه از قحطانیه و از شمال نشینان عربستان نه
از جنوبیان . و همین ظاهر اشتقاق ص ۴۸۹ است .
 - ۲ - ضبط از معجم قبائل العرب
ص ۱۰۱۵ .
 - ۳ - امیر المؤمنین (ع) او را بر مالت نزد معاویه فرستاد و او ملحق
بمعاویه شد .
 - ۴ - او همان است که با سطمیح کاهن برای تعبیر رؤیای ربیعّه بن
نصر یمن رفتند و قصّه آن در سیره (۱ : ۱۵) بتفصیل مسطور است .
 - ۵ - هر دو
نسخه : مالک بن بنواوسله . از معجم قبائل العرب اصلاح شد .
 - ۶ - اشتقاق ص
۵۲۵ : حَوْشَب بن التباعی .

و از «همدان» آعشی^۱ همدان الشاعر. و قبیله^۲ همدان مخصوص امیر المؤمنین علی علیه السلام بودند.

و از کهلان: عَرِیب بن زید بن کهلان بن سَبَّأ، از نسل او اُد دَبن زید بن یَشْجُب بن عَرِیب بن زید بن کهلان، او را سه پسر بود: جُلْهَمَه و او را طَیء میخواندند، و مالک و مُرّه. [از بنی مُرّه] بن اُد دَ: ثَوْر بن مُرْغ^۳ بن عمرو بن معاویه بن ثَوْر، و او را کِنْدَه^۴ میخوانند، و نسل او قبیله ای معتبر است از ایشان قبیله^۵ «سکون» از ایشان الحُصَیْن بن ثُمَیر امیر لشکر یزد بن معاویه که بمکه فرستاده بود بجنگ عبدالله بن الزُّبَیر^۶. و از ایشان قبیله^۷ «تُجِیب» از ایشان: کِنَانَه بن بَشر که عثمان بن عَفَّان را بکشت، و از «بنی معاویه» بن کِنْدَه: شُرَیح القاضی و الأشعث بن قیس بن معدیکرب، و حُجْر بن عَدِیّ الادبر^۸، صاحب امیر المؤمنین علی علیه السلام و معاویه او را بکشت.

ملوک کِنْدَه: و از اشراف کِنْدَه: حُجْر آکل المُرّار بن عمرو بن معاویه بن الحارث بن معاویه بن کِنْدَه جدّ امری^۹ القیس الشاعر ابن حُجْر بن [حارث بن] عمرو بن حُجْر آکل المُرّار.

و این قبیله ملوک کِنْدَه است، و از ایشان الحارث الجرّار^{۱۰} بن عمرو بن حُجْر آکل المُرّار در ایّام قُباد بن فِیروز تغلب کرد بر حیره و ثغر عرب، و پیشتر از آن در نجد ملوک بودند. و اوّل ایشان حُجْر آکل المُرّار. پس عمرو المقصور بن حُجْر، پس الحارث بن عمرو، و او را الحارث الجرّار میخوانند که بر حیره تغلب کرده بود، و بسیار از ممالک غَسّان در شام و عرب مُنْقَاد او شدند، و قبایل ایشان بر پسران خود بخش کرد، پسر خود حُجْر بن الحارث را ملک بنی اسد ساخت، و معدیکرب بن الحارث ملک کِنَانَه، و قیس و عبدالله بن الحارث ملک عبدالشمس^{۱۱}، و قیس بن الحارث قومی معین نداشت اما بهر قبیله که رسید حکومت بر ایشان میکرد، و بعضی

۱ - ضبط از یعقوبی ص ۲۱۶. ۲ - کِنْدَه لقب ثور اخیر میباشد.

۳ - امیر لشکر مسلم بن عقبه بود و او را هنگام مرگ جانشین ساخت. ۴ - هردو

نسخه: بن الادبر. و ادبر لقب او است. ۵ - هردو نسخه: الحراب ولی دوسطر

بعد جرار است. ۶ - الف: «عبدالقیس» بدون نقطه.

گفتند کہ ملک تمیم و رَبَاب^۱ بود ، و بعضی گفتند کہ شُرَحْبِيل بن الحارث ملک تمیم و رَبَاب بود ، و سَلَمَه بن الحارث ملک بکر و تغلب^۲ بود . و چون الحارث بن عمرو وفات یافت فرزندان او مختلف شدند و با ہمدیگر جنگ کردند ، و بنو اسد حُجْر را بکشتند ، و در روایتی آنکہ المُنْذَرین ماء السماء برایشان مسلط شد ، ہر کہ بدست او افتاد از ایشان^۳ بکشت ، و امرؤ القیس^۴ بن حُجْر بن الحارث در روم ہلاک یافت .

و چون کیندہ این را دیدند باز گشتند بیمن ، و در آنجا قَیس بن مَعْدِکَرِب بزرگ شد و تملک کرد ، و پسرش الأشعث بن قیس نیز در آنجا مملک بود پیش از آنکہ مسلمان شود ، و در آن وقت کہ کیندہ بیمن رفتند یک خانہ دانی از ایشان در دیار مَعْدَ توقف کرد و در دُومۃ الجَنْدَل^۵ تملک کردند از ایشان : اُکَیْدَر بن عبد الملک بن عبد الجی^۶ السَّکُونی و برادرانش بِشْر و حُرَیث و حَسَّان ملوک آنجا بودند تا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم خالد بن الولید را پیش ایشان فرستاد ، پس حَسَّان را بکشت و اُکَیْدَر را اسیر کرد ، و رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم با او صلح کرد بر جزیہ ، و او را بجای خود باز فرستاد ، و بعد از وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مرتد شد ، پس ابوبکر ایشانرا از دُومۃ الجَنْدَل بدر کرد و بحیرہ بررفتند .

ملوک حیرہ : و از « بنی مُرَّة » بن اُدَد : مالک بن عَدِی بن الحارث بن مُرَّة بن اُدَد ، و او را لَحْم میخوانند ، و دو پسر او را بود : جَزِیلہ^۷ [و نُمارہ . از جَزِیلہ] مالک بن ذُعر بن حجلہ بن جزیلہ بن لَحْم ، میگویند کہ او یوسف بن یعقوب علیہما السلام را از جُب بدر آورد .

۱- یعقوبی (ج: ۱ ص: ۲۱۷) غنم . الف : رثاب . ۲- ب : ملک نکرد و تغلب .

۳- ب : افتاد او را بکشت . ۴- او امرؤ القیس شاعر است . ۵- ابن درید

نوشته است کہ بین اصحاب حدیث « دومہ » بفتح دال معروف است و خطا است . اشتقاق

۱۴۶ . ۶- و عبد الجن نیز گفته شدہ . اشتقاق ص ۳۷۱ . ۷- ہر دو نسخہ

در تمام موارد جدیلہ ، و از اشتقاق ص ۳۷۶ و غیر آن اصلاح شد .

و از «نُماره» در قول بسیار از نَسَابان ملوک حیره‌اند، و اوّل کسی از عرب که در عراق تملّک کرد مالک بن فَهْم قُضاعی، و مالک بن زُهیر^۱ بن عمرو بن فَهْم، پس مالک بن فَهْم بشام برفت و مالک بن زُهیر بتملّک منفرد شد، و مصاهره با مالک بن فَهْم بن غانِم^۲ بن دَوْس اَزْدی کرد، و چون مالک بن زُهیر وفات یافت مالک بن فَهْم بن غانِم بتملّک منفرد شد، و بعد از او پسرش «جَدِیْمَة» الأبرش مَلِک شد تا زَبَاء^۳ او را بکشت، و بعد از او خواهرزاده او «عمرو» بن عدی لَحْمی مَلِک شد، پس «امرؤ القیس» البدء بن عمرو بن عدی بن نصر^۴ پس «عمرو» بن امری القیس. پس «اَوْس» بن قُلام از بنی الحارث بن کعب [و بعضی گفتند از عمالِیق بود] و بعضی گفتند از جُرْهُم. پس «جَحْجَبَا» بن عَتِیک عَمِلیقی - و بعضی میگویند لَحْمی - او را بکشت و ملّک عراق به بنی نصر باز گشت. پس «امرؤ القیس» البدء^۵ بن عمرو بن امری القیس. پس «نُعْمان» السّائِح^۶ ابن امری القیس.

و بعضی گفتند بعد از امری القیس البدء، «المُنْذِر» بن امری القیس ملّک شد. پس «المُنْذِر» بن النُّعْمان بن امری القیس. پس «الأسود» بن المنذر بن النُّعْمان (و بعضی گفتند که بعد المنذر بن النُّعْمان «النُّعْمان» بن المنذر بن النُّعْمان مَلِک شد، پس الأسود بن المنذر) پس «المنذر» بن المُنْذِر. پس «النُّعْمان» بن الأسود بن المُنْذِر بن النُّعْمان. پس «ابو یَعْفَر» بن علقمة بن مالک بن عدی بن الذّمیل بن [ثَوْر بن] اَسَس بن رُبِی بن نُماره بن لَحْم. پس «المُنْذِر» بن امری القیس بن النُّعْمان بن امری القیس که او را ابن ماء السماء میخوانند. و بعد از آن الحارث بن عمرو الکِنْدی بر حیره

۱ - هردو نسخه «زمیر» و اصلاح از معجم ما استعجم (۱ : ۲۱).

۲ - یعقوبی (۱ : ۲۰۴) : غنم. ۳ - الف بدون نقطه، ب : رتا.

۴ - بن ربیعة بن عمرو بن الحارث بن مسعود بن مالک بن عجم بن نمارة بن لخم.

۵ - این امرؤ القیس ملقب بمنذر و محرق است؛ و امرؤ القیس البدء گذشت.

۶ - اوبانی خورنق و سدید و تربیت کننده بهرام گور است و در آخر عمر نصرانی و تارک دنیا شد و بیابان رفت و اثری از او دیده نشد.

تغلب کرد و مُنذر را براند ، و بعد از الحارث بن عمرو باز مُلک حیره بمنذر رسید پس « عمرو » بن المنذر و مادر وی هند کِنْدِیّه بود . پس « قابوس » بن المُنذر . پس « شَهْرَب » فارسی . پس « المنذر » [المنذر بن] بن ماء السماء ، پس « النُّعْمان » بن المُنذر بن المنذر ، و کِسری اَبَرویز او را بکشت ، و او آخر ملوک ایشان است . و بعد از او « لَیاس » بن قَبِیصَة الطائی مَلِک حیره شد . پس « آزاده » هَمْدانی و در حکومت او لشکر اسلام بحیره رسید .

و مُنذر بن النُّعْمان ابن المُنذر که او را « غَرور » میخوانند در بحرین روزی چند ملک شد .

و بنو جُذام^۱ بن عدی بن الحارث بن مُرّه بن اُدَد قبیله معتبر است . از ایشان : رَوّح بن زَنْبَاع وزیر عبد الملک بن مروان بود .

و از بنی الحارث بن عدی بن الحارث بن مُرّه بن اُدَد (و ایشانرا عامله^۲ میخوانند) : عدی بن الرِّقَاع^۳ الشاعر و عبد الرحمن بن مِشْکَم الفقیه .

و مالک بن اُدَد بن زید بن یَشْجُب^۴ چهار پسر داشت : خَالِد و سَعْد العَشیره^۵ و یَحْابِر^۶ که او را « مُراد » میخوانند و زید که او را « عَنَس » میخوانند .

✽ (از بنی عَنَس : عَمّار بن یاسِر صحابی ، و الأسود بن کعب که دعوی پیغامبری کرد در آخر عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .

و بنو سعد العَشیره چند قبیله شدند ، از ایشان : « بنو جَعْفی » بن سعد العَشیره و ایشان را حَکَمِیان^۷ میخوانند . و اَبُو نُوَاس الحسن بن هانی^۸ الشاعر از موالی ایشان بود^۹ . و از « بنی صَعْب » بن سعد العَشیره : زُبَید بن صعب ، از نسل او عمرو بن

- ۱ - الف : جذام ، ب غیر منقوط . ضبط از اشتقاق ص ۳۷۵ . ۲ - عامله
- زوجۀ حارث است و فرزندان وی زهد و معاویه بنام او معروف شدند . ۳ - رقاع
- جد اوست . و پدرش زید بن مالک بن عدی بن الرقاع است . ۴ - الف : یَشْجُب
- ب بدون نقطه . ه هر دو نسخه در تمام موارد سعد العَشیره . ۵ - الف :
- یحابر ، ب بدون نقطه ، و یحابر جمع یحوره نام مرغی است . ۶ - ب : حکیمان .
- و حکم برادر جعفی است ، و ممکن است اولاد جعفی بفرزندان وی ملحق شده اند .
- ۸ - جراح بن عبد الله الحکمی حکمران خراسان مولای او بود . اشتقاق ص ۴۰۶ .

مَعْدٍ یَکْرِیْبُ الزَّیْتِی . و «أَوْد»^۱ بن صَعْب، از نسل او الْأَفْوَه الشاعر . و از نسل مُرَاد بن صَعْب^۲ در بعض اقوال : أُوَیْس بن عامر الْقَرْتَنی . و از ایشان قَرْوَه بن مَسِیْک ، رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم او را بحکومت بحرین فرستاد ، و هانی بن عُرْوه که عبیدالله بن زیاد او را بامسلم بن عقیل بکشت .

و از بنی [خالد بن] مالک : کعب و حُرّ ابنا عمرو بن عُلّه بن خالد^۳ . و خالد را نَخَع میخوانند .

از نسل کعب : الحارث بن کعب^۴ نسل او قبیله معتبر است ، از ایشان بنو عبدالمَدان ، از ایشان : رِیْطَة الحارثیّه مادر سفّاح خلیفه عباسی ، و از ایشان بنو حِمّاس بن رَبِیعّه ، از ایشان : النّجاشی الشاعر ، و عبد یَغُوْث بن الحارث که یوم «الکُلاب» کشته شد . و از بنی حارث : مالک اشتر صاحب امیر المؤمنین علیه السلام و پسرش ابراهیم که عبیدالله بن زیاد را بکشت در جنگ . و از نسل او قبیله ای که ایشانرا جَواوَن میخوانند و با اکراد می باشند ، و از ایشان آل اَبی فِرّاس و آل الْمُهْکَلِیل در حله می باشند ، و از ایشان : الشیخ و رّام بن ابی فراس .

و از نخع بنو صُهبان بن سعد بن مالک بن النخع . از ایشان : کَمِیل بن زیاد صاحب امیر المؤمنین علی علیه السلام .

﴿ و طِیّ بن اُدّ سه پسر داشت : الغوث و فُطْره و الحارث . بنو الحارث در قُضاعه داخل شدند و بنو فُطْره را جَدِیلَه^۵ طِیّ میخواندند و در جبلین اُجّا و سَلَمی^۶ میباشند . از ایشان بنو لّام اند [و بعضی میگویند : لّام از قیس اند و] در جَدِیلَه^۷ طِیّ

۱- الف اصلاح بعدی ازد . ۲- اویس و فروه را صاحب اشتقاق از اولاد

مراد یعابر شمرده است . ۳- در اشتقاق عُلّه بن جلد ، و از اولاد سعد العشره است .

۴- ب : از نسل الحارث الحارث بن کعب . ۵- نام مادر ایشان است .

۶- دو کوه مخصوص قبیله طِیّ . و در وجه تسمیه این دو کوه داستانها نقل شده .

معجم ما استعجم بکری (ج ۱ : ۱۰۹) دیده شود .

داخل شدند، و در [راه] حجاز میباشند، و احیاناً متعرض حاجیان میشوند و باج میستانند.

و از بنی الغوث بن طی: بنو ثعل که به تیراندازی مشهوراند، و جرّم و نَبْهَان و بَوَلّان و هَنّی، و همه فرزندان عمرو بن ثعل است.

از بنی هنی: ایاس بن قَبِیصه که کسری ابرویز بعد از نعمان بن المنذر بملک حیره نشاند. و ابو زُبَید الشاعر. و حنظلة الراهب صاحب دیر حنظله.

و بنو بَوَلّان در شام میباشند. و بعضی از ایشان در عراق اند.

و از بنی نَبْهَان: زید الخیل بن مُهلhel که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او را زید الخیر خواند^۱. و از ایشان حُمَید بن قَحَطَبه از نقباء بنی العباس بود.^۲ و پسرش محمد بن حُمَید از امراء بنی العباس بود، و بابک خُرّمی او را بکشت.

و از ایشان بنو خالد که در نجد میباشند. و ایشان میگویند که ما از نسل خالد بن الولیدیم و راست نیست؛ ایشان بنو خالد بن أسمع بن عبید بن ربیع بن نصر بن سعد بن نَبْهَان. و از ایشان آل جَنّاح بن زائدة بن مِحَصَن در خراسان میباشند، و آل البلیق که در بطائح فرات میباشند.

و از بنی نَبْهَان آل نَبْهَان ملوک عُمان اند.

و بنو ثعل^۳ بن عمرو بن الغوث بن طیء سه پسراند: سَلَامان و جرّ و ل و عمرو. از بنی عمرو: ابو تمّام حبیب بن اوس الشاعر.

و از بنی جرول: حاتم بن عبدالله که بجود مشهور است. و پسرش عدی بن حاتم صحابی بود و مخصوص امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. و از ایشان بنو أَبان بن عمر بن ربیع بن جرول از ایشان طَیرِ مَاح شاعر. و بنو سِنِیس بن معاویه بن جرول قبیله عظیم است و در شام میباشند. و در عراق از ایشان آل محاسن و آل شحه. و از بنو سَلَامان بن ثعل بن عمرو بن الغوث بن طی: ثعلبه و عُنَین.

۱ - و در باره او فرمود: «ما ذکر لی احد فرأیته الا کان دون ما وصف الازید».

۲ - حمید از امراء بنی العباس است و پدرش قحطبة بن شیب از نقباء بود. ۳ - نسخه ها: تغلب

از قبایل بنی ثعلبه : بنو شمردل در جبل أجأ می باشند .
و از بنی عُنین بُحْثَر بن عَتود ، از ایشان : الولید بن عُبید البُحْثَری الشاعر
و از ایشان بنو معد بن عتود بن عُنین . از ایشان : اُبی بن غَنَم بن ثوب بن معن ، نسل
او را غَزِیَه میخوانند ، و در نجد میباشند و سعیده و ساعده در راه حجاز میباشند .
و از قبائل غزیه بنو الشمردل و آل اجود در راه حجاز می باشند .
و بعضی گفتند آل اجود از بنی قُشَیر بن کعب بن ربیعہ بن عامر بن صعصعه است
و ایشان بدین نسب معترفند .
و از غزیه قبیله البَطْنین و در راه حجاز میباشند . و بعضی میگویند که ایشان
از عائد بن ربیعہ بن عقیل اند .
و از بنی معن بن ود بن عَتود بن عُنین بنو فلیتہ بن عمرو بن معن . و فلیتہ را دو
پسر است : عبدالله و مَعبد ، بنو عبدالله را عبدیان میخوانند ، و معبد را دو پسر
بود : حَوَط و زبید . از بنی حَوَط آل فضل امراء عرب شام از ایشان آل عَصِیة و
آل مراد ، هر دو پسران ربیعہ بن حازم بن علی بن المُفْرج بن دَغَفَل بن الجَرّاح . از
ایشان « آل عیسی » که اکنون امراء عرب شام اند . و از بنی زُبَید قبیله ای در بطائح
فرات میباشند و ایشان سه طایفه اند : بنو عمران و بنو جُحَیش و الرِّقْطَا . از بنی عمران
و هما و بلقا ، از بلقا « آل زرف » اِمارت در ایشانست و بعضی گفتند : آل زرف
از بنی کلاب اند . و از بنی جُحَیش : بنو سعید و از رَقْطَا : ضَبَاب و العَمَایر و آل
أُقَیلَح^۲ اند .

فصل دهم

نسل فالخ بن غابر بن شالح بن آر فَخْشَد بن سام به ابراهیم الخلیل میرسد ،
و نسل او که مشهورند از دو پسر اسماعیل و اسحاق و او را فرزندان دیگر بودند ، از
ایشان : مدین که از نسل او شعیب النبی علیه السلام بود . و اسحاق علیه السلام از دو
پسر یعقوب اسرائیل الله العیص ، از نسل العیص : ایوب پیغمبر علیه السلام و بعضی گفتند

که روم [از نسل او ، و قول صحیح پیش نسابان که ایشان از نسل یاقث اند چنانچه بیشتر نوشتیم والله اعلم .

ونسل یعقوب بن اسحاق علیهما السلام [ازدوازه پسر وایشانرا أسباط میخوانند .

از نسل یوسف بن یعقوب : یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام بود .

و از نسل ابن یامین : طالوت ، واول کسی که نام ملک براو اطلاق کردند از بنی اسرائیل او بود .

و از نسل لاوی بن یعقوب : موسی و هارون علیهما السلام پسران عمران بن قاهات^۱ بن لاوی ، و بقیه از آن هرون است . از ایشان بنو قریظه و بنو النضیر در حجاز بودند تا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ایشانرا بکشت . وصفیه بنت حبیب بن اخطب سید بنی النضیر زن رسول الله بود .

و از نسل یهودا : داود النبی علیه السلام و پسرش سلیمان و از نسل سلیمان : مریم بنت عمران مادر عیسی علیه السلام . و ملوک بسیاری داشتند تعداد ایشان موجب تطویل میباشد و در تاریخ کبیر ایشانرا آوردیم و شرح حال ایشان کردیم مستوفی .

صریح اسماعیل : عدنان بن اَدَسْت که باو منتهی شد نسل اسماعیل ، و در مابین عدنان و اسماعیل خلاف بسیار است از چهار نفر گفتند تا چهل ، و اعتبار تاریخ اقتضا میکند که صحیح آنکه چهل اند . و نسل عدنان از عَکَّ و مَعَدَّ بنو عَکَّ یمن منتسب شدند . و نسل مَعَدَّ از نِزار و قُضَاعَه [و قُضَاعَه]^۲ نیز یمن ملحق شدند . و نسل نِزار از چهار پسر اند^۳ مُضَرَّ الحَمَرَاء و ربیعۃ الفُرس و ایاد الشَّمطاء و أنمار الحمار . و سبب این تسمیه قصه مشهور است .

و نسل انمار : خَشْعَمَ و بَجِیلَه . و هر دو در یمن منتسب شدند چنانچه ذکر آن رفته است .

۱ - الف : ماهان . ۲ - از ب فقط . ۳ - اینکه « ایاد » هم

فرزند نزار است اختلافی است . سیره ابن هشام (ج ۱ : ۷۴) مراجعه شود .

و ایاد در مکه بودند و بواسطهٔ تجبر و بغی ایشان، باقی ولد نزار متفق شدند و ایشانرا از آنجا اخراج کردند پس بجزیره آمدند و در آنجا نیز طغیان کردند تا ملک فرس ایشانرا بکشت، و آنچه از ایشان ماندند ببلاد روم رفتند. و از ایشان قُس بن ساعده الأسقف الفصیح بود، وقاضی أحمد بن ابی دُواد. و بعضی نسابان، قبیلهٔ ثقیف بایشان نسبت کردند.

و مضر و ربیعہ در نسب ایشان خلاف نیست پس درین فصل دوبابست :

باب اول

فرزندان ربیعہ بن نزار : اسد و ضُبَیْعَه و عایشه (و نسل [این عایشه] ملتحق شد بمراد) و عمرو و عامر و اکْلُب و نسل ایشان ملتحق شد به خَشْعَم .
از ضُبَیْعَه : المثلّمس^۱ الشاعر، والمسیّب^۲ بن عکس الشاعر، والمرقش^۳ الأكبر، والمرقش^۴ الأصغر، وطرّفه بن العبد، و همه شاعر بودند.

و از بنی اسد بن ربیعہ : عَنَزَه^۵ بن اسد قبایل بسیار دارند.

و از بنی اسد : عبد القیس بن أفصى بن دُعْمی بن جدّ یله بن اسد بن ربیعہ بن نزار قبیلهٔ معتبر است. از ایشان : صعصعه بن صُوحان و برادرش زید از خواص^۶ امیر المؤمنین علی علیه السلام بودند.

و از عبد القیس : النّمیر بن قاسط بن هِنَب بن أفصى بن دُعْمی بن جدّ یله بن اسد بن ربیعہ بن نزار از ایشان صُهَیب بن سِنان صحابی^۷، روم اورا اسیر کرده بودند و بمکه آوردند و عبدالله بن جدعان او را بخرد و آزاد کرد، و از این جهت اورا صُهَیب رومی میخوانند. و از ایشان : عامر الضحّیان ابن سعد بن الخزرج بن تیم الله بن النّمیر رئیس ربیعہ بود و چهل سال از غنائم ایشان ربعی میگرفت^۸ و بقیه

۱ - نامش جریر بن عبدالعزی است.

۲ - نامش زهیر است و بواسطه

شعری که گفته باین نام معروف شد.

۳ - نامش عامر است.

۴ - کان سیدهم فی الجاهلیة و صاحب مرباعهم و کان یجلس فی الضحی قسمی ضحیان.

عبدالقیس اکنون در بلاد «الأحساء» میباشند از ایشان آل جروان ملوک بلدفاره است .
و جمهور ربیعہ : بنوبکر و بنو تغلب پسران وائل بن قاسط بن هنب بن اَفْصَى
بن دُعْمَى بن جدیلة بن اسد بن ربیعہ بن نزار . از بنی تغلب : جُشَم و مالک و عمرو
و ثعلبه و معاویه و الحارث فرزندان بکر بن حبیب بن عمرو بن غنم بن تغلب اندوایشان را
اراقم میخوانند ^۲ .

از بنی جُشَم : عمرو بن کلثوم الشاعر . و کَلِیب بن ربیعہ که سید ربیعہ بود ^۳ ،
و برادرش مهلهل . و از ایشان آل حَمْدان از ایشان : سیف الدوله علی بن ابی الهیجا
عبدالله بن حمدان و برادر او ناصر الدوله الحسن و فرزندان ایشان ، و ابو فراس الحارث
بن سعید بن حمدان شاعر و فصیح بود [و امیر] معتبر شجاع ، و ایشان ملوک مَوَصِل و
حلب بودند . و بقیة اراقم در شام میباشند با آل فضل الطاهر .

و در عراق از ربیعہ : آل العَمَری بودند ، از نسل عمرو بن کلثوم الشاعر ، از
ایشان : الامیر علی بن سلطان بن زید و برادرانش و جمعی بسیار بودند ، اکنون کم شدند ،
چه درین فترات سلطان بن علی بر حله تغلب نمود و سلطان احمد بن السلطان اویس
او را بکشت و قوم او را مستأصل کرد .

و از بنی جُشَم : الأخطل غیاث بن غوث الشاعر النصرانی ^۴ .

و بنو بکر بن وایل چند قبیله است از ایشان بنو یَشْکُر بن بکر بن وایل
قبیله عظیم است ، از ایشان : الحارث بن حِلْزَه الشاعر ^۵ ، و سُوَید بن اَبی کاهل الشاعر .
و از قبایل بکر : بنو حنیفه و بنو عِجل ابنا لُجَیم بن صعب بن علی بن بکر .

۱ - ناحیه ای ، در شمال عربستان نزدیک خلیج فارس . ۲ - لانهم شبهت

عیونهم بعیون الاراقم ، و الاراقم ضرب من الحیات . اشتقاق ۳۲۶ . ۳ - بدست

بنی بکر کشته شد و با قتل او جنگ چهل ساله بین بکر و تغلب در گرفت .

۴ - آخرین حکمران جلایری است و در ۸۱۳ هـ وفات یافت ۵ - از اصحاب معلقات سبع .

از عجل: حنظله [بن ثعلبه] بن سیّار^۱ سیدبکراست در روز «ذی قار» وادریس بن معقل جد الامیر ابی دُلَف العِجلی است. واز نسل ابی دُلَف آل ماکولا. والفقیه محمد بن ادریس از اکابر فقهاء شیعه بود. والأغلب الرّاجز.

و از بنی حنیفه: الدّوّل وعدیّ. وعامّه بنو حنیفه از دُوّل اند. و از ایشان: قتاده بن مسلمه. و ثُمّامه بن أثال. وهُوذَة^۲ بن علیّ ذوالتاج^۳. ومُسیلمه الکذاب که دعوی پیغامبری کرد.

و از بنی بکر بن واثل نیز: بنو ثعلبه الحُصین [بن] بن عُکابه بن صَعْب بن علیّ بن بکر بن واثل. و ایشان چند قبیله اند: بنو ذُهل بن ثعلبه. و از ایشان: الحارث بن وعلّه. و از نسل او الحُصین بن المُنذر بن الحارث بن وعلّه از اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بود، و رایت ربیعہ روز صفین بدست او بود. و از ایشان: دَغْفَل بن حنظله النّسّاب. و ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل احد الائمة الأربعة.

و بنو قیس بن ثعلبه بن عُکابه از ایشان الحارث بن عُبّاد سردار بکر بن واثل در روز «قِضَه» بود^۴ و مالک بن مِسْمَع بن شیبان بن شِهاب. والأعشى میمون بن قیس الشاعر المشهور.

و از بنی سدّوس بن شیبان بن ذُهل بن ثعلبه بن عُکابه: مَجْزَأَة بن ثور و برادرش شَتِیق. و عِمْران بن حِطّان الخارجی الشاعر.

و از بنی شیبان: جَسّاس بن مَرّه کشنده^۵ کُلیب بن ربیعہ، از نسل او آل شح از ایشان شیخ المشایخ الشیبانی و فرزندان او در بغدادند.

و از بنی هَمّام بن مَرّه بن ذُهل بن شیبان: الحَوّ فزان^۶ بن شریک، از نسل

۱- هردو نسخه: حنظله بن ستار. ۲- الف: تؤده. ۳- خسرو پرویز

کلاه گوهرنشانی باو داده بود باینجهت ملقب بذی التاج شد. ۴- هردو نسخه

بی نقطه است. و سبب جنگ یوم قضه این بود که بنی تغلب برادر زاده حارث، بجیر بن

عمرو بن عباد را کشته بودند و حارث بانتقام خون او با بنی تغلب جنگ کرد.

۵- نام او حارث است. اشتقاق: ۳۵۸.

اومعَن بن زائده. ویزید بن مرثد بن زائده، وپسرش خالد. وازموالی ایشان آل فرج الر خجی.
و از نسل معن بن زائده « آل صدقه » که وزراء بودند. و الشیخ کمال الدین
عبدالرزاق بن الفوطی النسابة المؤرخ.
و از بنی شیبان جمعی در قطیف و بادیه^۱ آنجا نیز میباشند.

باب دوم

نسل مضر بن نزار از دو پسرند: الیاس والنّاس. ودرین باب دوم مقصد است:

مقصد اول

نسل النَّاس بن مضر از قیس عیلان^۱ بن الناس است. و نسل او از سه پسرند:
سعد و خصّفه و عمرو.

از نسل عمرو: فَهْم و عَدُوّان دو قبیله اند. از فَهْم: تَابُطُ شَرّ آ ثابت
بن جابر الشاعر الشجاع المشهور است. و از عَدُوّان: عامر بن الظَّرْب حَكَم
العرب. و ذوالإصبع الشاعر. و عَدُوّان در راه حجاز میباشند و ایشانرا بنو مطیر میخوانند.
و بنو سعد بن قیس عیلان دو قبیله اند: غَطَفان بن سعد و أعصر بن سعد.
از أعصر بنو غنی بن أعصر و طُفَیل الخیل الغنوی الشاعر و مرثد^۲ بن ابی
مرثد صحابی.

و از أعصر بنو باهله و باهله نام مادر ایشان است. از ایشان: قُتَیْبَة بن مسلم
امیر خراسان بود از قِبَل حجاج، و فتح سمرقند و غیرها کرد.
و از ایشان بنو اصمغ از ایشان: عبدالملک بن قُرَیْب الأصمعی المشهور.
و از بنی غَطَفان بن سعد: عَبَس و ذُبَّان ابنا بَغِیض بن رِیث^۳ بن غَطَفان.

۱ - الف: غیلان، بالمعجمه. و قیس فرزند عیلان است و عیلان (بگفته ابن درید)

لقب الناس است. ۲ - الف: مزید. ۳ - ابن درید ریث و بغیض را

برادر دانسته است.

از عبس: زهیر بن جَدِیمه^۱ سید قیس بود. و پسرش قیس بن زهیر فارس داحس و الغبرا^۲. و عترة بن شداد^۳ الشاعر الشجاع. و عروة بن الورد که او را عروة الصعاليك میخوانند. و الربیع بن زیاد و برادرانش و ایشانرا کمله میخوانند. و خالد بن سنان که پیغامبر بود در فترت میان عیسی و محمد علیهما السلام. و الحطیئة جرول الشاعر، و نسب او مدخولست.

و از ذبیان قزاة بن ذبیان از ایشان: جذیفه و حمل ابنا بدر. و عیسینه^۴ بن حصن بن حذیفه. و منظور بن زبآن بن سیار. و عمر بن هبیره امیر العراق. و عدی بن أرطاة.

و از ذبیان بنوسع بن ذبیان از ایشان [سنان بن ابی حارثه بن °] هیرم بن سنان، ممدوح زهیر بن ابی سلمی. و النابغه الذبیانی الشاعر. و الحارث بن ظالم الفاتک. و عقیل بن علفه. و مسرف بن عقبه صاحب يوم الحرّة، و نام او مسلم بود، اما چون يوم الحره اهل المدینه را بکشت و بسیار از صحابه و اکابر، و غارت کرد، او را مسرف گفتند، و یزید بن معاویه او را فرستاده بود. و از ایشان هاشم بن حرمله و برادرش. و الشماخ الشاعر و برادرش مُزَرَّد.

و بنوخصف بن قیس عیّلان چند قبیله اند: از ایشان بنو مُحارب بن خصفّه. و از بنی خصفّه: بنو سلیم بن منصور بن عیکر مه بن خصفّه از ایشان: العباس بن میرداس شاعر شجاع بود، و از مؤلفه قلوبهم بود روز حنین. و صخر و معاویه ابنا عمرو بن الحارث بن الشرید و خواهر ایشان الخنساء الشاعره. و خفاف بن عمیر^۵ و نبیثه^۶ بن حبیب کشته ربه بن مکدم^۷. و مجاشع بن مسعود. و ابوالاعور السّلمی

۱ - الف - خذیمه. ۲ - نام دواصب است که بین آنها مسابقه ترتیب داده

شده بود و داحس برنده شناخته شد ولی طرفداران غبرا نپذیرفتند و جنگ بین طرفین آغاز شد و قریب هشتاد سال دوام داشت. مجمع الامثال میدانی (اشام من داحس) و غیره مراجعه شود.

۳ - صاحب احدى المعقات. ۴ - پیغمبر را درك کرد و اسلام آورد.

۵ - از مراجع اضافه شد. ۶ - بنام مادرش ندبه معروف شده است.

۷ - الف: نبشه. ۸ - الف: ملک.

صاحب معاویہ بن ابی سفیان، و عُمیر بن الحُبَاب سردار قیس بود^۱ والجَحَاف بن حَکیم الفاتک صاحب یوم «البِشَر» است .

و از سُلیم قبیلهٔ زُغَب نسل زُغَب^۲ بن حبیب بن مالک بن خُفَاف بن اِمْرِی القیس بن سُلیم است و در حجاز و شام میباشند . و الملک عِمْران بن شاهین ملک بطیحه^۳ واسط بود و فرزندان او، و رواق «عِمْران» در مشهد حسین با و منسوبست . و بنو هَوَازِن بن منصور بن عِکْرِمَة بن خَصَفَة بن قیس عِیلان . از ایشان بنو سعد بن بکر بن هوازن ، از ایشان : حلیمه السَّعْدِیة مَرُضعة رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم .

و از هوازن: قَسَی^۴ بن مُنبه بن بکر بن هوازن که او را ثقیف میخوانند و در نسب او خلاف بسیار است . و قبیلهٔ ثقیف دو فرقه اند : الأحلاف^۵ و بنو مالک . از بنی مالک آل ابی العارض . و از أحلاف : مسعود بن مُعْتَب جد حجاج بن یوسف بن الحکم بن ابی عقیل بن مسعود بن معتب . و از ایشان: المختار بن ابی عبیده است که ثار الحسین بن علی^۶ بن ابی طالب علیهم السلام خواست . و عُرُوة بن مسعود عظیم القریتین^۷ و المَغیرة بن شُعبه . و از نسل او جمعی بابنی خفاجه در عراق میباشند و ایشانرا «آل شهری» میخوانند .

و از ثقیف آل الثقفی که قُضَاة بودند در بغداد و کوفه و بقیه دارند تا این وقت . و از بنی معاویة بن بکر بن هوازن غَزِیَّة قدیمه . از ایشان: دُرَید بن الصَّمه و برادرش عبدالله . و بنو نصر حُلَفَاء ثقیف اند . از ایشان : مالک بن عوف النَّصری رئیس هَوَازِن روز حنین بود ، و بعد از آن مسلمان شد^۸ .

-
- ۱- و بر عبد الملک مروان طغیان کرد و نصیبین را گرفت . ۲- نسل او را در معجم قبایل العرب چنین نوشته : «زغب بن مالک بن بهثة بن سلیم» . ۳- و ایشان را با بنی مالک واقعهٔ عظیمی در موضع «انان» نزدیک طائف اتفاق افتاد . ۴- او و ولید بن المغیره عظیم طائف و مکه بودند و با آنها در آیه ۳۱ سوره زخرف اشاره شده . ۵- و او از مؤلفهٔ قلوبهم است .

و بنو صعصعه بن معاویه بن بکر بن هَوازِن دو فرقه‌اند: بنومرّه و بنو عامر بنومرّه را سَلُول میخوانند^۱. از ایشان ابومریم السَلُولی صحابی بود، و او از جمله گواهان زیاد بن ابیه بود وقتی که معاویه ادّعاء او کرد که برادرش است. و عامر بن صعصعه چهار پسر داشته است: ربیعّه و هِلّال و نُمیر و سُواء^۲. از سُواء: مادر الحارث بن عبدالمطلب است. و از موالی ایشان: حمّاد بن عَجَرْد الشاعر.

و از بنی نُمیر ابو حیه الشاعر. و عبید بن حُصین الرَّاعی الشاعر از بزرگان بنی نُمیر بود. و از ایشان آل و ثاب که ملوک حَرّان^۳ بودند. و بنو هلال قبیله عظیم است. از ایشان: حمید بن ثور الشاعر. والضحاک بن مُزاحم الفقیه. و مسعّر بن کِدام. و زینب بنت خزیمه اُمّ المساکین زوج النبی صلی الله علیه وآله وسلم. و میمونه بنت الحارث بن حَزَن بن بُجیر زوج النبی صلی الله علیه وآله وسلم، و خواهرش اُمّ الفضل لُبّابة الصّغری زوج العباس بن عبدالمطلب و مادر شش پسر از فرزندان او بود. و لُبّابة الکبری مادر خالد بن الولید. و از ایشان قطر بن عبد عوف بن أَصرم حاکم فارس بود از قِبَل عبدالله بن عامر، و او اوّل کسی است که اِنعام را «جایزه» میخواند.

و ربیعّه بن عامر بن صعصعه را سه پسر بود: عامر و کعب و کلاب. از عامر: عمرو بن عامر فارس الضّحّا. و بنو عامر بن ربیعّه بن عامر را بقیّه در عراق در صدر بن و غیرها میباشند.

و کلاب بن ربیعّه را ده پسر بود: جعفر، و معاویه، و ربیعّه، و ابوبکر، و عمرو، و الوحید، و رُوّاس^۴، و الأضبط، و عبدالله، و کعب.

از کعب ابو عمرو جابر بن توبه از امراء شام بود در زمان بنی مروان،

۱- سلول بنت ذهل بن شیبان مادر بنی مره است. معجم قبایل العرب.

۲- ابن درید فرزند پنجمی بنام «کلاب» برای عامر ذکر کرده است. ۳- کوره

من کوردیار مضر. معجم ما استعجم. ۴- اشتقاق ص ۲۹۶: ابورواس. ۵- ب: ابوعامر.

و منصور دوانقی حکومت بصره باو داد .

و از بنی عبدالله بن کلاب : عبدالله بن الصَّموت ، از فُرسان بنی کلاب بود .
و از بنی الوحید بن کلاب : اُمّ البنین بنت حِزام زوج امیرالمؤمنین علی
علیه السلام بود ، و او را چهار پسر از آن حضرت است : العباس و عثمان و جعفر و
عبدالله ، هر چهار روز کربلا شهید شدند .

و از بنی عمرو بن کلاب : زُفر بن الحارث سیّد قیس در شام بود ، و رئیس
ایشان یوم مَرَج راهط^۱ .

و از بنی ابی بکر بن کلاب : المعلق بن حنتم که اعشی شاعر مدح او بگفت
و بنو الذوفلته (۲) از ایشان : محمود بن نصر بن صالح ملک حلب بود .
و معاویه بن کلاب یک پسر داشت عمرو نام . و عمرو را سه پسر^۳ بود : ضُبّ
و حَسِل و حَسِیل . و نسل ایشانرا الضُّباب میخوانند . از ایشان : الصُّمَیل و برادرش
ذوالجوشن [و پسرش شمر بن ذی الجوشن]^۴ ، بغایت مجذّب بود در قتل ابی عبدالله
الحسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما .

و جعفر بن کلاب را چهار پسر بود : الأحوص و خالد و مالک و عُتبه .
از نسل عتبه : الرّحّال بن عتبه . و أحوص رئیس بنی عامر در یوم جبله بود .
و از نسل او : علقمة بن عُلّانة^۵ بن عوف بن الأحوص بود آنکه منافره^۶ عامر بن الطفیل
نزد هَرَم [بن قُطَیبة]^۷ الفزازی کرد .

و خالد بن جعفر آنکه زُهیر بن جَدِیمة العبسی را بکشت . و از نسل او :
أربد بن جزء بن خالد ، آنکه بمدینه آمد با عامر بن الطفیل تا رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم بکشدند ، و خدای تعالی او را از ایشان نگاه داشت .

و از نسل مالک بن جعفر بن کلاب : عامر بن الطفیل بن مالک ، فارس قیس

۱ - در زمان خلافت مروان . ۲ - در معجم قبائل العرب چهار پسر ذکر

کرده : ضُبّ ، ضبیب ، حَسِل و حَسِیل . ۳ - از «ب» فقط . ۴ - الف : غلا به .

۵ - از نسخه «ب» .

بود و سید فرسان عرب در جاهلیت ، و او اصحاب رسول صلی الله علیه وسلم را بکشت روز بثر معونه . و عامر بن مالک^۱ ابوبراء چهل مرد یاغی در جاهلیت گرفت ، و مراسله بر رسول صلی الله علیه وآله وسلم کرد ، و قیس میگویند که مسلمان شده بود . و بنو کلاب بقیه دارند و در شام میباشند .
و کعب بن ربیع را شش پسر بود : عقیل و قشیر ، و الحریش ، و جعد^۲ ، و عبدالله و حبیب .

از نسل عبدالله : العجلان . از نسل او : تمیم بن ابی بن مقبل الشاعر .
و از نسل جعد : النابغة الجعدی عبدالله بن قیس است که مدح رسول الله صلی الله علیه وآله بگفت ، و صدویست سال بزیست و یک دندان از او نیفتاد بواسطه^۳ دعاء رسول الله صلی الله علیه وآله ، و قبر او در اصفهان است .
و از نسل الحریش : بنو شکیل اند و بنو قلدان و از نسل او نیز : مطرف و عبدالله ابنا الشخیر ، و مطرف از فضلاء اهل بصره بود ، و او را در بصره نسل بود ، و در خواف از ولایت خراسان .

و از قشیر بن کعب : هیره بن عامر آنکه متجرده زن نعمان بن المنذر را اسیر کرد . و الصمة بن عبدالله القشیری است . و عمرو بن زراره آنکه یحیی بن زید الشهید بن علی بن الحسین بن علی علیهم السلام بر او قدوم کرد و او حمایت او نمود و جنگ کرد تا کشته شد . و از ایشان : یزید بن الطثریه الشاعر است .

و عقیل بن کعب را چهار پسر اند : عمرو ، و ربیع ، و عامر ، و عباده .
عمرو را خفاجه میخوانند ، و بعضی گفتند : خفاجه پسر عمرو است . و نسل او عرب عراق اند . و از ایشان جمعی در خراسان میباشند . و ایشان دو قسمند : اُمیمه و الخلط .
اُمیمه نسل حزن^۴ بن خفاجه و معاویه بن خفاجه ، و مادر هر دو اُمیمه بنت عباده بن عقیل است . و آنانکه گفتند [خفاجه پسر عقیل است گفتند] مادر ایشان

۱ - ملقب به ملاعب الاسنة . ۲ - الف : الحریش و جعد .

۳ - الف : جرز .

أُمیمه اللَّخْمیه است . و از حَزَن : الامیر اعقف السارب أبوعلی الحسن^۱ بن عُلوان بن ثمال بن عیسی [بن هندی] بن سلمان^۲ بن حزن بن خفاجه است .
و از نسل حزن بنو سلمان و بنو عبدالله و بنو ذُؤابه و آل علوی و آل تقیه و آل بدران است .

و نسل معاویه بن خَفَاجه را کُلَیب میخوانند و کَلِیب پسر معاویه بن حزن بن معاویه بن خَفَاجه است . از ایشان: حبیب بن کَلِیب ، نسل او بسیار است . و عبدل بن کَلِیب نام او «عبدالله» است و بنو صالح بن عبدالله مذکور، و آل مَلاح بن عَطَاف بن عثمان بن کَلِیب بن مختار بن الخطَّاب بن عبدالله مذکور است . و از ایشان : بنو سعید بن کَلِیب بن معاویه است . و از بنی سعید آل عُبَید و آل رِیان و آل وَهَب و غیر ایشان .

و الخَلَطُ نسل مالک و خالد و کعب و عامر بنی خَفَاجه است .
از بنی مالک : ابن حلابه و قوم او [و ایشانرا عشایر میخوانند] و در بلاد واسط میباشند .

و از خفاجه : تَوْبَةُ بن الحُمَیَّر^۳ صاحب لیلی الأخیلَیه است .
و نسل رَیْعَة بن عَقِیل از عامر بن رَیْعَة است ، و ایشان در زمین بصره و قَطِیف میباشند . و از عائذ بن رَیْعَة ، و ایشان در رمل زَرُود و حوالی آنجا میباشند .
و نسل عامر بن عَقِیل از عوف بن عامر .

و بنو الأَعلَم بن خُوَیلد بن عوف بن عامر قبیلهٔ بزرگست .
و بنو عُبَاده بن عَقِیل قبیلهٔ عظیم است و در اطراف واسط و در میان واسط و بصره در بلاد بطایح میباشند . از ایشان: آل المَسِیب امراء عِبَادَه‌اند ، از ایشان : المقلد بن المَسِیب ملک موصل بود و انبار نیز ، و پسرش قِرواش بن المقلد امیر معتبر بود . و از آل المَسِیب : الامیر حسین^۴ بن عَطْوَان حاکم بطایح واسط بود .

۱ - ب : حسین . ۲ - ب : سلیمان . ۳ - نسخه‌ها مغشوش است .

۴ - ضبط از نسخهٔ الف . ۵ - ب : حسن .

و برادرش الامیر عَطَاف . و ایشان بنی لیث را از آنجا بدر کردند و کشتند امراء ایشان را ، و آن دیار را در حکم خود آوردند . و از عباده : آل المهنّا و آل مهارش و آل معن و جوئه و المضّا و المرقع . از مرقع : الامیر مفضل بن ادیس و برادرش قَبَان^۱ و غیر ایشان اند .

مقصد دوم

نسل الیاس بن مضر بن نِزار را خِندِف میخوانند، و این لقب مادر ایشان لیلی بنت حلوان بن عمران بن الحاف بن قضاعه است و ایشان دو قسم اند : مُدْرِکَه و طابِخَه . و از برادر ایشان قَمْعَه قبیله خُزاعه است اما در یمن منتسب شدند . پس درین مقصد دو مقام است :

مقام اول

در نسل طابِخَه و نام او عامر است^۲ و نسل او از اَدّ بن طابِخَه است و نسل اَدّ از مُرّه و ضِبّه و عبد مناة و عمرو است . و نسل عمرو را مُزینَه میخوانند، و نسل عبد مناة و ضِبّه را رباب^۳ میخوانند ، مگر نسل ثور بن عبد مناة . و از ثور : سفیان الثوری [الفقیه است] .

و از بنی عدّی بن عبد مناة : ذوالرّمّه غیلان بن عقبه الشاعر است . و از بنی تیمّم بن عبد مناة : قَطام^۴ بنت شجنه اخت الأخضر بن شجنه است . و الأخضر در روز نهروان با خوارج کشته شد و عبد الرحمن بن ملجم لعنه الله عاشق

۱ - ضبط از نسخه الف ۲ - معجم قبائل العرب : عمرو .

۳ - الف : رناب . و رباب پنج طائفه اند که همسوگند شدند : تیمّم ، عدی ، عکل ، مزینَه و ضِبّه . اشتقاق : ۱۸۰ . ۴ - در نام پدر او اختلاف است شیخ مفید او را بنت الاخضر نوشته (ارشاد ص ۹) و ابن درید «علفه» آورده . و علامه مجلسی (بحار الانوار ج ۹ : ۶۶۴) «سخینه» گفته است و در بعض مراجع «علقمه بن شجنه» دیده شد . بنا بر این ممکن است شجنه جد او باشد و مسعودی در مروج الذهب (ج ۲ : ۲۳) گفته است که قطام دختر عموی ابن ملجم است .

قطام شد، و از او التماس کرد که امیرالمؤمنین علی را بکشد و آن بدبخت چنان کرد.
و از ایشان : عمرو بن لَجَأَ الشاعر است .

و از عُکَل بن مناة: النَّمِر بن تَوَلَّب الشاعر است .

و عمرو بن اُدّ دو پسر داشت : عثمان و اوس ، مادر هر دو مُزَیْنَه بنت کلب بن وَبَرَه است ، و نسل او بنام این زن مشهور است . و از ایشان زُهَیْر بن ابی سلمی و پسرش کعب بن زهیر ماح رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بودند .
و النُّعْمان بن مُقَرَّرَن صاحب جنگ نِهاوند . و مَعْقِل بن یَسار آنکه «نهر معقل» در بصره باو منسوب است . و از ایشان : ایاس بن معاویه القاضی که ضرب المثل در فراست باو میکنند .

و از رباب : بنو ضِبَّة بن اُدّ است و از فرزندان او : باسل بن ضِبَّة ، میگویند :
دیلَم از نسل اوست . و نسل سعد بن ضِبَّة بسیارند . از ایشان : بنو السَّیِّد بن مالک بن سعد بن ضِبَّة و بنو کوز ، و بنو زید بن کعب است ، از ایشان : زید الفوارس بن [حُصَین بن] ضِرار مذکور است . و از نسل زید الفوارس : ابن شُبْرُمة القاضی است .
و بنو ضِبَّة مخصوص عایشه يومَ الجمل بودند .

و نسل مُرَّ بن اُدّ بن طایِخه از تمیم و از غوث است و نسل غوث را ابن اصفوه (؟) میخوانند و اجازت [افاضه] از عرفات در جاهلیت در دست ایشان بود ،
و بعد از ایشان اجازت منتقل شد به بنی عَطارد بن عوف بن کعب بن سعد بن زید مَناة بن تمیم .

و نسل تمیم بن مرّ بن اُدّ از سه پسرند : عبد مناة و عمرو و الحارث .
از نسل الحارث قبیله شَقِیره است . از ایشان : المسیب بن شریک الفقیه .
و از ولد عمرو بن تمیم : العنبر و مالک و اُسَید .

از نسل العنبر : طریف بن تمیم و سوار بن عبدالله القاضی ، و عبیدالله بن الحسن

القاضی و عامر بن عبد القیس^۱ العابد و دُغّه بنت مَغْنِج آنکه ضرب المثل در حمق باو میکنند^۲. و بنو العنبر را بقیّه در عراق میباشند ، ایشانرا بنو تمیم میخوانند و مال ایشان گوسفند است .

و از بنی مازن بن مالک بن عمرو بن عمرو بن مالک بن الرّیّب الشاعر^۳ و قَطَرِیّ بن الفُجاءة رئیس الخوارج^۴ بود و بیست سال اورا امیرالمؤمنین خواندند .

و از بنی عمرو بن تمیم : بنو اُسَید بن عمرو . از ایشان اکثم بن صَیْفِی حَکَم العرب ، و ابو هاله که شوهر اُمّ المؤمنین خدیجه بود پیش از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ، و اَوْس بن الحَجَر الشاعر ، و حنظله بن الرّیّع صحابی که اورا حنظله الکاتب میخوانند .

و از عمرو بن تمیم نیز بنو الهُجَیم بن عمرو ، از ایشان : عبّاد بن الحُصَین فارس مشهور بود^۵ .

و بنو زید مناة بن تمیم خاندان [بزرگ اند] و کَرّت در ایشانست . و نسل زید مناة از امرء القیس و سعد و مالک و عوف است .

از بنی سعد : مُقَاعَس^۶ بن عمرو بن کعب بن سعد . و بنو مِثْقَر بن عبید بن مُقَاعَس . از ایشان : قیس بن عاصم سید اهل الوَبَر . و السُّلَیْکُ بن السُّلَکَ احد الرُّوَات . و عبدالله بن اَباض الخارجی که اَباضیه بدو منسوبند . و قد کَیّ بن اَعْبَد . و از مَرّة بن عُبَید بن مُقَاعَس^۷ : الأحنف^۸ بن قیس که بحلم^۹ مشهور است .

۱ - نام پدر او عبدالله است ولی عبد قیس مشهور شده . اشتقاق : ۲۱۳ .

۲ - مجمع الامثال میدانی (ج ۱ : ۲۳۸ ، احمق من دغّه) و بیان و تبیین (ج ۲ : ۲۲۶) مراجعه شود . و مغنّج لقب ربيعة بن عجل است . و بعضی معنّج بعین بی نقطه گفته اند .

۳ - وی از لصوص معروف عرب است . اشتقاق ۵۵۵ . ۴ - رئیس طایفه از ارقه .

در اواخر حکومت حجاج در ری کشته شد . اشتقاق : ۲۰۵ . ۵ - این درید او را

از بنی الحارث بن عمرو شمرده است . اشتقاق : ۲۰۲ . ۶ - ب : مقاعش .

۷ - نسخه ها مغشوش است . ۸ - احنف لقب است و نام او صخر بوده و بر تمام

طایفه تمیم که در بصره بودند حکومت داشت . ۹ - ب : بحکم .

وازی بنی عیشمس بن سعد : ایاس بن قتاده حامل الدیات در جنگ تمیم وازد^۱
[کشته شد] و عبده بن الطیب الشاعر .

و از بنی سعد : الأجارب^۲ است ، از ایشان : جاره بن قدامه صاحب شرطه^۳
امیر المؤمنین علی علیه السلام بود . و عمرو بن جرْمُوز کشته زبیر بن العوام است .
و از بنی عوف بن کعب بن سعد : بنو عطارِد ، از ایشان : کرب بن صفوان
صاحب افاضه از عرفات بود .

و از ایشان : بنو قریع بن عوف اند ، از ایشان : الأضبط بن قریع است .
و بنو لای بن أنف الناقه^۴ . و از ایشان : بهدکة بن عوف بن کعب است ، از ایشان :
الزبرقان بن بدر ، و الأصم^۵ بن خلف بن بهدله صاحب بردی محرق .
و از نسل مالک بن زید مناة : البراجیم و ایشان^۶ نسل پنج پسراند [از پسران]
حنظله بن مالک : عمرو ، والظلیم ، و قیس ، و کلفه ، و غالب . از ایشان عمیر بن
صابی^۷ است .

و از بنی مالک بن زید مناة : الرباع و ایشان نسل : ربیعة بن مالک بن زید مناه بن
تمیم ، و ربیعة بن حنظله بن مالک ، و ربیعة بن مالک بن حنظله اند . از ربیعة اول :
علقمة بن عبده الشاعر است .
و از بنی مالک : یربوع بن حنظله بن مالک ، از ایشان : بنو ریاح [و بنو ثعلبه و بنو
کلب و بنو غدانه^۸ .

۱- نسخه ب مغشوش است . احنف بن قیس اورا بعنوان گروگان بطایفه ازد داد ،
و فتنه بین دو طایفه در زمان حکومت عبیدالله بن زیاد اتفاق افتاده بود . الاصابه (ج ۱: ۱۰۱) .

۲- الف : الاحارب ، ب : الاحارث . و آنچه ضبط شد از معجم قبائل العرب ص ۵ آوردم .
۳- نام «أنف الناقه» جعفر بن قریع بن عوف است .

۴- الف : اصمر ، و ابن نام و « بردی محرق » را درجائی نیافتیم .

۵- ب : واز ایشان . ۶- الف عمیر بن صابی . ب : عمر بن صابی . و او در فتنه
عثمان شرکت داشت . ۷- الف : بنو عذابه .

از بنی رباح: عَتَّاب بن وَرَقَاء والی اصفهان بود. و سَحِیم بن وَثِل ' الشاعر.
و الحرّ بن یزید صاحب الحسین بن علی علیهما الصلاة والسلام روز کربلا. و شَبَث بن
رَبِیع '، و ابو الهندی ' الشاعر از نسل شَبَث است.

و از بنی غَدانه^۲: وَکِیع بن اَبی سود^۳ و حارثة بن بدر است.

و از بنی ثعلبه: مالک و متمم ابنانویتره^۴. و عَتِیْبَة بن الحارث بن شِهَاب
صیّاد الفوارس^۵ است.

و از بنی کَلِیب: جریر بن عطیة بن الخطّفی ' الشاعر است.

و از بنی الصبیّ بن^۶ یربوع: سَجَاح^۷ بنت اوس آنکه دعوی پیغامبری کرد
و زن مُسَیْلَمَة الکذاب شد.

و ابوسود و عوف ابنا مالک مادر هر دو طُهیّة بود، و نسل ایشان با و معروفست.
و بنو دارم بن مالک بن حنظله خاندان تمیم است. و از نسل عبدالله بن دارم:
حاجب بن زُرّاره صاحب القوس^۸ و برادرانش لَقِیْط و مَعبداند.

و از بنی مُجَاشِع بن دارم: الفرزدق همّام بن غالب الشاعر است. و الأقرع بن
حابس. و أعین بن ضُبَیْعَة^۹. و الحُثّات بن یزید^{۱۰}. و البَعِیْث الشاعر. و الأصْبَغ بن نُبّاته
صاحب امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

و از سَکَوس بن دارم: بنو ثُبَیّة^{۱۱} بمادر خود معروف اند.

و از بنی نَهْشَل بن دارم: حازم بن خَزّیمه از امراء هارون رشید، و الأسود بن

۱- هر دو نسخه مغشوش است. و او از مخضرمین شعرا است؛ چهل سال در جاهلیت

و شصت سال در اسلام بزیست. ۲- ب: عذار. ۳- نام پدرش حسان است،

لکن به این «ابی سود» معروف گشته. در خراسان بود و بر قتیبة بن مسلم خروج کرد و او را
بکشت. ۴- مالک را خالد بن الولید بکشت و با زنش همبستر شد.

۵- الف: عیینة بن الجمار. ب: جیاد الفوارس.

۶- نسخه ها مغشوش است، و این درید (ص ۲۲۷) گفته: لیس فی صبیرا حد مشهور.

۷- الف: شجاع. ۸- قوس خود را برای نجات بنی تمیم گرو داد.

۹ و ۱۰- ضبط از الف. ۱۰- الف: برید ب: زید.

یُغْفَرُ الشاعر است .

و از بنی أبان بن دارم : سَوْرَة بن الحرّ فارس بود . و ذوالخرق بن شریح الشاعر .
و از بنی جریوبن دارم : بنو فُقَیْم ' اند .

مقام دوم

در نسل مدرکه بن الیاس بن مضروایشان چهار قبیله اند : هَذَیْل و اسد و کِئَانه
و قریش^۲ .

(۱) بنو هَذَیْل پسر مدرکه و نسل او سعد [و لِحِیَان است] . لِحِیَان یَکْ بطن
و بنو سعد چند بطن اند .

از ایشان : بنو صاهله ، از ایشان : عبدالله بن مسعود صحابی و برادرش عُبَیه و هردو
نسل دارند ، از ایشان : المسعودی صاحب «مروج المذهب» است . و از نسل عبدالله بن
مسعود : بنو سعید در حله میباشند ، از ایشان : الفقیه نجیب الدین یحیی بن سعید ، و الفقیه
نجم الدین أبو القاسم جعفر دو فقیه مصنف بودند .

(۲) و بنو أَسَد بن خزیمه بن مدرکه قبیله عظیم است .

و برادر أَسَد : الهُوَک بن خُزَیمه نسل او را قاره^۳ میخوانند و تیراندازان عرب بودند .
و نسل اسد بن خزیمه : دُوْدَان و کاهل و عمرو و صعب و حلمه . و خاندان و
شمار ایشان در بنی دُوْدَانند . و نسل او از دو پسراند : ثعلبه و غَنَم ، و نسل ثعلبه از
چهار پسراند : الحارث و سعد مالک و غَنَم .

از بی الحارث بن ثعلبه : بنو قُعَین بن الحارث ، و بنو الصَّیْدَاء بن عمرو بن قُعَین ،
و بنو فُقَیْم بن طریف بن عمرو بن قُعَین ، و بنو جَحْوَان بن فُقَیْم ، و دِثَار ، و نَوْفَل
و سعد و حَذَلَم بنو فُقَیْم اند .

از بنی جحوان : طَلِیحَة بن خُوَیْلِد آنکه دعوی پیغامبری کرد و باز مسلمان شد

۱- الف : مقیم . ب : فقم .

۲- قریش لقب نضر بن کنانه است ولی چون از سایر اولاد کنانه امتیاز دارد مستقلاً

ذکر شده . ۳- در اشتقاق ص ۲۷۸ هون و عضل و قاره را برادران هذیل نوشته .

و بغایت شجاع بود .

و از بنی الصّیّداء : قیس بن مسهر^۱ صاحب الحسین بن علی علیهما الصّلاة والسلام ، از نسل او بنو عیّاش الکُتّاب در حله و کوفه اند ، و آل العلقمی از ایشان : الوزیر^۲ مؤید الدین محمد وزیر المستعصم ، و او بنی العباس را برانداخت و هولاگو بیغداد آورد . و بنو جیش^۳ در حله بودند .

و از بنی قَعین : ذؤاب بن رَبیعَه کُشدَه عَتِیْبَه بن الحارث الیربوعی . و بشر بن ابی خازم الشاعر .

و از بنی سعد بن دُودان : عَیّید بن الأبرص الشاعر است . و عمرو بن شَأَس پدر عِرار بن عمرو . و الکُمَیْت بن زید شاعر اهل البیت بود ، و از نسل او بنو و شاح قضاة الحله بودند .

و از بنی مالک بن ثعلبه بن دُودان : بنو غاضره بن مالک ، و « غاضریّات »^۴ بایشان مسمّی است . و از ایشان بنو الجُهِیم در حله است .

و از بنی مالک بن ثعلبه : بنو عوف ، از ایشان : الأمير دُبَیْس بن علی بن مرثد^۵ و سیف الدوله صدّقه بن منصور بن دُبَیْس آنکه حله را عمارت کرد^۶ . و از ایشان آل زنجی که از ایشان قبیله عُمَیْش که از ایشان آل سلیط امراء بنی اسد در واسط و حویره میباشند . و از ایشان جماعتی در حله اند از ایشان بنو شیخ الحیه (۴) و بنو المیثرانی (۴) و از بنی اسد : جواهر اند و بنو نَعامه که از ایشان آل حدید اند . از ایشان جدّ

مادری جامع این مختصر : الشیخ الفاضل العلّامه فخر الدین ابو جعفر محمد بن الشیخ العلّامه زین الدین حسین بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن حدید ، و مادروی دختر الشیخ العلّامه علّم الدین اسماعیل بن شیخ الشیوخ نجیب الدین محمد بن جعفر بن نما الرّبّعی است .

۱- الف : مشهر . ۲- ب : ابو زید . ۳- ب : حیش .

۴- قرائی در نواحی کوفه نزدیک کربلا بوده است . ۵- الاعلام (۱۲:۲) مزید .

۶- در حاشیه « الف » نوشته است : « حله را حله سیفیه میگویند از این سبب که

بانی آن سیف الدوله است چنانکه مذکور شد .

و از بنی غَنَم بن دُودان : زینب بنت جَحْش امّ المؤمنین است .

(۳) و کِنانه بن خُزَیمه را چهار پسر است : النضر و عبد مناة و مالک و مَلْکَان.

بنی النضر را قُرَیش میخوانند و باقی را بنی کِنانه .

از بنی مالک بن کِنانه : بنو فِرَاس بن غَنَم اند، در عرب خاندانی بشجاعت ایشان

نیست از ایشان جذل الطعان عَلمَقه بن اُوس بن غَنَم، و پسرش عبدالله . و ربیعه بن مُکَدَّم .

و بنو مَلْکَان یک خاندانند .

و بنو عبد مناة چند قبیله اند از ایشان : بنو مُدَلِج که بقیافت و معرفت آثار [در میان]

مردم مشهورند . از ایشان سُرّاقه بن مالک آنکه ابلیس روز بدر بصورت او ظاهر شد

و باقریش بگفت ' انتی جار لکم ' و محرّز المدلجی .

و از بنی عبد مناة نیز : [بنو بکر بن عبد مناة است] از ایشان : بنو الدُّثُل بن بکر

از ایشان : أبوالأسود الدُّثُل النحوی است و امیر المؤمنین علی علیه السّلام تعلیم او

کرد تا نحو بدر آورد .

و از بنی عبد مناه نیز : بنو ضَمَره از ایشان : عمرو بن أمّیه الضَمَری صحابی بود .

و البرّاض بن قیس الفاتک ، و حرب الفِجَار^۱ بسبب او شد .

و از ایشان : بنو غِفَار بن مُلَیل^۲ بن ضَمَره از ایشان : ابو ذرّ الغِفاری الصحابی است .

و از بنی عبد مناة نیز : بنو لَیث بن بکر بن عبد مناة است ، از ایشان : نصر بن

سَیّار والی خراسان ، و نسب او مدخولست . و ابوالطفیل عامر بن واثله صحابی^۳ ،

و مخصوص امیر المؤمنین علی علیه الصلاة والسلام . و واثله بن الأسقع الصحابی .

و از ایشان آل المصطیع (۴) حکّام « بطایح واسط » بودند تا آل المسیّب

ایشانرا برانداختند .

و از بنی کِنانه قبیله احابیش اند .

(۴) و نسل نصر بن کِنانه را قُرَیش میخوانند، و نضر را دو پسر است : مالک و یَخْلُد ،

۱- سورة انفال آیه ۹۰ . ۲- الف : الفخار . وضبط « البراض » از الاعلام (۲: ۱۶) .

۳- الف : خلیل .

از نسل او بَدْر بن یخلد که آب «بدر» بدر آورد و باو مسمی است . و هِشام کلبی میگوید که : آب بدر بیکی از جُهینَه مسمی است .

و مالک بن النضر پدر فِهْر بن مالک است ، و فِهْر را سه پسراند : غالب و مُحارب و الحارث .

از بنی لحارث : أبو عبیدة بن الجرّاح .

و از بنی مُحارب : الضحاک بن قیس ، آنکه جنگ با مروان بن الحکم کرد روز «مَرَجِ راهط» و ضِرار بن الخطّاب فارس و شاعر بود ، و روز فتح مکه مسلمان شد . و نسل غالب بن فِهْر از دو پسرند : لُؤی و تَیمم الأدرم .

از نسل تَیمم : هِلّال بن حنظل است آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روز فتح فرمود که اورا بکشتند .

و نسل لُؤی بن غالب از هفت پسراند : خُزَیمه و از نسل او عائذه قریش^۱ قبیله ای است . و الحارث و نسل اورا بنی جُشَم میخوانند . و بعضی میگویند که «عوف بن لُؤی» عوف غَطَفان است و بایشان منتسب شد . و گفته اند عوف بن سعد بن ذُبّیان بن بَغِیض . و نسل الحارث بن لُؤی مجاور بنی هزّان اند . و سَامَة بن لُؤی^۲ از ایشان علی بن الجهم الشاعر است^۳ . و میگویند که سَامه را نسل نبود .

و بنو عامر بن لُؤی دو فرقه اند : بنو حِسل بن عامر و بنو مَعِیص بن عامر . از بنی حِسل : عمرو بن عبدود^۴ فارس قریش بود ، و امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه روز خندق اورا بکشت . و سُهَیل بن عمرو الا علم الخطیب^۵ . و أبوبکر محمد بن عبد الله بن ابی سَبْرَة قاضی مکه . و عبد الله بن سعد بن ابی سَرّح مسلمان شد و کاتب وحی شد ، پس مرتد گشت ، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روز فتح فرمود که اورا بکشند و عثمان شفاعت در او کرد . و محمد بن عبد الرحمن بن المغیره بن الحارث بن أبی ذئب الفقیه .

۱- عائذه نام مادر ایشان است . ۲- و نسل او بنام مادرشان «ناجیه» معروفند .

۳- از دشمنان امیر المؤمنین بود . ۴- نماینده قریش در صلح حدیبیه .

و از بنی مَعِیص بن عامر بن لؤی : عبیدالله بن قیس الرُقَیَّات الشاعر. و عمرو بن قیس آنکه اورا « ابن اُمّ مکتوم »^۱ میخوانند ، و اعمی بود ، و سوره عبس در باب او فرود آمد . و بُسرین^۲ ارطاة صاحب معاویه بن ابی سفیان بود .

و نسل کعب بن لؤی^۳ از سه پسرند : مُرّه و هُصَیص^۴ و عدی^۵ .

از نسل عدی^۶ : نَعِیم النَحَام^۷ بن عبدالله صحابی بود . و مطیع بن الأسود^۸ و پسرش عبدالله بن مطیع^۹ . و أبو الجهم بن حُذَیْفَه از نَسَابان قریش بود . و خارجه بن حُذافه ، که خارجی^{۱۰} اورا بکشت و پنداشت که عمرو بن العاص است ، و اوقاضی بود در مصر . و ابو حفص الفاروق عُمَر بن الخطّاب بن نُفَیل بن عبدالعزیّ بن رِیاح بن عبدالله بن قُرْط بن زِراج بن عدی است . و زید بن عمرو بن نُفَیل که در جاهلیت متألّه شد و دین را میطلبید ، و پسرش سعید بن زید ، و خواهرش عاتکه بنت زید است . و از نسل عمر بن الخطّاب : عبدالله بن عمرو پسرش سالم احد الفقهاء السبعة است . و از نسل سالم : الرَّشید الوطواط الشاعر الکاتب است . و از نسل عمر (چنانچه میگفت) الفاضل رضیّ الدین الحسن بن محمد الصّغانی اللغوی المحدث .

و نسل هُصَیص^{۱۱} بن کعب دو فرقه اند : بنو سَهْم و بنو جُمَح ابنا عمرو بن هُصَیص ابن کعب .

از نسل جمح : خَلَف بن وَهَب و از نسل او اُمَیّه بن خَلَف که از عظماء کفر بود ، و روز بدر کشته شد ، و از نسل اوصفوان بن اُمَیّه ، و عبدالله بن صفوان کشته شد با عبدالله بن الزبیر .

و از نسل خَلَف بن وَهَب : اُبیّ بن خَلَف آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روز اُحد اورا بدست خود بکشت .

۱- ب : کلثوم . ۲- نسخه ها مغشوش است . ۳- الف « الشحام » .

۴- ابن درید مطیع بن نضله گفته است . ۵- از طرف عبدالله زبیر در کوفه والی بود و مختار اورا اخراج کرد و بامصعب کشته شد .

۶- عمرو بن بکر خارجی . ۷- ب : مصیص .

وازنسل او: محمد بن صفوان بن عبیدالله بن ابی بن خلف قاضی مدینه بود در ایام هِشام بن عبدالملک ، و پسرش عبیدالله بن محمد قاضی بغداد بود ایام منصور دوانقی ، و حاکم مدینه نیز شد از قبیل او .

و از نسل خلف بن وهب : أَحِيْحَه بن خلف است ، از نسل او: ابودَهْبَل الشاعر است .

و از نسل وهب: عُثْمَان بن مَظْعُون صحابی بود و بزرگ ، و برادر او قُدَامَة بن مَظْعُون والی بحرین بود .

و از بنی وهب بن حُذافه: حاطب بن الحارث بن معمر بن حبیب بن وهب بن حُذافه هجرت حبشه کرد در نوبت دوم ، و در آنجا وفات یافت ، و در حبشه پسرش محمد بن حاطب زائیده شد ، و او اوّل کسی است که محمد او را نام نهادند بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ، و از اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بود . و از نسل وهب بن حُذافه : ابو عَزّه عمرو بن عبدالله بن عُمیر بن وهب بن حُذافه روز بدر اسیر شد و شکوای فاقت و عیال کرد پس رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عهد از او گرفت که معونت بر او نکند و او را بگذشت ، پس روز أحد کفار او را فریب دادند و همراه خود آوردند و مسلمانان او را اسیر کردند و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بدست خود بکشت او را .

وازنسل سعد بن جُمَح: ابو مَخْدُورَه مؤذن رسول الله صلی الله علیه و آله بود . و نسل سهم بن عمرو بن هُصَیص از دو پسراند : سعد و سَعِيد .

از نسل سعد : قیس بن عدی بن سعد بن سهم از اکابر قریش بود ، و پسرش الحارث از مستهزیان بود . و عبدالله بن الزَّبْعَری الشاعر . و نُبَيّه و مُنَبّه ابنا الحجاج بن

۱- صفوان بن امیه خرج عائله او را تضمین کرد و او روز احد با کفار بجنگ

پیغمبر اکرم آمد و کفار را تحریص میکرد و چون اسیر شد تقاضای عفو کرد پیغمبر فرمود « لا تمسح عارضیک بالحجر و تقول خدعت محمداً مرتین » اشتقاق ۳۲۱ و الاصابه .

۲- اسمہ معمر بن اوس .

عامر بن حُذَیْفَةَ بنِ سعد بنِ سَهْم روز بدر کشته شدند کافر . و العاص بن اُمیّه نیز در آن روز کشته شد ، و ذوالفقار از آن او بود ، پس امیر المؤمنین علی علیه السلام او را بکشت و شمشیر از او بگرفت ، و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آن شمشیر را اختیار نمود از غنائم ، و باز به امیر المؤمنین علی داد .

و از ایشان : عبدالله بن [عبد ^۲] المطلب بن اُبی و دّاعه بن صُبَیره ^۳ بن سَعید بن سعد بن سهم است . از نسل او : اسماعیل بن جامع مغنی جادو بود ، و کثیر بن کثیر بن المطلب بن اُبی و دّاعه محدث و شاعر بود .

و از نسل سَعید بن سهم : عمرو بن العاص بن وائل داهیه قریش بود ، و ممد و مرتّب احوال معاویه بن ابی سفیان بود ، و پسرش عبدالله را نسل است . از ایشان : عمرو بن شُعَیب بن محمد بن عبدالله بن عمرو بن العاص فقیه بود و محدث ، و نسل او در طایف میباشند .

✽ و نسل مُرّقه بن کعب بن لُؤی بن غالب از سه پسراند : کِلَاب و یَقْظَه و تَیْم .

۱ - و نسل تیم از سعد ، و نسل سعد از کعب و حارثه است .

از نسل حارثه : محمد بن الْمُشْکَدِر بن عبدالله بن الهُدَیر بن عبدالعزیّ بن عامر بن الحارث بن حارثه بن سعد بن تیم ، و برادرانش ابوبکر و عمر از فضلاء اختیار بودند .

و از نسل کعب بن سعد بن تَیْم : ابوبکر الصّدّیق و نام او عبدالله ^۴ بن اُبی قُحافه عثمان بن عامر بن عمرو ^۵ بن کعب بن سعد ، و فرزندانش عبدالرحمن و عائشه و محمد و اُمّ کلثوم است . از نسل محمد : القاسم الفقیه بن محمد ، احد الفقهاء السبعه و دختر او اُمّ فَرّوّه مادر جعفر الصادق بن محمد الباقر علیهما الصلاة والسلام . و مادر اُمّ فروه اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر است . و از نسل عبدالرحمن بن ابی بکر

۱ - نسخه ها : العاص بن منبه . ۲ - مخصوص « ب » . ۳ - بضاد

معجمه نیز گفته شده و نسخه ها مغشوش است . ؛ - معروف « عتیق » است .

۵ - این نام را ابن درید ذکر نکرده است .

ام سلمه بنت محمد بن طلحة^۱ بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی بکر، مادر عبدالله بن موسی الجونی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب است. و مادر طلحة بن عبدالله بن عبدالرحمن: عائشه بنت طلحة بن عبیدالله است. و مادر عائشه ام کلثوم بنت ابی بکر است. و نسل عبدالرحمن و محمد ابنا ابی بکر بسیارند.

و از نسل عمرو بن کعب بن سعد: طلحة بن عبیدالله بن عثمان بن عمرو بن کعب بن سعد است و از نسل او محمد بن طلحة الزاهد^۲ و ابراهیم بن محمد بن طلحة از رجال قریش بود، و او برادر حسن بن [حسن بن] علی بن ابی طالب است از مادر، [و مادر] هردو خوهره بنت منظور بن زبّان^۳ بن سیّار الفزاری است. و نسل طلحة بسیار است.

و از نسل عمرو بن کعب: عمر بن عبیدالله بن معمر بن عثمان بن عمرو بن کعب امیر بصره بود و جواد بود.

و از بنی عمرو بن کعب: عبدالله بن جدعان^۴ بن عمرو بن کعب بزرگ بود و جواد او را فرزند نمیشد، پس یکی ابوملیکه نام را بفرزندی قبول کرد، و این ابو ملیکه نسل دارد. از ایشان عبدالله بن عبیدالله بن عبدالله بن ابی ملیکه روایت میکند از عبدالله بن عباس.

۲- و نسل یقظه بن مرّه از مخزوم بن یقظه است و نسل مخزوم از سه پسراند: عمر و عمران و عامر.

از نسل عمر بن مخزوم: المغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم. از ولد او: هشام بن المغیره پدر ابوجهل بن هشام، و نام «ابوجهل» عمرو است و کنیت او

۱- معروف بطلحة الطلحات، از اجواد است. ۲- در جنگ جمل بدست

مالک اشتر (بنا بمعروف) کشته شد. ۳- نسخه‌ها «رئان» و ابن درید

(اشتقاق ص ۲۸۳) گفته است: و کان من اشرافهم، تزوج بناته الحسن بن علی و محمد

بن طلحة و عبدالله بن الزبیر و المنذر بن الزبیر. ۴- از کارهای او تصویب

قانون دفع ظلم بود که بهنمبر اکرم نیز (پیش از رسالت) در امضاء آن شرکت فرموده بود.

أَبُو الْحَكَمِ است و مسلمانان او را ابوجهل خواندند ، و پسرش عِکْرِمَه فارس بود و روز فتح مسلمان شد . وَالْعَاصِ بْنِ هِشَامِ کشته شد روز بدر کافر . وَالْحَارِثُ بْنُ هِشَامِ روز بدر بگریخت و روز فتح مسلمان شد . و از ولد او : عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامِ نسل بسیار دارد . و الولید بن الْمُغِیرَه ^۱ و فرزندانش از ایشان : خَالِد بن الولید فارس قریش بود . و از نسل مُغِیرَة بن عبد الله بن عمر بن مخزوم : أُمّ سَلَمَه بنت أبی اُمیّه بن الْمُغِیرَه اُمّ الْمُؤْمِنِین است . و عمر بن عبد الله بن أبی ربیعہ بن الْمُغِیرَه الشاعر . و از فرزندان الولید بن الْمُغِیرَة : هِشَام بن الولید ، از نسل او : اسماعیل بن هِشَام بن الولید ، و فرزندان او ابراهیم و محمد ^۲ و هردو ولایت مکه کردند از قِبَلِ هِشَام بن عبد الملک . و از بنی المغیره الازرق ^۳ : عبد الله بن عبد الرحمن بن الولید بن عبد شمس بن الْمُغِیرَه ولایت یمن کرد .

و از نسل عمر بن مخزوم : عمرو بن حُرَیث بن عمرو بن عثمان بن عبد الله بن عمر بن مخزوم ولایت کوفه کرد . و از نسل او آل جِیَا الْکِتَاب است ، از ایشان : شرف الْکِتَاب بن جِیَا و از ایشان کسی نماند .

و از بنی عِمران بن مخزوم : فاطمه بنت عمرو بن عائذ ^۴ بن عِمران بن مخزوم ، مادر عبد الله و أبی طالب و الزُّبَیر فرزندان عبد المطلب بن هاشم . و از ایشان حَزَنُ بن أبی وَهَب بن عمرو بن عائذ [جدّ سعید بن الْمُسَیَّب بن الْحَزَنُ الفقیه . وَهْبِیرَة بن ابی وهب بن عمرو بن عائذ ^۵] از فُرسان قریش بود و شعراء ایشان ، و او شوهر اُمّ هانی بنت ابی طالب بود ، و از فرزندان او جَعْدَة بن هُبَیرَة که امیر المؤمنین علی ولایت خراسان باو داده بود .

و از بنی عامر بن مخزوم : شَمَّاس بن عثمان بن الشَّرِید بن سُویَد بن هَرَمی بن عامر روز احد شهید شد و نسل دارد . و از ایشان اُمّ مکتوم عاتکه بنت عبد الله بن عَنکَنَه بن عامر بن مخزوم ، مادر عمرو بن اُمّ مکتوم الْمُؤَدَّن الْأَعْمی بود .

۱ - از مستهزئین بود و آیاتی از سوره مدثر در باره او نازل شده .

۲ - نسخه ها « بن محمد » ۳ - این لقب را درجائی نیافتیم . ۴ - نسخه ها

« عابد » . ۵ - حزم نیز گفته شده . ۶ - فقط از نسخه « ب » است .

۳- و نسل کیلاب بن مَرَّة بن کعب لُؤی بن غالب ازدو پسراند: قُصی و نام او زید است و زُهره . و زهره را دو پسر است عبد مناف و الحارث .

از بنی عبد مناف بن زهره : آمِنه بنت وَهَب بن عبد مناف بن زهره مادر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است . و مَخْرَمَة بن نَوْفَل بن اُهَیْب^۱ بن عبد مناف بن زُهره و و پسرش المِسْوَر هردو صحابی بودند و عالم . و سعد بن ابی وقاص مالک بن اُهیْب بن عبد مناف بن زُهره است . و برادرش عتبّه که دندان حضرت رسالت را روزاخذ او بشکست ، و او پدر هاشم المِرْقَال^۲ است که از خواص امیرالمؤمنین علی بود و در صفین شهید شد .

و از نسل الحارث بن زهره : عبد الرحمن بن عَوْف بن عبد الحارث بن زهره است که از اصحاب شوری بود ، و پسرش ابوسلّمه عبدالله احد الفقهاء السبعة است . و مسلم بن عبدالله بن شِهَاب بن عبدالله بن عبد الحارث بن زهرة الفقیه الراوی که مشهور است به « زُهری » .

و قُصی بن کیلاب بن مَرَّة بن کعب بن لُؤی بن غالب نام او « زید » است و او را مجمّع میخوانند از بهر آنکه قبایل قریش را جمع کرد و در مکه نشاند . و نسل او از سه پسراند : عبد مناف و عبد العزّی و عبد الدار .

و قُصی کلید کعبه بعبد الدار داده بود و لواء خود نیز ، و آن در نسل او بماند تا روز اُحد ، و اصحاب اللواء از نسل او همه کشته شدند ، و لوای رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نیز بدست مُضْعَب بن عُمَیر بن هاشم بن عبد مناف بن عبد الدار بود ، و در آن روز شهید شد ، پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم لواء را به علی بن ابی طالب صلوات الله علیه داد و آن سنت برافتاد ، اما کلید کعبه تا غایت بدست ایشانست .

و بقیّه نسل عبد الدار از پسرش عثمان است . از نسل او : طلحه و عثمان و ابوسعید^۳ فرزندان ابی طلحه بن عبد العزّی بن عثمان بن عبد الدار همه روز اُحد

۱- و هیب نیز گفته شده . ۲- نسخه ها مغشوش است .

۳- ابن درید ابو عثمان و سعد نوشته است .

کشته شدند ولوای مشرکان با ایشان بود و طلحه بن ابی طلحه را کَبْشُ الکُتیبه میخوانند امیر المؤمنین علی علیه السلام او را بکشت. و نافع و حلاس و کلاب و الحارث بنو طلحه بن ابی طلحه در آن روز نیز کشته شدند و کافر بودند. و عثمان بن طلحه کلید کعبه مشرفه بدست او بود^۱ پس بدست شیبۀ بن عثمان بن ابی طلحه منتقل شد فرزندان او را «بنو شیه» میخوانند، و ایشان نسل شیبۀ بن ابراهیم بن شیبۀ بن عبدالله بن محمد بن شیه سَدَنَه کعبه اند، و تا این وقت کلید بدست بنی ديلم بن محمد بن ابراهیم بن شیه است. و میگویند که از چهل نفر زیاده نمیشوند.

و نسل عبدالعزى بن قصى بن کلاب از اسد بن عبدالعزى، و نسل اسد از پنج پسراند: خُوَیْلِد، و نَوْقَل و حبيب^۲ و الحارث. از ایشان الزبیر بن العوام بن خُوَیْلِد بن اسد، و عمه او خدیجه بنت خُوَیْلِد ام المؤمنین است، و پسر زبیر عبدالله هفت سال ولایت و خلافت در مکه و مدینه و عراق کرد، و عروۀ بن الزبیر احد الفقهاء السبعة بود، و مُصَنَّب بن الزبیر حاکم العراقین از قبیل برادرش عبدالله بود. و از نسل زبیر: زبیر بن بکّار بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن الزبیر النسابة است.

و از بنی اسد بن عبدالعزى: حَکِیم بن حِزام بن خُوَیْلِد بن اسد صد و بیست سال عمر او بود. و از ایشان: الضحاک بن عثمان بن عبدالله بن خالد بن حِزام بن خُوَیْلِد عالم بود و راویه، و او جدّ بنی الضحاک است که در حله و نیل و بغداد بودند، از ایشان اُستاد دارالخلافة: المبارك بن الضحاک است.

و از ایشان: ابوالبخترى القاضى^۳ و نام او وهب بن وهب بن کثیر بن عبدالله بن زَمْعَة بن الاسود بن المطلّب بن اسد بن عبدالعزى. و وَرَقَة بن نَوْقَل بن اسد بن عبدالعزى آنکه بشارت نبوت بر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم داد در آن وقت که وحی باورسیده بود.

۱ - در روز فتح پیغمبر کلید را از او گرفت و بعداً باوردد کرد و فرمود:

«ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الى اهلها» . ۲ - ابن درید «مطلب» نوشته

است. و فرزندان پنجم در نسخه ها نیست. ۳ - ب: القارى. و او از واضعین

احادیث و حکایات است.

ونسـل عبد مناف بن قصی بن کلاب از چهار پسراند : هاشم و عبدشمس و المطلّب و نوفل .

نسل نوفل بن عبد مناف اندک اند ، از ایشان : جبّیر بن مطّعم^۱ بن عدی بن نوفل از علماء قریش بود . و پسرانش محمد و نافع هر دو فقیه بودند .
(۲) و بنو المطلّب با بنی هاشم متفق بودند در جاهلیّت و اسلام . و از ایشان : عبّیده و الطّفیل و حصّین^۲ بنو الحارث بن المطلّب در روز [بدر^۳] با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بودند و عبّیده در آن روز شهید شد .
و از ایشان : بنو شافع بن السائب بن عبّید بن عبد یزید^۴ بن هاشم بن المطلّب .
از ایشان : ابو عبد الله محمد بن ادريس بن عثمان بن شافع صاحب المذهب احد الائمة الاربعه است .

(۳) و بنو عبد شمس بن عبد مناف سه قسم اند : بنو اُمیّه الکبر و بنو اُمیّه الأصغر و العبشمیون .

بنو اُمیّه الأصغر اندک اند و از ایشان : الحارث^۵ بن اُمیّه که نسل او را عبلات میخوانند ، و پسرش عبد الله زمان معاویه زنده بود ، و از نسل [او^۶] : الثریّا بنت علی بن عبد الله که عمر بن ابی ربیعه او را در شعر خود یاد میکند .

و عبشمیان چند نفر اند از فرزندان عبد شمس منسوب اند بپدر خود عبد شمس از ایشان : عتبّه و شیبّه ابنا ربیعۃ بن عبد شمس در روز بدر کشته شدند کافر . و الولید بن عتبّه نیز در آن روز کشته شد کافر . و هند بنت عتبّه مادر معاویه بن ابی سفیان است .
و از ایشان : ابو العاص بن الربیع بن عبد العزیّ بن عبد شمس شوهر زینب بنت النبی صلی الله علیه و آله وسلم ، و از دو فرزند دارد : علی^۷ و اُمّامه که امیر المؤمنین علی^۸ علیه السلام او را بعد از فاطمه الزهراء سلام الله علیها زن کرد بوصیت فاطمه .

۱ - و مطعم بن عدی آنست که در امر صحیفه قریش با ایشان معارضه نمود و ابوطالب او را مدح کرده است .
۲ و ۴ - نسخه ها مغشوش است .
۳ و ۵ - معروف باین عبلة الشاعر .
۴ و ۶ - در نسخه ها نیست .

و از ایشان عامر بن کُرَیز بن ربیعۃ بن حبیب بن عبدشمس است . و پسرش عبدالله حاکم بصره بود از قبیل عثمان . و عبدالرحمن بن سَمُرَة بن حبیب^۱ بن عید شمس .

و اُمیّه الاکبر را یازده پسر بودند : العاص ، و ابوالعاص ، و العیص ، و ابوالعیص ، و العوّیص ، و سُفیان ، و أبوسفیان ، و حرب ، و ابوحرب ، و عمرو ، و ابو عمرو . و نسل پنج اوّل را اُعیاص میخوانند . نسل شش دیگر عَنابَس . از عَنابَس : أبوسفیان صَخْر بن حرب بن اُمیّه ، و پسرش معاویه و یزید بن معاویه و معاویه بن یزید ، بیعت با او کردند بعد از پدرش و اِقالَت طلبید .

و از اُعیاص : ذوالنورین عثمان بن عفّان بن اُبی العاص بن امیه است و نسل او بسیارند ، از ایشان : محمّد الدّیاج بن عبدالله بن عمرو بن عثمان مادرش فاطمه بنت الحسین بن علی بن اُبی طالب است .

و از اُعیاص : مروان بن الحکَم بن اُبی العاص بن اُمیّه است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پدرش الحکم را از مدینه طرد فرمود و مروان با او بود . و مروان خلیفه شد بعد از معاویه بن یزید ، و بعد از او پسرش عبدالملک ، پس ولید بن عبدالملک ، پس سلیمان بن عبدالملک ، پس عمر بن عبدالعزیز ، پس یزید بن عبدالملک ، پس هشام بن عبدالملک ، پس ولید بن یزید بن عبدالملک ، پس یزید بن الولید بن عبدالملک ، پس برادرش ابراهیم بن الولید ، پس مروان [بن محمّد بن مروان] بن الحکم و او آخر ملوک ایشان بوده است ، و او را مروان الحمار میخوانند ، و نسل دارد ، از ایشان : الشیخ أبو الفرج الإصفهانی النسّابه صاحب کتاب «الأغانی» و غیره ، و بعضی میگویند : او از نسل هشام بن عبدالملک است .

و از بنی مروان : عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک است ، آنکه

۱ - الف « سمره بن جندب » و این اشتباه است ، و سمره بن جندب از طائفه فزاره

است . و عبدالرحمن صاحب سکه های معروف با این سمره است که در بصره رایج بود ، و از اصحاب پیغمبر بوده است .

بأندلس رفت و در آنجا خلیفه شد و جمعی از نسل او در ایّام عباسیان ، تا [آل حمّود ^۱] برایشان غلبه کردند .

و از بنی العاص بن اُمیّه : سعید بن العاص أبو اُحَیّحه ^۲ ذوالعمامه و پسران او العاص و عُبَیده هر دو در روز بدر کشته شدند کافر . و سعید بن العاص بن اُبی اُحَیّحه و پسرش عمرو الأشدق و عبدالملک بن مروان او را بکشت . و عَتّاب بن اُسَید بن اُبی العاص ^۳ بن اُمیّه عامل النبی صلی الله علیه وآله وسلم برمکه بود ، و برادرش خالد بن اُسَید جدّ «آل اُبی الشوارب» که قُضاة در بغداد و کوفه بودند . و بقیه ایشان اکنون در حله اند .

و از بنی عمرو بن اُمیّه : مسافر بن اُبی عمرو . و عقبه بن [اُبی مُعِیط بن] اُبی عمرو که پیغامبر علیه السلام او را بکشت وقت مراجعت از غزاء بدر . و نسب اُبی عمرو مغموز است ، و میگویند : غلام اُمیّه بود و او را پسر خود خواند .

۴) و هاشم بن عبدمناف او را عمرو العلی میخوانند و او را چند پسر بودند : از ایشان : اسد بن هاشم پدر فاطمه مادر امیر المؤمنین علی علیه السلام و برادرانش . و عقب متصل او از عبدالمطلب است ، و نام او شیبة الحمد و مناقب او بسیار است ، و او را چهارده پسر و شش دختر بود .

از ایشان . عبد الله بن عبدالمطلب پدر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم . و چهار پسر دیگر از فرزندان او نسل دارند تا اکنون : العباس و أبوطالب و الحارث و ابولهب . و نسل متصل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از فاطمة الزهراء مادر الحسن و الحسین است ، و نسل ایشان در نسل اُبی طالب یادشود .

و نسل ابولهب و نام او عبد العزّی است ، تا غایت هستند و درمکه میباشند . و نسل الحارث بن عبدالمطلب از عبد الله است ، و نام او عبد شمس بود . و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نام او را عبد الله نهاد . و أبوسفیان ^۴ ، و او از آن جماعت است که روز حنین بار رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ثبات کرد و نگریخت ،

۱ - الف : علویان . ۲ - الف : اجنحه ۳ - اُبی العیص . اشتقاق

ص ۷۸ . ۴ - نامش مغیره است .

و ربیعہ و نوفل و غیر ایشان . و از ابوسفیان نسل نماند .

و عبدالله نسل او در شام بودند ، و از سه نفر زیاده نمی شدند .

و ربیعہ را چهار پسر بودند، از ایشان: العباس بن ربیعہ باأمیر المؤمنین علیہ السلام بود روز صفین، و نسل دارد .

و از ایشان : محمد بن عبدالمطلب بن ربیعہ از نسل او آل الازہاری نسل علی الازہاری بن یحیی بن زید بن یحیی بن أحمد بن داود بن صالح بن محمد الازہاری (عامل المدینہ) بن عبدالله (امیرالیمن) بن سلیمان بن محمد مذکور . از ایشان : الشیخ شمس الدین أبوالمناقب محمد بن أحمد بن ابی علی عبدالله بن داود بن محمد بن علی الازہاری واعظ فاضل و شاعر بود . و مشہور است بہ « شمس الدین الکوفی » و پسرش جلال الدین أبوہاشم محمد روایت بسیار دارد ، و امین دارالقضا بود در بغداد ، و پسرانش شمس الدین ^۲ محمد قاضی الحلة و خطیبها نسل دارد ، و برادرش جمال - الدین احمد بشام رفت و در آنجا مقیم شد و حال معلوم ندارم .

و نَوْفَل بن الحارث نسل بسیار دارد: از ایشان : عبدالله بن الحارث بن نَوْفَل بن الحارث او را « بَبَّه »^۳ میخواندند . و الْمُغْبِرَة بن نَوْفَل بن الحارث والی کوفہ از قِبَل الحسن بن علی بن ابی طالب علیہما السلام ، و امیر المؤمنین علی^۴ علیہ السلام او را وصیت کرد کہ بعد از او اُمَامَہ بنت الربیع را زن کند چه بترسید کہ معاویہ او را بخواهد .

و العباس بن عبدالمطلب او را ده پسر بودند^۵ : الفضل و عبدالله و عبیدالله و قُثَم و عبد الرحمن و معبد ، و مادر ایشان لبابة الصغری بنت الحارث الہلالی بود . و تمام و کثیر و الحارث و عَوْن از سُرَّیْہ^۶ بودند .

۱ - ب : محمد زبرا . ۲ - ب : شمس الدولہ . ۳ - مادرش

این لقب را براو گذاشت . ۴ - این درید پسران عباس را چنین شمرده است :

الفضل و عبدان و عبیدالله و تمام و کثیر و الحارث و صبح و مسهر و معبد و قثم و عبد الرحمن

۵ - ب : سرہتان . و سرہہ کنیزی است کہ در خانہ نگہداری کنند .

و نسل عبیدالله اندک اند ، و قُتُم نسل ندارد ، و نسل الحارث منقرض شدند ، و نسل مَعْبُد اندک اند .

و نسل عبدالله بسیارند و خلافت در ایشان است ، و نسل او از علی بن عبدالله است ، و نسل علی از هشت پسرند : محمد و صالح و سلیمان و اسماعیل و عبدالصمد و داود و عیسی و عبدالله .

از نسل صالح : عبدالملک بن صالح از رجال عباسیان بود و نسل بسیار دارد . و از نسل سلیمان : جعفر بن سلیمان و برادرانش ، و مادر این جعفر و بعض برادرانش اُمّ الحسن بنت جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب است ، و نسل بسیار دارد ، و جعفر بن سلیمان را چهل و سه پسر بود و سی و پنج دختر . و از نسل اسماعیل جمعی از هاشمیان که در کوفه بودند .

و عبدالصمد بن علی را خواصّ عجیب بود : یکی آنکه میان او و عبد مناف از پدران همان قدر است که میان یزید بن معاویه و عبد مناف است و یزید امیرالحاجّ بود سنهٔ خمسین از هجرت و عبدالصمد امیرالحاجّ بود سال پنجاه و صد از هجرت ، و یکی دیگر آنکه وفات یافت بآن دندان که بآن زاییده شده بود و پنج دندان او یکپاره بود ، و یک روز در مجلس هارون الرشید او و العباس بن المنصور ، و العباس بن محمد بن علی حاضر بودند پس بگفت که « این مجلسی است که در او مجتمع شد امیرالمؤمنین و عمّ او و عمّ عمّ او و عمّ عمّ عمّ او » . و عبدالصمد را نسل است .

و داود بن علی و عیسی بن علی نسل دارند ، و عبدالله بن علی نسل دارد .

و فرزندانش محمد بن علی بن عبدالله بن العباس شش بودند : **خلفای عباسی** ابراهیم ، الإمام ، دعوت خلافت بنام او کردند پس مروان بن محمد او را بکشت . و أبو العباس عبدالله که او را سَفّاح میخوانند او اوّل خلفاء بنی العباس است ، و بیعت با او کردند روز آدینه سیزدهم ربیع الآخر سنه اثنین و ثلاثین و مائه . ابو جعفر منصور دو انقی و او

۱ - خلفای بنی العباس بنا بمشهور ، در عراق ۳۷ و در مصر ۱۰ تن بوده اند .

و ترتیبی که در این کتاب است در مواردی با تواریخ مشهور اختلاف دارد .

بغداد را عمارت کرد. دوم خلفاء ایشان بود. و موسی، و عباس، و یحیی. و نسل سفاح نماند، و نسل ابراهیم را زینبیا میخوانند و از ایشان آل طراد که بعضی از ایشان نقیب عباسیان [بودند و بعضی وزیر شدند و زینبیا بقیه دارند. و نسل موسی بن علی بسیارند و بیشتر عباسیان] کوفه از نسل اویند. و نسل عباس و یحیی پسران علی اندک است.

و نسل ابوجعفر منصور از چند پسر است. از ایشان: ابوعبدالله محمد مهدی سوم خلفاء ایشان است. و جعفر اکبر پدر زبیده زن هارون الرشید، و ابن زبیده حج کرد پیاده، پس بهفت سال حج خود تمام کرد. و جعفر الأصغر. و مهدی را چند پسر بود از ایشان: [ابو محمد] موسی الهادی چهارم خلفاء ایشان است. و ابو جعفر هارون الرشید پنجم خلفاء ایشان است. و ابراهیم، گویند که در بغداد بیعت خلافت با او کردند در آن وقت که مأمون بیعت با علی بن موسی بن جعفر صادق علیهم السلام بولایت عهد خلافت کرد. و منصور زامر، و اسحاق، و علی نسل دارند.

و هارون الرشید را چند پسر است سه نفر از ایشان خلیفه شدند: ابوعبدالله محمد امین پسر زبیده بنت جعفر اکبر ششم خلفاء، و ابوالعباس عبدالله مأمون هفتم خلفاء ایشان است، و نسل دارد، و ایشانرا «بنو المأمون» میخوانند از ایشان نقیب النقباء ابوالعباس أحمد بن یوسف بن محمد بن أحمد بن محمد بن علی بن محمد بن یعقوب بن حسین بن المأمون است. و از نسل مأمون بقیه هستند و درد جیل میباشند. و ابواسحاق محمد المعتصم بالله که هشتم خلفاء ایشان است [و اُمّی بود] و خلافت بنی العباس آن وقت در نسل او بود.

و او را سه پسر است: ابوالعباس احمد المستعین بالله بن محمد که نهم خلفاء ایشان است، و ابوجعفر هارون الواثق بالله دهم خلفاء ایشان است. و از فرزندان واثق ابواسحاق محمد المهدی بالله یازدهم خلفاء ایشان بود و نسل دارد و ایشانرا بنو المهدی میخوانند و نسل واثق را واثقیان. و جعفر المتوکل علی الله که دوازدهم خلفاء ایشان است.

و جعفر المتوکل ناصبی بود و معانید اهل بیت و چند پسر او را بود ، از ایشان :
 ابو عبدالله محمد معتز بالله که سیزدهم خلفاء ایشان است و نسل دارد . از ایشان : عبدالله
 بن المعتز الشاعر بیعت خلافت کردند با او در آن وقت که قادر را خلع کردند و یکروز
 بیش خلیفه نبود پس او را در دواج سمور پیچیدند تا بمرد و خلافت باز بمقتدر عاید
 شد . و ابوالعباس احمد المعتمد علی الله که چهاردهم خلفاء ایشان است .

و از فرزندان متوکل ابواحمد طلحه الموفق که او قائم بود بدولت برادر خود
 معتمد و او جنگ با صاحب الزنج کرد تا او را بکشت و نسل متوکل بسیارند .

و ابواحمد طلحه الموفق را یک پسر بود ابوالعباس احمد المعتضد بالله
 شانزدهم خلفای ایشان است ، و خلفای باقی بعد از اویند .

و چند پسر او را بود از ایشان : ابومنصور محمد القاهر بالله هفدهم خلفای ایشان
 است ، و ابوالحسن علی المکتفی هژدهم خلفای ایشان است . و بعد از امیرالمؤمنین
 علی علیه الصلاة والسلام هیچ کس خلیفه نشد که نام او « علی » باشد بغیر از او .

و ابوعلی موسی بن علی المکتفی نوزدهم خلفاء ایشان بود .

[و ابوالقاسم عبدالله المستکفی بالله بیستم خلفای ایشان بود] .

و أبو الفضل جعفر المقتدر بالله بیست و یکم خلفای ایشان بود .

و او را چند پسر بود از ایشان : ابواسحاق ابراهیم المفتقر الی الله بیست و دوم
 ایشان بود . ابوالعباس محمد الرازی بالله بیست و سوم ایشان بود . أبو القاسم الفضل
 المطیع لله بیست و چهارم ایشان بود .

و او را چند پسر است ، از ایشان : ابوبکر عبدالکریم الطایع لله بیست و پنجم
 ایشان بود .

و مقتدر را چند پسر دیگر بود که خلافت بایشان رسید . از ایشان : اسحاق که او
 را « ابن دُمنه » میخوانند خلیفه نشد ، اما خلافت در نسل او بود و پسر او خلیفه شد و پسر
 او ابوالعباس احمد القادر بالله است که بیست و ششم ایشان بود .

و پسر قادر أبو جعفر عبدالله القائم بأمر الله بیست و هفتم ایشان بود و یک پسر
 پیش نداشت محمد نام و او را « ذخیره » میخواندند ، پس او را ولی عهد خود ساخت

و در حیات او وفات یافت و او را پسری بود عبدالله نام و ابوالقاسم کنیت او ، و او را المقتدی بامرالله میخواندند و او بیست و هشتم خلفای ایشان بود .

و از نسل المقتدی بامرالله : ابوالعباس أحمد المستظهر بالله بیست و نهم خلفای ایشان بود ، و ابو منصور الفضل المسترشد بالله سی ام خلفای ایشان بود .

و از نسل المسترشد بالله : ابو جعفر الراشد بالله که سی و یکم ایشان است .
و ابوالعباس احمد بن حسن بن علی بن منصور الراشد بالله سی و دوم خلفای ایشان بود .

و ابو عبدالله محمد المقتفی لامرالله سی و سیوم خلفای ایشان بود .
و المقتفی لامرالله یکم پسر داشت : ابو محمد یوسف المستنجد بالله سی و چهارم خلفای ایشان بود .

و از ابو محمد حسن المستضیء بامرالله سی و پنجم ایشان بود .
و از مستضیء : ابوالعباس احمد الناصر لدین الله سی و ششم ایشان بود .
و از ابو الحسن المعظم علی سی و هفتم ایشان بود .
و بعد از او برادرش ابو نصر محمد الظاهر بامرالله که سی و هشتم ایشان بود .
و از ابو جعفر منصور المنتصر بالله که سی و نهم ایشان بود .
و از ابو احمد عبدالله المستعصم بالله که چهلم ایشان است ، و او آخر خلفاء عباسیان است ، و در محرم سنه ۳۲۰ ست و خمسين و ستمائه کشته شد در ظاهر بغداد بحکم هلا گو .

و بعد از او [مستعصم] ملک بنی عباس آخر شد . والبقاء لله سبحانه عباسیان مصر
و تعالی ، و مدت ایشان پانصد و بیست و چهار سال و سه ماه بود . مگر جمعی که در مصر اسم خلافت مجرّد داشتند .

و اوّل ایشان المستنصر احمد بن الخلیفه الظاهر ، بعد از واقعه بغداد در شام افتاد و در آنجا بیعت با او کردند .

و بعد از او ابوالعباس احمد بن الحسن بن ابی بکر محمد بن علی القبتی بن الراشد بالله ابی جعفر المنصور از سکنان دارالشجره (که موسوم است بمجلس خلفا

در دارالخلافت (بود و به مصر افتاد و بیعت با او کردند سنهٔ تسع و ستین و ستمائه .
و بعد از او پسرش المستکفی بالله و خلفاء مصر اکنون از فرزندان اوست .

• • •

و أبوطالب بن عبدالمطلب چهار پسر داشته است، هریکی از یکی دیگر بوده .
سال بزرگتر بود : طالب بزرگترین ایشان است و نسل ندارد ، و عقیل و جعفر و
أمیر المؤمنین علی علیه الصلاة والسلام ، و مادر همه فاطمه بنت أسد بن هاشم است .
و نسل ابی طالب ازین سه پسر است ، پس در سه مطلب ذکر ایشان کنیم .

مطلب اول

❖ (نسل ابی یزید عقیل بن ابی طالب) ❖

و از فرزندان او و فرزندان فرزندان شش نفر در کربلا کشته شدند . و پسرش
مسلم را در کوفه شهید کردند . و نسل عقیل اکنون از محمد بن عقیل تنها است . و
نسل محمد از عبدالله بن محمد تنها ، و مادرش زینب الصغری ' بنت امیر المؤمنین
علی علیه السلام . و نسل عبدالله از مسلم [و محمد] ۲ .

و نسل مسلم از سه پسرند : عبدالرحمن و محمد و عبدالله .

از نسل عبدالرحمن ۳ : جعفر بن عبدالرحمن بن مسلم بن [عبدالله بن محمد بن عقیل
بطبرستان افتاد . و از ایشان : أبو العباس أحمد بن محمد بن إبراهيم بن عبدالرحمن بن
مسلم [بن عبدالله بن محمد بن عقیل صد سال عمر او بود، و او را پسرش بود «علی»
نام و کنیت أبو القاسم .

و از نسل محمد بن مسلم بن عبدالله : عبدالله بن الحسن بن محمد بن مسلم، او
را بقیه [بود در کوفه .

و از نسل عبدالله بن مسلم بن عبدالله : الأمير همام بن جعفر بن اسماعیل بن أحمد
بن عبدالله بن مسلم بن عبدالله او را بقیه در نصیبین بودند . و ایشان را بنی همام
می خواندند . و از ایشان : إبراهيم (که او را « دخنه » می گفتند) بن عبدالله بن مسلم

بن عبدالله نسل دارد . از ایشان بنو الفلّقی^۱ و نام او ابراهیم بن علی بن ابراهیم دخنه [در نصیبین بودند . و شیخ الشرف العبّیدلی گفت که « در ابراهیم دخنه غمز است » والله اعلم .

و از ایشان : عیسی الأوقص و سلیمان ابنا عبدالله بن مسلم بن عبدالله نسل دارند . از ایشان : محمد بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن احمد بن سلیمان بن عبدالله بن مسلم که او را « قمریّه » خواندند و برادرش عقیل ، هر دو در مصر بودند و فرزند داشتند . و از ایشان : الحسن بن عقیل بن محمد بن الحسن بن احمد بن سلیمان مذکور است ، او را بقیّه در مدینه بودند . و از ایشان : یحیی بن الحسن بن احمد بن سلیمان مذکور او را نیز بقیّه در مدینه بودند . و از ایشان عبدالله بن مسلم بن عبدالله بن مسلم مذکور بقیّه در کوفه داشت . و ایشانرا بنو جعفر^۲ میخواندند . و از ایشان العباس بن عیسی الأوقص قاضی جرجان بود . و از نسل أوقص قومی در طبرستان و جرجان^۳ اند . و نسل محمد بن عبدالله بن محمد بن عقیل ازدو پسرند : عبدالرحمن و عقیل . از نسل عبدالرحمن : محمد المرقوع بن عبدالرحمن نسل دارد ، و ایشانرا بنو المرقوع میخوانند و در طبرستان بودند .

و عقیل بن محمد بن عبدالله را چهار پسر است : القاسم و احمد و عبدالله و مسلم . قاسم را یک پسر است محمد نام و او را چهار پسر است : علی^۴ ، و بهندوستان افتاد . و عبدالله ، و دو پسر دارد و در مصر بودند و نسل دارند ، اما معلوم نیست که اکنون هستند یا نه .

و نسل عبدالله بن عقیل ازدو پسراند : احمد ، و او را سه پسر است در نصیبین : علی^۵ و حسین و ابراهیم . و پسر دوم : عقیل بن عبدالله ، و او را دو پسر است : [محمد و عبدالله . و این عبدالله را دو پسر است] : قاسم و جعفر ، قاسم در فسا^۶ بود و دو پسر دارد : محمد و عبدالله . و جعفر نسل دارد در حلب بودند و بیروت و مصر . و مسلم بن عقیل بن محمد بن عبدالله را یک پسر است ، محمد نام و نسل دارد

۱ - عمدة الطالب ص ۳۴ : بنو الفلّقی . ۲ - عمدة الطالب : بنو جعفر .

۳ - عمدة الطالب : خراسان . ۴ - الف : نسا ، و آنچه ثبت شده از

عمدة الطالب است .

و علی بن محمد بن عبدالله نسل دارد از دو پسر عبدالله والحسن . و طاهر بن محمد بن عبدالله نسل دارد از دو پسر: محمد و علی ، و اولاد ایشان در مصر بودند . و ابراهیم بن محمد بن عبدالله نسل دارد و در فارس بودند .
و نسل عقیل اکنون بغایت اندک اند ، و طالبیان در کرمان بدین نسب مشهورند .

مطلب دوم

﴿ ابو عبدالله جعفر بن ابی طالب ﴾

او را الطیار میخوانند و ذوالجناحین ، و یوم مؤته شهید شد بعد از آنکه هردو دستش را بریده بودند و خدای تعالی دو جناح باو داد که با ملائکه میپرید . و فضایل او بسیار است .

و نسل او از عبدالله الجواد بن جعفر تنها است . و از نسل او معاویه بن عبدالله و پسرش عبدالله بن معاویه که در ایام مروان بن محمد خروج کرد و بلاد جبل^۱ را بتمام در حکم خود آورد و ابو جعفر منصور عباسی عامل او بود بر « ایندج »^۲ . و ابو مسلم عبدالله را بکشت در هرات و نسل او منقرض شدند .

و نسل عبدالله الجواد بن جعفر اکنون از دو پسرند : علی الزینبی و اسحاق العریضی .

و مادر علی « زینب » بنت علی بن ابی طالب ، و مادرش فاطمة الزهراء بنت محمد صلی الله علیه و آله وسلم .

﴿ و نسل اسحاق العریضی از سه پسرند : محمد و جعفر و القاسم ، و بقیه در نسل القاسم اند . از نسل او : ابو هاشم داود بن القاسم بزرگ بود . و جعفر بن القاسم نسل او از محمد و اسحاق و القاسم . از بنی محمد : ابو علی عیسی بن یحیی بن القاسم بن ابراهیم بن محمد مذکور نقیب عثمان بود . و از نسل القاسم بن اسحاق عریضی : اسحاق بن القاسم نسل دارد ، و از فرزندان او : عبد الرحمن بن القاسم نسل نیز دارد و عبدالله بن

القاسم نسل دارد از پسرانش محمد و عبدالرحمن و زید و احمد و جعفر و إسحاق .
از بنی جعفر بن عبدالله : ابوالحسن طاهر بن محمد بن القاسم بن جعفر مذکور
بقیه دارد و در قزوین میباشند . و از فرزندان جعفر مذکور : عبدالرحمن بن جعفر
او را سوشان^۱ میخوانند و نسل دارد و در نصیبین میباشند .

و از بنی زید بن عبدالله بن القاسم : مرتضی بن شرف بن پادشاه بن هادی بن طالبی بن
سراهنک بن زید بن القاسم بن الحسن الطمطمی^۲ بن محمد بن احمد بن الحسن بن
زید مذکور او را « قیلویه » میخوانند .

و از ولد القاسم بن اسحاق العریضی نیز حمزه نسل دارد از دو پسر : محمد
واحمد که او را « أحمر عینه »^۳ میخوانند . و از نسل او : ابو محمد القاسم بن محمد
بن جعفر بن احمد مذکور نقیب الطرم^۴ بود و فرزند دارد . و از ایشان : الحسن و حمزه
و عبدالله فرزندان احمد مذکور نسل دارند .

« و نسل علی الزینبی بن عبدالله الجواد احد اُرخاء آل ابی طالب الثلاثه :
یکی نسل موسی الجوّن ، و دوم نسل موسی الکاظم علیه السلام ، و سیوم نسل جعفر
السید بن ابراهیم بن محمد بن علی الزینبی .

و نسل علی الزینبی از دو پسرند : محمد رئیس^۵ و اسحاق الأشرف ، و از
بهر این او را « أشرف » میخوانند که مادر پدرش زینب بنت علی بن ابی طالب علیه السلام
بود ، و إسحاق بن الجواد را « أطرف » میخوانند از بهر آنکه شرف او از یک جهت
بیش نیست .

الف - نسل اسحاق الأشرف از هفت پسرند : جعفر ، و حمزه ، و محمد
العنطوانی ، و عبدالله الأكبر ، و عبدالله الأصغر ، و عییدالله ، و الحسن .

از بنی جعفر بن إسحاق الأشرف : عبدالله الاکبر بن جعفر از نسل او العُمَشیق^۶

۱ - ب : سوشان . عمدة الطالب ص ۴۲ : شوشان . ۲ - ضبط از الف .

۳ - و نیز لقب محمد بن ابی الکرام بن محمد رئیس است چنانکه خواهد آمد .

۴ - بفتح یا کسر طاء ، ظاهر آمرعرب « طارم » است . ۵ - جمع « رخی » : آسیاب .

۶ - عمدة الطالب : الاریس (الرئیس خ د) . ۷ - ب العلمین ، و در سطر بعد :

العمشلین . و ضبط از الف .

محمد بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن إسحاق نسل دارد ، از ایشان : جعفر بن محمد بن عیسی بن علی بن محمد العمشلیق . و عبدالله الأصغر بن جعفر بن الأشرف نسل دارد . و علی بن جعفر که او را « مرجّا » میخوانند و در مصر میباشند . و محمد بن جعفر ، او را بقیّه در سمرقند بودند .

و از بنی حمزة بن إسحاق الأشرف : محمد الصدري^۱ [بن حمزه ، نسل او بسیارند از ایشان : ابوالحسن اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن داود الصدري] او را « لطیم » میخوانند ، و نسل دارد . و از بنی الصدري : الحسين بن يحيى بن إسحاق بن داود بن الصدري در مصر بود و نسل دارد . و الحسن بن محمد بن جعفر بن محمد بن الحسن بن الصدري در دمشق بود و نسل دارد . و أبو محمد الحسن بن حمزة بن أحمد بن محمد الشاعر بن القاسم بن الحسن الصدري ، او را بقیّه در فارس بود . و أبو عبدالله محمد الحملات^۲ بن أبي جعفر عبدالله الحصب بن الحسن المسن بن زيد بن الحسن بن محمد الصدري در بغداد بود . و بنو حملات در حله میگویند که ما از نسل اویم ، و گفتند که : نسب ایشان موضوع است . والله اعلم .

و از نسل محمد العنطواني بن إسحاق الأشرف : [الحقاني^۳ ، و نامش الحسين بن علی بن محمد بن العنطواني است ، و نسل دارد .

و از نسل الحسن بن الأشرف] : محمد بن الحسين بن الحسن بن الأشرف او را « زقاق » میخوانند و نسل دارد . و إبراهيم بن الحسن بن الأشرف نسل دارد و در سمرقند بودند .

ب - و نسل محمد الرئيس بن علی بن عبدالله الجواد از چهار پسراند : إبراهيم الأعرابی ، و عدد و خاندان در نسل اوست ، و أبو الکرام عبدالله ، و عیسی ، و يحيى . و نسل يحيى از إبراهيم و جعفر و العباس است .

و نسل عیسی بن محمد الرئيس از محمد المطبقي بسیارند و در عراق میباشند

۱ - منسوب به موضعی نزدیک مدینه . ۲ - عمدة الطالب ص ۵۶ :

الجمالان . ۳ - عمدة الطالب : الحقاني (الحقاني خ) .

از ایشان بنوطوری^۱ و در بغداد وحله و حایر میباشند. و از ایشان : محمد بن العباس بن محمد المطلبی مذکور نسل دارد ، از ایشان : قتاده^۲ و نام او علی بن الحسن بن أحمد بن الحسن بن محمد بن جعفر المستجاب الدعوة بن ابراهیم بن محمد المطلبی نسل دارد .

و نسل ابوالکرام^۳ عبدالله بن محمد رئیس از سه پسراند : داود و ابراهیم و محمد که او را « احمر عینه »^۴ میخوانند . و اوسر محمد النفس الزکیه را برداشت از مدینه و پیش ابوجعفر دوانیقی آورد . و از نسل علی بن داود بن ابی الکرام : ابوعبدالله الحسین بن علی مذکور در قزوین و اهواز^۵ میباشند . و نسل محمد بن داود بن ابی الکرام در حجاز است .

و نسل ابراهیم الأعرابی بن محمد رئیس از ده پسراند : جعفر السید ، و یحیی ، و هاشم ، و محمد ، و عبدالرحمن ، و صالح ، و علی ، و القاسم ، و عبدالله ، و عبیدالله .

(۱) و نسل جعفر السید از سیزده پسر ، اما شاید که بعضی از ایشان منقرض شده باشند : محمد العالم ، و یعقوب ، و ابراهیم ، و یوسف ، و عیسی الخُلصی^۶ ، و اسماعیل ، و موسی ، و عبدالله العرش^۷ ، و داود ، و سلیمان ، و احمد ، و الحسین ، و هارون .

۱ - و از نسل محمد بن جعفر السید (و ایشان را بنی [محمد] میخوانند) : ابراهیم بن محمد بن جعفر ، و پسرش یحیی بن ابراهیم که او را عقیقی میخوانند و نسل او در اُسوان و دمشق و مغرب میباشند . و داود بن محمد بن جعفر السید نسل دارد و پسرش رامحمد بن داود بن اصغون^۸ میخوانند و نسل دارد . و محمد عَجْرَه^۹ بن یعقوب بن ابراهیم بن عبدالله بن داود نسل دارد . و موسی حجّاف بن احمد بن

۱ - کذا فی « ب » و عمدة الطالب . و در نسخه الف : طوزی . ه - ب :

فنازه . ۳ - ب : ابوالکریم . ۴ - الف - اصلاح بعدی - : عینه .

ه - ب : اهداء . ۶ - ضبط از الف . عمدة الطالب : الغلیصی . ۷ - عمدة

الطالب : العرش . ۸ - عمدة الطالب : الصغنون . ۹ - عمدة الطالب : عجزه .



عیسی بن عبدالله بن داود نسل دارد . و موسی هزاج^۱ بن محمد بن جعفر السید نسل دارد . و عیسی بن محمد بن جعفر السید نسل دارد . و إدريس الأمير بن محمد بن جعفر السید نسل دارد . و صالح بن محمد بن جعفر السید نسل دارد و نسل ایشان همه در بادیه حجاز است .

۲ - و از نسل یعقوب بن جعفر السید صاحب الجار^۲ و امیرها : القاسم بن یعقوب و نسل او را قواسم میخوانند و بسیارند ، از ایشان : خلیفه بن علی بن إسحاق بن علی بن القاسم بن یعقوب نسل بسیار دارد و بعضی از ایشان در مصر میباشند .

۳ - و نسل محمد بن یوسف بن جعفر السید در حجاز و غیره میباشند ، از ایشان : ابو عبدالله محمد بن محمد بن یوسف صاحب المروه ، و ابو عبدالله محمد بن جعفر بن یوسف صاحب خیبر^۳ ، و إسحاق بن محمد بن یوسف امیر المدینه بود ، و میان او و بنی علی بن ابی طالب علیه السلام فتنه عظیم شد و او را بقیه در وادی القری میباشند . و از ایشان : الأمير عبدالله بن إدريس بن اسحاق بن أحمد بن سلیمان بن محمد بن یوسف است ، و شیخ أبو الحسن عمّری گفت که [نسل] او امرآء وادی القری اند تا امروز . و برادرانش سلیمان و اسماعیل بقیه دارند ، و از ایشان : مفرج^۴ بن إسحاق بن أحمد بن سلیمان بن محمد بن یوسف نسل دارد و در حجاز اند ، و برادرانش : الحسن و علی الأعرج امیر خیبر و احمد امیر خیبر نسل دارند .

۴ - و عیسی الخلیصی بن جعفر السید نسل بسیار دارد ، از ایشان : عبدالله الطویل بن محمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالله بن الخلیصی ، شیخ ابو الحسن العمّری گفت که « او را بقیه در موصل اند » .

۵ - و نسل اسماعیل بن جعفر السید از چهار پسراند : محمد العالم المحدث [و نسل او] از هفت پسراند : علی^۵ ، و موسی ، و عبدالله ، و احمد المذنبی ، و عبدالعزیز و یحیی ، و عبیدالله . لإبراهیم^۶ بن اسماعیل نیز نسل دارد . از ایشان : داود بن موسی

۱ - عمدة الطالب : هراج . ۲ - موضعی در ساحل دریای احمر محاذی مدینه .

۳ - ب : جبیر . ۴ - ب و عمدة الطالب : مفرج . ۵ - عمدة الطالب :

إبراهیم المقتول . و دو فرزند دیگر اسماعیل : علی الشمرانی و احمد الملیح . عمده

بن ابراهیم نسل دارد ، و جعفر بن موسی نسل دارد ، از ایشان بنو شکر در صعید مصر میباشند و ایشان نسل شکر بن ^۱ عبدالله بن محمد بن جعفر مذکورند . و از ایشان : ابو جمیل حسان بن جعفر مذکور نسل دارد ، از ایشان بنو تغلب در مصر میباشند و ایشان نسل تغلب بن یعقوب بن سلیمان بن یعقوب بن ابی جمیل مذکورند .

۶ - و نسل عبدالله العرش بن جعفر السید بسیارند .

۲) و در نسل یحیی بن ابراهیم الأعرابی خلاف است .

۳) و نسل عبدالرحمن بن الأعرابی منقرض شد .

۴) و نسل عبیدالله بن ابراهیم الأعرابی ^۲ از ابراهیم و علی ^۳ . از نسل ابراهیم : عبیدالله ^۲ بن محمد بن علی بن ابراهیم مذکور نسل دارد ، و در دمشق میباشند . و نسل علی بن عبیدالله فی « صح » ^۴

و بنو الطیار در باده بسیارند شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن مُعِیَّة الحسنی النسابة رحمه الله فرمود که : در ایام الأمير سلیمان بن مهنّا بن عیسی الطائی در حله یکی از بنی الطیار همراه او بود بامن حکایت کرد که ما از بنی جعفر الطیار قریب چهار هزار سوار میباشیم با آل مهنّا در باده ، اما نسب خود نمیداریم و زنان از طیّء میخواهیم و زن بایشان نمیدهیم ، و اعتماد ما بر آنکه از نسل جعفر الطیاریم و همدیگر را می شناسیم .

مطلب سیوم

• (در نسل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام) •

و او را سی و شش فرزند بود هجده پسر و هجده دختر ، اما عقب او از پنج پسر بیش نیست : حسن و حسین ، و مادر هر دو فاطمة الزهراء علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است . و محمد که او را ابن الحنفیه میخوانند ، و مادر او خوله

۱ - معروف به ابن سعدی . عمده ص ۴۹ . ۲ - نسخه ها مغشوش است ،

از عمده اصلاح شد . ۳ - الف - اصلاح بعدی - : ابراهیم بن عبیدالله .

۴ - توضیح « صح » در صفحه ۱۰۷ خواهد آمد .

بنت جعفر است، از بنی حنفیه بن لُجَیم بن صَعْب بن علی بن بکر بن وائل . وعبّاس سقّا شهید طفّ، و مادرش اُمّ البنین بنت حزام از بنی کِیلاب است . و عمّرا لاطرف و مادرش الصّهباء اُمّ حبیب بنت عبّاد از بنی تغلب است . پس انساب نسل ایشان در پنج معلّم مینویسیم .

معلّم اول

در نسل ابی محمد الحسن بن علی و او را دوازده پسر بود و شش دختر، اما چهار پسر بیش نسل نداشتند : عمرو، والحسن الاثرم، و هردو زود منقرض شدند . و نسل او امروز از دو پسرند : زید، والحسن المثنی . و نسل زید یک سبط اند، و نسل الحسن پنج سبط ؛ پس این معلّم بر شش سبط می نهیم .

سبط اول

(نسل زید بن الحسن)

از الامیر الحسن بن زید حاکم مکه و مدینه از قبیل منصور دوانقی، و او طرف منصور بر پسران عمّ خود فرزندان حسن مثنی گرفته بود^۲. زید را دختری نیز بود، و نام او نفیسه، و بولید بن عبدالملک داده بود، و در مصر مدفون است، و اهل مصر او را « الست نفیسه » میخوانند و مزار معتبر دارد . و این روایت از شیخ أبونصر بخاری نسّابه^۳ محقق است . و بعضی میگویند که « الست نفیسه » دختر الحسن بن زید است و زن اسحاق بن جعفر الصادق علیه السلام بود .

و عقب ابی محمد الحسن بن زید از هفت پسرند : قاسم، و اسماعیل، و علی الشدید^۴، و اسحاق، و ابراهیم، و زید، و عبدالله .

(و عقب ابی محمد القاسم بن الحسن بن زید از دو پسراند : محمد البطحانی^۵)

۱ - بکر بلا حاضر نشد و با عبدالله زبیر بیعت نمود . ۲ - و او اولین

نفری از علویان است که بشیوه عباسیان لباس سیاه پوشید . و منصور دوانیقی باو پیغام داد که خانه امام صادق (ع) را آتش بزند و او در خانه را آتش زد ، امام صادق (ع) قدم در آتش نهاد و فرمود : انا ابن اعراب الثری انا ابن ابراهیم الخلیل . مناقب ابن شهر آشوب . ۳ - عمدة الطالب : السدید . ۴ - در عمدة الطالب ص ۷۲ گفته :

يفتح باء ، منسوب به بطحاء ، و یا بضم آن منسوب به «بطحان» وادی در مدینه .

و عبدالرحمن الشّجری^۱ .

الف - وعقب محمد البطحانی از هفت پسر: القاسم الرئیس ، و ابراهیم ، و موسی ، و عیسی ، و هارون ، و علی ، و عبدالرحمن . و شیخ الشرف العبیدلی فرمود: که کوفیان عقب عبدالرحمن را یاد نکردند و اکنون نسل ندارد .

(۱) وعلی بن البطحانی را پنج پسر است : قاسم ، و أبو الغنائم عمّری میگوید که نسل ندارد^۲ و بعضی گفتند که نسل دارد در طبرستان^۳ .

(۲) و هارون بن البطحانی را پنج پسر است : محمد و علی و حسن و حسین و قاسم . از نسل حسین بن محمد بن هارون : ابو عیسی علی بن الحسین بن محمد بن هارون نسل داشت در کوفه است . و هارون الأقطع پسر حسین بن محمد را نسلی در ری میباشند . از ایشان : السید المؤید ابو الحسین احمد^۴ و برادرش الناطق بالحق ابو طالب یحیی ، و هردو را « ابنا الهارونی » میخوانند و بزرگ بودند و دانشمند ، و هردو را نسل است در ری و غیره .

(۳) و نسل عیسی بن محمد بطحانی در روایت بصریان از چهار پسر است : حمزة الأصغر ، و أبو تراب علی النقیب ، و أبو عبد الله الحسین ، و أبو تراب محمد . حمزه را فرزندی بود در ری و طبرستان ، و نسل ابو تراب علی از پسرش داود است [و داود را چهار پسر است : حمزه و او در خُجَند^۵ بود و محمد و احمد و أبو عبد الله الحسین المحدث] نسل او در نیشابورند ، و نسل اَبی عبد الله الحسین بن عیسی بن محمد بطحانی از دو پسرند : محمد ششدیو و علی ، أبو نصر بخاری غمزی در بنی ششدیو یاد کرد

۱ - قاسم بن حسن را فرزند دیگری بنام « حمزه » نیز بوده و در بلاد مغرب نسل

داشته است . عمده . ۲ - ولی در عمده گفته : قال ابو الغنائم العمری : اولد

بالکوفة . ۳ - چهار فرزند دیگر « علی » را در این کتاب نام نبرده ولی در عمده

الطالب ص ۷۳ گفته است : و الحسن الاطروش ، و علی اولد بجران ، و محمد اولد بطبرستان

و الحسین اعقب . قال ابن طباطبا : ولده علی بن الجندی کوفی ، له ذکور و اناث ، منهم

بدمشق و منهم بأذربایجان . ۴ - از بزرگان زیدیه بود و در زمان صاحب بن

عباد خروج کرد . ۵ - شهری در ماوراءالنهر .

والله اعلم . وايشان اکنون بسيارند در ری و طبرستان و غير آن . و أبو تراب محمد را فرزندان بود .

(۴) و موسى بن البطحاني را ده فرزند بود و بعضی از ايشان نسل داشتند .

(۵) و ابراهيم ^۱ بن محمد بطحاني را « شجری » ميخوانند [و بزرگ و سردار بود در مدینه] ، و از نسل اوست : جعفر بن محمد الكوفي بن ابراهيم مذكور [و او را نسل است : علي] و زيد ابنا حمزه ^۲ بن زيد بن محمد الكبير بن جعفر بن محمد الكوفي بن ابراهيم مذكور است . از نسل او : ابو الحسن ناصر بن مهدي بن حمزه بن محمد بن حمزه بن مهدي بن ناصر بن زيد مذكور ، وزير الخليفه الناصر العباسي بود و نقيب النقباء ^۳ نیز و نسل او نیز منقرض شد .

(۶) و نسل القاسم بن محمد البطحاني از پنج پسرند : عبدالرحمن ، و حسن البصري و محمد ، و احمد ، و حمزه . از نسل عبدالرحمن بن القاسم محمد درازگيسو بن حمزه بن محمد البرسي بن عبدالرحمن مذكور نسل بسيار دارد ، و بيشتر ايشان در آمل ميباشند . و از نسل عبدالرحمن نیز : مرجان بن احمد بن [محمد بن] علي العالم بن الحسن ^۴ بن محمد بن علي بن الحسين بن عبدالرحمن مذكور ، از نسل او بنو فضائل و بنو ثقيفه اند و در مشهد علي عليه السلام ميباشند . و از نسل عبدالرحمن نیز : مفضل بن احمد بن علي العالم مذكور ، از نسل او بنو الحداد در مشهد موسى الكاظم عليه السلام ميباشند . و از نسل عبدالرحمن نیز علي بن عبدالرحمن نسل دارد . از ايشان : الداعي الجليل ابو محمد الحسن بن القاسم بن علي مذكور در طبرستان قيام نمود ، و دعوی امامت كرد^۵ ، و پسرش ابو عبدالله محمد در ايام معز الدوله بن بويه در بغداد نقيب النقباء بود ، و از آنجا بگریخت و بطبرستان رفت . و دعوی امامت كرد . و شيخ ابو نصر

۱ - در حاشیه « ب » : امام زاده محله سنبلان . ۲ - از دو نسخه تلفیق

شد . ۳ - بعد از قتل عزالدین یحیی ازری بغداد رفت و بترتیب نقيب طالبیان

و نائب وزیر و سپس وزیر ناصرالدین الله شد و بسیار مهیب و سختگیر بود . عمده -

الطالب . ۴ - الف : الحسين . ۵ - داعی صغیر در سال ۳۱۶ وفات

یافت .

بخاری میگوید که این داعی شجرى^۱ است ، و همچنان ناصر الحق الاطروش . میگوید : و میگویند که او ابو محمد الحسن بن القاسم بن الحسن بن علی بن عبد الرحمن الشجرى بن القاسم بن الحسن بن زید است ، والله اعلم .

و از نسل حسن البصرى بن القاسم محمد بن حسن جمعى در همدان و رودبار میباشند . طاهر بن علی بن محمد بن حسن البصرى نسل بسیار دارد و نقابت و ریاست همدان دارند ، و بعضی در اصفهان بودند . و از نسل الحسن البصرى نیز الحسين بن الحسن مذکور که او را أخو المسمعى میخوانند ، او را فرزندان بسیار است ، از ایشان : الأمير ابو الفضل الحسين بن علی بن الحسين الرئيس بن علی بن الحسين اخى المسمعى نسل بسیار دارد از نه پسر ، از ایشان : شرفشاه بن عباد بن أبى الفتوح محمد بن أبى الفضل الحسين مذکور که او را گُلستانه میخوانند ، و نسل او در اصفهان اند و بزرگى دارند . و از نسل الأمير ابى الفضل : السيد الجلیل مجدالدین مجتبى بن [ابى المفاجر بن عربشاه بن محمد بن مجتبى] بن مانکدیم بن محمد بن الحسين بن محمد بن الأمير أبى الفضل مذکور . و خویشان او در همدان میباشند .

و از نسل محمد بن القاسم بن محمد البطحانی : محمد بن محمد بن علی بن الحسن بن القاسم بن محمد بن حسین بن احمد بن حسین بن محمد المذكور در استرآباد بود و فرزندان دارد .

ب - و عقب عبد الرحمن الشجرى بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن أبى طالب علیه السلام از پنج پسرند : الحسن ، و او را عقبى بود در ماوراءالنهر . و ابو عبدالله الحسين عقب اندك داشته است . و محمد الشریف ، و علی ، و جعفر .
(۱) از فرزندان محمد الشریف : الحسن شعر أنف [بن محمد الشریف^۲]
و نسل او در صعيد مصر و هند و نوبه و خراسان و مصر و مولتان^۳ و عراق میباشند .

۱ - یعنی از نسل عبد الرحمن الشجرى است . ۲ - مخصوص ب . و مؤلف در این کتاب نسل محمد الشریف را باجمال یاد کرده است ولی در عمدة الطالب بتفصیل سخن رانده . و الحسن شعر أنف فرزند عبیدالله بن محمد الشریف است .
۳ - بوزن « سلطان » ناحیه ای نزدیک غزنه بوده است .

واز ایشان بنو ابی الغیث محمد بن یحیی بن الحسن شعر أنف، بیشتر عقب او در ری و طبرستان است.

و الحسین بن شعر أنف^۱ نسل بسیار دارد، از ایشان: ابونفشه^۲ سعد الله بن مفضل بن محسن المناخلی بن زید بن محمد [المزرزر] بن زید کشککه بن یحیی بن الحسین مذکور نسل دارد. و برادر ابی نفشه الحسین المناخلی بن مفضل نسل دارد از ایشان بنوشکر در مشهد علی علیه السلام میباشند و [پسر پسر او را وُد میگویند، و اسم او ملّد بن محمد بن سعد الله مذکور و (نسل] او را) بنو الود میخوانند.

و نسل عبدالرحمن بن محمد الشریف اندک اند.

و از نسل عبید الله بن محمد الشریف ابوالحسن محمد الرازی الملقب به شهذائق بن حمزه بن احمد بن عبید الله مذکور نسل دارد در قزوین و ری.

(۲) و از نسل علی بن عبدالرحمن الشجری: ابراهیم العطّار بن علی نسل دارد در طبرستان. و حسن بن علی بن الشجری را نسل است در کوفه و ری و غیر آن. و نسل زید بن علی بن الشجری بسیارند.

(۳) و از نسل جعفر بن عبدالرحمن الشجری: بنو کُرکُوره [و او احمد بن محمد بن جعفر مذکور است] بیشتر ایشان در ری [و نواحی آنجا] میباشند.

و نسل اسماعیل بن الحسن بن زید^۳ و او را جالب الحجاره میخوانند (بعضی بجیم و بعضی بحاء مهمله گفتند) از محمد و علی النازوکی.

از عقب علی نازوکی بنو طیر خوا، و او ابوالعبّاس الحسن بن علی بن احمد بن علی النازوکی. و از نسل نازوکی نیز محمد بن علی نازوکی مذکور است، از نسل او: علی بن الحسین امیر کالمقی که او را شکبیه^۴ میخوانند. پسر علی بن محمد مذکور، نسل او در شام [و دمشق] و طرابلس است.

۱ - کذا فی النسختین، ولی بنابر آنچه در عمده گفته این حسین فرزند بلا فصل محمد

الشریف وعموی الحسن شعرانف است. ۲ - عمدة الطالب «ابونفشه» و در موضعی

از نسخه ب «ابونفشه». ۳ - در حاشیه نسخه ب: امام زاده اسماعیل المشهور.

۴ - عمدة الطالب: شکبه.

و نسل محمد بن اسماعیل بفرزندان الداعی الکبیر محمد بن زید بن محمد مذکور منتهی میشود . و این محمد الداعی و برادر او الحسن تملک طبرستان کردند ؛ او " لا " حسن الداعی الکبیر ، و بعد از او محمد ، تا محمد بن هارون السرخسی نایب اسماعیل بن احمد سامانی او را بکشت برادر جرجان ، و سر او و پسرش زید را ^۲ بیخارا برد .

• (و نسل علی الشدید بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از عبدالله بن علی است ، و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و الحسن . از نسل احمد : عبدالله در دار پسر احمد ، و نسل او در أبهر و غیر آن اند و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز ، و نسل الحسن بن عبدالله فی « صح » . و این لفظ چنانچه نصّ شیخ الشرف العبدلی و ابن طباطبا و ابوالحسن العمری و غیرهم است عبارت از آنکه دعوی نسب که ممکن الصحّه باشد کردند و گواه بر آن نگذارانیدند . و بعضی از متأخران نسبتاً بان که نمیدانند گفتند که « عبارت از عدم امکان صحّت است » و نصّ مشایخ مکذّب ایشان است .

• (و نسل اسحاق الکوکی بن الحسن [بن زید بن الحسن] ^۳ از جعفر بن هارون بن اسحاق است .

• (و نسل ابوزید عبدالله بن الحسن بن زید فی « صح » .

• (و نسل زید بن الحسن بن زید از ظاهر بن زید است و در ایشان بحث است .

• (و نسل ابراهیم بن الحسن بن زید مضطرب است ، و بعضی از ایشان فی « صح » والله اعلم .

۱- حسن بن زید داعی کبیر از طرف مادر به امام زین العابدین میرسد و در سال ۲۵۰ در طبرستان خروج کرد و تا سنه ۲۷۰ بزیست و بدون عقب و قات یافت . بعد از او شوهر خواهرش ابوالحسن احمد بن محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن شجری به جای او نشست ولی برادرش محمد بن زید که در جرجان بود بر ابوالحسن بتاخت و او را بقتل رسانید و خود بجای برادر نشست و هفده سال حکومت کرد و حتی در نیشابور باسم او خطبه خواندند تا اینکه محمد بن هارون سرخسی او را بکشت . ۲- ب : و سر او را پسرش زید .

۳- مخصوص نسخه ب .

سبط دوم

(نسل عبدالله المحض^۱ بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام)

و شبیه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود ، و شیخ بنی هاشم در زمان خود بود [و همچنان پدرش و جدش بودند]^۲ و منصور دوانقی در زندان او را بکشت . و مادرش فاطمه بنت الحسین بن علی است [و نسل او] از شش پسراند : محمد النفس الزکیه ، و ابراهیم قتیل باخمیری ، و موسی الجون^۳ ، و یحیی صاحب الدیلم ، و سلیمان ، و إدريس .

(۱) محمد النفس الزکیه را « مهدی » می گفتند ، و بنو هاشم در آخر دولت بنی امیه بیعت با او کردند ، و در ایام منصور لشکر او [محمد] را بکشتند در مدینه . و نسل او از عبدالله الاشر الکابلی^۴ بن محمد تنها است . و نسل او از محمد بن عبدالله است . و نسل محمد بن عبدالله از حسن اُغور [جواد] و نسل او از چهار نفراند : ابو جعفر محمد نقیب کوفه ، و ابو عبدالله حسین نقیب کوفه ، و ابو محمد عبدالله ، و قاسم . و از نسل ابی عبدالله الحسین جمعی در کوفه بودند و ایشانرا بنو الاشر می گفتند و منقرض شدند . و نسل عبدالله بن الحسن در خراسان و آمل و استرآباد می باشند ، اما بسیار ادعیاء در ایشان پیدا شدند . و فی الجمله نسل النفس الزکیه اندک اند .

(۲) و نسل ابراهیم قتیل باخمیری^۵ پسر عبدالله المحض بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از حسن تنها است . و نسل حسن از عبدالله بن الحسن

۱ - در حاشیه نسخه الف نوشته است : « عبدالله محض را از این سبب محض میگویند که پدر او حسن مثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است ، و مادر او فاطمه بنت حسین بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام ، پس گویا عبدالله محض چون جامع حسن شرف نسبین شریفین از جانب حسن و حسین علیهما السلام و الصلاة است محض این عطیه شریفه و هدیه منیفه جامع بین الطرفين خواهد بود . ۲ - در نسخه الف این قسمت خط زده شده است . ۳ - بعد از کشته شدن نفس زکیه بیلاذ سند فرار کرد و در کابل در کوه علج کشته شد . ۴ - باخمیری موضعی نزدیک کوفه بوده است .

تنها . و نسل عبدالله از دو نفرند : محمد الأعرابی و ابراهیم الأزرق . نسل محمد الأعرابی اندک‌اند ، و نسل ابراهیم بیشترند از نسل برادرش محمد ، و بقیّه ایشان در ینبُع و عراق و خراسان و ماوراء النهرند .

(۳) و نسل موسی الجَوْن بن عبدالله المتحصن بن الحسن بن الحسن بسیارند ، و از دو نفرند : عبدالله الشیخ الصالح و ابراهیم .

الف - و نسل ابراهیم از یوسف الأخضر تنها است . و نسل یوسف از سه پسرند : محمد الأمير حاکم یمامه ، و ابراهیم ، و احمد . و او را پسری دیگر بود اسماعیل نام در حجاز خروج کرد^۱ و خرابی بسیار نمود و فجأةً بمرد و برادرش محمد بعد از او قایم مقام او شد و خرابی و غارت و قتل همچو او کرد ، و معتزّ عباسی لشکری فرستاد بمکّه ، پس محمد بگریخت و بیمامه رفت ، و آن دیار را بدست خود آورد ، و بعد از او بدست فرزنداناش بماند [و فرزندان او را أخضریتون و بنو یوسف میگویند] .

و از نسل او الأمير یوسف بن محمد است ، و نسل او از سه پسرند : محمد که او را زُغیب میخوانند ، و الحسن ، و اسماعیل [که او و برادران او در دست قرامطه کشته شدند] .

و صالح [بن یوسف عقب داشت اما بعد از آن منقرض شدند] .

و نسل یوسف از محمد زُغیب بسیار است .

و نسل حسن از احمد امیر یمامه و عبدالله « فروخا » و از فرزندان احمد بن الحسن : امیر أبوالامراء أبوالمقلّد جعفر الملقب « عبریه » بن احمد المذکور است و او را عقب بسیار است . و از فرزندان عبدالله فروخ : عقبار^۲ بن الحسن بن ابراهیم بن فروخ است ، و نقل کرده است شیخ ما عَمَری از آشنائی که در حسن بن ابراهیم غمز است] .

و اما اسماعیل قتیل قرامطه ، شیخ ما ابوالحسن عمری میگوید که وجوه و

۱ - در ایام مستعین بالله و غلبه کرد بر مکّه و متعرض حاجیان شد بتهب و قتل

ایشان . حاشیه الف . ۲ - عمدة الطالب : عیثار .

روشناس اخضر یون امروز از ولد اسماعیل است و نسل او از دو پسر است : صالح
امیر الیمامه و ابوجعفر ملقب به حمیدان که او نیز امیر یمامه بود و او را عقب
بسیار است] .

از ایشان : بنو حمیدان بن زید است . و از ایشان : بنو دُکین ابوالفضل بن
حمیدان است و بنو الألف أبو العسکر بن حمیدان . و از ایشان : الحسن بن حمیدان ،
نسل او از پسرش معبد ، و ذوالفقار العالم الفقیه المتکلم الضریر [المکتی بآبی
صمصام] در قول آنکه نسب او را صحیح داند ، پسر محمد بن معبد مذکور است .
و از ایشان نیز محمد بن حمیدان او را بقیه در عراق عرب میباشند .

و شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن معیة الحسنی النسابة رحمه الله فرمود که
ابراهیم بن شعیب یوسفی با او گفت که : بنی یوسف اخضر نزدیک یک هزار سوارند
در بلاد یمامه ، و ضبط اُنساب خود نمیکنند ، اما شرف خود نگاه میدارند و کسی
دیگر داخل خود نمیکنند .

ب - و نسل عبدالله الشیخ الصالح بن الجَوْن از پنج نفرند : موسی الثانی ،
وسلیمان ، و احمد المسور ، و یحیی السویقی ، و صالح .

نسل صالح از پسرش محمد [الشهید] ^۱ الشاعر ، و محمد خروج کرد در
ایام متوکل و غارت حاجیان کرد ، پس او را بگرفتند و در زندان کردند ، و باز
بگذاشتند بواسطه شعری از آن او که بعض مغنیان پیش متوکل خواندند و در سامراء
بماند تا وفات یافت [و شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن معیة الحسنی گفت که قبر او
در بغداد است و مشهور است به محمد فضل] .

و نسل او از پسرش عبدالله است . و نسل عبدالله از پسرش حسن شهید [قتیل
جُهینه] . و نسل حسن از سه نفرند : أبو الضحاک عبدالله ^۲ و احمد ، و سلیمان . و نسل ابی
الضحاک را آل حسن میخوانند چه ایشان نسل حسن بن زید بن أبی الضحاک اند و از
ایشان است نیز آل هُدَیم نسل هُدَیم بن مسلم بن زید بن أبی الضحاک .

و نسل یحیی السّویقی بن عبدالله بن موسی الجوّن از دو نفرند : أبوحنظله ابراهیم ، و أبو داود محمد .

و نسل أبوحنظله از سلیمان و حسن است ، و بیشتر ایشان در حجاز میباشند .
و نسل ابی داود محمد از هشت پسرند : یوسف الخیل ، و یحیی الکلع ، و ابوالحمد داود ، و أبوجعفر احمد ، و ابومحمد عبدالله ، و ابوالحسن علی الشاعر ، و العباس و القاسم . و نسل القاسم از دو پسرش : ابی جعفر أحمد و ابی عبدالله محمد است . و از بنی عباس بن محمد : یحیی الشجاع الأسود [الطویل] بن العباس نسل دارد . و از نسل علی الشاعر بن محمد : ابوطالب محمد و حسین و احمد ، ایشان را عقب است . و از بنی عبدالله بن محمد ملقب به علق^۱ : ابی الحسن [عبدالله الکوسج بن یحیی بن الحسن النّسابة بن عبدالله بزرگ بود . و از نسل ابی الحمد داود بن محمد : علی کُرّز ، و کثیر ، و داود ، فرزندان سلیمان بن ابی الحمدند ، نسل دارند ، و ایشان را آل ابی الحمد میخوانند . و از ایشان^۲ است : حسن بن محمد بن داود سلیمان بن ابی الحمد که در یثع^۳ اند . و یحیی الکلع را دو پسر بود : میمون و شنظم^۴ . و از نسل یوسف الخیل بن محمد : احمد و عبدالله و یوسف المکنی بابی السّفاح است . و نسل احمد بن یوسف که فرزندان او را آل فدّکی میگویند نسل أحمد الفدکی بن احمد بن یوسف الخیل مذکور . و آل المعوج^۵ نسل محمد المعوج بن احمد یوسف الخیل . و آل داود نسل داود بن یوسف بن احمد بن یوسف الخیل ، و در حجاز و یمن میباشند .

و نسل احمد المسوّر (و او را مسوّر میگویند که در جنگ سوار در دست مینهاد تا او را بشناسند) از سه نفراند : محمد الأصغر ، و صالح ، و داود .
و نسل محمد الأصغر از سه نفرند : علی الغمقی^۶ ، و جعفر الکشیش ، و یحیی السراج . و نسل علی الغمقی از دو پسرند : الحسن و محمد . نسل الحسن از پسرش :

۱ - عمده : غلق . ۲ - از دو نسخه تلفیق شد . ۳ - عمده : سبظم .

۴ - عمده : المعوج . ۵ - الف : العمقی ، و در عمده گفته است : منسوب الی الغمقی

منزل بالبادية ، کان ینزله .

اسحاق المطرفی^۱ است و ایشانرا آل المطرفی میخوانند . و نسل محمد بن علی الغمقی بسیارند از ایشان : آل عرقه و آل جمّاز بن ادریس و آل سلمه و السید فضل بن الطقی^۲ الشاعر . و نسل جعفر الکشیش را آل الکشیش میخوانند و بیشتر ایشان در ینبُع و حوالی آنجا است .

و نسل یحیی السراج را آل السراج میخوانند .

و نسل صالح بن المسور از پسرش موسی است . و از موسی چهار نفرند : احمد ، و میمون ، و صالح ، و نافع .

و نسل داود بن المسور از شش نفرند : الحسین و علی الأزرق ، و ادریس الأمير ، و ابوالکرام عبدالله . و جعفر ، و الحسن الأصغر المتّرف .

از نسل علی الأزرق : الحسن بن علی^۳ نسل او را آل الفنید میخوانند .

و از فرزندان ادریس الأمير : الحسن النّتیج^۴ و الحسین النّسابه نسل دارند . و داود بن ادریس نسل او از ده پسرند .

و از نسل عبدالله بن ادریس : الحسن و الحسین و سالم و رشید و راشد فرزندان حمزه بن عبدالله مذکور ، ایشانرا آل حمزه میخوانند . و القاسم بن ادریس نسل دارد .

و نسل ابی الکرام بن داود را کرامیان میخوانند .

و از فرزندان جعفر بن داود : احمد الشاعر و برادرش الأمير قاسم . نسل الأمير قاسم از هشت پسرند ، و از نسل او کُتیم^۵ بن مالک بن القاسم نسلش از شانزده پسر است .

و نسل الحسن المتّرف را متارفه گویند و نسل او از دو پسر است : علی المتّرف و احمد المتّرف . و از نسل احمد المتّرف المفاضله نسل مفضل بن احمد مذکور است . و از نسل علی المتّرف الحرشان و ایشان از نسل الحسن بن علی المتّرف اند ، از ایشان : سوّار بن محمد بن عبدالله بن الحسن مذکور نسل دارد و در حله میباشند از ایشان آل مسلم بن الحسن مفلح بن سوّار . و از نسل احمد بن علی المتّرف اللیل

۱ - عمده : فضل بن المطرفی . ۲ - عمده : البیتح . ۳ - عمده : کشیم .

نسل أبی اللّیل عبدالله بن احمد مذکور است از ایشان : عطیّه و عطوه پسران سلیمان بن محمد بن یحیی بن ابی اللّیل نسل دارند و در حله میباشند .

و نسل سلیمان بن عبدالله بن موسی الجوّن در میخلاف^۱ یمن و حوالی مکه میباشند . و ایشان از یک پسر او داود ، و نسل او از پنج پسرند : ابوالفاتک عبدالله ، و الحسین المحترق ، و الحسین الشاعر ، و علی ، و محمد المصفح . و نسل المصفح را مصفحیان میخوانند . و نسل علی بن داود در بادیه حوالی مکه است . و از نسل الحسین الشاعر بن داود : میمون ، و یحیی ، و ابوالهندی عبدالله الشاعر ، و حسن زنجی پسران الحسین و همه را نسل است . و نسل الحسین المحترق در بادیه حوالی مکه اند . و نسل أبی الفاتک عبدالله را فاتکیان میخوانند و ایشان از هشت پسرند : اسحاق ، و محمد ، و احمد ، و صالح ، و جعفر ، و القاسم النسّابه ، و داود ، و عبدالرحمن . و نسل ایشان در میخلاف یمن^۲ بسیار است و در آنجا تملکی دارند .

۱ - و اسحاق بن أبی الفاتک در عصر خود فارس بنی حسن بود . و از فرزندان او : محمد ، و علی ، و ادریس ، و قاسم نسل دارند .

۲ - و نسل محمد بن أبی الفاتک بسیار است ، و از فرزندان او : احمد ، و عبدالله ، و اسحاق ، و عبدالرحمن . و الحسن ، و عامر ، و المطاع . از نسل عبدالرحمن : أبو الوفا أحمد بن عبدالرحمن نسل او را بنو الحجازی میخوانند و در بغداد و طرابلس و غیر آن بودند .

۳ - و ابو جعفر أحمد بن أبی الفاتک نسل بسیار دارد ، از ایشان : علی بن احمد ، او را چند پسر بودند ، از ایشان : الحسن الأكبر ، و الحسین ، و عیسی . از فرزندان الحسن الأكبر : مسلم بن الحسن در خراسان بود و او را نسلی در آنجا بودند . و حسین بن

۱ - الف - تصحیح بعدی « محلات » و مخلاف آبادی و قریه را گویند .

۲ - نسخه ب : « مخلاف این طرف عالم » و نسخه الف هم پیش از اصلاح چنین بوده . ولی در عمده مخلاف یمن است .

علی را «زاهی»^۱ میخوانند و نسل او را آل الزّاهی میگویند .

۴ - و از فرزندان جعفر بن ابی الفاتک : هضام نسل او را آل هضام میخوانند .

۵ - و از فرزندان القاسم النسّابه پسر ابی الفاتک : محمد نسل دارد، و برادران دارد ، همه نسل دارند .

۶ - و داود بن ابی الفاتک نسل او بسیارند ، و از نسل او : موسی الفارس ، و حسین الهدّار ، و حسن الکلب ، و محمد ، و داود ، و عیسی نسل دارند .

۷ - و عبدالرحمن بن ابی الفاتک را بیست و یک پسر بود ، از ایشان : ابو الطیب داود نسل او را آل [ابی] الطیب میخوانند از ایشان : بنو هّاس ، و بنو علی ، و بنو شمّاخ ، و بنو مکثر ، و بنو حسان ، و بنو هضام ، و بنو قاسم ، و بنو یحیی . و نسل وهّاس بن ابی الطیب از شش پسرند : محمد ، و حازم ، و مختار ، و مکثر ، و صالح ، و حمزه . این حمزه تغلب بر مکه کرده است بعد از وفات الامیر تاج المعالی شکر بن ابی الفتوح ، و بغیر از او از بنی سلیمان حاکم مکه نبود و نشد . و نسل حمزه از چهار پسرند : عماره ، و محمد ، و یحیی ، و عیسی امیر المِخلاف ، برادرش یحیی او را بکشت و حکومت میخلاف کرد ، و پسرش علی بن عیسی بمکه التجا نمود و در آنجا مقیم شد ، و علامه^۲ زمخشری کتاب « الکشاف » را بنام او بنوشت . و فرزندان یحیی : حمزه ، و مطاع ، و غانم نسل بسیار دارند و در مِخلاف میباشند .

و نسل موسی الثانی بن عبدالله بن الجون و او در علم و زهد باقصی الغایه بود و معتزّ عباسی او را طلب نمود از مدینه ، و در راه بنو فزّاره و اعراب جمع شدند و او را از دست آنکس که او را میآورد خلاص خواستند کنند [و سعید حاجب که بطلب موسی از جانب معتزّ خلیفه رفته بود او را زهر داد ، پس وفات یافت هم در آنجا]^۲ و نسل موجود او امروز از هفت پسرند : إدیس ، و یحیی ، و صالح ،

۲ - نسخه ب بجای این قسمت نوشته

۱ - عمده : زاهد ، آل الزاهد .

است : او را زهر داد و ببرد .

و الحسن ، و علی ، و داود ، و محمد الثائر .

۱- نسل ادریس بن موسی از سه پسرند : عبدالله أبو الرقاع^۱ ، و ابراهیم ابوالشویکات^۲ و الحسن . از نسل ابی الرقاع : الأمير محمد بن ابی الرقاع در جدّه^۳ امیر بود ، و از فرزندان او : عبدالله المنتقم ، و الفتح^۴ المسلط نقیب البطائح بودند . و از نسل ابراهیم أبی الشویکات : بسطام بن ادریس بن ابراهیم مذکور . و از فرزندان حسن : علقمه بن حسن که نسل او را آل علقمه میخوانند . و بیشتر عقب ادریس بن موسی الثانی در حجازند .

۲- و نسل یحیی بن موسی الثانی (و او را یحیی الفقیه میخوانند) از یوسف ، و موسی ، و عبدالله الدیاج ، و محمد ، و احمد . از فرزندان یوسف بن یحیی : أبو- الشّمحوط الحسن بن یوسف . و از فرزندان موسی بن یحیی : أبو الهداف^۵ یحیی العالم بن علی بن موسی . و از فرزندان عبدالله الدیاج : محمد بن عبدالله . و از فرزندان محمد بن یحیی : محمد بن یحیی بن احمد . و از فرزندان احمد بن یحیی : ابواللیل موسی بن علی بن موسی بن احمد ، و نسل او را آل أبی اللیل میخوانند . و نسل صالح بن موسی : محمد ، و محمد را : علی^۶ ، و عبدالله ، و رحمه^۷ .

۳- و نسل حسن بن موسی الثانی از احمد و محمد و زید . و نسل احمد بن الحسن از حسن و حسین . از نسل حسن : احمد بن أبی السکون^۸ و محمد بن الحسن . و از ولد حسین : حسن و احمد فرزندان میمون بن الحسن . و نسل محمد بن الحسن بن الثانی از صالح الأمير است ، و نسل او را صالحیان میخوانند و در حجاز میباشند . و نسل صالح مذکور از محمد ، و حسین ، و معمر و موهوب ترکی است . و نسل موهوب از شش پسرند ، از ایشان : ناجی بن فلیته بن الحسن بن سلیمان بن موهوب است ، و او را چهار پسر بود : حسین ، و علی ، و محمد

۱ - عمده : ابوالرقاع ۲ - ب : الشورکاب . ۳ - ب : صدقه .
 ۴ - عمده : ابو الفتح . ۵ - عمده : ابو الهدار . ۶ - نسخه ها مغشوش
 است ، از عمده الطالب اصلاح شد . ۷ - ب : ابی الکوف . عمده : ابی الکوکب .
 ۸ -

و حسن وایشانرا نسل است، در وادی الصفراء^۱ میباشند، و از ایشان: بدر بن محمد بن سلیمان بن موهوب ترکی است و نسل او را آل بدر میخوانند.

و نسل زید بن الحسن الثانی را زیود میخوانند و بقیه دارند در حجاز و عراق، و نسل او از سه پسرند: العباس و محمد و یحیی. از فرزندان یحیی: ابوخلاط الحسین بن یحیی او را [چهار پسر است]: زید و علی و عبدالله و احمد، و از نسل محمد بن زید: سالم و عبدالله فرزندان محمد نسل دارند. و العباس نیز نسل دارد.

۴ - و نسل علی بن موسی الثانی از عبدالله بن علی و عیسی بن علی و حسین بن علی فرزندان دارد.

۵ - و نسل داود الامیر بن موسی الثانی بسیارند، و نسل او امروز از دو پسرند: محمد و حسن، و او را موسی نام پسری نیز بود که منقرض شد. و ایشانرا بنو الرومیه میخوانند.

و نسل حسن بن داود از دو پسرند: ابواللیل عبدالله و سلیمان، از بنی سلیمان: ابوالوفا احمد بن سلیمان که او را وفا میخوانند. از نسل او: محمد بن علی بن یحیی بن وفا، نسل او را بنو محمد میخوانند. و حسن بن علی بن وفا نسل دارد.

و نسل محمد بن داود الامیر از پنج پسرند: علی، و عبدالله الصلیصل، و احمد، و ابواللیل الحسن، و یحیی. از فرزندان علی: یحیی نسل دارد. و نسل عبدالله الصلیصل را صلاصله میخوانند و نسل او از سالم و حسن، و نسل حسن از محمد و عبدالله، و نسل عبدالله مذکور از محمد و ناجی، و این محمد را صلیصل^۲ میخوانند و نسل او را صلیصلیون میخوانند از ایشان: [فایز و سالم فرزندان حریر بن حسین بن احمد بن محمد الصلیصل، و از ایشان است] بنو هذیم بن حسن بن عبدالله بن محمد الصلیصل، و بنو عالی بن احمد بن محمد بن مکتوم بن محمد الصلیصل. و نسل سالم بن عبدالله از فلیته و یحیی. و نسل احمد بن محمد بن داود از علی الشرقی و عبدالله، و جعفر، و حسن. و نسل علی الشرقی را آل الشرقی میخوانند و او را هفت^۳ پسر است از ایشان: نزار بن الشرقی نسل او را آل نزار میخوانند. و از فرزندان عبدالله بن احمد:

۱ - وادی در نواحی مدینه در راه حاجیان.

۲ - عمده: صلیصل.

۳ - عمده: هشت.

عطیه بن عبدالله بن احمد نسل او را آل عطیه میخوانند [و عقب جعفر بن احمد : محمد است و محمد راسه پسر است : شکر و علی و احمد . ولد حسن بن احمد : عطیه و معضاد است] .

و از فرزندان ابی‌اللیل الحسن بن محمد بن الرومیه : علی ، که او را دُبیس میخوانند پسر احمد بن الحسن مذکور ، نسل او را دبیسّه میخوانند و نسل او از دو پسرند : محمد و محمود .

و نسل یحیی بن محمد بن الرومیه از سه پسرند : محمد و احمد و علی . و نسل احمد بن یحیی از دو پسرند : رزق‌الله و عبدالله . نسل رزق‌الله را رزاق‌الله میخوانند و از ایشان : آل الرزقی در حله میباشند .

و نسل عبدالله بن احمد بن یحیی مذکور از پنج پسرند ، از ایشان : الحسین بن عبدالله او را بقیّه در حله میباشند ، از ایشان : ابن عمیر و یحیی بن عبدالله مذکور نسل او را آل یحیی میخوانند . و سالم بن عبدالله نسل او از چهار پسرند . از ایشان : صخر بن سالم نسل او را صخور میخوانند . و نسل محمد بن یحیی بن محمد بن الرومیه از دو پسرند : یحیی و عبدالله ، از نسل عبدالله : محمد (الوارد من الحجاز إلى العراق) بن یحیی بن عبدالله مذکور از دو پسر نسل دارد : عنبه و حمّضی^۱ . و نسل ایشان در حله و مشهد الحسین علیه‌السلام و مطار آباد و غیر آن [از فرزندان ایشانست] : مؤلف این مختصر : احمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا بن عنبه بن علی بن معد بن عنبه بن محمد الوارد احسن الله احواله . و محمد الوارد را برادری بود نام او « ذیاب »^۲ .

و گفتند که از نسل عبدالله بن محمد بن یحیی مذکور : الشیخ الجلیل البار الأشهر^۱ صاحب الخطوات محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی ، و گفتند که او : عبدالقادر بن محمد بن جنگی دوست بن عبدالله مذکور است . اما شیخ عبدالقادر این نسب را دعوی نکرد و نه فرزندان او ، و ابتداء این دعوی از پسر پسرش ابوصالح نصر بن ابی‌بکر بن عبدالقادر بود ، والله اعلم .

۵- و نسل محمد الثائر از پنج پسرند: عبدالله الأكبر، والحسین الأمیر، وعلیّ و القاسم الحرّانی، و الحسن الحرّانی.

و نسل الحسن الحرّانی از سلیمان. و نسل سلیمان از هاشم. و نسل هاشم از یحیی. و نسل یحیی از حسن و عبدالله.

و نسل قاسم الحرّانی از چهار پسرند: علی کُتَیم، و ابوالطیب احمد، و محمد، و ادريس، از فرزندان ادريس: ابودُرید الحسن نسل بسیار دارد. و از فرزندان محمد: ابواللیل یحیی از پنج پسر نسل دارد. و نسل ابوالطیب احمد بن القاسم الحرّانی از حسن بن احمد. و نسل علی کُتَیم بن القاسم الحرّانی از شش نفرند، و نسل او را آل کُتَیم میخوانند.

و نسل علی بن محمد الثائر را آل علی میخوانند و نسل او از چهار پسرند: سلیمان و احمد العابد و الحسین و محمد. از نسل سلیمان: شهم بن احمد بن عیسی بن علی بن ابراهیم بن سلیمان مذکور نسل دارد و ایشانرا آل شهم^۱ میخوانند [و مقن^۲ بن محمد بن ابراهیم بن الحسن بن علی بن ابراهیم بن سلیمان که نسل او را آل مقن میگویند] و در حله می باشند.

و از فرزندان احمد العابد: الأصم بن علی بن أحمد العابد رئیس سادات در یبُع نسل دارد و ایشانرا صمّان میخوانند. [و از آل صمّان: عثمان الأسود بن احمد المذكور که انکار کرد نسب او را پدر او، پس از آن معترف شد و ایشانرا قافه میخوانند^۳، پس او بنا برین سخن از روی نسب فی «صح» است تا حقیقت حال او معلوم شود. و از بنی حسین بن علی: عیسی الثمّار بن علی بن یحیی بن حسین مذکور است].

و نسل الحسین الأمیر بن محمد الثائر (و حکومت حجاز در نسل اوست) از

۱- الف: سهم. ۲- عمدة الطالب: مقر (مقن خ د). ۳- عبارت

مفهوم نیست و در عمدة الطالب ص ۱۳۳ گفته است: انکره ابوہ ثم اعترف به التزاماً بقول القافه.

سه نفرند : ابو هاشم محمد الأمير ، و ابو جعفر محمد الامیر ، و ابو الحسن علی .

۱ - نسل اَبی الحسن علی از دو نفرند : عبدالله و الحسن ، و هردو اِمارت سِرّین^۱ کردند . از فرزندان حسن : یحیی امیر السّرّین نسل دارد .

۲ - و نسل اَبی جعفر محمد بن الحسین الامیر از دو نفرند : الحسن المحترق ، و الامیر اَبی محمد جعفر^۲ اوّل کسی که از بنی الجَوْن حکومت مکه شرفها الله کرد بعد از سیصد و چهل از هجرت ، و در آن وقت حاکم مکه آنکحور ترکی از قبل العزیز الفاطمی حاکم مصر بود ، پس امیر ابو محمد جعفر او را بکشت و بر مکه تغلب نمود و بر آن دیار مستولی شد ، و زیادت از بیست سال حکومت آنجا کرد^۳ . و او را چند پسر بود ، از ایشان : عبدالله القوّد ، پدرش او را بمصر فرستاد تا او را عوض آنکحور بکشند پس از او عفو کردند . و از نسل القود کسی نماند ، و یکی در مصر دعوی کرد که از نسل اوست و گفت : من علیان بن جماعه بن موسی بن مصعب بن ضاحی بن نعمان^۴ بن عاصم بن عبدالله القودم ، و نقیب مصر « ابن الجوانی » نسابه معتبر بود او را دفع کرد ، و ابطال نسب او نمود ، و طلب بیته از او کرد از اقامه بیته عاجز شد ، و بعد از آن ثبت شد در جراید سادات طالبیین در مصر از روی ظلم و عدوان ، و الله المستعان .

و از فرزندان الامیر جعفر نیز عیسی بر حجاز مستولی شد بعد از پدر خود ، و الامیر ابو الفتوح الحسن بعد از برادر بر حجاز مستولی شد و بغایت شجاع بود و فصیح و وزیر ابو القاسم مغربی از مصر بگریخت و بمکه آمد و اغواء او کرد و تحسین نمود که متوجه شام شود و دعوی خلافت کند ، و میانجی میان او و آل الجراح^۵ امراء طیّ عرب الشام کرد که او را خلیفه قبول کردند و بیعت او نمودند ، و او را امیر المؤمنین الراشد بالله خواندند ، چون بشام رفت و در آن وقت خلیفه مصر الحاکم بامر الله العُبَیدلی بود قیامت بر او قایم شد ، و اضطراب نمود ، و بذل اموال و خزاین کرد ، چون ابو الفتوح این معنی را مشاهده نمود بترسید که او را بگیرند و به حاکم بسپارند

۱ - شهر ساحلی کوچکی در نزدیکی جده بوده است . مرامد الاطلاع . ۲ - هردو

نسخه : اَبی جعفر محمد . ۳ - و در سنه ۳۷۰ وفات یافت . ۴ - عمده الطالب : نعمان .

باز بحجاز مراجعت کرد و بر حکومت مکه اقتضار نمود. و چون وفات یافت پسر او تاج المعالی أبو عبدالله محمد که او را شکر میخواندند حکومت آنجا کرد، و از یک دختر وفات یافت. سال چهارصد و شصت و چهار از هجرت. و در مکه حاکمی نبود، پس حمزه بن وهّاس السّلمانی^۱ تغلب بر آنجا کرد، (چنانچه در نسب او گفتیم) و جنگ قائم شد میان بنی موسی الثانی و بنی سلیمان نزدیک هفت سال، و عاقبت حکومت مکه بر امیر محمد بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن ابی هاشم قرار گرفت، و بعد از او جمعی از نسل او حکومت کردند چنانچه خواهد آمد.

۳ - و نسل ابی هاشم محمد بن الحسین الامیر را هوشم میخوانند، و نسل او از عبدالله تنها. و نسل عبدالله از ابی هاشم محمد بن عبدالله تنها. و نسل ابی هاشم محمد بن عبدالله از چهار نفرند: ابی الفضل جعفر، و علی، و عبدالله، و الحسین. و نسل ابی الفضل جعفر از الامیر محمد تاج المعالی آنکه حکومت مکه کرد بعد از حمزه بن وهّاس و در اول حکومت خود خطبه بنام خلفاء مصر میگرد و بعد از آن بنام القائم بامر الله عباسی خواند و سیاه پوشید. و از نسل او: ابو فلیته قاسم بعد از پدر خود حاکم مکه شد و او را چند پسر است:

از ایشان: الامیر فلیته حکومت حجاز کرد بعد از پدر. و محمد امیر السّرّین او را هاشم بن فلیته بکشت. و امیر یحیی، و امیر عیسی پسران قاسم مذکور.

و امیر فلیته بن قاسم را چند پسر است: از ایشان الامیر تاج المعالی^۲ عمده الدین هاشم تغلب بر مکه کرد و جنگ با برادران و عمویان خود نمود، و برادرانش یحیی و عبدالله با او نزاع کردند پس او غالب شد.

و از ایشان: الامیر قطب الدین عیسی بن فلیته حکومت کرد بعد از آنکه برادر زاده خود قاسم بن هاشم را از آنجا بدر کرد.

و از فرزندان الامیر تاج المعالی هاشم بن فلیته: قاسم بن هاشم بعد از پدر خود حکومت مکه کرد. و از فرزندان الامیر قطب الدین عیسی بن فلیته: الامیر مکثر بن

۱ - منسوب به سلیمان بن موسی الثانی عمده. ۲ - عمده الطالب: تاج الدین.

عیسی بعد از پدر خود حکومت مکه کرد و حکومت او مستمر شد تا سال پانصد و نود و سه از هجرت . و درین وقت برادرزاده او منصور بن داود بن عیسی خروج بر او کرد و بر مکه مستولی شد ، تا امیر قتاده بن ادریس بر او غالب شد . چنین فرمود شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن معیة الحسنی رحمه الله ، و در بعضی تواریخ یافتیم که « قتاده مکه را از مکث بن عیسی گرفت تا سال پانصد و نود و هفت » والله اعلم . و از فرزندان علی بن ابی هاشم الاصغر : برّ که و مکث بن فرزندان حسن بن علی مذکور . از بنی برّ که آل برّ که از ایشان : بنو مالک اند ، از ایشان : السید الجلیل شرف الدین برّ که بن محمد بن مالک ، و پسر عم او السید الجلیل المرحوم امین الدین مبارک بن علی بن مالک پسران دارد ، أبی هاشم الله . و از بنی مکث مکثوره در حجاز و عراق ، از ایشان آل مطاعن در حله میباشند .

و از فرزندان عبدالله بن ابی هاشم الاصغر : ابو هاشم سروی نسل او را آل سروی میخوانند .

و نسل عبدالله الاکبر بن محمد الثایر از سه پسرند : ابو جعفر محمد که او را تغلب^۱ میخوانند ، و احمد ، و علی .

و نسل تغلب را تغلبه میخوانند . و نسل او از عبدالله تنها . و نسل عبدالله از پنج پسرند : حسن ، و احمد ، و علی^۲ ، و یحیی ، و محمد . نسل احمد را بنو احمد میخوانند ، و جمعی از ایشان در مصر و صعيد بودند .

و نسل علی بن عبدالله و او را « ابن السلمیة » میخوانند از سه پسرند : سلیمان ، و الحسن الشدید ، و یحیی .

نسل یحیی را بنو عیسی میخوانند از بهر آنکه نسل او از پسرش عیسی . و نسل عیسی از ده پسرند : از ایشان سُبَّع^۳ بن عیسی ، و سلامة بن عیسی ، از نسل او : السید جمال الدین یوسف بن غانم و پسرش شرف الدین علی . و او را سه پسر بودند : محمد دارج رفت ، و غانم منقرض شد ، و عمید الدین حال او را معلوم ندارم .

نسل الحسین الشدید را اشدّاء میخوانند و در حجازند .

ونسل ابی عبدالله سلیمان بن علی بن السلمیه از سه پسرند : از ایشان : الحسین بن سلیمان و ملوک حجاز از نسل اویند از زمان المستجد بالله العباسی تا امروز . و از نسل او : السید جعفر بن ابی البشر الضحاک بن الحسین مذکور نسابه^۱ فاضل بود و امام الحرم^۱ .

و از نسل الحسین بن سلیمان نیز : الأمير أبو عزیز قتاده بن ادريس بن مطاعن بن عبدالکریم بن عیسی بن الحسین مذکور مملکت حجاز از « هاشم » بگرفت و ایشانرا از مکه بدر کرد چنانچه رفت [در سال پانصد و نود و هفت از هجرت] و او را برادران و عمویان اند . و نسل او از نه پسرند و ایشانرا قتادات میخوانند^۲ .

و از فرزندان او حسن بن قتاده^۳ حکومت مکه بعد از او کرد .

و راجح بن قتاده بعد از برادر حکومت کرد و بغایت شجاع بود ، و بعد الامیر حسن بن قتاده ، الأفشین^۴ مسعود بن الملک الکامل بن ایوب برمکه تغلب نمود تا راجح او را از آنجا بدر کرد و حکومت مکه کرد^۵ .

و بعد از راجح برادر زاده^۶ او ابوسعید الحسن بن علی بن قتاده حکومت آنجا کرد^۷ .

و بعد از او پسرش نجم الدین ابو نمی محمد ، و بغایت شجاع بود^۸ . و او را سی پسر بود : یکی عضد الدین عبدالله پیش سلطان غازان آمد ، و سلطان در ولایت حله دیه های نفیس بدو داد و در حله متوطن شد . و پسرش شمس الدین محمد فرزندان داشت و نسل او اکنون از پسرش الشریف الاعظم نورالدین علی بن محمد که بغایت جلیل القدر بود ، و فرزندان و فرزندان فرزندان دارد و در حله میباشند . و از فرزندان ابی نمی : الشریف اسد الدین رمیثه حاکم مکه بود^۹ و حکومت

۱ - و حکایت طریقی از علم او به انساب در عمده آورده است . ۲ - وفات

امیر قتاده ۶۱۸ . ۳ - وفات حسن بن قتاده ۶۲۳ . ۴ - عمده : الاقشب .

۵ - وفات راجح ۶۵۴ . ۶ - وفات ابی سعد ۶۵۱ . ۷ - وفات ابی نمی

۷۰۱ . ۸ - وفات رمیثه ۷۴۶ .

مکہ اکنون در نسل او ، و چند فرزند داشت از ایشان : الشریف عجلان حاکم مکہ ، و پسرش احمد حاکم مکہ ، و او را فرزند ذکر نماید ، و اکنون حکومت مکہ از آن پسرش : الشریف بدرالدین حسن ابقاه الله .

و از نسل الشریف رُمیثہ : مغامس ، بقیہ ، و مبارک نسل دارند .

و از نسل الشریف عجلان : محمد نسل دارد . و باشریف بدرالدین حسن ، پسرش رُمیثہ نزاع دارد .

و از نسل ابی نمی : سیف ^۱ بن ابی نمی کہ کوچکترین فرزندان اوست ہم نسل دارد [از ایشان : السید شہاب الدین احمد بن محمد بن سیف ^۲]

و از فرزندان رُمیثہ : الشریف الاعظم شہاب الدین احمد تغلب بر حلقہ کرد بعد از وفات السلطان ابوسعید ، و الامیر شیخ حسن بن الامیر حسین بن آقبوقا ^۳ بعد از مدتی لشکر از بغداد بر او کشید و او را بکشت ، و نسل دارد .

از ایشان : شیمہ بنت احمد زن الشریف نورالدین علی بن محمد بن عبداللہ بن ابی نمی بود و از دو پسر دارد : شمس الدین محمد و حسب الله .

و محمود بن احمد نسل دارد در مکہ شرفہا الله تعالی میباشند . و آل ابی نمی بسیارند .

۴) و نسل یحیی صاحب الدیلم بن عبداللہ المحض بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب . و او در دیلم خروج کرد ، پس ہارون الرشید حیلتی چند کرد تا او را بامان بدست آورد و بعد از آن در زندان او را بکشت . و این یحیی را « اثبتی » ^۴ میخوانند و نسل او را اثبتیون میخوانند .

و نسل او از پسرش محمد . و نسل محمد از دو پسرند : احمد و عبداللہ . نسل احمد اندک اند . و نسل عبداللہ از سه پسرند : محمد و سلیمان و ابراہیم [از بنی داود بن محمد بن عبداللہ : داود بن ابی البشر عبداللہ بن داود بن مذکور ، و از ایشانست صالح

۳ - ب : افتوما .

۲ - مخصوص ب .

۱ - الف : شریف .

۴ - عمدہ : اثبتی (اثبتی) .

واحد و علی و نسل دارند، و سلیمان بن عبدالله (که لقب او ابوالقاسم است، بعضی گفته‌اند که اسم او محمد است) فرزند بسیار دارد از نسل سلیمان: سلیمان صاحب الشامه بن یحیی بن سلیمان مذکور نسل دارد در عراق و غیر آن. و از نسل ابراهیم [بن عبدالله]: میمون الصوفی الاسود بن الحسن بن علی بن عبدالله بن ابراهیم و پسرش ابوطاهر حمزه حنبلی^۱ مذهب بود و بستنی^۲ مشهور است و نسل او را بنو السُتّی میخوانند، و در بغداد و موصل بودند و از ایشان جمعی که ایشان را بنو الصنادیقی میخوانند و در بغداد بودند.

۵) و نسل سلیمان بن عبدالله المحض بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب (و در واقعه^۳ فح^۴ شهید شده است) از محمد بن سلیمان تنها است و بمغرب رفت و پیش عم^۵ خود ادریس بن عبدالله المحض مقیم شد، و نسل او اکنون در مغربند، و ایشان در «نسب القطع» اند، یعنی آنکه دور از ما افتادند اگر کسی از ایشان منتسب شود نیک تحقیق نسب او باید کردن، و در اثبات او آنچه وظیفه احتیاط بجای آوردن. و بعضی تصور کردند که نسب القطع عبارت از آنکه منقطع است و باطل، و نه چنین است.

۶) و نسل ادریس بن عبدالله المحض بن الحسن بن الحسن، و در واقعه^۶ فح^۷ حاضر بود با حسین بن علی^۸ صاحب فح^۹، چون حسین کشته شد ادریس بگریخت و بمغرب رفت و در آنجا تملک کرد. و هارون الرشید بحیلت زهرش داد، و چون وفات یافت^{۱۰} سرّیتی داشت آبتن بود، پس اهل مغرب تاج را بر شکم آن سرّیت نهادند، و بعد از چهار ماه از وفات ادریس پسری آورد نام او نیز ادریس نهادند، و غیر از او در اسلام کسی در شکم مادر پادشاهی نکرد.^{۱۱}

و نسل ادریس بن ادریس از هشت پسرند: قاسم، وعیسی، وعمر، و داود

۱ - عمده: «حنبلی» و مصحح از مجدی «حنبلی» نقل کرده است.

۲ - عمده: سببی، بنو السببی. ۳ - و ادریس بن عبدالله در سال ۱۷۲ حکومت

مغرب را بدست آورد و قریب شش سال حاکم بود. ۴ - وفات ادریس بن

ادریس ۲۱۴.

و یحیی ، و عبدالله ، و حمزه ، و علی . و بعضی گفتند که از غیر اینها نیز نسل دارد و ممالک بسیار از مغرب اکنون در دست ایشانست .

و نسل داود بن ادریس بن ادریس در فاس و شنانه و صدقیه اند ^۱ و بعضی گفتند در نهر اعظم اند . و نسل حمزه در « سوس اقصی » .

و نسل عمر [بن ادریس] در مدینه « الزیتون » است . و از نسل او عیسی بن ادریس بن عمر که بنا کرد جبل الکوکب را ، و آن مدینه ایست در غرب . و از ایشان « حمود » و نامش : احمد بن میمون بن احمد بن علی بن عبدالله بن عمر بن ادریس نسل دارد از دو پسر : قاسم که او را « مأمون » میخوانند ، و علی که او را « الناصر لدین الله » میخوانند ، مالک آندلس ، که قلع ملک بنی مروان از آنجا کرد ، و پادشاهی آنجا کرد .

و یحیی بن ادریس بن ادریس حاکم صدقیه بود . و از نسل او علی بن عبدالله التاهرتی بن المهلب بن یحیی بن ادریس بن ادریس . و بعضی نسب علی التاهرتی به محمد بن ادریس بن ادریس میکنند . و آنچه ظاهر میشود از سخن شیخ ابوالحسن عمری که او صحیح النسب است ، و بعضی طعن در او کردند . و فرزندان داشت در مصر و در خراسان . و او است که بر سالت آمد از خلیفه مصر پیش سلطان محمود سبکتکین و چیزی از کتب اسماعیلیه با او یافتند ، و الحسن بن طاهر بن مسلم العبیدلی پیش سلطان محمود بود و نفی تاهرتی کرد ^۲ و بواسطه آن کتب که همراه او بود او را بدست الحسن بن طاهر دادند تا او را بکشت و طلب ترکه^۳ او را بکرد و ندادند .

و نسل عیسی بن ادریس بن ادریس در بلد مکلاته ^۳ از ایشان القاسم کنون بن

۱ - الف : فارس . عمده : بشتایه . و فاس از شهرهای ساحلی مدیترانه در مراکش

است . و ضبط صحیح « بشتایه » را نیافتم . و صدقیه شاید « صدقوره » باشد ، اگرچه آن در آندلس است . ۲ - یعنی نفی نسب او کرد . ۳ - ب : مکاتبه ،

عمده الطالب : ملکانه . و هیچیک را نیافتم ، و شاید صحیح « مکنانه » یا « ملهانه » است که از بلاد مغربند .

عبدالله بن یحیی بن احمد بن عیسی بن ادريس .

و نسل عبدالله بن ادريس بن ادريس در سُوس اقصی .

و نسل القاسم بن ادريس بن ادريس بسیارند اما در نسب القطع اند، چنانچه بیان کردیم .

سبط سیوم

(نسل ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام)

از اسمعیل الدیاج تنها است . و نسل اسماعیل از دو پسرند : الحسن التّج^۱ ، و ابراهیم طباطبا .

۱) و نسل الحسن التّج از پسرش الحسن . و نسل الحسن بن الحسن ازدو پسرند : ابو جعفر محمد و او را نیز « تج » میخوانند و نسل او را بنوالتّج میگویند و در مصر میباشند . و ابی القاسم علی بن معیة^۲ الانصاریه و نسل او را بنی معیة میخوانند، و ازدو پسر است : ابوطاهر الحسن ، و ابو عبدالله الحسین الخطیب ، و او را پسر دیگر بود ابو جعفر محمد و عالم بود و نسابه، و مبسوطی در نسب دارد و منقرض شد . و ابوطاهر الحسن^۳ بن علی بن معیة را نسل بسیار بود در کوفه . [از نسل حسن بن علی بن معیة است : عبدالجبار بن حسن محمد بن جعفر بن حسن مذکور که باو منسوبست « مسجد عبدالجبار » در کوفه . و ازو و از برادران او ابی الحسن علی و ابو الفوارس ناصر نسلست] از ایشان : بنوالمحتسب و بنوالمنادیلی و بنوالمعجع و غالب آنکه کسی از ایشان نمانده است .

و از نسل ابی عبدالله الحسین الخطیب بن علی بن معیة : عبدالعظیم [بن الحسین]^۴ نسل او در کوفه و در ری بودند . و از نسل الحسین الخطیب نیز بنوالبدیوی^۵ در عراق

۱ - نقطه گذاری و ضبط از عمده است . ۲ - مادر علی بن الحسن است ،

و از طایفه اوس میباشد . ۳ - پ : الحسین . ۴ - مخصوص ب .

• - الف : البدوی .

بودند . و از نسل الحسین نیز : النقیب زکی‌الدین ابو منصور الحسن بن احمد بن المحسن بن الحسین القصری^۱ بن ابی الطیب محمد بن الحسین بن علی بن الحسین الخطیب . از نسل او بنو قریش بن ابی الحسین الرضی ابن ابی الفتح علی النقیب ابن النقیب زکی‌الدین مذکور . از ایشان سید عماد الدین محمد بن محمد بن الحسین بن قریش ببلاد هند سفر کرد ، و او را فرزندان بودند در آنجا ، و حال ایشان ما را معلوم نیست .

و نسل النقیب زکی‌الدین ابو منصور الحسن بن النقیب زکی‌الدین محمد بن النقیب زکی‌الدین ابو منصور الحسن را بنو معیه میخوانند و نقابت و جلالت و تمول و جاه عظیم داشتند . و از ایشان : شیخ ما نقیب تاج الدین ابو عبدالله محمد بن جلال الدین ابی جعفر القاسم بن النقیب فخر الدین الحسین بن النقیب جلال الدین القاسم بن النقیب زکی‌الدین که علم نسب باو منتهی شد ، و در علوم دیگر مثل فقه و لغت و حساب و تاریخ و غیر آن سرآمد بود ، و او را پسر نبود والله الباقی .

(۲) و نسل ابراهیم طباطبا بن اسماعیل الدیاج بن الغمر بسیارند ، و او را « طباطبا » می‌گفتند از بهر آنکه پدرش جامه‌ای باو نمود و گفت : « أَقْطَعُهُ لَكَ قَمِيصًا أَمْ قَبَاءً » یعنی پیراهنی از بهر تو ببرم یا قبا ؟ گفت « طباطبا » یعنی قبا قبا . پس لقب او شد .

و نسل او از سه پسرند : القاسم الرَّسَّی^۲ ، و احمد رئیس ، و الحسن . و او را پسری دیگر بود محمد نام ، از اکابر ائمه زیدیه است ، و در کوفه خروج کرد آیام ابی السرایا شیبانی که با او متفق شد و امر او عظیم شد ، ناگاه فجأةً وفات یافت و نسل او منقرض شد ، و از ایشان : محمد بن الحسین بن جعفر بن محمد مذکور ببلاد حبشه رفت و خبر او منقطع شد . والله اعلم .

و نسل الحسن بن طباطبا از دو پسرند : علی و احمد . [از نسل علی : حسن بن علی بن محمد صوفی مصری بن احمد شیخ الأهل بن علی مذکور است و وفات

۱ - الف : القصری . و در عمده گفته است : نزل قصر این هیرة فنسب الیه .

۲ - منسوب به کوه « رس » که در آنجا میزیست .

کرد از فرزندان ، از ایشانست : اسماعیل بن ابراهیم بن علی^۱ مذکور و وفات نمود در مصر از فرزندان و برادران [و از نسل احمد : بنو المستجد و بنو الکَرَکی در مصر میباشند .

و نسل احمد رئیس از دو پسرند : ابو جعفر محمد ، و ابواسماعیل ابراهیم . و جمهور نسل او راجع میشود به ابی الحسن الشاعر الإصفهانی^۲ محمد بن احمد بن محمد بن احمد مذکور ، و نسل او بسیارند و در اصفهان و حوالی آنجا میباشند .

و نسل القاسم الرسی ابن طباطبا (و بغایت زاهد بود و عالم ، و تصانیف بسیار دارد . و دعوت کرد و بسیار اجابت او کردند) از هفت پسرند : یحیی العالم ، و الحسن ، و اسماعیل ، و سلیمان ، و الحسین الجواد ، و محمد ، و موسی .

۱ - نسل یحیی العالم در رمله^۳ شام بودند .

۲ - [و نسل حسن بن الرسی از : حسین ، و محمد ، و حسن ، و قاسم ، و ابراهیم . و از بنی ابراهیم : محمد نسباً به بن ابراهیم که او را بکهررسی هست^۴]
۳ - و نسل اسماعیل از ابی عبدالله محمد الشعرانی [و ابوالقاسم احمد الشاعر ابن محمد شعرانی که ایشان نسل دارند] و در مصر میباشند .

۴ - و از نسل سلیمان [بن الرسی : محمد و علی^۵ و حسن و قاسم عدل] بنو محمد بن علی^۶ الفارس بن سلیمان . و بنو تورون و در مصر میباشند^۷ . و از نسل سلیمان بن الرسی نیز : موسی بن سلیمان نسل بسیار دارد .

۵ - و نسل الحسین بن الرسی از دو پسرند : ابوالحسین یحیی الهادی ، و ابو محمد عبدالله .

یحیی الهادی از ائمه^۸ زیدیه بود و عالم و فاضل و مصنف بود ، و در ایام المعتضد بالله العباسی در یمن ظاهر شد ، دوست و هشتاد از هجرت ، و هفت سال در مکه خطبه بنام او خواندند . و از نسل او امروز ائمه^۹ زیدیه و ملوک یمن اند . و نسل

۱ - کذا فی الف ولم اتحققه . ۲ - عمدة الطالب : بنو توزون بالبصرة .

او از سه پسرند : الحسن الفیلی^۱ و منقرض شد . و ابوالقاسم محمد المرتضی بعد از پدر خود قیام بامامت نمود ، و احمد الناصر بعد از برادر خود قیام نمود .

و از نسل محمد المرتضی بن الهادی آل ابی العتّاف در اصفهان بودند تا بعد از ششصد از هجرت . و از نسل الحسین بن محمد المرتضی : داعی النسّابه و برادرانش رضا و عبدالله و علی پسران الحسین بن المرتضی و نسل دارند در ساریه و خوزستان وری . و مرتضی را نیز در یمن نسلست .

و احمد الناصر پسر حسین بن الرسی امامی از ائمه زیدیه بود ، و امامت زیدیه در نسل او مدّتی بود . و نسل او از چند پسرند از ایشان : محمد (الوارد إلى حلب) بن احمد نسل داشت در حلب و مصر و غیر آن . و از ایشان ابوالفضل الرشید بن الناصر [نسل او در حلب بودند . و ابوالحمد داود بن الناصر] در عراق بود و پسرش القاضی ابو محمد بن ابی الحمد بخوزستان رسید و او را بقیّه در واسط و اهواز است .

و از فرزندان احمد الناصر نیز ابو محمد القاسم المختار از ائمه زیدیه بود و نسل دارد ، از ایشان : محمد المنتصر بن القاسم المختار پسران دارد ، از ایشان : ابراهیم المؤید و عبدالله المعتضد و یوسف ، و اعقاب دارند .

و نسل عبدالله العالم بن الحسین بن الرسی از چند پسرند ، از ایشان : اسحاق نسل او در بادیه در حجازند . و از ایشان : یحیی بن عبدالله نسل دارد ، از ایشان : حمزه بن الحسن بن عبدالرحمن بن یحیی مذکور نسل دارد ، و ایشانرا آل حمزه میخوانند و در یمن میباشند ، و ائمه زیدیه اکنون از ایشانند [و از آل حمزه است شیخ مارضی الدین حسین بن قتاده بن مزروع بن علی بن مالک مدنی نسّابه ، و این حمزه را « نفس زکیّه » میخوانند و پسر او علی بن حمزه را « عالم » میخوانند و پسر او حمزه بن علی بن حمزه را « منتخب » میخوانند و پسر او سلیمان بن حمزه را « تقی » میخوانند و پسر او حمزه ثالث بن سلیمان بن حمزه را « جواد » میخوانند و او پدر عبدالله بن حمزه امام زیدیه است ، و باقی مانند امامت در دست عبدالله مذکور تا نوزده سال .

۶ - و نسل ابی عبدالله محمد بن الرستی از سه پسرند : ابراهیم ، و عبدالله الشیخ ، و القاسم الرئیس .

از نسل ابراهیم : زید الأسود بن ابراهیم در ایام عضدالدوله بن بویه بشیراز آمد و دختر عضدالدوله شاهاندرخت زن او بود . و نسل او در شیرازند و نقباء شیراز و قُضات از ایشان بودند در آنجا ، از ایشان : قطب الدین أبوذرعه محمد بن علی بن حمزه بن اسماعیل بن ابراهیم بن اسماعیل بن جعفر بن الحسین بن محمد بن زید بن الحسین بن زید الأسود ، در ایام السلطان أبوسعید قاضی القضاة و نقیب النقباء بود ، و قاضی شرف الدین محمد بن اسحاق بن جعفر بن الحسین بن زید الأسود نسل بسیار دارد و در شیرازند . و سید فخرالدین حسن بن أحمد بن الحسن بن الحسن بن الحسین بن ابراهیم بن اسماعیل بن جعفر بن الحسین بن محمد بن زید بن الحسین بن زید الأسود که مشهور است به « انجو » و برادران او و برادر زادگان او نسل دارند در شیراز .

و از نسل عبدالله الشیخ بن محمد بن الرستی : ابو محمد الحسن الشاعر بن عبدالله که او را منتجد می گفتند و نسل او باین معروفند .

و نسل القاسم الرئیس بن محمد بن الرستی از هشت پسرند . از ایشان بنور مضان بن علی بن عبدالله بن المفرج بن موسی بن علی بن القاسم بن محمد بن الرستی ، نسب ایشانرا ابن میمون النسابة الواسطی تصحیح کرد و غیر او . از ایشان : النقیب تاج الدین ابوالحسن علی بن محمد بن رمضان مذکور که او را « ابن الطقطقی »^۱ میخوانند ، نقیب النقباء عراق بود و صدر الصدور ، میخواست که معارضه با صاحب الدیوان علاء الدین عطا ملک الجؤینی کند ، جمعی بازداشت که او را بکشتند ، و نسل دارد . و از نسل موسی بن الرستی علی بن موسی که او را « ابن بنت فرعه » میخوانند پسر محمد الشاعر بن موسی نسل او [از هفت پسر است و] در مصر بودند .

سبط چهارم

(نسل الحسن المثلث بن الحسن بن علی بن ابی طالب)

و او را چند پسر بود از ایشان: ابوالحسن علی العابد ذوالثقفات ، پدر الحسین الشهید صاحب وقعه فنج ، خروج کرد بر بنی العباس باجمعی از علویان و در فنج شهید شد با جماعتی از ایشان .

و نسل الحسن المثلث منتهی میشود به الحسن المكفوف بن علی العابد ، و نسل او اندک اند . و شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن معیه الحسنی رحمه الله فرمود که : از ایشان کسی ندیدم ، و در عراق و حجاز از ایشان کسی نیست . و غالباً در مصر و بلاد العجم میباشند ، چه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که از نسل او « دوازده سبط باشند » و بنسل حسن المثلث دوازده میشوند .

سبط پنجم

(نسل داود بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام)

و او برادر جعفر الصادق علیه السلام بود از رضاعت ، و ابو جعفر دوانیقی او را محبوس کرد و از او خلاص یافت ببرکت دعائی که جعفر الصادق علیه الصلاة والسلام مادر او را تعلیم کرد ، و آن دعا مشهور است ، و دعاء امّ داود میگویند ، و روز نیمه رجب میخوانند .

و نسل او از پسرش سلیمان ، و نسل سلیمان از محمد بن سلیمان ، و نسل محمد از چهار پسرند : موسی ، و داود ، و اسحاق ، و الحسن . از نسل اسحاق آل قتاده در مصر بودند .

و از نسل الحسن بنو عجز ابراهیم بن الحسن در نصیبین بودند ، و از نسل الحسن نیز بنو الطاوس محمد بن اسحاق بن الحسن بن الحسن مذکور خاندان بزرگ بودند ، از ایشان : السید الزاهد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد الطاوس ، کرامات بسیار او را بود ، و

نقیب النقباء شد در ایام هولاکو با جبار و کره ، و برادرش السید العالم جمال الدین احمد ، و پسر او غیاث الدین عبدالکریم منقرض شد ، و اما رضی الدین علی نسل دارد .

سبط ششم

(نسل جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام)

و بزرگترین فرزندان الحسن المثنیٰ او بود . از پسرش حسن است [و او تخلف نمود در فخر از حسین الشهید بن ابی الحسن علی العابد ذوالثَّقَنَات ، و تمهید عذر کرد در آنجا و استعفا نمود] و نسل او از سه پسرند : عبدالله ، و جعفر الغدّار ، و محمد السَّیْلِق .

و نسل محمد السَّیْلِق منتهی میشود به عبیدالله بن الحسن بن علی بن محمد السَّیْلِق ، و نسل بسیار دارد در قزوین و مراغه و همدان و راوند ، از ایشان : السید العالم ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله الرّاوَنْدی ، ابن علی بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله مذکور و نسل دارد ، از ایشان : تاج الدین ابومیره بن کمال الدین ابی الفضل بن أحمد بن محمد بن ابی الرضا مذکور دو پسر داشت : رکن الدین محمد ، و عز الدین علی . و رکن الدین نیز دو پسر داشت : مرتضی و لطیف ، و ابن لطیف را دو دختر بود ، یکی از ایشان زن السلطان جلال الدین ابوالفوارس شاه شجاع بن محمد بن المظفر شده بود ، و او مادر پسرش زین العابدین بود .

و از نسل جعفر الغدّار : نقیب الطالیین در بغداد که او را « ابوقیراط » میخوانند و [او] ابوالحسن محمد بن جعفر المحدث ابن ابی الحسن محمد بن جعفر الغدّار ، او را پسری بود : عبیدالله^۲ الشیخ ، و پسر عبیدالله : محمد ازرق نسل او در بغداد بودند . و از نسل جعفر المحدث مذکور ابوحُصَیّه^۳ [که در حایر می بوده و او] ابوالغنائم بن سالم بن علی بن غنیمه بن الحسن بن یحیی بن محمد

۱ - مخصوص ب . ۲ - ب : عبدالله . ۳ - عمدة الطالب ص

السمین یحییٰ الضریر بن جعفر المحدث نسل دارد .

و نسل عبد اللہ بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیہ السلام از پسرش عبید اللہ امیر الکوفہ . و از عبید اللہ در جماعتی اند ، از ایشان : محمد الأدرع ، و علیّ باغر ، و ابی سلیمان محمد ، و ابی الفضل محمد . از نسل ابی الفضل محمد : الزاهد المتکلم ابوالقاسم علیّ بن احمد بن محمد بن علیّ بن ابی القاسم الأحول بن ابی الفضل مذکور نسل دارد و در رامهرمز میباشند . و از نسل ابی سلیمان محمد بنو الکشیش محمد بن علیّ بن ابی سلیمان مذکور ، بیشتر ایشان در شام میباشند . و نسل علیّ باغر بسیارند از ایشان الملاوی ابوالحسن علیّ بن ابی الفضل محمد بن علیّ باغر نسل دارد ، و بیشتر ایشان در شام اند . و از ایشان : حمزہ بن محمد بن عبید اللہ بن باغر نسل او را آل حمزہ میخوانند ، و بقیہ ایشانرا آل الشجر میگویند ، از ایشان : السید العالم ابوالسعادات ابن الشجر منقرض شدہ است ، و برادرش را بقیہ در نیل و حلہ میباشند . و از ایشان : ابوزید بن عبید اللہ بن باغر جدّ آل ابی زید نقباء بصرہ و بقیہ در بصرہ دارند . و نسل محمد الأدرع بسیارند از ایشان آل الملحوس حسن بن محمد بن القاسم بن الأدرع .

معلم دوم

(در نسل ابی عبد اللہ الحسین الشہید بن علی بن ابی طالب علیہما السلام)

و او را چهار پسر و دو دخترند . و نسل او از پسرش زین العابدین ابی الحسن علیّ چهارم ائمہ اثنی عشر ، و اوّل ایشان امیر المؤمنین علیّ علیہ السلام ، پس پسرش الحسن ، پس برادرش الحسین علیہما السلام .

و نسل زین العابدین علیہ السلام از شش پسرند : محمد الباقر علیہ السلام پنجمین ائمہ دوازده . و او را « باقر » گفتند از بہر آنکہ بغایت عالم بود . و در حدیث رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمده کہ « هو یقرّ العلم بقرّاً » . و عبد اللہ الباہر ،

و زید الشهید ، و عمر الأشرف ، و الحسین الأصغر ، و علی الأصغر . و در نسل ایشان شش سبط است .

سبط اول

(نسل الامام الهمام محمد الباقر علیه السلام)

و مادرش امّ عبدالله فاطمه بنت الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام . و مولد او سال پنجاه و نهم از هجرت ، و وفات او سال صد و چهاردهم . و نسل او از پسرش الإمام ابی عبدالله جعفر الصادق علیه السلام تنها ، و او ششم ائمه دوازده است . و مادر او امّ قَروَۀ بنت القاسم بن محمد بن ابی بکر ، و مادرش ' اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر . و جعفر علیه السلام را عمود الشرف میخواندند ، و نسل او از پنج پسرند : موسی کاظم هفتم ائمه دوازده ، اسماعیل امام اسماعیلیّه ، و علی العُریضی ، و محمد المأمون ، و اسحاق . و او را پسر نیست که نام او « ناصر » باشد نه مُعقب و نه غیر مُعقب بل جماع نَسّابان ، و در اسفرا این خراسان و نواحی جمعی هستند میگویند که ما از فرزندان ناصر بن جعفر الصادق و الله المستعان .

« و نسل الامام موسی کاظم علیه السلام اکنون از سیزده پسرند ؛ چهار ایشان نسل بسیار دارند : علی الرضا علیه السلام هشتم دوازده امام ، و ابراهیم مرتضی ، و محمد العابد ، و جعفر . و چهار نسل ایشان متوسط است : زید النار ، و عبدالله ، و عبیدالله ، و حمزه . و پنج نسل ایشان اندك است : عباس ، و هارون ، و اسحاق ، و اسماعیل ، و حسن : و پسرش حسین نسل داشت اما منقرض شد ، و جمعی هستند دعوی فرزندی او میکنند اما ثابت نمی توانند کرد و الله اعلم .

۱) و نسل علی الرضا از پسرش محمد الجواد علیه السلام نهم ائمه دوازده و از دو پسرند : علی الهادی علیه السلام دهم ائمه دوازده و موسی المبرق . و نسل علی الهادی از دو پسرند : ابو محمد الحسن که او را عسکری میخوانند ، و عسکر عبارت

از « سامره » است و متوکل او و پدرش را از مدینه آورد و در آنجا باز داشت . و او یازدهم دوازده امام است ، و او پدر محمد المهدی علیه السلام که دوازدهم ایشان است ، و پسر دیگر از آن علی الهادی : جعفر الکذاب ، و این لقب او را گفتند از بهر آنکه دعوی امامت بعد از برادر خود کرد ، و نسل او را رضویان میخوانند نسبت بجده او علی الرضا علیه السلام و نسل او از چند پسرند ^۱ : اما نسل شش از ایشان منتشر شده است : اسماعیل حریفا ^۲ ، و طاهر ، و یحیی الصوفی ، و هارون ، و علی ^۳ ، و ادريس .

از نسل یحیی الصوفی : ابو الفتح احمد بن محمد بن المحسن بن یحیی الصوفی نسباً معروف بابن محسن الرضوی بود ، و برادرش علی ^۴ فاضل بود ، اما بنصب مشهور است ، و نسل دارد در مصر .

و از نسل هارون بن جعفر الکذاب : [علی بن هارون و پسران او حسن و حسین] نسل دارند در صیدا از بلاد شام .

و از نسل علی بن جعفر الکذاب : محمد نازوک بن عبدالله بن علی بن جعفر مذکور نسل دارد ، ایشانرا بنونازوک میخوانند ، و در مشهد الکاظم علیه السلام میباشند و غیر آنجا ، و بعضی نسباً بن توهّم کردند که الحسن بن نازوک را « الحسن کیا » میخوانند و او را نسل است . و شیخ ما نقیب تاج الدین فرمود که الحسن بن نازوک نسل ندارد .

و نسل ادريس بن جعفر الکذاب و عدد در ایشانست و ایشانرا قواسم میخوانند نسبت بجده ایشان قاسم بن ادريس ، و نسل قاسم از چند پسرند : از ایشان ابوالعساف ^۵ حسین بن القاسم مذکور از نسل او الجواشنه نسل جوشن بن اُبی الماجد محمد بن القاسم بن اُبی العساف ، و الفلیتات نسل فلیته بن علی بن الحسن بن علی بن القاسم مذکور ، و البلور نسل بدر بن قائد برادر فلیته ، و المواجد نسل ماجد بن عبدالرحمن بن القاسم . از ایشان : السید یحیی بن شریف بن بشیر بن ماجد بن عطیه بن یعلی بن دُید بن ماجد نسل

۱ - مدعی ابا البنین ، لانه اولد مائة وعشرين ولد آ . عمدة الطالب .

۲ - نسخه ها مغشوش است از عمده آوردیم . ۳ - ب : ابوالعشاف .

دارد، و در حله میباشند. و از مواجد بنو کعب و ایشان فرزندان محمد کعب بن علی بن الحسن بن راشد بن المفضل بن دُؤید بن ماجد در مشهد امیر المؤمنین علی علیه السلام میباشند [و از ایشانست: عیاش بن قاسم بن ابی العساف مذکور، و برادر او ابوالماجد محمود بن قاسم نسل دارند].

و نسل موسی المبرقع ابن الامام محمد الجواد را رضویان میخوانند، از احمد بن موسی تنهاست [و ایشان در قم اند، مگر اندکی از ایشان که در غیر آنجا میباشند] و سید ابوحرب^۱ دینوری زعم کرد که محمد بن المبرقع نسل دارد، و نسل بنی الخشّاب که در بغداد میباشند با و رسانید، و حال آنکه محمد بن المبرقع دارج است پیش همه^۲ نسابان و فرزند ندارد.

و بقیه^۳ احمد بن موسی المبرقع از ابی عبدالله احمد نقیب قم ابن محمد الأعرج بن احمد بن المبرقع است.

(۲) و نسل ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام از دو پسرند: موسی ابوسُبُحه. و جعفر. و نسل ابی سُبُحه از هشت پسرند، چهار عقب ایشان اندکست و چهار نسل ایشان بسیار است، و ایشان^۴: محمد الأعرج، و احمد الاکبر، و ابراهیم العسکری و الحسن القطعی اند.

۱- از نسل محمد الأعرج: الشریف النقیب الطاهر ذوالمناقب ابوالاحمد الحسن بن موسی الأبرش بن محمد الأعرج، نقیب النقباء بود و امیرالحاج^۵ و صاحب دیوان المظالم، و دو پسرش: الشریف ابوالقاسم علی المرتضی، و ابوالحسن محمد الرضی^۶، مناصب پدر بایشان تعلق داشته است و هر دو فاضل بودند و تصانیف بسیار دارند، از جمله نهج البلاغه تصنیف الرضی و الدرر و الغرر تصنیف المرتضی و غیر آن، و هر دو منقرض شدند. اما عم^۷ ایشان ابو عبدالله احمد بن موسی الأبرش نسل دارد و ایشانرا بنوالموسوی میخوانند، و در بغداد میباشند.

۱ - ب: مید حسن دینوری. ۲ - یعنی چهار نفر که نسل آنها بسیار است.

۲- و نسل احمد الاکبر بن ابی سبّحه از سه پسرند: الحسین الوصی^۱، و ابراهیم، و علی^۲ الاحول. از نسل علی^۲ الاحول: رافع بن فضایل بن علی^۳ بن حمزة القصیر بن احمد بن حمزة بن علی^۴ الاحول، نسل او را آل رافع میخوانند. و فضایل بن رافع مذکور نسل دارد، از ایشان بنو قویسم ابی القاسم علی بن علی بن محمد بن فضایل بن رافع در مشهد علی علیه السلام میباشند. و از نسل ابراهیم بن احمد الاکبر ابو احمد محمد بن ابراهیم، چشم او ازرق بود و نسل او را بنو الازرق میخوانند، و بعضی شیخ الشیوخ مشهور الافاق سیدی احمد بن الرفاعی^۲ را نسبت کردند به حسین بن احمد الاکبر، و گفتند که او احمد بن علی بن یحیی بن ثابت بن حازم بن علی^۳ بن الحسین بن المهدي بن ابی القاسم محمد بن الحسین مذکور است، و شیخ ما نقیب تاج الدین رحمه الله میفرمود که «هیچ کدام از علماء نسب نگفت که این حسین نسل دارد، و سید احمد بن الرفاعی این نسب را دعوی نفی نمود، و بنیاد این دعوی از بطن سیوم از دختر- زادگان او شد والله اعلم».

۳- و نسل ابراهیم العسکری بن ابی سبّحه بسیارند، از ایشان: ابو عبدالله الحسین حرّقه^۲ بن ابراهیم، و پسرش احمد او را ممتّع میخوانند، و نسل ایشانرا بنو حرّقه و بنو الممتّع میخوانند. و ابوطالب المحسن بن ابراهیم العسکری نسل دارد در شیراز میباشند. و ابو عبدالله اسحاق بن ابراهیم العسکری در آبه می بود و نسل دارد، و الحسین بن احمد بن موسی بن اسحاق مذکور نسل دارد. از ایشان بنو محسن در مشهد علی میباشند. و از نسل موسی بن اسحاق بن ابراهیم العسکری: مهدی الجوهري در بخارا بود، پسر اسحاق بن موسی. و شیخ ابوالحسن عمری و ابن طباطبا و ابن میمون الواسطی و طبقه ایشان یاد نکردند که مهدی الجوهري را غیر از هادی است و فرزند نداشته است، اما شیخ سید رضی الدین ابن قتاده الحسنی در مشجره^۲ خود نوشت «اسماعیل بن مهدی الجوهري» و نسل اسماعیل را اثبات کرد، و شیخ ما نقیب تاج -

۱ - عمده: العرضی. ۲ - از بزرگان طریقت است و در ۷۸ هـ وفات یافت.

۳ - ضبط از الف، و در عمده: خرقه.

- الدین بنا بر این فرمود که مهدی الجوهری را نسلی است در بلاد العجم در ابرقو و غیر آن والله اعلم .

۴ - و نسل الحسین القطعی بن ابی سبحه منتهی میشود به ابی الحسن علی که او را ابن الدیلمیه میخوانند ، پسر ابی طاهر عبدالله بن ابی الحسن محمد المحدث بن ابی الطیب طاهر بن الحسین القطعی . و نسل علی ابن الدیلمیه از سه پسرند : ابوالحارث محمد ، و الحسین الاشقر ، و الحسن که او را « برکه » میخوانند . از نسل ابی الحارث محمد : بنو عبدالله بن ابی الحارث در مشهد الحسین میباشند ، و نسل عبدالله از چهار پسرند : علی الحائری جد آل دُخینه و جعفر بن حمزه بن جعفر دُخینه بن احمد بن جعفر علی الحائری است ، و النفیس جد آل النفیس ، و ابوالسعادات محمد جد آل ابی السعادات ، و ابوالحارث محمد از نسل او آل زحیک و او یحیی بن منصور بن محمد بن یحیی بن ابی الحارث محمد مذکور است . و همه در مشهد حسین میباشند ، و از ایشان فخذی بکوفه منتقل شدند و اکنون در مشهد علی میباشند ، و ایشان را بنو طویل الباع میخوانند ، و « طویل الباع » لقب محمد بن محمد بن یحیی بن ابی الحارث محمد مذکور است .
و از نسل الحسین الاشقر بن علی ابن الدیلمیه : حیدر بن الحسن بن علی بن علی بن الحسین الاشقر در مشهد الکاظم بود .

و از نسل الحسن برکه بن علی ابن الدیلمیه : علاء الدین علی بن محمد بن الحسین بن هبة الله بن علی بن الحسن مذکور در دمشق بود و او را برادران و پسران است .

۳) و نسل محمد العابد بن موسی الکاظم علیه السلام از ابراهیم المجاب تنها . و ابراهیم از سه پسرند ، و بقیه او از محمد الحائری بن ابراهیم ، و نسل او از سه پسرند : الحسین شیتی^۱ و احمد ، و الحسن .

و نسل الحسین شیتی ازدو پسرند : ابوالغنائم محمد ، و میمون الشجی^۲ القصیر . از نسل ابی الغنائم محمد : آل شیتی ، و آل فخار ، و آل نزار ، و آل ابی المجد ، و همه در مشهد حسین و حله میباشند . و از نسل میمون القصیر : آل وهیب ، و آل باقی ، و آل الصّول .

و نسل احمد بن محمد العابد را بنواحمد میخوانند و در مشهد حسین میباشند، و نسل او از علی المجذور تنها. و نسل علی المجذور از دو پسرند: هبة الله و محمد، از نسل محمد: آل ابی الفائز محمد بن محمد بن علی بن محمد مذکور. و بنو ابی مزن علی بن حسن بن محمد بن محمد مذکور. و از نسل هبة الله بن علی المجذور: بنو الرضی علی بن هبة الله، و بنو الاشرف بن علی بن هبة الله، و آل ابی الحارث محمد بن علی بن هبة الله.

و نسل الحسن بن محمد العابد از سه پسرند: ابو الطیب احمد، و علی الضخم^۱ و محمد الضریر. نسل محمد را بنو الضریر میخوانند، و الضریر پسر محمد است، و از نسل علی الضخم آل ابی الحمرا محمد بن علی بن علی الضخم. و نسل ابی الطیب احمد از سه پسرند: ابو فویره، و معصوم، و الحسن برکه.

از نسل ابی فویره: آل ابی عوانه منقرض شدند، و آل بلاله الحسن بن عبدالله بن محمد بن ابی فویره بقیه دارند در حله. و ایشانرا بنی قتاده میخوانند، نسل قتاده محمد بن علی بن کامل بن سالم بن بلاله. و بنو ابی مضر محمد بن ابی تغلب^۲ محمد بن ابو فویره، از ایشان آل بشیر و او ابن سعد الله بن الحسن بن هبة الله بن ابی مضر و آل ابی مضر محمد بن هبة الله بن محمد بن ابی مضر، و آل خترش^۳ محمد بن ابی مضر محمد بن هبة الله بن محمد بن ابی مضر، و آل ابی رقه^۴ الحسن بن ابی مضر دوّم مذکور. و همه در حله و حائر میباشند.

و نسل معصوم بن ابی الطیب آل معصوم میخوانند و در حله و مشهد حسین میباشند.

و نسل الحسن برکه بن ابی الطیب جدّ آل الاخرس ابو الفتح بن ابی محمد بن ابراهیم بن ابی الفتیان بن عبدالله بن الحسن برکه از ایشان: الفقیه شمس الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد بن الاخرس، بعد از وفات احمد بن علی بن محمد بن الاخرس

۱ - ب: الضحی. ۲ - ب: ابی الطیب. ۳ - الف: خترش. عمده:

حترش. ۴ - ضبط از الف. عمده: ابی ریه.

یکی دعوی کرد که پسر اوست ، و نزاع با فقیه شمس الدین محمد کرد ، و نسب او باطل شد . و بعد از آن دیگری مصرّ بر این دعوی بود .

۴) و نسل جعفر الخوّاری^۱ ابن موسی الکاظم را خواریان میخوانند و شجریان نیز، و ایشان از دو پسرند : موسی اللّٰحق والحسن، و نسل موسی اللّٰحق از حسن اللّٰحق جدّ آل المکلیط در حله و مشهد الحسین و حجاز میباشند ، و نام الملیط محمد بن مسلم بن محمد بن موسی بن علی بن جعفر بن اللّٰحق است . و از فرزندان اللّٰحق علی الخوّاری نسل دارد از دوازده پسر ، از ایشان موسی نسل بسیار دارد، از ایشان بنو فاتک بن علی بن سالم بن صُبّره بن موسی مذکور ایشانرا فواتک میخوانند .

۵) و نسل زید النار بن موسی الکاظم علیه السلام در قول غیرابی نصر البخاری از چهار پسرند : الحسن و نسل او در مغرب میباشند . والحسین المحدث ، و جعفر ، و موسی الاَصمّ .

از نسل موسی الاَصمّ : موسی خردل بن زید بن موسی الاَصمّ و از موسی خردل : محمد صعب^۲ بن محمد بن موسی نسل دارد و ایشانرا بنو صعب میخوانند . و از ایشان بنو مکارم در مشهد علی میباشند ، و ایشان نسل مکارم بن علی بن حمزه بن محمد صعب اند . و در مشهد علی و بغداد قومی منتسب می شوند به علی بن محمد بن موسی خردل ، و حال آنکه هیچ نسبّه این علی را یاد نکرد و الله اعلم .

و از نسل جعفر بن زید النار : زید بن علی بن جعفر ، در اوسخنی است . و نسل او در اَرّجان اند .

و از نسل الحسین المحدث بن زید النار : زید بن [محمد بن زید بن] الحسین مذکور فرزند دارد ، و یکی جعفر نام دعوی کرد که فرزند اوست و دروغ میگفت ، و او را در قزوین نسلی است . و این دروغگو برادری نیز داشت هاشم نام ، و نسل دارد .

۶) و نسل عبدالله بن الکاظم علیه السلام از موسی و محمد . نسل محمد فی «صح»

و از نسل موسی : جعفر الاسود که او را « زنقاح » میخوانند . پسر محمد بن موسی مذکور ، از نسل او محمد الضریر بن عبدالله بن زنقاح او را ابن العمریه میخوانند ، و نسل او باین معروفند . و از ایشان بنو ناصر بن محمد بن احمد بن عبیدالله^۱ بن زنقاح در بیاری بودند و بقیه دارند .

۷) و نسل عبیدالله بن الکاظم از چند پسرند : از ایشان موسی بن عبیدالله منقرض شد . و از ایشان : علی بن عبیدالله ، از نسل او محمد بن حمزه بن علی بن حمزه بن علی مذکور او را یک پسر بیش نبود ابراهیم نام و دارج شد ، و ابوالمختار حمزه الفقیه المصری در شیراز باو منتسب شد و گفت « منم ابن الربیع بن محمد بن حمزه مذکور » و در جریده شیراز ثابت شد ، و بسیار از سادات آنجا او را دفع کردند والله اعلم . و از ایشان زرقان عبیدالله بن القاسم بن عبیدالله در ری بود و نسل دارد . و از ایشان ابوالقاسم جعفر بن عبیدالله و او را ابن ام کلثوم [میخوانند و این ام کلثوم] عمه او بود او را بزرگ کرد و نسل منتشر دارد ، از ایشان : ابوالدنیا ، و نام او ابوالقاسم الحسین بن علی بن ابی الطیب احمد بن محمد بن جعفر مذکور بود ، و نسل دارد و بیشتر ایشان در حجاز بودند . و از ایشان محمد الیمامی (و بعضی الیمانی میگویند) پسر عبیدالله نسل منتشر دارد . از ایشان : جعفر الجمال بن محمد عماد الدار ابن ابراهیم بن محمد الیمامی نسل دارد ، از ایشان : ابو جعفر محمد بن موسی بن محمد بن جعفر الجمال نسل دارد و در مصر میباشند . و از ایشان : ابوالفایز الحسین بن عبدالله بن جعفر الجمال در شیراز نسل دارد . و از ایشان قاضی مکه : ابو جعفر ابراهیم بن اسماعیل بن جعفر الجمال نسل دارد و در مصر میباشند .

۸) و نسل حمزه بن موسی الکاظم از دو پسرند : حمزه و القاسم ، و او را پسری دیگر است : علی بن حمزه ، که در باب اصطخر در خارج شیراز مدفونست اما نسل ندارد . و بقیه حمزه از القاسم بن حمزه و او را « اعرابی » میخوانند . از نسل او : احمد بن محمد بن القاسم مذکور او را چند پسر است ، از ایشان : موسی ، و اسماعیل

و محمد مجذور نسل دارند ، از ایشان : نقباء طوس و سادات آنجا . از ایشان : ابو جعفر محمد بن موسی بن احمد مذکور نقیب طوس و نسل دارد . و جمعی که ایشانرا کوکیه میخوانند دعوی کردند که ازین خاندان اند و دروغ میگویند ، و دعوی ایشان به محمد المجذور پسر احمد بن محمد بن القاسم مذکور است و چهار برادر او نام ایشان : الحسین و عبدالله و علی العباس . و احمد بن محمد مذکور نسل دارد ، و ابن زیاده الأفطسی نفی ایشان کرد . و از فرزندان محمد بن القاسم بن حمزه : صدرالدین حمزه الدفتردار است که او را در واقعه الوزیر سعدالدین الساجی کور کردند .

۹) و نسل العباس بن موسی الکاظم از قاسم که در شوش مدفونست و بغایت اندک اند .

۱۰) و نسل هارون بن موسی الکاظم در قول غیرابی نصر بخاری از احمد بن هارون تنها . و نسل هارون از محمد تنها . و ابو القاسم المصمّم صاحب الغلاة به موسی بن احمد بن هارون منتسب شده است ، و دروغ گفتست . و قبر او را درری زیارت میکنند بی اصل و تحقیق . و نسل محمد بن احمد بن هارون از سه پسرند : الحسن و جعفر و موسی ، از ایشان : قاضی المدینه و نقیب آنجا جعفر بن الحسن بن محمد مذکور نسل دارد . و نسل هارون بغایت اندک است .

۱۱) و نسل اسحاق الأمیر بن الکاظم علیه السلام از جمعی از ایشان : العباس بن اسحاق ، و از نسل او : اسحاق المهلوس بن العباس . و از ایشان : ابوطالب محمد الزاهد الحدّاد پسر علی بن اسحاق المهلوس نسل دارد .

۱۳) و از نسل اسحاق بن الکاظم علیه السلام : بنو الوارث جعفر بن محمد الصورانی بن الحسن بن الحسین بن اسحاق بن الکاظم .

۱۲) و نسل اسماعیل بن الکاظم علیه السلام اندک اند ، و ایشان از موسی بن اسماعیل اند از فرزندان او جعفر بن موسی بن اسماعیل او را « ابن کلثم » میخوانند ،

و نسل او را کلثمیان میخوانند و در مصر و شام میباشند از ایشان : « بنوالسمسار و بنو أبی‌العساف و بنونسیب الدوله و بنوالورّاق اند .

(۱۳) و نسل الحسن بن موسی الکاظم علیه‌السلام بیشتر آنکه منقرض شدند ، از ایشان : علی العرّزمی بن محمد بن جعفر بن الحسن مذکور . و ابو عبدالله بن طباطبا میگوید که « نمیشناسم از نسل الحسن بن الکاظم بغیر از علی‌العرزمی و اگر کسی دیگر دعوی میکند بینه بر اوست » .

• (و نسل اسماعیل بن جعفر الصادق علیه‌السلام (و پیش از وفات پدر به بیست سال وفات یافت) از محمد و علی .

(۱) و این محمد قصد عم خود موسی پیش هارون الرشید بسیار میگردد . و نسل او از دو پسرند : اسماعیل الثانی ، و جعفر الشاعر .

۱ - از نسل جعفر : بنو البَغِیض ' جعفر بن الحسن بن محمد بن جعفر الشاعر ، و در مصر میباشند و بسیارند . و شیخ ابوالحسن عمّری فرمود که « از آن قوم که در مغرب اند و تواند بود که او را عقب باشد ، و واجبت که تکذیب کسی که بایشان منتسب شود نکنند بلکه مطالبت او کنیم بصحّت دعوی ، سه نفرند : احمد ابوالشلعلع ، و جعفر ، و اسماعیل فرزندان محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن الصادق علیه‌السلام » . و در نسب خلفاء مصر خلاف بسیار است و عباسیان ایشانرا نفی کردند و محضرها نوشتند درین باب ، و بدان منضم کردند آنچه بایشان نسبت میکنند از الحاد و سوء اعتقاد ، و بسیار از علماء در تصانیف خود نفی ایشان کردند . و آنچه گفتند در باب ایشان از طعن راست نمی‌آید ، از بهر آنکه مبنی است بر آنکه « اول خلفاء ایشان مهدی عیبدالله پسر محمد بن اسماعیل است لصلبه و زمان او احتمال آن ندارد » بلکه بعضی مبالغه کردند در آنکه اسماعیل بن الصادق علیه‌السلام را عقب نیست ، و این محض دروغ است ، و سید رضی الدین موسوی باجلالت قدر تصحیح نسب ایشان در شعر خود کرد چون میگوید :

ما مُقامی علی الهَوَانِ و عندی
مِقْوَلٌ صَارُمٌ و أَنْفٌ حَمِیٌّ
أَحْمِلُ الضَّیْمَ فِی بِلَادِ الْأَعَادِی
و بمصرَ الخلیفه العلوٰی
مَنْ أبوه أبی ، و من جدّه جدّه
ی اذا ضامنّی البعید القصی^۱

و در محضرى كه عباسیان نوشتند بنفى ایشان نوشت ، و در آن با او بحث بسیار رفت . و ابن الأثیر الجزرى صاحب تاریخ « کامل » میل تمام دارد بصحّت نسب ایشان ، و دور نمیگوید بلکه صحّت نسب ایشان نزدیکست ، و بعضی نسببان جزم بصحّت آن کردند و الله اعلم .

و اوّل ایشان : ابو محمد عبید الله مهدی ظاهر شد در سجّیلماسه^۲ از زمین مغرب ، روز یکشنبه هفتم ذی الحجه سنه^۳ دویست و نودشش از هجرت و شهر « مهدیه » را عمارت کرد و بآنجا منتقل شد و إفريقياه را در حکم خود آورد ، و پسر خود را فرستاد تا اسکندریه را بگیرد و بعضی اعمال صعیّد ، و بعضی روایات در نسب او آنکه پسر جعفر البغیض مذکور است^۴ .

و بعد از او پسرش القائم^۵ ابو القاسم محمد^۶ .

پس پسرش المنصور ابوطاهر اسماعیل^۷ .

پس پسرش المعزّ ابوتیمیم معدّ^۸ ، و او اوّل کسی است که در مصر خلافت کرد از ایشان و بآنجا منتقل شد سال سیصد و شصت و دو از هجرت^۹ .

پس پسر او العزیز ابو منصور نیزار^{۱۰} .

پس پسرش الحاکم ابو علی منصور^{۱۱} .

پس پسرش الظاهر ابو الحسن علی^{۱۲} .

۱ - ضایه : ظلمه . ۲ - نسخه ها مغشوش است از مراد اطلاع اصلاح

شد . ۳ - وفات مهدی ۳۲۲ . ۴ - ب : العالم . ۵ - وفات

قائم ۳۳۳ . ۶ - وفات منصور ۳۴۱ . ۷ - وفات معز ۳۶۵ .

۸ - وفات عزیز ۳۸۶ . ۹ - وفات حاکم ۴۱۱ . ۱۰ - وفات ظاهر ۴۲۷ .

پس پسرش المستنصر ابوتیمیم معد^۱ .

پس پسرش المستعلی ابوطاهر اسماعیل . چنین فرمود شیخ ما . نقیب تاج الدین رحمه الله ، و بعضی گفتند : ابوالقاسم احمد^۲ .

[پس پسر برادر او] الامیر ابوالحسن علی بن الامیر ابی القاسم محمد بن المستنصر ، در قول نقیب تاج الدین شیخ ما . و بعضی گفتند : ابوعلی منصور بن احمد بن معد^۳ .

پس الحافظ ابوالمیمون عبدالمجید بن ابی القاسم محمد بن المستنصر^۴ .

پس پسرش الظافر^۵ ابومنصور اسماعیل^۶ .

پس پسرش الفائز ابوالقاسم عیسی^۷ .

پس العاضد ابومحمد عبدالله بن ابی الحجاج یوسف بن الحافظ ، و او آخر ایشانست^۸ ، و صلاح الدین بن ایوب^۹ او را بگرفت سنه^{۱۰} پانصد و شصت و هفت از هجرت ، و خطبه در مصر بنام عباسیان کرد . و مدت خلافت ایشان از اول خلافت مهدی تا عاضد را بگرفتند دویست و هفتاد و یک سال بود ، ازین مدت دویست و شش سال در مصر بودند .

و از ایشان : المصطفی لدین الله نیز از بن المستنصر بالله معد بن علی بن الحاکم . از نسل او علاء الدین محمد صاحب قلعه^{۱۱} « الموت » پسر جلال الدین حسن بن علاء الدین محمد بن ابی عبدالله حسین بن المصطفی مذکور . و پسرش « خورشاه » مغولان او را بکشتند . و قاضی ناصر الدین بیضاوی آورده که علاء الدین صاحب قلعه^{۱۲} الموت از نسل المصطفی نیست . والله اعلم .

۱ - وفات مستنصر ۵۸۷ . ۲ - مستعلی لقب این احمد است و در سنه ۵۹۵ :

وفات یافت . ۳ - لقب این منصور آمر است و در سنه ۵۲۴ وفات یافت .

۴ - وفات حافظ ۵۴۴ . ۵ - ب : الظاهر . ۶ - وفات ظافر ۵۴۹ .

۷ - وفات فائز ۵۵۵ . ۸ - وفات عاضد ۵۶۷ . ۹ - الف : صلاح الدین

ابی ایوب . ۱۰ - درستان السیاحه گفته : صحیح الموت است بمعنی آشیانه عقاب .

۲ - و نسل اسماعیل الثانی بن محمد بن اسماعیل بن الصادق علیه السلام از دو پسرند : محمد و احمد .

از نسل محمد : الحسن صَبُوخَه^۱ بن محمد بن محمد مذکور . از نسل او بنو تمام که در سُورَا وحله میباشند ، نسل اَبی منصور تمام بن محمد بن هبة الله بن محمد بن محمد بن المبارك بن مسلم بن علی بن الحسین بن الحسن بن الحسن صَبُوخَه . و از ایشان جماعتی در بطائح فرات میباشند و با قبیله زُبَید بسر میرند ، و بنو البرّاز که در حله میباشند نسل بَرّ که البرّاز بن معمر بن مرجان بن المعمر بن محمد بن زید الضریر بن محمد صَبُوخَه بن الحسن بن الحسن صَبُوخَه .

و از نسل احمد بن اسماعیل الثانی : الحسن المنتوف ، و اسماعیل الثالث پسران احمد . از نسل الحسن المنتوف بنو المنتوف جماعتی بسیارند و در مصر و غیر آن میباشند . و نسل اسماعیل الثالث از چهار پسرند : ابو جعفر محمد ، از نسل موسی المکحول بن ابی جعفر مذکور ، نسل او را بنو المکحول میخوانند ، از ایشان : نورالدین ابراهیم بن تللو^۲ النسّابه در مصر بود ، و نام تللو یحیی بن محمد بن موسی بن محمد بن ابراهیم [بن یحیی بن ابراهیم] بن موسی المکحول است . و ابو القاسم حماقات نسل او را بنو حماقات میخوانند . و علی حرکات نسل او را بنو حرکات میخوانند . و احمد عاقلین نسل او را بنو عاقلین میخوانند .

۲) و از نسل علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام : ابو الحسن الحسین بن علی بن محمد بن علی مذکور نسل بسیار دارد ، در دمشق و عراق عرب میباشند . از ایشان : الحسین السیبی^۳ بن علی نقیب الدین نور ابن الحسن بن ابی الجنّ و از ایشان بنو مفرح بن معد^۴ بن الحسن بن حمزه نقیب الاهواز ابن المحسن بن علی نقیب الدین نور . و از ایشانست [بنو الزکیّ و ابو المعالی بن علی بن عبد الرحمن بن علی بن

۱ - ضبط از الف . و کتب در ضبط این کلمه مختلف است . ۲ - نقطه گذاری

از عمده . ۳ - کذا فی ب و العمده . و در نسخه الف الشئی . ۴ - در عمده :

ابو مفرج و هو معد .

عبدالمحسن بن طریف بن علی بن حمزه [. و از ایشان بنوالتقی و او ابن علی بن حمزه نقیب‌الاهواز . و از ایشان قضات دمشق و نقباء آنجا .

• (و نسل علی‌العرّیضی بن جعفرالصّادق علیه‌السلام ، که بغایت عالم بود و زنده بماند تا زمان الهادی علی بن محمد بن الرضا علیهم‌السلام ، و نسبت او به عرّیض دیهی بر چهار فرسنگی^۱ مدینه است . و نسل او از چهار پسرند : محمد ، و احمد الشعرانی ، و حسن ، و جعفر الأصغر .

(۱) نسل جعفر اندک اند ، و بیشتر آنکه منقرض شدند .

(۲) و از نسل الحسین بن العرّیضی : داود بن الحسن بن علی بن یحیی بن الحسین بن علی بن عبدالله بن الحسن مذکور نسل دارد ، از ایشان بنو بهاء الدین در مَذار^۲ بودند ، و بقیّه دارند . و بنو فخر و بنو سخی^۳ و بقیّه دارند ، و غیر ایشان .

(۳) و از فرزندان احمد الشعرانی بن العرّیضی محمد نسل دارد و حسین نسل دارد . از ایشان : الحسین الخدوعی^۴ بن احمد صاحب السجّاده ، از نسل او اسماعیل بن احمد بن الحسین مذکور . شیخ ابوالحسن عمّری و طبقه او او را یاد نکردند و او را در ابرقه نسلست ، والله اعلم .

و از نسل احمد الشعرانی نیز : عبیدالله بن احمد نسل دارد ، از ایشان : المحسن بن علی بن محمد بن علی بن عبیدالله مذکور ، نسل او از دو پسرند : ابوالقاسم عبدالمطلب ، و ابوالعشایر اسماعیل . و نسل هر دو در یزد میباشند و غیر آنجا . از نسل عبدالمطلب : جلال‌الدین حسین شاعر که مشهور است به « جلال عَضُد » و او پسر الأمير عضدالدین محمد بن ابی یعلی بن ابی‌القاسم المجتبی^۵ بن المرتضی النقیب بن سلیمان بن المجتبی بن ابی‌محمد المرتضی بن سلیمان بن حمزه بن عبدالمطلب مذکور نسل دارد . و از ایشان : أبوطالب طاهر بن علی بن محمد بن علی بن عبیدالله

۱ - در عمده : قرية علی اربعة اميال من المدينة . و همین اوفق است .

۲ - الف : مدّار . و مَذار زمینی نزدیک کوفه است . ۳ - عمده : بنو یحیی .

۴ - عمده : الخدوعی . ۵ - ب : المحسن .

نیز نسل دارد . و از ایشان : السید الجلیل النقیب القاضی (صاحب الخیرات والمبرّات و العمارات الجلیله در یزد و غیر آن) شمس الدین محمد بن السید الجلیل رکن الدین محمد بن قوام الدین محمد بن النقیب النظام بن [اَبی محمد شرفشاه بن اَبی المعالی عربشاه بن] اَبی محمد بن اَبی الطیب زید بن اَبی محمد الحسن بن احمد بن عبیدالله بن اَبی جعفر محمد بن علی بن عبیدالله بن احمد الشعرائی و سید شمس الدین [میناث] است [پسر ندارد] .

۴) و نسل محمد بن العریضی بسیارند و متفرّقند در بلاد . از ایشان در مدینه نسل یحیی المحدث بن یحیی بن اَبی الحسین عیسی الرومیّ الاکبر بن محمد مذکور [از نسل محمد بن العریضی است : ابوتراب علی بن عیسی الاکبر ، و او را عقب است ، از ایشان : جعفر الناسب بن حمزه الفقیه بن الحسین بن علی مذکور نسل دارد . و از ایشان : موسی بن عیسی الاکبر نسل دارد . و از ایشان : اسحاق بن عیسی نسل دارد] . و از ایشان : اَبو محمد الحسن المحدث بن عیسی الاکبر مذکور نسل دارد . و الحسن الجبلی بن عیسی الاکبر نسل دارد . از ایشان در تَفَرّش از فراهان : اَبویعلی بن مهدی بن محمد بن الحسین امیر کابن علی بن الحسین مذکور نسل دارد . و محمد بن محسن بن محمد بن الحسین مذکور نسل دارد . و عیسی کور^۲ بن محمد بن الحسین نسل دارد . و احمد الاتجّ بن عیسی الاکبر نسل دارد . و عیسی الأزرق الرومیّ الثاني بن محمد بن عیسی الاکبر مذکور نسل دارد . از ایشان : بنو نَوايه^۳ نسل علی نَوايه ، و نَوايه مادر او و پدرش محمد بن احمد بن محمد بن الحسن بن علی بن الحسن بن عیسی الثاني و بنو المختصّ اَبو منصور علی بن محمد بن محمد بن علی بن علی بن نَوايه مذکور . و از ایشان مدّاح اهل البیت که معروفست بابن الحاتم^۴ و او محمد بن علی بن محمد بن علی بن علی بن نَوايه نسل دارد .

(*) و نسل محمد المأمون بن جعفر الصادق علیه السلام و او را « دیاج » میخوانند

۱ - یعنی دختر دارد و پسر ندارد . ۲ - الف : عیسی نور . ۳ - ضم نون

از الف . ۴ - الف : الحاتم .

از چند پسرند : از ایشان علیّ الخارصی^۱ از نسل او بنوالباطقی منسوب به باب‌الطاق ، و او ابوالحسن علیّ بن احمد بن الحسین بن احمد بن جعفر الوحش بن محمد الجمال بن جعفر بن الحسین بن علیّ الخارصی است ، و از نسل او نیز « الجور »^۲ و او در قول ابی الحسن العمری^۳ : محمد بن الحسین بن علیّ الخارصی است . و فرمود که : « نسابان طعن در او کردند » والله اعلم . و جور را نسل بسیار است و ایشانرا گور سرخیان میخوانند .

و از نسل محمد الدیاج : القاسم الشبیه بن محمد ، از نسل او بنوطیّاره و او ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالله بن القاسم مذکور است و نسل دارد ، و بیشتر ایشان در مصر میباشند . و علیّ بن القاسم الشبیه مذکور نسل او را بنوالعروس میخوانند و بنو الخوارزمیه ، و بیشتر ایشان در مصرند . و از ایشان در جرجان : علیّ بن محمد بن علیّ بن محمد بن علیّ بن القاسم الشبیه ، بعضی گفتند که نسل ندارد ، اما سید رضی الدین ابن قتادة الحسینی در مشجره خود یاد کرد که « او را حسن و عقیل و ابوطالب و زید الزاهد است » و هشت پسر از آن زید الزاهد یاد کرد . و نسل زید در کرمان و خبیص و بَم میباشند . و از نسل القاسم الشبیه نیز : یحیی الزاهد بن القاسم نسل دارد و در مصرند ، و ایشانرا بنوماجن میخوانند . و از ایشان نیز : احمد بن محمد بن یحیی الزاهد نسل دارد .

ه) و نسل اسحاق^۴ بن جعفر الصادق علیه السلام اندک اند ، و از سه پسر نسل دارد : محمد ، و الحسن ، و الحسین .

از بنی محمد بنو الوارث در ری اند ، و نام او احمد بن محمد بن محمد بن حمزه بن محمد مذکور است .

و نسل الحسن در مصر و نصیبین میباشند .

و جمهور نسل اسحاق بن الصادق علیه السلام منتهی میشود بابی ابراهیم العالم

۳ - این اسحاق

۲ - معرب « گور » .

۱ - ب : العارضی .

ملقب به « مؤتمن » است .

الشاعر ممدوح معری^۱ . و نام او محمد الحرّانی بن احمد الحجازی بن محمد بن الحسین بن اسحاق بن الصادق علیه السلام است . و نسل او اکنون از دو پسرند : أبو عبدالله جعفر نقیب حلب ، و ابوسالم محمد .

از نسل ابی سالم بنوزهره ابوالحسن بن ابی المواهب علی بن ابی سالم ، و در حلب میباشند و وجاهت و نقابت دارند .

و از نسل ابی عبدالله جعفر بنوحاجب الباب شرف الدین ابی القاسم الفضل بن یحیی بن ابی علی عبدالله نقیب حلب ابن جعفر بن ابی تراب بن زید بن جعفر مذکور ، عالم بود و حافظ کتاب الله و حاجب « باب التوبی » در بغداد بود ، و خویشان ایشان در حلب میباشند .

سبط دوم

(از نسل ابی عبدالله الحسین الشهید بن علی بن ابی طالب علیه السلام ،

نسل عبدالله الباهر بن زین العابدین است)

و او را « باهر » میگفتند از بهر آنکه بغایت صاحب جمال بود ، و مادر او مادر برادرش محمد الباقر علیه السلام ، و نسل او اندک اند ، و از محمد الأرقط تنها . و نسل محمد از اسماعیل تنها . و نسل اسماعیل از دو پسرند : حسین البنفسج ، و محمد .

۱ - از نسل حسین البنفسج : اسماعیل الدّخّ بن حسین . و نسل اسماعیل منتهی میشود به عبدالله بن الحسین بن اسماعیل . و نسل عبدالله از دو پسرند : حمزة الأضمّ و علی در دارا ، و بیشتر نسل او در ری و جرجان میباشند .

۲ - و از نسل محمد بن اسماعیل بن الأرقط : اسماعیل الناصب ، و احمد الدّخّ فرزندان محمد . از فرزندان احمد الدّخّ : عبدالله در ایام المستعین بالله العبّاسی خروج کرد و او را بگرفتند و به سرّ من رأی بردند و نسل دارد ، و بقیه ایشان در مصر

میباشند . و از نسل احمد الدخ^۱ : حمزه بن احمد نسل دارد ، از ایشان : ابوالحسن علی الزکی نقیب‌الری^۲ ابن ابی‌الفضل محمد بن ابی‌القاسم علی^۳ نقیب قم ابن محمد بن حمزه مذکور نسل دارد ، از ایشان نقباء‌الری و ملوک آنجا . از ایشان : عزالدین یحیی بن ابی‌الفضل محمد بن علی^۴ بن محمد بن السید المظهر ذی‌الفخرین بن علی^۵ الزکی مذکور نقیب‌الری^۶ و قم و آمل بود ، و سلطان خوارزمشاه او را بکشت و فرزند دارد . و از فرزندان محمد بن حمزه بن الدخ^۷ : الحسن نسل دارد ، و از فرزندان حمزه [بن] الدخ : ابوالحسن علی^۸ نقیب قم نسل دارد . از نسل احمد الدخ^۹ نیز : ابوجعفر محمد بن احمد نسل دارد ، از ایشان : ابوالحسن احمد بن علی^{۱۰} بن محمد مذکور نقیب‌النقباء بغداد در ایام معزالدوله ابن‌بویه بود . از ایشان : ابوعبدالله جعفر بن احمد الدخ^{۱۱} نسل دارد ، از ایشان : الشریف‌النسابة المصنف ابوالقاسم الحسین بن جعفر الاحول بن الحسین بن جعفر مذکور ، و او را « ابن خداع » میخوانند و این خداع زنی است که جد او حسین بن جعفر را بزرگ کرد پس باو مشهور شد ، و در مصر نسل داشت ، و از ایشان : ابوالحسن علی^{۱۲} الأشط^{۱۳} بن الحسین بن جعفر مذکور نسل دارد . و اسماعیل بن محمد بن موسی بن جعفر مذکور نسل دارد .

سبط سیوم

(از نسل الحسین‌الشهید، نسل ابی‌الحسین زید‌الشهید بن‌زین‌العابدین است).

و بغایت بزرگ و فاضل بود و در ایام هشام بن عبدالملک در کوفه خروج کرد ، و او را بکشتند و چهار سال او را مصلوب داشتند ، و بعد از آن او را بسوختند و خاکستر او در شط^۱ ریختند و طایفه^۲ زیدیه از شیعه بدو منسوبند . و چهار پسر او را بود : یحیی^۳ ، و او را در جو^۴ زجان^۵ شهید کردند^۶ و نسل

۱ - ب بدون نقطه . ۲ - الف - ابی‌الحسن . ۳ - آبادی و سیمی

در اطراف بلخ . ب : جرجان . ۴ - حاشیه ب : و هجده ساله بود .

ندارد . و نسل زید الشہید از سه پسرند : الحسین ذوالدَّمَعہ و ذوالعَبْرہ نیز میگویند .
و عیسیٰ مؤتَمِ الأشبال ، و محمد .

۱) و نسل الحسین ذی الدَّمَعہ از سه پسرند : یحییٰ، والحسین، و علی .
و نسل علی از زید الشبیه النسابہ . و نسل زید النسابہ از دو پسرند : محمد الشبیه، والحسین . و نسل ہر دو را بنو الشبیه میخوانند . و نسل الحسین بن زید الشبیه از دو پسرند : علی الاحول و القاسم البُنّ^۱ . از نسل علی الاحول : أبو الحسین بن الشبیه النسابہ منقرض شدہ است ، و نسل از برادرش عبداللہ بن الحسین بن علی الاحول . و نسل محمد الشبیه بن زید النسابہ از سه پسرند : احمد ، و الحسن الفقیہ، و اسماعیل شیر شیر . از نسل الحسن الفقیہ : بنو الشبیه در بصرہ و حلہ . و از فرزندان احمد : ابو الحسین القاضی داعی إسماعیلیہ ابن محمد بن احمد مذکور نسل دارد .

و از نسل الحسین بن ذی الدَّمَعہ : القاسم بن یحییٰ بن الحسین مذکور نسل دارد ، و الحسن بن محمد اکبر بن الحسین نسل دارد، و الحسین (کہ او را « بُرغوث »^۲ میخوانند) بن أحمد بن محمد بن الحسین نسل دارد .

و نسل یحییٰ بن ذی الدَّمَعہ (و خاندان و عدد در نسل اوست) از ہفت پسرند : سه از ایشان نسل ایشان اندکست : القاسم ، و الحسن الزاہد ، و حمزہ . و چہار نسل ایشان بسیار : محمد الأصغر الأقسامی^۳ ، و عیسیٰ ، و یحییٰ ، و عمر .
۱ - نسل القاسم بن یحییٰ بغایت اندک اند، از ایشان : بنو ابی جعفر [محمد]^۴ الفرّ عُلّ بن عیسیٰ بن محمد بن القاسم مذکور .

۲ - و نسل الحسن الزاہد بن یحییٰ نیز اندک اند، از ایشان : الحسین المعروف بابن ظنک بن علی بن محمد بن الحسین بن الحسن الزاہد معروف است بمادر خود ظنک^۵ . و نسل دارد ، از ایشان : علی بن محمد بن یحییٰ بن محمد بن

۱ - عمدہ « التّن » . ۲ - عمدہ : ہرغوئہ . ب : ہرغوٹ . ۳ - منسوب

بہ أقساس قریہ ای در حوالی کوفہ . ۴ - مخصوص ب . ۵ - ضبط ازالف ، و

در عمدہ : ضنک . و « محمدیہ » منسوب بہ محمد حنفیہ است . عمدہ

الحسین بن محمد بن الحسین مذکور نسل دارد . و از ایشان : ظنک بن محمد بن الحسن بن علی بن الحسن بن محمد بن الحسین مذکور نسل دارد ، و در مشهد الحسین میباشند ، و ایشانرا بنو ظنک میخوانند ، و بعضی گفتند که ایشان از نسل محمد بن الحنفیه اند . والله اعلم .

و از نسل الحسن الزاهد نیز : علی بن الحسین بن علی الشاعری بن محمد بن زید القصیر بن علی بن علی بن محمد بن الحسین [بن محمد بن الحسن] الزاهد نسل دارد ، و در موصل میباشند . و از ایشان : احمد الخالصی بن ابی الغنائم محمد بن زید بن الحسین بن احمد بن محمد [بن] الحسن الزاهد نسل دارد . و از ایشان کسی نماند غیر از بنی مکارم نسل ابی المکارم محمد بن معد بن عبد الباقی بن معد بن ابی المکارم محمد بن احمد الخالصی و در سورا میباشند .

۳ - و نسل حمزه بن یحیی بن ذی الدمه بسیارند ، از ایشان : بنو الامیر نسل علی الامیر بن محمد ورق الجوع^۱ بن یحیی بن الحسین السندی بن علی^۲ دانقین بن الحسین بن علی بن حمزه مذکور . و از ایشان : قاضی حمص ابو علی ابراهیم بن محمد بن محمد بن احمد ذنوب بن علی دانقین مذکور . و پسران او : ابو البرکات عمر ، که در کوفه مشهور است به الشریف عمر ، و معد^۳ ، و هاشم ، و عمار ، و عدنان . عمر نسل دارد . و از نسل برادرش معد بنو المهدب بن معد مذکور . و نسل عمار منقرض شده است ، و شیخ کمال الدین ابن الفوطی در « تلخیص مجمع الألقاب » یاد کرد زین الدین ابو محمد حبیب بن عبد المہمن بن سپاه سالار بن سفیان بن انس بن یحیی بن احمد ذنوب را و گفت « او را در بغداد دیدم [گیلانی] و حنبلی مذهب بود و بزرگان با او مطایبه میکردند از بهر آنکه حنبلی بود » . این سخن اوست ، اما نیافتم در پسران احمد ذنوب یحیی نام ، والله اعلم .

۴ - و نسل محمد الأقسامی بن یحیی بن ذی العبره که بزرگی و نقابت و ریاست داشتند از سه پسرند : محمد بن محمد ، و علی الزاهد ، و احمد الموضع .

نسل احمد الموضح اندک‌اند ، از ایشان : علی بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد مذکور دارج شد بی فرزند ، و سید رضی^۲ الدین المدنی فرمود که « در سنه ششصد و هفتاد و کسری قومی از بلاد عجم رسیدند بمشهد علی^۳ ، و دعوی کردند که از نسل این علی‌ایم و دروغ گفتند » .

و نسل علی الزاهد بن محمد الأقساسی از دو پسرند : ابوجعفر محمد و ابوالطیب احمد ، مادر این احمد : قرّة العین سُرّیتی رومیّه بود ، و نسل او را بنو قرّة العین میخوانند و در واسط میباشند . اما ایشان منتسب میشوند به علی الأحول خادم النقابه ابن محمد بن جعفر بن ابی الطیب احمد مذکور ، و حال آنکه شیخ أبو الحسن عمّری در مبسوط خود گفت که « این علی الأحول در شام وفات یافت از یک دختر و پسر نداشت » والله اعلم .

و نسل ابی جعفر محمد بن علی الزاهد از دو پسرند : ابوالقاسم الحسن الأديب ، و احمد صَعْوَه ، و نسل او را بنو صَعْوَه میخوانند . و نسل ابی القاسم الأديب از کمال الشرف ابی القاسم محمد است که سید مرتضی موسوی نقابت کوفه و اماره الحاج را باو تفویض کرده بود ، و از نسل او : السید العالم الشاعر نقيب النقباء قطب الدین ابو عبدالله الحسین بن علم الدین الحسن النقيب الطاهر بن علی بن حمزه بن کمال الشرف [محمد] مذکور منقرض شد . و از ایشان : ابو محمد الحسن الشاعر بن علی بن حمزه بن محمد بن ابی القاسم الحسن بن کمال الشرف مذکور نسل دارد . و حیدر بن علی بن نصر الله بن علی بن کمال الشرف نسل دارد .

و از نسل محمد بن محمد الأقساسی بنو جو ذاب علی بن محمد مذکور و بنو بُرَج ابوطالب الحسین بن علی جو ذاب و بقیّه دارند .

ه - و نسل عیسی بن یحیی بن ذی الدّمعه بسیارند و از شش پسرند : احمد ، و محمد الأعلم ، و الحسین الأحول ، و یحیی ، و زید ، و علی^۴ .

از فرزندان احمد : الحسن بن احمد ، از نسل [او] بنو الغلق محمد بن احمد بن

الحسن مذکور، و از ایشان بنو عرقالہ^۱ ابوطالب محمد وجع العین بن الحسن المفلوج بن محمد الغلق مذکور، از ایشان بنو الأبر محمد بن مفضل بن ابی طالب محمد وجع العین در حلقہ میباشند. و از نسل احمد نیز: ابوتغلب محمد بن الحسین بن علی المسن بن علی بن محمد بن زید بن احمد مذکور، و ایشانرا بنو ابی تغلب میخوانند و از ایشان: ناصر بن ابی الفتح محمد بن علی بن احمد مذکور نسل دارد و ایشانرا بنوناصر میخوانند و در عکبرا بودند. و از ایشان: عیسی بن محمد بن علی بن احمد مذکور نسل دارد.

و از نسل محمد الاعلم بن عیسی بن یحیی: ابوالقاسم علی بن الاعلم منجم حاذق بود و زیج دارد. و از نسل محمد الاعلم: الحسن الأصغر بن احمد بن محمد الاعلم نسل دارد.

و از نسل الحسن الاحول بن عیسی بن یحیی مذکور: ابو محمد الحسن قاضی دمشق، و ابوطاهر محمد المبرقع، و ابوہاشم احمد نقیب الموصل، و ابوالقاسم زید قاضی الإسکندریہ، فرزندان ابی عبداللہ محمد بن الحسن الصالح بن الحسن الاحول نسل دارند. از ایشان: السید العالم أبو الغنائم الزیدی النسابة، و نامش عبداللہ بن الحسن، قاضی دمشق مبسوطی در علم نسب دارد.

و از نسل یحیی بن عیسی بن یحیی: طاهر بن یحیی نسل دارد، از ایشان الحسن بن علی بن یحیی بن طاهر مذکور نسل دارد.

و نسل علی بن عیسی بن یحیی بسیارند، از ایشان: محمد الخطیب بن ابی طالب عبید اللہ قتیل الطواحین ابن علی مذکور، نسل او را بنو الخطیب میخوانند، و در بغداد [و مقابر قریش] بودند. و از نسل علی بن عیسی بن یحیی: ابوالحسن علی بن [احمد] الناصر بن ابی الصلت یحیی بن [ابی] العباس احمد بن علی مذکور او را «ابن هیفاء» میخوانند، و نسل دارد و در مشهد الحسین میباشند، و نسل او از پسرش ابی طاهر محمد، و از فرزندان او: ابوالحسن علی بن محمد، نسل او را

بنی هیفاء میخوانند ، و طاهر بن محمد نسل او را بنوعی میخوانند ، از بهر آنکه نسل او از عیسی بن طاهر تنهاست . و از ایشان : ابو عبدالله الحسین المَقْرئ بن محمد بن عیسی مذکور ، نسل او را بنوالمَقْرئ میخوانند و همه در مشهد الحسین علیه السلام میباشند .

۶- و نسل یحیی بن یحیی بن ذی العَبْرَه بسیارند و از نه پسرند : ابو الحسن علی کُتیلَه ، و ابو عبدالله الحسین سُخْطَه ، و ابو الفضل العَبَّاس ، و ابو احمد طاهر ، و الحسن ، و موسی ، و ابراهیم ، و القاسم ، و جعفر^۱ .

(- از نسل الحسن بن یحیی بن یحیی : القاسم بن محمد بن محمد بن الحسن بن جعفر بن یحیی بن علی بن الحسن مذکور نسل دارد و در عسکر و تُسْتَر میباشند .
(- و از نسل ابی احمد طاهر بن یحیی بنو کُرَیز محمد بن یحیی بن احمد الناسک بن طاهر ، از ایشان بنو احمد بن^۲ محمد بن یحیی بن احمد بن علی بن الناصر بن محمد بن الحسین^۳ بن محمد کُرَیز . و از ایشان بنو فلیته علی بن عدنان بن علی بن ناصر مذکور . و از ایشان : معد بن الحسین بن ناصر نسل دارد .

(- و نسل ابی الفضل العَبَّاس بن یحیی بن یحیی اندک اند ، از ایشان : ابو الحسن علی (که او را « ابن صفیه » میخوانند) بن زید بن محمد بن احمد بن العَبَّاس ، در مقابر قریش بود ، و نسل دارد .

(- و از نسل ابی عبدالله الحسین سُخْطَه : بنو سُخْطَه و بنو المحاد نقی محمد بن سُخْطَه است ، و در بصره میباشند . از ایشان : نقیب البصره ابو الغنائم مجدالدین محمد ، و فخرالدین ابو الحسن محمد ، و مجدالدین ابو القاسم علی ، پسران نقیب ابی منصور الأغر محمد بن ابی الغنائم محمد بن الحسین التَّشَوُّ^۴ النسَّابه بن علی نعمه^۵ بن محمد المحاد نقی ، و نسلا دارند .

(- و نسل کُتیلَه بن یحیی بن یحیی منقسم است به چند فخذ ، و ایشان از پنج پسرند :

۱ - نسل چهار نفر اخیر ذکر نشده است . ۲ - ب مغشوش است .

۳ - ب : الحسن . ۴ - ضبط از الف . ۵ - عمدہ : بن نعمه .

الحسین ، وزید ، و احمد الدبّ ، و الحسن سوسہ ، و القاسم . از نسل القاسم :
ابو الحسن زید بن محمد بن القاسم نقیب البصرہ بود ، و او را ارجانی [النسابہ]
میخوانند . و نسل الحسن سوسہ ، و احمد الدبّ ، و زید بن علی کتیلہ اندک اند .
و نسل الحسین بن علی کتیلہ از سہ پسر : ابو القاسم علی الدخّ ، و ابو الحسن محمد
نقیب الکوفہ ، و ابو الحسن زید الأسود .

و نسل علیّ الدخّ باو معروفند و اندک اند .

و از نسل ابی الحسن محمد نقیب الکوفہ : بنو [صاحب السدرہ ، یقال لهم
بنو] السدروی علیّ بن یحیی بن احمد بن محمد النقیب .

و نسل ابی الحسن زید الأسود و عدد در نسل او است از چند پسرند :
الف - از ایشان : ابو الغنائم محمد بن زید الأسود ، نسل او را بنو الصابونی
میخوانند ، و ایشان نسل ابی الفضل محمد الصابونی ابن ابی الحسن علیّ بن ابی الغنائم
محمد مذکورند ، و در مشهد علی [و کوفہ] میباشند .

ب - و از ایشان : ابو الفوارس احمد بن زید الأسود ، نسل او راجع میشود به
زین الشرف ابی القاسم یحیی بن احمد بن یحیی بن ابی الفوارس مذکور و نسل او را
بنو زین الشرف میخوانند . و از بنی زین الشرف : الشنّبکّ ابو الحسن بن هاشم بن
احمد بن عدنان بن زین الشرف ، نسل او را بنی الشنّبکّ میخوانند و در مشهد علی
میباشند .

ج - و از فرزندان زید الأسود : ابو الہیجّ محمد ، و او را «ہیجّ» میخوانند ، و نسل
او بہ چندین خاندان متفرق شدند . از ایشان : بنو مقبل بن ابی الحمرا الحسین بن
ابی الہیجّ ، ایشان را بنو ابی الحمرا میخوانند ، و بنو ہیجّ نیز ، و از ایشان [نسل
ابی عبد اللہ بن ہیجّ ، از ایشان] : ابو الحسن علیّ ، و ابو محمد الحسن ، پسران احمد
بن ابی عبد اللہ مذکور ، نسل ہر دو را بنو الشوکّیہ میخوانند ، چنین فرمود شیخ ما
نقیب تاج الدین محمد بن معیہ الحسنی ، و آنچه در مشجرہ سید رضی الدین ابن

قتادة المدني^١ و سید فخرالدین علی بن الأعرج الحسینی است آنکه « بنو الشوکیه فرزندان ابی عبدالله الحسین بن احمد بن ابی عبدالله بن هیجاند » و از ایشان [علی بن ابی عبدالله بن هیجا ایشانرا] بنو ابی الفضایل میخوانند ، از ایشان : بنو المطروف محمد بن هبة الله بن عمر بن ابی الفضایل است و در مشهد علی میباشد .

[و از نسل زید الأسود : منصور بن احمد بن هیجا^١] و از نسل او عدنان بن معد بن [ابی] منصور نسل دارد ، و ایشانرا بنو عدنان میخوانند .

د - و از ایشان : ابو الفتح ناصر بن زید الأسود است و نسل دارد ، و ازدو پسرند : ابو الحسن زید نقیب المشهد ، و أبوعلی احمد ، نسل ابی علی احمد از ابی الفتوح محمد تنها ، نسل او را بنی ابی الفتوح میخوانند ، و از ایشان بنو السدري نسل ابی طالب محمد بن احمد بن ابی الحسن علی بن ابی الفتوح ، و مادر ایشان دختر ابی عبدالله بن السدري^٢ است . و از ایشان : شرف الدین ابن السدري ، و نامش محمد بن علی بن الحسن بن ابی الفتح ناصر است . و نسل ابی الحسن زید النقیب از دو پسرند : ابو الحسن محمد ، و ابو الفتح ناصر ؛ از نسل ابی الحسن محمد بنو حمید عبد الحمید بن محمد بن عبد الرحمن بن علی بن ابی الحسن محمد در مشهد علی میباشد ، و نسل ابی الفتح^٣ ناصر را اکنون بنی گتیه میخوانند ، و نسل او از سه پسرند : ابو محمد عبدالله ، و مجد الشرف^٤ ابو القاسم عیدالله ، و ابو طالب هبة الله النقی . نسل ابی محمد عبدالله منقرض شد ، و نسل ابی طالب هبة الله النقی که متصلست از سه پسر : رضی الدین ابو منصور الحسن ، و النقی ابو الحسن علی ، و عز الشرف ابوعلی عمر . از نسل عز الشرف : شیخ ما سید مجد الدین محمد بن النقیب علم الدین علی بن ناصر بن محمد بن المعمّر بن عز الشرف ابی علی عمر و بعلم نحو مشهور بود ، و دو پسر او : علم الدین عبدالله (در سمرقند وفات یافت ، و پسر دارد و اکنون در بلاد الترك میباشد) و نظام الدین علی ، در مشهد علی میباشد و نسل است و نسل دارد .

١ - مخصوص ب . ٢ - ب : ابی عبدالله السوری . ٣ - ب : ابی الفتوح .

٤ - الف : محمد الشرف .

۷- و نسل عمر بن یحیی بن ذی الدّمعه از دو پسرند: احمد المحدث، و ابی منصور محمد، و او را فرزندان دیگر بودند، از ایشان: ابوالحسین یحیی بن عمر از اکابر ائمه زیدیه بود، و در قریه شاهی از قراء کوفه شہید شد.

و نسل ابی منصور محمد بن عمر را بنی الفیدان میخوانند و در قوشان و نیل میباشند. و نسل احمد المحدث بن عمر بن یحیی از نقیب حسین النسابة تنهاست، و نسل او از دو پسرند: زید که او را «عمّ عمر» میخوانند، و یحیی. و نسل زید منقرض شدند. و نسل یحیی از دو پسرند: ابی علی عمر، و ابی محمد الفارس.

الف - و نسل ابی علی عمر از سه پسرند: ابی الحسن محمد، و ابی طالب محمد، و ابی الغنائم محمد.

[نسل ابی الغنائم] راجع میشود به: ابی طریف محمد بن ابی علی عمر بن ابی الغنائم، و او جدّ بنی المنکر است در بغداد و غیرها. و نام او: علی بن ابی البرکات بن علی بن ابی طریف است.

و نسل ابی طالب محمد راجع میشود به: نقیب علی بن ابی طالب محمد مذکور، و نسل او از دو پسرند: ابو محمد الحسن الأسمر، و نجم الدین أسامه. و نسل ابو محمد الأسمر راجع میشود به پسرش شکر بن الحسن الأسمر و ایشانرا بنوشکر میخوانند و در قریه شرفیه^۱ از عمل دادخ از اعمال حله میباشند. و نسل نجم الدین أسامه از دو پسرند: عبدالله التقی النسابة، و عدنان. نسل عدنان از أسامه بن عدنان است، و ایشانرا بنو أسامه میخوانند، و بقیه داشتند در حله تا سال هفتصد و شصت هجری، و بیشتر آنکه منقرض شدند. و نسل أسامه از دو پسرند: ابو الفتح و ابو علی عبدالحمید النسابة [که منتهی شد علم نسب باو در زمان او] نسل ابی الفتح منقرض شدند. و نسل عبدالحمید را بنو عبدالحمید میخوانند، و در مشهد علی میباشند.

و از نسل ابی الحسن محمد بن ابی علی عمر بن یحیی: خزّعل^۲ و نامش الحسن بن عدنان بن الحسن بن محمد بن عمر بن ابی الحسن محمد مذکور است نسل

دارد و ایشانرا بنوخزعل میخوانند .

ب - و نسل ابی محمد الحسن الفارس بن یحیی بن الحسین النسابة از سه پسرند : ابوالحسن محمد التقی السابسی^۱ معارض السید رضی الموسوی درنقابت ، ورضی رامعزول کرد ، ورضی ختن او بود . و الحسن الأصم السوداوی و ابوطالب عبدالله .
۱ - و نسل ابوالحسن السابسی ازدو پسر : ابوالعلاء محمد ، و ابوعلی الحسن ، و بقیه ایشان در واسط میباشند .

۲ - و نسل الحسن الأصم السوداءی از ابی تغلب علی تقیب «سُورا» است ، و نسل ابی تغلب مذکور از سه پسرند : ابوالقاسم الحسین التقی ، و ابوالغنائم محمد ، و ابوالفضل علی ، و او را پسری دیگر بود ابوطاهر^۲ محمد نام (و بعضی گفتند ابوطاهر هبة الله) و یکی باو منتسب شد نامش محمد و او را « بقره » میخواندند ، خدمت دیوان سُورا می کرد ، پس او را « عامل » میگفتند ، سید تقی الدین ابن اُسامه میگوید که پدرش و عمویانش منکر او شدند ، و او بردعوی خود مصر بود ، و وقت او خوش شد ، و مال و جاه یافت و معامله سُورا بیشتر از چهل سال در مقاطعه او بودست ، پس ابوطاهر محتاج او شد و بفرزندی او اعتراف نمود بعد از آنکه منکر بود « و سید عبدالحمید بن التقی میگوید که « غمزدر عامل مذکور قوی و ظاهرست ، مادر او بنت المکحول بر نفس خود مأمون نبود و ابوطاهر او را زن کرد و آبتن بود از شوهری دیگر او را ابن دوده^۳ الملاح گویند » و نسل عامل اکنون در سُورا اند و الله اعلم .

و نسل ابی القاسم الحسین التقی بن ابی تغلب راجع میشود به : محمد بن ابی الفتوح محمد بن ابی الحسین محمد بن محمد الضریر بن ابی القاسم التقی ، و این محمد بن ابی الفتوح را « سَنَدَر » میخوانند و نسل او را بنو سَنَدَر گویند .
و ابی الغنائم محمد بن ابی تغلب از ابی عبدالله محمد شمیره نسل دارد

۱ - الف : السابسی . و ساهس قریه ای در طرف غربی واسط بوده است .

۲ - الف : ابوطالب . ۳ - عمده : دوده .

و ایشانرا بنوشمیره میخوانند و در حله و سُورا میباشند .

و نسل ابی الفضل علی بن ابی تغلب از پسرش مجدالشرف^۱ ابی نصر احمد است ، و نسل ابی نصر از دو پسرند : ابو عبدالله محمد مجد الشرف و ابو الفضل [علی] کمال الشرف . از نسل ابی عبدالله محمد مجدالشرف : الفقیه فخرالدین یحیی بن ابی طاهر هبه الله بن شمس الدین ابی الحسن علی بن مجدالشرف مذکور ، و پسران او : الفقیه تاج الدین ابوالغنائم محمد ، و النقیب الطاهر جلال الدین ابوطاهر احمد ، و النقیب الطاهر زین الدین هبه الله . انقراض نسل تاج الدین ، و زین الدین بی فرزند کشته شد ، و بقیه از آن جلال الدین است و از نسل ابی الفضل علی کمال الشرف بن ابی نصر ، و در سُورا و حله میباشند .

۳) و نسل ابی طالب عبدالله بن ابی محمد الحسن الفارس بسیارند و متفرقند در حله و واسط و سُورا و طرابلس و غیر آن ، از ایشان : فضایل بن معد بن اسامه ابن محمد بن معالی بن المسلم بن ابی طالب عبدالله مذکور نسل دارد ، و در حله میباشند ، و ایشانرا بنو فضایل میخوانند ، و اسامه نیز از غیر « فضایل » نسل دارد و هم در حله اند . و از فرزندان محمد بن معالی بن المسلم نیز : نصرالله بن محمد نسل دارد ، و ایشانرا بنو نصرالله میخوانند و در حله و سُورا میباشند . و از نسل ابی طالب عبدالله : علی الدماغ بن ابی البرکات محمد بن ابی طالب عبدالله بن علی بن عمر المخمل^۱ بن ابی طالب عبدالله مذکور نسل دارد در واسط ، و ایشانرا بنو الدماغ میخوانند ، و از فرزندان ابی البرکات محمد مذکور ابوعلی عمر نسل دارد . و از نسل ابی طالب عبدالله بن الحسن الفارس نیز ابوالحسین یحیی بن ابی طالب نسل دارد ، از ایشان بنو جعفریه نسل علی بن یحیی مذکورند ، و مادر او جعفریه بود ، از ایشان بنو ابی الفضل و ایشانرا بنی اخی زُرَیق میخوانند ، و در مشهد القاسم از بریسم میباشند ، و جد ایشان علی بن ابی الفضل محمد بن ابی طالب محمد بن ابی الفضل محمد بن ابی البقاء محمد بن علی بن یحیی مذکور ، و بنو الضیاء ابی الحسن علی بن ابی طالب

محمد مذکور هم در مشهد القاسم میباشند . و بنو الطویر^۱ علی بن ابی الفضایل محمد (و او را فضایل میخوانند) بن علی بن یحیی مذکور در مشهد علی میباشند .

« و نسل ابی یحیی عیسی مؤتم الأشبال بن زید الشهید و او وصی ابراهیم بن المحض قتیل باخمری بود و رایت ابراهیم بدست او بود ، و بعد از قتل ابراهیم پنهان شد تا وفات یافت ، و منصور دوانیقی فکر بسیار ازو داشت و وصیت کرد به پسر خود مهدی که ازو حاذر باشد ، و گفت که « این اموال که جمع کردم همه از بهر آنکه اگر عیسی ظاهر شود در جنگ او خرج کنم » . و عیسی در ایام مهدی وفات یافت ، و « حاضر » که وزیر او بود . دو پسر او احمد المختفی و زید را پیش « مهدی » آورد بوصیت عیسی ، و در دار الخلافه بماندند تا زمان رشید . پس احمد المختفی خروج کرد و کار او بر نیامد ، و او را بگرفتند و محبوس داشتند ، و از حبس بگریخت و تمام عمر خود گریخته و پنهان بود .

و نسل عیسی بن زید از چهار پسرند : احمد المختفی ، و زید ، و محمد ، و الحسین غضاره .

۱ - و نسل احمد المختفی از دو پسرند : علی ، و محمد المكفل .

از فرزندان محمد المكفل : علی ، که صاحب الزنج نسب (؟) او را دعوی کرد و گفت : « منم علی بن محمد المكفل » اما جمعی از طالبیان و عباسیان تصحیح نسب صاحب الزنج نکردند والله اعلم ، و نسل ندارد . و علی بن المكفل نسل دارد و در مصر و دمشق بودند والله اعلم . و از نسل علی بن احمد المختفی : علی بن الحسین بن علی مذکور در او قولست و نسل دارد .

۲ - و از نسل زید بن مؤتم الأشبال : الأمير احمد بن عیسی بن زید مذکور نسل دارد . و از نسل زید بن مؤتم الأشبال نیز : احمد بن محمد بن زید مذکور نسل دارد ، و از ایشان ابو القاسم علی بن محمد [بن زید مذکور نسل دارد ، از ایشان ابو القاسم علی بن محمد بن] احمد الشاعر بن ابی جعفر محمد بن احمد مذکور نقیب

مصر بود و فاضل بود. و در ایام الحاکم العبّیدلی کشته شد، و پسرش ابوالحسن علی نقیب مصر شد و نسل ندارد. و از ایشان بنو بقرات ابی عبدالله الحسین بن ابی عبدالله محمد بن احمد بن محمد بن زید مذکور است و نسل او را بنو بقرات میخوانند و در مصر بودند تا بعد از ششصد هجری.

۳ - و نسل محمد بن مؤتم الأشبال بسیارند، و جمهور نسل او راجع میشود به علیّ العراقی بن الحسین بن علیّ بن محمد مذکور، و نسل او از پنج پسرند، اما بقیه او اکنون از دو پسرند. یکی از ایشان: احمد الدّعکی از چند پسر نسل دارد: یکی جعفر بن الدّعکی، از نسل او ابوالبشائر زید بن «دب»^۱ المطبخ «ابی منصور محمد بن حمزه بن احمد بن علیّ بن جعفر مذکور. و عبدالعظیم بن الدّعکی نسل دارد، از ایشان نورالدین ابوالعزّ علی بن محمد بن عبدالعظیم مذکور نسل دارد. و از نسل الدّعکی: ابر علی ابراهیم بن القاسم بن محمد الکروسی بن الدّعکی است. و نسل ابراهیم از [دو] پسرند: ابی الحسن علی الجزّار، و ابی العزّ ناصر که او را «عزیز» میخوانند، از نسل او محمد المقری بن یحیی بن علیّ الجزّار نسل دارد. و نسل ابوالعزّ ناصر^۲ پسرند: علی که او را «میصقله»^۳ میخوانند، و ابوالفتوح شکر. از نسل ابی الفتوح شکر: ابوطالب محمد که او را «مریضه» میخوانند، و ابونیزار عبدالله الصّابونی، فرزندان ابی علیّ عمر بن شکر، نسل هر دو را بنو الصّابونی میخوانند و در مشهد علی میباشد. و از نسل ابی الفتوح شکر نیز: ابوالحسن علی بن شکر نسل دارد، از ایشان بنو الدهان در مشهد علی میباشد.

۴ - و نسل الحسین غضاره بن مؤتم الأشبال از چهار پسرند: محمد، و احمد الحرّنی، و علی و زید. نسل زید از احمد الضّریر^۴ است، و او از چند پسر نسل دارد. از ایشان: ابوالحسن علی و یحیی.

از نسل یحیی بن الضّریر: ابوالقاسم علی اللغوی نقیب البصره بن یحیی مذکور از چند پسر نسل دارد. از ایشان: ابو محمد الحسن نقیب البصره بعد از پدر خود.

۱ - الف: دنی المطبخ. ۲ - عمده «مسقله». ۳ - ب: العزیز.

از نسل او : ابو محمد الحسن نقیب البصره بن ابی تغلب هبة الله بن ابی محمد الحسن النقیب . و شیخ ابو الحسن عمّری در مبسوط خود سخنی آورده است که دلالت بر انقراض او میکند . و نسب الشریف الزیدی المحدث صاحب الوقف ببغداد (چنانچه میگوید) باو راجع میشود . و علی بن محمد بن هبة الله بن عبد الصمد العباسی النسابة نسب او را بنوشت و گفت که « او ابو الحسن علی بن ابی العباس احمد بن محمد بن عمر الشاعری بن الحسن بن ابی محمد الحسن النقیب بن ابی تغلب هبة الله بن ابی محمد الحسن النقیب بن ابی القاسم علی اللّغوی است ، و برادرش ابو القاسم محمد المّقری بن ابی العباس احمد مذکور جدّ بنی الزیدی که در بغداد میباشند والله اعلم .

و از نسل علی بن الضریر : ابوالموهوب أحمد بن علی بن احمد بن محمد بن جعفر بن محمد بن الحسن بن علی مذکور و او جدّ بنی الموهوب است که در مشهد علی میباشند . و ایشانرا بنو محاسن میخوانند ، و این محاسن پسر ابی الموهوب است .

و از نسل علی بن غضاره : علی بن محمد بن علی مذکور ، باو نسبت کرد شیخ الشرف و أبو حرب الدینوری نسب بنی العقروق را و گفت که عقروق أبوسعده بن محمد بن علی مذکور است و در مشهد الکاظم علیه السلام بودند ، و قیوام الشرف علی بن الناصر المحمّدی میگوید که « نسب او موضوع است ، و أبو حرب آنرا وضع کرد » و غالباً آنکه سبب این سخن آنکه ابو حرب نسب بنی الخشّاب را وضع کرده بود پس قیوام الشرف او را درین نسب نیز متهم کرد والله اعلم .

و از نسل احمد الحرّنی بن غضاره : ابوعلی محمد المعمر قاضی المدینه و أبوالحسین محمد پسران احمد مذکور . از نسل ابی علی محمد بن المعمر : عبدالله الأزرق بن محمد بن المعمر نسل دارد ، از ایشان : احمد زاد الرّکب بن عبدالله مذکور نسل بسیار دارد ، از ایشان : بنو عبدالرحمن و بنوعلی پسران محمد بن زادالرّکب بقیّه در دمشق دارند ، و از ایشان : الحسن القویری ابن عبدالله مذکور نسل دارد . و از ایشان : ابو عبدالله الحسین بن عبدالله مذکور نسل دارد ، از ایشان : حسن و

قاسم فرزندان الحسین (قاضی‌المدینه و خطیب آنجا نیز) پسر یحیی که او را «برکات» میخوانند قاضی‌المدینه بن الحسین بن عبدالله‌الازرق نسل دارند. از نسل حسن: مفضل بن معمر بن حسن نسل دارند و در مدینه میباشند و ایشانرا زیود میخوانند و در مدینه رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم از نسل زید‌الشهید هیچ کس نیست غیر از ایشان. و بعضی از ایشان بعراق آمدند از ایشان: سنان بن هندی بن سیف بن هلال بن محمد بن ناصر بن مفضل نسل دارد. و مسلم و حاتم و معمر و هدیه و حسن فرزندان مفضل مذکور بقیه دارند.

۱) و نسل محمد بن زید‌الشهید از پسرش ابی‌عبدالله جعفر‌الشاعر تنها^۱ و نسل او از سه پسرند: محمد الخطیب، و احمد سِکین^۲، و القاسم.

از نسل القاسم بنو الجیده^۳ نسل جعفر خطیب هرات، بن القاسم، و از فرزندان احمد سِکین محمد اکبر بن احمد نسل دارد، و از ایشان ابو عبدالله جعفر بن سِکین نسل دارد و از ایشان: عبیدالله بن علی بن سِکین نسل دارد و از ایشان محمد [القزوی] بن سِکین نسل دارد و در قزوین میباشند.

و از نسل محمد الخطیب بن جعفر‌الشاعر: علی الجُمّانی^۴ بن محمد، شاعر بود و فصیح و در بنی‌جمّال در کوفه متوطن بود، و جمهور نسل او راجع میشود به محمد صاحب دارالصخر در کوفه بن زید بن علی الجُمّانی، و جمهور نسل صاحب دارالصخره از دو پسرش: ابی‌جعفر احمد، و ابی‌الحسن علی که او را «واوه» میخوانند. و از فرزندان ابی‌جعفر: احمد و محمد و علی^۵، از نسل محمد ابو القاسم علی و ابو عبدالله محمد فرزندان محمد بن [احمد، از فرزندان محمد بن] محمد: ابو القاسم علی نسل دارد از دو پسر: ابوالبرکات محمد که او را «قُبّین» میخوانند و ابوالحسن محمد. و بنو قُبّین در مشهد علی میباشند. و از نسل ابی‌الحسن محمد بن ابی‌القاسم علی بن محمد بن محمد بنو ابی‌نصر بن ابی‌عبدالله الحسین است. و

۱ - در عمده ص ۳۰۰ جعفر‌الشاعر را فرزند محمد بن محمد بن زید ندشته است.

۲، ۳، ۴ - ضبط از الف. ۵ - مخصوص ب.

بعضی گفتند : محمد پسر ابی القاسم علیّ مذکور است .

و از نسل علیّ بن محمد بن احمد بن محمد بن صاحب دارالصخر : ابوالحسن علیّ و یحیی که او را « عنبر »^۱ میخوانند و نسل یحیی عنبر از ابی الحسن علیّ که او را « غراب » میخوانند ، و ابومحمد الحسن که او را « نَبْرَه »^۲ میخوانند ، و نسل ابی الحسن غراب بن یحیی از زید و یحیی است . نسل زید را بنی غراب میخوانند . و نسل یحیی از پسرش علیّ اللّٰمیس بن یحیی بن زید مذکور است ، و نسل او در مشهد علی میباشد .

و نسل ابی الحسن علیّ بن ابی القاسم علیّ مذکور (و ایشانرا تا این زمان بنودارالصخر میخوانند) از ابی الحسن محمد تنها و نسل او ازدو پسرند : ابوالحسن محمد الاطروش ، و ابومنصور الحسن . از نسل ابی الحسن الاطروش : علیّ و شمس الدین ابوالحسن محمد پسران ابوالحسن الاطروش . علیّ بن ابی الحسن پدر ابی الحسن الصّواف خیر بود و صالح ، و نسل شمس الدین ابی الحسن از نقیب فخرالدین علیّ و حسن و نسل نقیب فخرالدین از دو پسرند : النقیب جلال الدین جعفر و شمس الدین محمد ، و جعفر بیش از یک دختر نداشت ، و نقیب شمس الدین را دو پسر بود : رضیّ الدین عبدالله و صفیّ الدین حسن در حله سردار زیود^۳ و فتاک بودند و هر دو را بکشتند ، و نسل ندارند . و نسل الحسن بن ابی الحسن محمد بن ابی الحسن الاطروش از هاشم (و او را « نجم » میخواندند) ابن الحسن ، و نسل او در حله میباشد .

و از نسل ابی الحسن علیّ (که او را « واوه » میخوانند) ابن صاحب دارالصخر : صالح بن ابی دُلّاف محمد بن محمد بن علیّ واوه نسل دارد .

۱ - الف : عنتر . ۲ - عمده : بیره . ۳ - الف : رنود . ب : بود .

و تصحیح احتمالی است .

سبط چهارم

(از نسل الحسین الشہید بن علی بن ابی طالب نسل عمر الاشراف بن زین العابدین)

و برادر زید الشہید بود از مادر نیز ، و او را اشرف گفتند بنسبت عمر بن علی بن ابی طالب چه این از نسل فاطمة الزہرا بود و آن نہ ، پس شرف او از طرف امیر المؤمنین علی علیہ السلام بیش نبود ، و ازین جهت او را « اطرف » خواندند .
و نسل عمر الاشراف از علی الأصغر المحدث تھا [روایت میفرمود حدیث را از صادق علیہ السلام] و نسل او از سه پسرند : القاسم ، و عمر الشجرى ، و ابی - محمد الحسن .

۱ - نسل القاسم منقرض شد [بموجب کہ نص بر آن نموده شیخ ما عبد الحمید بن النقی رحمہ اللہ] .

۲ - و نسل عمر الشجرى از یک پسر ابو عبد اللہ محمد ، و نسل او از دو پسرند : عمر ، و علی . نسل عمر اندکند و غالب آنکہ منقرض شدند ، و نسل علی بسیار است ، از ایشان : جعفر بن الحسین الشجرى بن علی مذکور نسل دارد ، و از ایشان : المحسن کہ او را « فضلان » میخوانند ، پسر احمد بن الحسن بن احمد نقیب قم ابن علی مذکور نسل دارد ، و از ایشان : محمد الشعرائی بن الحسن بن احمد نقیب قم نسل دارد . و از ایشان : ابو الحسن علی بن فخر آور بن شاه بن داعی بن فضلان بن داعی بن احمد بن محمد الشعرائی کہ سید رضی الدین ابن قتاده الحسنی او را در مشجرہ خود آورد و وصل کرد و گفت « او را در مشهد امیر المؤمنین علی علیہ السلام دیدم بزیارت آمدہ بود ، و نسب اہل بیت او را از او اخذ کردم » و سید فخر الدین علی بن الأعرج الحسینی در نسب فضلان بن داعی توقف کرد و او را بریئہ موقوف داشت واللہ اعلم .

۳ - و نسل الحسن بن علی الأصغر از سه پسرند : ابو الحسن علی العسکری ، و جعفر دیباجہ ، و ابو جعفر محمد .

از نسل ابی جعفر محمد : ابو الفضل علی المخل^۱ ابن الحسن بن علی بن

محمد [بن حسن بن محمد] بن احمد الاعرابی بن محمد مذکور نسل دارد . و از ایشان : مانکدیم بن محمد بن احمد الطبری بن محمد بن احمد الاعرابی مذکور نسل دارد . و از نسل جعفر دیباجه : ابو جعفر محمد النقیب الطبری بن حمزه ستین بن محمد الفارس بن [الحسن] بن محمد بن جعفر دیباجه نسل دارد .

و نسل ابی الحسن علی العسکری و عدد و خاندان در اوست از سه پسرند : ابوعلی احمد الصوفی الفاضل المصنف ، و ابو عبدالله الحسین الشاعر المحدث ، و ابو محمد الحسن الناصر الکبیر الاطروش امام الزیدیه ملک الدیلم ، و ناصریه از زیدیه باو منسوبند ، و از پنج پسر نسل دارد ، چنانچه نسابان گفتند : زید ، و ابی علی محمد الرضی^۳ ، و ابی القاسم جعفر ناصرک ، و ابی الحسن علی الأدیب المخل^۲ ، و ابی الحسین احمد صاحب جیش ایبه . هر چند زید بن ناصر نسل او را نیافتیم .

و از نسل ابی علی محمد الرضی بن الناصر : أبو احمد محمد الناصر بن الحسین بن ابی علی مذکور و ابو القاسم عبدالله المحدث بن ابی علی مذکور . و نسل ابی القاسم ناصرک بن الناصر از پسرش ابو جعفر محمد الفافا ، نسل دارد ، و از ایشان جماعتی در بغداد بودند که در آنجا از بنی عمر الأشرف غیر از ایشان نبود ، و ایشان نسل یحیی الأشل^۴ بن ابی شجاع محمد بن خلیفه بن احمد بن الحسن بن جعفر ناصرک مذکور .

و نسل ابی الحسن علی الأدیب بن الناصر ، و اوست که مناقضه با عبدالله بن المعتز در اشعار خود کرد ، و هجو زیدیه نیز کرد ، و از نسل او : الناصر للحق امام الزیدیه ابو عبدالله الحسین بن الحسن^۵ بن الحسن المفقود بن ابی الحسن علی الأدیب مذکور . و از ایشان : ابو عبدالله محمد الاطروش ابن ابی الحسن علی الأدیب مذکور نسل دارد ، از ایشان : نقیب البطیحه علی بن ابی طالب زید بن محمد الاطروش

۱ و ۲ - عمده : المجل . ۳ - عمده : المرتضی . ۴ - ب ، عمده :

الاسل . ۵ - ب : الحسن بن الحسین .

نسل دارد . و از ایشان : ابوطالب علی‌المجالد ببغداد بن ابی‌حرب محمد‌الاصم بن محمد‌الاطروش مذکور نسل دارد . و از ایشان : ابوجعفر محمد صاحب‌القلنسوه ملک‌الدیلم بن احمد مذکور نسل دارد .

و از نسل ابی‌عبدالله الحسین‌الشاعر المحدث بن ابی‌الحسن علی‌العسکری : علی‌بن‌الحسن الصالح بن محمد بن احمد بن ابی‌محمد الحسن بن احمد بن الحسین‌الشاعر مذکور . و از نسل ابی‌علی احمد‌الصوفی بن ابی‌الحسن علی‌العسکری : الموسوس ابوطاهر محمد بن احمد‌الصوفی نسل دارد ، و در مصر می‌باشند و ایشانرا بنوالموسوس می‌خوانند .

سبط پنجم

(از نسل الحسین‌الشهید بن علی بن ابی‌طالب ، نسل الحسین‌الاصغر بن زین‌العابدین)

و نسل او بسیار است و در حجاز و عراق و شام و مغرب و بلاد العجم می‌باشند و ایشان از پنج پسرند : عبیدالله‌الأعرج ، و عبدالله ، و علی و ابی‌محمد الحسن ، و سلیمان .

(۱) و نسل سلیمان بن الحسین‌الاصغر از سلیمان بن سلیمان است ، و در مغرب می‌باشند در نسب القطع ، چنانچه در بنی‌سلیمان بن المحض بیان کردیم ، و ایشانرا فواطم می‌خوانند ، و در مصر جمعی از ایشان هستند .

(۲) و نسل الحسن بن الحسین‌الاصغر منتهی میشود به محمد السیلق و علی‌المرعش فرزندان عبدالله بن محمد بن الحسن مذکور ، و نسل ایشان بسیار است و در بلاد العجم می‌باشند .

۱ - از نسل محمد السیلق : الشریف ابوطالب بن الحسن‌القاضی بن جعفر بن محمد السیلق در ری بود و نسل دارد ، از ایشان : ناصر‌الدین عبدالطلب بن المرتضی بن الحسین بن پادشاه بن الحسین بن پادشاه بن عبدالله بن عقیل بن ابی‌طالب مذکور .

و از ایشان : ابوالقاسم علی بن الحسن الواعظ بن مهدی بن احمد بن عقیل بن ابی طالب مذکور نسل دارد . و از بنی السیلق ناصر بن علی بن القاسم بن جعفر بن الحسن القاضی المذکور نسل دارد .

۲ - و از فرزندان علی المرعش بن عبدالله : ابو عبدالله الحسین و پسرش ابوالحسن احمد نقیب شیراز نسل دارد از دو پسر : ابی الفضل العباس ، و ابی جعفر محمد فرزندان احمد النقیب . و از نسل الحسین بن المرعش : الحسن بن حمزه بن حسن بن حمزه بن العباس بن احمد بن علی بن الحسین مذکور نسل دارد ، و از نسل المرعش : [ابوالقاسم حمزه بن المرعش نسل دارد ، از ایشان : ابو محمد حسن نسابة محدث بن حمزه مذکور نسل دارد . و از ایشان : علی بن حمزه مذکور نسل دارد . از ایشان] : الفقیه المامطری المقیم ببغداد ، شرف الدین عبدالله بن محمد بن ابی احمد بن ابی القاسم بن الحسن بن الرضا بن احمد بن محمد بن احمد بن ابی هاشم عبدالعظیم بن حمزة بن علی بن حمزة بن المرعش است . و از ایشان : ابو علی الحسن بن المرعش نسل دارد . و از ایشان : ابو یعلی حمزه الأصغر بن الحسن الفقیه بن حمزه بن الحسن بن المرعش نسل بسیار دارد .

و از فرزندان الحسن المرعش : زید بن الحسن نسل دارد .

۳) و نسل علی بن الحسین الأصغر از سه پسرند : عیسی الکوفی ، و احمد حقیقه ، و موسی حمصه . از نسل موسی حمصه : ابوالقاسم الحسین الکعکی بن الحسن بن محمد بن الحسن بن موسی حمصه نسل دارد . و از نسل احمد حقیقه موسی الحقیقی بن احمد بن عبدالله بن الحسن بن علی بن احمد حقیقه نسل دارد . و نسل عیسی الکوفی بن علی بن الحسین الأصغر بسیارند از ایشان ابو جعفر محمد الکرش ' و ابو هاشم محمد الفیل ، و ابوالحسن محمد مضبیره فرزندان جعفر بن عیسی الکوفی نسل دارند . از بنی الکرش ابوالبرکات الحسن بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن بن الکرش نسل دارد . و از بنی الفیل : محمد سیدک ابن ابی طالب محمد بن الحسن بن القاسم البرز از بن حمزه بن

محمد الفیل نسل بسیار دارد . و از نسل مُضَیْرَه : عبدالله بن علی [بن] مُضَیْرَه^۱ نسل دارد .

۴) و نسل عبدالله بن الحسین الأصغر از جعفر صحیح تنها . و نسل جعفر صحیح از سه پسرند : محمد العقیقی نسل او را عقیقیان میخوانند ، و اسمعیل المنقذی و احمد المنقذی^۲ نسل هر دو را منقذیان میخوانند ، از فرزندان احمد المنقذی : عبدالله ، و علی ، و جعفر ، و الحسن نسل دارند . و از نسل اسماعیل المنقذی (و عدد در اولاد اوست) : علی کباکی^۳ بن عبدالله بن علی بن ابراهیم بن اسماعیل المنقذی . و این کباکی جد ملوک الری است ، از ایشان : ملک الری فخرالدین حسن بن علاالدین مرتضی بن فخرالدین حسن بن جمالالدین محمد بن الحسن بن ابی زید بن علی بن ابی زید بن علی بن ابی زید بن علی کباکی فرزند دارد و برادر و عمویان . و از ایشان : القاسم بن جمالالدین محمد مذکور دختر خود زهره را بزنی ملک سمنان دادست ، پس ازو جلالالدین و شرف الدین پیدا شدند و این شرف الدین پدر شیخ علاء الدوله سمنانی است . و از ایشان : مناقب بن احمد بن علی الأحوال بن ابی البرکات احمد بن الحسن بن احمد بن علی بن محمد بن اسماعیل المنقذی نسل دارد در دمشق ، و ایشانرا آل البکری میخوانند . از ایشان : ابوطالب محمد العقاب بن الحسن بن ابی البرکات احمد مذکور جد آل عدنان که اکنون نقباء دمشقند . و از ایشان نقیب [مکه] ابو جعفر محمد بن علی بن اسماعیل المنقذی نسل بسیار دارد . از ایشان : میمون بن احمد بن میمون نقیب مکه بن احمد بن علی بن ابی جعفر محمد مذکور نسل دارد در واسط و ایشانرا بنو میمون میخوانند ، از ایشان : السید النسابة ابو الحارث محمد بن محمد بن یحیی بن هبة الله بن میمون مذکور ، و این سید ابو الحارث خط خود را اطلاق کرد از بهر بنی الصوفی که در مشهد الحسین میباشند بآنکه « ایشان از نسل عمر الأشرف بن زین العابدین اند » و ایشان اکنون بر آن اعتماد میکنند . و سید ابو الحارث منقرض شد .

و از نسل محمد العقیقی بنو الموسوس الحسین بن احمد بن ابراهیم بن محمد

۱ - مخصوص ب . ۲ - عمده همه جا بذال معجمه آورده است .

۳ - ب : کیاکی .

العقیقی اند و در مصر و غیر آنجا نیز میباشند . و از ایشان شالوس^۱ ابوعلی محمد بن یحیی بن علی بن محمد العقیقی نسل دارد ، و از ایشان : علی الزاهد بن العباس بن عبدالله مانکدیم بن علی بن محمد العقیقی ، و برادرانش : محمد سیاه ریش ، و احمد ، و الحسین نسل دارند .

۵) و نسل عبیدالله الأعرج بن الحسین الأصغر بسیارند و از چهار پسرند : جعفر الحجة ، و علی الصالح ، و محمد الجوانی ، و حمزه مختلس الوصیه .

نسل حمزه اندك اند از ایشان : ابوالشقف الحسین بن حمزه نسل دارد ، و از ایشان بنو میمون بن حمزه بن الحسین بن محمد بن ابی الشقف در مصر بودند . و از نسل حمزه مختلس الوصیه نیز ابراهیم سنور^۲ ابیه^۳ بن محمد بن حمزه نسل دارد و در بلاد العجم میباشند .

و نسل محمد الجوانی بن عبیدالله الأعرج منتهی میشود به ابی الحسن محمد المحدث بن [حسن بن] محمد الجوانی ، و نسل او از دو پسرند : ابو محمد الحسن و ابوعلی ابراهیم . و نسل ایشانرا بنو الجوانی میخوانند و در مصر و واسط میباشند . و نسل ابی علی ابراهیم از پسر خود ابی الحسن المحدث الفاضل النسابة است و نسل او از دو پسرند : ابو جعفر محمد المقتول علی الدّکّه ببغداد صبراً ، او را در وقعه زکریه ملحد و پسرانش (که دعوی سیادت و امامت میکردند و کشته شدند) کشتند . و ابی العباس احمد القاضی العالم النسابة جدّ شیخ الشرف العبیدلی از مادر خود ، و نسل ابی العباس احمد القاضی از دو پسرند ، یکی از ایشان : ابو هاشم الحسین النسابة که شیخ الشرف از او روایت میکند ، و هرگاه که میگوید « حدّثنی خالی » او را میخواهد . از نسل او : ابو الغنایم المعمر بن عمر بن علی بن ابی هاشم مذکور ، و باین ابی الغنایم منتسب شد : النقیب القاضی النسابة العالم المصنّف بمصر محمد بن اسعد بن علی بن معمر مذکور ، اما در نسب او طعن کردند ، و این طعن را بسبب

۱ - الف : شالوس . عمده : شالوش .
۲ - الف : سنور آینه . عمده :

الملک الإسماعیلی نوشت به سید عبدالحمید بن النقی النسابة . و شیخ ابوالحسن عمّری اسعد را یاد کرد، اما گفتند که «ابن أسعد مذکور غیر از آن است که عمّری یاد کرد» و ابن المرتضی تصریح کرد بطعن در او، والله اعلم . و اسعد پدر محمد النسابة فاضل بود، و عماد کاتب نام او را یاد کرد در کتاب «خريدة القصر» و بسیار ستایش او را کرد، و گفت که «لقب او ستاء الملک است» والله اعلم .

و نسل ابی جعفر محمد المقتول علی الدکه از جعفر تنها . و نسل جعفر الأعرج از دو پسرند : ابوالحسن محمد، و ابوالحسن محمد نقیب واسط . و از نسل ایشان بنو الجوانی در واسط و غیر آن اند .

و نسل علی الصالح بن عبیدالله الأعرج از دو پسرند عبیدالله الثانی، و ابراهیم . نسل ابراهیم از سه پسرند : ابوالحسن علی، و ابوعبدالله الحسین العسکری، و الحسن، از نسل الحسن بن ابراهیم : بنو المحرق ابوجعفر محمد بن الحسن و بقیه دارند . و از ایشان : بنو طقطقه ' احمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن محمد المخل بن یحیی بن محمد بن حمزه بن علی بن [علی بن] محمد بن احمد بن المحرق [و از نسل حسین بن ابراهیم بن علی الصالح : السید العالم الشاعر القاضي بدمشق محمد نصیبی بن حسن بن عبیدالله بن الحسین مذکور . و او را پسر است] . و از نسل ابی الحسن علی بن ابراهیم : شیخ الشرف ابوالحسن محمد بن ابی جعفر محمد بن ابی الحسن علی بن الحسن بن علی مذکور، استاد علم النسب در زمان خود بود، و نزدیک صد سال عمر داشت، و در آخر سال چهارصد و سی و پنج از هجرت وفات یافت و نسل او منقرض شد .

و نسل عبیدالله الثانی بن علی الصالح از ابی الحسن علی تنها . و نسل او ازدو پسرند : عبیدالله الثالث و ابوجعفر محمد .

نسل ابی جعفر محمد اندکست، بغیر از یک خاندها در کوفه و از نسل او نبود، و ایشانرا بنو قاسم میخواندند .

و نسل عبیدالله الثالث از سه پسرند : ابوجعفر محمد الضییب و ابوالحسن

علی قتیل اللصوص ، و ابوالحسین محمد الأمير الأشتر .

[و نسل ابی جعفر محمد الضییب بن عیدالله الثالث از پسرش] ابی عبدالله الحسین است که او را « نَعَجَه » میخوانند ، و نسل او را بنو النَعَجَه میخوانند و از ایشان بنو ترجم بن علی بن المفضل بن احمد بن الحسین النَعَجَه در مشهد الحسین بودند ، و نقابت و ریاست دارند ، و اکنون متفرق^۱ شدند ، و بقیه دارند در حله و واسط و مشهد الحسین علیه السلام .

و نسل علی قتیل اللصوص بن عیدالله الثالث از سه پسرند : ابوالقاسم الحسین الجمال که او را « صَنْدَل » میخوانند و ابوعلی عیدالله ، و ابو محمد الحسن که او را « عزّی » میخوانند ، و نسل او در مشهد علی میباشد ، از ایشان : بنو شقشقی ابوالقاسم حمزه بن الحسن العزّی^۲ .

و نسل الأمير ابی الحسن محمد الاشرین عیدالله الثالث از هشت پسرند ، ابوعلی محمد امیر الحاج^۳ ، و عیدالله الرابع ، و أبو الفرج محمد ، و ابوالعبّاس احمد^۴ ، یلقب البُنّ ، و ابوالطیب الحسن ، و ابوالقاسم حمزه شوصه ، و الأمير ابو الفتح محمد ، و ابوالمرجا^۵ محمد .

۱ - نسل ابی المرجا محمد اندکست ، از ایشان بنو عیّاش [بن] محمد بن معمر بن ابی المرجا بقیه دارند .

۲ - و نسل الأمير ابی الفتح بن الأشتر از پسرش ابی طاهر عبدالله نایب النقابه بوده در ایّام المرتضی الموسوی ، و سل او از دو پسرند : ابوالبرکات محمد نقیب واسط ، و ابی الفتح محمد نقیب الکوفه .

و نسل ابی البرکات محمد نقیب واسط از چهار پسرند : ابوعلی محمد نقیب واسط ، و ابوالمعالی محمد ، و ابو الفضائل عبدالله و ابوالقاسم سیف . از نسل ابی علی محمد نقیب واسط : النقیب مؤید الدین عیدالله بن عمر بن محمد بن

۳ - ب : محمد .

۲ - ب : العمری .

۱ - ب : منقرض شدند .

۴ - عمده : ابوالمرجا .

عبیداللہ^۱ بن [عمر بن] سالم بن ابی یعلی مذکور ، او را پسر نبود ، و ابو یعلی را بقیہ در واسط میباشند . و از نسل ابی الفضایل عبداللہ : ابوالحسین احمد العش بن ابی الفضایل نسل دارد ، در واسط اند ، و ایشانرا بنو العش میخوانند .

و نسل ابی الفتح محمد نقیب الکوفہ بن عبداللہ بن ابی الفتح محمد بن الاشر از چهار پسرند : ابوجعفر محمد النقیس ، و او را « ہبۃ اللہ » میخوانند ، و مجدالدین ابومحمد عمر نقیب الکوفہ ، و عدنان ، و ابوالحسین محمد (و بعضی گفتند احمد) .

و نسل ابی الحسن محمد بن ابی الفتح محمد نقیب الکوفہ از چهار پسرند ابوالفتح محمد قوام الشرف و ابونزار عدنان و ابوالسعادت محمد و ابوعلی الحسن . از نسل ابی السعادت محمد : ابوالغنائم محمد بن ابی المکارم محمد بن ابی السعادت محمد نسل دارد . و نسل ابی علی الحسن بن ابی الحسن محمد از سه پسرند : محمد ، و فوارس ، و ابوالحسن علی کہ او را « الشاب علی » میخوانند ، و نسل [او] و برادرانش بدین [نام] مشہورند ، و در کوفہ و مشہد علی میباشند .

و از نسل عدنان بن ابی الفتح محمد نقیب الکوفہ : مضر بن ملد بن معد بن عدنان مذکور ، و برادرانش معد بن ملد ، و المظفر بن ملد ، و ابوالحسین بن ملد نسل دارند .

و نسل ابی محمد عمر بن ابی الفتح محمد نقیب الکوفہ از دو پسرند : شہاب الشرف ابو عبداللہ احمد ، و تاج الشرف ابوعلی المظفر منقرض شد . و نسل ابی عبداللہ احمد شہاب الشرف از ابی جعفر شرف الدین ہبۃ اللہ (و بعضی گفتند محمد) ایشانرا بنو ابی جعفر میخوانند ، از ایشان : شمس الدین ماجون بن ابراہیم بن ابی جعفر مذکور ، شیخ العلویین در کوفہ بود ، و علویان کہ سلاح میپوشیدند براو ملتفت میشدند . و فخرالدین و معد بن زید بن ابی جعفر شیخ ایشان بود .

و نسل ابی جعفر النقیس بن ابی الفتح محمد نقیب الکوفہ از سه پسرند : ابوالحسین جعفر کمال الشرف ، و ابونزار احمد ، و شکر الاسود ، و ابن المرتضی

النسابة طعن درین شکر کرد ، و سید عبدالحمید او را اثبات نمود و عبدالحمید حال او را بهتر میداند ، وعهد او بدو نزدیکتر است . و نسل این شکر را بنو کمکه میخوانند ، و ایشان نسل ابی منصور بن ابی جعفر بن ابی منصور بن طراد بن شکرند . نسل ابی نزار احمد بن ابی جعفر النفیس از ابی منصور الحسن او را « ابن گوهر » میخوانند و نسل دارد .

۳ - و نسل ابی القاسم حمزه شوصه بن الأشراند کست ، از ایشان : بنو مهنّا بن ابی الفرج محمد بن احمد بن حمزه شوصه ، شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن مئییّه الحسنی میفرماید که « گمان من آنکه منقرض شدند » و از ایشان : بنو المکانسیّه فرزندان ابی المکارم حمزه و ابی الحسن علی ، پسران عیدالله العتیق ابن ابی الفتح محمد بن ابی طالب الحسن بن حمزه شوصه ، مادر ایشان اُمّ هانی المکانسیه العریضیه و نسل او باین معروف اند .

۴ - نسل ابی الطیب الحسن بن الأشر از پسرش ابوطاهر احمد است ، و نسل او از پسرش ابی الحسن محمد که او را « غرام » میخوانند . و نسل او را بنو غرام میگویند و ازدو پسر نسل دارد : ابوطاهر احمد الاخن ، و ابوالقاسم هبة الله . از نسل ابی طاهر احمد الاخن : ابوالمعالی احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی طاهر احمد الاخن نسل دارد از سه پسر : ابوالفتح محمد که او را « غشم » میخوانند و بدرالدین عیّاش و احمد که او را « قعوقا »^۲ میخوانند ، و بقیّه دارند و در مشهد علی میباشند .

۵ - و از نسل ابی العباس أحمد البُنّ بن الأشر : بنو عجیبه ، و ایشان احمد و محمد ، و عمار ، و علی (و بعضی گفتند محمد و کنیت او ابو منصور است) و ایشان فرزندان مفضل بن محمد بن أحمد البُنّ مادر ایشان : عجیبه بنت أحمد بن المسلم بن ابی علی بن الأشر ، نسل دارند و در مشهد علی میباشند و از ایشان بنو الصّائم ؛ نسل علی الصّائم بن ابی منصور محمد بن یحیی بن محمد بن المفضل المذكور ، از ایشان محمد بن محمد بن محمد بن علی الصّائم نسل دارد در « جیع » از دیه های شام ، و از ایشان

بنو مِقْلَاع ، و نامش الحسن بن علی بن ابی‌جعفر محمد بن یحیی بن محمد بن المفضل مذکور است از نسل او ابوطالب منیخر ، و موسی اقلبها ، و احمد الشمس فرزندان ابی‌الغنائم محمد بن الحسن بن مِقْلَاع نسل دارند : و در مشهد علی میباشند ، و از ایشان : احمد بن قاسم بن محمد بن المفضل مذکور او را « اُحْیَمِید » میخوانند ، و نسل او بنی‌احمد در مشهد علی میباشند ، و از ایشان : طَبِیق محمد بن علی بن قاسم بن محمد بن المفضل مذکور ، نسل او را بنو طَبِیق میخوانند . از نسل او : ابوالحسین البغدادی الدِّلال نسل دارد ، و در مشهد علی میباشند ، و از ایشان : محمد بن قاسم بن محمد بن المفضل نسل دارد . و از ایشان : طُرِیس طالب بن عمار بن مفضل نسل دارد از سه پسر : علی‌الأسود (نسل او را بنو الأسود میخوانند) و محمد زماح ، نسل دارد ، و رجب . و نسل این رجب از ابی‌علی‌الحسن است ، و نسل او از پنج پسرند : ابوالحسین که او را أبو الحَجَّوج میخوانند و نسل او بنو ابی‌الحجَّوج در مشهد علی میباشند . و رجب ، و علی ، و محمد ، و احمد نسل دارند و در مشهد علی میباشند .

۶ - و نسل ابی‌الفرج محمد بن الأشتر از پسرش الجاروح^۲ ، و شیخ ابوالحسن العمری میگوید : « او ابوالفرج محمد بن ابی‌الغنائم محمد بن ابی‌الحسن علی بن ابی‌الفرج محمد مذکور است » و عبد الحمید بن التقی میگوید که « او ابوالفرج محمد بن ابی‌الغنائم محمد بن ابی‌الفرج مذکور است » نسل دارد در بغداد و واسط و کوفه و غیر آن . از ایشان : ابوالفضل الحسین (که او را « شیبانک^۳ » میخوانند) بن عدنان بن محمد بن عدنان بن علی بن محمد الجاروح مذکور ، عطار بود در کرخ ، و جمع نسب میکرد و فرزندان دارد .

۷ - و نسل عبیدالله الرابع بن الأشتر از چند پسرند ، و بعضی منقرض شدند . و نسل معروف او اکنون از سه پسرند : ابوالعشایر محمد نسل او را بنو ابی‌العشایر

۱ - ب : طرش . وضبط از الف . ۲ - ب : الحاروخ . عمده : الحاروج .

۳ - ب : شیبانک .

میخوانند در حلّه و سُوراً می‌باشند ، و ابو منصور یحیی ، و یوسف جدّ الفقیه اُبی الحارث « ابن البوّاب » ، و او چنانچه سیّد فخرالدین ابن الأعرّاج گفت : « علی بن احمد بن عبیدالله الخامس بن یوسف مذکور است » و بعضی گفتند : او ابن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن احمد بن عبیدالله الخامس است ، و در نسب او طعن کردند . والله اعلم .

۸ - و نسل ابی علی محمد امیرالحاجّ بن الأشتر از دو پسرند : ابو عبدالله احمد امیرالحاجّ و ابوالعلا مسلم الأحول امیرالحاج ، کبش بنی عبیدالله .

الف - اما ابو عبدالله احمد سیزده سال امیرموسم حجّ بود نیابةً از ابی احمد الموسوی ، و نقیب کوفه بود ، و در سنه سیصد و هشتاد و نه هجری وفات یافت ، و درین سال برادرش ابوالعلا کشته شد . و نسل ابی عبدالله احمد از سه پسرند : ابوالغنائم المعمر ، و ابوالحسین زید ، و ابوالحسن علی . نسل اُبی الحسن علی از پسرش احمد العرش و نسل او را آل العرش میخوانند ، و از ایشان آل الفاخر بن اسعد بن ابی نصر محمد بن علی بن احمد العرش و [جماعتی از ایشان] در سُوراً [وحلّه] میباشند . و آل ابی المجد بن ابی عبدالله الحسین بن اُبی الفضایل محمد بن علی بن احمد العرش ، [و از ایشان جماعتی اند که] در سُوراً نیز میباشند . و از نسل ابی الحسین زید بن ابی عبدالله احمد آل ابی زید نقباء الموصول و نصیبین اند ، از ایشان ابی عبدالله زید النقیب بن النقیب اُبی طاهر محمد بن اُبی البرکات محمد نقیب الموصول ابن [ابی] الحسین زید مذکور و از ایشان : السید الفاضل نظام الدین ابوالقاسم نقیب نصیبین ابن شهاب الدین ابی القاسم علی نقیب نصیبین ابن النقیب اُبی طاهر محمد مذکور . و این خاندان ریاست قدیم [داشتند و] دارند تا اکنون .

و شیخ ما نقیب تاج الدین محمد فرمود که « ابن المرتضی الموسوی طعن کرد در ایشان بغیاً و حسداً ، و ندیدم کسی از مشایخ ما که در ایشان طعن کرد بغیر از او .

و نسب ایشان صحیح است بی شبهه والله المّجازی .

و از نسل ابی القنائیم المعمر بن ابی عبدالله احمد : النقیب الطاهر ابو القنائیم المعمر بن محمد بن المعمر مذکور ، متولّی نقابت طالبیان شد در سنه چهارصد و پنجاه و شش هجری ، در ایّام القائم العباسی . و نقابت در نسل او بماند تا زمان الخلیفه الناصر العباسی . و نسل او را بنو الطاهر میخواندند و منقرض شدند .

ب - و نسل ابی العلا مسلم الأحول امیر الحاج از هشت پسرند : ابوعلی عمر المختار النقیب امیر الحاج ، و ابوالمسلم عمّار ، و ابو عبدالله احمد ، و ابو القاسم محمد ، و المهنا ، و باقی ، و علی (که او را « ابن مصایح » میخوانند) و ابو الازهر المبارک .

(-) نسل ابی الازهر المبارک در مصر اند .

(-) و نسل علی بن ابی العلا مسلم را بنو مصایح میخوانند و در مطار آباد و کوفه و غیر آن می باشند .

(-) و نسل باقی بن ابی العلا مسلم به بلاد العجم افتادند .

(-) و نسل مهنا بن ابی العلا را بنو المهنا میخوانند . از ایشان : السید الفاضل احمد بن محمد بن مهنا بن علی بن مهنا بن الحسن بن محمد بن المسلم بن المهنا المذکور نسل دارد ، و در حله می باشند .

(-) و از نسل ابی القاسم محمد بن ابی العلا مسلم : هندی بن المسلم بن محمد مذکور . سید عبدالحمید بن التقی او را یاد کرد ، و نسل دارد در حله [و بغداد] و غیر آن .

و از نسل ابی عبدالله احمد بن ابی العلا المسلم : حماد بن المسلم بن احمد مذکور نسل او را بنو حماد میخوانند و در مشهد علی میباشند .

(-) و از نسل ابی مسلم عمّار بن ابی العلا مسلم : تمام بن المسلم بن عمار ، شیخ ابو الحسن عمّری او را یاد کرد و بر نسب او سخنی چند راند . و از نسل او :

محمد شبانه بن تمام بن علی بن تمام مذکور از دو پسر نسل دارد : مسلم و ابراهیم هر دو بشام رفتند و در جبل عامله مقیم [شدند] و نسل بسیار در آنجا دارند .

(-) و نسل ابی علی عمر المختار بن ابی العلام مسلم را بنو المختار میخوانند و جلالت و ریاست و نقابت دارند ، و نسل او از ابی الفضایل عبدالله تنها ، و نسل ابی الفضایل از دو پسرند : عزالدین ابونزار عدنان نقیب المشهد ، و ابی عبدالله احمد نسل او را بنو ابی حبیب میخوانند ، و ابو حبیب کنیه جد ایشان عمر بن ابی عبدالله احمد مذکور است . و نسل ابی نزار عدنان از دو پسرند : عزالدین المعمر و عمید الدین ابوجعفر نقیب الکوفه . عزالدین المعمر منقرض شد ، و نسل نقیب عمید الدین ابی جعفر از ابی جعفر محمد فخر الدین نقیب النقباء [الشاعر] الأُطروش و از ابی القاسم شمس الدین علی ، نقیب المشهد . از نسل شمس الدین ابی القاسم علی نقیب المشهد : نقیب النقباء شمس الدین علی ، آخر نقباء عباسیان بود ، و بهاء الدین داود که خواجه الدواتدار^۱ الصغیر بود ، و هر دو فرزندان نقیب النقباء عارض جیش الخلیفه المستنصر : تاج الدین ابوعلی الحسن^۲ بن شمس الدین علی مذکور ، نسل دارند . از نسل نقیب النقباء شمس الدین علی بن عارض [که تاج الدین ابی علی باشد چنانچه مذکور شد] : السید الفاضل عمید الدین عبدالمطلب [بن شمس الدین مذکور از محاسن سادات بود ، و نسل او امروز از عمید الدین عبدالمطلب] بن نقیب النقباء جلال الدین ابراهیم بن عبدالمطلب مذکور . و پسرش السید الجلیل شمس الدین علی سلمه الله ، و فرزندان او در [سبزوار] خراسان اند .

و نسل جعفر الحجه بن عبیدالله الأعرج (و امراء مدینه رسول الله (ص) و ملوک بلخ و نقباء آنجا از نسل اویند) از دو پسر : الحسن ، و الحسین .

۱ - این حسین به بلخ رسید و در آنجا مقیم شد و نسل او در آنجاست ، و در ترمید نیز ، از ایشان : السید الفاضل ابو الحسن البلخی [و اوست] علی بن ابی طالب

۱ - ب : الدویدار . در عمده نامی از او نیست . ۲ - عمده : ابو الحسن علی

الحسن النقیب ببلخ ابن ابی علی عیدالله بن [ابی‌الحسن محمد الزاهد بن ابی علی عیدالله بهرات] بن ابوالقاسم علی [بن الحسن ابی‌محمد بن الحسن]^۱ [مذکور . و از ایشان : ابوعبدالله نعمه بن عیدالله النقیب ببلخ بن ابی‌الحسن محمد الزاهد بن ابی علی عیدالله] بن علی ابوالقاسم بن الحسن ابی‌محمد بن الحسن المذكور عبدالله که درهرات بود^۲ [نسل دارد و از ایشان علی بن ابی‌الحسن محمد الزاهد مذکور نسل دارد . و از ایشان : عبدالله و محمد فرزندان ابی‌القاسم علی بن ابی‌محمد الحسن بن الحسن مذکور نسل دارند .

۲ - و نسل الحسن بن جعفر الحجه مذکور از ابی‌الحسن یحیی‌النسابه ، اوّل کسی که در نسل آل ابی‌طالب تنها تصنیف کرد او بود . و نسل او از هفت پسرند : طاهر ، و علی ، و ابوالعباس عبدالله ، و ابوالاسحاق ابراهیم ، و ابوالحسن محمد الاکبر العالم ، و احمد الأعرج و ابوعبدالله جعفر .

(- نسل ابی‌عبدالله جعفر و نسل احمد الأعرج اندک اند .

(- و از نسل ابی‌الحسن محمد الاکبر بن یحیی : ابومحمد الحسن بن محمد مذکور است و او را « دندانی » میخوانند ، و نسابه بود ، و او روایت کتاب جدّ خود یحیی بن الحسن کرد ، و شیخ‌الشرف العبدلی از او روایت میکند و نسل ندارد .

(- و نسل ابی‌اسحاق بن ابراهیم بن یحیی نیز اندکند .

(- و نسل ابی‌العباس عبدالله بن یحیی در بادیه حوالی مدینه میباشند ، و جمهور نسل او راجع میشود به مسلم بن موسی بن عبدالله مذکور ، از نسل او : نجم‌الدین علی نقیب‌المدینه ، ابن نقیب‌المدینه حسن ، ابن نقیب‌المدینه سلطان ، ابن حسن بن عبدالملک بن ذؤیب بن عبدالله بن مسلم مذکور فرزند دارد . و از ایشان : ابوجعفر

۱ - ب بجای این قسمت : ابی‌القاسم علی ببلخ بن ابی‌محمد الحسن بن الحسن .

۲ - ب بجای این قسمت : بهرات مذکور .

مسلم بن حبيب بن مسلم نسل دارد . و از ایشان : محمد بن هلال ^۱ بن غياث ^۲ بن محمد نقيب المدینه بن حبيب بن مسلم مذکور نسل دارد .

(-) و نسل علی بن یحیی النسابه راجع میشود به الحسن بن [محمد] المعمر بن احمد الزائر ^۳ بن علی مذکور . و ایشان جماعتی اند و در حلقه و حایر می باشند . و نسل الحسن بن محمد مذکور از دو پسرند : ابی محمد ابراهیم و نسل او اندکست و ابی الحسن علی در مشهد الحسین متوجه ^۴ بود و نسل او چند بطن اند : بنو عکّه یحیی بن علی ^۵ بن حمزه بن علی مذکور است . و بنو علّون ^۶ علی ^۷ بن فضایل بن الحسن بن الحسن ابی منصور نقيب الحایر ابن علی ^۸ مذکور و بنو فوارس بن علی مذکور ، از ایشان : معدّ بن علی [بن معد بن علی] الرّعاوی ^۹ بن ناصر بن فوارس مذکور جدّ جامع این کتاب : احمد بن علی ^{۱۰} بن حسین بن علی ^{۱۱} بن مهنّا بن عنبه ^{۱۲} لاُمّ جدّه علی ^{۱۳} بن مهنّا بن عنبه مذکور ، و بنو غیلان علی ^{۱۴} بن فوارس بن ناصر بن فوارس مذکور و بنو ثابت بن الحسن بن محمد بن علی بن ناصر بن فوارس مذکور و بنو الأعرج علی ^{۱۵} بن سالم بن برکات بن ابی الأعزّ ^{۱۶} محمد بن ابی منصور الحسن نقيب الحایر . از ایشان : السید العالم النسابه فخرالدین علی ^{۱۷} بن محمد بن احمد بن علی الأعرج مذکور . و دو پسر او : السید مجدالدین ابوالفوارس محمد ، و السید النسابه جمالالدین احمد ، پسری داشت ^{۱۸} ابوالطیب نام سفر کرد و خبر او منقطع شد . و نسل السید مجدالدین ابوالفوارس از پنج پسرند ، مادر ایشان دختر الشیخ سدید الدین یوسف بن علی ^{۱۹} بن المطهر الحلّی : النقيب جلال الدین علی ^{۲۰} ، و السید العلامه عمیدالدین عبدالمطلب ، و السید العالم ضیاء الدین عبدالله ، و السید الفاضل نظام الدین عبدالحمید ، و غیاث الدین عبدالکریم .

نسل النقيب جلال الدین از پسرش : نظام الدین سلیمان [و نسل سلیمان ^{۲۱}]

- ۱ - الف - اصلاح بعدی - : هلال . ۲ - ب : عقاب . ۳ - ب : الزاهد . ۴ - ب : متوطن . ۵ - عمده : علوان ، ضبط از الف . ۶ - عمده : الرّعاوی . ۷ - الف : الأعرج . ۸ - یعنی سید جمال الدین پسری داشت . ۹ - مخصوص ب .

از دو پسرند : النقیب مجدالدین علی ، و جلال الدین عبدالله .
و نسل العلامه عمید الدین از پسرش : العلامه السعید الشهید جمال الدین محمد ، و نسل او از پسرش سعیدالدین محمد رحمه الله .
و نسل السید ضیاء الدین عبدالله از سه پسرند : المولی العلامه فخرالدین عبدالوهاب ، و شرف الدین یحیی ، و رضی الدین ابوسعید الحسن . انقرض السید عبدالوهاب من ابنیه معاً : السید العالم جلال الدین علی یاغی ^۱ ، و السید خلیفه . و برادران او را بقیه در حله اند .
و نسل السید نظام الدین عبدالحمید از پسرش شرف الدین عبدالرحمن او را سه پسر بودند : السید الجلیل نظام الدین عبدالحمید فرزند دارد ، و مجدالدین محمد فرزند دارد و ضیاء الدین عبدالله .
و نسل غیاث الدین عبدالکریم از دو پسرند : رضی الدین حسین و شمس الدین محمد . [واحد پسر شمس الدین محمد] ^۲ از عقد متعه حاصل شد و اُمّه فیها ما فیها .
(-) و نسل طاهر بن یحیی النسّابه و خاندان و امارت مدینه مشرفه در نسل اوست و محدث بود و جلیل القدر و مشهور ، چنانچه هریکی از برادر زادگان او را « ابن اخی طاهر » میخوانند ، از شش پسرند : ابوعلی عبیدالله و اِمارة المدینه در نسل اوست ، و ابومحمد الحسن ، و الحسین ، و ابوجعفر محمد ، و ابویوسف یعقوب ، و یحیی که او را مبارک میخوانند .
نسل یحیی و یعقوب اندکست .
و از نسل ابی جعفر محمد بن طاهر : محمد بن بسّام بن محیا ^۳ بن عیاش بن ابی جعفر محمد مذکور ، و برادرانش مسلم ، و هضّام ، و سلطان ، و طاهر فرزندان بسّام مذکور نسل دارند .
و نسل الحسین بن طاهر از نه پسرند ، از ایشان : عبدالله عرفه نسل او را عرفات

۱ - نقطه گذاری از عمده . ۲ - مخصوص ب ۳ - ب : مهتا ، عمده : محمد .

میخوانند ، و جمهور ایشان در مدینه میباشند و در حله ، از ایشان : نسل جلال بن [محیا بن] عبدالله بن محمد بن حسین بن ابراهیم [بن علی] بن محمد بن عبدالله عرفه مذکور .

و از نسل الحسن بن طاهر بنوشقایق محمد بن عبدالله بن سلیمان بن الحسن بن طاهر در رمله^۱ شام بودند . و از ایشان : طاهر بن الحسن بن طاهر که متنبی مدح او بگفت بآن قصیده که در اثناء آن میگوید :

إِذَا عَلَوَى لَمْ يَكُنْ مِثْلَ طَاهِرٍ
فَمَا ذَاكَ إِلَّا حِجَّةٌ لِلتَّوَّاصِبِ

و طاهر مذکور منقرض شده است .

و نسل عبدالله بن طاهر از سه پسرند : الأمير ابوالاحمد القاسم ، و ابوجعفر مسلم و نام او محمد است و ابوالحسن ابراهیم . از نسل ابراهیم بن عبدالله بن طاهر : حسن الخریف^۱ [بن علی بن محمد بن سعید بن عبدالله]^۲ بن علی بن عبدالله بن مسلم بن ابراهیم مذکور و فرزندان او در حله بودند . و نسل ابی جعفر مسلم بن عبدالله بن طاهر اندک اند ، و ابوجعفر مسلم در مصر متوطن بود . و از نسل او الحسن بن طاهر بن مسلم که تاهرتی را بکشت چنانچه در اخبار بنی ادریس بن عبدالله المحض بن الحسن المثنی نوشتیم . و نسل الأمير ابی احمد القاسم بن عبدالله بن طاهر (و خاندان در ایشان است) از پنج پسرند : عبدالله ، و موسی ، و ابی محمد الحسن ، و ابوالفضل جعفر ، و ابوهاشم داود . و نسل ابی هاشم داود بن القاسم بن عبدالله بن طاهر از چهار پسرند : الأمير ابوعماره المهنّا و نام او حمزه است ، و الحسن الزاهد و ابو محمد هانی^۳ و نام او سلیمان است ، و الحسین .

و از نسل الحسین بن ابی هاشم داود : الحسین مخیط بن أحمد بن الحسین مذکور ، الأمير العابد الورع ولایت مدینه^۴ مشرقه هفت ماه کرد ، و در مصر مقیم بود ، و او را « مخیط » از بهر آن میخوانند که او آن کس که سگک دیوانه او را گزیده

۱ - الف : الحریف . و در هر دو نسخه راء مشدد است . ۲ - ب بجای

این قسمت نوشته است : « بن عبدالله بن سعید بن عبدالله » .

باشد از آن خلاص می‌کرد ، و وقتی که کسی پیش او می‌آوردند سوزنی می‌طلبید که خسته را بدان داغ کند و چنان‌بهری ' می‌گفت : « مخیط » یعنی سوزنی بیاورید . و نسل او در مدینه می‌باشند . [و جمعی از ایشان بکوفه آمدند و اکنون در مشهد علی می‌باشند] ^۲ .

و نسل ابی‌محمد هانی^۳ بن‌ابی‌هاشم اند کند .

و از نسل الحسن‌الزاهد بن‌ابی‌هاشم بنوخزعل بن‌علّیان بن‌عیسی بن داود بن‌الحسن مذکور .

و نسل‌الأمیر ابی‌عمار‌المهنا بن‌ابی‌هاشم از سه‌پسند : عبدالوہاب ، و سبیع ، و شہاب‌الدین‌الحسین‌امیرمدینه [شیخ‌ما سید تاج‌الدین بن‌مُعَیّہ رحمہ‌اللہ چنین فرمود که : او را سه‌پسراست چنانکه مذکور شد ، لیکن آنچه من یافتم چنان است که او را فرزندی دیگر بود ملقب بذویب که اسم او علی بود و او معقب‌است] ^۴ از نسل ذُویب : کاسب بن‌دیاج بن‌حصین بن‌ضیب^۵ بن‌هریر بن‌کامل بن‌ذُویب مذکور . و از نسل عبدالوہاب بن‌المهنا : قُضاة‌المدینه اند ، از ایشان : شمس‌الدین سنان^۶ قاضی‌المدینه بن‌عبدالوہاب قاضی‌المدینه بن‌نُمَیْلہ قاضی‌المدینه بن‌محمد بن‌ابراہیم بن‌عبدالوہاب مذکور . و از نسل سبیع بن‌المهنا : سعید بن‌الفرج^۷ بن‌عمار بن‌مهنا بن‌سبیع مذکور نسل دارد . و از ایشان : السید‌العالم‌النسابة : قریش بن‌السبیع بن‌مهنا بن‌السبیع مذکور در بغداد بود و نسل ندارد . و از ایشان : رُمَیح بن‌حسن بن‌راجح بن‌المهنا بن‌سبیع بن‌مهنا بن‌سبیع نسل دارد و ایشانرا آل رُمَیح می‌خوانند و در حلّه می‌باشند .

و نسل شہاب‌الدین‌الحسین‌امیر‌المدینه بن‌مهنا ازدو‌پسند : مالک و مهنا هر دو امارت مدینه کردند .

۱ - الف : وحنان مغربی . ۲ - مخصوص ب . ۳ - ب بجای

این قسمت نوشته است : و علی ذویب . ۴ - عمده : ضیب .

۵ - ب : سیان . ۶ - الف : المفرح .

و نسل مالک بن الحسین بن مهتّا از عبدالواحد بن مالک نسل او را و حاحده میخوانند و بر دو فرقه منقسم شدند : حمزات نسل حمزه بن علی بن عبدالواحد ، و مناصر^۱ نسل منصور بن [محمد بن] عبدالله بن عبدالواحد ، و از ایشان : السید الجلیل النقیب شهاب الدین احمد (که او را « حلیت »^۲ میخوانند) ابن مُسهر بن ابی مسعود^۳ بن مالک بن مرشد خراسان^۴ بن منصور مذکور بغایت صاحب جاه و متمول شده بود و برادرش حُسام الدین مهتّا ضریه^۵ و عمویش معمر و عمره^۶ . نسل دارند و از نسل عبدالله بن عبدالواحد داود و سلیمان که او را عمری میخوانند ، پسران عبدالله نسل دارند .

و نسل المهتّا بن الحسین بن المهتّا الأعرج امیر المدینه را مهنائیه میخوانند و نسل او از سه پسرند : الحسین امیر المدینه ، و الأمير عبدالله ، و الأمير أبو فلیته قاسم از دو پسرند : الأمير هاشم و الأمير جمّاز^۷ و نسل الأمير هاشم را هواشم میخوانند و نسل جمّاز را جمّامزه^۸ .

از هواشم : الأمير سُبّحه^۹ بن هاشم مذکور از هفت پسر نسل دارد : ابوسنّد جمّاز امیر المدینه ، و الأمير عیسی الحّرون بغایت شجاع بود ، و منیف امیر المدینه و ابورُدّینی سالم ، و برجس^{۱۰} و محمّد و هاشم . و نسل الأمير ابی سنّد جمّاز بن سُبّحه از ده پسرند ، از ایشان : ابو عامر منصور ، و القاسم ، و الأمير مُقبیل . از فرزندان الأمير منصور : کبش ، و کبیش ، و طُفیل ، و عَطِیّه . و امارت مدینه اکنون در ایشانست . و از فرزندان الأمير مقبل محمد بن مقبل بحاّه آمد از مدینه و مقیم آنجا شد و در آن ولایت ملک داشته است و فرزندان دارد .

و از جمّامزه : عمیره امیر المدینه بن امیر المدینه ابی فلیته قاسم بن جمّاز مذکور

۱ - عمده : مناصیر . ۲ - عمده : خلّیت . ۳ - ب : سعد .

۴ - کذا فی ب ، و در الف و عمده : مرشد بن خراسان . ۵ - ب : صریر ، عمده :

صوبه . ۶ - الف : عمیره ، عمیری . ۷ - ب : خمار . ۸ - ب : حمّازه

۹ - عمده و بعضی از مراجع : شیعه . ۱۰ - عمده : نرجس ، ب : رحمن .

و جماز و هاشم فرزندان مهنا بن جماز نسل دارند . و از نسل الأمير عبدالله بن مهنا الأعرج : ملاعب بن عبدالله بن مهنا نسل او را ملاعبه میخوانند . و از نسل الأمير حسین بن مهنا الأعرج سعید بن داود بن المهنا بن الحسین و حسین بن مرا^۱ بن عیسی بن الحسین مذکور . و نسل ابی‌الفضل جعفر بن القاسم بن عیبدالله بن طاهر بن عبدالله السیف بن محمد بن جعفر مذکور است نسل دارد ، و ایشانرا بنو السیف میخوانند .

سبط ششم

(از نسل ابی عبدالله الحسین‌الشهید بن علی بن ابی طالب علیه السلام)

نسل علی‌الاصغر بن زین‌العابدین علیه السلام)

و مادرش مادر زید و عمرو . نسل او از پسرش الحسن‌الافطس ، مادر او اُم ولد بود ، و پدرش وفات یافت و او هنوز حمل بود ، و در آن وقت که محمد النفس الزکیّه ابن عبدالله المحض بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب خروج کرد رایت او بدمت الحسن‌الافطس بود ، و او را « رُمح آل ابی طالب » می‌گفتند ، و به نسل او أسباط فاطمیان دوازده سبط میشوند ، چنانچه در حدیث نبوی روایت آمده است . و شیخ الشرف عیبدلی کتاب « الانتصار لبنی فاطمة الأبرار » در فضایل الحسن‌الافطس تصنیف فرمود ، و شیخ ابونصر بخاری در کتاب « سر‌النسب » آورد که « امام جعفر الصادق علیه‌السلام یک نوبت خسته شده بود و وصیت نمود ، پس از بهر حسن‌الافطس هفتاد دینار وصیت کرد ، پیرزنی در آنجا بود به امام جعفر علیه‌السلام گفت : از بهر افطس وصیت میکنی و اوست آنکه در راه تو نشسته بود با کارد تا ترا بکشد ؟! امام فرمود : پس تو میخواهی که من داخل آنها که « یقطعون ما أمر الله به أن یوصل » شوم ، یعنی که خدای تعالی در صلت رحیم مبالغه فرمود ، و اگر با فطس چیزی ندهم و داخل آنها که وصیت کردم نکنم ، قطع رحم و خویشی او کرده باشم » و فضایل الحسن‌الافطس بسیار است .

و نسل او از پنج پسرند : علی الخرزى^۱ ، و عمر ، و الحسین ، و الحسن المكفوف ، و عبدالله الشهيد .

۱) و نسل علی الخرزى بن الأفتس منتهی میشود به علی بن محمد الخرزى بن علی الخرزى مذکور نسل دارد از سه پسر : ابو محمد الحسن در آبه نقیب و رئیس بود ، و ابو العباس احمد ، و ابو جعفر محمد .

۱ - و نسل ابی محمد رئیس از سه پسرند : ابو الحسن علی ، و الحسین مانکدیم ، و ابو جعفر محمد .

(-) از نسل ابی جعفر محمد بن الحسن رئیس : محمد بن احمد بن ابی طاهر زید بن احمد بن محمد مذکور است .

(-) و از نسل الحسین مانکدیم بن الحسن رئیس : مانکدیم بن الحسن بن الحسین مانکدیم مذکور نسل او را بنو مانکدیم میخوانند و در مشهد علی میباشد .

(-) و از نسل ابی الحسن علی بن الحسن رئیس : الحسن تج بن ابی الحسن مذکور ، از نسل او زید بن الداعی بن زید بن علی بن الحسن تج از نسل او السید الزاهد رضی الدین محمد بن فخر الدین محمد بن رضی الدین محمد بن زید مذکور . و از نسل السید رضی الدین الزاهد : السید الرضی کمال الدین الحسن بن فخر الدین محمد بن رضی الدین الزاهد و او را ده پسر بودند از ایشان : محمد بن حسین بن کمال الدین مذکور ، و پسرش تاج الدین الحسن أفضی القضاة بود در ولایت حله ، و در سنه هفتصد و چهل و هفت هجری وفات یافته است .

و از نسل زید بن الداعی نیز : السید تاج الدین ابو الفضل محمد بن مجد الدین الحسین بن علی بن زید مذکور نقیب نقبا تمام ممالک سلطان خربنده^۲ بود ؛ عراق

۱ - عمده : الحریری . و مصحح از بعض نسخ خطی « الخرزى » آورده است .

۲ - کذا ، و در باقیمانده از نسخه الف نیز چنین بوده و بعد به « خدا بنده » اصلاح شده .

* - از اینجا یک برگ از نسخه الف پاره شده و فقط قسمتی از آن باقی مانده ، و بیشتر آنچه نوشته شده مخصوص ب است .

وری و خراسان و فارس و غیر آن ، و [چون] مستولی شد بر سلطان خربنده وزیر رشیدالدین الطیب ، قصد او کرد تا او را بقتل آورد ، و بعضی گفتند که سبب آن بود که در اثناء راه مشهد علی از حله مشهدی هست میگویند که مشهد ذی الکفل پیغمبر است و جهودان بر آن مستولی بودند ، پس نقیب تاج‌الدین ایشان را از آنجا منع کرد و فرمود تا فرس (؟) آنجا پاك کردند ، و رونق اسلام در آن مشهد بادید کرد . وفی الجملة وزیر رشیدالدین لغراء سادات عراق باو کرد ، و شنیع بسیار از ایشان براو سلطان رسانید و در خاطر سلطان شاید (؟) که صلاح در آنکه او و هر دو پسرش را بدست سادات میباید سپردن تا راضی شوند ، و ایشانرا او را بخواهند کشت ، پس سلطان فرمود تا او را بدست بعضی از اکابر سادات آنجا دادند ، و رشید با او مقرر کرده بود که سید تاج‌الدین را و فرزندان بکشند . و این در سنهٔ هفتصد و یازده هجری بود که او را و پسرانش شمس‌الدین حسین و شرف‌الدین علی در کنار شطّ بغداد بکشتند و بعضی از اجلاف عوام بغداد سید را پاره پاره کردند ، و گوشت او را بخوردند ، و موی او هر موی بیک دینار بهمدیگر فروختند ، و سبب عداوت عوام بغداد با او آنکه او تربیت شیخ جمال‌الدین الحسن بن المطهر الحلّی کرده بود پیش سلطان اولجایتو تا اهل مذاهب بحث کرد ، و سلطان نقل مذهب به تشیع نمود ، و جمعی از متعصبان سادات و غیرهم [طعن] در نسب این سید میکنند ، بلکه نفی او را مطلقاً میکنند ، از آن جمله سید ابوالظفر محمد بن الأشرف الأفتسی النسابة ، و شرف‌الدین و صاف صاحب تاریخ نیز او را نفی کرد ، و حکایتی چند باطل در تاریخ خود نوشت . و راست آنکه این سید تاج‌الدین صحیح النسب است ، و آنچه در باب او از طعن و نفی نوشتند غیر واقع است .

و نسل او از پسرش شرف‌الدین علی ، او را پسر ی بود و او نقیب مشهد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود ، رضی‌الدین علی محمد بن شرف‌الدین مذکور ،

و بغایت صاحب جاه و مال بود از وقت صبا^۱ تا آنکه وفات یافت با وجود کثرت
أخصام و قصد و أغراض ایشان ، و بعضی پسرانش و پسر زادهایش نیز نقابت آنجا
داشتند و بقیه دارند .

و از نسل ابی الحسن علی بن الحسن رئیس : ابوطاهر محمد بن علی مذکور
نسل دارد . از ایشان : وزیر الأمير شیخ حسن بن الأمير حسین بن آقبوقا در بغداد ،
تاج الدین ابوالحسن علی بن شرف الدین بن علی بن الحسن^۲ بن تاج الدین علی بن
الرضی بن أبی الفضل علی بن ابی القاسم بن مالک بن ابی طاهر محمد مذکور .

۲- و نسل ابی العباس احمد بن علی بن محمد بن علی الخرزی^۳ بن محمد بن علی
بن علی الخرزی ابن الأفطس از پسرش ابی القاسم زید که او را « حرّ کینی » میخوانند ،
از نسل او علی الفقیه (که او را « داعی » میخوانند در جرجان) ابن المحسن بن
الحسن بن زید بن الحسن بن زید مذکور .

۳) و نسل عمر بن الأفطس و او در وقت فتح حاضر بود ، از علی تنها . و
نسل علی بن عمر از پنج پسرند : ابوطاهر ابراهیم ، و عمر . و ابوالحسن محمد ، و
ابوعبدالله الحسین ، و احمد .

۱ - از نسل ابی طاهر ابراهیم الحسین بن علی بن الحسن بن علی بن ابراهیم
مذکور و الحسین بن محمد بن الحسن بن المحسن بن محمد بن ابراهیم مذکور ، و
از نسل عمر بن علی بن عمر بن الأفطس : حمزه بن محمد خلیفه بن یحیی بن علی بن
عمر مذکور .

۲ - و از نسل ابی الحسن محمد بن علی بن عمر بن الأفطس الشریف القاضی
امیرالدوله ابو جعفر محمد بن علی بن أبی الحسن محمد مذکور دانشمند بود و نسابه
و از شیخ ابی الحسن عمری روایت میکند .

۳ - و از نسل ابی عبدالله الحسین بن علی بن عمر بن الأفطس بنو بَرطُلّه و او

۳ - الف : الخدری .

۲ - ب : الحسن .

۱ - ب : صیوت .

۴ ، ۵ - ضبط از الف .

علی بن الحسین مذکور ، از ایشان بنوشنبر الحسن بن محمد بن حمزه بن احمد بن علی بر طئه مذکور بقیه دارند ، و در حله و سورا میباشند ^۱ .

و از فرزندان ابی عبدالله الحسین بن علی بن عمر بن الأفطس نیز : الحسن الأعرج ابو محمد کان یترل بر ستاق قم ، و چهار پسر دارد : ابوالقاسم جعفر تبنی (؟) و ابو عبدالله الحسین ، و ابوطالب المحسن ، و ابوالفضل العباس . نسل العباس و المحسن اندکست ، و از نسل ابی عبدالله الحسین احمد بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن حمزه بن الحسن بن الحسین مذکور که سید رضی الدین بن قتاده او را در واسط دید سنه ششصد و پنجاه و نه ، و گفت که : عجمی اللسانست . و ابوالقاسم جعفر [تبنی را شش پسر است : ابوطاهر و ابوالقاسم ^۲] ابراهیم ، هر دو را نسل نیافتیم ، و محمد نسل او اندکست ، و ابوالعباس احمد نسل او نیز اندکست ، و ابوالحسن علی نسل او نیز اندک است ، و ابوعلی الحسن در آبه بود و نسل دارد از دو پسر : ابویعلی حمزه ، و الحسین الداعی . از نسل حمزه : قاسم بن علی بن الحسن بن ابی غالب محمد بن ابی یعلی حمزه بن ابی طاهر محمد بن حمزه مذکور فرزندان دارد . و از نسل الحسین الداعی : سرهنگ ، و طاهر پسران علی بن الحسن الداعی مذکور نسل دارند ، از نسل طاهر ابوالقاسم بن طاهر در کاشان بود ، و دو پسر دارد : الحسن و ابوالمعالی محمد نسل دارند ، از نسل ابی المعالی محمد : ابوالفضل محمد بن علی بن ابی المعالی مذکور ، از نسل او : شرف الدین محمد بن الحسن بن علی بن ابی الفضل مذکور ، و برادران او و برادر زادگان او ، و از ایشان : السید شرف الدین حسین بن علی بن ابی الفضل مذکور جد المولی السید الأجل صاحب القرآن الأعظم مستخدم وزراء العالم ، آصف العهد والزمان ذو الهمم العلیة والنفس القدسیة فخر العترة و الدین : الحسن بن السید شمس الدین محمد بن السید شرف الدین حسین مذکور که بی تکلف آنکه همت او مقصور است بنشر فضایل و تربیت افاضل ،

و عمارت بقیع جهت علما و اشراف ، و ایقاف^۱ اوقاف نفیس بر آن ، مثل مدرسه و خانقاه و دارالسیاده در بلده سبزوار ، و دارالحديث در مشهد الإمام ابی‌الحسین علی‌الرضا علیه‌السلام ، و همت اودرین ابواب علی‌الدوام اقتضاء مزید میکند ، و درین وقت ملاذومربئی فضلاء و سادات است . و این مختصر بالقاب شریف او موثّق گشته و خاص بنام او نوشته خلدالله تعالی ظلال جلاله ، و زین الوجود بدوام مجده و اقباله ، بمحمدالنبی و آله .

۳) و نسل الحسین بن الأفطس (و اودر ایام ابی‌السرایا درمکه خروج کرد از قبیل محمد الدّیاج بن جعفر الصادق علیه‌السلام ، بعد از آنکه دعوت از بهر محمد بن طباطبا کرده بود ، و مال کعبه مشرفه را بگرفت و فی‌الجمله افعال او در آنجا نیک نبود) از دو پسرند : الحسن ، و محمد .

۱- از نسل محمد بن الحسین بن الأفطس : السکران محمد بن عبدالله بن القاسم بن محمد مذکور ، این چنین فرمود شیخ ما نقیب تاج‌الدین محمد بن مُعَیَّه الحسنی رحمه‌الله ، و شیخ ابوالحسن عمّری گفت که : « سکران محمد بن عبدالله بن الحسین بن الأفطس » و گفت که : « حسین نسل دارد از حسن ، و عبدالله » و ظاهر اینست ، و او را « سکران » می‌گفتند از بهر آنکه تهجد و عبادت و شب بیداری بسیار داشت ، و نسل او بسیارند و ایشانرا بنو السکران می‌خوانند .

۲- و از نسل الحسن بن الحسین بن الأفطس : علی الدّینوری بن الحسن مذکور که ابو جعفر محمد الجواد بن علی‌الرضا بن موسی‌الکاظم علیهم‌السلام باو فرمود که متوطن دینور شود ، پس امثال امر او کرد ، و بآنجا منسوب شد ، و او را علم و فضل بود ، و نسل دارد از ایشان : ابوهاشم المجتبی بن حمزه بن زید بن مهدی بن حمزه بن محمد بن عبدالله بن علی الدّینوری مذکور درری نسابه بود ، و برادرش ابوشجاع مهدی نسل دارد . و از ایشان : الشریف النسابه ابو حرب محمد بن المحسن بن الحسن بن علی حدّوئه^۲ ابن محمد الأصغر التفلیسی بن علی الدّینوری مذکور ،

۱- ب : اتفاق ، الف نقطه ندارد . ۲- ب : حدویه - بتشدید دال .

ابن محمد الأصغر التفلیسی بن علی‌الدینوری مذکور ، او را « شیخ الشرف » میخواندند و در بغداد بود و به بلاد العجم سفر کرد و جریده^۱ چند از آن چند شهر جمع کرد ، و در غزه^۲ وفات یافت بعد از چهارصد و هشتاد هجری .

و علی‌الدینوری را برادرانست ، از ایشان : ابراهیم و محمد پسران‌الحسن بن‌الحسین بن‌الأفطس نسل دارند .

۴) و نسل‌الحسن‌المکفوف بن‌الأفطس (و چشم او پوشیده بود ، و از این جهت او را « مکفوف » میخواندند ، و پیشتر از آن در ایام ابی‌السرائا تغلب کرده بود ، و رقاء بن یزید او را از آنجا بکوفه برد ، و مادر او و مادر برادرش‌الحسین : حوریّه بنت خالد بن ابی‌بکر بن عثمان بن عبدالله بن عمر بن الخطّاب) از چهار پسرند : علی ، و حمزه (که او را سمّان میخوانند) و القاسم (که او را شعرابط میخوانند) و عبدالله‌المفقود .

۱ - و نسل علی بن‌الحسن‌المکفوف از پسرش : الحسن تزلج^۲ ، و نسل‌الحسین تزلج از چند پسرند ، از ایشان : جعفر بن‌الحسین تزلج نسل دارد ، از ایشان : احمد البروجردی ، و ابوالحسن موسی ، و ابوالحسن علی فرزندان جعفر مذکور و نسل دارند . از ایشان : عبدالله‌الاکبر بن‌الحسین تزلج نسل دارد ، و از ایشان : ابوالعبّاس احمد المخلّع بن‌الحسین تزلج نسل دارد ، و علی بن‌الحسین تزلج نسل دارد .

۲ - و نسل حمزه سمّان بن‌الحسن‌المکفوف را بنو سمّان میخوانند .

۳ - و از نسل القاسم (که او را « شعرابط » میخوانند) بن‌الحسن‌المکفوف بنو بروج^۲ ، و نام او‌الحسین بن علی بن‌الحسین بن محمد بن‌الحسن زعفرانه بن محمد بن‌القاسم بن شعرابط است و بقیّه دارند و در سورا و بیاری و حله و مشهد علی میباشند .

۱ - ب : غری ، عمده : عرنه . و گمان میکنم « غزنه » صحیح باشد .

۲ - بعض نسخ خطی عمده : تزلج . ۳ - عمده : زبرخ .

۴ - و نسل عبدالله المفقود بن الحسن المكفوف و خاندان در اوست ، و ایشانرا بنو زُبارة^۱ میخوانند ، از بهر آنکه نسل او راجع میشود به ابی جعفر أحمد زُبارة بن محمد الأكبر بن عبدالله المفقود ، و این ابو جعفر را چهار پسر است همه بزرگ و رئیس بودند ، اما نسل ایشان از آن ابوالحسین محمد الزاهد العالم است ، و او دعوی خلافت در نیشابور کرد ، و مردم بر او مجتمع شدند مدت چهار ماه ، و بر منابر خطبه کردند بنام او در نواحی نیشابور ، این چنین فرمود شیخ ما نقیب تاج الدین محمد بن مُعَیَّه الحسنی النسابة ، و در بعض روایات آنکه نزدیک ده هزار^۲ مرد بیعت با او کردند در نیشابور ، و چون وقت خروج او نزدیک شد برادرش ابوعلی معلوم کرد ، پس او را بگرفت و مقید ساخت و پیش خلیفه حمویه بن علی صاحب جیش نصر بن أحمد سامانی صاحب خراسان برد ، پس او را همچنان مقید به بخارا فرستاد ، و در آنجا نزدیک یک سال محبوس کردند پس او را بگذاشتند ، و همراه دو پست آقچه مشاھر^۳ از بهر او نوشتند ، پس به نیشابور مراجعت کرد ، و در سال سیصد و سی و نه هجری وفات یافت .

و نسل او از دو پسرند : ابو محمد یحیی نقیب النقا در نیشابور و او را « شیخ العترة » میخواندند ، و ابو منصور ظفر که او را « غازی » میخواندند و مادر هردو دختر الأمیر علی بن الأمیر طاهر بن الأمیر عبدالله بن طاهر بن الحسن است .

و نسل ابی منصور ظفر بن ابی الحسن محمد نقیب از پسرش ابوالحسن محمد پلاس پوش است ، و نسل ابی محمد یحیی بن ابی الحسن محمد نقیب از ابی الحسن محمد تنها . و نسل ابی الحسن محمد از چهار پسرند : العالم الأجل ابوالقاسم علی^۴ ، و ابوالفضل احمد ، و الحسن جوهرک ، و ابوعلی محمد . و مادر ایشان : عایشه بنت ابی الفضل البدیع الهمدانی الشاعر ، و هریکی از ایشان جلالتی و ریاستی دارد .

۳ - یعنی مستمری

۲ - ب : دوهزار .

۱ - الف : زیاره .

و از نسل علی^۱ العالم بن ابی‌الحسین زین‌الدین فخرالشرف أبوعلی احمد الخدا - شاه‌ی بن ابی‌الحسن علی بن احمد بن ابی‌سهل علی بن علی‌العالم مذکور، در «خداشاه» از جوین ساکن می‌بود، و نسل دارد، از ایشان: الأمير الجلیل عز‌الدین طالب و برادرش عمادالدین ناصر فرزندان رکن‌الدین ابی‌طالب محمد بن محمد بن تاج‌الدین عربشاه بن محمد بن زید الجوی بنی بن المظفر بن ابی‌عبدالله احمد الخداشاهی مذکور و هر یکی از هردو را «دلقلندی» می‌خواندند^۲ و بغایت معتبر و صاحب جاه و امارت بودند، و تقدّم نزد سلطان الکجایتو محمد خدا بنده^۳ کردند. و امیر طالب مذکور متولّی کشتن رشید وزیر شد، و مقصود او از تصدّی این امر آنکه قصاص نقیب تاج‌الدین آوی بخواهد، چون هردو افطسی بودند.

و [عمادالدین] امیر ناصر قلعه^۴ اربل را فتح کرده بود و مدتها در دست‌نواب او و برادر زاده^۵ او امیر تاج‌الدین علی بن طالب بود، و بعد از او امیر یحیی بن‌الامیر ناصر حاکم آنجا شد و پسرش امیر محمد، و نسل دارند.

۵) و نسل عبدالله الشهید بن الأفطس و او حاضر وقعه^۶ فخ^۷ بود، و دوشمشیر حمایل کرده بود، و جنگ معتبر کرد، و در بعض روایات آنکه الحسین بن علی صاحب فخ^۸ وصیت باو نمود و ولی^۹ عهد خود ساخت، و هارون رشید او را بگرفت و محبوس ساخت، و سیّد از حبس بغایت مضطرب شد، چه معتاد بود بطوف و سواری و شکار، پس پیش هارون مکتوبی فرستاد که: «اگر ما را از اینجا بدر نمی‌کنی خود را خواهم کشت» و در اثناء مکتوب سفاهت بسیار به رشید خواند، پس رشید او را به جعفر برمکی سپرد، و فرمود که او را در جایی نیک بازدارد، و خدمت شایسته او را کند، و مدتی پیش جعفر بود، ناگاه روز نوروزی او را بکشت، و سر او را با هدایای نوروز پیش رشید فرستاد، چون رشید سر او را بدید مضطرب شد و انکار کشتن او کرد، جعفر عذر خواست بآن مکتوب که او پیش فرستاده بود و آن سفاهت که در آنجا نوشت. و در بعض روایات آنکه رشید در آن شب که فرمود که جعفر

را بکشند و جعفر پیغام باو فرستاد که : بچه سبب خون مارا حلال داند ؟ رشید گفت بسبب خون پسرعمویم عبدالله که بی اجازت من او را کشتید !

و نسل عبدالله الشهید در مداین بودند و از دو پسرند : العباس ، و محمد . و معتصم عباسی زهر باین محمد داد .

۱ - و نسل العباس اندکست ، از ایشان : الأبیض الشاعر ابو عبدالله [الحسین بن عبدالله] بن العباس مذکور .

۲ - و نسل محمد بن عبدالله الشهید از پسرش ابی الحسن علی طحله^۱ است ، و جمهور نسل او منتهی میشود به ابی الحسن علی بن الحسین المدائنی بن زید بن علی طحله مذکور . و نسل ابی الحسن علی بن الحسین از سه پسرند : ابوالقاسم علی ، و ابو عبدالله محمد در مداین رئیس بود ، و ابو محمد الحسن شیخ اهل خود بود .

(-) از نسل ابی القاسم علی بن ابی الحسن علی بن الحسین المدائنی بنو الفاخر نسل ابی طاهر^۲ محمد الفاخر بن ابی تراب الحسن بن ابی طاهر محمد بن ابی القاسم مذکور و بنو المحرق الحسن بن ابی القاسم علی مذکور ، از ایشان : بنو الأعر^۳ محمد بن الأكمل بن محمد الزکی بن الحسین بن علی بن علی بن الحسن المحرق مذکور .

(-) و از نسل ابی عبدالله محمد رئیس بن ابی الحسن علی بن الحسین المدائنی : ابو منصور محمد الإسکندر بن محمد نقیب المداین بن محمد رئیس المذکور نسل دارد .

(-) و نسل ابی محمد الحسن بن ابی الحسن علی بن الحسین المدائنی ، و او خلیفه ابی عبدالله ابن الداعی در نقابت بود ، و او را بیست و یک پسر بود هر یکی از ایشان نام او علی است و فرق میان ایشان به کنیت بود ، اما نسل او از هشت پسر بیش نیست ، از ایشان : ابو تراب علی^۴ از نسل او بنو ابی نصر فرزندان عز الشرف

۱ - و در الف هم چنین بوده و بعداً طلحه شده ، چنانکه در عمده است . ۲ - ب : نسل

الظاهر ، عمده : ابی طالب . ۳ - الف - بعد از اصلاح : الاغر ، عمده : الاعسر .

ابی نصر بن ابی تراب مذکور ، و بنو الصّالیا نسل ابی طالب یحیی الصّالیان یحیی بن یحیی بن عزّ الشرف ابی نصر علی مذکور .

و از نسل ابی محمد الحسن بن ابی الحسن علی مذکور نیز بنو المداینی در وقف بودند از ولایات حله ، و بقیه ایشان اکنون در حله و سُوراً میباشند . از ایشان : حافظ الدین احمد بن عبدالله بن المداینی سفر کرد به هندوستان و متوطّن بلده تانه شد ، و از آنجا به هرموز تردّ میکرد به تجارت ، و عاقبت در آن دریا غرق شد ، و با من حکایت کرده بود که فرزندان دارد در تانه از کنیزك هندی .

و از نسل ابی طالب علی المخلّ^۱ القصیر بن ابی محمد الحسن : خلیفه ابن الداعی در نقابت ، شرف الدین الأشرف النحوی ، از مداین منتقل شد به بغداد ، و از آنجا بمشهد امیر المؤمنین علی علیه السلام ، و در آنجا متوطّن شد . و قرآن مجید یادداشت . و او الأشرف بن محمد بن جعفر بن هبة الله بن علی بن محمد بن علی بن [محمد بن علی]^۲ ابی طالب المخلّ المذكور بود ، و پسرش ابوالمظفر^۳ محمد الشاعر النسّابه خطّ خوش مینوشت ، و مشجره از بهر سیّد قطب الدین ابوزرعه الرّسّی الشیرازی نوشت ، و در آنجا اغلاط فاحشی دیدم مثل آنکه نقل کرد از کتاب «المجدی» تصنیف ابی الحسن العَمَری که «عیسی الأزرق الرومی» [العُرَیضی] دوازده پسر داشت و هیچ کدام از ایشان نسل ندارد^۴ و بعد از آن^۵ جزم کرد بر آنکه النقیب عیسی الأزرق بن محمد بن العریضی منقرض است ، و شکّی نیست که آنچه نقل کرد راست است ، امّا ابوالحسن عمری بعد از آنکه آن مشجره نوشت آن دوازده پسر را بشمرده و یاد بکرد آن جماعت را که از فرزندان عیسی نسل دارد ، و نمی‌دانم چرا مطالعه سخن تا آخر نکرد تا سلامت یابد از طعن بلکه نفی بطون عظیم از سادات بمجرّد خطا کرد . و عجب آنکه زعم او آنکه کتاب مجدی را خواند بر نقیب

۱ - عمده : المجل . ۲ - از «ب» و عمده آوردیم . ۳ - ب :

ابوالظفر . ۴ - هر دو نسخه « و بعد از آنکه » و عبارت عمده این است : ثم جزم

علی ان النقیب عیسی . . . منقرض لاعقب له .

رضی الدین علی بن علی بن طاوس الحسینی ، و چگونه از او فوت شود و چیزی که در کتابی که خواندست مسطور است ؟ و مثل آنکه نوشت که « سید نظام الدین عبدالحمید بن السید مجدالدین ابی الفوارس بن الأعرج الحسینی [العبدلی] دارجست » و حال آنکه سید نظام الدین معاصراو بود و نسل دارد از پسرش شرف الدین عبدالرحمن و تا این وقت موجوداند . و مثل این در کتاب او بسیار دیدم ، و غرض از این سخن تنبیه بر غلط او ، و آنکه سخن او معتمد علیه نیست والله اعلم .

معلم سوم

در نسل ابی القاسم محمد بن علی بن ابی طالب

که او را ابن الحنفیه میخوانند ، و در روایت آنکه رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم به امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که او را محمد نام نهد ، و ابوالقاسم کنیت کند . و بشارت باو داده بود . و او را چهارده پسر بود و نسل او اندکست ، و در عراق عرب و حجاز از ایشان کسی نیست ، بغیر از خاندانی که در کوفه بود و بقیه ایشان در مصر و صعيد و شیراز و اصفهان و قزوین و غیر آن از بلاد العجم میباشند . و نسل او از دو پسرند : علی ، و جعفر قتیل الحرّه ، و پسر او ابو هاشم عبدالله اکبر بن محمد امام کیسانیه بود ، و از او بیعت به بنی العباس منتقل شد و منقرض شد .

(۱) و نسل جعفر قتیل الحرّه و شمار [و اعتبار] در نسل او ، از عبدالله تنها و جمهور نسل او منتهی میشود به عبدالله رأس المذری ' بن جعفر الثانی بن عبدالله بن جعفر بن محمد الحنفیه نسل دارد از نه پسر ، از ایشان :

۱ - علی بن رأس المذری نسل او منتهی میشود به محمد العوید بن علی مذکور از نسل او : الشریف النقیب الأخباری ابوالحسن احمد بن القاسم بن محمد العوید . و از فرزندان او ابو محمد الحسن بن ابی الحسن مذکور خلیفه سید مرتضی موسوی

در نقابت بود و نسلی داشت ایشانرا بنوالثقیب المحمدی میخواندند، و علمی و روایت و بزرگی داشتند، و منقرض شدند.

۲ - و از ایشان : جعفر الثالث بن راس المذری نسل دارد از زید، و علی، و موسی، و عبدالله پسران جعفر الثالث. و بعضی گفتند که از ابراهیم بن جعفر نیز نسل دارد اما شیخ ابونصر بخاری فرمود که « آن قوم که منتسب میشود به ابراهیم بن جعفر الثالث در شیراز و اهواز نسب ایشان راست نیست » و از نسل زید بن جعفر الثالث بنوالصیاد در کوفه بودند، و ایشان [نسل] محمد الصیاد بن عبدالله بن احمد الداعی بن حمزه بن الحسین صوفه بن زید الطویل بن جعفر الثالث اند، و از ایشان بنوالایسر در کوفه بودند و اکنون بعضی از ایشان در حله میباشند، و ایشان نسل ابی القاسم حسین الاعسر (!) بن حمزه بن الحسین صوفه مذکور. و از نسل علی بن جعفر الثالث : ابوعلی المحمدی الطویل [بالبصره] و نام او الحسن بن الحسین بن العباس بن علی بن جعفر الثالث است و او را چند پسر بود. و از نسل عبدالله بن جعفر الثالث محمد بن علی بن عبدالله مذکور است، و شیخ ابونصر بخاری میگوید که « محمد بن در قزوین رؤساء آنجا و در قم علماء آنجا، و در ری سادات آنجا » و همه از نسل محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر الثالث اند.

۳ - و از نسل راس المذری : ابراهیم بن راس المذری نسل دارد از ابی علی محمد النسابة و اومبسطی در علم نسب دارد، و از عبدالله. از نسل ابی علی النسابة : ابوفیراس مفضل بن الحسن بن محمد بن احمد هلیلجه بن ابی علی مذکور، شیخ ابوالحسن عمری میگوید که « او را بقیة در شام و در موصل است » و از ایشان : ابوالحسن علی الحرانی بن طاهر بن علی بن ابی علی النسابة، شیخ ابوالحسن عمری گفت که بقیة دارند، و از ایشان : [ابوالقاسم محسن بن محمد بن ابراهیم بن علی بن ابی علی النسابة صدیق العمری است]

۴ - و از فرزندان عبدالله راس المذری : عیسی، از نسل او الحسن بن علی بن عیسی [که معروف است بابن ابی الشوارب] و از اکابر طالبیان در مصر بود، و او را چهار پسر است.

۵ - و از فرزندان راس المذری : اسحاق نسل دارد ، از ایشان : عبدالله بن اسحاق اورا « ابن ظنک » میخوانند ، و ظنک نام زنی از انصار بود ^۱ [و از ایشان ابو عبدالله الحسین بن اسحاق صابونی بن حسین بن اسحاق است غرق شد در نیل مصر و ازو پسریست] و ابونصر بخاری میگوید که « آن سه نفر که نسب محمدیه راست بایشان منتهی میشود : زید الطویل ابن جعفر الثالث ، و اسحاق بن عبدالله رأس المذری ، و محمد بن علی بن عبدالله رأس المذری . از بنی محمد بن علی بن اسحاق بن رأس - المذری : عقیل بن الحسین بن محمد مذکور نسل دارد ، و در نواحی اصفهان و فارس میباشند .

۶ - و از نسل رأس المذری : الفاضل المحدث القاسم بن راس المذری ، و از فرزندان اوست : ابو محمد عبدالله بن القاسم و اورا فرزندانند ، از ایشان : الشریف الفاضل ابو علی احمد و در مصر بود ، و ابو الحسن علی بر غوث در شطّ نوف ^۲ وفات یافت سال سیصد و سی از هجرت و نسل گذاشته است .

۷ (و از نسل علیّ الأكبر بن محمد الحنفیه : ابو محمد الحسن بن علی مذکور عالم بود و فاضل ، و کیسانیه او را امام دانستند ، و او به پسر خود علی وصیت کرد پس کیسانیه او را بعد از پدر امام دانستند . و از ایشان : ابوتراب ابو الحسن بن محمد المصری بن عیسی بن علی بن محمد بن علی بن علی مذکور در مصر کشته شد ، و نسل دارد ، و ایشانرا آل ابی تراب میخوانند . این همه سخن شیخ ابو الحسن عمّری است ، اما شیخ ابونصر بخاری فرمود که : « همه محمدیه از نسل جعفر بن محمدند » و در جائی دیگر گفت : « علی و ابراهیم و عون فرزندان محمد بن علی نسل داشتند و منقرض شدند » و نمی توان گفت که مراد بدین علیّ علی الاصغر است از بهر آنکه علی الاصغر دارج است و این معقب و منقرض . والله اعلم .

۱ - نسل معروف باو گذشت . ۲ - عمده : سطویق . و در مراصد گفته است

« شطنوف بفتح اوله وتشدید ثانیه وفتح النون و آخره فاء بلد بمصر ، من کورة الغریة ، عنده یفترق النیل فرقتین » .

معلم چهارم

در نسل ابی الفضل العباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام

و نسل او اندک اند ، و ایشان از پسرش عبیدالله اند ، و نسل عبیدالله از پسرش حسن ، و نسل حسن از پنج پسرند : عبیدالله قاضی الحرمین ، و او امیر بود و قاضی در مکه و مدینه ، و العباس الخطیب الفصیح ، و حمزه الأكبر ، و ابراهیم حردقه^۱ و الفضل .

۱ - نسل الفضل از سه پسرند : [جعفر و العباس الأكبر و محمد .

۲ - و نسل ابراهیم حردقه بن الحسن از سه پسرند] : الحسن و محمد و علی .

از نسل محمد بن حردقه : احمد بن محمد ، و او را سه پسرند : محمد ، و الحسن ، و الحسین . نسل داشتند در مصر . و علی بن حردقه را نوزده پسر بود از ایشان : یحیی بن علی بن حردقه نسل دارد [و پسر او ابو الحسن علی بن یحیی خلیفه ابی عبدالله بن الداعی در نقابت بیغداد ، و او را فرزند است . و از فرزندان علی بن حردقه : عباس بن علی بن حردقه است . و از فرزندان علی حردقه است : ابراهیم و حسن ، و ایشانرا پسر است] .

۳ - [و از ایشان حمزه بن الحسن کنیت او ابو القاسم و او شبیه امیر المؤمنین

علی بود] و توقیع مأمون خلیفه بخط او چنین بیرون آمد مضمون آنکه : « حمزه بن حسن را از برای مشابَهت و مماثلت او بصورت شریف امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آله و سلم صد هزار درهم بدهند » و از فرزندان اوست علی بن حمزه ، و از فرزندان علی بن حمزه بن حسن : ابو عبدالله محمد بن علی بن حمزه ، و او شاعر بود و نازل در بصره ، و او را شش فرزند بود که بعضی از ایشان نسل دارد . و از حمزه : قاسم بن حمزه در یمن بود و عظیم القدر ، و از اولاد او : حسین بن علی بن الحسین بن قاسم در سمرقند بود . و از اولاد حمزه بن حسن مذکورست : حسن بن

قاسم بن حمزه . و از ولد اوست : ابوالحسن علی بن حسین بن حسن قاضی طبرستان ، و او را فرزندی بود ^۱ [و از ایشان : العباس ، و علی ، و محمد ، و القاسم ، و احمد فرزندان القاسم بن حمزه نسل دارند .

۴ - و نسل العباس الخطیب الفصیح ابن الحسن از چهار پسرند : [احمد ، و عبیدالله ، و علی^۲ ، و عبدالله] چنانکه ابوالحسن عمّری گفت ، و شیخ ابونصر بخاری گفت که نسل او از عبدالله بن العباس تنهاست ، و از نسل او : عبدالله الشاعر [بن] العباس بن عبدالله مذکورست ، مادر او از بنی الأفتس بود و او را «ابن الأفتسیه» میخوانند ، و نسل دارد از پسرش ابی الحسن علی^۳ ، و نسل ابی الحسن علی از دو پسرند : ابی محمد الحسن ، و ابی عبدالله احمد . ولیکن عقب احمد فی «صح» و از ایشان : حمزه بن عبدالله بن العباس نسل دارد ، و از ایشان : بنو الشهید ابی الطیب محمد بن حمزه نسل داشت در طبریه ، و ایشانرا بنو الشهید میخوانند . و برادر او الحسن بن حمزه نسل دارد ، از ایشان : المرجعی ابو منصور بن ابی الحسن علی طلیعات بن الحسن الدّیقی^۴ بن احمد العجّان بن الحسین بن علی^۵ بن عبدالله بن الحسین مذکور نسل دارد ، و در مشهد الحسین علیه السلام میباشند و ایشانرا بنو المرجعی میخوانند .

۵ - و از نسل عبیدالله الأمير قاضی الحرمین بن الحسن : علی بن عبیدالله مذکور نسل دارد ، از ایشان بنو زهیرون^۶ در دیاط بودند ، و ایشان نسل زهیرون بن داود بن الحسن بن داود بن الحسین بن علی بن عبیدالله مذکور ، و برادر داود محمد (الوارد بفسا) بن الحسین بن علی مذکور او را «هدهد» میخوانند و نسل او را بنو الهدهد میگویند ، و عمّ او المحسن بن الحسین ببلاد یمن افتاد و نسل بسیار دارد .

و از ایشان : الحسن بن عبیدالله الأمير القاضی المذكور ، از نسل او عبدالله بن الحسن مذکور نسل دارد از یازده پسر ، از ایشان : محمد اللّحیانی والقاسم ، و موسی ،

۱ - ب بجای تمام این قسمت نوشته است : و از نسل حمزه بن الحسن و او شبیه

امیر المؤمنین علی بود ، علی بن حمزه نسل دارد . ۲ - عمده : الدیقی .

۳ - الف - اصلاح بعدی - : زهیرون . عمده : هارون .

و طاهر، و اسماعیل، و یحیی، و جعفر، و عبیدالله، و نسل محمد اللّحیانی [از جماعتی اند که از ایشانست: هارون، و ابراهیم، و عبیدالله، و حمزه، و داود الخطیب و سلیمان، و طاهر. و قاسم بن عبیدالله صاحب جاه و مرتبه بود و در مدینه، و او را نسل و عقب است و صاحب جاه و منزلت بودند در مدینه و ایشانرا ذیل و عقب بسیارست در آنجا^۱]. و موسی بن عبدالله بن الحسن نسل دارد [عمری چنین میگوید] و اسماعیل بن عبدالله نسل دارد، از ایشان: الحسن بن اسماعیل در شیراز^۲ بود، و نسل دارد در آنجا و در طبرستان، [و از ایشان است: حسین بن علی بن اسماعیل و عقب، و نسل او در شیراز و آرتجان بودند، و حسن بن علی نیز عقب دارد و در حران^۳ میباشند و جعفر بن عبدالله عقب بسیار از او نمانده. و عبیدالله بن عبدالله رادو پسر است جعفر و یحیی] و یحیی بن عبدالله نسل دارد و در مغرب میباشند.

معلم پنجم

در نسل عمر الاطرف بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

و نسل او از یک پسر است: محمد بن عمر، و نسل محمد از چهار پسرند: عبدالله، و عبیدالله، و عمر، و جعفر الأبله.

(۱) شیخ ابونصر بخاری میگوید: «بیشتر علما بر آنند که جعفر بن محمد بن عمر منقرض است، و در بلخ جماعتی دعوی این نسب میکنند و دروغ میگویند». (۲) و نسل عمر بن محمد بن الاطرف از دو پسرند: ابوالحمد اسماعیل، و ابوالحسن ابراهیم. و نسل ابوالحمد اسماعیل از پسرش محمد است که او را «سلطین»^۴ میخوانند و نسل او بودند تا بعد از ششصد هجری. و نسل ابی الحسن ابراهیم راجع میشود به محمد و الحسن فرزندان علی بن ابراهیم مذکور، و از نسل محمد که او را

۱ - ب: بجای این قسمت نوشته است: از چند پسرند. ۲ - الف -

اصلاح بعدی - : سورا. ۳ - عمده: جرجان. ۴ - عمده: سلطین.

« ابن بنت الصدری » میخوانند بنوالدمث^۱ ابوالحسن محمد بن علی بن محمد مذکور ، و از نسل بنی الحسن : علی بن الحسن بن ابراهیم بن الحسن مذکور است ، شیخ عمّری میگوید که « ببلخ افتاد و نسل در آنجا دارد » و شیخ ابونصر بخاری میگوید که : « از ولد عمر بن محمد بن عمر الأطراف إسماعیل و ابراهیم نسل ندارند مگر در خراسان و عراق . و در بلخ جماعتی منتسب میشوند باسماعیل بن عمر بن محمد ، و نسب ایشان صحیح نیست ، و جمعی که در مغرب اقصی از نسل ابراهیم بن عمر بن محمد اند نسب ایشان پیش من صحیح نیست » .

۳) و نسل عبیدالله بن محمد بن الأطراف صاحب مقابر النذور در بغداد از پسرش علی الطیب^۲ است و نسل او را بنوالطیب میخوانند ، و نسل علی الطیب از چند پسرند ، از ایشان : ابراهیم بن الطیب ، از نسل او نقیب البطائح ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر بن [محمد بن] ابراهیم مذکور بقیّه در سواد البصره داشته است [و از ایشان : احمد بن الطیب ، از فرزندان او ابواحمد محمد بن احمد المذکور که شیخ آل ابی طالب بود در مصر و متوفی شد از تئّه فرزندی که بعضی از ایشان نسل دارند] و از ایشان : الحسن بن الطیب ، از نسل او علی بن محمد بن احمد بن الحسن مذکور در مصر بود ، و شش پسر او را بودند ، بعضی از ایشان نسل دارد . و از ایشان : عبیدالله بن الطیب ، از فرزندان او : محمد بن عبیدالله ، شیخ عمّری میگوید که « او را بقیّه در بلخ هستند » و از ایشان : الحسن بن الحرّانی بن عبیدالله مذکور او را چند پسر بودند ، از ایشان : ابوالحسن علی برغوث بن الحسن مذکور نسل دارد ، و باو معروف اند ، [از ایشان : ابو عبدالله احمد بن علی بن الحسن بن برغوث] ، و از ایشان : القاضي بحرّان [ابوالسرایا] علی بن حمزه بن برغوث ، شیخ عمّری فرمود که « او را در حرّان بقیّه هست » و از فرزندان الحسن بن الحرّانی مذکور : أبو ابراهیم المحسن بن الحسن ، چند پسر داشت است ، از ایشان : ابو محمد الحسن بن المحسن او را « طیر » میخواندند و او در اوایل تقوی میورزید و لباس زهّاد میپوشید ، و بعد

از آن میل بشمشیر کرد و حرّان را بشمشیر گرفت او و برادرانش . و از ایشان : ابوالفوارس محمد بن المحسن [مکنّی بابی الکتاب ، و از ایشان ابوالهیجان بن المحسن] شیخ عمّری گفت که : بقیه دارد .

۴) و نسل عبدالله بن محمد بن الأطف ، و خاندان و عدد در نسل اوست ، از چهار پسرند : احمد ، و محمد ، و عیسی المبارک ، و یحیی الصالح .

۱ - اما احمد از ولد او حمزه [ابویعلی السّماکی] النسابه ، او را نسل است و از ایشان : عبدالرحمن بن احمد ، ظاهر شد در یمن ، و اولاد او جماعتی متفرّقند ، از ایشان : طایفه ای به یمن در موضعی که او را « ظما » میگویند .

۲ - و اما محمد بن عبدالله ، و در ولد او عدد است ، و نسل او از پنج پسرند : القاسم ، و صالح ، و علی المُشطّب ، و عمر المنجورانی ^۱ ابو عبدالله ، و جعفر ملک مُلّتان .

اما قاسم او را اولاد بسیار است ، از ایشان : یحیی . و احمد نسل دارند . و اما صالح از ولد او یحیی بن القاسم بن صالح ، او را نسل منتشر است . اما علی المُشطّب (و او را عدی ^۲ گفته اند نیز) و او را اولاد بسیار است ، از ایشان : محمد المثلّث ، از ولد [او] ^۳ موسی بن جعفر بن المثلّث او را نسل است .

و اما عمر المنجورانی او را چهار پسر است ، از ایشان : محمد الأكبر نسل او در هند است ، و محمد الأصغر نسل دارد نیز ، و از ایشان : احمد ^۴ الأكبر نسل او از شش پسرند : ابوطالب محمد ، و حمزه ، و ابوالطیب محمد ، و عبدالله والحسن ، [و علی] . و أحمد الأصغر بن عمر دارج است .

و اما جعفر الملّک از حجاز بواسطه خوف بمُلّتان گریخت ، و سیزده نفر از اولاد همراه بودند ، و جمعی قوی با او متفق گشتند ، و ملّک براو مسلم شد ، و

۱ - منسوب بقریه ای در دوفرسخی بلخ .

۲ - ب : عدد .

۳ - مخصوص ب .

۴ - ب : محمد .

اولاد او سیصد و شصت و چهار بودند ، ابن خدّاع گفته که از بیست و هشت ایشان عقب مانده ، و شیخ شرف عبیدلی گفته که از نیّف و پنجاه پسر ایشان عقب مانده ، و بیهقی گفته که از هشتاد پسر ایشان نسل است ، و شیخ عمری گفته که از چهل و چهار پسر ایشان نسل است ، و ابی یقظان عمّار گفته که عدد ایشان ازین زیاده بود ، و ابونصر بخاری گفته که بواسطه بُعد مکان ضبط انساب اعقاب ایشان نتوانستیم نمود . و از بنی جعفر : اسحاق که عالم بود ، و ولد او احمد که در شیراز از بقیّه مانده . و از ایشان است : علی بن احمد که عضدالدوله او را بنقابة الطالین بیغداد فرستاد ، و او را عقب بود . و جعفر الملک اعقاب او در بلاد منتشراند .

۳ - و اما عیسی المبارک ، ولد او احمد الفقیه النسابة المحدث را عقب است از محمد بن احمد بن الحسین بن محمد بن عیسی ، و عمری گفته که وارد شد بیغداد و از او بقیّه مانده .

۴ - و اما یحیی الصالح بن عبدالله او را نسل از دو پسر است : محمد الصوفی و حسن صاحب الجیش مأمون ، و هر دو را نسل بسیار است .

(-) از نسل حسن : ابوالحسن زید ملقب بمراقده ابن حسن بن محمد بن حسن مذکور ، او را نسل است در نیل و ایشانرا بنو مرقده میخوانند ، از ایشان : السید العالم صفی الدین محمد بن الحسن بن محمد بن ابی الرضا [هبة الله بن محمد بن حسن بن محمد بن جمال الشرف بن ابی طالب بن ابی الحسن محمد (نقیب نیل) بن الحسن بن زید مرقده] و پسرش شیخ ما عز الدین حسن ، و او نسل ندارد . و از ایشان : بنو الحریش ابوالغنائم محمد بن ابی الحسن علی بن ابی الغنائم محمد بن ابی الحسن علی الحسن بن علی بن میمون بن الحسن بن مرقده بقیّه دارند در نیل و حلّه میباشند .

(-) و نسل محمد الصوفی بن یحیی از پنج پسرند ، از ایشان : علی الضّریر ، از نسل او : محمد ملقطه [بن احمد الکوفی بن علی الضّریر المذکور ، و او را نسل و فرزندان است ، از ایشان : ابوعبدالله الحسین بن ابی الطیب محمد ملقطه] المتکلم

النظار،^۱ اثبات نسب خلفاء مصر کرد. و از ایشان: الشيخ ابوالحسن علی بن ابی الغنائم محمد بن علی بن محمد بن محمد بن محمد ملقطه، علم نسب در عصر او باو منتهی شد، و سخن او بعد از و حجت ماند، و مشایخ بزرگ در این فن یافته است، و تصنیف کرد [کتاب المبسوط] و کتاب المجدی، و کتاب الشافی، و المشجر. و از بصره بموصل منتقل شد [در سال چهارصد و بیست و سه] و در آنجا او را فرزند بود، و پدرش ابوالغنائم نیز نسابه بود و حفید او جعفر بن هاشم بن ابی الحسن علی مذکور از جد خود [ابی الحسن عمری] روایت کرد.^۲

و از ایشان الحسن بن محمد الصوفی نسل او را بنی الصوفی میخوانند تا امروز [از ولد او: یحیی الطحان بدر ب الزرقاء ابن ابی القاسم حسن نقیب المشهد، ابن ابی الطیب یحیی بن حسن بن محمد الصوفی و او را نسلست در کوفه] و از ایشان: ابوالبرکات مسلم (و او را مأمون میخوانند) بن الحسین بن علی بن حمزه بن الحسن بن محمد الصوفی نسل او را بنی مأمون میخوانند، از ایشان بنو الغضایری نسل احمد الغضایری بن برکات بن المسلم بن المفضل بن المسلم مأمون است. و از ایشان «بیت حسن» و در بیاری بودند و اکنون در سورا و حله میباشند. و ایشان فرزندان حسن بن ابی منصور محمد بن الحسن بن المسلم مأمون المذکورند. و از ایشان: بنو قفح علی بن حسن بن ابی طالب محمد بن الحسن بن محمد الصوفی مذکور بقیه دارند و در کوفه [و بریسم] و بیاری بودند. و از ایشان بنو المصروج^۳ علی بن محمد بن علی بن قفح مذکور.

۱ - در هر دو نسخه طاء بدون نقطه است، و تصحیح احتمالی است.

۲ - در حاشیه الف نوشته است: «و او شیخ ابن کلبون نسابه است، و ابن کلبون شیخ سید عبدالحمید بن التقی است، و سید عبدالحمید بن التقی شیخ سید شمس الدین فخار بن معد موسوی است، و سید شمس الدین فخار شیخ پسر خود جلال الدین عبدالحمید است، و جلال الدین عبدالحمید شیخ پسر خود علم الدین مرتضی علی است، و علم الدین مرتضی علی شیخ ما سید تاج الدین محمد بن معیه حسنی است، و مصنف این رساله «ابن عنیه» رحمه الله باین ترتیب که مذکور شد ذکر میکند و میگوید که: باین طریق مروی است از شیخ ما عمری»

۳ - کذا فی ب و العمده، و در الف بعد از اصلاح: المصروج.

و از ایشان عبدالله بن محمد الصوفی ، از نسل او بیت‌اللبن در کوفه بودند ، و از ایشان : الشریف النسابة ابوعلی عمر بن علی بن الحسین بن عیبدالله که او را «موضح» می‌گفتند ، و او از مشایخ ابی‌الحسن عمری بود ، و از مشایخ پدرش ابی‌الغنائم نیز ، و از ایشان : الحسین بن محمد الصوفی ، از نسل او : هاشم بن یحیی [بن زید] بن الحسین مذکور ، شیخ عمری گفت که : او و برادرانش محمد و عبدالله و سلیمان را بقیه در مصر و شام می‌باشند .

و هذا آخر ما وعدنا باتيانہ فی هذا الكتاب
و الحمد لله العزيز الوهاب ، والصلوة علی سید الاحباب
محمد النبی و علی اخلصائه من الال والاصحاب

نامها

-۲-

آل اجود ۵۸	آدم ۲۴، ۱۵، ۶، ۵
آل الاغرس ۱۳۹	آذر میدخت ۳۴
آل افیلح ۵۸	آزاد به همدانی ۵۵
آل بادیس ۴۵	آقبوقا ۱۷
آل باقی ۱۳۸	آل الابراری ۸۹
آل بدر ۱۱۶	آل ابی تراب ۲۰۰
آل بدران ۶۹	آل ابی الحارث محمد ۱۳۹
آل بشیرین سعدانه ۱۳۹	آل ابی الحمد ۱۱۱
آل البکری ۱۷۱	آل ابی الحمرا محمد ۱۳۹
آل بلاله حسن ۱۳۹	آل ابی رته ۱۳۹
آل البلیق ۵۷	آل ابی زید ۱۷۸، ۱۳۳
آل بویه ۳۸، ۳۷	آل ابی السعادات محمد ۱۳۸
آل الشرقی ۱۱۶	آل ابی الشوارب ۸۸
آل تقیه ۶۹	آل ابی الشوک ۳۷
آل الثغفی ۶۵	آل ابی طالب ۲۰۴، ۱۸۱، ۹۷
آل الجراح ۱۱۹، ۳۸	آل ابی الطیب ۱۱۴
آل جروان ؟ ۶۱	آل ابی العساف ۱۲۹
آل جفنه ۴۶	آل ابی هوانه ۱۳۹
آل جمازین ادیس ۱۱۲	آل ابی القانز محمد ۱۳۹
آل جناح ۵۷	آل ابی فراس ۵۶
آل جوته ؟ ۷۰	آل ابی اللیل ۱۱۵
آل جیا الکتاب ۸۳	آل ابی المجد ۱۳۸
آل حدید ۷۶	آل ابی المجدین حسین ۱۷۸
آل حسن ۱۱۰	آل ابی مضر ۱۳۹
آل حمدان ۶۱	آل ابی نعی ۱۲۳

آل حمزه ١١٢، ١٣٣	آل شهم بن أحمد حسنى ١١٨
آل حمزة بن حسن ١٢٩	آل شيتى ١٣٨
آل حمود ٨٨	آل شيخ ٦٢
آل خترش ١٣٩	آل صادق ٦٣
آل داود ١١١	آل صمان ١١٨
آل دخينه ١٣٨	آل الصول ١٣٨
آل ذى اصبح ٤٤	آل طراد ٩١
آل ذى رعين ٤٣	آل عبيد ٦٩
آل ذى ظليم ٥١	آل عدنان ١٧١
آل ذى الكلاع ٤٤	آل العرشى ١٧٨
آل رافع ١٣٧	آل عرفه ١١٢
آل الرزقى ١١٧	آل مصيه ٥٨
آل رستم ٣٩	آل مطيه ١١٧
آل رميح ١٨٥	آل علاقته ١١٥
آل ريان ٦٩	آل ملقى ٧٦
آل الزاهى ١١٤	آل علوى ٦٩
آل زحيك ١٣٨	آل على ١١٨
آل زرف ٥٨	آل العمرى ٦١
آل زنجى ٧٦	آل عيسى ٥٨
آل زنگى ٢١	آل الفاخر بن اسعد ١٧٨
آل ساسان ٢٩	آل فدكى ١١١
آل سامان (= سامانيه) ٣٧	آل فخار ١٣٨
آل السراج ١١٣	آل فرج الرخجى ٦٣
آل سردى ١٢١	آل فضل ٥٨
آل سلمه ١١٢	آل فضل الطاهر ٦١
آل سليط ٧٦	آل الفينيد ١١٢
آل شحه ٥٧	آل قتاده ١٣١
آل شهرى ٦٥	آل كتيتم ١١٨
	آل الكشيش ١١٢
	آل ليث ٣٧

آل وئاب ۶۶	آل ماکولا ۶۲
آل وهب ۶۹	آل محاسن ۵۷
آل وهیب ۱۳۸	آل مروان (از اکراد) ۳۷
آل یحیی ۱۱۷	آل مراد ۵۸
آلان قوا ۱۳	آل المرقع ۷۰
آلب ارسلان سلجوقی ۱۹	آل مسلم بن حسن ۱۱۲
آلنجه خان ۱۳	آل المسیب ۷۷، ۶۹
آمر فاطمی = منصورین احمد	آل المصطیع ۷۷
آمنه بنت وهب ۸۴	آل المضأ ؟ ۷۰
آورده بن جوجی ۱۵	آل مطاعن ۱۲۱
آبیک ترکمائی ۳۶	آل المطرفی ۱۱۲
	آل معصوم ۱۳۹
	آل منن ۷۰
	آل المعوج ۱۱۱
اباضیه ۷۳	آل مقن بن محمد ۱۱۸
اباقاخان ۱۵، ۱۴	آل ملاح بن عطاف ۶۹
ابراهیم خلیل ۵۸، ۴۹	آل الملحوس ۱۳۳
ابراهیم بن احمد الاکبر ۱۳۷	آل الملیط ۱۴۰
ابراهیم بن احمد الرئیس ۱۲۸	آل مهارش ۷۰
ابراهیم بن احمد عقیلی ۹۵	آل المهلهل ۵۶
ابراهیم بن ادريس ۱۱۵	آل الهنا ۱۰۱، ۷۰
ابراهیم الازرق حسنی ۱۰۹	آل میکال ۳۹
ابراهیم طباطبائی بن اسماعیل الدیاج ۱۲۷، ۱۲۶	آل نهبان ۵۷
ابراهیم بن اسماعیل بن جعفر ۱۰۰	آل نزار ۱۳۸
ابراهیم بن اسماعیل قاضی مکه ۱۴۱	آل النفیس ۱۳۸
ابراهیم بن اسماعیل مخزومی ۸۳	آل نوبخت ۳۹
ابراهیم بن تللو نصابه ۱۴۶	آل هذیم ۱۱۰
ابراهیم بن جعفر تبئی ۱۹۱	آل هضام ۱۱۴

- ا -

- ابراهيم بن جعفر الثالث ١٩٩
 ابراهيم بن جعفر السيد ٩٩
 ابراهيم بن حروقة بن حسن ٢٠١
 ابراهيم بن حسن بن الاشرف ٩٨
 ابراهيم بن حسن حسنى ١٣١
 ابراهيم بن حسن بن حسين بن الافطس ١٩٣
 ابراهيم بن حسن البرسى ١٢٨
 ابراهيم بن حسن بن زيد ١٠٧، ١٠٢
 ابراهيم الغمرين حسن مثنى ١٢٦
 ابراهيم بن حسن المحدث ١٧٢
 ابراهيم بن حسن بن محمد الممر ١٨٢
 ابراهيم الشجرى = بن محمد البطحاني
 ابراهيم بن شعيب حسنى ١١٠
 ابراهيم بن عبدالله راس المذرى ١٩٩
 ابراهيم بن عبدالله بن صاحب الديلم ١٢٤، ١٢٣
 ابراهيم بن عبدالله عقيلى ٩٤
 ابراهيم بن عبدالله محض ١٦٢، ١٠٨
 ابراهيم بن عبدالله بن محمد الرئيس ٩٩
 ابراهيم بن عبيد الله بن الاعرابى ١٠١
 ابراهيم بن عبيد الله بن طاهر ١٨٤
 ابراهيم العسكرى بن ابي سبحة ١٣٧، ١٣٦
 ابراهيم بن على بن حروقة ٢٠١
 ابراهيم المطارين على حسنى ١٠٦
 ابراهيم بن على الصالح ١٧٣
 ابراهيم بن على الطيب ٢٠٤
 ابراهيم بن على عقيلى ٩٥
 ابراهيم بن على بن عمر الافطس ١٩٠
 ابراهيم بن عمر بن محمد بن الاطرف ٢٠٣
 ابراهيم بن القاسم بن الدعكى ١٦٣
 ابراهيم بن مالك اشتر ٥٦
 ابراهيم بن محمد البطحاني ١٠٤، ١٠٣
 ابراهيم بن محمد بن جعفر السيد ٩٩
 ابراهيم بن محمد بن حمزه ١٤١
 ابراهيم الاعرابى بن محمد الرئيس ٩٩، ٩٨
 ابراهيم بن محمد بن الرسى ١٣٠
 ابراهيم بن محمد شبانه ١٨٠
 ابراهيم بن محمد بن طلحه ٨٢
 ابراهيم (المجانب) بن محمد العابد ١٣٨
 ابراهيم بن محمد عباسى ٩١، ٩٠
 ابراهيم بن محمد عقيلى ٩٦
 ابراهيم بن محمد قاضى حمص ١٥٣
 ابراهيم بن محمد اللحيانى ٢٠٣
 ابراهيم المؤيد بن محمد المنقر ١٢٩
 ابراهيم بن محمد بن على محمدى ٢٠٠
 ابراهيم بن مسعود غزنوى ١٨
 ابراهيم مغوراييه ١٧٢
 ابراهيم بن مهدي عباسى ٩١
 ابراهيم بن موسى الجون ١٠٩
 ابراهيم بن الامام موسى كاظم ١٣٦، ١٣٤
 ابراهيم بن وليد ٨٧
 ابراهيم بن يحيى السويقى ١١١
 ابراهيم بن يحيى بن محمد الرئيس ٩٨
 ابراهيم بن يحيى النسابه ١٨١
 ابراهيم بن يحيى بن يحيى ١٥٦
 ابراهيم بن يوسف حسنى ١٠٩
 ابرهه بن راثش = ذو النار
 ابرهه بن الصياح ٤٤، ١١، ١٠
 ابستاق ٢٨، ٢٦، ١٣
 ابليس ٧٧

- ابن ابی ذئب = محمد ۷۸
 ابن ابی سبره = محمد بن عبدالله
 ابن ابی الشوارب = حسن بن علی بن عیسی
 ابن اثیر مورخ ۱۴۴
 ابن اصوفه (?) = بنو غوث بن مر
 ابن الاعرج نسابه ۱۸۲، ۱۷۸، ۱۵۸
 ابن الانطیبه = عبدالله الشاعر بن عباس
 ابن ام کلثوم = جعفر بن عبدالله
 ابن ام مکتوم = عمرو بن قیس
 ابن بنت الصدری = محمد بن علی بن ابراهیم
 ابن بنت فرعه = علی بن موسی رسی
 ابن البواب فقیه = علی بن احمد
 ابن الجراح وزیر ۳۸
 ابن الجوانی نسابه ۱۱۹
 ابن الحاتم = محمد بن علی
 ابن حلابه ؟ ۶۹
 ابن الحنیفه = محمد بن امیر المؤمنین
 ابن خداع = حسین بن جعفر الاحول
 ابن الداعی النقیب ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۶
 ابن دمنه = اسحاق بن مقتدر
 ابن دوده الملاح ۱۶۰
 ابن الرومیة = محمد بن داود الامیر
 ابن الزبیری = عبدالله
 ابن زیاده الانطسی ۱۴۲
 ابن سمدی = شکر بن عبدالله
 ابن السلمیه = علی بن عبدالله بن محمد تغلب
 ابن شبرمة القاضی ۷۱
 ابن الشیه النسابه ۱۵۲
 ابن الشجرى = ابوالسعادات
 ابن صفیه = علی بن زید
 ابن طائوس = احمد بن جمال الدین
 ابن طائوس = عبدالکریم غیاث الدین ۱۳۲
 ابن طائوس = علی بن موسی
 ابن طباطبائی نسابه ۱۴۳، ۱۳۷، ۱۰۷
 ابن الطقطقی = علی بن محمد بن رمضان
 ابن ظنک = عبدالله بن اسحاق
 ابن عیلة الشاعر = حارث بن امیه
 ابن العمریه = محمد الضریر بن عبدالله
 ابن عمیر حسنی ۱۱۷
 ابن عنبه = احمد بن علی
 ابن الفوطی = عبدالرزاق
 ابن قتاده نسابه = حسین
 ابن کلبون نسابه ۲۰۷
 ابن کلثم = جعفر بن موسی بن اسماعیل
 ابن گوهر = حسن بن احمد بن محمد النفیس
 ابن حسن الرضوی = احمد بن محمد
 ابن المرتضی ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۷۳
 ابن مصابیح = علی بن مسلم الاحول
 ابن معتز = عبدالله
 ابن میمون الواسطی = محمد ابوالحارث
 ابن هیفا = علی بن احمد الناصر
 ابواحمد الموسوی ۱۷۸
 ابواحیجه = سعد بن عاصی
 ابوالاسود الدلی ۷۷
 ابوالاعور سلمی ۶۴
 ابویوب انصاری ۴۸
 ابوالختری قاضی = وهب بن وهب
 ابوبراء = عامر بن مالک

- أبو البردة اشعري ٤٠
 أبو بكر = عادل أيوبى
 أبو بكر خليفه = عبدالله بن أبى قحافه
 أبو بكر بن سعد زنگى ٢١
 أبو بكر بن منكدر ٨١
 أبو تمام = حبيب بن اوس
 أبو جعفر دوانقى = منصور
 أبو جعفر بن عدنان ١٨٠
 أبو جمعه انصارى ٤٩
 أبو جميل شكرى = حسان بن جعفر
 أبو جهل = عمرو بن هشام
 أبو الجهم بن حذيفه ٧٩
 أبو الحارث نسابه = محمد بن محمد
 أبو الحجاج بن حسن ١٧٧
 أبو حرب بن اميه ٨٧
 أبو حرب دينورى ١٩٢، ١٦٤، ١٣٦، ١٣٠
 أبو الحسن المحدث بن ابراهيم ١٧٢
 أبو الحسن اشعري ٤٠
 أبو الحسن البغدادى الدلال ١٧٧
 أبو الحسن بلخى = على بن ابي طالب
 أبو الحسن بن على بن أبى سالم ١٥٠
 شيخ أبو الحسن عمرى ١٢٥، ١٠٩، ١٠٧، ١٠٠، ١٤٣، ١٣٧، ١٦٤، ١٥٤، ١٤٩، ١٤٧، ١٧٣، ١٩٢، ١٩٠، ١٧٩، ١٧٧، ١٩٧، ٢٠٥، ٢٠٤، ٢٠٣، ٢٠٢، ٢٠٠، ١٩٩، ٢٠٨، ٢٠٧، ٢٠٦
 أبو الحسن بن محمد المصرى ٢٠٠
 أبو الحسن داعى اسماعيليه بن محمد ١٥٢
 أبو الحسين بن الشبيه = ابن الشبيه
 أبو الحسين الصواف ١٦٦
 أبو الحسين بن مله ١٧٥
 أبو الحسين احمد بن الهارونى ١٠٣
 أبو الحسين الشنك بن هاشم ١٥٧
 أبو حصيبه = أبو الفنازم بن سالم
 أبو الحكم = أبو جهل
 أبو الحمد بن أبى داود = داود
 أبو حنظله بن يحيى = ابراهيم
 أبو حنيفه ٣٧
 أبو حيه الشاعر ٦٦
 أبو داود بن يحيى = محمد
 أبو دجانه انصارى = سمالك بن اوس
 أبو درداء = عويمر بن زيد
 أبى دلف عجلى ٦٢
 أبو دهل شاعر ٨٠
 أبو الدنيا = حسين بن على بن أبى طيب
 أبو ذر غفارى ٧٧
 أبو الرقاع = عبدالله بن ادريس
 أبو ريامان ٣٤
 أبو زبيد شاعر ٥٧
 أبو زرعه الرسى النصابه ١٩٧
 أبو زيد بن عبدالله ١٣٣
 أبو سبحه = موسى بن ابراهيم بن امام كاظم
 أبو السرايا ١٢٧، ١٩٢، ١٩٣
 أبو السعادات ابن الشجرى ١٣٣
 أبو سعد بن محمد بن على ١٦٤
 أبو سعيد بن أبى طلحه ٨٤
 سلطان أبو سعيد بن خدا بنده ١٤، ١٥، ٢٠، ١٢٣، ١٣٠

- ابوالسفاح = يوسف بن يوسف
 ابوصفيان = صخر بن حرب
 ابوصفيان بن حارث ۸۸، ۸۹
 ابوصلمه بن عبدالرحمن عوف = عبدالله
 ابوسودبن مالک ۷۴
 ابوشمر بن الحارث ملک شام ۴۷
 ابوالشموط = حسن بن يوسف
 ابوالشویکات = ابراهيم بن ادريس
 ابوصمصام = ذوالفقار حسنى
 ابوالضحاك = عبدالله بن حسن شهيد
 ابوطالب ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴
 ابوطالب بن حسن القاضي ۱۲۹
 ابوطالب بن على بن قاسم الشيبه ۱۴۹
 ابوطالب مینخر بن محمد ۱۷۷
 ابوطالب يحيى بن الهارونى ۱۰۳
 ابوطاهر بن جعفر تبى ۱۹۱
 ابوالطفيل = عامر بن وائله
 ابوطالحه انصارى = زید بن سهل
 ابوالطيب = داود حسنى
 ابوالطيب بن احمد بن على ۱۸۲
 ابوالناصر بن اميه ۸۷
 ابوالناصر بن ربيع ۸۶
 ابو عبدالله بن السدى ۱۵۸
 ابو عبدالله بن هيجا ۱۵۷
 ابو عبيدة بن جراح ۷۸
 ابو عزة = عمرو بن عبدالله
 ابوالعصاف رضوى = حسين بن قاسم
 ابوالمسكر بن حميدان ۱۱۰
 ابوالعلاء ممرى ۱۵۰
 ابو على بن احمد زباره ۱۹۴
 ابو على سينا ۲۲
 ابو على محتاج ۳۸
 ابو على المحدثى = حسن بن حسين
 ابو عمرو بن اميه ۸۷
 ابو العيص بن اميه ۸۷
 ابوالغنائم زیدى = عبدالله
 ابوالغنائم بن سالم حسنى ۱۳۲
 ابوالغنائم عمرى نسابه (= محمد) ۱۰۳
 ابو الفتح بن ابى محمد ۱۳۹
 ابو الفتح بن اسامه ۱۵۹
 ابو الفتح حسنى = حسن بن الامير جعفر
 ابو فراس حمدانى = حارث بن سعيد
 ابو الفرج اصفهاني ۸۷
 ابو الفرج محمد بن ابى الغنائم محمد = جاروح
 ابو فليته = قاسم
 ابو الفوارس بن حسن حسنى ۱۲۶
 ابو فويره بن احمد ۱۳۹
 ابو القاسم حماقات ۱۴۶
 ابو القاسم بن طاهر ۱۹۱
 ابو القاسم الخمس ۱۴۲
 ابو القاسم مغربى وزير ۱۱۹
 ابو القاسم نقيب بن على نقيب ۱۷۸
 ابو قتاده انصارى = نعمان بن ربيع
 ابو قراط حسنى = محمد بن جعفر المحدث
 ابو كركب تبع حميرى ۴۳
 ابو الكرام = عبدالله بن محمد الرئيس

- ابولهب بن عبدالمطلب = عبدالعزيز
 ابوالليل = عبدالله بن احمد
 ابوالليل = موسى بن علي
 ابومالك بن شمر ٤٢
 ابومحذوره = معير بن اوس
 ابو محمد بن داود ابوالحمد ١٢٩
 ابو محمد بن عيسى بن البطحاني ١٠٤٤، ١٠٣
 ابو مریم سلولى (گواه زيادين ابیه) ٦٦
 ابومسلم خراسانى ٩٦، ٥٠
 ابوالمعالی بن علی ١٤٦
 ابومليكه بن عبدالله جدعان ٨٢
 ابومنصور بن ابي جعفر ١٧٦
 ابومنصور المرجعي بن علي طليعات ٢٠٢
 ابوموسى اشعري ٣٩
 ابو ميره بن كمال الدين راوندی ١٣٢
 شيخ ابونصر بخارى ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٤٠،
 ١٤٢، ١٨٧، ١٩٩، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤
 ٢٠٦
 ابونصر فارابی ٢٢
 ابونفثه = سعد الله بن مفضل
 ابونمى = محمد بن حسن
 ابونواس = حسن بن هاني
 ابوهاشم = عبدالله الاكبر بن محمد بن الحنفية
 ابوهاشم جعفرى = داود بن قاسم
 ابوهاشم سرورى ١٢١
 ابوهاله شاهر خديجه كبرى ٧٢
 ابوالهداف = يحيى العالم
 ابوهريره ٥٠
 ابو الهندي (عبدالله الشاعر) ٧٤
 ابوالهيثم = مالك بن التيهان
 ابوالهيجاب بن محسن بن حسين الحراني ٢٠٥
 شيخ ابوالوفا (از اكراد) ٣٧
 ابويعفر بن علقمه لخمى ٥٤
 ابويعلى السماكى = حمزة النسابه
 ابويعلى بن مهدي ١٤٨
 ابويقظان عمار نسابه ٢٠٦
 ابي بن خلف ٧٩
 ابي بن غنم ٥٨
 ابي بن كعب ٤٨
 اتابكان فارس ٢١
 اثبتى = يحيى صاحب الديلم
 اثبتيون ١٢٣
 احلاف (طائفه) ؟ ٦٥
 احاييش (طائفه) ٧٧
 احمد از بنى داود بن محمد ١٢٤
 احمد جمال الدين ابزاري ٨٩
 احمد حنبل ٦٣
 احمد زينب ١٥٣
 احمد عاقلين ١٤٦
 سلطان احمد مظفرى ٢١
 احمد المايح ١٠٠
 احمد الرئيس بن ابراهيم طباطبا ١٢٧، ١٢٨
 احمد القاضى بن ابي الحسن المحدث ١٧٢
 احمد بن ابي داود حسنى ١١١
 احمد بن ابي دواد قاضى ٦٠
 احمد الاكبر بن ابي سبحة ١٣٦، ١٣٧
 احمد الخالصى بن ابي الغنائم ١٥٣
 احمد بن احمد بن محمد صاحب دار الصخره ١٦٥

- احمد الفدکی بن احمد بن یوسف ۱۱۱
 احمد قعقاب بن احمد ۱۷۶
 احمد بن اسحاق امیر غیبر ۱۰۰
 احمد بن اسحاق بن جعفر ۲۰۶
 احمد بن اسماعیل الثاني ۱۴۶
 احمد الشاعر بن اسماعیل حسنی ۱۲۸
 احمد بن اسماعیل سامانی ۳۷
 سلطان احمد بن سلطان اویس ۶۱
 احمد الفضایری بن برکات ۲۰۷
 احمد بن بویه = معز الدوله
 احمد بن جعفر ثبئی ۱۹۱
 احمد البروجردی بن جعفر ۱۹۳
 احمد الشاعر بن جعفر حسنی ۱۱۲
 احمد بن جعفر السید ۹۹
 احمد سکن بن جعفر الشاعر ۱۶۵
 احمد المنقری بن جعفر صحیح ۱۷۱
 احمد (ابو الطیب) بن حسن ۱۳۹
 احمد بن حسن الاشر ۱۱۶
 احمد السرف بن حسن الاصغر ۱۱۲
 احمد الامیر بن حسن حسنی ۱۰۹
 احمد بن حسن بن رجب ۱۷۷
 احمد بن حسن شهید حسنی ۱۱۰
 احمد بن حسن طباطبای ۱۲۷، ۱۲۸
 احمد بن حسن خلیفه عباسی ۹۳
 احمد بن حسن بن محمد خلیفه عباسی ۹۳
 احمد بن حسن بن موسی الثاني ۱۱۵
 احمد بن حسن الناصر ۱۶۸
 احمد التقیب بن حسین ۱۷۰
 احمد بن حسین ابی خلاط ۱۱۶
 احمد المفلح بن حسین تزلج ۱۹۴
 احمد بن حسین حروقه ۱۳۷
 احمد الناصر بن حسین بن الرسی ۱۲۹
 احمد الحزنی بن حسین غضاره ۱۶۳، ۱۶۴
 احمد بن داود حسنی ۱۰۳
 احمد بن الرفاعی ۱۳۷
 احمد شهاب الدین بن رمیثه ۱۲۳
 احمد بن زید الاسود ۱۵۷
 احمد الضریر بن زید بن غضاره ۱۶۳
 احمد ابو الوقاب بن سلیمان ۱۱۶
 احمد بن عباس الخطیب ۲۰۲
 احمد ابو الوقاب بن عبد الرحمن حسنی ۱۱۳
 احمد بن عباس مانکدیم ۱۷۲
 احمد حافظ الدین بن عبدالله ۱۹۷
 احمد بن عبدالله ابی الفاتک ۱۱۳
 احمد زاد الרכب بن عبدالله الازرق ۱۶۴
 احمد بن عبدالله الاکبر ۱۲۱
 احمد بن عبدالله حسنی ۱۰۷
 احمد بن عبدالله عقیلی ۹۵
 احمد بن عبدالله بن عمر المختار ۱۸۰
 احمد بن عبدالله بن قاسم ۲۰۰
 احمد بن عبدالله بن محمد بن الاطرف ۲۰۵
 احمد بن عبدالله بن محمد تغلب ۱۲۱
 احمد بن عجلان ۱۲۳
 احمد العشی بن عبدالله ابی الفضائل ۱۷۵
 احمد بن عقیل عقیلی ۹۵
 احمد ابو الموهوب بن علی ۱۶۴
 احمد حقیقه بن علی ۱۷۰

- احمد الدعكي بن علي ١٦٣
احمد طقطقة بن علي ١٧٣
احمد العرش بن علي ١٧٨
احمد مجد الشرف بن علي ١٦١
احمد بن علي بن الاخرس ١٣٩
احمد بن علي بن الاعرج النسابه ١٨٢
احمد بن علي بن حسين برغوث ٢٠٤
احمد بن علي الشاعر حسني ١١١
احمد بن علي بن الخزري ١٩٠، ١٨٨
احمد بن علي = بن الرفاعي
احمد بن علي الزاهد ١٥٤
احمد بن علي الطيب ٢٠٤
احمد بن علي بن عبدالله الشاعر ٢٠٣
احمد الفهراني بن علي المريضي ١٤٧
احمد بن الصوفي بن علي العسكري ١٦٩، ١٦٨
احمد بن علي بن عمر بن الانطس ١٩٠
احمد بن علي بن عتب ٢٠٧، ١٨٢، ١١٧
احمد اللب بن علي كتيه ١٥٧
احمد بن علي بن محمد ١٩١
احمد المايد بن علي بن محمد الثاير ١١٨
احمد بن علي بن محمد بن اللخ ١٥١
احمد بن عمر بن ابي الفتح ١٧٥
احمد الاصغر بن عمر المنجوراني ٢٠٥
احمد المحدث بن عمر بن يحيى ١٥٩
احمد المختفي بن عيسى ١٦٢
احمد الاتج بن عيسى الاكبر ١٤٨
احمد بن عيسى بن زيد ١٦٢
احمد بن عيسى بن ذي الدمه ١٥٤، ١٥٥
احمد بن عيسى المبارك ٢٠٦
احمد احمد بن قاسم ١٧٧
احمد بن قاسم الحراني ١١٨
احمد بن قاسم حسني ١٠٤، ١١١
احمد بن قاسم بن حمزه ٢٠٢
احمد بن قاسم عريضي ٩٧
احمد بن قاسم بن محمد العويد ١٩٨
احمد بن قاسم بن محمد ٢٠٥
احمد ابو الشلعل بن محمد ١٤٣
احمد الاخ بن محمد غرام ١٧٦
احمد امير الحاج بن محمد امير الحاج ١٧٨
احمد البن بن محمد الاشتر ١٧٦، ١٧٤
احمد اللخ بن محمد ١٥١، ١٥٠
احمد زباره بن محمد ١٩٤
احمد الشمس بن محمد ١٧٧
احمد شهاب الدين بن محمد ١٢٣
احمد صموه بن محمد ١٥٤
احمد الملك بن محمد العالم ١٠٠
احمد الوضع بن محمد الاقاسي ١٥٤، ١٥٣
احمد نقيب بن محمد الاعرج ١٣٦
احمد الوارث بن محمد ١٤٩
احمد بن محمد بن ابراهيم حروقه ٢٠١
احمد بن محمد ابي السكون ١١٥
احمد بن محمد بن ابي الفاتك ١١٣
احمد بن محمد بن ابي الليل ١١٥
احمد بن محمد بن احمد الاخ ١٧٦
احمد بن محمد بن جعفر حسني ١١٧
احمد بن محمد بن جعفر بن الشجري ١٠٦
احمد بن محمد الحايري ١٣٨

- احمد بن محمد بن حسين الاحول ۱۵۵
 احمد بن محمد بن داود الامير ۱۱۶
 احمد بن محمد بن زيد ۱۶۲
 احمد بن محمد الشبيه ۱۵۲
 احمد بن محمد شجرى ۱۰۷
 احمد بن محمد صاحب دار الصغره ۱۶۵
 احمد بن محمد بن صاحب الديلم ۱۲۳
 احمد بن محمد بن عبد الكريم ۱۸۳
 احمد بن محمد عقيلى ۹۴
 احمد بن محمد بن قاسم ۱۴۲، ۱۴۱
 احمد بن محمد بن محمد بن رضوى ۱۳۵
 احمد بن محمد بن مهنا ۱۷۹
 احمد بن محمد بن النقيس ۱۷۶، ۱۷۵
 احمد بن محمد بن نقيب كوفه = محمد ابو الحسين
 احمد بن محمد بن يحيى النقيب ۱۹۴
 احمد بن مسلم الاحول ۱۷۹
 احمد بن حليت بن مسهر ۱۸۶
 احمد بن معد فاطمى ۱۴۵
 احمد بن مفضل بن البين ۱۷۶
 احمد بن موسى الابرش ۱۳۶
 احمد بن السورين موسى الجون ۱۱۱، ۱۱۰
 احمد بن موسى حسنى ۱۱۲
 احمد بن موسى المبرقع ۱۳۶
 احمد بن ميمون حسنى ۱۱۵
 احمد بن ميمون حمود ۱۲۵
 احمد بن ناصر بن الاسود ۱۵۸
 احمد بن هلاكو ۱۵، ۱۴
 احمد بن هارون بن امام كاظم ۱۴۲
 احمد بن جلال الدين بن يحيى ۱۶۱
 احمد بن يحيى الفقيه ۱۱۵
 احمد الاعرج بن يحيى النسابة ۱۸۱
 احمد الناصر بن يحيى الهادى ۱۲۹
 احمد بن يوسف حسنى ۱۱۱، ۱۰۹
 احمد بن يوسف النقيب العامونى ۹۱
 احمد بن عينه = احمد بن قاسم بن عريضى ومحمد بن عبد الله الرسى
 احنف بن قيس = صخر
 احوص شاعر = عبد الله بن محمد
 احيه بن خلف ۸۰
 اخضر بن شجنه ۷۰
 اخطل شاعر = غياث بن غوث
 اخنوخ ۶
 اخو المسمى = حسين بن حسن البصرى
 اخضر بن يونس ۱۱۰، ۱۰۹
 ادد بن زيد ۵۲
 ادريس = اخنوخ
 ادريس بن اسحاق بن ابي الفاتك ۱۱۳
 ادريس الثانى بن ادريس ۱۲۴
 ادريس بن جعفر كذاب ۱۳۵
 ادريس الامير بن داود بن المسور ۱۱۲
 ادريس بن عبد الله محض ۱۲۴، ۱۰۸
 ادريس بن قاسم الحرانى ۱۱۸
 ادريس الامير محمد بن جعفر السيد ۱۰۰
 ادريس بن معقل ۶۲
 ادريس بن موسى الثانى ۱۱۴، ۱۱۵
 اراقم ۶۱
 ارباط ۱۰
 اربدين جزء ۶۷
 ارباگون ۱۵، ۱۴

اسحاق مؤتمن بن امام صادق ۱۴۹	ارجانی نسابه = زید بن محمد بن قاسم
اسحاق بن امام کاظم ۱۳۴	اردشیر بابکان ۳۳، ۲۴
اسحاق الامیر بن امام کاظم ۱۴۳	اردشیر بن شیرویه ۳۴
اسحاق بن جعفر جمفری ۹۶	اردشیر بن هرمز ساسانی ۲۳
اسحاق بن جعفر ملک ملتان ۲۰۶	اردوان اشکانی ۳۳، ۳۲
اسحاق بن حسن بن زید ۱۰۳	ارسطاطالیس ۳۱، ۲۲
اسحاق المطرفی بن حسن حسنی ۱۱۲	ارسلانشاه = ملک حافظ
اسحاق المهدی بن عباس ۱۴۲	ارسلان بن طغرل سلجوقی ۱۹
اسحاق العریضی بن عبدالله ۹۶	ارسلانشاه غزنوی ۱۸
اسحاق بن عبدالله الجواد ۹۷	ارغابن یوناطل ۷
اسحاق بن عبدالله ابی الفاتک ۱۵۳	سلطان ارغون بن ابا قاسم ۱۷، ۱۵، ۱۴
اسحاق بن عبدالله راس المذری ۲۰۰	ارفخشذ بن سام ۳۹، ۲۳
اسحاق بن عبدالله العالم ۱۲۹	ارقم بن ثملیه ملک شام ۴۶
اسحاق بن حبیبی ۱۴۸	ارلات ۱۳
اسحاق بن قاسم جمفری ۵۶	ارم بن سام ۲۳
اسحاق الکوکی بن حسن ۱۰۷	ارمان ۲۴
اسحاق بن محمد امیر مدینه ۱۰۰	ارباط سردار حبشی ۴۴
اسحاق بن محمد بن ابی الفاتک ۱۱۳	ازارقه از خوارج ۷۲
اسحاق بن محمد بن سلیمان ۱۳۱	اوزبک بن طغرینجه ۱۶
اسحاق بن مقتدر عباسی ۹۲	ازد ۷۳، ۴۶، ۲۶
اسحاق بن مهدی عباسی ۹۱	اسامه بن عدنان ۱۵۹
اسد (یسکون سین) = ازد	اسامه بن علی ۱۵۹
اسد بن هشتم ۸۸	اسباط ۵۹
اسمدین زرارہ ۴۸	اسحاق پیغمبر ۲۱
اسمد تبع حمیری ۴۳	اسحاق الاشرف ۹۷
اسمدین علی بن معمر ۱۷۳	اسحاق بن ابراهیم ۵۸
اسفندیار ۳۳، ۳۰	اسحاق بن امام صادق ۱۳۴، ۱۰۲
اسکندر ۳۲، ۳۱، ۲۶، ۲۲، ۲۱، ۱۹	

- اسماء بنت محمد عبدالرحمن بن ابی بکر ۸۱
اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر ۱۳۴
اسماء بنت عیس ۵۱
اسماعیل پیغمبر ۵۹۵، ۵۸۰، ۵۸۸
اسماعیل بن ابراهیم حسنی ۱۲۸
اسماعیل الدیاج بن ابراهیم ۱۲۶
اسماعیل بن ادیس بن جعفر السید ۱۰۰
اسماعیل بن احمد بن حسین خدوعی ۱۴۷
اسماعیل بن احمد سامانی ۱۰۷، ۳۷
اسماعیل الثالث بن احمد ۱۴۶
اسماعیل بن احمد بن محمد ۱۴۱
اسماعیل بن امام صادق ۱۴۳، ۱۳۴
اسماعیل بن امام کاظم ۱۴۲، ۱۳۴
اسماعیل بن جامع منی ۸۱
اسماعیل بن جعفر السید ۱۰۰، ۹۹
اسماعیل المتقدی بن جعفر صحیح ۱۷۱
اسماعیل حریفا ۱۳۵
اسماعیل بن حسن بن زید ۱۰۲
اسماعیل بن اسماعیل الدخ بن حسین البنفج ۱۵۰
اسماعیل بن عبدالله بن حسن ۲۰۳
اسماعیل بن عبدالمجید فاطمی ۱۴۵
اسماعیل بن علی عباسی ۹۰
اسماعیل بن عمر بن محمد بن الاطرف ۲۰۳
اسماعیل غزنوی ۱۸
اسماعیل بن قاسم الرسی ۱۲۸
اسماعیل بن محسن ۱۴۸
اسماعیل بن محمد الارقط ۱۵۰
اسماعیل بن محمد = سید عمیری
- اسماعیل الثاني بن محمد ۱۴۶، ۱۴۳
اسماعیل شیرشیر بن محمد الشیه ۱۵۲
اسماعیل بن محمد بن احمد الدخ ۱۵۱
اسماعیل بن محمد فاطمی ۱۴۴
اسماعیل بن محمد لطیم ۹۸
اسماعیل الناصب بن محمد ۱۵۰
اسماعیل بن سعد فاطمی ۱۴۵
اسماعیل بن مهدی الجوهري ۱۳۷
اسماعیل بن نجیب الدین بن نما ۷۶
اسماعیل بن نوح سامانی ۳۷
اسماعیل بن هشام مخزومی ۸۳
اسماعیل بن یوسف حسنی ۱۰۹
اسماعیل بن یوسف بن محمد ۱۱۰، ۱۰۹
اسماعیلیه ۱۳۴، ۱۲۵
اسود بن عبدینوث ۴۵
اسود بن کعب متنبی ۵۵
اسود بن منذر اخمی ۵۴
اسود بن یعفر ۷۴
اسید بن حضیر ۴۷
اشاعره ۴۰
اشداء ۱۲۲
اشدق = عمرو بن سعید
ملک اشرف ایوبی ۳۶، ۳۵
ملک اشرف چوہانی ۱۷
ملک اشرف صالحی ۳۶
اشرف بن محمد (شرف الدین نحوی) ۱۹۷
اشعث بن قیس کندی ۵۳، ۵۲

- اشمر بن سبا ٣٩
اشمر بن سبا ٣٩
اشك بن اشك ٣٢
اشك اشكاني ٣٣، ٣٢
اشك ششم ٣٢
اشكان بن اشك ٣٢
اشكانيه ٣٢، ٣١
اشناني نسابه ١٠٩
اصبغ بن نباته ٧٤
اصحاب كهف ٢٢
اصمنون = محمد بن داود
اصم بن خلف ٧٣
اصم بن علي حسني ١١٨
اصمعي = عبد الملك بن قريظ
اضبط بن قريع ٧٣
اطر كر كس ٩
اعياص ٨٧
اعشى قيس = ميمون
اعشى همدان ٥٢
اعين بن ضبيعه ٧٤
اغسطس ٢٢، ٢١
اغلب الراجز ٦٢
افراسياب ٢٩، ٢٨، ١٢
افريدون بن اثنيان = فريدون
افريقائيان ٨
افريقس بن ابرهه ٤١
افريقس حميري ٤٠
ملك افضل ايوي ٤٥
افلاطون ٢٢
افوه اودي شاعر ٥٦
اقرع بن حابس ٧٤
اقليدس ٢٢
اكتاي بن چنگيز ١٥، ١٤
اكتم بن جون ٤٩
اكتم بن صيفي ٧٢
اكراد ٥٦، ٣٥، ٣٤
اكيدر بن عبد الملك ٥٣
الجابيتو = محمد خدا بنده
الغور بن منككا ١٦
الياذر بن مهلايل ٦
امامه بنت ابي العاص ٨٦
امامه بنت ربيع ٨٩
ام البنين بنت حزام ١٠٢، ٦٧، ٦٢
ام الحسن بنت جعفر بن حسن مثنى ٩٠
ام داود ١٣١
ام سلمه ٨٣
ام سلمه بنت محمد بن طلحه ٨٢
ام فروه بنت قاسم ٨٠
ام الفضل الصغرى = ليايه
ام كلثوم = زينب صغرى
ام كلثوم بنت ابي بكر ٨٢، ٨١
ام معبد = عاتكه بنت خليفه
ام مكتوم = عاتكه
ام هاني ٨٣
ام هاني المكناسيه ١٧٦
امرو القيس ٤٥
امرو القيس البده لخمى ٥٤

- امرؤ القیس البطریق ۴۶
 امرؤ القیس شاعر ۵۳، ۵۲
 امرؤ القیس المحرق لحنی ۵۴
 امراء عرب شام ۵۸
 امراء وادی القرى ۱۰۰
 امیم (من لاود) ۲۳
 امیمه بنت عبادہ ۶۵
 امین عباسی (محمد بن هارون) ۹۱
 امیة الاکبر ۸۷
 امیة بن خلف ۷۹
 الخو = حسن بن احمد
 انف الناقه = جعفر بن قریع
 انکحورترکی ۱۱۹
 انصار الحمار ۵۹
 انوش بن شیث ۲۴، ۶
 انوشجان فارسی ۴۴
 انوشیروان ۴۴، ۳۴، ۱۰
 اهل البيت ۹۲، ۷۶، ۴۵، ۱۶
 اودین صعب ۵۶
 اود الملک ۶
 اوس ۴۷، ۱۲۶
 اوس ابو عراه بن اوس ۴۸
 اوس بن حجر شاعر ۷۷
 اوستا = ابستاق
 اوس بن قلام ۵۴
 اوشهنگ ۶، ۷، ۲۴، ۲۵
 اولقوت ۱۳
 اویس جلایری ۱۷
 اویس بن عامر (قرنی) ۵۶، ۵۰
 ایاد الشمطاء ۶۰، ۵۹
 ایاس بن قبیصه طائی ۵۷، ۵۵
 ایاس بن قتاده ۷۳
 ایاس بن معاویه قاضی ۷۱
 ایرج بن فریدون ۲۸، ۲۷
 ایریک ۲۷
 ایلتمش (شمس الدین) ۱۸
 ایلخانان ۱۷
 ایلکان نویان ۱۶
 ایهم بن جبلة ملک شام ۴۷
 ایهم بن حارث ملک شام ۴۶
 ایوب پیغمبر ۵۸
 ایوب بن کامل = ملک صالح
 - ب -
 بابک خرمی (خرم دین) ۵۷
 باتوین جوجی ۱۵
 بادافره دختر گشتاسف ۳۰
 باذان فارسی ۴۴
 باقی بن مسلم الاحول ۱۷۹
 بایان یوقان بن حبنکم ۱۵
 بایدوبن طرغای ۱۵، ۱۴
 به = عبدالله بن حارث
 بهیر بن عمرو ۶۲

بطليموس ٢٢٠٢١	بجيلة ٥١
بطنين (قبيلة) ٥٨	بحترى شاعر = وليد بن عبيد
بعيث شاعر ٧٤	بختنصر ٣٠
بقراط ٢٢	بدر بن حسونه ٣٧
بقره = محمد بن محمد ابوطاهر	بدر بن قائد رضوى ١٣٥
بقيه بن رميثة ١٢٣	بدر بن محمد حسنى ١١٦
بكونوتى بن ديون بايان ١٣	بدر بن يخلد ٧٨
بلاس اشكاني ٣٣، ٣٢	بدور ١٣٥
بلاش بن فيروز ٣٤	براجم ٧٣
بلال بن ابي بردة ٤٠	براض بن قيس ٧٧
بلال بن بدر ٣٧	براق بن بيون توا ١٥
بيقا (از بنى عمران) ٥٨	براق حاجب ٢٠
بلقيس ملكه سبا ٤١	بربر ١٠، ٤٩
بلكونوتى بن ديون بايان ١٣	برجس بن سبعة ١٨٦
بنت المكحول ١٦٠	برجوين طروس = فرعون زمان يوسف
بنيامين ٥٩	برغوث = حسين بن احمد
بنوايان ٥٧	ملك برقوق ٣٦
بنوايان بن دارم ٧٤	بركه بن محمد جوجى ١٥
بنوالابر ١٥٥	بركه بن محمد بن مالك ١٢١
بنوايو بكر بن كلاب ٦٧، ٦٦	بركه البزاز بن معمر ١٤٦
بنواي تغلب ١٥٥	بركيارق سلجوقى ١٩
بنواي جعفر ١٧٥	برلاس ١٦، ١٣
بنواي جعفر الفرعل ١٥٢	برمك جد برامكه ٣٨
بنواي حبيبه ١٨٠	بريدة بن الحبيب ٥٠
بنو ابي الحمراء ١٥٧	بسر بن ارطاة ٧٩
بنواي العساف ١٤٣	بسطام بن ادريس بن ابراهيم ١١٥
بنواي الغيث ١٠٦	بشير بن ابي خازم ٧٦
بنواي الفايز ١٧٧	بشير بن سعد ٤٨
بنواي الفتوح ١٥٨	بشير بن عبد الملك سكونى ٥٣

- بنو ابی الفضائل ۱۵۸
 بنو ابی الفضل = بنو اخي زريق
 بنو ابی مزن علی بن حسن ۱۳۹
 بنو ابی مضر ۱۳۹
 بنو ابی نصر بن حسین ۱۶۵
 بنو ابی نصر بن علی ابی تراب ۱۹۶
 بنو الاجارب ۷۳
 بنو احمد ۱۲۱
 بنو احمد بن محمد العابد ۱۳۹
 بنو احمد بن ۱۵۶
 بنو احمد ۱۷۷
 بنو اخي زريق ۱۶۱
 بنو اد بن طابخه ۷۰
 بنو ادريس بن هبیدالله ۱۸۴
 بنو الازرق ۱۳۷
 بنو اسامه ۱۵۹
 بنو اسد ۷۶، ۵۳، ۵۲
 بنو اسد بن ربيعه ۶۰
 بنو اسد بن عبد العزی ۸۵
 بنو اسد بن مدرکه ۷۵
 بنو اسرائيل ۲۴، ۲۱، ۱۰
 بنو اسلم ۵۰
 بنو الاسود ۱۷۷
 بنو اسید بن عمرو بن تمیم ۷۲، ۷۱
 بنو الاشتر ۱۰۸
 بنو الاشرف بن علی ۱۳۹
 بنو اصم ۶۳
 بنو اضبط بن کلاب ۶۶
 بنو الاثر ۱۹۶
 بنو الاعرج ۱۸۲
 بنو اعصر بن سعد ۶۳
 بنو اعلم بن خويلد ۶۹
 بنو الافطس ۲۰۲
 بنو الالف ۱۱۰
 بنو الهان ۵۱
 بنو الیاس بن مضر ۷۰، ۶۳
 بنو امری القیس بن زید مناة ۷۲
 بنو الامیر ۱۵۳
 بنو امیه ۶۸
 بنو امیه ۱۰۸
 بنو امیه الاصغر ۸۶
 بنو امیه الاکبر ۸۶
 بنو اوس بن عمرو بن اد ۷۱
 بنو الایسر ۱۹۹
 بنو الباطقی ۱۴۹
 بنو باسل بن ضبه ۷۱
 بنو باهله ۶۳
 بنو بجيله بن انمار ۵۹
 بنو بحتربن عتود ۵۸
 بنو البدوی ۱۲۶
 بنو برطله ۱۹۰
 بنو برکه بن حسن بن علی حسنی ۱۲۱
 بنو البزار ۱۴۶
 بنو البغیض ۱۴۳
 بنو البقرات ۱۶۳
 بنو بکر بن ربيعه ۶۱، ۵۳
 بنو بکر بن عبد مناة ۷۷

بنو بهاء الدين ١٤٧	بنو جديله بن عمرو ٤٨
بنو بولان ٥٧	بنو جذام بن عدى ٥٥
بنو التيج ١٢٦	بنو جرم بن عمرو ٥٧
بنو ترجم بن على ١٧٤	بنو جرو ل ٥٧
بنو تغلب ١٠٢، ٦١، ٥٣	بنو جرير بن دارم ٧٥
بنو تغلب بن يعقوب بن ابي جميل ١٠١	بنو جزيله ٥٣
بنو التقي بن على ١٤٧	بنو جشم ٧٨
بنو تمام بن محمد ١٤٦	بنو جشم بن بكر ٦١
بنو تميم بن مر ٧٤، ٧١، ٥٣	بنو جمده بن كعب ٦٨
بنو تورو ١٢٨	بنو جعفر بن اسحاق الاشرف ٩٧
بنو توزون = بنو تورو	بنو جعفر الطيار = بنو الطيار
بنو تيم بن عبدمناة ٧٠	بنو جعفر بن كلاب ٦٦
بنو تيم بن مر ٨١	بنو جعفريه ١٦١
بنو ثابت بن الحسن ١٨٢	بنو جعفى ٥٥
بنو ثيبه ٧٤	بنو جفنه ٤٧
بنو ثعل ٥٧	بنو جمال ١٦٥
بنو ثعلبه بن بكر ٦١	بنو جمع بن عمرو ٧٩
بنو ثعلبه بن سلمان ٥٨، ٥٧	بنو جهيم ٧٦
بنو ثعلبه بن عكابه ٦٢	بنو جوزاب ١٥٤
بنو ثعلبه بن يربوع ٧٤، ٧٣	بنو الجواني ١٧٣، ١٧٢
بنو ثماله ٥١	بنو الجون ١١٩
بنو ثور بن عبدمناة ٧٠	بنو جيش ٧٦
بنو التقي بن على ١٤٧	بنو جيفر ٩٥
بنو ثقيف (قسي) ٦٥، ٦٠	بنو حاجب الباب ١٥٠
بنو جحوان بن ققمس ٧٥	بنو حارث بن بكر ٦١
بنو جحيش ٥٨	بنو حارث بن تميم ٧١
بنو الجده ١٦٥	بنو حارث بن ثعلبه ٧٥
	بنو حارث بن خزرج ٤٨

- بنو حنیفه ۱۰۲
بنو حنیفه بن لجیم ۶۱
بنو حوط بن معبد ۵۸
بنو خالد بن اصمغ ۵۷
بنو خالد بن خفاجه ۶۹
بنی خالد بن مالک ۵۶
بنو خثعم بن انمار ۶۰، ۵۹، ۵۱
بنو خدره بن عوف ۴۸
بنو خزاعه ۷۰
بنو خزعل ۱۶۰
بنو خزعل بن علیان ۱۸۵
بنو الخشاب ۱۶۴، ۱۳۶
بنو خصفه بن قیس عیلان ۶۴، ۶۳
بنو خطه ۴۷
بنو الخطیب ۱۵۵
بنو خفاجه ۶۸، ۶۵
بنو خلط ۶۸
بنو خندف ۷۰
بنو الخوارزمیه ۱۴۹
بنو دئل ۷۷
بنو دارم بن مالک ۷۴
بنو داود بن محمد ۱۲۳
بنو دکین ۱۱۰
بنو الدماغ ۱۶۱
بنو الدمش ۲۰۴
بنو دودان بن اسد ۷۵
بنو الدهان ۱۶۳
بنو دوس بن عدنان ۵۰
بنو حارث بن زهره ۸۴
بنو حارث بن عدی ۵۵
بنو حارث بن عمرو ۷۲
بنو حارث بن کعب ۵۴
بنو حارث بن فهر ۷۸
بنو حارث بن مالک ۵۰
بنو حارثه بن سعد ۸۱
بنو حارثه بن عمرو مزینیا ۵۰
بنو حام ۴۴
بنو حبيب بن کلیب ۶۹، ۶۸
بنو الحجازی ۱۱۳
بنو حجبور بن چشم ۴۷
بنو الحداد ۱۰۴
بنو حرقه ۱۳۷
بنو حرکات ۱۴۶
بنو الحریش ۲۰۶
بنو حریش بن کعب ۶۸
بنو حسان ۱۱۴
بنو حسل بن عامر ۷۸
بنو حسن ۱۱۳
بنو حمله بن اسد ۷۵
بنو حماد ۱۷۹
بنو حماس بن ربیع ۵۶
بنو حماقات ۱۴۶
بنو حمزه ۷۷
بنو حمزه بن اسحاق الاشرف ۹۸، ۹۷
بنو حملات ۹۸
بنو حمید ۱۵۸
بنو حمیدان بن زید ۱۱۰

- بنو الدول بن حنيفة ٦٢
 بنو ديلم بن شيبه ٥٨
 بنو ذؤابه بن حزن ٦٩
 بنو ذبيان بن بغض ٦٤، ٦٣
 بنو ذهل بن ثعلبه ٦٢
 بنو ذوفلته ٦٧
 بنو راسب ٥١
 بنو رؤاس بن كلاب ٦٦
 بنو رباب ٧١، ٧٠، ٥٣
 بنو الرباع ٧٣
 بنو ربيعه ٦٢
 بنو ربيعة بن عامر ٦٦
 بنو ربيعة بن عقيل ٦٩، ٦٨
 بنو ربيعة بن كلاب ٦٦
 بنو ربيعة بن نزار ٦١، ٦٠
 بنو الرضى على بن هبة الله ١٣٩
 بنو الرقطا ٥٨
 بنو رمضان بن على ١٣٠
 بنو الروميه ١١٦
 بنو رياح بن يربوع ٧٤، ٧٣
 بنو زياره ١٩٤
 بنو زبرج ١٩٣، ١٥٤
 بنو زيد بن معبد ٥٨
 بنو زعب بن حبيب ٦٥
 بنو الزكى ١٤٦
 بنو زهره ١٥٠
 بنو هيرون بن داود ٢٠٢
 بنو زيد بن عبدالله ٩٧
 بنو زيد بن كعب ٧١
 بنو زيد مائة بن تميم ٧٢
 بنو الزيدى ١٦٤
 بنو زين الشرف ١٥٧
 بنو سامان = ساسانيه
 بنو ساعد بن كعب ٤٨
 بنو ساعده ٥٨
 بنو سالم بن غنم ٤٩
 بنو سامه بن لوى ٧٨
 بنو سخطه ١٥٦
 بنو سخي ١٤٧
 بنو السدرى ١٥٨، ١٥٧
 بنو سدوس بن دارم ٧٤
 بنو سدوس بن شيبان ٦٢
 بنو سعد بن تيم ٨١
 بنو سعد بن ثعلبه ٧٦، ٧٥
 بنو سعد بن دودان = بنو ثعلبه
 بنو سعد بن ذبيان ٦٤
 بنو سعد بن زيد مائة ٧٢
 بنو سعد بن سهم ٨٠
 بنو سعد بن ضبه ٧١
 بنو سعد بن قيس عيلان ٦٣
 بنو سعد بن هذيل ٧٥
 بنو سعيد ٧٥، ٥٨
 بنو سعيد بن سهم ٨١، ٨٠
 بنو سعيد بن كلب ٦٩
 بنو سعيد ٥٨
 بنو السكران ١٩٢
 بنو سكون ٥٢
 بنو سلامان ٥٧

- بنو سلمان بن حزن ۶۹
بنو سلمه بن سعد ۴۹
بنو سلول ۶۶
بنو سلیم بن منصور ۶۵، ۶۴
بنو سلیمان ۱۱۴
بنو سلیمان بن المحض ۱۶۹
بنو سمان ۱۹۴
بنو السمسار ۱۴۳
بنو سنسب ۵۷
بنو سندر ۱۶۰
بنو السنی ۱۲۴
بنو سهم بن عمرو ۸۰، ۷۹
بنو سواء ۶۶
بنو السید بن مالک ۷۱
بنو السیف ۱۸۷
بنو السیق ۱۷۰
بنو شافع بن سائب ۸۶
بنو الشیه ۱۵۲
بنو شادیو ۱۰۳
بنو شقایق ۱۸۴
بنو شقره ۷۱
بنو شقشق ۱۷۴
بنو شکر ۱۵۹، ۱۰۶
بنو شکر بن عبدالله ۱۰۱
بنو شکل ۶۸
بنو شماغ ۱۱۴
بنو شمر دل ۵۸
بنو شمر دل (از غزیه) ۵۸
بنو شمیره ۱۶۱
بنو شنبیر ۱۹۰
بنو الشنبک ۱۵۷
بنو الشهید ۲۰۲
بنو الشوکیه ۱۵۸، ۱۵۷
بنو الشیانی ۶۳، ۶۲
بنو شیخ الحیه ۷۶
بنو الصائم ۱۷۶
بنو الصابونی ۱۶۳، ۱۵۷
بنو صالح بن عبدالله ۶۹
بنو صالحه بن سعد ۷۵
بنو صبیر بن یربوع ۷۴
بنو صدری ۹۸
بنو صعب ۱۴۰
بنو صعب بن اسد ۷۵
بنو صعب بن سعد العشره ۵۵
بنو صمصمه ۶۶
بنو صموه ۱۵۴
بنو الصلایا ۱۹۷
بنو الصنادیقی ۱۲۴
بنو صهبان ۵۶
بنو صوفره = روم
بنو الصوفی ۲۰۷، ۱۷۱
بنو الصیاد ۱۹۹
بنو الصیدا ۷۶
بنو صیدا بن عمرو ۷۵
بنو ضب بن عمرو ۶۷
بنو ضباب ۶۷، ۵۸
بنو ضبه بن اد = رباب
بنو ضبیعه بن ربیعہ ۶۰

بنو عباد بن عقيل ٧٠٠٦٩٠٦٨	بنو ضحاك ٨٥
بنو عباس ١٩٨٠١٣١٠٩٣٠٩١٠٧٦٠٥٧٠٥٠	بنو الضيرير ١٣٩
بنو عبد الاشهل بن جشم ٤٧	بنو الضياء ١٦١
بنو عبد الحميد ١٥٩	بنو طابخه بن الياس ٧٠
بنو عبد الرحمن بن محمد بن زاذ الركب ١٦٤	بنو الطاهر ١٧٩
بنو عبد الشمس ٥٢	بنو طائوس (محمد بن اسحاق) ١٣١
بنو عبد الشمس بن عبد مناف ٨٦	بنو طابق ١٧٧
بنو عبد القيس ٦١٠٦٠	بنو الطيب ٢٠٤
بنو عبد بن كعيب ٦٩	بنو طلقه ١٧٣
بنو عبد الله بن ابي الحارث محمد ١٣٨	بنو طهيه ٧٤
بنو عبد الله بن حزن ٦٩	بنو طورى ٩٩
بنو عبد الله بن فليتة ٥٨	بنو الطوير ٩٩
بنو عبد الله بن كلاب ٦٦٠٦٨	بنو طويل الباع ١٣٨
بنو عبد الله بن محمد ١١١	بنو الطيار ١٠١
بنو عبد المدان ٥٦	بنو طياره ١٤٩
بنو عبد مائة بن اد = رباب	بنو طير خوار ١٠٦
بنو عبد مائة بن تميم ٧١	بنو طنكك ١٥٣
بنو عبد مائة بن كنانه ٧٧	بنو عائذ بن ريمه ٦٩
بنو عبد مناف بن زهره ٨٤	بنو عايشه ٦٠
بنو عبيس بن بغيض ٦٣٠٦٤	بنو العاص ٨٨
بنو عبشمس بن سعد ٧٣	بنو العالى بن احمد حسنى ١١٦
بنو عبيد الله ١٧٨	بنو عاقلين ١٤٦
بنو عثمان بن عمرو بن اد ٧١	بنو عامر ٦٧
بنو العجم ١٢٦	بنو عامر بن خفاجه ٦٩
بنو عجل بن لجيم ٦١٠٦٢	بنو عامر بن ريمه ٦٠٠٦٦٠٦٩
بنو عجلان بن عبد الله ٦٨	بنو عامر بن صمصمه ٦٦
بنو عجييه ١٧٦	بنو عامر بن عقيل ٦٧٠٦٩
بنو عجير (ابراهيم حسنى) ١٣١	بنو عامر بن مخزوم ٨٣
بنو عدنان ١٥٨	بنو عامله = بنو حارث بن عدى

- بنو عدوان بن عمرو ۶۳
 بنو عدی بن حنیفه ۶۲
 بنو عدی بن عبد مناة ۷۰
 بنو عدی بن کعب ۷۹
 بنو عذره ۴۵
 بنو عرفات ۱۸۳
 بنو عرفاله ۱۵۵
 بنو العروس ۱۴۹
 بنو العش ۱۷۵
 بنو عطارد ۷۳
 بنو المقرق ۱۶۴
 بنو عقیل بن کعب ۶۸
 بنو عکک بن عدنان ۵۹، ۵۰
 بنو عکل بن مناة ۷۱
 بنو عکه ۱۷۲
 بنو علون ۱۷۲
 بنو علی ۱۱۴، ۱۰۰
 بنو علی بن محمد زاد الרכب ۱۶۴
 بنو العمار ۵۸
 بنو همر الاشرف ۱۶۸
 بنو عمران بن زبید ۵۸
 بنو عمران بن عمرو مزیقیا ۵۰
 بنو عمران بن مخزوم ۸۳، ۸۲
 بنو عمرو بن اسد ۷۵
 بنو عمرو بن اذ = مزینه
 بنو عمرو بن امیه ۸۸
 بنو عمرو بن بکر ۶۱
 بنو عمرو بن تمیم ۷۲، ۷۱
 بنو عمرو بن ثعل ۷۵
 بنو عمرو بن ربیعہ ۶۰
 بنو همرو بن عقیل = خفاجه
 بنو همرو بن عوف ۴۷
 بنو همرو بن الفوث ۵۱
 بنو همرو بن قیس عیلان ۶۳
 بنو همرو بن کعب ۸۲
 بنو همرو بن کلاب ۶۷، ۶۶
 بنو همرو بن مازن ۴۷
 بنو غبرین عمرو بن تمیم ۸۲، ۷۱
 بنو غتره ۶۰
 بنو غنیم بن سلمان ۵۸، ۵۷
 بنو عوف ۷۶
 بنو عوف بن زید مناه ۷۲
 بنو عوف بن کعب ۷۳
 بنو عیاش ۱۷۴، ۷۶
 بنو عیسی ۱۵۶
 بنو عیسی بن یحیی ۱۲۱
 بنو غاضره بن مالک ۷۶
 بنو غدار بن یربوع ۷۴، ۷۳
 بنو غراب ۱۶۶
 بنو غرام ۱۷۶
 بنو غزیه ۶۵، ۵۸
 بنو الغضایری ۲۰۷
 بنو غطفان بن سعد ۶۳
 بنو غفار بن ملیل ۷۷
 بنو الغلق ۱۵۴
 بنو غنم بن ثعلبه ۷۷، ۷۵
 بنو غنم بن دودان = بن ثعلبه

بنو غنم بن عدى ٤٨	بنو قرة العين ١٥٤
بنو غنم بن عوف ٤٩	بنو قريش بن ابي الحسين ١٢٧
بنو غنم بن مالك ٤٩	بنو قريظه ٥٩
بنو غنى بن اعصر ٦٣	بنو قريع بن عوف ٧٣
بنو غوث بن مر ٧١	بنو قشير بن كعب ٦٨٠٥٨
بنو غيلان ١٨٣	بنو قضاة بن معد ٥٩
بنو فاتك بن على ١٤٠	بنو قمن بن حارث ٧٦٠٧٥
بنو الفاخر ١٩٦	بنو قحح ٢٠٧
بنو فخار ١٤٧	بنو قحمة بن الياس = خزاعه
بنو القدان ١٥٩	بنو قيس ٥٦
بنو قراس بن غنم ٧٧	بنو قيس بن ثعلبه ٦٢
بنو قزاره ١١٤٠٥١	بنو قيس عيلان ٦٥٠٦٤٠٦٣
بنو قزاره بن ذبيان ٦٤	بنو كاهل بن اسد ٧٥
بنو فضائل ١٦١٠١٠٤	بنو كتيله ١٥٨
بنو قعس بن طريف ٧٥	بنو الكرش ١٧٠
بنو قعيم ٧٥	بنو كر كوره ١٠٦
بنو الفلق ٩٥	بنو الكركمى ١٢٨
بنو فليته ١٥٦	بنو كريكز ١٥٦
بنو فليته بن عمرو ٥٨	بنو الكشيش محمد ١٣٣
بنو فهم بن عمرو ٥٨	بنو كعب بن خفاجه ٦٩
بنو قوادس بن على ١٨٢	بنو كعب بن ربيعه ٦٦
بنو الفيل ١٧٠	بنو كعب بن سعد ٨١
بنو قاره ٧٥	بنو كعب بن كلاب ٦٦
بنو قاسم ١٧٣٠١١٤	بنو كعب ١٣٦
بنو قبين ١٦٥	بنو كلاب ١٠٢٠٥٨
بنو قتاده ١٣٩	بنو كلاب بن ربيعه ٦٨٠٦٧٠٦٦
بنو قرن ٥٠	بنو كلاب بن مره ٨٤٤٨١
	بنو كمكه ١٧٦

- بنو کلب بن ربیعہ ۶۰
بنو کلیب بن معاویہ ۶۹
بنو کلیب بن یربوع ۷۴، ۷۳
بنو کنانہ ۷۷، ۵۲
بنو کنانہ بن مدرکہ ۷۵
بنو کوز ۷۱
بنو لام ۵۶
بنو لای بن انف الناقه ۷۳
بنو لحيان بن هذیل ۷۵
بنو لهب (بکسر لام) ۵۱
بنو لیث عبد مناة ۷۷، ۷۰
بنو ماجن ۱۴۹
بنو مازن بن مالک ۷۲
بنو مالک ۱۲۱، ۶۵
بنو مالک بن بکر ۶۱
بنو مالک بن ثعلب ۷۶، ۷۵
بنو مالک بن خفاجه ۶۹
بنو مالک بن زید مناة ۷۲، ۷۳
بنو مالک بن عمرو بن تمیم ۷۱
بنو مالک بن کنانہ ۷۷
بنو مالک بن نصر ۷۸، ۷۷
بنو المامون عباسی ۹۱
بنو مامون هروی ۲۰۷
بنو مانکدیم ۱۸۸
بنو مجاشع بن دارم ۷۴
بنو المحاذق؟ ۱۵۶
بنو محارب بن خصفه ۶۴
بنو محارب بن فهر ۷۸
بنو محاسن ۱۶۴
بنو الممترق ۱۹۶، ۱۷۳
بنو الممتهب ۱۲۶
بنو محسن ۱۳۷
بنو محمد ۱۱۶
بنو محمد بن جعفر السید ۹۹
بنو المختار ۱۸۰
بنو المختص ۱۴۸
بنو الداینی ۱۹۷
بنو مدرک ۵۰
بنو مدرکه بن الیاس ۷۰
بنو مدلیج ۷۷
بنو مر بن اد ۷۱، ۷۰
بنو مراقد ۲۰۶
بنو المرجعی ۲۰۲
بنو المرقوع ۹۵
بنو مرد بن ادد ۵۳
بنو مره بن صمصمه = سلول
بنو مره بن عبید ۷۲
بنو مره بن کمب بن لوی ۸۱، ۷۹
بنو مروان ۱۲۵، ۸۷، ۶۶
بنو مزینه ۷۱، ۷۰
بنو المستجد ۱۲۸
بنو مصابیح ۱۷۹
بنو المصطلق ۵۰
بنو المصورج ۲۰۷
بنو مضمر بن نزار ۶۳
بنو المطروف ۱۵۸

- بنو مطلب بن عبد مناف ٨٦
بنو مطير ٦٣
بنو معاوية بن بكر ٦٥، ٦٦
بنو معاوية بن عمرو ٤٨
بنو معاوية بن كلاب ٦٦
بنو معاوية بن كند ٥٣
بنو معد بن عتود ٥٨
بنو معد بن عدنان ٥٩
بنو معد بن زود ٥٨
بنو معيص بن عامر ٧٩، ٧٨
بنو معية ١٢٧، ١٢٦
بنو مغيرة الأزرق ٨٣
بنو مفرح بن معد ١٤٦
بنو مقبل بن أبي الحمرا ١٥٧
بنو المقرئ ١٥٦
بنو مقلاع ١٧٧
بنو مكارم ١٤٠، ١٥٣
بنو المكانسيه ١٧٦
بنو مكر ١١٤
بنو مكر بن حسن بن علي حسني ١٢١
بنو المكحول ١٤٦
بنو ملكان بن كنانه ٧٧
بنو الممتع ١٣٧
بنو المناديلي ١٢٦
بنو المتوف ١٤٦
بنو منقر بن عبيد ٧٢
بنو المنكر ١٥٩
بنو المهتدي ٩١
بنو المذهب بن معد ١٥٣
بنو المهنأ ١٧٩
بنو مهران بن أبي الفرج محمد ١٧٦
بنو الموسوس ١٧١، ١٦٩
بنو الموسوي ١٣٦
بنو الموهاب ١٦٤
بنو ميمون ١٧٢، ١٧١
بنو الميثرائي ٧٦
بنو ناجيه = بنو سامه بن لوى
بنو نازوك ١٣٥
بنو الناس بن مضر = قيس عيلان
بنو ناصر ١٥٥
بنو ناصر بن محمد ١٤١
بنو نبهان بن عمرو ٥٧
بنو نثيشه ١٠٤
بنو النجار بن ثعلبه ٤٨
بنو نضع = بنو خالد بن مالك
بنو نزار بن معد ٦٠، ٥٩
بنو نسيب الدوله ١٤٣
بنو نصر بن الأزد ٥١، ٥٠
بنو نصر بن ربيعه ٥٤
بنو نصر بن غزبه ٦٥
بنو نصر الله ١٦١
بنو نصر بن كنانه = قريش
بنو نصير ٥٩
بنو نعامه ٧٦
بنو النعجه ١٧٤
بنو النقيب المحدثي ١٩٩
بنو نماره ٥٤، ٥٣
بنو النمر بن قاسط ٦٠

- بنوخیل‌دین نصر ۷۷
 بنویربوع بن حنظله ۷۳
 بنویشکرین بکروائل ۶۱
 بنویقظه بن مره ۸۱
 بنویوسف = اخضر یون
 بهاء‌الدین داود ۱۸۰
 بهافرید اشکانی ۳۳
 بهدله‌بن عوف ۷۳
 بهراء بن عمرو ۴۵
 بهرام ثانی ساسانی ۳۳
 بهرام ثالث ساسانی ۳۳
 بهرام چوبین ۳۷
 بهرام‌شاه بن مسعود غزنوی ۱۸
 بهرام بن کرمانشاه ساسانی ۳۳
 بهرام‌گور ۵۴، ۳۸، ۳۳
 بهرام بن هرمز ساسانی ۳۳
 بهمن بن اسفندیار ۳۱، ۳۰
 بودان بن سودون نویان ۱۷
 بوژنجر ۱۳
 بورلاس = برلاس
 بوسوس بن برجو = فرعون زمان موسی
 بوقن قیقی ۱۳
 بویه بن حسن = مؤیدالدوله
 بویه بن فناخسرو [جد آل‌بویه] ۳۸
 بیرس = ملک‌ظاهر
 بیت حسن ۲۰۷
 بیجن اشکانی ۳۳
 بیزنطیه ۲۲، ۲۱
 پیشدادیه = پیشدادیان
 بنونمیرین عامر ۶۶
 بنونفشل بن دارم ۷۴
 بنونوایه ۱۴۸
 بنو هاشم ۸۶، ۱۰۸
 بنواله‌جیم ۷۲
 بنواله‌هدد ۲۰۲
 بنوهذیل بن مدرکه ۷۵
 بنوهذیم بن حسن حسنی ۱۱۶
 بنوهزان ۷۸
 بنوهصیص بن کعب ۷۹
 بنوهضام ۱۱۴
 بنوهلال بن عامر ۶۶
 بنوهمام ۹۴
 بنوهمام بن مره ۶۲
 بنوهنی ۵۷
 بنوهوازن ۶۵
 بنوهیجا ۱/۵۷
 بنوهیفاء ۱۵۶
 بنوالوارث ۱۴۹، ۴۲
 بنووبره ۴۵
 بنووحید بن کلاب ۶۷، ۶۶
 بنوالود ۱۰۶
 بنوالوراق ۱۴۳
 بنووشاح ۷۶
 بنوفدان ۶۸
 بنوهاس ۱۱۴
 بنوهوب بن حذافه ۸۰
 بنویحیی ۱۱۴

- یعسر بن حام ۸
 تیمم بن مسلم بن عمار ۱۷۹
 بهقی ۲۰۶
 تیمم بن ابی بن مقبل ۶۸
 تیمم بن مرین اد ۷۱
 بیوراسب = ضحاک
 بیون تواین موآنکان ۱۵
 تیمم بن مرین اد ۷۱
 تنوخ ۴۵
 توبه بن حمیر ۶۹
 توختن (بن فریدون) ۲۸، ۲۷
 تودبن منککا ۱۶
 تور = توخ
 تورانشاه ایوبی ۳۶
 توقنای بن منککا ۱۶
 تولی بن چنگیز ۱۴
 توله بوقابن داربو ۱۶
 تیمم بن غالب ۷۸
 امیر تیمور ۲۱، ۱۶
 تیمور قآن ۱۵
 تاتار ۱۲
 تابط شرأ = ثابت بن جابر
 تاج (جد عرب بزعم فرس) ۲۶
 تاج الدین آوی ۱۹۵
 تاج الدین بن معیه ۱۱۰
 تاج المعالی = شکر
 تاهرتی ۱۸۴
 تبایمه ۴۳، ۴۱
 تبع که در قرآن آمده ۴۳
 تبع الاقرن ۴۲
 تبع اول = رائس حمیری
 تجیب ۵۲
 تغاله ۱۲۱
 تغلب = محمد بن عبدالله الاکبر
 تقی الدین ابن اسامه ۱۶۰
 تللو = یحیی بن محمد بن موسی
 ترک ۲۹، ۲۸، ۲۵، ۱۲
 تمام بن عباس ۸۹
 تمام بن مسلم بن عمار ۱۷۹
 موجین = چنگیز خان
 تیمم ۷۳
 تیمم بن ابی بن مقبل ۶۸
 تیمم بن مرین اد ۷۱
 تنوخ ۴۵
 توبه بن حمیر ۶۹
 توخ (بن فریدون) ۲۸، ۲۷
 تودبن منککا ۱۶
 تور = توخ
 تورانشاه ایوبی ۳۶
 توقنای بن منککا ۱۶
 تولی بن چنگیز ۱۴
 توله بوقابن داربو ۱۶
 تیمم بن غالب ۷۸
 امیر تیمور ۲۱، ۱۶
 تیمور قآن ۱۵
 ث -
 ثابت بن جابر ۶۳
 ثابت بن قیس خطیب ۴۸
 ثابت بن نعمان ۴۸
 ثریانت علی ۸۶
 ثعلبه بن دودان ۷۵
 ثعلبه بن عمرو ملک شام ۴۶
 ثعلبه النقا ۴۷، ۴۶
 ثعلبه الهلول ۴۶
 ثقیف = قسی بن منبه
 ثمامه بن أثال ۶۲
 ثمود ۲۴

- جعفر بن زيد النار ١٤٠
 جعفر بن سليمان عباسى ٩٠
 جعفر بن عبدالرحمن الشجرى ١٠٦، ١٠٥
 جعفر بن عبدالرحمن عقيلى ٩٤
 جعفر بن عبدالله ١٤١
 جعفر صحيح بن عبدالله ١٧١
 جعفر بن عبدالله ابى الفاتك ١١٣
 جعفر بن عبدالله بن حسن ٢٠٣
 جعفر الثالث بن عبدالله راس المذرى ١٩٩
 جعفر بن عبدالله عقيلى ٩٥
 جعفر الحجج بن عبيدالله الاعرج ١٨٠، ١٧٢
 جعفر بن عبيدالله بن عبدالله ٢٠٣
 جعفر الاصفر بن على العريضى ١٤٧
 جعفر بن امير المؤمنين على ٦٧
 جعفر بن فخر الدين على ١٦٦
 جعفر (كذاب) بن على الهادى ١٣٥
 جعفر بن عيسى الكوفى ١٧٠
 جعفر بن فضل بن حسن ٢٠١
 جعفر خطيب هرات بن قاسم ١٦٥
 جعفر بن قاسم بن عبيدالله ١٨٧، ١٨٤
 جعفر بن قاسم عقيلى ٩٥
 جعفر بن قريع ٧٣
 جعفر بن كلاب ٦٧
 جعفر بن محمد صادق عليه السلام ١٣٤، ١٣١، ٨١
 ١٨٧
 جعفر الجمال بن محمد ١٤١
 جعفر بن محمد بن احمد ١٤٢
 جعفر الكشي بن محمد الاصف ١١٢، ١١١
 جعفر بن محمد الحنفى ٢٠٠، ١٩٨
 جعفر الشاعر بن محمد بن زيد شهيد ١٦٥
 جعفر الابله بن محمد بن عمر الاطرف ٢٠٣
 جعفر بن محمد بن عمشليق ٩٨
 جعفر الامير بن محمد الامير ١١٩
 جعفر بن محمد بن جعفر ١٤٣
 جعفر قتيلى الحره = بن محمد بن الحنفى
 جعفر النقيب بن محمد الحرانى ١٥٠
 جعفر بن محمد الصورانى ١٤٢
 جعفر ملك ملتان بن محمد بن عبدالله ٢٠٦، ٢٠٥
 جعفر بن محمد بن عبدالله حسنى ١٢٠
 جعفر بن محمد الكوفى ١٠٤
 جعفر بن محمد المقتول ١٧٣
 جعفر زقناح بن محمد بن موسى ١٤١
 جعفر كمال الشرف بن محمد النفيس ١٧٥
 جعفر الاصفر بن منصور ٩١
 جعفر اكبر بن منصور دوانقى ٩١
 جعفر بن موسى بن ابراهيم ١٠١
 جعفر بن موسى بن اسماعيل ١٤٢
 جعفر بن امام كاظم ١٣٤
 جعفر الخوارى بن امام كاظم ١٤٠
 جعفر بن هارون حسنى ١٠٧
 جعفر بن هاشم ٢٠٧
 جعفر بن يحيى برمكى ١٩٦، ١٩٥، ٣٨
 جعفر بن يحيى بن محمد الرئيس ٩٨
 جعفر بن يحيى النسابه ١٨١
 جعفر بن يحيى بن يحيى ١٥٦
 جغتاي بن چنگيز ١٥١، ١٤
 جفته الاصفر ملك شام ٤٦
 جفته بن عمرو مزقيا ٤٦
 جلال الدين سمنانى ١٧١

- جلال عصفه = حسین الشاعر
جلال بن محیابن عبدالله ۱۸۴
جلایر ۱۷۰۱۶، ۱۳
جلهمه = طی
جلیات = جالوت
جم ۲۹۰۲۷، ۲۶، ۲۴
جمازین ابی فلیته قاسم ۱۸۶
جمازین صبحه ۱۸۶
جمازین مهنابن جماز ۱۸۷
جمامزه ۱۸۶
جمشیدین ویکهان ۲۶
جمل شاعر ۴۵
جناده بن غالب ۴۰
جهان تیمور ایلخان ۱۷
جهینه ۱۱۰، ۷۸
جوانر ۷۶
ملکک جواد ایوبی ۳۵
جواشته ۱۳۵
جوجی ترمه جلایری ۱۶
جوجی بن چنگیز ۱۴، ۱۵
جور = محمد بن حسین
جوشن بن ابی الماجد رضوی ۱۳۵
جویریة بنت الحارث ۵۰
- ج -
امیر چوپان بن ملکک ۱۷
چنگیزخان ۱۶، ۱۴، ۱۳
- ح -
حاتم بن عبدالله طائی ۵۷
حاتم بن مفضل بن ممر ۱۶۵
حاجب بن زراره ۷۴
حاجب بن ابی سمره ملکک شام ۴۷
حارث بن اسد ۸۵
حارث الاعرج = بن ابی سمره
حارث بن امیه ۸۶
حارث بن ایهم ملکک شام ۴۶
حارث بن ثعلبه ملکک شام ۴۶
حارث بن جبلة ملکک شام ۴۶
حارث الجرار کندی = بن عمرو
حارث بن حجر ملکک شام ۴۷
حارث بن حلزه ۶۱
حارث بن سعد مستهزی ۸۰
حارث بن شریک ۶۲
حارث بن حارث بن طلحه بن ابی طلحه ۸۵
حارث بن طی ۵۶
حارث بن ظالم فاتکک ۶۴
حارث بن عباد ۶۲
حارث بن عباس ۹۰، ۸۹
حارث بن عبدالمطلب ۸۶، ۶۶
الحارث بن عمرو = یاسر منعم
حارث بن عمرو کندی ۵۴، ۵۳، ۵۲
الحارث بن قیس = رائش
حارث بن کعب ۵۶
الحارث بن مالکک حمیری = ذواصبح
حارث بن سعید حمدانی ۶۱
حارث بن هشام ۸۳
حارث بن وعله ۶۲
حارثه بن بدر ۷۴
حارثه بن ثعلبه العنقاء ۴۷

- حارث بن عمرو مزقیاء ۴۹۶، ۴۹۷
حارث بن الفطریف ۴۶
حارث بن قدامه ۷۴
حازم بن خزیمه ۷۴
حازم بن داود حسنی ۱۱۴
حاضر وزیر مؤتم الاشبال ۱۶۲
حاطب بن حارث ۸۰
ملک حافظ ایوبی ۳۵
حافظ فاطمی = عبد المجید بن محمد
حاکم بامر الله عبیدلی فاطمی ۱۱۹، ۱۶۳
حام بن نوح ۸۷، ۲۵۹
حاورفای جلابری ؟ ۱۶
حتات بن یزید ۷۴
حبیب بن اسد ۸۵
حبیب بن اوس ۵۷
حبیب بن عبدالمهین ۱۵۳
حجاج بن یوسف ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷
حجاف بن حکیم فاتک ۶۴
حجر آکل المرار ۵۲
حجر کنندی ۴۵
حجر بن حارث کنندی ۵۲، ۵۳
حجر = ذومعافر
حجر بن عدی ۵۲
حجر بن نعمان ملک شام ۴۷
حذلم بن قعس ۷۵
حربن عمرو بن عله ۵۶
حربن یزید ۷۴
حرب بن امیه ۸۷
حرشان ۱۱۲
حریش بن عبدالمکک سکونی ۵۳
حزم بن ابی وهب = حزن
حزن بن ابی وهب ۸۳
حزن بن خفاجه ۶۸، ۶۹
حسان بن اسعد ۴۳
حسان بن ثابت ۴۸
حسان بن جعفر شکری ۱۰۱
حسان بن عبدالمکک سکونی ۵۳
حسان بن مره ۶۲
حسب الله بن علی نورالدین ۱۲۳
جسل بن عمرو ۶۷
حسن بن ابراهیم باخمیری ۱۰۸
حسن بن ابراهیم حروقه ۲۰۱
حسن بن ابراهیم طباطبای ۱۲۷
حسن بن ابراهیم بن علی الصالح ۱۷۳
حسن بن ابی الهیجا ۶۱
حسن بن ابی حنظلله حسنی ۱۱۱
حسن بدرالدین بن احمد ۱۲۳
حسن بن احمد احمر عینه ۹۷
حسن الاصغر بن احمد بن الاعلم ۱۵۵
حسن بن احمد الاکبر ۲۰۵
حسن بن احمد بن الحرانی ۱۱۸
حسن بن احمد حسنی ۱۱۵
حسن النقیب زکی الدین بن احمد ۱۲۷
حسن بن احمد بن عیسی ۱۵۴
حسن بن احمد فخرالدین ۱۳۰
حسن (برکه) بن احمد ابوالطیب ۱۳۹
حسن بن احمد بن حروقه ۲۰۱

الحسن الحسيني که کتاب برای او تألیف شده ۲

حسن بن حسین الاصغر ۱۶۹

حسن الاعرج بن الحسين ۱۹۱

حسن بن حسین بن الاقطس ۱۹۲

امیر شیخ حسن بن امیر حسین چوپانی ۱۹۰

حسن زنجی بن حسین الشاعر ۱۱۳

حسن بن حسین القاضي الخطیب ۱۶۴

حسن بن حمزه حسنی ۱۱۲

حسن بن حمزة ابن الصدری ۹۸

حسن بن حمزة بن المرعش ۱۷۰

حسن بن حمزة المرعشی ۱۷۰

حسن بن حمیدان حسنی ۱۱۰

حسن الاصغر المترف بن داود ۱۱۲

حسن الزاهد بن داود ۱۸۴

حسن مخیط بن داود ۱۸۴

حسن بن داود الامیر ۱۱۶

حسن الکلب بن داود حسنی ۱۱۴

حسن بن رجب ۱۷۷

حسن بن زید بن ابی الضحاک ۱۱۰

حسن بن زید داعی کبیر ۱۰۷

حسن بن زید النار ۱۴۰

حسن شعرانف حسنی ۱۰۵

حسن بن طاهر بن مسلم ۱۸۴

حسن بن طاهر بن یحیی ۱۸۴، ۱۸۳

حسن بن طاهر عبیدلی ۱۲۵

حسین بن ظنک المحمدیه ۱۵۲

حسن بن عبدالرحمن الشجری ۱۰۵

حسن اعور بن عبدالله ۱۰۸

حسن (بلاله) بن عبدالله ۱۳۹

حسن بن احمد بن قاسم ۱۹۸

حسن بن احمد بن محمد حسنی ۱۱۶، ۱۱۷

حسن بن احمد المنقذی ۱۷۱

حسن بن احمد بن محمد النفیس ۱۷۵

حسن التتج بن ادریس الامیر ۱۱۲

حسن بن ادریس بن الحرانی ۱۱۸

حسن بن ادریس بن موسی الثاني ۱۱۵

الحسن بن اسحاق (خواجه نظام الملک) ۱۹

حسن بن اسحاق الاشرف ۹۸، ۹۷

حسن بن اسحاق بن جعفر السید ۱۰۰

حسن بن اسحاق مؤتمن ۱۴۹

حسن بن اسماعیل بن عبیدالله ۲۰۳

حسن التتج بن اسماعیل الدبیاج ۱۲۶

حسن بن بویه = رکن الدوله

حسن بن الامیر جعفر ۱۱۹

حسن بن جعفر تبنی ۱۹۱

حسن بن جعفر الحجة ۱۸۰، ۱۸۱

حسن بن جعفر مثنی ۱۳۲

حسن بن جعفر الخواری ۱۴۰

شیخ حسن جلایری ۱۷

شیخ حسن چوپانی ۱۷

حسن المكفوف بن حسن الاقطس ۱۸۸، ۱۹۳

حسن الثاني بن حسن التتج ۱۲۶

حسن بن حسن بن الرسی ۱۲۸

حسن الاصم بن حسن الفارسی ۱۶۰

حسن بن حسن الکرشى ۱۷۰

حسن مثلث بن حسن ۱۳۱

حسن مثنی بن حسن (ع) ۸۲، ۱۰۲

شیخ حسن بن الامیر حسین بن آقبوقا ۱۲۳

- حسن الشاعر بن عبدالله ١٣٠
 الحسن القويري بن عبدالله الازرق ١٦٤
 حسن بن عبدالله بن تغلب ١٢١
 حسن شهيد بن عبدالله حسنى ١١٠
 حسن بن عبدالله الصليصل ١١٦
 حسن بن عبدالله ضياء الدين ١٨٣
 حسن بن عبدالله عقيلي ٩٦
 حسن بن عبيد الله بن عباس شهيد ٣٠١
 حسن بن عبيد الله قاضى الحرمين ٢٠٢
 حسن بن عدنان ١٥٩
 حسن بن عطوان ٦٩
 حسن بن عقيل عقيلي ٩٥
 حسن بن علاء الدين مرتضى ١٧١
 حسن بن علوان ٦٩
 حسن بن على عليه السلام ٨٢، ٨٨، ٨٩، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤
 ١٤٣، ١٠٨
 حسن بن على العسكري عليه السلام ١٣٤
 حسن الخريف بن على ١٨٤
 حسن بن على بن ابراهيم ٢٠٤، ٢٠٣
 حسن بن على الازرق ١١٢
 حسن بن على بن اسماعيل ٢٠٣
 حسن الاسمرين على ١٥٩
 حسن الاطروش بن على بن البطحاني ١٠٣
 حسن الافطس بن على الاصغر ١٨٧
 حسن الاكبر بن على بن احمد ١١٣
 حسن (بركه) بن على بن الدليمي ١٣٨
 حسن التج بن على ١٨٨
 حسن بن شمس الدين على ١٨٠
 حسن بن على بن حسين حسنى ١١٩
 حسن بن على بن حروقه ٢٠١
 حسن الشاعر بن على بن حمزه ١٥٤
 حسن بن على بن حسين المدائني ١٩٦
 حسن الرئيس بن على الخزرى ١٨٨
 حسن بن على رضوى ١٣٥
 حسن بن على بن الشجرى ١٠٦
 حسن بن على الطيب ٢٠٤
 حسن المكفوف بن على العابد ١٣١
 حسن بن على بن عبدالله الشاعر ٢٠٢
 حسن بن على طيرخوار ١٠٦
 حسن بن على العريضى ١٤٧
 حسن بن على بن عيسى ١٩٩
 حسن بن على الفمقى ١١١
 حسن بن على بن قاسم الشيبه ١٤٩
 حسن بن على بن قتاده ١٢٢
 حسن عزى بن على قتيل للصمص ١٧٤
 حسن سومه بن على كتيله ١٥٧
 حسن النقيب بن على اللغوى ١٦٣
 حسن بن على المترف ١١٢
 حسن بن على بن محمد بن الحنفية ٢٠٠
 حسن بن على بن محمد صوفى ١٢٧
 حسن بن على المرعش ١٧٠
 حسن بن على بن معيه ١٢٦
 حسن بن على بن وفا ١١٦
 حسن بن على بن يحيى ١٥٥
 حسن الجبلى بن عيسى الاكبر ١٤٨
 حسن المحدث بن عيسى الاكبر ١٤٨
 حسن البصرى بن قاسم حسنى ١٠٤، ١٠٥
 حسن بن قاسم بن حمزه ٢٠١

- حسن بن محمد صفانی ۷۹
 حسن عزالدین بن محمد صفی الدین ۲۰۶
 حسن بن محمد بن الصدری ۹۸
 حسن صنبوجه بن محمد ۱۴۶
 حسن بن محمد الصوفی ۲۰۷
 حسن بن محمد العابد ۱۳۹
 حسن بن محمد بن علی الفارس ۱۳۸
 حسن کمال الدین بن محمد فخرالدین ۱۸۸
 حسن بن محمد المحدث ۱۷۲
 حسن بن محمد المعمر ۱۸۲
 حسن بن محمد (ملوس) ۱۳۳
 حسن بن محمد نازوک ۱۳۵
 حسن دزدانی بن محمد بن یحیی ۱۸۱
 حسن بن محمد مهلبی ۵۰
 حسن کیا = حسن بن محمد نازوک
 حسن بن مطهر حلّی = علامه
 حسن بن مفضل بن معمر ۱۶۵
 حسن مقلّاح بن علی ۱۷۷
 حسن بن موسی الثاني ۱۱۵
 حسن بن امام موسی کاظم ۱۴۳، ۱۳۴
 حسن اللحق بن موسی اللحق ۱۴۰
 حسن بن میمون حسنی ۱۱۵
 حسن بن ناجی حسنی ۱۱۶
 حسن الناصر الكبير الاطروش ۱۶۸
 حسن بن هارون بن البطحانی ۱۰۳
 حسن بن هانی ۵۵
 حسن بن هبة الله ۱۶۳
 حسن بن هبة الله النقی ۱۵۸
 حسن بن یحیی ابوخلّاط ۱۱۶
 حسن بن قاسم داعی صغیر ۱۰۵، ۱۰۴
 حسن بن قاسم الرسی ۱۲۸
 حسن بن قاسم بن عیدالله ۱۸۴
 حسن بن امیر ققاده ۱۲۲
 حسن طیر بن محسن بن الحرانی ۲۰۴
 حسن بن ابی منصور محمد
 حسن الادیب بن محمد ۱۵۴
 حسن تاج الدین بن محمد ۱۸۸
 حسن بن شمس الدین محمد ۱۶۶
 حسن فخرالدین بن شمس الدین محمد ۱۹۱
 حسن شبر بن محمد ۱۹۱
 حسن صفی الدین بن محمد ۱۶۶
 حسن بن محمد بن ابی الحسن علی ۱۶۶
 حسن بن محمد ابی الخشن ۱۷۵
 حسن بن محمد بن ابی الفاتک ۱۱۳
 حسن بن محمد بن احمد ۱۴۲
 حسن بن محمد الاشر ۱۷۶، ۱۷۴
 حسن بن محمد الاکبر ۱۵۲
 حسن المحرق بن محمد الامیر ۱۱۹
 حسن الحرانی بن محمد الثائر ۱۱۸
 حسن بن محمد الحایری ۱۳۸
 حسن (شتی) بن محمد الحایری ۱۳۸
 حسن النقیب بن محمد بن حسن نقیب ۱۲۷
 حسن بن محمد بن حسین الاحول ۱۵۵
 حسن بن محمد بن حمزه بن الدخ ۱۵۱
 حسن بن محمد بن داود الامیر ۱۱۶، ۱۱۷
 حسن بن محمد بن داود حسنی ۱۱۱
 حسن بن محمد الساسی ۱۶۰
 حسن بن محمد بن سلیمان ۱۳۱

- حسن الزاهد بن يحيى بن ذى الدمه ١٥٣، ١٥٢
 حسن بن يحيى الصالح ٢٠٦
 حسن الفارس بن يحيى ١٦٠، ١٥٩
 حسن الفيلى بن يحيى الهادى ١٢٩
 حسن نيره بن يحيى غبره ١٦٦
 حسن بن يحيى بن هاشم ١١٨
 حسن بن يحيى بن يحيى ١٥٦
 حسن بن يوسف ابوالشموط ١١٥
 حسن بن يوسف حسنى ١٠٩
 امير حسونه ٣٧
 حسيل بن عمرو ٦٧
 حسين حرقه بن ابراهيم ١٣٧
 حسين المسكرى بن ابراهيم ١٧٣
 حسين الارقم ١٠٢
 حسين القطمى بن ابي سبجه ١٣٨، ١٣٦
 حسين ابورمة بن ابي مضر ١٣٩
 حسين برغوث بن احمد ١٥٢
 حسين خدوعى بن احمد ١٤٧
 حسين المنتوف بن احمد ١٤٦
 حسين الموسوس بن احمد ١٧١
 حسين (الوصى) بن احمد الاكبر ١٣٧
 حسين بن احمد بن حروقه ٢٠١
 حسين بن احمد حسنى ١١٥
 حسين بن احمد الشعرانى ١٤٧
 حسين بن احمد عقيلى ٩٥
 حسين بن احمد القاضى ١٧٢
 حسين النسابة بن احمد المحدث ١٥٩
 حسين بن احمد بن محمد ١٤٢
 حسين بن احمد بن موسى ١٣٧
 حسين بن احمد بن هيجا ١٥٨
 حسين النسابة بن ادريس الامير ١١٢
 حسين بن اسحاق صابونى ٢٠٠
 حسين بن اسحاق موتمن ١٤٩
 حسين البنفسج بن اسماعيل ١٥٠
 حسين بن جعفر بن احمد الدغ ١٥١
 حسين بن جعفر الاحول نسابة ٢٠٦، ١٥١
 حسين بن جعفر السيد ٩٩
 حسين بن جعفر الحجه ١٨٠
 حسين بن تاج الدين حسن ١٨٩
 حسين الكعكى بن حسن ١٧٠
 حسين الناصر للحق بن حسن ١٦٨
 حسين بن حسن الاعرج ١٩١
 حسين نقيب بن حسن اعور ١٠٨
 حسين بن حسن الافطس ١٩٣، ١٩٢، ١٨٨
 حسين بن حسن البصرى حسنى ١٠٥
 حسين الداعى بن حسن بن تبنى ١٩١
 حسين مانكديم بن حسن الرئيس ١٨٨
 حسين بن حسن بن الرسى ١٢٨
 حسين نقيب النقباء بن حسن النقيب ١٥٤
 حسين بن حسن ذوالدمه ١٥٢
 حسين بن حسن غورى = علاء الدين
 حسين بن حسين المحمدى ١٩٩
 حسين الاعرب بن حمزه ١٩٩
 حسين بن حمزه حسنى ١١٢
 حسين بن حمزه بن عبدالله ٢٠٢
 حسين بن حمزه مختلس ١٧٢
 حسين بن داود ١٨٤
 حسين بن داود حسنى ١٠٣

- حسين الشاعر بن داود حسنى ١١٣
حسين المحترق بن داود حسنى ١١٣
حسين الهدار بن داود حسنى ١١٤
حسين بن داود بن المسور ١١٢
حسين ذوالدمع بن زيد ١٥٢
حسين بن زيد الشيبه ١٥٢
حسين بن زيد النار ١٤٠
حسين بن سليمان حسنى ١٢٢
حسين بن شعرائف حسنى ١٠٦
حسين بن صالح الامير ١١٥
حسين بن ابي القاسم بن طاهر ١٩١
حسين بن طاهر بن يحيى ١٨٣
حسين بن عباس بن مانكديم ١٧٢
حسين بن عبدالرحمان الشجرى ١٥٥
حسين بن عبدالكريم غياث الدين ١٨٣
حسين الابيض الشاعر بن عبدالله ١٩٦
حسين بن عبدالله الازرق ١٦٤
حسين بن عبدالله بن يحيى حسنى ١١٧
حسين الحرانى بن عبدالله ٢٠٤
حسين شيبانك بن عدنان ١٧٧
حسين الشاعر بن عضد الدين ١٤٧
حسين بن على عليه السلام (سيد الشهداء) ٦٥، ٦٧، ٧٤،
١٨٧، ١٦٩، ١٦٧، ١٥١، ١٣٣، ١٠٨، ٨٨، ٧٦
حسين بن ابي تغلب على ١٦٠
حسين تزلج بن على ١٩٣
حسين الخطيب بن على ١٢٢، ١٢٧
حسين زبرج بن على ١٩٣
حسين زبرج بن على جوذا ب ١٥٤
حسين السبى بن على ١٤٦
حسين شرف الدين بن على ١٩١
حسين صاحب فخ = بن على بن حسن المثلث
حسين المحترق بن على ١٩٦
حسين بن على بن ابراهيم بن الافطس ١٩٠
حسين بن على بن ابي الطيب ١٤١
حسين بن على بن ابي الكرام ٩٩
حسين بن على بن احمد حسنى ١١٣
حسين بن على بن اسماعيل ٢٠٣
حسين بن على بن البطحاني ١٠٣
حسين بن على بن حسن المثلث ١٢٤، ١٩٥
حسين الاشغري بن على بن الديلميه ١٣٨
حسين الاصغر بن امام سجاد ١٣٤، ١٦٩
حسين بن على بن حسين حسنى ١٠٥
حسين بن على بن حسين بن قاسم ٢٠١
حسين الشديدين بن على ابن السلمي ١٢١، ١٢٢
حسين بن على الشاعر حسنى ١١١
حسين بن على العابد ١٣١، ١٣٢
حسين الشاعر بن على العسكري ١٦٨، ١٦٩
حسين بن على بن عمر بن الافطس ١٩٠
حسين الجمال بن على قتيل اللصوص ١٧٤
حسين بن على كتيه ١٥٧
حسين بن على بن محمد ١٤٦
حسين بن على بن محمد الاثير ١١٨
حسين بن على المرعش ١٧٠
حسين بن على بن موسى الثانى ١١٦
حسين بن عيسى بن البطحاني ١٠٣
حسين الاحول بن عيسى بن ذى الدمع ١٥٤، ١٥٥
الحسين غضاره بن عيسى بن زيد ١٦٢، ١٦٣

- حسين الجواد بن قاسم الرسى ١٢٨
 حسين بن قاسم رضوى ١٣٥
 حسين بن قتاده نسابه ١٢٩، ١٣٧، ١٤٩، ١٥٤
 ١٦٧، ١٥٧
 حسين بن مراين عيسى ١٨٧
 حسين بقرات بن محمد ١٦٣
 حسين جوهر كين محمد ١٩٤
 حسين المقرى بن محمد ١٥٦
 حسين بن محمد بن ابراهيم بن الانطس ١٩٠
 حسين الامير بن محمد الثاني ١١٨
 حسين الفقيه بن محمد الشيبه ١٥٢
 حسين بن محمد الصوفى ٢٠٨
 حسين نعيم بن محمد الضبيب ١٧٤
 حسين بن محمد بن عبدالله حسنى ١٢٠
 حسين بن محمد المرتضى ١٢٩
 حسين بن محمد ملقطه ٢٠٦
 حسين بن محمد بن هارون حسنى ١٠٣
 حسين بن مفضل حسنى ١٠٦
 حسين بن مهنا بن حسين ١٨٥، ١٨٦، ١٨٧
 حسين بن موسى الابرش ١٣٦
 حسين بن موسى الكاظم (ع) ١٣٤
 حسين بن ناجى حسنى ١١٥
 حسين بن هارون بن البطحاني ١٠٣
 حسين بن هارون رضوى ١٣٥
 حسين سخطه بن يحيى ١٥٦
 حسين القاضي الخطيب بن يحيى بركات ١٦٥
 حسين بن يحيى بن الصورى ٩٨
 حصين بن حارث ٨٦
 حصين بن منذر ٦٢
 حصين بن نمير ٥٢
 حطيه شاعر = جرول
 حقانى = حسين بن محمد المنطواني
 حكيم بن ابي العاص ٨٧
 حكيم بن سعد المشير ٥٥
 حكيمان = بنو جعفرى
 حكيم بن حزام ٨٥
 حلاس بن طلحه بن ادى طلحه ٨٥
 خليل بن حبشيه ٤٩
 حليمه السمدية ٦٥
 حماد بن عجرد ٦٦
 حماد بن مسلم بن احمد ١٧٩
 حمزات ١٨٦
 حمزه دفتر دار ١٤٢
 حمزه الفقيه المصرى ١٤١
 حمزه بن امام كاظم (ع) ١٣٤، ١٤١
 حمزه بن احمد احمر عينيه ٩٧
 حمزه بن احمد الاكبر ٢٠٥
 حمزه بن احمد الدخ ١٥٠
 حمزه النسابه بن احمد ٢٠٥
 حمزه بن ادريس الثانى ١٢٥
 حمزه الاكبر بن حسن ٢٠١
 حمزه بن حسن بن جعفر تبني ١٩١
 حمزه بن حسن المزى ١٧٤
 حمزه الاصغر بن حسن الفقيه ١٧٠
 حمزه سمان بن حسن المكفوف ١٩٣
 حمزه الثانى بن حمزه بن امام كاظم ١٤١
 حمزه بن داود = مهنا ابو عماره

- حمزه بن داود حسنی ۱۰۳
 حمزه بن الربیع = الفقیه المصری
 حمزه الجواد بن سلیمان ۱۲۹
 حمزه الاصم بن عبدالله ۱۵۰
 حمزه بن عبدالله حسنی ۱۱۲
 حمزه بن عبدالله بن عباس الخطیب ۲۰۲
 حمزه مختلس الوصیه بن عبیدالله ۱۷۲
 حمزه بن عبیدالله العتیق ۱۷۶
 حمزه بن علی المرعش ۱۷۰
 حمزه بن علی عبدالله الواحد ۱۸۶
 حمزه المنتخب بن علی ۱۲۹
 حمزه الاصفر بن عیسی بن البطحانی ۱۰۳
 حمزه بن قاسم بن البطحانی ۱۰۴
 حمزه بن قاسم حسنی ۱۰۳
 حمزه بن قاسم عریضی ۹۷
 حمزه شوصه بن محمد الاشر ۱۷۶، ۱۷۴
 حمزه بن محمد حسنی ۱۳۳
 حمزه بن محمد خلیفه ۱۹۰
 حمزه بن محمد اللحیانی ۲۰۳
 حمزه بن میمون الصوفی ۱۲۴
 حمزه بن وهاس حسنی ۱۲۰، ۱۱۴
 حمزه بن یحیی بن حمزه حسنی ۱۱۴
 حمزه بن یحیی بن ذی الدنمه ۱۵۳، ۱۵۲
 حمضی بن محمد حسنی ۱۱۷
 حمل بن بدر ۶۴
 حمود = احمد بن میمون
 حمی الدبر = زید بن عاصم
 حمیدان حسنی ۱۱۰
 حمید بن ثور ۶۶
 حمید بن بن قحطبه ۵۷
 حمیر ۴۵۴، ۴۲۶
 حمیر بن سبا ۴۰۴، ۳۹
 حنظله الراهب ۵۷
 حنظله الکاتب = بن الربیع
 حنظله بن ابی عامر ۴۷
 حنظله بن ثعلبه ۶۲
 حنظله بن الربیع ۷۲
 حوا ۵
 حوریه بنت خالد ۱۹۳
 حوشب بن التباعی = بن زید
 حوشب بن زید ۵۱
 حوفزان = حارث بن شریک
 حیدر بن حسن بن علی ۱۳۸
 حیدر بن علی بن نصرالله ۱۵۴
 - خ -
 خارجه بن حذافه ۷۹
 خالد بن اسید ۸۸
 خالد برمکی ۳۸
 خالد بن جعفر بن کلاب ۶۷
 خالد بن زید انصاری ۴۸
 خالد بن سفیان پیغمبر ۶۴
 خالد بن عبدالله قسری ۵۱
 خالد بن مالک ۵۵
 خالد بن ولید ۸۳، ۷۴، ۵۷، ۴۵۳
 خالد بن یزید ۶۳
 خدا بنده = محمد اولجایتو

خواریان ۱۴۰	خداشاه ۱۹۵
خوارزمشاه ۱۵۱	خدیجه کبری ۸۵، ۷۲
خوارزمشاه بن علاءالدین محمد ۱۴۵	خرخرسرو فارسی ۴۴
خوله بنت جعفر ۱۰۱	خرزاد فارسی ۴۴
خوله بنت منظور بن زبان ۸۲	خزاعه = عمرو بن لحي
خویلدین اسد ۸۵	خزاعه بن قمه ۵۰
خیشنگ بن یرمه بلا ۱۵	خزرج ۴۹، ۴۸، ۴۷
- ۵ -	خزعل = حسن بن عدنان
داحس ۶۴	خزیمه بن ثابت ۴۷
دارا ۳۱	خزیمه بن لوی ۷۸
دارابن دارا ۳۱	خسرو اشکانی ۳۳
داعی جرجان = علی الفقیه	خسرو پرویز ۶۲، ۵۷، ۵۵، ۳۴
داعی کبیر = حسن بن زید	خسرو شاه غزنوی ۱۸
داعی کبیر = محمد بن زید	خسرو فرخزاد ۳۴
داود پیغمبر ۵۹، ۹	خسرو بن قباد ساسانی ۳۴
داود بن ابی البشر عبدالله ۱۲۳	خسرو ملک غزنوی ۱۸
داود بن ابی داود حسنی ۱۱۱	خضر پیغمبر ۷
داود بن احمد المصور ۱۱۲، ۱۱۱	خفاف بن عمیر ۶۴
داود بن ابوالحمد احمد الناصر ۱۲۹	خلف بن وهب ۸۰، ۷۹
داود بن ادريس الامير ۱۱۲	خلفاء مصر ۱۴۳
داود بن ادريس الثاني ۱۲۴	خلیفه حمویه بن علی ۱۹۴
داود بن جعفر السید ۹۹	خلیفه بن عبدالوهاب ۱۸۳
داود بن حسن بن علی ۱۴۷	خلیفه بن علی ۱۰۰
داود بن حسن مثنی ۱۳۱	خلیل بن قلاون = ملک اشرف
داود بن داود بن ابی الفاتک ۱۱۴	خندف = لیلی بنت حلوان
داود بن سلیمان بن الجون ۱۱۳	خنساء شاعره ۶۴
داود بن سلیمان حسنی ۱۱۱	الخنیمه = دوشناتر
داود ابوالطیب بن عبدالرحمن حسنی ۱۱۴	خواجه نظام الملک ۱۹
داود بن عبدالله ابی الفاتک ۱۱۴، ۱۱۳	خوارج ۷۲، ۵۱

- داود بن عبدالله بن محمد الرئيس ۹۹
 داود بن علی عباسی ۹۰
 داود بن علی النقیب ۱۰۳
 داود بن قاسم جعفری ۹۶
 داود بن قاسم بن عبدالله ۱۸۴
 داود بن محمد بن جعفر السید ۹۹
 داود بن محمد بن سلیمان ۱۳۱
 داود الخطیب بن محمد اللحیانی ۲۰۳
 داود بن معظم = ملک ناصر
 داود بن موسی بن ابراهیم ۱۰۰
 داود بن موسی الثاني ۱۱۵، ۱۱۶
 داود بن یوسف بن احمد حسنی ۱۱۱
 دب المطبخ = محمد بن حمزه
 دبیس = علی بن احمد بن حسن حسنی
 دبیس بن علی ۷۶
 دبیس ۱۱۷
 دثارب فقوس ۷۵
 دحیة کلی ۵
 دخنه = ابراهیم بن عبدالله عقیلی
 دریدن صمه ۶۵
 دغفل بن حنظله نسابه ۶۲
 دغه بنت ربیعه بن عجل = بنت مفتح
 دغه بنت مفتح ۷۲
 دقیانوس ۲۲
 دکامل بن یوناطل ۷
 دمشق بن یوناطل ۷
 دناد بن هبوله ۵
 ده آک = ضحاک
 دوابن براق ۱۵
 دیباج = محمد المأمون
 دیون بایان ۱۳
 - ذ -
 ذؤاب بن ربیعه ۷۶
 ذخیره = محمد بن قاسم
 ذوالاذعار حمیری ۴۴
 ذوالاصغ شاعر ۶۳
 ذوالتاج = هود بن علی
 ذوالثغفات = عبدالله بن وهب
 ذوالثغفات = علی العابد
 ذوالجناحین = جعفر بن ابی طالب
 ذوالجوشن ضبایی ۶۷
 ذوحسان ۴۲
 ذوالخرق بن شریح شاعر ۷۴
 ذوالرمه = غیلان بن عقبه
 ذوسرح حمیری ۴۱
 ذوشناتر حمیری ۴۳
 ذوشاداتین = خزیمه بن ثابت
 ذوالعمامه = سعید بن عاص
 ذوالفقار بن معبد حسنی ۱۱۰
 ذوالقرنین = اسکندر
 ذوالقرنین = هرمس
 ذوالقرنین حمیری ۴۲
 ذوالکلاع حمیری ۴۴
 ذومعافر حمیری ۴۲
 ذومعاهر ۴۳
 ذو مناخ ۴۳
 ذوالمنار حمیری ۴۱

- ذونواس حميري ٤٤٠٤٣٠١٠
ذوالنورين = عثمان
ذياب بن يحيى حسنى ١١٧
ذياب بن هبله = دناد
- ر -
رائش حميري ٤١٤٤٠
راجح بن قتاده ١٢٢
الراشد بالله = ابو الفتوح حسنى
راشد بن حمزه حسنى ١١٢
راشد عباسى (منصور بن مسترشد) ٩٣
راضى عباسى (محمد بن مقتدر) ٩٢
راعى شاعر = عبيد بن حصين
رافع بن فضائل ١٣٧
ربيع بن زياد ٦٤
ربيعة بن حارث ٨٩
ربيعة بن حارثه ٤٩
ربيعة بن حازم ٥٨
ربيعة بن حنظله بن مالك ٧٣
ربيعة الفرس ٥٩
ربيعة بن مالك بن حنظله ٧٣
ربيعة بن مالك بن زيد مائة ٧٣
ربيعة بن مكرم ٧٧٠٦٤
ربيعة بن نصر ٥١
رجب بن حسن بن رجب ١٧٧
رجب بن طريس طالب ١٧٧
رحال بن عتبة ٦٧
رزاقله ١١٧
رزق الله بن احمد حسنى ١١٧
رستم ٤٢٠٣٠٠٢٩
رشيد بن حمزه حسنى ١١٢
رشيد الدين وزير ١٩٥٠١٨٩
رشيد وطواط ٧٩
رضابن حسين بن محمد المرتضى ١٢٩
سيد رضى (محمد بن حسين) ١٦٠٠١٤٣
رضى الدين بن طائوس (= على) ١٩٨
رضى الدين بن قتاده ١٩١
رضويان ١٣٦٠١٣٥
ركن الدولة ٣٨
رمح آل ابى طالب = حسن الافطس
رميثه بن ابى ندى ١٢٢
رميثه بن محمد بن عجلان ١٢٣
رميح بن حسن ١٨٥
رواديه = زواديه
روح بن زنباع ٥٥
رومان ٤٠
رى البطل ٦
ريان = فرعون يوسف
ريطة الحارثيه ٥٦
- ز -
زاهى = حسين بن على بن احمد حسنى
زباه ٥٤٠٥٠
زبرقان بن بدر ٧٣
زيد (قبيله) ١٤٤
زيد بن صعب ٥٥
زبيده ٩١
زبير بن بكار ٨٥
زبير بن عوام ٨٥٠٧٣
زبير بن عبد المطلب ٨٣

- زردشت ۳۱۴۳۰، ۲۸۰، ۲۴۴، ۶
 زرع بن شراحیل = ذونواس
 زشک ۲۷
 زغیب = محمد بن یوسف بن محمد
 زفر بن حارث ۶۷
 زقان = محمد بن حسین ابن الاشرف
 زکویه ملحد ۱۷۲
 زمخشری ۱۱۴
 زنج ۸
 زنفاح = جعفر بن محمد بن موسی
 زهر بن عامله ۵۵
 زهره بنت قاسم بن جمال الدین ۱۷۱
 زهره بن کلاب ۸۴
 زهری = مسلم بن عبدالله
 زهیر بن ابی سلمی ۷۱، ۶۴
 زهیر بن جذیمه العبسی ۶۷، ۶۴
 زهیر بن علس شاعر ۶۰
 زوین طهماسب ۲۹۰، ۲۸
 زوادیه ۳۵
 زیاد بن ابیه ۶۶
 زیاد الاسود بن ابراهیم ۱۳۰
 زید بن احمد امیر الحاج ۱۷۸
 زید حرکین بن احمد ۱۹۰
 زید بن ارقم ۴۸
 زید بن ثابت ۴۸
 زید بن جعفر الثالث ۲۰۰، ۱۹۹
 زید بن حسن (ع) ۱۰۲
 زید بن حسن بن زید ۱۰۷، ۱۰۲
 زید بن حسن بن المرعش ۱۷۰
 زید بن حسن الناصر ۱۶۸
 زید بن حسن بن موسی الثاني ۱۱۶، ۱۱۵
 زید بن مراقد بن حسن ۲۰۶
 زید بن حسن ابو خلاط ۱۱۶
 زید الاسود بن حسین بن علی کتیه ۱۵۷
 زید بن حسین غضاره ۱۶۳
 زید بن حسین النسابة ۱۵۹
 زید الفوارس بن حصین ۷۱
 زید بن حمزة حسنی ۱۰۴
 زید بن الداعی بن زید ۱۸۸
 زید الخیر = زید الخیل
 زید الخیل ۵۷
 زید بن ذی الاذعار ۴۱
 زید بن سهل انصاری ۴۸
 زید بن صوحان ۴۱
 زید بن عاصم ۴۷
 زید الشیبیه بن علی ۱۵۲
 زید الشهید بن علی ۱۶۷، ۱۶۵، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۳۴
 ۱۸۷
 زید بن علی بن جعفر ۱۴۰
 زید بن علی بن الشجرى ۱۰۶
 زید بن علی غراب ۱۶۶
 زید الزاهد بن علی بن قاسم الشیبیه ۱۴۹
 زید بن علی کتیه ۱۵۷
 زید بن عمرو بن نفیل ۷۹
 زید بن عیسی بن ذی الدنمه ۱۵۴
 زید بن عیسی مؤتم الاشبال ۱۶۲
 زید بن کلاب = قصی
 زید بن مالک ۵۵

- زید ابوالبشایرین محمد ۱۶۳
 زید بن محمد بن حسین الاحول ۱۵۵
 زید بن محمد بن زید ۱۴۰، ۱۰۷
 زید بن محمد بن قاسم ۱۵۷
 زید النقیب بن محمد النقیب ۱۷۸
 زید الناربین موسی الکاظم ۱۴۰، ۱۳۴
 زید بن ناصر بن الاسود ۱۵۸
 زید النسابه = زید الشبیه بن علی
 زید بن نیکف = تبع اول بقول یعقوبی
 زیدیه ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۹
 ۱۶۸
 زین العابدین بن شاه شجاع ۱۳۲، ۲۰
 زینب بنت جحش ۷۷
 زینب بنت خزیمه ۶۶
 زینب بنت الرسول (ص) ۸۶
 زینب صفری ۹۴
 زینب کبری ۹۷، ۹۶
 زینبیاں ۹۱
 زیود ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۶۶،
 - س -
 شاهرزاده ساتی بگک ۱۷
 ساریه ۱۲۹
 ساسانیه ۳۳
 ساسان بن بهمن ۳۱
 سالم بن حریر حسنی ۱۱۶
 سالم بن حمزه حسنی ۱۱۲
 سالم بن سبحة ۱۸۶
 سالم بن عبدالله الصلیصل ۱۱۶
 سالم بن عبدالله عمر ۷۹
 سالم بن محمد بن زید حسنی ۱۱۶
 سام بن نوح ۸۷، ۱۸، ۲۳، ۲۵
 سامانیه ۱۷
 سباین یثجب ۴۰، ۳۹
 سبحة بن هاشم ۱۸۶
 سبیع بن عیسی ۱۲۱
 سبیع بن مهنا ۱۸۵
 سبکتکین ۱۸، ۱۷
 ست نفیسه = نفیسه بنت حسن
 سجاح بنت اوس ۷۴
 سحیم بن وثیل ۷۴
 سراقه بن مالک ۷۷
 سرهنگ بن علی بن حسین ۱۹۱
 سروسم ۹
 سریانیان ۳۴
 سطح کاهن ۵۱
 سعد بن ابی وقاص ۸۴
 سعد بن جمح ۸۰
 سعد بن ربیع ۴۸
 سعد بن زنگی ۲۱
 سعد بن عباده ۴۸
 سعد العشره ۵۵
 سعد بن فقمس ۷۵
 سعد بن مالک = بن ابی وقاص
 سعد بن معاذ ۴۷
 سعد الدین ساوجی وزیر ۱۴۲
 سعد الله بن مفضل حسنی ۱۰۶
 شیخ سعدی ۲۱

- ملک سعید بند قداری ۳۶
 سعید صاحب ممتاز ۱۱۴
 سعید بن داود بن مهنا ۱۸۷
 سعید بن زید ۷۹
 سعید بن عاص ۸۸
 سعید بن عاص بن سعید ۸۸
 سعید بن الفرج ۱۸۵
 سعید بن مسیب ۸۳
 سفاح (عبدالله بن محمد) ۹۱۲۹۰۰۵۶
 سفیان بن امیه ۸۷
 سفیان ثوری ۷۰
 سقراط ۲۲
 سلاجقه = سلجوقیان
 سلاطین سلجوقی = سلجوقیان
 سلامه بن عیسی ۱۲۱
 سلجوق بن دقاق = سلجوق بن هری
 سلجوق بن لقمان = سلجوق بن هری
 سلجوق بن هری ۱۸
 سلجوقیان ۲۱۶۱۸
 سلطان بن بسام بن محیا ۱۸۳
 سلطان بن علی ۶۱
 سلفریان = اتابکان فارس
 سلم (بن فریدون) ۲۸۰۲۷
 سلمه بن الاکوع ۵۰
 سلمه بن حارث کندی ۵۳
 سلمی بنت عمرو مادر عبدال مطلب ۴۸
 سلوکوس ۳۲
 سلیحه قضاعی ۴۵
 سلیک بن سلک ۷۲
 سلیم (طائفه) ۲
 سلیمان پیغمبر ۵۹۰۳۱۰۲۶
 سلیمان بن ابی حنظلله حسنی ۱۱۱
 سلیمان بن ادريس بن جعفر السید ۱۰۰
 سلیمان ایلخان ۱۷
 سلیمان بن جعفر السید ۹۹
 سلیمان بن حسن الحرانی ۱۱۸
 سلیمان بن حسن بن داود الامیر ۱۱۶
 سلیمان بن حسن شهید حسنی ۱۱۰
 سلیمان ابو محمد بن داود = هانی بن داود
 سلیمان بن داود بن حسن بن علی ۱۳۱
 سلیمان بن حسین الاصفه ۱۶۹
 سلیمان بن تقی بن حمزه ۱۲۹۰
 سلیمان بن سلیمان ۱۶۹
 سلیمان بن ابی البشر عبدالله ۱۲۴
 سلیمان بن عبدالله بن صاحب الدیلم ۱۲۳
 سلیمان بن عبدالله عقیلی ۹۵
 سلیمان بن عبدالله محض ۱۲۴۰۱۰۸
 سلیمان بن عبدالله بن موسی الجون ۱۱۳
 سلیمان بن عبدالله بن یحیی حسنی ۱۱۷
 سلیمان بن عبدالملک ۸۷
 سلیمان بن علی جلال الدین ۱۸۲
 سلیمان بن علی بن السلمیه ۱۲۳۰۱۲۱
 سلیمان بن علی عباسی ۹۰
 سلیمان بن علی بن محمد الثائر ۱۱۸
 سلیمان بن قاسم الرسی ۱۲۸
 سلیمان بن کثیر ۵۰
 سلیمان شاه بن محمد سلجوقی ۱۹
 سلیمان بن محمد اللحیانی ۲۰۳

- سليمان بن مهنا ١٠١
 سليمان بن موسى الجون ١١٠
 سليمان صاحب الشامه بن يحيى ١٢٤
 سليمان بن يحيى بن زيد ٢٠٨
 سمالك بن اوس ٤٩
 سمره بن جندب ٨٧
 صيفع بن ناكور = ذوالكلاع
 سناء الملك = سعد بن علي
 سنان بن ابي حارثه ٦٤
 سنان بن عبدالوهاب ١٨٥
 سنان بن هندی ١٦٥
 سنباد بن بهرام گور ٣٨
 سنجر سلجوقي ١٩
 سندر = محمد بن ابي الفتوح
 سهيل بن عمرو ٧٨
 سوار بن عبدالله ٧١
 سوار بن محمد حسنى ١١٢
 سودون نويان ١٧
 سورة بن الحر ٧٥
 سوشان = عبدالرحمان بن جعفر
 سوغانيجاق بن سودون نويان ١٧
 سولدوس ١٧٠١٣
 سولوموس = سولدوس
 سويد بن ابي كاهل ١١
 سيامك ٢٤٠٦
 سياوش ٢٩
 سيد حميرى ٤٥
 سيد مرتضى = علي بن الحسين
 سيف الدوله = صدقه بن منصور
 سيف الدوله حمدانى = علي بن ابي الهيجا
 سيف بن ابي نعى ١٢٣
 سيف بن ذى يزن ٤٤٠١١
 سيف بن محمد نقيب واسط ١٧٤
 سيورغان شيره ١٧
 - ش -
 الشاب علي = بن حسن
 شاپور بن اردشير ٤٥٠٢٣
 شاپور اشكاني ٣٣٠٣٢
 شاپور ذوالاكتاف ٣٣
 شاپور بن شاپور ساساني ٣٣
 شاپور بن يزدگرد الاثيم ٣٤
 شافعي (محمد بن ادریس) ٨٦
 شالح بن ارفخشذ ٣٩
 شالح بن قينان = شالح بن ارفخشذ
 شاهانخت بنت عضد الدوله ١٣٠
 شاه جهان قراختائي ٢٠
 شاهرخ بن تيمور ١٦
 شاهزاده عبدالعظيم = بن عبدالله
 شيبث بن ربيعي ٧٤
 شيكتون نويان ١٧
 شاه شجاع مظفرى ١٣٢٠٢٠
 شجريان ١٤٠
 شرجيل بن جبلة ملك شام ٤٧
 شرجيل بن حارث كندی ٥٣
 شرع بن قيس ٤٤
 شرف الاسلام = طفتكين
 شرفشاه بن عباد حسنى ١٠٥
 شرف الدين بن السدرى = محمد

- شرف الدين سناني ١٧١
 شرف الدين وصاف ١٨٩
 شرف الكتاب بن جيا ٨٣
 شريح قاضي ٥٢
 الشريف الزيدي المحدث = علي بن ابي العباس
 شريف عمر = عمر ابو البركات
 شريك ٢٧
 شبيب پيغمبر ٥٨
 شغانيه = اشكانيان
 شق بن صعب كاهن ٥١
 شقيق بن ثور ٦٢
 شكر بن ابي الفتوح ١٢٠، ١١٤
 شكر بن حسن الاسمر ١٥٩
 شكر بن محمد حسني ١١٧
 شكر الاسود بن محمد النفيس ١٧٦، ١٧٥
 شكر بن ناصر عزيز ١٦٣
 شكيباه (علي بن حسين اميركا) ١٠٧
 شماس بن عثمان ٨٣
 شماخ شاعر ٦٤، ٤٨
 شمران بن كيخسرو ٤٢
 شمر بن ذي الجوشن ٦٧
 شمر بن العطف ٤٠
 شمر بن مرعش ٤٢
 شمس الدوله ايوبى ٣٥
 شمس الدين علي بن عبدالمطلب ١٨٠
 شمس الدين الكوفي = محمد بن احمد ابزاري
 شمس الدين محمد بن ركن الدين محمد ١٤٨
 شنطم بن يحيى الكلج حسني ١١١
 ملك شاه الدين ايوبى ٣٥
 شهاب الدين غوري ١٨
 شهداني = محمد بن حمزه حسني
 شهر فارسي ٥٥
 شهر براز ٣٤
 شيبة بن ابراهيم ٨٥
 شيبة الحمد = عبدالمطلب
 شيبة بن عثمان بن ابي طلحه ٨٥
 شيبة بن ربيعة ٨٦
 شيث ٢٤، ٦٥، ٦٥
 شيخ الشرف دينوري = ابو حرب
 شيخ الشرف عيلى ٩٥، ١٠٣، ١٠٧، ١٦٤
 ١٧٢، ١٧٣، ١٨١، ١٨٧، ٢٠٦
 شيخ المتري = يحيى النقيب
 شيخ المشايخ شيباني ٦٢
 شيويه بن پرويز ٣٤
 شيه ١٥١
 شيه بنت احمد ١٢٣
 - ص -
 صابنه ٢٨، ٢٤، ٦٥، ٣٠
 صاحب اخدود = ذونواس
 صاحب الزنج ٩٢، ١٦٢
 صاحب القوس = حاجب بن زراره
 صاحب الناقه = صالح
 صاحب بن عباد ١٠٣
 صالح پيغمبر ٢٣
 صالح (ازبني داود بن محمد) ١٢٤
 صالح بن ابراهيم الاعرابي ٩٩
 صالح بن احمد المسور ١١١، ١١٣
 صالح بن ابي دلف ١٦٦

- صالح الامير بن اسماعيل حسنى ١١٠
ملك صالح ايوبى ٣٥
صالح بن عبدالله ابى الفاتك ١١٣
صالح بن على عباسى ٩٠
صالح بن محمد بن جعفر السيد ١٠٠
صالح الامير بن محمد حسنى ١١٥
صالح بن محمد بن عبدالله ٢٠٥
صالح بن موسى الثانى ١١٤
صالح بن موسى الجون ١١٠
صالح بن موسى حسنى ١١٢
صالح بن وهاس حسنى ١١٤
صالح بن يوسف بن محمد ١٠٩
صالحان ١١٥
صبح بن عباس ٨٩
صحار ٢٣
صخر بن حرب ٨٧
صخر بن عبدالله حسنى
صخر بن عمرو ٦٤
صخر بن قيس ٧٣، ٧٢
صخور (قبيلة) ١١٧
صدقه بن منصور ٧٦
صعب بن همال ٤٢
صعصعة بن صوحان ٦٠
صعم ٢٤

- ض -

- ضجاعمه ٤٥
ضحاك ٣٤، ٢٧، ٢٦، ٢٤
ضحاك بن عثمان ٨٥
ضحاك بن قيس ٧٨
ضحاك بن مزاحم ٦٦
ضحاك بن معد = ضحاك
ضخم ٢٤
ضرار بن خطاب ٧٨
ضيزن بن جبلة ٤٥

- ط -

- طالع عباسى (عبد الكريم بن مطيع) ٩٢
طالب بن ابى طالب ٩٤
طالب دلقندى بن ركن الدين محمد ١٩٥
طالبيان ١٩٩، ١٧١، ١٦٢، ٧٩
طالبيان كرمان ٩٦
طعنون = اصنعون
طغانى = حسن بن محمد
صفوان بن اميه ٨٠، ٧٩
صفيه بنت حبيب بن اخطب ٥٩
صقاله ١٢

- طالوت پیغمبر ۵۹
 طاهر بن بسام بن محیا ۱۸۳
 طاهر بن جعفر کذاب ۱۳۵
 طاهر بن حسن بن طاهر ۱۸۴
 طاهر بن زید حسنی ۱۰۷
 طاهر بن عبدالله بن حسن ۲۰۳
 طاهر بن علی حسنی ۱۰۵
 طاهر بن علی بن حسین ۱۹۱
 طاهر بن علی بن محمد ۱۴۷
 طاهر بن محمد ۱۵۶
 طاهر بن محمد بن عبدالله عقیلی ۹۶
 طاهر بن محمد بن قاسم ۹۷
 طاهر بن محمد اللحیانی ۲۰۳
 طاهر بن یحیی ۱۵۵
 طاهر بن یحیی النصابی ۱۸۳، ۱۸۱
 طاهر بن یحیی بن یحیی ۱۵۶
 طبری ۳۳
 طبیق محمد بن علی ۱۷۷
 طرفه بن عبد ۶۰
 طرماع شاعر ۵۷
 طریس طالب بن عمار ۱۷۷
 طریف بن تمیم ۷۱
 طسم (بن لاود) ۲۴، ۲۳
 طغاتیمر ایلخان ۱۷
 طفتکین ایوبی ۳۵
 طغرل بک سلجوقی ۱۹
 طغرل دوم سلجوقی ۱۹
 طغرل سوم سلجوقی ۱۹
 طفیل بن حارث ۸۶
 طفیل الخیل ۶۳
 طفیل بن منصور بن جمار ۱۸۶
 طلحه بن ابی طلحه ۸۵، ۸۴
 طلحه الطلحات = بن عبدالله
 طلحه بن عبدالله ۵۰
 طلحه بن عبیدالله ۸۲
 طلحه بن متوکل ۹۲
 طلما (فرعون) ۹
 طلیحه بن خویلد متنبی ۷۵
 طسی ۱۱۹، ۱۰۱، ۵۶، ۵۲
 طهمورث بن ونکبان ۲۶
 طوح = توح
 طوس نوذر ۲۹
 طویل الباع = محمد بن محمد بن یحیی
 طیار = جعفر بن ابی طالب
 - ظ -
 ظافر فاطمی = اسماعیل بن عبدالمجید
 ملک ظافر بنقداری ۳۶
 ظاهر عباسی (محمد بن ناصر) ۹۳
 ظاهر فاطمی = علی بن منصور
 ظفر غازی بن محمد الزاهد ۱۹۴
 ظفر یلجه بن منککا ۱۶
 ظلم بن حنظله بن مالک ۷۳
 ظنک انصاریه ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۰۰
 ظنک الحمدیه = انصاریه
 ظنک بن محمد ۱۵۳
 - ع -
 عائذ بن ربیع ۵۸
 عائذ قریش (قبیله) ۷۸
 عابر بن شالح ۳۹

عباد بن حصين ٧٢	عاتكه ٢
عبادة بن الصامت ٤٩	عاتكه بنت خليف ٤٩
عباس بن ابي داود حسنى ١١١	عاتكه بنت زيد ٧٩
عباس بن احمد بن محمد ١٤٢	عاتكه بنت عبدالله (= ام كلثوم ٨٣)
عباس بن احمد التقيب ١٧٠	عاد ٢٦
عباس بن اسحاق الامير ١٤٢	عاد (بن عوص) ٢٣
عباس الخطيب بن حسن ٢٠٢، ٢٠١	ملكه عادل ايوبى ٣٥
عباس بن حسن الاعرج ١٩١	عاص بن اميه ٨٧، ٨١
عباس بن ربيعه ٨٩	عاص بن سعيد ٨٨
عباس بن زيد حسنى ١١٦	عاص بن هشام ٨٣
عباس بن عبدالله الشهيد ١٩٦	عاضد فاطمى = عبدالله بن يوسف
عباس بن عبدالمطلب ٨٩، ٨٨	عامر بن الياس = طابخه
عباس شهيد بن علي ٢٠١، ١٠٢، ٦٧	عامر الضحيان ٦٠
عباس بن علي بن حروقه ٢٠١	عامر بن طفيل ٦٧
عباس بن عيسى الاوقص عقيلي ٩٥	عامر بن ظرب حكم العرب ٦٣
عباس الاكبر بن فضل بن حسن ٢٠١	عامر بن عبد القيس ٧٢
عباس بن قاسم بن حمزه ٢٠٢	عامر بن عبدالله = بن عبد القيس
عباس بن محمد بن علي عباسى ٩١، ٩٠	عامر بن كريض ٨٧
عباس بن مرداس ٦٤	عامر بن لؤى ٧٨
عباس بن منصور ٩٠	عامر ماء السماء ٤٦
عباس بن امام موسى الكاظم ١٣٤	عامر بن مالك ٦٨
عباس بن يحيى بن محمد الرئيس ١٩٨	عامر بن محمد بن ابي الفاتك ١١٣
عباس بن يحيى بن يحيى ١٥٦	عامر بن مخزوم ٨٢
عباسيان ٣٩، ٨٨، ٩٠، ٩١، ٩٣، ١٠٢، ١٤٣، ١٤٤	عامر بن والله ٧٧
عباسيان مصر ٩٣	عامل = محمد بن محمد بن طاهر
عبد = ذوالاذعار	عامله زوجه حارث بن عدى ٥٥
عشميان ٨٦	عائشه ٨١، ٧١
عبدات ٨٦	عائشه بنت بديع الزمان همدانى ١٩٤
	عائشه بنت طلحه بن عبدالله ٨٢

- عبدالرحمن بن ملجم ۷۰
عبدالرزاق بن القوطی ۱۵۳، ۶۳
عبدالرشید غزنوی ۱۸۴، ۱۷
عبدشمس بن حارث = عبدالله
عبدشمس بن عبد مناف ۸۶
عبدالصمد بن علی عباسی ۹۰
عبدالعزیز بن عبدالمطلب ۸۸
عبدالعزیز بن محمد العالم ۱۰۰
عبدالعظیم بن حسین حسنی ۱۲۶
عبدالعظیم بن الدعکی ۱۶۳
عبدالعظیم بن عبدالله حسنی ۱۰۷
عبدالقادر گیلانی = بن محمد
عبدالقادر بن محمد ۱۱۷
عبدالکریم غیاث الدین بن ابی الفوارس ۱۸۳، ۱۸۲
عبدکلل حمیری ۴۳
عبدالله بن اباض خارجی ۷۲
عبدالله بن ابراهیم اعرابی ۱۰۱، ۹۹
عبدالله بن ابراهیم بن راس المذری ۱۹۹
عبدالله بن ابی ۴۹
عبدالله بن ابی داود حسنی ۱۱۱
عبدالله ابوالغنائم زیدی ۱۵۵
عبدالله بن ابی القاسم علی ۱۸۱
عبدالله بن ابی قحافه ۱۸۱، ۵۳، ۵۱
عبدالله بن ابی نمر ۱۲۲
عبدالله بن ابی وداعه ۸۱
عبدالله بن احمد احمر عینی ۹۷
عبدالله بن احمد الاکبر ۲۰۵
عبدالله بن احمد حسنی ۱۱۳
عبدالله بن احمد الدخ ۱۵۰
عبدالجبار بن حسن بن حسنی ۱۲۶
عبدالحمید بن اسامه = بن التقی
عبدالحمید بن التقی ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۳
۲۰۷، ۱۷۹، ۱۷۶
عبدالحمید بن عبدالرحمن ۱۷۳
عبدالحمید بن فخر موسوی ۲۰۷
عبدالحمید بن محمد ۱۵۸
عبدالحمید نظام الدین بن محمد ابی الفوارس ۱۸۲
۱۹۸، ۱۸۳
عبدالرحمن بن ابراهیم الاعرابی ۱۰۱، ۹۹
عبدالرحمن بن ابی بکر ۸۲، ۸۱
عبدالرحمن بن احمد بن عبدالله ۲۰۵
عبدالرحمن بن جعفر ۹۷
عبدالرحمن بن حارث ۸۳
عبدالرحمن بن سمره ۸۷
عبدالرحمن الشجری ۱۰۵، ۱۰۳
عبدالرحمن بن عباس ۸۹
عبدالرحمن بن عبدالحمید نظام الدین ۱۹۸، ۱۸۳
عبدالرحمن بن عبدالله ابی الفاتک ۱۱۳
عبدالرحمن بن عوف ۸۴
عبدالرحمن بن علی الجراح ۳۹
عبدالرحمن بن قاسم جعفری ۹۶
عبدالرحمن بن قاسم حسنی ۱۰۴
عبدالرحمن بن محمد بن ابی الفاتک ۱۱۳
عبدالرحمن بن محمد البطحانی ۱۰۳
عبدالرحمان بن محمد الشریف ۱۰۶
عبدالرحمن بن محمد عقیلی ۹۵
عبدالرحمن بن مسلم ۹۴
عبدالرحمن بن مشکم فقیه ۵۵
عبدالرحمن بن مموویه ۸۷

- عبدالله بن احمد بن محمد حسنى ١١٦
عبدالله دردار بن احمد حسنى ١٠٧
عبدالله بن احمد بن محمد ١٤٢
عبدالله بن احمد المنقدى ١٧١
عبدالله بن احمد بن يحيى حسنى ١١٧
عبدالله بن ادريس ١١٥
عبدالله بن ادريس بن جعفر السيد ١٠٠
عبدالله بن ادريس الامير ١١٢
عبدالله بن اسامه ١٥٩
عبدالله الاصغر بن اسحاق الاشرف ٩٧
عبدالله الاسمر بن اسحاق الاشرف ٩٧
عبدالله بن اسحاق بن راس المذرى ٢٠٠
عبدالله بن جدعان ٨٢٠٦٠
عبدالله الجواد بن جعفر ٩٦
عبدالله الاصغر بن جعفر بن الاشرف ٩٦
عبدالله بن جعفر بن اسحاق الاشرف ٩٨
عبدالله القود بن جعفر الامير ١١٩
عبدالله العرش بن جعفر السيد ١٠١٠٩٩
عبدالله بن جعفر الثالث ١٩٩
عبدالله راس المذرى بن جعفر الثاني ١٩٨
عبدالله بن جشم = خطبه (بنو حطمة)
عبدالله بن جعفر قتيل الحره ١٩٨
عبدالله بن حارث بن اميه ٨٦
عبدالله بن به بن حارث بن عبد المطلب ٨٩٠٨٨
عبدالله بن حارث كندى ٥٢
عبدالله بن حسن بن ابراهيم ١٠٨
عبدالله بن حسن اعور ١٠٨
عبدالله الشهيد بن حسن الافطس ١٩٦٠١٩٥٠١٨٨
عبدالله بن حسن حسنى ١٣٣٠١٣٢
عبدالله بن حسن بن داود الامير ١١٦
عبدالله بن حسن بن زيد ١٠٧٠١٠٢
عبدالله بن حسن شهيد حسنى ١١٠
عبدالله بن حسن بن الصليصل ١١٦
عبدالله بن حسن بن عبيد الله ٢٠٢
عبدالله بن حسن عقيلي ٩٤
عبدالله بن حسن الفارس ١٦١
عبدالله محض بن حسن مثنى ١٠٨
عبدالله المفقود بن حسن المكفوف ١٩٤
عبدالله بن حسين بن اسماعيل الدخ ١٥٠
عبدالله بن حسين الاصغر ١٧١٠١٦٩
عبدالله الشاعر بن حسين الشاعر ١١٣
عبدالله عرفه بن حسين ١٨٣
عبدالله بن حسين بن على احوال ١٥٢
عبدالله بن حسين بن الافطس ١٩٢
عبدالله الاكبر بن حسين ترلح ١٩٣
عبدالله العالم بن حسين بن الرسى ١٢٩٠١٢٨
عبدالله بن حسين بن محمد المرتضى ١٢٩
عبدالله بن حمزه الجواد ١٢٩
عبدالله ابو الفاتك بن داود حسنى ١١٣
عبدالله ابو الكرام بن داود بن المسور ١١٢
عبدالله بن رواحه ٤٨
عبدالله بن زهرى ٨٠
عبدالله بن زهر ١٠٢٠٨٥٠٨٢٠٧٢٠٥٢
عبدالله بن سعد بن ابي سرح ٧٨
عبدالله بن سليمان بن جلال الدين ١٨٣
عبدالله بن شحير ٦٨
عبدالله الشيخ الصالح حسنى ١١٠٠١٠٩
عبدالله بن صفوان ٧٩

- عبدالله الصليصل حسنى ۱۱۶
عبدالله بن صمه ۶۵
عبدالله بن سموت ۶۷
عبدالله بن عامر ۸۷، ۶۶
عبدالله بن عباس ۹۰، ۸۹، ۸۲
عبدالله بن عباس الخطيب ۲۰۲
عبدالله الشاعر بن عباس بن عبدالله ۲۰۲
عبدالله ضياء الدين بن عبدالرحمن ۱۸۳
عبدالله بن عبدالرحمن عوف ۸۴
عبدالله بن عبدالرحمن مخزومي ۸۳
عبدالله بن عبدالمطلب ۸۸، ۸۳
عبدالله بن عبدالواحد ۱۸۶
عبدالله بن عبدالله بن ابي مليكه ۸۲
عبدالله بن عقيل بن عبدالله ۹۵
عبدالله بن عقيل عقيلى ۹۵
عبدالله بن علقمه ۷۷
عبدالله بن امير المؤمنين ۶۷
عبدالله الباهر بن امام سجاد ۱۵۰، ۱۳۳
عبدالله بن على بن حسين الامير ۱۱۹
عبدالله بن على الشديد حسنى ۱۰۷
عبدالله بن على عباسى ۹۰
عبدالله بن على عقيلى ۹۶
عبدالله بن على بن محمد مضيره ۱۷۱
عبدالله بن على بن موسى الثانى ۱۱۶
عبدالله بن عمر ۷۹
عبدالله الصابونى بن عمر بن شكر ۱۶۳
عبدالله بن عمر المختار ۱۸۰
عبدالله بن عمرو عاص ۸۱
عبدالله الطويل بن عيسى الخلقى ۱۰۰
عبدالله فروخا حسنى ۱۰۹
عبدالله بن فليته ۱۲۰
عبدالله بن قاسم جعفرى ۹۶
عبدالله بن قاسم بن راس المذرى ۲۰۰
عبدالله بن قاسم بن عبدالله ۱۸۴
عبدالله بن قيس (ابوموسى اشعري) ۶۸
عبدالله بن كليب = عبدل
عبدالله بن محمد ۴۷
عبدالله بن محمد بن ابراهيم الاعرابى ۱۰۱
عبدالله الاشر بن محمد نفيس زكيه ۱۰۸
عبدالله بن محمد بن ابي الفاتك ۱۱۳
عبدالله بن محمد ابو الفتح ۱۷۴
عبدالله ابو الفضائل بن محمد ۱۷۵، ۱۷۴
عبدالله بن محمد ابوهاشم ۱۲۰
عبدالله ضياء الدين بن محمد ابي الفوارك ۱۸۳، ۱۸۲
عبدالله طياره بن محمد ۱۴۹
عبدالله بن محمد بن ابي الليل ۱۱۵
عبدالله بن محمد تغلب ۱۲۱
عبدالله الاكبر بن محمد النابز ۱۲۱، ۱۱۸
عبدالله السيف بن محمد ۱۸۷
عبدالله الشيخ بن محمد بن جعفر المحدث ۱۳۲
عبدالله المستقيم بن محمد حسنى ۱۱۵
عبدالله بن محمد الرئيس ۹۸
عبدالله رضى الدين بن محمد ۱۶۶
عبدالله شرف الدين بن محمد ۱۷۰
عبدالله شيخ بن محمد بن الرسى ۱۳۰
عبدالله المحدث بن محمد الرضى ۱۶۸

- عبدالله بن محمد بن زيد حسنى ١١٦
عبدالله بن محمد الشهيد ١١٠
عبدالله بن محمد بن صاحب الديلم ١٢٣
عبدالله بن محمد الصوفى ٢٠٨
عبدالله بن محمد عباسى = صفاح
عبدالله بن محمد العالم ١٠٠
عبدالله بن محمد بن عبدالله حسنى ١٢٠
عبدالله بن محمد بن عقيل ٩٤
عبدالله بن محمد عقيلى ٩٥
عبدالله بن محمد بن عمر الاطرف ٢٠٤، ٢٠٣
عبدالله بن محمد مجد الدين ١٥٨
عبدالله الازرق بن محمد الممر ١٦٤
عبدالله المتضدين محمد المتضر ١٢٩
عبدالله بن محمد بن يحيى حسنى ١١٧
عبدالله بن مسعود ٧٥
عبدالله بن معاوية جمفرى ٩٦
عبدالله بن معتز ٣٩، ٩٢، ١٦٨
عبدالله بن مهنا بن حسين ١٨٧، ١٨٦
عبدالله بن موسى الجون ٨٢
عبدالله بن امام كاظم ١٣٤، ١٤٠
عبدالله بن ناصر ١٥٨
عبدالله بن وهب ٥٠
عبدالله بن يحيى بن زيد ٢٠٨
عبدالله الديباج بن يحيى الفقيه ١١٥
عبدالله الكوسج بن يحيى حسنى ١١١
عبدالله بن يحيى النسابة ١٨١
عبدالله بن يحيى بن هاشم ١١٨
عبدالله بن يوسف الخيل حسنى ١١١
عبدالله بن يوسف فاطمى ١٤٥
عبدالمجيد بن محمد فاطمى ١٤٥
عبدالمطلب بن ابراهيم ١٨٠
عبدالمطلب عميد الدين بن ابي الفوارس ١٨٢، ١٨٣
عبدالمطلب بن شمس الدين على ١٨٠
عبدالمطلب بن محسن ١٤٨
عبدالمطلب بن المرتضى ١٦٩
عبدالمطلب بن هاشم ٨٣، ٨٨
عبدالمطلب بن صالح عباسى ٩٠
عبد الملك بن قريب (اصمى) ٦٣
عبد الملك بن مروان ٨٧، ٨٨، ٦٥، ٥٥
عبد الملك بن نوح سامانى ٣٧
عبد مناف بن قصى ٨٤، ٨٦، ٩٠
عبد الواحد بن مالك ١٨٦
عبد الوهاب بن عبدالله ضياء الدين ١٨٣
عبد الوهاب بن مهنا ١٨٥
عبد بن طيب شاعر ٧٣
عبدان = بنو عبدالله
عبد يغوث بن حارث ٥٦
عبد بن ابرص شاعر ٧٦
عبد بن حصين ٦٦
عبدالله بن احمد الشعرائى ١٤٧
عبدالله بن ادريس الثانى ١٢٥، ١٢٦
عبدالله بن اسحاق الاشرف ٩٧
عبدالله قاضى الحرمين بن حسن ٢٠١، ٢٠٢
عبدالله بن حسن حسنى ١٣٢
عبدالله بن حسن قاضى ٧١
عبدالله بن حسين بن ابي خلاط ١١٦
عبدالله بن دارم ٧٤
عبدالله الاعرج بن حسين الاصفر ١٦٩، ١٧٢
عبدالله بن زياد ٥٦، ٧٣

- عبدالله بن طاهر بن یحیی ۱۸۴، ۱۸۳
عبدالله بن عباس ۹۰، ۸۹
عبدالله بن عباس الخطیب ۲۰۲
عبدالله بن عباس شهید ۲۰۱
عبدالله بن عبدالله حسنی ۱۳۳
عبدالله بن عبدالله بن حسن ۲۰۳
عبدالله الثالث بن علی ۱۷۳
عبدالله الثاني بن علی الصالح ۱۷۳
عبدالله بن علی الطیب ۲۰۴
عبدالله قلیل الطوافین بن علی ۵۵
عبدالله بن علی بن سکین ۱۶۵
عبدالله بن عمر بن محمد ۱۷۴
عبدالله (زرقان) بن قاسم ۱۴۱
عبدالله بن قیس الرقیات ۷۹
عبدالله الرابع بن محمد الاشر ۱۷۷، ۱۷۴
عبدالله الاکبر بن محمد بن الحنفیه ۱۹۸
عبدالله بن محمد الشریف ۱۰۶
عبدالله بن محمد المالم ۱۰۰
عبدالله بن محمد بن عمر الاطرف ۲۰۳
عبدالله بن محمد فاطمی ۱۴۴، ۱۴۳
عبدالله بن محمد قاضی ۸۰
عبدالله بن محمد اللحیانی ۲۰۳
عبدالله بن امام کاظم ۱۴۱، ۱۳۴
عبدالله مجد الشرف بن ناصر ۱۵۸
هبیده بن حارث ۸۶
هبیده بن سعید بن عاص ۸۸
عتاب بن اسید ۸۸
عتاب بن ورقاء ۷۴
عتبه بن ابی وقاص ۸۴
عتبه بن جعفر بن کلاب ۶۷
عتبه بن ربیعہ ۸۶
عتبه بن مسعود ۷۵
عتبیه بن حارث ۷۶، ۷۴
عتیق بن ابی قحافه = عبدالله
عتیک بن ازد ۵۰
عثمان = ملک عزیز
عثمان بن ابی طلحه ۸۴
عثمان بن اسود حسنی ۱۱۸
عثمان بن طلحه بن ابی طلحه ۸۵
عثمان بن عبدالدار ۸۴
عثمان بن عفان ۸۷، ۷۸، ۷۳، ۵۲
عثمان بن امیر المؤمنین علی ۶۷
عثمان بن مظعون ۸۰
عجلان بن رمیثه ۱۲۳
عجیبہ بنت احمد ۱۷۶
عدنان بن ابراهیم قاضی حمص ۱۵۳
عدنان بن اد ۵۹
عدنان بن اسامه ۱۵۹
عدنان بن عبدالله ۱۸۰
عدنان ابو نزار بن محمد بن الحسین ۱۷۵
عدنان بن محمد نقیب کوفه ۱۷۵
عدنان بن معد بن ابی منصور ۱۵۸
عدنانیه ۵۱
شیخ عدی (ازاکراد) ۳۷
عدی بن اوطاة ۶۴
عدی بن حاتم ۵۷
عدی بن رقاع شاعر ۵۵
عدی بن زید ۲۱

عقبه بن ابي معيط ٨٨	عدي المشطب = على
عقبه بن عامر ٤٩	عراة بن اوس ٤٨
عقبه بن عمرو ٤٨	عرادين عمرو ٧٦
عقروق = ابوسعدين محمد	عرب بائدة (= عرب عاربة) ٢٤
عقيقيان ١٧١	عرب عاربه ٢٧، ٢٣
عقيل بن ابي طالب ٩٦، ٩٤، ٩٢	عرنجج = حمير بن سبا
عقيل بن حسين ٢٠٠	عروة بن حزام ٤٥
عقيل بن عبدالله عقيلي ٩٥	عروة بن زبير ٨٥
عقيل بن علفه ٦٤	عروء الصعاليك = بن الورد
عقيل بن على عقيلي ٩٥	عروة بن مسمود ٦٥
عقيل بن على بن قاسم الشيبه ١٤٩	عروة بن الورد ٦٤
عقيل بن كعب ٦٨	عريب بن زيد ٥٢
عقيل بن محمد عقيلي ٩٥	عزالدين يحيى = يحيى النقيب بن ابي الفضل محمد
عقيلي = يحيى بن ابراهيم	عزه ٥٠
عكك بن عدنان ٥١	عزي ٤٩
عكرمه بن ابي جهل ٨٣	ملك عزيز ايوبى ٣٦، ٣٥
علاء الدوله سمناني ١٧١	عزيز فاطمي = نزار بن معد
علاء الدوله جويني = عظاملك	عشاير ٦٩
علاء الدين غوري ١٨	عصفه الدوله ٢٠١، ١٣٠، ٣٨
علاء الدين محمد = محمد بن جلال الدين حسن	بنو عطار بن عوف ٧١
علامه حلي ١٨٩، ١٨٢	عطاف بن عطوان ٧٠
علق (= عبدالله بن محمد ابي داود) ١١١	عظاملك جويني ١٣٠
علقمه بن اوس ٧٧	عطوه بن سليمان ١١٣
علقمه بن حسن بن ادريس ١١٥	عليه بن حسن بن احمد ١١٧
علقمه بن عبده شاعر ٧٣	عليه بن سليمان حسني ١١٣
علقمه بن علائه ٦٧	عليه بن عبدالله بن احمد حسني ١١٧
علوان بن عبيد ٢٤	عليه بن منصور بن جبار ١٨٦
علويان ١٧٥، ١٣١، ١٠٢، ٨	عفراء ٤٥
على = ملك افضل	عقباة بن حسن حسني ١٠٩

- علی عزالدین بن ابومیره ۱۳۲
 علی (از بنی داود بن محمد) ۱۲۴
 علی بن ابراهیم الاعربی ۹۹
 علی بن ابراهیم حروقه ۲۰۱
 علی بن ابراهیم بن علی الصالح ۱۷۳
 علی الجزاز بن ابراهیم بن قاسم ۱۶۳
 علی الایزاری ۸۹
 علی السماع بن ابی البرکات ۱۶۱
 علی بن ابی جعفر بن عدنان ۱۸۰
 علی الشاعر بن ابی داود حسنی ۱۱۱
 علی بن ابی طالب علیه السلام ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۳۹، ۲، ۵۷، ۵۶، ۷۷، ۷۴، ۷۳، ۷۱، ۶۷، ۶۲، ۶۰، ۵۷، ۵۶، ۷۸، ۸۴، ۸۴، ۸۵، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۶۷، ۱۳۳
 علی بن ابی طالب بلخی ۱۸۰
 علی بن ابی العباس احمد ۱۶۴
 علی بن ابی العاص ۸۶
 علی بن ابی عداقه بن هیجا ۱۵۸
 علی بن ابی الهیجا حمدانی ۶۱
 علی کمال الشرف بن احمد ۱۶۱
 علی (المجدور) بن احمد ۱۳۹
 علی بن احمد (ابن البواب) ۱۷۸
 علی بن احمد بن ابی الفاتک ۱۱۳
 علی بن احمد الاکبر ۲۰۵
 علی الاحول بن احمد الاکبر ۱۳۷
 علی بن احمد امیر الحاج ۱۷۸
 علی بن احمد بن اسحاق ۲۰۶
 علی بن احمد بابطای ۱۴۹
 علی الزاهد بن احمد حسنی ۱۳۳
 علی الشرقي بن احمد حسنی ۱۱۶
 علی بن احمد بن حسن حسنی ۱۱۷
 علی بن احمد بن صاحب دارالصفه ۱۶۵
 علی بن احمد الفزیر ۱۶۳، ۱۶۴
 علی بن احمد عقیلی ۹۵، ۹۴
 علی بن احمد بن محمد ۱۴۲
 علی بن احمد المختفی ۱۶۲
 علی بن احمد المنقذی ۱۷۱
 علی بن احمد الناصر ۱۵۵
 علی بن احمد بن هیجا ۱۵۷
 علی بن ادریس الثاني ۱۲۵
 علی بن اسحاق بن ابی الفاتک ۱۱۳
 علی بن اسماعیل بن امام صادق ۱۴۳، ۱۴۶
 علی بن اسماعیل نازوکی ۱۰۶
 علی الاعرج امیر خیبر ۱۰۰
 علی بن الاعرج حسینی ۱۶۷
 علی بن بشر = ابوالحسن اشعری
 علی بن بویه = عمادالدوله
 علی بن جعفر تبنی ۱۹۱
 علی بن جعفر بن حسین تزلج ۱۹۳
 علی بن جعفر الثالث ۱۹۹
 علی العریضی بن امام صادق (ع) ۱۳۴، ۱۴۷
 علی بن جعفر کذاب ۱۳۵
 علی بن جعفر مرجا ۹۸
 علی بن جهم شاعر ۷۸
 علی حرکات ۱۴۶
 علی (ابومزن) بن حسن ۱۳۹
 علی الادیب بن حسن الناصر ۱۶۸
 علی بن حسن (ابن البواب) = بن احمد

- على بن حسن = فخر الدولة
 على بن حسن بن ابراهيم ٢٠٤
 على بن حسن الاصم ١٦٠
 على الخزري بن حسن الافطس ١٨٨
 على بن تاج الدين حسن ١٨٩
 على الدخ بن حسين بن كتيله ١٥٧
 على الدينوري بن حسن ١٩٣، ١٩٢
 على بن حسن الرئيس ١٩٠، ١٨٨
 على بن حسن بن طباطبا ١٠٧
 على بن حسن الصالح ١٦٩
 على بن حسن الواعظ ١٧٩
 على الشاب بن حسن بن ابي الحسين ١٧٥
 على الشديد بن حسن بن زيد ١٠٧، ١٠٢
 على شمس الدين بن حسن بن علي ١٨٠
 على (الفضخم) بن حسن ١٣٩
 على العابد بن حسن مثلث ١٣١
 على بن حسن بن علي الاكبر ٢٠٠
 على المسكري بن حسن بن علي الاصغر ١٦٨، ١٦٧
 على قفح بن حسن ٢٠٧
 على المتترف بن حسن الاصغر ١١٢
 على المخول بن حسن ١٦٧
 على المخول القصير بن حسن ١٩٧
 على بن حسن المكفوف ١٩٣
 على بن حسن بن علي بن ميه ١٢٦
 على نجم الدين نقيب بن حسن ١٨١
 على بن حسن بن محمد المعمر ١٨٢
 على بن الحسين عليه السلام ١٣٣، ١٠٧، ٧٥
 على بن حسين ابو غلاط ١١٦
 على بن حسين الاصغر ١٧٠، ١٦٩
 على الاحول بن حسين ١٥٢
 على الاشط بن حسين ١٥١
 على بن حسين اميركا ١٠٦
 على برطله بن الحسين ١٩١
 على برغوث بن حسين ٢٠٤
 على بن حسين تزلج ١٩٣
 على بن حسين حنى ١٠٣
 على بن حسين ذوالدمه ١٥٢
 على بن حسين بن علي الشاعر ١٥٣
 على العراقي بن الحسين ١٦٣
 على بن حسين بن علي بن المختفى ١٦٢
 على بن حسين غضاره ١٦٢، ١٦٤
 على بن حسين بن حسن قاضي ٢٠٢
 على بن حسين محمد الثائر ١١٩
 على بن حسين بن محمد حنى ١٠٣
 على بن حسين (سيد المرتضى) ١٢٩، ٣٦، ١٥٤، ١٥٤
 ١٩٨، ١٧٤
 على بن حسين بن المطبقي ٩٩
 على بن حسين المدايني ١٩٦
 على بن حمزه بن حسن ٢٠١
 على بن حمزه حنى ١٠٤
 على بن حمزه بن حسين برغوث ٢٠٤
 على نقيب قم بن حمزه بن الدخ ١٥١
 على العالم بن حمزه ١٢٩
 على بن حمزه بن المرعش ١٧٠
 على بن حمزه بن امام كاظم (ع) ١٤١
 على الناصر بن حمود ١٢٥
 على راتقين ١٥٣

- علی بن داود بن ابی الکرام ۹۹
 علی بن داود بن سلیمان حسنی ۱۱۳
 علی بن الدیلمیه ۱۳۸
 علی بن زید (ابن صفیه) ۱۵۶
 علی الازرق بن داود بن المسور ۱۰۲
 علی بن زید بن محمد الاطروش ۱۶۸
 علی الاعرج بن سالم ۱۸۲
 علی بن سلیمان بن جلال الدین ۱۸۳
 علی کرزن سلیمان حسنی ۱۱۱
 علی الشعرانی ۱۰۰
 علی تاج الدین بن طالب ۱۹۵
 علی الحرانی بن طاهر ۱۹۹
 علی بن طاهر عقیلی ۹۶
 علی بن طاهر بن عبدالله طاهر ۱۹۴
 علی الزاهد بن العباس ۱۷۲
 علی بن عباس الخطیب ۲۰۳
 علی بن عبدالرحمن حسنی ۱۰۴
 علی بن عبدالرحمن الشجرى ۱۰۶، ۱۰۵
 علی بن عبدالله الاکبر ۱۲۱
 علی مرغوث بن عبدالله ۲۰۰
 علی الحایری بن عبدالله ۱۳۸
 علی دردار بن عبدالله ۱۵۰
 علی الزینبی = بن عبدالله الجواد
 علی بن عبدالله قاهر قی ۱۲۵
 علی بن عبدالله الجواد ۹۷، ۹۶
 علی بن عبدالله راس المذری ۱۹۸
 علی بن عبدالله الشاعر ۲۰۲
 علی بن عبدالله عباس ۹۰
 علی کیاکی بن عبدالله ۱۷۱
 علی المرعش بن عبدالله ۱۷۰، ۱۶۹
 علی بن عبدالله بن محمد تغلب ۱۲۱
 علی بن عبدالملک = شمس الدین
 علی یاغی بن عبدالوهاب ۱۸۳
 علی بن عبدالله بن الاعرابی ۱۰۱
 علی یاغری بن عبدالله ۱۳۳
 علی الصالح بن عبدالله ۱۷۳، ۱۷۲
 علی الطیب بن عبدالله ۲۰۴
 علی بن عبدالله الثاني ۱۷۳
 علی قتیل اللصوص بن عبدالله الثالث ۱۷۴
 علی بن عبدالله العتیق ۱۷۶
 علی بن عبدالله بن امام کاظم ۱۴۱
 علی بن عبدالله قاضی الحرمین ۲۰۲
 علی فلیته بن عدنان ۱۵۶
 علی بن ابی تغلب علی ۱۶۱، ۱۶۰
 علی بن علی بن البطحانی ۱۰۳
 علی بن الاصفیر بن امام سجاد ۱۸۷، ۱۳۴
 علی بن علی بن حسین المدائنی ۱۹۶
 علی بن علی بن محمد بن احمد ۱۶۶
 علی النقیب بن علی بن محمد ۱۶۳
 علی الوزیر بن شرف الدین علی ۱۹۰
 علی الاصفیر بن عمر الاشرف ۱۶۷
 علی بن عمر بن الافطس ۱۹۰
 علی بن عیسی الاکبر ۱۴۸
 علی بن عیسی امیر المخلاف ۱۱۴
 علی بن عیسی الجراح ۳۹
 علی النقیب بن عیسی بن البطحانی ۲۰۳
 علی بن عیسی بن ذی الدنمه ۱۵۵، ۱۵۴
 علی بن فخر آور ۱۶۷

- على علون بن فضائل ١٨٢
 على غيلان بن فوارس ١٨٢
 على كتيب بن قاسم الحراني ١١٨
 على بن قاسم بن حمزه ٢٠٢
 على ابوتراب بن محمد الاسكندر ١٩٦
 على ابوالقاسم بن محمد ١٦٥
 على الاحول بن محمد ١٥٤
 على الاصغر بن محمد بن الحنفية ٢٠٠
 على الاكبر بن محمد بن الحنفية ٢٠٠، ١٩٨
 على الامير بن محمد ورق الجوع ١٥٣
 على جلال الدين بن محمد ابى الفوارس ١٨٢
 على الجبائي بن محمد الخطيب ١٦٥
 على جوذا بن محمد ١٥٤
 على الخارصى بن محمد المامون ١٤٩
 على رضى الدين بن محمد بن على ١٨٩
 على الزاهدين محمد الاقاسى ١٥٤، ١٥٣
 على الزكى نقيب الرى بن محمد ١٥١
 على الصائم بن محمد ابى منصور ١٧٦
 على الضرير بن محمد الصوفى ٢٠٦
 على طحله بن محمد ١٩٦
 على العالم بن محمد بن يحيى النقيب ١٩٥، ١٩٤
 على المرزى بن محمد ١٤٣
 على (علاء الدين) بن محمد ١٣٨
 على الفقى بن محمد الاصغر ١١١
 على فخر الدين بن شمس الدين محمد ١٦٦
 على الفقيه بن محسن ١٩٠
 على المجلد بن محمد الاصم ١٦٩
 على المختص بن محمد ١٤٨
 على المشطب بن محمد بن عبدالله ٢٠٥
 على مصورج بن محمد بن على قفح ٢٠٧
 على الملاوى بن محمد ١٣٣
 على نظام الدين بن محمد مجد الدين ١٥٨
 على نقيب البطايح بن محمد ٢٠٤
 على نور الدين بن محمد ١٦٣، ١٢٣
 على واوه بن محمد صاحب دار الصخره ١٦٦، ١٦٥
 على بن ابى طالب محمد ١٥٩
 على بن ابى الفضائل محمد ١٦٢
 على بن ابى الفضل محمد ١٦١
 على بن محمد بن الطيب ٢٠٤
 على بن محمد بن ابى الفضل محمد ١٦١
 على بن محمد بن ابى الليل ١١٥
 على بن محمد ابى هاشم ١٢١
 على بن محمد بن احمد ١٦٦، ١٦٥
 على بن محمد بن احمد الشاعر ١٦٢
 على بن محمد بن احمد = ابن الاعرج
 على بن محمد بن احمد الموضح ١٥٣
 على بن محمد بن ظنك ١٥٢
 على بن محمد الاطروش ١٦٦
 على بن محمد الاعلام ١٥٥
 على بن محمد البطحاني ١٠٣
 على بن محمد الثاير ١١٨
 على بن محمد بن جعفر حسنى ١١٧
 على بن محمد الخزرى ١٨٨
 على بن محمد بن داود الامير ١١٦
 على بن محمد بن رمضان ١٣٠
 على بن محمد بن زيد ١٦٢
 على بن محمد الزاهد ١٨١
 على بن محمد العالم ١٠٠
 على بن محمد بن عبدالله حسنى ١٢٢، ١٢٠

- علی بن محمد عقیلی ۹۵
 علی بن محمد بن عبدالله عقیلی ۹۶
 علی بن محمد بن علی بن الشیبه ۱۴۹
 علی بن محمد بن علی بن غضاره ۱۶۴
 علی بن محمد بن علی الفارس ۱۲۸
 علی بن محمد بن علی محمدی ۲۰۰
 علی بن محمد بن علی بن هیفاء ۱۵۵
 علی بن محمد بن عمر الشجری ۱۶۷
 علی بن محمد بن محسن رضوی ۱۳۵
 علی بن محمد بن المستنصر فاطمی ۱۴۵
 علی بن محمد المکفل ۱۶۲
 علی بن محمد ... بن ملقطه = ابو الحسن عمری
 علی بن محمد بن موسی خردل ۱۴۰
 علی بن محمد الهادی علیه السلام ۱۴۷، ۱۳۵، ۱۳۴
 علی بن محمد بن هبة الله ۱۶۴
 علی بن مسعود غزنوی ۱۸، ۱۷
 علی بن مسلم الاحول ۱۷۹
 علی بن معیه حسنی ۱۲۶
 علی بن مفضل بن البین ۱۷۶
 علی بن مهدی عباسی ۹۱
 علی بن منصور فاطمی ۱۴۴
 علی ذویب بن مهنا ۱۸۵
 علی بن موسی الثاني ۱۱۶، ۱۱۵
 علی بن موسی بن الرسی ۱۳۰
 علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۳۵، ۱۳۴، ۹۱، ۱۴۵
 ۱۹۲
 علی بن موسی بن طاووس ۱۳۲، ۱۳۱
 علی الخواری بن موسی اللحق ۱۴۰
 علی بن ناجی حسنی ۱۱۵
 علی بن ناصر عباسی ۹۳
 علی بن ناصر مهدی ۱۶۴
 علی مصقله بن ناصر عزیز ۱۶۳
 علی نوابه ۱۴۸
 علی بن هارون بن البطحانی ۱۰۳
 علی بن هارون رضوی ۱۳۵
 علی (الرضی) بن هبة الله ۱۳۹
 علی بن هبة الله النقی ۱۵۸
 علی بن یحیی بن الرومیه ۱۱۷
 علی السدری بن یحیی ۱۵۷
 علی بن یحیی بن علی بن حرقه ۲۰۱
 علی بن یحیی بن عبدالله ۱۶۱
 علی غراب بن یحیی عنبر ۱۶۶
 علی کتیلہ بن یحیی ۱۵۶
 علی اللغوی بن یحیی ۱۶۳
 علی اللیس بن یحیی ۱۶۶
 علی بن یحیی النسابه ۱۸۲، ۱۸۱
 علی بن یوسف بن غانم ۱۲۱
 علیان بن جماعه ۱۱۹
 عماد الدوله ۳۸
 عماد کاتب ۱۷۳
 عمار بن ابراهیم قاضی حمص ۱۵۳
 عمار بن مسلم الاحول ۱۷۹
 عمار بن مفضل بن البین ۱۷۶
 عمار یاسر ۵۵
 عماره بن حمزه بن وهاس ۱۱۴
 عمالقہ (عمالیق) ۱۰، ۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۵۴
 عمالیق بن الیقار ۲۴

- عمر ابو البركات بن ابراهيم ١٥٢
عمر بن ابي ربيعه = بن عبدالله
عمر بن احمد بن عبدالله ١٨٠
عمر بن ادريس الثاني ١٢٥، ١٢٤
عمر بن الاطنابه شاعر ٤٨
عمر بن حسن الافطس ١٩٠، ١٨٨
عمر بن خطاب ٧٩، ٤٧
عمر بن عبدالعزيز ٨٧
عمر بن عبدالله بن ابي ربيعه ٨٣
عمر بن عبدالله الجواد ٨٢
عمر الاشرف بن امام سجاد ١٣٤، ١٦٧، ١٧١،
١٨٧
عمر الاطرف بن امير المؤمنين ١٠٧، ١٦٧، ٢٠٣
عمر الشجري بن علي الاصغر ١٦٧
عمر بن علي بن عمر بن الافطس ١٩٠
عمر بن الموضح النسابة بن علي ٢٠٨
عمر ابو علي بن محمد ابي البركات ١٦١
عمر بن محمد بن عمر الاطرف ٢٠٤، ٢٠٣
عمر بن محمد بن عبد الشجري ١٦٧
عمر المنجوراني بن محمد بن عبدالله ٢٠٥
عمر نقيب كوفه بن محمد نقيب كوفه ١٧٥
عمر بن مخزوم ٨٣، ٨٢
عمر المختار بن مسلم الاحول ١٧٩، ١٨٠
عمر بن منكدر ٨١
عمر بن هبة الله النقي ١٥٨
عمر بن هبيرة ٦٤
عمر ابو علي بن يحيى ١٥٩
عمر بن يحيى بن ذي الدنمه ١٥٢، ١٥٩
عمران بن حصين ٤٩
عمران بن حطان ٦٢
عمران بن شاهين ٦٥
عمران بن عمرو مزقياه ٤٦
عمرو = ذوالاذعار
عمرو بن ابي المقدام ٥
عمرو بن ام مكتوم ٨٣
عمرو بن امرئ القيس لخمى ٥٤
عمرو بن اميه ٨٧
عمرو بن اميه ضمرى ٧٧
عمرو بن بكر خارجى ٧٩
عمرو بن جبلة ملكه شام ٤٧
عمرو بن جرموز ٧٣
عمرو بن جفنه ٤٦
عمرو بن حريث ٨٣
عمرو بن امام حسن ١٠٢
عمرو بن حلوان = سليح
عمرو بن الحق ٥٠
عمرو بن حنظله بن مالك ٧٣
عمرو بن زرارہ ٦٨
عمرو بن سعيد الاشدق ٨٨
عمرو بن شعيب ٨١
عمرو بن عاص ٣٩، ٧٩، ٨١
عمرو بن عامر ٦٦
عمرو بن عبدالله ابو عزه ٨٠
عمرو بن عبدود ٧٨
عمرو بن عدى لخمى ٥٤
عمرو العلى = هاشم بن عبد مناف
عمرو بن فهم ٤٥
عمرو بن قيس ٧٩

- عمرو بن كلثوم شاعر ۶۱
 عمرو بن لجأ شاعر ۷۱
 عمرو بن لحي ۴۹
 عمرو ليث ۳۷
 عمرو بن مالك = قضاعة
 عمرو بن عقياء ۴۶
 عمرو بن معاوية بن كلاب ۶۷
 عمرو بن معديكرب زبيدي ۵۵
 عمرو المقصور كندی ۵۲
 عمرو بن منذر ماء السماء لخمی ۵۵
 عمرو موبان ۴۳
 عمرو بن هشام ابو جهل ۸۲
 عمشليق = محمد بن جعفر
 عم عمر = زيد بن حسين النسابه
 عمليق (بن لاود) ۲۳
 عميد الدين بن علي ۱۲۱
 عمير بن حباب ۶۵
 عميره بن ابي مسعود ۱۸۶
 عميره بن قاسم بن جمار ۱۸۶
 عمير بن ضبابي برجی ۷۳
 عميش (قبيله) ۷۶
 عميكرب بن سبا ۴۰
 عمينه ۲۴
 عنابس ۸۷
 عنه بن محمد حسني ۱۱۷
 عترة بن شداد ۶۴
 عنس = زيد بن مالك
 عوف بن سعد ۷۸
 عوف بن عامر ۶۹
 عوف بن عباس ۸۹
 عوف بن غطفان ۷۸
 عوف بن ثور ۷۸
 عوف بن مالك ۷۴
 عوف بن محمد بن علي محملي ۲۰۰
 عويص بن اميه ۸۷
 عويمر بن زيد ۴۸
 عياش بن احمد ۱۷۶
 عياش بن قاسم رضوی ۱۳۶
 عيسى ۶۴، ۵۹، ۲۲
 عيسى = ملك معظم
 عيسى بن ادريس الثاني ۱۲۵، ۱۲۴
 عيسى بن جعفر الامير ۱۱۹
 عيسى الخلصي بن جعفر السيد ۱۰۰، ۹۹
 عيسى امير الخلاف بن حمزه ۱۱۴
 عيسى بن داود بن ابي الفاتك ۱۱۴
 عيسى مؤتم الاشبال بن زيد ۱۶۲، ۱۵۲
 عيسى الحرون بن سبحة ۱۸۶
 عيسى بن ظاهر ۱۵۶
 عيسى بن عبدالله راس المذرى ۱۹۹
 عيسى المبارك بن عبدالله بن محمد ۲۰۶، ۲۰۵
 عيسى الارزق العريضي ۱۹۷
 عيسى الاوقص عقيلي ۹۵
 عيسى بن علي حسني ۱۱۳
 عيسى التمار بن علي حسني ۱۱۸
 عيسى الكوفي بن علي ۱۷۰
 عيسى بن علي عباسي ۹۰
 عيسى بن علي بن موسى الثاني ۱۱۶

- عيسى بن فليته قطب الدين ۱۲۰
 امير عيسى بن قاسم ۱۲۰
 عيسى الازرق بن محمد ۱۴۸
 عيسى كوربن محمد ۱۴۸
 عيسى بن محمد البطحاني ۱۰۳
 عيسى بن محمد بن جمفر السيد ۱۰۰
 عيسى بن محمد الرئيس ۹۸
 عيسى بن محمد بن علي ۱۵۵
 عيسى بن يحيى جمفرى ۹۶
 عيسى بن يحيى بن ذى الدمه ۱۵۴، ۱۵۲
 عيص بن اسحاق ۵۸
 عيص بن اميه ۸۷
 عينيه بن حصن ۶۴
 - غ -
 سلطان غازان ايلخان ۱۲۲، ۲۰
 غازان محمود بن ارغون ۱۵، ۱۴
 غازى = ملك شهاب الدين
 غازى = ملك ظاهر
 غالب بن حنظله بن مالك ۷۳
 غالب بن فهر ۷۸
 غانم بن علي بن يوسف ۱۲۱
 غانم بن يحيى بن حمزه ۱۱۴
 غز ۱۸
 غزنويان ۱۷
 غسان ۵۲
 غسانيان ۴۵
 غسيل الملائكه = حنظله بن ابي عامر
 غنم بن دودان ۷۵
 غوث بن طلى ۵۷، ۵۶
 غوريان ۱۸
 غياث الدين غورى ۱۸
 غياث بن قوث ۶۱
 غيلان بن عقبه ۷۰
 - ف -
 فائزين عزيز حسنى ۱۱۶
 فاتكيان ۱۱۳
 فارس الضحيا = عمرو بن عامر
 فاطمه (ع) ۱۰۱، ۹۶، ۸۸، ۸۶
 فاطمه بنت اسد ۹۴، ۸۸
 فاطمه بنت الحسين ۱۰۸، ۸۷
 فاطمه بنت عمرو مخزومي ۸۳
 فاطميان ۱۸۷
 فالق بن غابر ۵۸، ۳۹
 الفتح المسلط بن محمد حسنى ۱۱۵
 فخارين معد الموسوى ۲۰۷
 فخر الدوله ۳۸
 فخر الدين بن زيد ۱۷۵
 فدان اغول بن اوكتاي ۱۵
 فذكي بن ابيد ۷۲
 فراز شك ۲۷
 فراعنه مصر ۹، ۸
 فراهان (پادشاه) ۶
 فراول ۶
 فراول بن سيامك ۲۴
 فرخان بن بهر م = شهر براز

- فرخزاد غزنوی ۱۸
فرزدق = همام بن غالب
فرس ۲۴، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸
فرع نهب حمیری ۴۲
فرعون زمان موسی ۹
فرعون زمان یوسف ۹۸
فرکوزک ۲۷
فرنگک فیش = افراسیاب
فروه بن مسیک ۵۶
فریدون ۲۴، ۲۷، ۲۸
فزاره ۸۷
فضائل بن رافع ۱۳۷
فضائل معد ۱۶۱
فضل برمکی ۳۸
فضل بن حسن بن عبیدالله ۲۰۱
فضل بن الطقی حسنی ۱۱۲
فضل بن عباس ۸۹
فضل بن یحیی بن عبدالله النقیب ۱۵۰
سید فضل الله راوندی ۱۳۲
فضلان بن داعی ۱۶۷
فطرة بن طی ۵۶
الفقیه المامطری = عبدالله شرف الدین
فلشتانیان ۹، ۱۰
فلیپ = فیلقوس
فلینات ۱۳۵
فلیده بن سالم حسنی ۱۱۶
فلیده بن علی رضوی ۱۳۵
فلیده بن قاسم ۱۲۰
- فهرین مالک ۷۸
فناخسرو = عضدالدوله
فواتک ۱۴۰
فوارس بن حسن بن ابی الحسین ۱۷۵
فواطم ۱۶۹
فوط بن حام ۸
فیروز = جشنده
فیروز بن یزدگرد ۳۴
فیروزان اشکانی ۳۲
فیسحان فارس ۵۴
فیشتک بن اینب = افراسیاب
فیلقوس ۲۱
- ق -
- قائم عباسی (عبدالله بن قادر) ۹۲، ۱۲۰، ۱۷۹
قائم فاطمی = محمد بن عبیدالله
قابوس بن منذر لخمی ۵۵
قابیل ۶۵
قاشی بن اوکتای ۱۵
قاضی شرف الدین = محمد بن اسحاق
قادر عباسی (محمد بن اسحاق) ۹۲
قاسم بن ابراهیم الاعرابی ۹۹
قاسم الرسی بن ابراهیم طباطبا ۱۲۷
قاسم بن ابی داود حسنی ۱۱۱
قاسم بن اسحاق بن ابی الفاتک ۱۱۳
قاسم المختار بن احمد الناصر ۱۲۹
قاسم بن اسحاق عریضی ۹۶، ۹۷
قاسم بن ادریس الامیر ۱۱۲
قاسم بن ادریس الثانی ۱۲۴، ۱۲۶
قاسم بن ادریس رضوی ۱۳۵

- قاسم بن جعفر جعفرى ٩٦
قاسم الامير بن جعفر حسنى ١١٢
قاسم بن جعفر الشاعر ١٦٥
قاسم بن جماز بن سبحة ١٨٦
قاسم بن حسن اعور ١٠٨
قاسم بن حسن الرسى ١٢٨
قاسم بن حسن بن زيد ١٠٢
قاسم شرايط بن حسن المكفوف ١٩٣
قاسم البن بن حسين ١٥٢
قاسم بن حسين القاضى الخطيب ١٦٥
قاسم بن حمزه بن امام كاظم ١٤١
قاسم بن حمزه بن حسن ٢٠١
قاسم بن حمزه الثانى ١٤١
قاسم مأمون بن حمود ١٢٥
قاسم ابو فليته بن شكر ١٢٠
قاسم الرسى بن طباطبا ١٢٨
قاسم النسابة بن عبدالله ابى الفاتك ١١٣، ١١٤
قاسم بن عبدالله بن حسن ٢٠٢، ٢٠٣
قاسم بن عبدالله عقيلى ٩٥
قاسم كنون بن عبدالله ١٢٥
قاسم بن عبيدالله راس المذرى ٢٠٠
قاسم بن عبيدالله بن طاهر ١٨٤
قاسم بن عقيل عقيلى ٩٥
قاسم بن على الاصغر ١٦٧
قاسم بن على بن البطحاني ١٠٣
قاسم بن على بن حسن ١٩١
قاسم بن على كتيه ١٥٧
قاسم بن قاسم بن حمزه ٢٠٢
قاسم بن جمال الدين محمد ١٧١
قاسم بن محمد بن ابى بكر ٨١
قاسم بن محمد البطحاني ١٠٤
قاسم الرئيس بن محمد البطحاني ١٠٣
قاسم الحراني بن محمد الثاير ١١٨
قاسم الرئيس بن محمد بن الرسى ١٣٠
قاسم بن محمد بن عبدالله ٢٠٥
قاسم الشيبه بن محمد المامون ١٤٩
قاسم عدل بن محمد بن على الفارس ١٢٨
قاسم بن محمد بن محمد ١٥٦
قاسم بن محمد نقيب الطرم ٩٧
قاسم بن مهنا بن حسين ١٨٦
قاسم بن هارون بن البطحاني ١٠٣
قاسم بن هاشم بن فليته ١٢٠
قاسم بن يحيى بن حسين ذوالدمعه ١٥٢
قاسم بن يحيى بن ذى الدمعه ١٥٢
قاسم بن يحيى بن يحيى ١٥٦
قاهر عباسى (محمد بن معتضد) ٩٢
قاورد سلجوقى ٢٠
قباد بن پرويز = شيرويه
قباد بن فيروز ٣٧٤، ٣٧٥، ٥٢
قبان بن ادريس ٧٠
قبط ٩٨
قبطن مصر ٨
قييصه بن المهلب ٥٠
قتاده = على بن حسين ابن المطبقي
امير قتاده بن ادريس ١٢١، ١٢٢
قتاده بن مسلمه ٦٢
قتادات ١٢٢
قتيبة بن مسلم ٦٣، ٧٤

- قتیل الطواحين = عیدالله
 قثم بن عباس ۹۰، ۸۹
 قحط بن عابر ۳۹
 قحط بن غائر ۲۴
 قحطانیه ۵۱
 قحطبه بن شیب ۵۷
 قداده بن مظعون ۸۰
 قدوز (سیف الدین) ۳۶
 قراختائیان ۲۰
 قرامطه ۱۰۹
 قراهلکوبین مواتوکان ۱۵
 قرن بن ردمان ۵۰
 قره العین رومی ۱۵۴
 قرواش بن مقلد ۶۹
 قریش ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴
 قریش بن سبیع ۱۸۵
 قس بن ساعده ۶۰
 قسطنطین اول ۳۲
 قسی بن منبه ۶۵
 قسی بن کلاب ۸۴، ۴۹
 قضاعه ۵۶، ۴۵
 قطام بنت شجنه ۷۱، ۷۰
 قطام بنت علفه = بنت شجنه
 قطربن عبد عوف ۶۶
 قطری بن فجاءه ۷۲
 قطب الدین ابوذرعه = محمد بن علی
 قطب الدین غوری ۲۰
 قلاوون (سیف الدین) ۳۶
 قلبطره ۲۱
 قلیج ارسلان بن مسعود سلجوقی ۱۹
 قمربه = محمد بن علی عقیلی
 قنطوار بن عابر ۱۲
 قواسم ۱۳۵، ۱۰۰
 قوام الشرف = علی بن ناصر محمدی
 قویلائی ۱۵
 قوط بن حام ۹
 قیدو بن قاشی ۱۵
 قیس ۶۸، ۶۷
 قیس بن حارث کندی ۵۲
 قیس بن حنظلہ بن مالک ۷۳
 قیس بن زهیر ۶۴
 قیس بن صیفی = ذوالقرنین
 قیس بن عدی ۸۰
 قیس بن عاصم ۷۲
 قیس بن مسهر ۷۶
 قیس بن مدیکرب کندی ۵۳
 قیصر ۱۱
 قیصر اول = اغسطس
 قیلوله = مرتضی بن شرف
 قتيله بنت کامل ۴۷
 قینان بن انوش ۶
 - ک -
 کابی آهنگر = کاوه
 کاسب بن دیباج ۱۸۵

کلب بن ویره ۴۵	ملک کامل ایومی ۳۵
کلثمیان ۱۴۳	کاوه آهنگر ۲۷
کلفه بن حنظل بن مالک ۷۳	کبش الکبیبه = طلحه بن ابی طلحه
کلیکرب حمیری ۴۲	کبش بن منصور بن جماز ۱۸۶
کلب بن ربیعہ ۶۲، ۶۱	کبش بن منصور بن جماز ۱۸۶
کمال الشرف = محمد	کتیم بن مالک حسنی ۱۱۲
کمله = ربیع بن زیاد و برادرانش	کثیر بن سلیمان حسنی ۱۱۱
کمیت بن زید ۷۶	کثیر بن عباس ۸۹
کمیل بن زیاد ۵۶	کثیر بن عبدالرحمن ۵۰
کنانه بن بشر ۵۲	کثیر بن کثیر ۸۱
کنانه بن خزیمه ۷۷	کرامیان ۱۱۲
کنده ۵۳، ۵۲	کرب بن صفوان ۷۳
کنعان پدر نمرود ۹	کرد ۳۵
کنعان بن حام ۱۰	کرد بن مرد بن یافت ۳۴
کنعان بن نوح ۷	کسری ۱۱
کنعانیان ۱۰، ۸	کسری بن قباد ساسانی ۳۴
کهلان بن سبا ۵۲، ۵۱، ۴۶، ۳۹	کسری بن مهر جشنس ۳۴
کوبرک خان بن اوکئی ۱۵	کسلوحیم ۹
کوزک دختر فریدون ۲۷	کعب الاحبار ۴۴
کوش بن حام ۹، ۸	کعب بن ربیعہ ۶۸
کومجک بن داربو ۱۶	کعب بن زهیر ۷۱
کی = فریدون	کعب بن عمرو بن عله ۵۶
کیانیه ۲۹	کعب بن لوی ۷۹
کیخسرو ۲۹	کعب بن ماتع = کعب الاحبار
کیسانیه ۲۰۰، ۱۹۸	کعب بن مالک شاعر ۴۹
کیقباد ۲۹	کلثوم اثر = قلیطره
کیکاوس ۴۲، ۲۹	کلاب بن طلحه بن ابی طلحه ۸۵
کیو، رث ۲۵، ۲۴، ۶	کلکوب ۱۳

کیومرث بن امیم = کیومرث

کومرین یافت = کیومرث

- س -

گرشاسف ۳۱،۳۰

گلستانه = شرفشاه حسنی

گلشاه = کیومرث

گودرز اشکانی ۳۳،۳۲

گور سرخیان ۱۴۹

گیخاتوبین آباخان ۱۵،۱۴

گیلوت = جالوت

- ل -

لات ۴۹

لاقعی بن باتو ۱۵

لاودبن سام ۲۳

لاوی بن یعقوب ۵۹

لبابه زوجه عباس ۶۶

لبابه الصغری بنت حارث ۸۹

لبابه الکبری مادر خالد بن الولید ۶۶

لعی = ربیعه بن حارث

لخم = مالک بن عدی

لخیمه = ذوشناتر

لطیف بن محمد رکن الدین ۱۳۲

لطم = اسماعیل بن محمد بن الصوری

لقمان بن عاد ۴۱

لقیط بن زرارہ ۷۴

لمک بن متوشلخ ۶

لؤی بن غالب ۷۸

لیلی اخیلیه ۶۹

لیلی بنت حلوان ۷۰

اللیول ۱۱۲

- م -

ماجد بن عبدالرحمن رضوی ۱۳۵

ماجوج ۱۲

ماجوج بن ابراهیم ۱۷۵

ماریه ذات القرطین ۴۶

ماریه قبطیه ۹

ماش بن ارم ۲۴

مالک بن ادد ۵۵،۵۲

مالک اشتر ۸۲،۵۶

مالک بن انس ۴۴

مالک بن التیهان ۴۷

مالک بن حسین بن مهنا ۱۸۶،۱۸۵

مالک بن ذعر ۵۳

مالک بن ریب شاعر ۷۲

مالک بن زهیر ۵۴

مالک بن زید ۵۱

مالک بن عدی ۵۳

مالک بن عوف ۶۵

مالک بن فهم ۴۵

مالک بن فهم ازدی ۵۴

مالک بن فهم قضاعی ۵۴

مالک بن مسمع ۶۲

مالک بن نویره ۷۴

- مامون بن حسين = مسلم ابوالبركات
 مامون عباسي ٢٠٦، ٢٠١، ٢٠٩١
 مانكديم بن حسن ١٨٨
 مانكديم بن محمد ١٦٨
 مؤتم الاشبال = عيسى بن زيد شهيد
 مؤيد الدولة ٣٨
 مبارك بن رميش ١٢٣
 مبارك بن ضحاك ٨٥
 مبارك بن علي بن مالك ١٢١
 مبارك شاه بن قراهلانكو ١٥
 مبرد نحوى = محمد بن يزيد
 متارفة ١١٢
 متجردة ٦٨
 متلمس شاعر = جرير بن عبدالعزيز
 متمم بن نويرة ٧٤
 متنبى ١٨٤
 متوشلخ بن اخنوخ ٦
 متوكل عباسي (جعفر بن معتصم) ١١٠، ٩٢، ٩١
 مجاشع بن مسعود ٦٤
 مجتبى بن ابي المفاخر حسنى ١٠٥
 مجتبى بن حمزة بن زيد ١٩٢
 مجزاة بن ثور ٦٢
 مجمع = قصي بن كلاب
 مجوس ٣٠٠، ٧٦، ٦٥
 محاسن بن احمد ابي الموهوب ١٦٤
 محرز مدلجى ٧٧
 مخرمه بن نوفل ٨٤
 محسن بن ابراهيم عسكرى ١٣٧
 محسن بن احمد بن حسن ١٦٧
 محسن بن حسن الاعرج ١٩١
 محسن بن حسين ٢٠٢
 محسن بن حسين الحراني ٢٠٤
 محسن بن علي بن محمد ١٤٧
 محسن بن محمد بن ابراهيم ١٩٩
 محقق حلى = جعفر (نجم الدين)
 مخلق بن حاتم ٦٧
 محمد (رسول الله - رسول اكرم - پيغمبر اكرم...) ١
 ٥٥٥، ٥٣٦، ٥٠٠، ٤٩٦، ٤٨٤، ٤٤٢، ٢٠١، ١٦٦، ١٠
 ٧٢، ٧١، ٦٨، ٦٧، ٦٦، ٦٤، ٥٩، ٥٧، ٥٦
 ٩٦، ٨٨، ٨٧، ٨٤، ٨١، ٨٠، ٧٩، ٧٨
 ١٩٨، ١٦٥، ١٣٣، ١٠٨، ١٠١
 محمد = ملك كامل
 محمد ابوالحارث واسطى نسابه ١٣٧، ١٣٠
 محمد الاعرابى حسنى ١٠٥
 محمد امير السرين ١٢٠
 محمد ايلخان ١٧
 محمد جلال الدين ابزاری ٨٩
 محمد شمس الدين ابزاری قاضى ٨٩
 محمد (الحايرى) بن ابراهيم المجاب ١٣٨
 محمد نسابه بن ابراهيم بن حسن ١٢٨
 محمد النسابه بن ابراهيم بن راس المذرى ١٩٩
 محمد بن ابراهيم بن احمد الاكبر ١٣٧
 محمد بن ابراهيم حروقه ٢٠١
 محمد بن ابراهيم طباطبا ١٢٧
 محمد بن ابراهيم الاعرابى ٩٩
 محمد بن ابي البشر = سليمان
 محمد بن ابي بكر ٨٢، ٨١

- محمد الفاخرين ابی تراب الحسين ۱۹۶
 محمد بن ابی تغلب علی ۱۶۰
 محمد بن ابی تغلب محمد ۱۳۹
 محمد الاطروش الشاعر بن ابی جعفر ۱۸۰
 محمد بن ابی جعفر محمد = شیخ الشرف
 محمد ابو الفنائم بن ابی الحسن علی ۲۰۶
 محمد المقتول صبراً ابن ابی الحسن ۱۷۲
 محمد بن ابی الحسن علی ۱۶۶
 محمد بن ابی الرقاق ۱۱۵
 محمد الاعرج بن ابی سبحة ۱۳۶
 محمد ابو البركات بن ابی طالب ۱۶۱
 محمد سيدك بن ابی طالب محمد ۱۷۰
 محمد المقرئ ابی العباس احمد ۱۶۳
 محمد ابو الحسن بن ابی علی عمر ۱۵۹
 محمد ابو طالب بن ابی علی عمر ۱۵۹
 محمد ابو طریف بن ابی علی عمر ۱۵۹
 محمد ابو الفنائم بن ابی علی عمر ۱۵۹
 محمد بن ابی الفتوح محمد ۱۶۰
 محمد بن ابی القاسم بن طاهر ۱۹۱
 محمد بن ابی القاسم علی ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۱
 محمد ركن الدين بن ابو هيره ۱۳۲
 محمد الامير ابو هاشم بن حسين ۱۱۹
 محمد ابو الحسين بن احمد الحرثی ۱۶۴
 محمد ابو طالب بن احمد الاکبر ۲۰۵
 محمد ابو الطیب بن احمد الاکبر ۲۰۵
 محمد ابو الفتوح بن احمد ۱۵۸
 محمد الاصغر بن احمد المسور ۱۱۱
 محمد الاکبر بن احمد سکرین ۱۶۵
 محمد الحرثی بن احمد الحجازی ۱۵۰
 محمد الزاهد بن احمد زیاره ۱۹۴
 محمد صاحب قلنسوه بن احمد ۱۶۹
 محمد عزام بن احمد ۱۷۶
 محمد غشم بن احمد ۱۷۶
 محمد الفلق بن احمد ۱۵۴
 محمد القزوينی بن احمد سکرین ۱۶۵
 محمد مجد الشرف بن احمد ۱۶۱
 محمد مجد ورین احمد بن محمد ۱۴۲
 محمد الموجج بن احمد حسنی ۱۱۱
 محمد المعمر بن احمد الحرثی ۱۶۴
 محمد ملقطه بن احمد الکوفی ۲۰۶
 محمد الموسوس بن احمد الصوفی ۱۶۹
 محمد الوارد الی حلب بن احمد ۱۲۹
 محمد بن احمد ابزاری واعظ ۸۹
 محمد بن احمد بن ابی طاهر ۱۸۸
 محمد بن احمد بن ابی الفتوح ۱۵۸
 محمد بن احمد بن الاخرس ۱۳۹
 محمد بن احمد بن حروقه ۲۰۱
 محمد بن احمد بن حسین ۲۰۶
 محمد بن احمد الدخ ۱۵۱
 محمد بن احمد الرئيس ۱۲۸
 محمد بن احمد الشاعر الاصفهانی ۱۲۸
 محمد بن احمد الشعرانی ۱۴۷
 محمد بن احمد بن صاحب دار الصخره ۱۶۵
 محمد بن احمد بن علی الطیب ۲۰۴
 محمد بن احمد النقیب ۱۷۰
 محمد بن احمد بن هارون ۱۸۲
 محمد بن احمد بن هيجا ۱۵۷
 محمد بن ادريس الثاني ۱۲۵

- محمد بن ادریس شافعی ٨٦
 محمد بن اسحاق بن ابی الفاتک ١١٣
 محمد بن اسحاق حسنی ١٣١
 محمد بن اسحاق العریضی ٩٦
 محمد بن اسحاق قضی ١٣٠
 محمد بن اسحاق مؤتمن ١٤٩
 محمد النقیب القاضی بن اسد ١٧٣، ١٧٢
 محمد سطلین بن اسماعیل ٢٠٣
 محمد الشعرانی بن اسماعیل بن حسن ١٢٨
 محمد العالم بن اسماعیل ١٠٠
 محمد بن اسماعیل الثاني ١٤٦
 محمد بن اسماعیل بن امام صادق ١٤٣
 محمد بن اسماعیل حسنی ١٠٧، ١٠٦
 محمد بن اسماعیل بن محمد الارقط ١٥٠
 محمد بن اسماعیل مغزومی ٨٣
 محمد الشاعر النسابة بن الاشرف ١٩٧
 محمد بن الاشرف الافطسی ١٨٩
 محمد الاثر بن الاكمل ١٩٦
 محمد بن الیاس صفدی = ابو علی محتاج
 محمد بن امیر المؤمنین = بن الحنفیه
 محمد بن جبر ٨٦
 محمد بن بسم بن محیا ١٨٣
 محمد بن بیدرس = ملک سعید
 محمد بن شبانه بن تمام ١٨٠
 محمد الامیر بن جعفر الامیر ١٢٠
 محمد الخطیب بن جعفر الشاعر ١٦٥
 محمد العالم بن جعفر السید ٩٩
 محمد العقیقی بن جعفر صحیح ١٧١
 محمد الفافان جعفر ناصرك ١٦٨
 محمد الفیل بن جعفر ١٧٠
 محمد الکرش بن جعفر ١٧٠
 محمد المأمون بن امام جعفر صادق ١٣٤، ١٤٨
 ١٩٢
 محمد مضیره بن جعفر ١٧١، ١٧٠
 محمد بن جعفر بن احمد حسنی ١١٧
 محمد بن جعفر بن اسحاق الاشرف ٩٨
 محمد بن جعفر تبنی ١٩١
 محمد بن جعفر جعفری ١٩٦
 محمد بن جعفر صاحب خیبر ١٠٠
 محمد بن جعفر عمشلق ٩٨
 محمد بن جعفر المحدث ١٣٢
 محمد بن جفریک = الب ارسلان
 محمد بن حاطب ٨٠
 محمد بن حبیب ١٠
 محمد بن الحسن صاحب الامر علیه السلام ١٣٥
 محمد التاج بن حسن الثاني ١٢٦
 محمد بن جلال الدین حسن ١٤٥
 محمد السابی بن حسن الفارس ١٦٠
 محمد السیاق بن حسن حسنی ١٣٢
 محمد شرف الدین بن حسن ١٩١
 محمد الشعرانی بن حسن ١٦٧
 محمد صفی الدین بن حسن ٢٠٦
 محمد الضریر بن حسن ١٣٩
 محمد العقاب بن حسن ١٧١
 کمال الشرف بن الحسن الادیب ١٥٤
 عبدالمحترق بن الحسن ١٧٣
 عبدالمحدث بن حسن ١٧٢
 محمد نصیبی بن حسن ١٧٣

محمد نقیب بن حسن اعور ۱۰۸
 محمد و جمع العین بن الحسن المفلوج ۱۵۵
 محمد بن حسن بن ابی الحسین ۱۷۵
 محمد بن حسن ابونمی ۱۲۲
 محمد بن حسن بن حنین بن الافطس ۱۹۳
 محمد بن حسن داعی ۱۰۴
 محمد بن حسن الرئیس ۱۸۸
 محمد بن حسن بن رجب ۱۷۷
 محمد بن حسن بن الرسی ۱۲۸
 محمد بن زین الدین حسن بن حید ۷۶
 محمد بن حسن شیتی ۱۳۸
 محمد بن حسن بن الصلیصل ۱۱۶
 محمد بن حسن بن علی الاصغر ۱۶۷
 محمد بن حسن بن موسی الثاني ۱۱۵
 محمد بن حسن الناصر ۱۶۸
 محمد ابو تغلب بن الحسین ۱۵۵
 محمد ابو هاشم بن حسین الامیر ۱۲۰
 محمد الامیر ابو جعفر بن حسین ۱۱۹
 محمد الجور بن حسین ۱۴۹
 محمد شادیون بن حسین حسنی ۲۰۳
 محمد الناصر بن حسین ۱۶۸
 محمد النقیب بن حسین بن کتیه ۱۵۷
 محمد بن هدهد الوارد بفسان بن الحسین ۲۰۲
 محمد بن حسین الاشرف ۹۸
 محمد بن حسین بن الافطس ۱۹۲
 محمد بن حسین بن جعفر حسنی ۱۲۷
 محمد بن حسین الرضی ۱۳۶
 محمد بن حسین فضاہ ۱۶۳
 محمد بن حسین بن کمال الدین حسن ۱۸۸
 محمد خدا بنده ۱۵۰۱۴۲۰۰۱۵۰۱۴
 محمد دب المطبخ بن حمزه ۱۶۳
 محمد الصدوری بن حمزه ۹۸
 محمد النقیب الطبری بن حمزه ۱۶۸
 محمد بن حمزه بن احمد الدخ ۱۵۱
 محمد بن حمزه حسنی ۱۰۶
 محمد بن حمزه بن عبد الله ۲۰۲
 محمد بن حمزه بن علی ۱۴۱
 محمد بن حمزه بن وهاس ۱۱۴
 محمد بن حمید بن قطبہ ۵۷
 محمد بن حمیدان حسنی ۱۱۰
 محمد بن حنفیہ ۱۰۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۹۸
 محمد بن داود = ابن الجراح
 محمد بن داود بن ابی الکرام ۹۹
 محمد بن داود الامیر ۱۱۶
 محمد المصفح بن داود حسنی ۱۱۳
 محمد بن داود بن ابی الفاتک ۱۱۴
 محمد بن داود اصمئون ۹۹
 محمد بن داود حسنی ۱۰۳
 محمد بن دبیس حسنی ۱۱۷
 محمد دراز گیسو حسنی ۱۰۴
 محمد الديباج = محمد المأمون
 محمد وازی حسنی = بن حمزه
 محمد بن رکن الدین محمد = شمس الدین
 محمد صاحب دار الصغره بن زید ۱۶۵
 محمد بن زید الاسود ۱۵۷
 محمد بن زید حسنی ۱۱۶
 محمد بن زید داعی کبیر ۱۰۷
 محمد الشیبه بن زید الشیبه ۱۵۲

- محمد بن زيد شهيد ١٦٥، ١٥٢
 محمد بن زيد النقيب ١٥٨
 محمد بن سام غوري = غياث الدين
 محمد بن سبعة ١٨٦
 محمد بن سخطه ١٥٦
 محمد شرف الدين بن السدي ١٥٨
 محمد بن سليمان حسني ١٣١
 محمد بن سليمان بن عبدالله محض ١٢٤
 محمد الشهيد بن صالح حسني ١١٠
 محمد بن صالح الامير ١١٥
 محمد بن صالح بن موسى ابي الليل ١١٥
 محمد الحملات بن الصدري ٩٨
 محمد بن صفوان قاضي ٨٠
 محمد بن طاهر عقيلي ٩٦
 محمد بن طاهر بن يحيى ١٨٣
 محمد بن طباطبا ١٩٢
 محمد بن رماح بن طريس طالب ١٧٧
 محمد بن طلحه زاهد ٨٢
 محمد پلاس پوش بن طفر ١٩٤
 محمد سياه ريش بن عباس ١٧٢
 محمد بن عباس المطبقي ٩٩
 محمد الشريف بن عبد الرحمن الشجري ١٠٥
 محمد مجد الدين بن عبد الرحمن ١٨٣
 محمد المرقوع بن عبد الرحمن عقيلي ٩٥
 محمد بن عبد الرحمن بن ابي ذئب ٧٨
 محمد بن عبد العظيم حسني ١٠٧
 محمد بن عبد الكريم غياث الدين ١٨٣
 محمد ابو الحمراء بن علي ١٣٩
 محمد ابو الفضل بن عبدالله حسني ١٢٣
 محمد الارقط بن عبدالله باهر ١٥٠
 محمد تغلب بن عبدالله الاكبر ١٢١
 محمد الديباج بن عبدالله ٨٧
 محمد السكران بن عبدالله ١٩٢
 محمد السليق بن عبدالله ١٦٩
 محمد شقايق بن عبدالله ١٨٤
 محمد الصيادين عبدالله ١٩٩
 محمد الضرير بن عبدالله زنفاح ١٤١
 محمد اللحاني بن عبدالله بن حسن ٢٠٣، ٢٠٢
 محمد نقيب كوفه بن عبدالله ١٧٥، ١٧٤
 محمد نقيب واسط بن عبدالله ١٧٤
 محمد بن عبدالله بن ابي سبره ٧٨
 محمد بن عبدالله ابي الفاتك ١١٣
 محمد بن عبدالله بن ابي نعي ١٢٢
 محمد بن عبدالله الاشر ١٠٨
 محمد بن عبدالله الديباج حسني ١١٥
 محمد بن عبدالله الشهيد ١٩٦
 محمد بن عبدالله بن صاحب الديلم ١٢٣
 محمد بن عبدالله بن الصليصل ١١٦
 محمد بن عبدالله محض ١٨٧، ١٠٨، ٩٩
 محمد بن عبدالله بن محمد ابي هاشم ١٢٠
 محمد بن عبدالله بن محمد بن الاطرف ٢٠٥
 محمد بن عبدالله بن محمد بن عقيل ٩٥، ٩٤
 محمد بن عبدالله بن امام كاظم ١٤٠
 محمد بن عبد المطلب عبيد الدين ١٨٢
 محمد ابو سليمان بن عبدالله حسني ١٣٣
 محمد الازرق بن عبيد الله الشيخ ١٣٢
 محمد الاشر بن عبدالله الثالث ١٧٤
 محمد الاورع بن عبدالله ١٣٣

- محمد الجوانی بن عیدالله الاعرج ۱۷۲
 محمد الخطیب بن عیدالله ۱۵۵
 محمد الضبیب بن عیدالله الثالث ۱۷۴، ۱۷۳
 محمد الیامی بن عیدالله ۱۴۱
 محمد بن عیدالله الرابع ۱۷۷
 محمد بن عیدالله بن طاهر = مسلم
 محمد بن عیدالله بن علی الطیب ۲۰۴
 محمد بن عیدالله فاطمی ۱۴۴
 محمد حمزه ۹۹
 محمد بن عجلان ۱۲۳
 محمد بن عقیل ۹۴
 محمد بن عقیل عقیلی ۹۵
 محمد بن علی الباقر علیه السلام ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۵۰
 محمد بن علی الجواد علیه السلام ۱۹۲، ۱۳۴
 محمد ابوالفوارس بن الاعرج النسابة ۱۸۲
 محمد الاطروش بن علی الاریب ۱۶۸
 محمد امیرالدوله بن علی ۱۹۰
 محمد المثنی بن علی بن محمد ۲۰۴
 محمد رئیس بن علی الزینبی ۹۸، ۹۷
 محمد رئیس بن علی بن حسین المدائنی ۱۹۶
 محمد الزاهد الجواد بن علی ۱۴۲
 محمد شمس الدین بن علی نورالدین ۱۲۳
 محمد الصابونی بن علی ۱۵۷
 محمد العوید بن علی ۱۹۸
 محمد قیین بن علی ۱۶۵
 محمد قتاده بن علی ۱۳۹
 محمد کمیب بن علی رضوی ۱۳۶
 محمد مجدالدین بن علم الدین علی ۱۵۸
 محمد المشلل بن علی المشطب ۲۰۵
 محمد بن علی بن ابراهیم ۲۰۳
 محمد بن فقرالدین علی
 محمد بن علی بن الحاتم ۴۸
 محمد بن علی ابوذرعه ۱۳۰
 محمد بن علی بن ابی المالی ۱۹۱
 محمد بن علی بن اسحاق بن راس المذری ۲۰۰
 محمد بن علی بن اسماعیل المنقذی ۱۷۱
 محمد بن علی بن البطحانی ۱۰۳
 محمد بن علی بن حسن رئیس ۱۹۰
 محمد بن علی بن حمزه ۲۰۱
 محمد بن علی بن الخزری ۱۸۸
 محمد بن علی بن الدیلمه ۱۳۸
 محمد بن علی الزاهد ۱۵۴
 محمد بن علی الشاعر حسنی ۱۱۱
 محمد بن علی بن عبدالله ۹۰
 محمد بن علی بن عبدالله راس المذری ۲۰۰، ۱۹۹
 محمد بن علی بن عبدالله الثاني ۱۷۳
 محمد بن علی العریضی ۱۴۸، ۱۴۷
 محمد بن علی عقیلی ۹۵
 محمد بن علی بن عمر بن الافطس ۱۹۰
 محمد بن علی الغمقی ۱۱۲، ۱۱۱
 محمد بن علی المجدور ۱۳۹
 محمد بن علی بن محمد الثایر ۱۱۸
 محمد بن علی بن معیه ۱۲۶
 محمد بن علی نازوکی ۱۰۶
 محمد بن علی بن هیفا ۱۵۵

- محمد بن علي بن وفا ١١٦
 محمد بن علي بن يوسف حسني ١٢١
 محمد بن عمر = هبة الله
 محمد بن عمر الاطرف ٢٠٣
 محمد بن عمر الشجري ١٦٧
 محمد بن عمر بن شكر ١٦٣
 محمد الاصغر بن عمر المنجوراني ٢٠٥
 محمد بن عمر بن يحيى ١٥٩
 محمد العنطواني ٩٨، ٩٧
 محمد الاعلم بن عيسى ذي الدمه ١٥٥، ١٥٤
 محمد الفرعل بن عيسى ١٥٢
 محمد بن عيسى بن الرئيس ٩٨
 محمد بن عيسى بن زيد ١٦٣، ١٦٢
 محمد فضل = بن صالح حسني
 محمد بن فضل بن حسن ٢٠١
 محمد بن قائم عباسي ٩٢
 محمد البطحاني بن قاسم حسني ١٠٢
 محمد المنتصر بن قاسم المختار ١٢٩
 محمد بن قاسم الحراني ١١٨
 محمد بن قاسم حسني ١١١
 محمد بن قاسم النسابة حسني ١٢٤
 محمد بن قاسم بن حمزه ٢٠٢
 محمد بن قاسم الرسي ١٢٨
 محمد بن قاسم بن حمزه بن امام كاظم ١٤٢
 محمد بن قاسم عريضي ٩٧
 محمد بن قاسم عقيلي ٩٥
 محمد بن قاسم بن محمد ١٧٧
 محمد بن قلاون = ملك ناصر
 محمد ابو الكاثير بن محسن ٢٠٥
 محمد بن محسن دينوري = ابو حرب
 محمد بن محسن بن محمد ١٤٨
 محمد ابو الحارث بن محمد ١٧١
 محمد ابو الحسين بن محمد نقيب كوفه ١٧٥
 محمد ابو السعادات بن محمد ابي الفضل ١٧٥
 محمد ابو العلا بن محمد السابسي ١٦٠
 محمد ابو الفنائم بن محمد ابي البركات ١٧٥
 محمد ابو الفائز بن محمد ١٣٩
 محمد ابو الفتح بن محمد الاشر ١٧٤
 محمد ابو الفرج بن محمد الاشر ١٧٧، ١٧٤
 محمد ابو المرجان بن محمد الاشر ١٧٤
 محمد ابو المعالي بن محمد نقيب واسط ١٧٤
 محمد ابو المكارم بن محمد ١٥٣
 محمد ابو يملى بن محمد نقيب واسط ١٧٥، ١٧٤
 محمد الاسكندر بن محمد النقيب ١٩٦
 محمد الاطروش بن محمد ١٦٦
 محمد امير الحاج بن محمد الاشر ١٧٨، ١٧٤
 محمد رضي الدين بن محمد فخر الدين ١٨٨
 محمد سعيد الدين بن محمد ١٨٢
 محمد الشاعر بن موسى بن الرسي ١٣٠
 محمد شمس الدين بن محمد الاطروش ١٦٦
 محمد شمير بن محمد ابي الفنائم ١٦٠
 محمد صعب بن محمد ١٤٠
 محمد طويل الباع بن محمد ١٣٨
 محمد عباد الدين بن محمد حسني ١٢٧
 سلطان محمد غزنوي ١٨٠، ١٧
 محمد فخر الدين بن محمد الاغر ١٥٦

- محمد بن ملكشاه سلجوقى ۱۹
 محمد بن منكدر ۸۱
 محمد النائر بن موسى الثانى ۱۱۵
 محمد العابد بن موسى الكاظم ۱۳۸، ۱۳۴
 محمد نقيب طوس بن موسى ۱۴۲
 محمد بن موسى المبرقع ۱۳۶
 محمد بن موسى بن محمد ۱۴۱
 محمد بن ميكائيل = طفرل بك
 محمد نازوك رضوى ۱۳۵
 محمد بن ناجى حسنى ۱۱۵
 محمد بن هارون البطحاني ۱۰۳
 محمد بن هارون سرخسى ۱۰۷
 محمد بن هبة الله بن محمد ۱۳۹
 محمد بن هبة الله المطروف ۱۵۸
 محمد بن هلال بن غياث ۱۸۲
 محمد الوارد من الحجاز ۱۱۷
 محمد بن وهاس حسنى ۱۱۴
 محمد بن احمد بن بن يحيى ۱۵۶
 محمد الاقساسى بن يحيى ۱۵۴، ۱۵۳
 محمد الاكبر بن يحيى النسابه ۱۸۱
 محمد الامير بن يوسف حسنى ۱۰۹
 محمد تاج الدين بن يحيى ۱۶۱
 محمد شالوس بن يحيى ۱۷۲
 محمد الصوفى بن يحيى الصالح ۲۰۶
 محمد المرتضى بن يحيى الهادى ۱۲۹
 محمد المقرئ بن يحيى ۱۶۳
 محمد بن يحيى ابو الفيث حسنى ۱۰۶
 محمد بن الروميه ۱۰۷
 محمد بن يحيى بن زيد ۲۰۸
 محمد قوام الشرف بن محمد ابى الفتح ۱۷۵
 محمد بن مجد الدين حسين ۱۸۸
 محمد المطبقى = محمد بن عيسى بن الرئيس
 شاه محمد مظفرى ۲۰
 محمد المكفل بن احمد المختفى ۱۶۲
 محمد النفيس بن محمد نقيب كوفه ۱۷۵
 محمد النقيب بن محمد الاغر ۱۵۶
 محمد بن محمد ابى طاهر ۱۶۰
 محمد بن محمد بن صاحب دار الصخره ۱۶۵
 محمد بن محمد الحرائى ۱۵۰
 محمد بن محمد الاقساسى ۱۵۴، ۱۵۳
 محمد بن محمد حسنى ۱۰۵
 محمد بن محمد = شمس الدين
 محمد بن محمد صاحب المروه ۱۰۰
 محمد بن محمد بن على الصائم ۱۷۶
 محمد بن محمد بن على الفارس ۱۲۸
 محمد بن محمود سلجوقى ۱۹
 محمد (مليط) بن مسلم ۱۴۰
 محمد بن مسلم الاحول ۱۷۹
 محمد بن مسلم بن عقيل ۹۵، ۹۴
 محمد بن معالى بن مسلم ۱۶۱
 محمد بن معيه الحسين ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۷
 ۱۳۱
 ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۵
 ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۷
 محمد بن مفضل بن ۱۷۶
 محمد بن مفضل بن محمد وجع العين ۱۵۵
 محمد بن مقل بن جبار ۱۸۶
 محمد ابو الغنائم بن ملقطه نسابه ۲۰۸، ۲۰۷

- محمد بن يحيى السويقي ١١١
 محمد بن يحيى صاحب الديلم ١٢٣
 محمد بن يحيى الفقيه ١١٥
 محمد بن يحيى بن محمد حسنى ١١٥
 محمد بن يحيى بن أمير ناصر ١٩٥
 محمد بن يحيى النقيب ١٩٤
 محمد بن يزيد نحوى ٥١
 محمد بن يوسف بن جعفر الحيد ١٠٠
 محمد بن يوسف بن محمد حسنى ١٠٩
 محمديه ٢٠٠، ١٩٩
 محمود بن احمد شهاب الدين ١٢٣
 محمود بن ديس ١١٧
 سلطان محمود غزنوى ١٢٥، ١٨٠، ١٧
 محمود بن قاسم رضى ١٣٦
 محمود بن محمد سلجوقى ١٩
 شاه محمود مظفرى ٢٠
 محمود بن نصر ٦٧
 مختار بن ابي عبيده ٧٩، ٦٥
 مختار بن وهاس حسنى ١١٤
 مخزوم بن يقظه ٨٢
 مدرك بن المهلب ٥٠
 مدركه بن الياس ٧٥
 مدین بن ابراهيم ٥٨
 مذجج ٤٦
 مراد = يحاير بن مالك
 مراد (طايفه) ٦٠، ٥٠
 مراد بن صعب ٥٦
 سيد مرتضى = على بن حسين
 مرة بن ادد ٥٢
 مرتضى بن شرف بن پادشاه ٩٧
 مرتضى على بن عبد الحميد موسى ٢٠٧
 مرتضى بن محمد ركن الدين ١٣٢
 مرثد بن ابي مرثد ٦٣
 مرثد بن حميرى ٤٢
 مرثد بن عبد كلال حميرى ٤٣
 مرجا = على بن جعفر
 مرجان احمد حسنى ١٠٤
 مرزبان فارسى ٤٤
 مرش اصغر ٦٠
 مرش اكبر ٦٠
 مروان بن حكم ٨٧، ٧٨، ٦٧
 مروان الحمار = بن محمد
 مريضه = محمد بن عمر بن شكر
 مريم بنت عمران ٥٩
 مزرد ٦٤
 مزركان (قبيله) ٣٧
 مزينه بنت كلب بن وبرة ٧١
 مسافرن بن عمرو ٨٨
 مسترشد عباسى (فضل بن مقتدى) ٩٣
 مستظهر عباسى (احمد بن مقتدى) ٩٣
 مستصم عباسى (عبد الله بن مستنصر) ٩٣، ١٤
 مستعلى فاطمى = اسماعيل بن معد ، احمد بن معد
 مستعين عباسى (احمد بن مستصم) ١٥٠، ١٠٩، ٩١
 مستكفى عباسى (عبد الله بن مستفد) ٩٤، ٩٢
 مستنجد عباسى (يوسف بن مقتضى) ١٢٢، ٩٣
 مستنصر عباسى (احمد بن ظاهر) ١٨٠، ٩٣
 مستنصر فاطمى = معد بن على

- مستغنی عباسی (حسن بن مستجد) ۹۲، ۶۰
 مسرف بن عقبه = مسلم
 مسروق بن ابرهه ۴۴، ۱۱
 مسمر بن کدام ۶۶
 مسعود بن ابراهیم غزنوی ۱۸
 سلطان مسعود غزنوی ۱۸، ۱۷
 مسعود بن محمد سلجوقی ۱۹
 مسعود بن معتب ۶۵
 مسعود بن ملک کامل ۱۲۲
 مسعود بن مودود غزنوی ۱۷
 مسمودی ۷۵
 مسلم بن بسام بن محیا ۱۸۳
 مسلم بن حبیب بن مسلم ۱۸۲
 مسلم بن حسن الاکبر حسنی ۱۱۳
 مسلم ابوالبرکات بن حسین ۲۰۷
 مسلم بن عبدالله زهری ۸۴
 مسلم بن عبدالله بن محمد بن عقیل ۹۴
 مسلم بن عقبه ۶۴، ۵۲
 مسلم بن عقیل بن محمد عقیلی ۹۵
 مسلم الاحول بن محمد امیر الحاج ۱۷۹، ۱۷۸
 مسلم بن محمد شبانه ۱۸۰
 مسلم بن مفضل بن معمر ۱۶۵
 مسلم بن موسی بن عبدالله ۱۸۱
 مسهر بن عباس ۸۹
 مسور بن مخزومه ۸۴
 مسیب بن شریک فقیه ۷۱
 مسیب بن علس = زهیر
 مسیحیان (قرسیان) ۱۰۰
 مسلیه کذاب ۷۴، ۶۲
 مشانه ۶
 مشی ۲۴، ۶
 مصرایم بن حام ۹۸
 مصر بن بیصر ۸
 مصر بن لوط ۸
 مصریان ۸
 مصعب بن زبیر ۸۵، ۷۹
 مصعب بن عمیر ۸۴
 مصفحیان ۱۱۳
 مضرا الحمراء ۵۹
 مضربن مله ۱۷۵
 مطاع بن محمد بن ابی الفاتک ۱۱۳
 مطاع بن یحیی بن حمزه ۱۱۴
 مطرف بن شخیر ۶۸
 مطیع بن اسود ۷۹
 مطیع عباسی (فضل بن مقتدر) ۹۲
 مطیع بن فضله = بن الاسود
 مظفر بن عمر بن ابی الفتح ۱۷۵
 مظفر بن مله ۱۷۵
 مظفریان ۲۱
 معاویه بن ابی سفیان ۸۱، ۷۹، ۶۶، ۶۵، ۵۲، ۵۱، ۴۴، ۴۳
 ۸۹، ۸۷، ۸۶
 معاویه بن خفاجه ۶۸
 معاویه بن عامله ۵۵
 معاویه بن عبدالله الجواد ۹۶
 معاویه بن عمرو ۶۴
 معاویه بن کلاب ۶۷

معاویة بن یزید ٨٧	معمربن عمر بن علی ١٧٢
معبدين حسن حسنى ١١٠	معمربن محمد بن معمر ١٦٥
معبدين زرارہ ٧٤	معین زائده ٦٣
معبدين عباس ٩٠، ٨٩	مغاس بن رمیثہ ١٢٣
معبدين فلیتہ ٥٨	مغول ١٢
معتز عباسی (محمد بن متوکل) ١١٤، ٩٢	مغولان ١٤٥
معتصم عباسی (محمد بن ہارون) ١٩٦، ٩١	مغیرہ بن شبہ ٦٥
معتضد عباسی (احمد بن موفق) ١٢٨، ٩٢	مغیرہ بن عبد اللہ مغزومی ٨٣، ٨٢
معتضد عباسی (احمد بن متوکل) ٩٢	مغیرہ بن نوفل ٨٩
معدبن ابراہیم قاضی حصص ١٥٣	مفاضلہ ١١٢
معدبن اسماعیل فاطمی ١٤٤	مفتقر عباسی (ابراہیم بن مقتدر) ٩٢
معدبن حسین بن ناصر ١٥٦	مفرج بن اسحاق ١٠٠
معدبن زید ١٧٥	مفرج بن دغفل ٥٨
معدبن عدنان ٤٥	مفضل بن احمد حسنى ١٠٤
معدبن علی فاطمی ١٤٥	مفضل بن احمد المترف حسنى ١١٢
معدبن ملکہ ١٧	مفضل بن ادريس ٧٠
معدبن علی بن معد ١٨٢	مفضل بن حسن محمدی ١٩٩
معدیکرب بن حارث کندی ٥٢	مفضل بن معمر بن حسن ١٦٥
معدیکرب بن سیف ١١	مقاعس بن عمرو ٧٢
ملک ممز = آبیگ	مقبل بن جماز بن سبہ ١٨٦
مزدلولہ (احمد بن بویہ) ١٥١، ١٠٤، ٥٠، ٣٨	مقتدر عباسی (جمفر بن معتضد) ٩٢
معر فاطمی = معدبن اسماعیل	مقتدی عباسی (عبد اللہ بن ذخیرہ) ٩٣
معصوم بن احمد ١٣٩	مکتفی عباسی (محمد بن مسترشد) ٩٣
معضاد بن حسن بن احمد ١١٧	مقداد بن اسود = بن عمرو
مقل بن یسار ٧١	مقداد بن عمرو ٤٥
معمربن ابی مسعود ١٨٦	مقلد بن مسیب ٦٩
معمربن احمد امیر الحاج ١١٥	مقوقس ٩
معمربن اوس ٨٠	مکاثرد ١٢١
معمربن صالح الامیر ١١٥	مکارم بن علی بن حمزہ ١٤٠
معمربن عدنان ١٨٠	مکتفی عباسی (علی بن معتضد) ٩٢

منصور فاطمی = اسماعیل بن محمد

منصور بن محمد بن عبدالله ۱۸۶

شاه منصور مظفری ۲۰

منصور بن نزار فاطمی ۱۴۴

منصور بن نوح سامانی ۳۷

منظور بن زبان ۶۴

منقیدیان ۱۷۱

منکوقا آن ۱۵۰۱۴

منوچهر ۲۹، ۲۸، ۲۵

منوچهر بن ایرج = منوچهر

منوچهر بن بهودا = منوچهر

منیف بن سبحه ۱۸۶

ملاحده ۱۸

ملاعب الاسنه = عامر بن مالک

ملاعب بن عبدالله بن مهنا ۱۸۷

ملاعبه ۱۸۷

ملد بن محمد حسنی ۱۰۶

الملک اسماعیلی ۱۷۳

ملک جواد ایوبی ۳۵

ملک روم ۴۴

ملکشاه سلجوقی ۱۹

ملک مسعود ایوبی ۳۵

ملک معظم ایوبی ۳۵

ملک منصور ترکمانی ۳۶

ملکیکرب حمیری ۴۲

ملوک اندلس ۴۵

ملوک الجبل (ازاکراد) ۳۷

ملوک حلب ۶۱

ملوک حیره ۵۴، ۵۳

ملوک دیار بکر ۳۷

الامیر مکثر بن عیسی ۱۲۱، ۱۲۰

مکثر بن وهاس حسنی ۱۱۴

ممتع = احمد بن حسین حرقه

مناصر ۱۸۶

مناقب بن احمد ۱۷۱

منبه بن حجاج ۸۰

منتجد = حسن الشاعر

منتصر عباسی (منصور بن طاهر) ۹۳

منجوران ۲۰۵

منذربن امرئ القیس لخمی ۵۴

منذربن جبلة ملک شام ۴۷

منذر بن حارث ملک شام ۴۶

منذر بن زبیر ۸۲

منذر بن ماء السماء لخمی ۵۵، ۵۴، ۵۳

منذربن منذر لخمی ۵۴

منذربن منذر ماء السماء ۵۵

منذربن نعمان لخمی ۵۵

منذر الغرور بن نعمان لخمی ۵۵

منذربن نعمان ملک شام ۴۶

منشخرفاع ۲۸

منشخورک ۲۸

منصور بن احمد فاطمی ۱۴۵

منصور بن احمد بن هیجا ۱۵۸

امیر منصور بن جماز ۱۸۶

منصور دوانیقی ۱۰۲، ۹۹، ۹۶، ۹۳، ۸۰، ۶۷، ۳۵

۱۶۲، ۱۳۱، ۱۰۸

منصور امر بن مهدی عباسی ۹۱

منصور بن عبدالملک سامانی ۳۷

ملوك روم ٢٢٠٢١	موسى يغمبر عليه السلام ٥٩٠٩
ملوك شام ٤٦٠٤٥	موسى ابو سبيح بن ابراهيم ١٣٦
ملوك شيانكاره ٣٧	موسى بن احمد بن محمد ١٤١
ملوك غور = غوريان	موسى بن احمد بن هارون ١٤٢
ملوك فرس ٣٤٠٢٩٠٢٤	موسى الحسينى بن احمد ١٧٠
ملوك كنده ٥٢	موسى بن اسحاق بن ابراهيم ١٣٧
ملوك مقلونيه ٢١	موسى بن اسماعيل بن امام كاظم ١٤٢
ملوك موصل ٦١	موسى الكاظم (ع) ابن امام جعفر الصادق ١٣٤٠٩٧
ملوك يمن ٤٤	١٤٣
مهتدى عباسى (محمد بن واثق) ٩١	موسى بن جعفر الثالث ١٩٩
مهتدى الجوهري بن اسحاق ١٣٧	موسى بن جعفر بن حسين تزلح ١٩٣
مهتدى بن حمزه بن زيد ١٩٢	موسى اللحق بن جعفر الخوارى ١٤٠
مهتدى عباسى (محمد بن منصور) ١٦٢٠٩١	موسى بن جعفر السيد ٩٩
مهتدى فاطمى = عبيد الله بن محمد	موسى الجون ١٠٩٠١٠٨٠٩٧
مهر خزراد = باذان فارسى	موسى حجاج ٩٩
مهر داداول = اشك ششم	موسى بن داود الامير ١١٦
مهلايل بن قينان ٦	موسى الفارس بن داود الامير ١١٦
مهلب بن ابى صفره ٥٠	موسى الاصم بن زيد النار ١٤٠
مهلبى وزير = حسن بن محمد	موسى خردل بن زيد ١٤٠
مهلب بن ربيعه ٦١	موسى بن سليمان بن قاسم الرسى ١٢٨
مهلب بن عيكرب ٤٠	موسى بن صالح بن المسور ١١٢
مهنا ابو عماره بن داود ١٨٥٠١٨٤	موسى الثانى بن عبدالله بن الجون ١١٤
مهنا بن حسين بن مهنا ١٨٥	موسى بن عبدالله بن حسن ٢٠٣:٢٠٢
مهنا بن مسلم الاحول ١٨٩	موسى بن عبدالله بن امام كاظم ١٤١٠١٤٠
مهنا بن مسهر ١٨٦	موسى بن على ابو الليل حسنى ١١٥
مهنايه ١٨٦	موسى حمصه بن على ١٧٠
مواجد ١٣٥	موسى بن على الخوارى ١٤٠
مودوبن مسعود غزنوى ١٨٠١٧	موسى بن عيسى الاكبر ١٤٨

- ن -

- موسی بن قاسم الرسی ۱۲۸
 موسی بن قاسم بن عبیدالله ۱۸۴
 موسی اقلبهایی بن محمد ۱۳۰۴، ۱۷۷
 موسی المکحول بن محمد ۱۴۶
 موسی بن محمد بن احمد ۱۴۲
 موسی بن محمد البطحانی ۱۰۴، ۱۰۳
 موسی بن محمد بن سلیمان ۱۳۱
 موسی المبرقع بن امام جواد ۱۳۶، ۱۳۴
 موسی بن محمد العالم ۱۰۰
 موسی بن محمد عباسی ۹۱
 موسی خان مغول ۱۵، ۱۴
 موسی الثاني بن موسی الجون ۱۱۰
 موسی هزارج ۱۰۰
 موسی بن یحیی الفقیه ۱۱۵
 موسی بن یحیی بن یحیی ۱۵۶
 موسی بن یوسف = ملک اشرف
 موفق عباسی = طلحه بن متوکل
 مونک کاتمور بن توقا ۱۵
 موهوب ترکی بن صالح الامیر ۱۱۵
 میسوکی بن برقان ۱۴
 میمون بن احمد بن میمون ۱۷۱
 میمون الصوفی بن حسن ۱۲۴
 میمون القصیر بن حسن شیتی ۱۳۸
 میمون بن حسن الشاعر حسنی ۱۱۳
 میمون بن قیس ۶۷، ۶۲
 میمون بن موسی حسنی ۱۱۲
 میمون بن یحیی الکحلح حسنی ۱۱۱
 میمونه بنت الحارث ۶۶
 نابغه جمعی = عبدالله بن قیس
 نابغه ذبیانی ۶۴
 ناجی بن فلیته حسنی ۱۱۵
 ناجی بن محمد بن الصلیصل ۱۱۶
 ناشر النعم = یاسر بنعم
 ملک ناصر ایوبی ۳۵
 ناصر بن امام جعفر صادق (ع) ۱۳۴
 ناصر الحق اطروش ۱۰۴
 ناصر دلقندی بن رکن الدین محمد ۱۹۵
 ناصر بن زید الاسود ۱۵۸
 ناصر بن زید النقیب ۱۵۸
 ملک ناصر صالحی ۳۶
 ناصر عباسی ۱۷۹، ۱۰۴، ۹۳
 ناصر عزیز بن ابراهیم ۱۶۳
 ناصر بن علی بن قاسم ۱۷۰
 ناصر بن ابی الفتح محمد ۱۵۵
 ناصر بن مهدی الوزیر ۱۰۴
 ملک ناصر یوسف ۳۶
 ناصر الدوله حمدانی = حسن بن ابی الهیجا
 ناصر الدین بیضاوی ۱۴۵
 ناصر الدین غوری ۲۰
 نافع بن جبیر ۸۶
 نافع بن طلحه بن ابی طاحه ۸۵
 نافع بن موسی حسنی ۱۱۲
 نبث بن عمیق ۲۴
 نبط (نطیان) ۳۳

- نیک ۲۷
نعمان بن ربیع ۴۹
نعمان السائب لخمی ۵۴
نعمان بن عمرو ملک شام ۴۶
نعمان بن قیس = ذی یزن
نعمان بن مقرر ۷۱
نعمان بن منذر ۶۸
نعمان بن منذر لخمی ۵۴
نعمان بن منذر بن منذر ۵۷، ۵۵
نعمه بن عبید الله ۱۸۱
نعمیم النعام ۷۹
نفس زکیه = حمزه بن حسن
نفس زکیه = محمد بن عبدالله محض
نقیسه بنت حسن بن زید ۱۰۲
نقیسه بنت زید بن حسن ۱۰۲
نقیه ری ۱۵۰
نقیب تاج الدین = محمد بن معیه
نمر بن تولب ۷۱
نمرود ۹
نمرود بن سروغ ۱۰
نمرود بن سنجاریب ۱۰
نمرود بن کنعان ۲۵، ۱۰
نمرود بن کوش ۱۰
نمرود بن ماش ۱۰
ننخواسکی ۷
نوح ۱۴۴، ۱۳۷، ۶
نوح بن نصر سامانی ۳۷
نوح بن منصور سامانی ۳۷
- نیشه بن حبیب ۶۴
نیه بن حجاج ۸۰
نجاشی ۱۰
نجاشی شاعر ۵۶
نجاشی ملک حبشه ۴۴
نرسی اشکانی ۳۳
نرسی بن بهرام ساسانی ۳۳
نزار ۴۵
نزار بن مستنصر فاطمی ۱۴۵
نزار بن علی الشرقی ۱۱۶
نزار بن معد فاطمی ۱۴۴، ۱۱۹
نصاری ۲۲
نصر بن ابی بکر بن عبدالقادر ۱۱۷
نصر بن احمد سامانی ۱۹۴، ۳۷
نصر بن سیار ۷۷
نصرانیه ۲۲
نصر الله بن محمد بن معالی ۱۶۱
نصر بن کنافه ۷۷
نظامی گنجوی ۱۸
نماس بن یوناطل ۷
نعمان بن اسود لخمی ۵۴
نعمان الاسفر ملک شام ۴۶
نعمان الاکبر ملک شام ۴۶
نعمان بن ایهم ملک شام ۴۶
نعمان بن بشیر ۴۸
نعمان بن ثابت = ابوحنیفه
نعمان بن حارث ملک شام ۴۶

- نورالدین علی = ملک منصور
 نوشجان بن وهرز ۴۴
 نوشیروان ایلخان ۱۷
 نوفل بن اسد ۸۵
 نوفل بن حارث ۸۹
 نوفل بن عبد مناف ۸۶
 نوفل بن فقمس ۷۵
 نولیوس ۳۱
 نیزوسح ۲۸
 نیکروز غوری = قطب الدین
 نیکودار احمد = احمد بن هلاکو
 - ۵ -
 هاییل ۵
 هاجر ۸
 هادی بن مهدی الجوهری ۱۳۷
 هادی عباسی (محمد بن مهدی) ۹۱
 هارون الاقطع حسنی ۱۰۳
 هارون پیشمبر ۵۹
 هارون بن جعفر السید ۹۹
 هارون بن جعفر کذاب ۱۳۵
 هارون الرشید ۷۴، ۷۵، ۹۰، ۹۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۲، ۱۹۵
 هارون بن محمد البطحانی ۱۰۳
 هارون بن محمد اللحیانی ۲۰۳
 هارون بن امام کاظم ۱۳۴، ۱۴۲
 هاشم بن ابراهیم الاعرابی ۹۹
 هاشم بن ابراهیم قاضی حمص ۱۵۳
 هاشم بن ابی فلیته قاسم ۱۸۶
 هاشم بن حرملة ۶۴
 هاشم بن زید ۱۴۰
 هاشم بن سبحه ۱۸۶
 هاشم بن سلیمان حسنی ۱۱۸
 هاشم بن عبد مناف ۸۸، ۸۶
 هاشم بن عتبہ ۸۴
 هاشم بن فلیته عمدة الدین ۱۲۰
 هاشم المرقال = بن عتبہ
 هاشم بن مهنا بن جماز ۱۸۷
 هاشم نجم بن الحسن ۱۶۶
 هاشم بن یحیی بن زید ۲۰۸
 هاشمیان ۹۰
 هانی بن عروه ۵۶
 هانی بن داود ۱۸۴، ۱۸۵
 هبل ۴۹
 هبة الله = محمد النفیس
 هبة الله بن ابی تغلب علی = محمد ابو طاهر
 هبة الله بن احمد بن عمر ۱۷۵
 هبة الله بن علی المجدور ۱۳۹
 هبة الله النقی بن ناصر ۱۵۸
 هبة الله بن محمد غرام ۱۷۶
 هبة الله زین الدین بن یحیی ۱۶۱
 هیبردین ابی وهب ۸۳
 هدیه بن مفضل بن معمر ۱۶۵
 هدهاد = ذوسرح
 هدهاد حمیری ۴۰
 هذیم بن مسلم حسنی ۱۱۰
 هراذه ۳۰
 هرقل ۲۲

هرمز بن سنان ۶۴	هندی بن مسلم بن محمد ۱۷۹
هرمز بن قطیبه فزاری ۶۷	هواشم ۱۸۶، ۱۲۲، ۱۲۰
هرمز اشکانی ۳۳	هود پیغمبر ۲۳
هرمز بن انوشیروان ۳۴	هوزده بن علی حنفی ۶۲
هرمز بن شاپور ساسانی ۳۳	هوشنگ = اوشهنج
هرمز بن کسری = خسرو فرخزاد	هو عور = هاجر
هرمز بن یزدگرد ۳۴	هون بن خذیمه ۷۵
هرمزان اشکانی ۳۳	هیاطله ۱۸
هزار اسف ۳۰	هیجا = محمد بن زید الاسود
هرمس بن رومی ۱۲	هیره بن عامر ۶۸
هشام بن عبدالملک ۳۸، ۵۱، ۸۰، ۸۳، ۸۷	- ۹ -
۱۵۱	وائق عباسی (هارون بن معتصم) ۹۱
هشام کلبی ۷۸، ۲۴	وائقیان ۹۱
هشام بن مغیره مخزومی ۸۲	وائله بن اسقع ۷۷
هشام بن ولید مخزومی ۸۳	واوه = علی بن محمد
هضام بن بسام بن محیا ۱۸۳	وبار بن امیم ۲۳
هضام بن جعفر بن ابی الفاتک ۱۱۴	وحاحده ۱۸۶
هلاکو ۱۳۲، ۹۳، ۷۶، ۳۶، ۱۷، ۱۵، ۱۴	ود حسنی = مد
هلال بن حنظل ۷۸	ورام بن ابی فراس ۵۶
هلال صابی ۳۷	ورقه بن یزید ۱۹۳
همام بن جعفر عقیلی ۹۴	ورقه بن نوفل ۸۵
همام بن غالب ۷۴	وفا = احمد ابوالوفا
همای بنت بهمن ۳۱	وکیع بن ابی سود = بن حسین
همای دختر گشتاسف ۳۰	وکیع بن حسان ۷۴
همدان (بسکون میم) ۵۲	الولید = فرعون موسی
هند بنت عتبہ ۸۶	ولید بن عبدالملک ۱۰۴، ۸۷
هند مادر عمرو بن منذر ۵۵	ولید بن عبد شاعر ۵۸
هندویان ۱۸	ولید بن عتبہ ۷۶

- ولید بن مغیره ۸۳، ۶۵
ولید بن یزید بن عبد الملک ۸۷
وهب بن وهب ۸۵
وهرز فارسی ۴۴، ۱۱
وهما (بنی عمران) ۵۸
ویجن اشکانی ۳۲
ویزک ۲۸
ویل الحریص ۶
- ی -
- یا جوج ۱۲
یارد (یرد) = الیاذر
یازم شعب حمیری ۴۲
یاسرینعم ۴۱
یاسور بن سام بن نوح ۳۳
یافث ۵۹، ۲۱، ۱۸، ۱۲، ۸، ۷
یام = کنعان
یحابر بن مالک ۵۵
یحیی بن ابراهیم الاعرابی ۱۰۱، ۹۹
یحیی بن ابراهیم عقیقی ۹۹
یحیی الکلع بن ابی داود حسنی ۱۱۱
یحیی زین الشرف بن احمد ۱۵۷
یحیی بن احمد زینب ۱۵۳
یحیی بن احمد الضریر ۱۶۳
یحیی بن ادريس الثاني ۱۲۵
یحیی الصوفی بن جعفر کذاب ۱۳۵
یحیی امیر السرین بن حسن ۱۱۹
یحیی الطحان بن حسن ۲۰۷
یحیی النسابة بن حسن بن جعفر الحجه ۱۸۱
- یحیی بن حسین ذوالدمعه ۱۵۲
یحیی الهادی بن حسین بن الرسی ۱۲۸
یحیی بن حسین الشاعر حسنی ۱۱۳
یحیی بن حسین عقیلی ۹۵
یحیی بن حمزه بن وهاس ۱۱۴
یحیی بن خالد برمکی ۳۸
یحیی بن زید حسنی ۱۱۶
یحیی بن زید الشهید ۱۵۱، ۶۸
یحیی بن سالم حسنی ۱۱۶
یحیی بن سعید حلّی ۷۵
یحیی بن شریف رضوی ۱۳۵
یحیی صاحب الدیلم ۱۲۳، ۱۰۸
یحیی مبارک بن طاهر بن یحیی ۱۸۳
یحیی الشجاع بن عباس حسنی ۱۱۱
یحیی بن عبدالله بن حسن ۲۰۳
یحیی بن عبدالله ضیاء الدین ۱۸۳
یحیی بن عبدالله العالم ۱۲۹
یحیی بن عبدالله بن الفارس ۱۶۱
یحیی بن عبدالله بن محمد تغلب ۱۲۱
یحیی الصالح بن عبدالله بن محمد ۲۰۶، ۲۰۵
یحیی بن عبدالله بن یحیی ۱۱۷
یوسف بن عبیدالله الرابع ۱۷۸
یحیی بن عبیدالله بن عبدالله ۲۰۳
یحیی بن علی بن حروقه ۲۰۱
یحیی بن علی حسنی ۱۱۶
یحیی العالم بن علی حسنی ۱۱۵
یحیی عکه بن علی بن حمزه ۱۸۲
یحیی بن علی غراب ۱۶۶

- يحيى بن علي بن السلمي ١٢١
يحيى بن عمر بن يحيى ١٥٩
يحيى بن علي بن محمد ١٦٦
يحيى بن عيسى بن ذى الدمة ١٥٥، ١٥٤
يحيى بن فليته ١٢٠
امير يحيى بن قاسم ١٢٠
يحيى العالم بن قاسم النرسى ١٢٨
يحيى الزاهد بن قاسم الشيبه ١٤٩
يحيى بن قاسم بن صالح ٢٠٥
يحيى بن قاسم بن محمد ٢٠٥
يحيى الاشل بن محمد بن شجاع ١٦٨
يحيى السراج بن محمد الاصفى ١١٢، ١١١
يحيى النقيب بن ابي الفضل محمد ١٥١، ١٠٤
يحيى بن محمد بن قاسم الحرانى ١١٨
يحيى بن محمد بن داود الامير ١١٧، ١١٦
يحيى بن محمد الرئيس ٩٨
يحيى النقيب بن محمد الزاهد ١٩٤
يحيى بن محمد عباسى ٩١
يحيى بن محمد العالم ١٠٠
يحيى بن محمد بن موسى ١٤٦
يحيى بن محمد بن يحيى حسنى ١١٧
شاه يحيى مظفرى ٢٠
يحيى زحيك بن منصور ١٣٨
يحيى الفقيه بن موسى الثانى ١١٤
يحيى السويقى بن موسى الجون ١١١، ١١٠
يحيى بن امير ناصر دلقندى ١٩٥
يحيى بن هاشم حسنى ١١٨
يحيى بن ابي طاهر هبة الله ١٦١
يحيى الصلايا بن يحيى ١٩٧
يحيى المحدث بن يحيى ١٤٨
يحيى بن يحيى بن ذى الدمة ١٥٦، ١٥٢
يزدگرد بن ساسانى ٣٣
يزدگرد بن بهرام گور ٣٣
يزدگرد بن شهریار ٣٤
يزيد بن طثريه ٦٨
يزيد بن عبد الملك ٨٧
يزيد بن معاويه ٩٠، ٨٧، ٦٤، ٥٢
يزيد بن مرثد ٦٣
يزيد بن وليد ٨٧
يسوكا بهادر = ميسوكى
يعرب بن قحطان ٤٠
يعقوب پيغمبر ٥٩، ٥٨
يعقوب بن جعفر السيد ١٠٠، ٩٩
يعقوب بن طاهر بن يحيى ١٨٣
يعقوب ليث ٣٧
يفشان بن ابراهيم ١٢
يقطن بن عابر ٣٩
يقظه بن مره ٨٢
يكسوم بن ابرهه ١١
يلمع بن غائر ٢٣
يهودا بن يعقوب ٥٩
يوزاسف ٢٦
يوسف پيغمبر ٥٩، ٥٣
يوسف الخويل بن ابي داود حسنى ١١١
يوسف الاخيضر حسنى ١٠٩
يوسف بن جعفر السيد ٩٩

بطيخة واسط ٦٥

جميع ١٧٦

بغداد ٩٣٠٩١٠٨٩٠٨٨٠٨٥٠٨٠٠٧٦٠٦٥٠١٤

جبل عاقل ١٨٠

١٢٤٠١٢٣٠١١٣٠١١٠٠١٠٤٠٩٩٠٩٨

جبل الكوكب ١٢٥

١٥٥٠١٥٣٠١٥١٠١٥٠٠١٤٠٠١٣٦

جده ١١٩٠١١٥

١٨٩٠١٨٥٠١٧٩٠١٧٧٠١٦٨٠١٦٤

جرجان ١٥٠٠١٤٩٠١٠٧٠١٠٣٠٩٥

٢٠٦٠٢٠٤٠٢٠١٠١٩٧٠١٩٣٠١٩٠

جند ٤٠

بلاد الترك ١٥٨٠٣٠

جوزجان ١٥١

بلاد جبل ٩٦

جوين ١٩٥

بلاد شام ١٣٥

جيحون ٢٨٠١٩

بلاد الحميم ١٣١٠١٣٧٠١٥٤٠١٦٩٠١٧٣٠

- ج -

١٩٨٠١٩٣٠١٧٩

چاه بدر ٧٨

بلاد مقرب ١٠٣

چين ٤٢٠٣٠٠١٢٠٧

بلغ ٢٠٣٠١٨١٠١٨٠٠١٥١٠٣٨٠٣١٠٣٠

- ح -

٢٠٤

حابر ١٨٢٠١٣٩٠١٣٢٠٩٩

بم ١٤٩

حبشه ١٢٧٠١٠٨٠٨٠٠٤٤

بيارى ٢٠٧٠١٩٣٠١٤١

حديبه ٧٨

بيت اللبن ٢٠٨

حجاز ١١١٠١٠٩٠١٠٠٠٦٥٠٦٣٠٥٩٠٥٨٠٥٧

بيروت ٩٥

١٢٢٠١٢١٠١٢٠٠١١٧٠١١٦٠١١٥

- ت -

٢٠٥٠١٩٨٠١٦٩٠١٤١٠١٣١٠١٢٩

تانه ١٩٧

حران ٢٠٥٠٢٠٢٠٦٦

تبوك ٤٩

حضر ٤٥

تركستان ٤٠٠٣٤٠١٦

حله ١٠١٠٩٩٠٨٩٠٨٨٠٨٥٠٧٦٠٧٥٠٥٦٠٥٥

ترمد ١٨٠

١٣٣٠١٢٣٠١٢٢٠١٢١٠١١٨٠١١٧٠١١٢

تستر ١٥٦

١٥٤٠١٤٦٠١٤١٠١٣٩٠١٣٨٠١٣٦

تل فخار ٣٣

١٧٨٠١٧٩٠١٧٤٠١٦٦٠١٦١٠١٥٩

تفرش ١٤٨

١٩١٠١٨٨٠١٨٦٠١٨٤٠١٨٣٠١٨٢

تمندر ٣٠

٢٠٧٠٢٠٦٠١٩٩٠١٩٧٠١٩٣

تهامه ٤٤

حلب ١٥٠٠١٢٩٠٩٥٠٦٧٠٣٦

- ج -

حمص ١٥٣

جار (موضعی در ساحل دریای احمر) ١٠٠

دسیاط ۲۰۲

حنین ۶۵،۶۴

دنباوند ۲۵

حویزه ۷۶

دهلی ۱۸،۱۶

حیره ۵۷،۵۵،۵۳،۵۲

دومة الجندل ۵۳

-خ-

دیار بکر ۲۱،۱۶

خییص ۱۴۹

دیار معد ۵۳

ختا ۷

دیر حنظله ۵۷

خجند ۱۰۳

دیلم ۱۶۸،۱۲۳،۷۱،۱۱

خراسان ۱،۰۵،۹۵،۸۳،۷۷،۷۴،۶۸،۳۴،۱۷

دینور ۱۹۲،۱۴۶

۱،۸۹،۱۸۰،۱۳۵،۱۱۳،۱۰۹،۱۰۸

ذمار ۴۰

۱۹۴

-ز-

کوه رس ۱۲۷

خرز ۱۲

رامهرمز ۱۳۳

خلط ۶۹

راوند ۱۳۲

خواف ۶۸

رملة شام ۱۸۴،۱۲۸

خورنق ۵۴

رواق عمران ۶۵

خوزستان ۱۲۹

رودبار ۱۰۵

-ذ، ذ-

روم ۵۳،۴۷،۳۲،۲۴،۲۳،۲۱،۱۹،۱۶،۱۲

دادخ ۱۵۹

۶۰،۵۹

دارابگرد ۳۱

رویه ۲۲

دارالشجره ۹۳

ری ۱،۲۹،۱۲۶،۱۰۶،۱۰۴،۱۰۳،۷۲،۲۵

دباوند=دنباوند

۱،۶۹،۱۵۱،۱۵۰،۱۴۹،۱۴۲،۱۴۱

دجله ۲۸،۲۶

۱۹۹،۱۹۲،۱۸۹

دجیل ۹۱

-ز-

دربند ۳۰

زابلستان ۱۷

دلقتند ۱۹۵

زرود ۶۹

دماوند=دنباوند

زیتون ۱۲۵

کوه دماوند ۲۵

-س-

دمشق ۱،۴۶،۱۰۶،۱۰۳،۱۰۱،۹۹،۹۸،۳۶

سامره(سامرا) ۱۵۶،۱۳۵،۱۱۰

۱۷۱،۱۶۴،۱۶۲،۱۵۵،۱۴۷

شوش ۱۴۲، ۲۶	سبزوار ۱۹۲، ۱۸۰
شوشتر ۲۵	سجستان ۵۱، ۳۰، ۱۲
شیراز ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۹۸، ۲۰۳، ۱۹۹	سجلماسه ۱۴۴
۲۰۶	سدیر ۵۴
- ص -	سرم‌رای = سامره
صدرین ۶۶	سرین ۱۲۰، ۱۱۹
صدقوره ۱۲۵	سلجین ۴۱
صدقیه ۱۲۵	سلمی (کوه) ۵۶
صمید (صمیدمصر) ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۴۴	سمرقند ۲۰۱، ۱۵۸، ۹۸، ۶۳، ۴۲، ۴۰، ۱۹
۱۹۸	سند ۱۰۸، ۸
صند ۴۲، ۴۰	سوادالبصره ۲۰۴
صفین ۸۴، ۶۲، ۵۱، ۴۴، ۳۹	سودان ۸
صیدا ۱۳۵	سورا ۳۳، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۸
- ط -	۲۰۷، ۱۹۷، ۱۹۳، ۱۹۱
طایف ۸۱، ۴۹	سوس اقصی ۱۲۵
طبرستان ۲۶، ۲۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۰۳	- ش -
طبریه ۲۰۲	شاپور فارس ۲۶
طرابلس ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۶۱	شالوما = کنتان
طوس ۱۴۲، ۲۶	شام ۱۰، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۳۵، ۳۶، ۵۲، ۵۴
طیسفون (طیسفون مدائن) ۳۳، ۲۹	۵۷، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۸۹، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۹
- ظ -	۱۳۳، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۹
ظلم (موضعی ازین) ۲۰۵	۲۰۸
- ع -	شاهی ۱۵۹
عباده ۶۹	شرقیه ۱۵۹
عراق ۲۳، ۲۴، ۳۹، ۵۰، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۶۶	شط بغداد ۱۸۹
۷۲، ۸۵، ۹۰، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۶	شط نوف ۲۰۰
۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰	شنانه ۱۲۵
۱۳۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۸۸، ۱۸۹	

فراوان ۱۴۸	عراق عرب ۱۹۸، ۱۴۶، ۱۱۰، ۶۸
فسا ۹۵، ۳۰	عراقین ۸۵
فلسطین ۱۰، ۹	هریستان ۵۱
فیل (کوه) ۱۲۹	عرفات ۷۳، ۷۱
	سد عرم ۴۱
- ق -	عریض ۱۴۷
قاشان = کاشان	صکر = سامراء
قتاب ۱۳	عقبه ۴۸
قزوین ۱۹۸، ۱۶۵، ۱۴۰، ۱۳۲، ۱۰۶، ۹۹، ۹۷	عکبرا ۱۵۵
۱۹۹	کوه علج ۱۰۸
قصراین هییره ۱۲۷، ۳۳	عمان ۹۶
قلیف ۶۹، ۶۳	عمان (کفراب) ۵۷
قم ۱۹۹، ۱۹۱، ۱۶۷، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۳۶	- غ -
قنقرات ۱۲	غاضریات ۷۶
قوشان ۱۵۹	غیرا ۶۴
قیساریه = قیساریه	غزنه = غزنی
قیساریه ۲۲	غزنین = غزنی
- ک -	غزنی ۱۰۵، ۱۷
کابل ۱۰۸	غزه ۱۹۳
کاشان ۳۰	غمدان ۴۱
کربلا (مشهدالحسین) ۱۰۲، ۹۴، ۷۶، ۷۴، ۶۷	غقق ۱۱۱
کرخ ۱۷۷	- ف -
کرمان ۱۴۹، ۹۶، ۲۰	فاس ۱۲۵
کشمیر ۲۹	فارس ۹۸، ۹۶، ۶۶، ۳۵، ۳۲، ۳۱، ۲۶، ۲۰
کعبه ۸۵، ۸۴، ۱۱	۲۰۰، ۱۸۹
کوفه ۹۴، ۹۱، ۸۹، ۸۸، ۸۳، ۷۹، ۷۶، ۶۵	فاره ۶۱
۱۳۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۳، ۹۵	فغ ۱۹۵، ۱۹۰، ۱۳۲، ۱۳۰، ۱۲۴
۱۷۷، ۱۷۵، ۱۵۹، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۷	فرات ۳۳، ۲۸

١٨٩٠١٨٨ ١٨٤٠١٧٩ ١٧٧ ١٧٦	١٩٨٠١٩٧ ١٩٣ ١٨٤ ١٧٩ ١٧٨
١٩٧ ١٩٣	٢٠٧ ١٩٩
مشهد القاسم ١٦٢ ١٦١	كوكبيه ١٤٢
مشهد امام كاظم ١٦٤ ١٣٨ ١٣٥ ١٠٤	- م -
مصر ٩٣ ٩٠ ٧٩ ٣٦ ٣٥ ٣٠ ١٠ ٩ ٨	مأرب ٤٦
١١٩ ١٠٢ ١٠٠ ٩٨ ٩٦ ٩٥ ٩٤	ماچين ٧
١٢٩ ١٢٨ ١٢٦ ١٢٥ ١٢١ ١٢٠	مازندران ٢٩
١٤٤ ١٤٣ ١٤١ ١٣٥ ١٣١ ١٣٠	ماسبدان ٣٥
١٦٢ ١٥١ ١٥٠ ١٤٩ ١٤٦ ١٤٥	ماوراءالنهر ١٠٩ ١٠٥ ١٠٣ ١٦
١٩٩ ١٩٨ ١٨٤ ١٧٩ ١٧٧ ١٦٣	مخلاف يمن ١١٣
٢٠١ ٢٠٠	مدائن ١٩٧ ١٩٦ ٣٢ ٣١ ٢٩
مطارآباد ١٧٩ ١١٧	مدیرانه ١٢٥
مغرب ١٤٤ ١٤٣ ١٤٠ ١٢٥ ١٢٤ ٩٩	مدین ٩
٢٠٣ ١٦٩	مدینه ٨٧ ٨٥ ٨٠ ٦٧ ٦٥ ٦٤ ٤٩ ٤٨ ٤٧
مغرب أقصى ٢٠٤	١٠٨ ١٠٤ ١٠٢ ٩٩ ٩٨ ٩٥ ٨٩
مقابر قریش ١٥٦ ١٥٥	١٨٠ ١٦٥ ١٤٨ ١٤٨ ١٤٢ ١٣٥ ١١٤
مقابر النور ٢٠٤	٢٠١ ١٨٦ ١٨٥ ١٨٤ ١٨٣ ١٨١
مکلاته ١٢٥	٢٠٣
مکه ٧٨ ٦٥ ٦٠ ٥٢ ٤٩ ٤٨ ٣٩ ٣٥ ١٠	مذار ١٤٧
١١٣ ١٠٩ ١٠٢ ٨٨ ٨٥ ٨٤ ٨٣	مراغه ١٣٢
١٧١ ١٤١ ١٢٨ ١٢٣ ١٢١ ١١٩	مراکش ١٢٥
٢٠١ ١٩٢	مسجد سليمان ٢٦
مکناسه ١٢٥	مسجد عبدالجبار ١٢٦
ملتان ٢٠٥ ١٠٥	مشرف ٤٠
ملیانه ١٢٥	مشهدالحسين ١٤٠ ١٣٩ ١٣٨ ١١٧ ٦٥
مهديه ١٤٤	١٨٢ ١٧٤ ١٧١ ١٥٦ ١٥٥ ١٥٣
مهرجاندو ٢٨	٢٠٢
موصل ١٥٤ ١٥٣ ١٢٤ ١٠٠ ٦٩ ٣٤ ١٦	مشهدعلى (امير المؤمنين) ١٣٦ ١٠٦ ١٠٤
٢٠٧ ١٩٩ ١٧٨	١٥٩ ١٥٨ ١٥٧ ١٥٤ ١٤٠ ١٣٧
مولتان = ملتان	١٧٤ ١٦٧ ١٦٦ ١٦٥ ١٦٤ ١٦٣
مینون ٤١	

- ۱۵ -

ہندوستان ۱۶، ۱۷، ۳۰، ۴۰، ۹۵، ۱۰۵، ۱۲۷،

٢٠٠٦١٩٧

- 9 -

ناصریہ ۱۶۸

فصل ۵۸۶۵۲

نجران ۴۰

نصیبین ۱۷۸۶۱۴۹۶۳۱۶۹۷۶۹۵۶۹۴۶۵۰

نہاوند ۷۱

نهر اعظم ۱۲۵

نهر مقل ۷۱

نہروان ۵۱

نویسہ ۱۰۵

نویہار ۳۸

نشایور ۱۹۴۶۱۰۷۶۱۰۳

٢٠٦٦٢٠٠٦١٥٩٦١٣٣٦٨٥ نیل مصر

- A -

ہرات ۱۸۱۶۹۶

هرمز (جزیره) ۱۹۷

هزارستون ۳۱

همدان ۱۳۲۶، ۱۰۵، ۲۶

ینیم ۱۱۸۶۱۱۲۶۱۱۱۶۱۰۹

يونان ۳۴،۳۲،۲۲،۲۱،۱۲

روزها

يوم احد ٨٤٠٨٣٠٨٠٠٧٩

يوم بدر ٨٨٠٨٦٨٣٨١٨٠٨٧٩٧٧

يوم بشر ٦٥

يوم جبلة ٦٧

یوم الجمل (جنگ جمل) ۸۲، ۷۱

يوم الحره ٦٤

يوم حنين ٨٨

یوم خندق ۷۸

يوم صفين ٨٩

یوم فتح مکہ ۸۲۶۷۸

يوم الفجار ٧٧

يوم القادسيه ٢٧

یوم قضه ۶۲

يوم الثلاثاء ٥٦

۹۶ م م م م م

يوم مرج راهط ۷۸۶۶۷

بسم نهوان ۷۰



نگاهی بکتاب

- | | |
|--|--|
| سیل‌المرم ۴۶ | اول کسی که انعام را جایزه خواند ۶۶ |
| شیوع بت پرستی در عرب ۴۹ | اول کسی که بیمارستان را بنا کرد ۳۱ |
| شیوه تفرقه انداختن و حکومت کردن ۳۱ | اول کسی از بنی اسرائیل که نام ملک بر او اطلاق شده ۵۹ |
| کلید داران کعبه ۸۴ | اولین پادشاه متصرفه روم ۲۲ |
| لواط‌صی بن کلاب و اصحاب آن ۸۴ | اولین قیصر روم ۲۱ |
| معنای کرد ۳۵ | تازیانه‌های اصبحی ۴۴ |
| معنای سمرقند ۴۲ | حله را چرا «حله سیفیه» میگویند؟ ۲۲ |
| ممالیک بحری و ممالیک صلاحی ۳۶ | حکمت اشراق منسوب به کیست؟ ۲۲ |
| نوشتن کتاب زردشت در دوازده هزار پوست؟ ۳۰ | دیلم از نسل عرب است؟ ۷۱ |
| نیزه‌های شرعی ۴۴ | ذوالفقار شمشیر عاص بن امیه بود ۸۱ |
| سکه ۳۱-۸۰ | |

copyright 1984 by Sherkat—e enteshârat—e elmi va farhangi
printed in sh e.e.f. printing House
Tehrân

Legacy of Iran & Islam



Al- fūsul al - fakhryyah

by

Jamāl al-din Aḥmad Ibn-ʿinabih

Sayyed Jalāl al-din Mohaddeth

**Scientific & Cultural
Publications Company**

Tehran 1984